



سلسلہ انتشارات انجمن اُردو

۹۱۹۵

از ستار تا استار باد

مجلد ہفتم

ثالث،

اساتذہ ماہی گنگاں

بکوشش،

سیح ذبیحی۔ دکنر منہ پرتو،

استادان استاد

نخستین

مازندران

وکیلان

۱

۲

۳

کتابخانه
پایین



سلسلہ انتشارات انجمن آثار ملی

«۱۱۹»

از آستارا تا اسار باد

مجلد ہفتم

شامل:

اسناد تاریخی کرگان

ہکوش:

میچ ذبیحی - دکنر منوچہر تودہ

از این کتاب دوهزار نسخه در چاپخانه بهمن به چاپ رسید
شماره ثبت دفتر مخصوص کتابخانه ملی

بنام خداوند حبان آفرین

پس از سپاس بی قیاس به درگاه پروردگار تعالی و درود منتهی و ان بر پیر بزرگ اسلام
حضرت محمد مصطفی (ص)، در پر تو عنایات گریمانه ذات نجسته شهر یاری علی حضرت همایون
محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه آریا مهر مجله نهم کتاب «از آستار تا آستار باد» شامل اسناد
تاریخی گوناگون مربوط به سرزمین گرگان به معرض انتشار و استفاده علاقه مندان گذارده میشود.
مجله حاضر در حقیقت با مجله پیشین همین کتاب یعنی مجله ششم کتاب «از آستار تا
آستار باد» صورت کتاب واحدی را دارد که به علت زیادتی صفحات و حجم آن در دو مجله
صحافی و تجلید شده است و بدین مناسبت آنچه در سر آغاز مجله ششم مرقوم رفت درباره
این مجله هم از هر جهت صدق می کند و تکرار آن بی مورد خواهد بود، همین لحاظ تصدیق
افزای خوانندگان گرامی نشده خاطر عزیزشان را به سر آغاز مجله پیشین معطوف میدارد.
همیدوار و آرزمند است که با پایمردی دانشوران و عناصر کرانمای فرهنگی و پژوهندگان
ارجمند مرز و بوم ایران عزیز بیش از پیش توفیق خدمات شایسته و درخور پیشینه فرهنگی چند هزار ساله
این سرزمین مقدس نصیب گردد.

بیتا کرمه
انجمن آثار ملی

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
۱	بخش پنجم : اسناد مبايعه و بيع شرط
۳	۱ - سند مبايعه مورخ ۹۲۰ هـ . ق .
۴	۲ - سند مبايعه مورخ ۹۳۸ هـ . ق .
۷	۳ - سند مبايعه مورخ ۹۵۴ هـ . ق .
۹	۴ - سند مبايعه مورخ ۱۰۴۲ هـ . ق .
۱۳	۵ - سند مبايعه مورخ ۱۰۴۹ هـ . ق .
۱۵	۶ - سند مبايعه شرطی مورخ ۱۱۱۹ هـ . ق .
۱۸	۷ - سند مبايعه مورخ ۱۱۲۳ هـ . ق .
۲۰	۸ - سند مبايعه مورخ ۱۱۲۶ هـ . ق .
۲۴	۹ - سند مبايعه مورخ ۱۱۲۹ هـ . ق .
۲۸	۱۰ - سند مبايعه مورخ ربيع الاول سنه ۱۱۴۰ هـ . ق .
۲۹	۱۱ - سند مبايعه مورخ ۱۱۷۰ هـ . ق .
۳۱	۱۲ - سند مبايعه مورخ ربيع الاول سنه ۱۱۷۴ هـ . ق .
۳۳	۱۳ - سند مبايعه مورخ ذیحجه الحرام سنه ۱۱۷۴ هـ . ق .
۳۵	۱۴ - سند مبايعه مورخ ۱۱۲۵ هـ . ق .

- ۳۸ - ۱۵ - سند بیع شرط مورخ ۱۲۳۸ ه. ق.
- ۴۰ - ۱۶ - سند مبیاعه مورخ ۱۲۳۹ ه. ق.
- ۴۳ - ۱۷ - سند مبیاعه مورخ ۱۲۴۰ ه. ق.
- ۴۵ - ۱۸ - سند مبیاعه مورخ ۱۲۴۸ ه. ق.
- ۴۷ - ۱۹ - سند مبیاعه مورخ ۱۲۵۲ ه. ق.
- ۴۹ - ۲۰ - سند مبیاعه مورخ ۱۲۵۶ ه. ق.
- ۵۳ - ۲۱ - سند مبیاعه مورخ ۱۲۷۵ ه. ق.
- ۵۵ - ۲۲ - سند مبیاعه مورخ ۱۲۷۶ ه. ق.
- ۵۶ - ۲۳ - سند مبیاعه مورخ ۱۲۹۱ ه. ق.
- ۵۸ - ۲۴ - سند مبیاعه مورخ ۱۳۰۳ ه. ق.

بخش ششم : مصالحه نامه‌چه و هبه نامه

- ۶۱ - ۱ - هبه نامه مورخ ۹۴۲ ه. ق.
- ۶۳ - ۲ - مصالحه نامه‌چه مورخ ۹۵۴ ه. ق.
- ۶۵ - ۳ - مصالحه نامه‌چه مورخ ۱۲۳۶ ه. ق.
- ۶۷ - ۴ - مصالحه نامه‌چه مورخ ۱۲۴۸ ه. ق.
- ۷۰ - ۵ - مصالحه نامه‌چه مورخ ۱۲۵۰ ه. ق.
- ۷۱ - ۶ - مصالحه نامه‌چه مورخ ۱۲۵۵ ه. ق.
- ۷۴ - ۷ - مصالحه نامه‌چه مورخ دهم رجب المرجب سنه ۱۲۵۵ ه. ق.
- ۷۶ - ۸ - مصالحه نامه‌چه مورخ سیزدهم رجب المرجب سنه ۱۲۵۵ ه. ق.
- ۷۸ - ۹ - مصالحه نامه‌چه مورخ ۱۲۶۱ ه. ق.
- ۸۳ - ۱۰ - مصالحه نامه‌چه مورخ ۱۲۶۸ ه. ق.
- ۸۵ - ۱۱ - مصالحه نامه‌چه مورخ رجب سنه ۱۲۶۹ ه. ق.
- ۸۸ - ۱۲ - مصالحه نامه‌چه مورخ ربیع الاول سنه ۱۲۶۹ ه. ق.
- ۹۱

- ۹۳ - ۱۳ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۶۹ ه. ق.
- ۹۴ - ۱۴ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۷۵ ه. ق.
- ۹۸ - ۱۵ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۷۶ ه. ق.
- ۱۰۱ - ۱۶ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۷۷ ه. ق.
- ۱۰۲ - ۱۷ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۷۹ ه. ق.
- ۱۰۵ - ۱۸ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۷۹ ه. ق.
- ۱۱۷ - ۱۹ - مصالحه نامه‌ی مورخ جمادی الاول سنه ۱۲۸۰ ه. ق.
- ۱۱۰ - ۲۰ - مصالحه نامه‌ی مورخ رجب سنه ۱۲۸۰ ه. ق.
- ۱۱۲ - ۲۱ - مصالحه نامه‌ی مورخ ربیع الثانی سنه ۱۲۸۱ ه. ق.
- ۱۱۴ - ۲۲ - مصالحه نامه‌ی مورخ شعبان سنه ۱۲۸۱ ه. ق.
- ۱۱۶ - ۲۳ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۸۶ ه. ق.
- ۱۱۸ - ۲۴ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۸۶ ه. ق.
- ۱۲۰ - ۲۵ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۸۸ ه. ق.
- ۱۲۲ - ۲۶ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۸۷ ه. ق.
- ۱۲۴ - ۲۷ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۸۸ ه. ق.
- ۱۲۶ - ۲۸ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۸۹ ه. ق.
- ۱۲۸ - ۲۹ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۸۹ ه. ق.
- ۱۳۰ - ۳۰ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۹۰ ه. ق.
- ۱۳۲ - ۳۱ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۹۰ ه. ق.
- ۱۳۴ - ۳۲ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۹۱ ه. ق.
- ۱۳۶ - ۳۳ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۹۱ ه. ق.
- ۱۴۰ - ۳۴ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۹۱ ه. ق.
- ۱۴۳ - ۳۵ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۹۱ ه. ق.
- ۱۴۶ - ۳۶ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۹۲ ه. ق.

- ۱۴۸ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۲۹۳ ه. ق.
- ۱۵۰ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۲۹۴ ه. ق.
- ۱۵۲ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۲۹۷ ه. ق.
- ۱۵۴ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۲۹۷ ه. ق.
- ۱۵۶ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۲۹۷ ه. ق.
- ۱۵۹ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۲۹۹ ه. ق.
- ۱۶۲ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۰۳ ه. ق.
- ۱۶۳ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۰۳ ه. ق.
- ۱۶۵ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۰۵ ه. ق.
- ۱۶۷ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۰۷ ه. ق.
- ۱۷۰ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۰۷ ه. ق.
- ۱۷۱ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۰۹ ه. ق.
- ۱۷۲ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۱۰ ه. ق.
- ۱۷۴ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۱۲ ه. ق.
- ۱۷۶ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۱۲ ه. ق.
- ۱۷۸ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۱۳ ه. ق.
- ۱۸۱ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۱۳ ه. ق.
- ۱۸۴ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۱۶ ه. ق.
- ۱۸۶ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۱۶ ه. ق.
- ۱۸۹ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۱۷ ه. ق.
- ۱۹۲ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۱۸ ه. ق.
- ۱۹۳ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۱۹ ه. ق.
- ۱۹۵ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۲۰ ه. ق.
- ۱۹۷ - مصالحه نامیچۀ مورخ ۱۳۲۳ ه. ق.

- ۱۹۹ - ۶۱ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۳۳۳ ه. ق.
- ۲۰۲ - ۶۲ - مصالحه نامه‌ی مورخ شعبان ۱۳۳۵ ه. ق.
- ۲۰۴ - ۶۳ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۳۴۰ ه. ق.
- ۲۰۸ - ۶۴ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۳۴۰ ه. ق.
- ۲۱۰ - ۶۵ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۳۴۰ ه. ق.
- ۲۱۳ - ۶۶ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۳۴۱ ه. ق.
- ۲۱۴ - ۶۷ - مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۳۴۶ ه. ق.

بخش هفتم : استشهادنامه‌ی

- ۲۱۹ - ۱ - استشهادنامه‌ی ظاهر آ سنه ۱۰۰۰ ه. ق.
- ۲۲۲ - ۲ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۰۰۵ ه. ق.
- ۲۲۵ - ۳ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۰۰۵ ه. ق.
- ۲۲۷ - ۴ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۰۹۵ ه. ق.
- ۲۳۰ - ۵ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۱۴۳ ه. ق.
- ۲۳۴ - ۶ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۱۵۶ ه. ق.
- ۲۳۷ - ۷ - استشهادنامه‌ی بدون تاریخ.
- ۲۳۹ - ۸ - استشهادنامه‌ی بدون تاریخ.
- ۲۴۵ - ۹ - استشهادنامه‌ی بدون تاریخ.
- ۲۴۸ - ۱۰ - استشهادنامه‌ی بدون تاریخ.
- ۲۵۳ - ۱۱ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۲۵۶ ه. ق.
- ۲۵۵ - ۱۲ - استشهادنامه‌ی بدون تاریخ.
- ۲۵۷ - ۱۳ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۲۵۸ ه. ق.
- ۲۶۲ - ۱۴ - سواد استشهادنامه‌ی بدون تاریخ.
- ۲۶۸ - ۱۵ - استشهادنامه‌ی بی تاریخ.
- ۲۷۱ - ۱۶ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۲۷۰ ه. ق.

- ۲۷۵ - استشهادنامه‌ی بدون تاریخ.
- ۲۷۷ - استشهادنامه‌ی حدود سنه ۱۲۸۰ ه. ق.
- ۲۸۲ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۲۸۳ ه. ق.
- ۲۸۴ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۲۸۹ ه. ق.
- ۲۸۷ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۳۱۰ ه. ق.
- ۲۹۰ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۳۱۰ ه. ق.
- ۲۹۳ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۳۱۳ ه. ق.
- ۲۹۷ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۳۱۳ ه. ق.
- ۲۹۸ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۳۱۶ ه. ق.
- ۳۰۰ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۳۴۲ ه. ق.
- ۳۰۲ - شهادتنامه‌ی مورخ ۱۲۴۲ ه. ق.
- ۳۰۴ - استشهادنامه‌ی مورخ ۱۳۴۳ ه. ق.
- ۳۰۶ - استشهادنامه‌ی بدون تاریخ.
- ۳۰۸ - استشهادنامه‌ی بدون تاریخ.
- ۳۱۰ - استشهادنامه‌ی بدون تاریخ.
- ۳۱۴ - استشهادنامه‌ی بدون تاریخ.
- ۳۱۷ - رونوشت استشهادنامه‌ی بدون تاریخ.
- بخش هشتم : قرارنامه - اذن نامه - وصایت نامه - تقسیم نامه
- ۳۲۵ - قرارنامه‌ی مورخ ۱۱۰۶ ه. ق.
- ۳۲۷ - قرارنامه‌ی تعیین حدود
- ۳۲۹ - قرارنامه‌ی رفع دعوی مورخ ۱۱۶۴ ه. ق.
- ۳۳۳ - قرارنامه‌ی مورخ ۱۲۰۹ ه. ق.
- ۳۳۶ - قرارنامه‌ی مورخ ۱۲۳۴ ه. ق.
- ۳۳۸ - قرارنامه‌ی و اعتراف نامه‌ی مورخ ۱۲۵۷ ه. ق.
- ۳۴۰

- ۳۴۲ - ۷ - قرارنامه‌ی شرعی مورخ ۱۲۵۷ ه. ق.
- ۳۴۴ - ۸ - قرارنامه‌ی مورخ ۱۲۶۳ ه. ق.
- ۳۴۶ - ۹ - التزامنامه‌ی مورخ ۱۲۶۳ ه. ق.
- ۳۴۸ - ۱۰ - قرارنامه‌ی مورخ ۱۲۸۱ ه. ق.
- ۳۴۹ - ۱۱ - التزامنامه‌ی مورخ ۱۲۸۳ ه. ق.
- ۳۵۱ - ۱۲ - قرارنامه‌ی مورخ ۱۲۸۵ ه. ق.
- ۳۵۴ - ۱۳ - قرارنامه‌ی مورخ ۱۲۸۹ ه. ق.
- ۳۵۷ - ۱۴ - اذننامه‌ی مورخ ۱۲۹۱ ه. ق.
- ۳۵۹ - ۱۵ - اذننامه‌ی مورخ ۱۲۹۲ ه. ق.
- ۳۶۱ - ۱۶ - تقسیمنامه‌ی مورخ ۱۲۹۷ ه. ق.
- ۳۶۴ - ۱۷ - قرارنامه‌ی مورخ ۱۳۰۵ ه. ق.
- ۳۶۶ - ۱۸ - قرارنامه‌ی مورخ ۱۳۱۲ ه. ق.
- ۳۶۸ - ۱۹ - اذننامه‌ی مورخ ۱۳۱۸ ه. ق.
- ۳۷۱ - ۲۰ - رونوشت وصایتنامه‌ی مورخ ۱۳۱۹ ه. ق.
- ۳۷۳ - ۲۱ - قرارنامه‌ی مورخ ۱۳۳۳ ه. ق.
- ۳۷۵ - ۲۲ - قرارنامه‌ی مورخ ۱۳۳۷ ه. ق.
- ۳۷۶ - ۲۳ - اذننامه‌ی مورخ ۱۳۴۱ ه. ق.
- ۳۷۸ - ۲۴ - قرارنامه‌ی مورخ ۱۳۵۱ ه. ق.

بخش نهم: قبائله مناکحه

- ۳۸۳ - ۱ - قبائله مناکحه مورخ ۱۲۰۸ ه. ق.
- ۳۸۵ - ۲ - قبائله مناکحه مورخ ۱۲۷۳ ه. ق.
- ۳۸۷ - ۳ - قبائله مناکحه مورخ ۱۳۲۲ ه. ق.

بخش دهم: نامه‌های رسمی و دوستانه

- ۳۹۳ - ۱ - نامه‌ایست که از دربار فتحعلی شاه برای

- ۳۹۴ - نامه ایست که همراه سیصد تومان
- ۳۹۵ - سوادنامه حاجی سید محمدباقر به
- ۳۹۷ - نامه عباسی قاجار به دربار
- ۳۹۸ - نامه ایست که از دربار فتحعلی شاه برای
- ۳۹۹ - نامه ایست که از استرآباد به مرکز نوشته شده است.
- ۴۰۰ - نامه ایست که یکی از مراجع شرع
- ۴۰۲ - سوادنامه ایست که از مرکز برای حاکم استرآباد
- ۴۰۵ - سوادنامه ایست که از مرکز برای حاکم استرآباد
- ۴۰۷ - نامه محمدشاه به پسرش که آقاسید محمدتقی
- ۴۰۸ - نامه ایست که محمدنصیر هزارجریبی
- ۴۱۰ - نامه ایست که فتحعلی شاه برای سیداحمد
- ۴۱۱ - نامه ایست که ملک آرا برای آقاسید مفید
- ۴۱۲ - نامه فتحعلی شاه که در جواب نامه سیداحمد
- ۴۱۳ - نامه مورخ ۱۲۷۶ هـ . ق.
- ۴۱۵ - نامه ایست دوستانه که نویسنده
- ۴۱۶ - نامه ایست دوستانه.
- ۴۱۷ - نامه ایست دوستانه که کسی برای
- ۴۱۸ - نامه ایست دوستانه که کسی برای حاجی
- ۴۱۹ - نامه ایست دوستانه که در آن نویسنده
- ۴۲۰ - نامه ایست دوستانه.
- ۴۲۱ - نامه ایست دوستانه.
- ۴۲۲ - نامه مورخ ۱۲۸۵ هـ . ق.
- ۴۲۳ - نامه ایست که در آن تأکید شده که
- ۴۲۵ - نامه ایست که یکی از مراجع شرع

- ۲۶ - نامه ایست رسمی ودیوانی. ۴۲۷
- ۲۷ - نامه ایست که ظاهر ا یکی از وکلای سادات ۴۲۹
- ۲۸ - نامه ایست دوستانه که در آن اشاره ای ۴۳۱
- ۲۹ - نامه ای رسمی ودیوانی مورخ ۱۲۶۴ ه. ق. ۴۳۲
- ۳۰ - نامه ایست که يك تن از طرفداران ۴۳۴
- ۳۱ - سواد نامه ایست که ظاهر ا طرفداران سادات ۴۳۹
- ۳۲ - نامه ایست که یکی از مراجع شرع ۴۴۲
- ۳۳ - نامه مورخ ۱۲۶۰ ه. ق. ۴۴۶
- ۳۴ - نامه ایست رسمی ودیوانی مورخ ۱۲۷۴ ه. ق. ۴۴۷
- ۳۵ - نامه ای شکایت آمیز بامهر هفده تن ۴۴۹
- ۳۶ - نامه ای مورخ ۱۲۶۱ ه. ق. ۴۵۱
- ۳۷ - نامه ای به اعتضاد الدوله. ۴۵۲
- ۳۸ - سواد نامه ریاست وزرا مورخ ۱۳۰۱ ه. ق. ۴۵۴
- ۳۹ - سواد مرقومه ریاست وزرا مورخ ۱۳۰۱ ه. ق. ۴۵۵
- اسنادی که در پاییز سال ۱۳۵۳ به دست آمد ۴۵۷
- فرمان - حکم - تعلیقه ۴۵۹
- ۱ - فرمان شاه طهماسب دوم مورخ ۱۱۳۶ ه. ق. ۴۵۹
- ۲ - فرمان شاه طهماسب دوم مورخ ۱۱۳۸ ه. ق. ۴۶۰
- ۳ - فرمان کریم خان زند مورخ ۱۱۸۳ ه. ق. ۴۶۲
- ۴ - حکم محمد قلی میرزا مورخ ۱۲۲۵ ه. ق. ۴۶۳
- ۵ - فرمان فتحعلی شاه مورخ ۱۲۲۵ ه. ق. ۴۶۵
- ۶ - حکم محمد قلی میرزا مورخ ۱۲۲۵ ه. ق. ۴۶۷
- ۷ - حکم محمد قلی میرزا مورخ ۱۲۳۷ ه. ق. ۴۶۸
- ۸ - حکم محمد قلی میرزا مورخ ۱۲۳۸ ه. ق. ۴۷۰

- ۴۷۲ - حکم حکمران استرآباد مورخ ۱۲۴۸ ه. ق.
- ۴۷۳ - حکم محمد ناصر خان مورخ ۱۲۵۷ ه. ق.
- ۴۷۴ - تعلیقه شاهرخ بن ابراهیم بن مهدیقلی خان مورخ ۱۲۶۰ ه. ق.
- ۴۷۵ - فرمان ناصرالدین شاه مورخ ۱۲۶۷ ه. ق.
- ۴۷۶ - حکم ساعدالدوله مورخ ۱۳۰۱ ه. ق.
- ۴۷۷ - حکم ساعدالدوله مورخ ۱۳۰۲ ه. ق.
- ۴۷۸ - حکم سهام الدوله مورخ ۱۳۰۴ ه. ق.
- ۴۷۹ - فرمان ناصرالدین شاه مورخ ۱۳۰۷ ه. ق.
- ۴۸۰ - حکم ساعدالدوله مورخ ۱۳۱۰ ه. ق.
- ۴۸۱ - فرمان شاهی به والی مازندران و استرآباد....
- ۴۸۲ - ظاهرأ حکم علیقلی میرزا به فرزندش
- ۴۸۳ - ظاهرأ رقم علیقلی میرزا ملک آراست....
- ۴۸۴ - دستور رئیس عدلیه استرآباد مورخ ۱۳۲۸ ه. ق.
- ۴۸۵ - فرمان احمدشاه قاجار مورخ ۱۳۳۰ ه. ق.

وقفنامه

- ۴۸۷ - وقفنامه حاجی میرزا معزالدین محمد مورخ ۱۱۶۹ ه. ق.
- ۴۹۲ - وقفنامه آقا محمدخان قاجار مورخ ۱۲۰۶ ه. ق.
- ۴۹۵ - وقفنامه مدرسه صالحیه مورخ ۱۲۳۲ ه. ق.
- ۵۰۱ - سواد وقفنامه حاجی رحیم دولوی قاجار مورخ ۱۲۴۵ ه. ق.
- ۵۰۶ - سواد وقفنامه محمدقلی میرزا ملک آرا مورخ ۱۲۴۹ ه. ق.
- ۵۱۳ - وقفنامه محمدتقی خان هزارجریبی مورخ ۱۲۵۶ ه. ق.
- ۵۱۷ - سواد وقفنامه محمدقلی میرزا ملک آرا مورخ ۱۲۶۱ ه. ق.
- ۵۲۴ - سواد وقفنامه سلیمان خان خانانان مورخ ۱۲۶۳ ه. ق.
- ۵۲۹ - وقفنامه سلیمان خان خانانان مورخ ۱۲۶۴ ه. ق.

- ۵۳۲ ۱۰ - وقفنامه ملا حسین مورخ ۱۲۹۴ ه. ق.
- ۵۳۹ ۱۱ - سواد وقفنامه مدرسه آقامحسن مورخ ۱۲۹۶ ه. ق.
- ۵۵۲ ۱۲ - وقفنامه امیرخان سردار مورخ ۱۳۱۴ ه. ق.
- ۵۵۶ ۱۳ - وقفنامه آب رودخانه سرخ محله مورخ ۱۳۲۰ ه. ق.
- ۵۶۱ ۱۴ - وقفنامه محمدقلی خان مصباح نظام مورخ ۱۳۳۸ ه. ق.
- ۵۶۳ مبیاعه نامچه
- ۵۶۳ ۱ - سند مبیاعه مورخ ۱۲۰۰ ه. ق.
- ۵۶۶ ۲ - مبیاعه نامچه مورخ ۱۲۴۱ ه. ق.
- ۵۶۹ مصالحه نامچه
- ۵۶۹ ۱ - مصالحه نامچه مورخ ۱۲۵۳ ه. ق.
- ۵۷۱ ۲ - مصالحه نامچه مورخ ۱۲۵۳ ه. ق.
- ۵۷۳ ۳ - مصالحه نامچه مورخ ۱۲۸۷ ه. ق.
- ۵۷۶ ۴ - مصالحه نامچه و متار که نامچه مورخ ۱۳۰۷ ه. ق.
- ۵۷۹ استشهداد نامچه
- ۵۷۹ ۱ - استشهداد نامچه مورخ ۱۳۰۳ ه. ق.
- ۵۸۳ عریضه
- ۵۸۳ ۱ - عریضه محمدرضا قاجار قوائلو
- ۵۸۴ ۲ - عریضه عباس خان قاجار به دربارشاهی
- ۵۸۷ تعلیقات - تصحیحات - اضافات
- ۵۹۳ نمونه‌هایی از اسناد مختلف
- ۶۵۷ فهرست عمومی

به نام آنکه او نامی ندارد

مقدمه

سرزمین‌گروگان که در کنج جنوب شرقی دریای خزر قرار می‌گیرد، به علت برکنار بودن از جریانهای بادهای باران‌آور موسمی و نزدیک بودن به دشت، خشک‌تر از سایر نقاط حاشیه دریای خزر است. به همین سبب ساکنان آن از قدیم‌ترین ایام رشته قناتهایی کنده بوده‌اند. نام سی رشته از این قناتها در متن اسناد چاپ شده در این کتاب آمده است و ما آنها را در فهرست عمومی کتاب آورده‌ایم.

در قرارنامه‌هایی که يك طرف آنها اربابان و صاحبان املاك بوده‌اند و طرف دیگر چاخوان (حافران)، مالك فقط زمینی را که پشته‌ها و پیشان قنات در آنها قرار می‌گرفته در اختیار چاخوان می‌گذاشته و سپس بابت بوم‌محصولات دوسهم ارزش سهم محصولات را از ایشان می‌گرفته است. سایر مخارج و لوازم کندن و دایر نگاه داشتن قنات و استفاده از آب آن به شرح زیر بر عهده چاخوان بوده است.

۱- مخارج حق الحفر (ص ۹۱ و ۳۳۸ و ۳۵۵) یعنی اجرت و

جبره چاخو و عمله (ص ۳۵۸ و ۳۶۰ و ۳۶۷).

۲- خرید پالانه (کول)^۱ ولو اینکه صد هزار پالانه حاجت داشته باشد (ص ۳۵۸). در سال ۱۳۱۲ قمری قرار بر این داده اند که چاخو نباید هر هزار پالانه را بیش از ۵۰ تومان به حساب آورد (ص ۳۶۷) و نشانند تمام این پالانه‌ها در دهانه چاهها یا نقب‌ها (ص ۳۳۶ و ۳۶۰).

۳- کندن پیشان^۲ و پشته‌های آبی (آبکام)^۳ و پشته‌های خشکام^۴ (ص ۱۵ و ۲۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۱۱۰ و ۳۳۶ و ۳۵۴ و ۳۵۷ و ۳۶۹ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۶) به درازای سیصد ذرع شاهی (ص ۳۵۸ و ۳۶۰) و گاهی تا پانصد ذرع. پشته‌های خشکام و آبکام را «تیره‌چاه» (ص ۹۰ و ۲۸۵) نیز خوانده‌اند و درازای یکی از آنها را تا هزار ذرع (ص ۳۴۹) نیز یاد کرده‌اند.

۴- در مورد احیاء قناتهای بائر صاحبان املاک به چاخوان حق تحویل از نول^۵ نقب قدیم به چپ و راست (ص ۳۵۵) یا تحت و فوق (ص ۳۵۸) داده‌اند. این حق تحویل میان پنج ذرع شاه در دو طرف

- ۱- بفتح کاف و واو و سکون لام سفالهایی است بیضی شکل که قطر اطول آن در حدود یک متر و پهنای آنها در حدود ۱۵ تا ۲۰ سانتیمتر است و در قنات، جاهایی که شولات است به کار می‌برند تا سقف نقب فرو نریزد. در گرگان در حلقه چاهها نیز به کار می‌رود. چند سالی است آنها را با سیمان می‌سازند.
- ۲- پیشان محل آفتابی شدن قنات است. پیشانش دو می‌افتد دم دروازه قریه چوپلانی (ص ۳۷۶). ۳- پشته‌هایی که در قسمت آب‌دار قنات کنده می‌شود. ۴- پشته‌ها یا چاهها و نقبهایی که در قسمت خشک قنات کنده می‌شود. ۵- نول بر وزن غول لوله و نایزه صراحی و مشربه را گویند و کردن صراحی را نیز گفته‌اند (برهان قاطع).

رشته قدیم (ص ۱۱۰) یا بیست ذرع شاه از هر طرف (ص ۳۶۹) یا پنجاه ذرع شاه (ص ۳۵۵) بوده است و در يك قرار نامچه نوشته اند که هر قدر محتاج به تحویل باشد تحویل دهند ، از طرف یمین و یسار و هر گاه ده مرتبه محتاج تحویل شود تحویل دهند (ص ۳۷۶) چاخوان پس از نو کتی (ص ۳۶۷) یا تعمیر و مرمت قنات باثر به مادر چاه می رسند . ممکن است قناتی دارای دو مادر چاه در دو نقطه جداگانه باشد ، این چنین قنات را دو لنگه گویند (ص ۳۳۰ و ۳۷۶) .

۵- قناتی پس از اینکه به راه افتاد و آبدهی پیدا کرد ، پس از گذشت زمان علف مال می شود (ص ۳۳۷ و ۳۵۰ و ۳۶۹ و ۳۷۶) و محتاج به تنقیه و لارویی می گردد (ص ۳۵۸ و ۳۶۰ و ۳۶۹) و ممکن است در پاره ای جاها نشانند پالانه لازم باشد (ص ۳۶۹) نگاهداری قنات نیز با چاخوان بوده است .

۶- اراضی قابل کشت خصوصاً شالیزارها که از آب این قناتهای تازه آباد آبیاری می شوند به رویه^۱ تقسیم می گردد. برای قناتی دورویه در نظر گرفته اند که هر رویه پنج قسمت^۲ است (ص ۳۵۸). در قرار نامچه دیگری نوشته شده است : « به هر يك از دو رشته قنات سه رویه داده شود که اقلاً هر رویه چهار قسمت به نی پنج ذرع شاه بوده باشد » (ص ۳۶۹) این کلمه به شکل « رویچه » (ص ۳۴۸) و رویه بزرگ (ص ۲۸۹) نیز دیده شد که مقدار اختلاف آنها با « رویه » معلوم نشد .

در قرار نامچه دیگری چنین نوشته اند « که آب قنات موصوفه را

۱- رویه اراضی قابل کشتی را گویند که از آب نهری یا قناتی آبیاری شود .

۲- قسمت بیش از يك هکتار امروزی است که ده هزار متر مربع باشد . هر قسمت مساوی است با بیست فی در بیست فی و هر فی پنج ذرع شاه است بنابراین هر قسمت ده هزار ذرع مربع شاه است .

حافر مذکور در سه آوش رویه که مساحت هر آوش رویه پانزده قسمت بوده باشد تسلط داشته باشد ذرع نماید» (ص ۳۳۶). بنابراین صاحب ملك سه آوش رویه اراضی کشت در اختیار چاخوان گذاشته و هر آوش رویه را پانزده قسمت یعنی بیش از پانزده هکتار دانسته است و مالك دیگر بیست قسمت آوش رویه به حافر داده است (ص ۳۴۹). معمولاً حفر انهار آوش نیز با حافران بوده است (ص ۲۱).

۷- اختیار زراعت خشکه و آبی (ص ۳۶۹) و اولویت در زرع با آب این قناتهای نو با چاخوان بوده است.

۸- گرفتن صاحب نسق (ص ۳۵۵) و پرداخت حق صاحب نسقی (ص ۳۵۵) و اختیار بستن نسق (ص ۳۵۵ و ۳۵۸ و ۳۷۴ و ۳۷۷) و به اصطلاح دیگر نسق گذاشتن (ص ۳۷۴) و داخل نسق کردن (ص ۲۹۳) اراضی قابل کشت با آب این قناتها با چاخوان است. گاهی بابت حق نیچی بیست من شالی از کل محصول موضوع کرده اند. (ص ۳۴۸).
۹- گرفتن آب ران (ص ۳۵۵ و ۳۵۸ و ۳۶۰) و پرداخت حق آبرانی (ص ۳۵۵) با چاخوان است. گاهی بابت آب رانها دو خروار محصول از کل موضوع کرده اند (ص ۳۴۸).

۱۰- مالکان با چاخوان در تقسیم محصولی که از آب این قناتها به دست می آمد معمولاً قرار اثلانی (ص ۳۵۲ و ۳۵۸) یعنی چهار دانگ دو دانگ (ص ۳۵۷ و ۳۶۰ و ۳۷۵) یا به عبارت دیگر دو دانگ و يك دانگ (ص ۳۵ و ۴۱) بسته اند. به این معنی که چهار دانگ از کل محصول متعلق به چاخو و دو دانگ از بابت حق الارض (ص ۳۵۵ و ۳۶۰) یا اجرت الارض (ص ۳۵۵) یا بومحصبه (ص ۱۰۶ و ۳۵۵) متعلق به مالك زمین می شود.

در این کتاب اصطلاحات کشاورزی و آبیاری بسیار است که ما در اینجا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم .

آب تحت = آب تحت ، ص ۲۹۳ و ۲۹۵ و ۲۹۶ .

آوش ، ص ۲۸ .

آهن کاری (برای آبدنگ) ، ص ۳۷۵ .

بریجه : محصول و درآمد زمین ، ص ۲۸۷ .

بزن (اصطلاح آبیاری) ، ص ۱۴۸ .

بند آب قوچانی ص ۳۴۱ . يك بند از آب قوچانی ، ص ۳۴۰ .

يك بند = يك درك آب رودخانه ، ص ۳۴۲ .

پاكر : هر ساله در پاكر ایشان می‌نوشت ، ص ۳۰۵ .

پیش وال (از اصطلاحات آبدنگ) : دنباله نهر آبدنگ که با سطح زمین یکی است ، ص ۳۷۵ .

تقسیم نامه عمومی ، ص ۳۰۵ .

تقسیم نامه ها ، ص ۳۰۰ .

جرقریه مرز نکلاته ، ص ۳۳۰ .

جرو خندق ، ص ۳۳۰ .

حجر و سهم و قسمت ودانگ و درك (از اصطلاحات تقسیم بندی آب) ، ص ۳۱۷ .

حق الارض ، مالیه آبی را از قرار قسمتی پنج خروار و بیست من شلتوك به مالکین حق الارض بدهد ، ص ۳۶۹ .

حق الارض از قرار هر قسمتی شش خروار ، ص ۳۷۴ . از قرار مالیه کاری قسمت شش خروار ، ص ۳۷۴ .

خروار ، ص ۴۴۵ . خروار استرabad معادل پنجاه من شاه و صدمین تبریز است .

- خشکه کار : کشت گندم وجو ، ص ۹۵ .
- دانگ دو من روغن به وقر استرآباد از بابت حق مراتع ، دهسیر به وقر بلده مزبور روغن می شود ، ص ۱۷۱ . من استرآباد معادل شش کیلو است . تقسیم بندی باجیه کوه براساس من استرآباد است وهر دانگ مرتع دو من روغن باجیه می داده اند .
- درک کشیدن . نهر کشیدن از رودخانه ، ص ۳۲۱ .
- سر رشته دار . کسی که آشنا به مسائل ملکی محل است ، ص ۳۰۵ .
- سنگ بخش = درک بخش ، ص ۲۷۷ و ۳۱۹ و ۳۲۰ . سنگ بخشه باشد ، ص ۳۲۱ .
- شالی سرده گرده دهقان پسند ، ص ۱۴۶ . برنج سرده برنجی است که در پائیز به دست می آید . شالی گرده سرده ، ص ۱۷۰ و ۳۵۰ .
- شاهمرز : رشته تپه کوتاهی که مرز میان دو آبادی است ، ص ۲۱ و ۳۳ .
- شرکت نامچه ، ص ۳۱۳ .
- شش دانگ مرتع جهان نما از روی دوازده من روغن تقسیم بندی می شود ، ص ۳۶۵ .
- شلتوك رزاز پسند ، ص ۹۵ .
- شلتوك كار ، ص ۹۵ .
- شوارشاب : آب سیل ، سیلاب ، ص ۳۴۲ .
- شیوار : آب کند ، ص ۳۳۰ و ۳۴۸ .
- شیوارات ، ص ۳۵ و ۱۶۸ و ۲۳۵ .
- شیوار چالکون ، ص ۳۳۱ .
- شیوار مشهور به باریك آب ، ص ۳۴۹ .
- ضابط كردمجله ، ص ۴۰۸ .

- ضابط و امین ، ص ۳۴۲ .
- طسوج (اصطلاح آبیاری) ، ص ۱۴۸ .
- طومار دفتری ، ص ۳۰۶ .
- طومار نویس ، ص ۳۰۵ .
- طومارها که در آنها ضبط و ثبت تقسیم املاک است ، ص ۳۰۰ .
- فاضلاب ، ص ۲۹۵ .
- قسمت ، ص ۲۷۴ . قسمت زمین کشتی است به ابعاد بیست نی در بیست نی و هر نی معادل پنج ذرع شاه است يك قسمت از يك هكتار به حسب مساحت بیشتر است .
- قصب پنج ذرعی ، ص ۳۳۰ یعنی نی پنج ذرعی که پنج ذرع شاه باشد .
- قصب ده ارش ، ص ۳۳۰ یعنی نی ای که درازای آن ده ارش باشد که ظاهراً معادل پنج ذرع شاه است .
- قنات ، ص ۳۴۸ . بابت قنات و شیوار بیست خروار شالی موضوع شود ، ص ۳۴۸ .
- قنات ، ص ۱۶۸ و ۲۳۵ .
- کارنده ، ص ۳۵۸ .
- گندم سفید خباز پسند ، ص ۸۴ .
- مالیه اربابی ، ص ۳۴۲ . طریق عمل کرد مالیه اربابی ، ص ۳۴۲ .
- مالیه کاری به طوری که مرسوم دهات سدن رستاق است ، ص ۳۷۴ .
- مخارج بند ، ص ۳۵۲ .
- مخارج جو (منظور جوی آب است) ، ص ۳۵۲ .
- مخارج نهر ، ص ۳۵۲ .
- مرز ، ص ۳۳۰ .

- مزرعه لثری مجری المیاء ، ص ۱۵۴ .
- مقسم : تقسیم کننده محصول ، ص ۳۰۵ .
- من ، يك من استراباد معادل شش كيلو است .
- ناور ، ص ۲۱ و ۲۴ و ۳۴۰ . استخرهایی که با خاکریزهای دستی در دامنه کوه به وجود آوردند این لغت را در لهجه محل « NUŪR » گویند . ناور بایره ، ص ۳۲ ، ناورات ، ص ۳۵ . بستن ناور ، ص ۲۱ . بند ناور ، ص ۳۳ . بر سر راه قدیمی زنجان به اردبیل نزدیک عباس آباد دریاچه ای کوهستانی است که در محل آن را « Nuūr » گویند .
- نصفه کاری بطوری که مرسوم دهات سدن رستاق است ، ص ۳۷۴ .
- وال ، ص ۳۹۰ به معنی نهر است .
- وال او جاکله ، ص ۳۵۱ .
- وال چهارپل ، آن نهر معروف است به وال چهارپل ، ص ۳۵۱ .
- وال حسن گریه ، ص ۳۵۱ .
- وال دیوان ، ص ۳۴۵ و ۳۵۷ و ۳۵۸ .
- وال رستم وال ، ص ۳۴۰ . نهری که به نام رستم معروف بوده است .
- وال کله باغ ، ص ۳۵۱ .
- وال و نهر کردن : نهر کشی کردن ، ص ۲۹۳ . مخارج والها ، ص ۳۵۲ .

* * *

سکه های رایج در بازار گرگان در ادوار مختلف متفاوت بوده است . حدود سال نهصد هجری قمری تا اواخر دوران قاجاری که اسنادی از آن ادوار در دست است سکه های رایج در این سرزمین به شرح زیر بوده است .

در سال ۹۲۰ قمری دینار کپکی^۱ رایج بوده و هر پنج دینار از آن يك مثقال نقره مسكوته مضروبه شهر روان استرabad ارزش داشته است. (ص ۳ و ۴). همین دینار کپکی در سال ۹۳۸ یعنی هجده سال بعد ارزش کمتری پیدا کرده و هر ده دینار آن يك مثقال و يك دانگ مثقال نقره مسكوته مضروبه شهر روان استرabad شده است (ص ۶).

در سال ۹۵۴ سخن از رواج تنگه است و هر شش تنگه معادل يك مثقال نقره سره مضروبه مسكوته رایج گرگان بوده است (ص ۶۵). در همین سال تومان تبریزی نیز رایج بوده و هر تومان تبریزی معمول خراسان معادل ده هزار دینار و هر شصت دینار از آن به وزن يك مثقال و دو نخود و چهار دانگ از نقره سره مضروبه مسكوته بوده است (ص ۹). در سال ۱۰۴۲ تمامی قریه سوخته سرای کبودجامه به مبلغ شش تومان عراقی که نصف آن سه تومان رایج الوقت تبریزی عراقی است به فروش رفته است. (ص ۱۰).

در سال ۱۰۴۹ یا کمی قبل از آن ظاهرأ ضرب جدیدی از تومان عراق شده است چه در این تاریخ سه دانگ از شش دانگ قریه میرو- محله در بلوك استرabad رستاق به مبلغ چهارده تومان جدید فضی رایج عراق به فروش رفته است (ص ۱۴).

در سالهای ۱۱۲۳ تا ۱۱۷۴ قمری که اسنادی از آن دوران در دست

۱- بنا به گفته مینورسکی کپکی باید کپکی (با باء منقوط) باشد. کپک (بضم کاف و فتح باء و سکون کاف دوم) در ترکی به معنی ناف است و احتمال دارد نام شخصی بوده باشد. اسکندر منشی در سال ۱۰۰۳ ه. ق. می نویسد که پنجاه هزار دینار کپکی پنجاه تومان عراقی است یعنی هر هزار دینار کپکی يك تومان عراقی می شود. (آلبوم سکه های رایینو، ص ۳۳). امروز در تمام خاک شوروی يك روبل مساوی صد کپیک است (بفتح کاف) وجه مشابهتی میان این لغت قدیمی و لغت روسی است.

است (صفحات ۱۸ تا ۳۴) هنوز تومان تبریزی فضی که يك تومان آن ده هزار دینار بوده ، رواج داشته است .

سندی از سال ۱۲۳۵ قمری در دست است که قیمت مورد معامله به دویست تومان ریال فتحعلی شاهی دو مثقالی ، هشت عدد يك تومان تقویم شده است (ص ۳۶) .

در سال ۱۲۳۹ یا یکی دوسال پیش از این تاریخ ، اشرفی يك مثقالی ضرب شده و رواج پیدا کرده است . دویست و پنجاه عدد اشرفی تومانی يك مثقالی معادل دویست و پنجاه تومان وجه رایج سلطانی بوده است (ص ۴۱) .

در سال ۱۲۴۰ که هنوز فتحعلی شاه بر تخت است ، وزن ریال صاحبقرانی به يك مثقال و نیم رسیده و ده عدد از آن معادل يك تومان رایج بوده است (ص ۴۳) .

در سال ۱۲۴۸ که دو سال از سلطنت فتحعلی شاه باقی است تومان رایج سلطانی و تومان تبریزی هنوز معادل ده عدد صاحبقران فتحعلی شاهی است (ص ۷۰) و دو دانگ از شش دانگ يك در دکان در بازار استرآباد به سی و پنج تومان معامله شده است (ص ۴۵) . ظاهراً ارزش این تومان تا آخر دوران فتحعلی شاه یعنی سال ۱۲۵۰ پایدار و برقرار بوده است .

فتحعلی شاه در نوزدهم جمادی الاخره سال ۱۲۵۰ قمری فوت شد و با فوت او نام تومان رایج سلطانی و صاحبقران فتحعلی شاهی نیز از میان رفت . در سندی که از بیست و ششم رجب ۱۲۵۰ در دست است يك تومان تبریزی معادل يك اشرفی محمد شاهی به وزن ۱۸ نخود و يك تومان رواج بوده است (ص ۷۲) .

در سال ۱۲۵۵ به سکه ای به نام « کشوری » برمی خوریم . دو

قطعه زمین در شهر استرabad به مبلغ بیست عدد کشوری و بیست عدد ریال جدید محمد شاهی سی نخودی معامله شده است . پس ریال جدید الضرب در این تاریخ سی نخود وزن داشته است (ص ۷۵) و اشرفی تومانی محمد شاهی وزنش به هجده نخود می رسیده است (ص ۷۶) و يك دينار پول سیاه سه مثقال و سه نخود وزن داشته ، اما از نوع فلز آن سخنی به میان نیامده است (ص ۸۱) .

در سالهای ۱۲۶۸ و ۱۲۶۹ ریال ناصرالدین شاهی که هر ریال به وزن ۲۸ نخود بوده رواج داشته است (ص ۹۰ و ۳۸۶ و ۵۸۵ و ۵۹۲) و تا سال ۱۲۷۵ همان ریال با همان وزن رایج بوده است . در همین سال است که به اشرفی ناصرالدین شاهی ۱۸ نخود وزن و يك تومان رواج بر می خوریم (ص ۹۵) .

در سال ۱۲۷۶ نیم ریالی (نیم قرانی) سیزده نخودی ناصرالدین - شاهی ضرب شده است (ص ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۱ و ۴۴۲) و بیست و چهار تومان وجه رایج معادل چهارصد و هشتاد عدد نیم ریالی سیزده نخودی است (ص ۱۰۷) .

ریال (قران) بیست و شش نخودی و نیم ریال سیزده نخودی ناصرالدین شاهی ظاهراً تا سال ۱۳۰۰ قمری برقرار و رایج بوده است .^۱ در این سال یا کمی پس از آن به ریال مشین جدید الضرب فضی ۲۴ نخودی بر می خوریم (ص ۱۶۳ و ۱۶۵ و ۱۶۸ و ۱۷۴) و در سال ۱۳۱۲ یعنی يك سال پیش از کشته شدن ناصرالدین شاه همین ریال جدید الضرب چرخي يك مثقال وزن و ده عدد يك تومان رایج بوده است (ص ۱۷۶) و سندی از ماه رجب سال ۱۳۱۳ یعنی شش ماه پیش از کشته شدن ناصرالدین شاه در دست است که نشان می دهد تا آن تاریخ هیچگونه

تغییری در وزن و ارزش ریال داده نشده است (ص ۱۷۹) .

در میان اسنادی که به چاپ رسیده است نخستین بار در سال ۱۳۱۶ است که به ریال جدید الضرب چرخشی رواجی مظفرالدین شاهی ریالی يك مثقال وزن و ده عدد يك تومان برمی خوریم (ص ۱۸۷)^۱ همین ریال با همین وزن و ارزش تا سال ۱۳۴۰ قمری رواج داشته است . در یکی از اسناد سال ۱۳۲۲ ارزش ۱۵۰ تومان را به طلای صیرفی چنین تعیین کرده است که ۱۵۰ تومان عبارت است از ۱۵۰۰ قران ۲۴ نخودی مسكوك مظفرالدین شاهی موازی پنجاه مثقال صیرفی طلای خالص صراف پسند (ص ۳۹۰) .

از سایر سکه ها نظیر دینار تبریزی (ص ۴۲۹) و تومان تبریزی يك مثقالی (ص ۵۱۶ و ۵۱۸) و تومان عراقی فضی (ص ۵۸۳) و تومان خراسانی (ص ۴۲۷) نیز ذکری به میان آمده است که ارزش دقیق آنها را نتوانستیم معین کنیم .

* * *

در مباحثه نامچه ها و مصالحه نامچه هایی که در آنها دهکده ای در مقام بیع یا مصالحه در آمده است ، مراجع شرع سعی کرده اند که اجزای آن دهکده را در متن قباله بگنجانند تا روزی فروشنده نتواند ادعایی نسبت به جزیی داشته باشد . این اجزاء را که در قباله های مختلف به نظر رسید به ترتیب حروف الفبا در اینجا می آوریم :

آبدنگک ، صفحات : ۲۴ ، ۹۵ ، ۱۱۴ ، ۱۵۰ ، ۱۷۶ ، ۱۷۸ ،

۱۸۵ ، ۲۰۵ .

آسیابها (طواحین) ، ص ۲۴ ، ۵۹ ، ۹۵ ، ۱۱۴ ، ۱۵۰ ، ۱۷۶ ،

۱۷۸ ، ۱۸۵ ، ۲۰۵ .

- آوشات رطبه ، ص ۳۵ ، ۴۱ .
- آوشات یابسه ، ص ۳۵ ، ۴۱ .
- آوش روئه ، ص ۱۵۰ .
- اراضی آبی ، ص ۱۸۱ .
- اراضی بایره ، ص ۹۵ .
- اراضی خشکه ، ص ۱۸۱ .
- اراضی دایره ، ص ۹۵ .
- انارستان = انار باغ ، ص ۱۵۰ ، ۱۷۸ .
- باغستان ، ص ۱۷۶ ، ۱۸۵ .
- تلال و جبال ، ۱۱۴ ، ۱۵۲ .
- توتستان = توت باغ ، ص ۵ ، ۱۴ ، ۲۵ ، ۳۵ ، ۴۱ ، ۱۱۴ .
- ۱۳۲ ، ۱۴۳ ، ۱۵۰ ، ۱۷۶ ، ۱۷۸ ، ۲۰۵ .
- جنگلستان (جناکل) ، ص ۱۳۲ ، ۱۴۳ ، ۱۵۲ ، ۱۵۵ ، ۱۶۸ ، ۱۷۶ ، ۱۸۵ ، ۲۰۵ .
- حقابه ، ص ۷۲ ، ۱۳۲ .
- خانه قاهه (= خانه گاه ، زمینی که خانه های ده بر آن بنا شده است) ص ۱۱۴ ، ۱۷۶ ، ۱۷۸ ، ۱۸۱ ، ۱۸۵ . محل خانقاهه ، ص ۱۵۲ ، ۲۰۵ . محل خانقاهیه ، ص ۱۳۲ ، ۱۴۳ . مقر خانقاهیه ، ص ۱۵۰ . مقر - البیوت ، ص ۱۶۸ .
- دنگک ، ص ۵۹ .
- شیوارات ، ص ۱۶۸ .
- صحاری (براری) ، ص ۱۵۵ ، ۱۶۸ .
- قنات (قنوات) ، ص ۲۴ ، ۵۹ ، ۱۶۸ ، ۱۷۸ ، ۲۰۵ .
- قنات باثره ، ص ۹۵ ، ۱۵۰ ، ۱۸۵ .
- قنات دایره ، ص ۹۵ ، ۱۵۰ ، ۱۷۶ ، ۱۸۵ .

- مجری المیاء ، ص ۲۴ .
 مجری المیاء رودخانه ، ص ۹۵ .
 محل زراعت صیفی ، ص ۱۷۶ .
 محل شتوبکاری ، ص ۱۷۶ .
 محل قلعه ، ص ۹۵ .
 مراتع (مرايض) ، ۱۵۲ ، ۱۷۶ ، ۱۸۱ ، ۱۸۵ .
 مزارع ، ص ۱۵۲ ، ۱۸۱ ، ۱۸۵ .
 مزارع رطبه ، ص ۱۵۵ ، ۲۰۵ .
 مزارع یابسه ، ص ۱۵۵ ، ۲۰۵ .
 ملیارستان ، ص ۵ ، ۱۴ ، ۲۴ ، ۳۵ ، ۴۱ ، ۱۱۲ ، ۱۱۴ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۲۰۵ .

در قبالة مناكحة مورخ ۱۲۷۳ مبلغ صدق به رضای طرفین يك
 صد تومان رایج سلطانی ناصرالدین شاهی بیست و هشت نخودی است
 که نصف مقبوض سه دانگ خانه‌ای در محله نعلبندان استرآباد بایست و
 پنج مثقال طلا به شرح زیر است :

گوشواره يك زوج شش تومان و سارمه شش تومان و گل مرصع
 سه تومان و طوی چتری يك زوج دو تومان و انگشتر شكوفه يك عدد
 يك تومان و سلیمانی يك زوج شش تومان و انگشتر گل گلی مع چشم چمن
 طلا گرفته يك تومان که ارزش تمام رویهمرفته پنجاه تومان بوده است
 و پنجاه تومان هم بر ذمه زوج باقی مانده است .

در مابقی اسناد نیز اصطلاحات و ترکیبات و مفرداتی به کار رفته
 که مطالعه و بررسی آنها کاری ضروری است و از گردآوری آنها
 می توان مباحث مطالعه تازه‌ای به وجود آورد .

این اسناد به‌طور پراکنده یا یکجا در خاندانهای قدیمی گرگان با سازمانهای مربوط مانند اداره اوقاف تا امروز محفوظ و برقرار مانده است. دوست گرامی آقای مسیح ذبیحی با کوششی پی‌گیر و پشت‌کار فراوان این اسناد را گردآوردند و عکسبرداری کردند. این بنده از یکایک صاحبان اسناد و مسؤولان و بایگانان سازمانهای مربوط از طرف خود و آقای ذبیحی اظهار امتنان و تشکر می‌نماید. نام ایشان را در این مقدمه می‌آورد تا یاد ایشان زنده و همیشگی باشد.

۱- حجة الاسلام حاج آقا رضا مفیدی و آقا سید حسین برومند، اسناد مربوط به سادات درازگیسو.

۲- حاج آقا حسین نبوی، اسناد مربوط به سادات نبوی.

۳- حاج آقا نصرالله قدس مفیدی، اسناد خاندان سادات مفیدی.

۴- آقای ابوالحسن خان میرفندرسکی، اسناد خاندان سادات میرفندرسکی.

۵- آقای علی اکبر طاهری، اسناد مربوط به سادات طاهری.

۶- مرحوم حاج آقا محمدرضا شیرنگی، اسناد خاندان سادات شیرنگی.

۷- آقای سید محمود هاشمی، اسناد مربوط به سادات هاشمی.

۸- آقای . . . افضلی، اسناد مربوط به سادات افضلی.

۹- آقای عابدین پور، اسناد مربوط به امامزاده عبدالله زیارت.

۱۰- آقای یحیی قره‌داغی، اسناد مربوط به خاندان مقصودلو.

۱۱- آقای علی اکبر مفیدی، اسناد مربوط به امامزاده روشن آبادو

یساقی.

۱۲- آقای عبدالحسین ملک، اسناد مربوط به خاندان ملک.

۱۳- با همکاری آقای زیادلو بایگان اداره اوقاف، اسناد مربوط

به آب شهر و وقفنامه‌های فراوان .

۱۴- آقایان ابوالقاسم امیر لطیفی و علی اصغر کشاورز، اسناد مختلف.

۱۵- آقای علی اکبر رهبر، اسناد مربوط به قاجارگران .

۱۶- مقداری از اسناد از بایگانی اداره دادگستری رونویس شده

است . عکسهای این اسناد از فیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران چاپ شد و در اختیار نگارنده قرار گرفت . این بنده پس از طبقه‌بندی کردن و تنظیم آنها به ترتیب سنوات به خواندن و رونویس کردن آنها مشغول شد و خلاصه‌ای از هر يك را در بالای سند آورده و برای چاپ آماده کرد و انجمن آثار ملی به چاپ آن پرداخت. از هیئت محترم مؤسسين انجمن آثار ملی به‌ویژه هیئت مدیره آن انجمن نهایت درجه سپاسگزاری می‌نماید .

از آقایان محمدتقی دانش‌پژوه، محمدشیروانی، عبدالله نورانی و حسین محبوبی اردکانی که در خواندن پاره‌ای کلمات و اشکالات متن ، این بنده را یاری کرده‌اند بسیار ممنون و متشکر است .
کار چاپ این کتاب زیر نظر دوست گرامی آقای مسعود گلزاری به‌انجام رسیده است دقت نظر ایشان از کاری که کرده‌اند معلوم است، از ایشان نیز سپاسگزارم .

تهران چهارم تیرماه ۱۳۵۴

منوچهر ستوده

بخش پنجم

امداد مایعه و بیع شرط

سند مبايعه مورخ ۹۲۰ هـ . ق .

در این سند شیخ کمال الدین بهرام بن مولانا شمس الدین بهرام
استرآبادی يك نصف مشاع از تمامی عملۀ يك درکاريز باير قريۀ
علوی کلاتۀ بلوک استرآباد رستاق را از مولانا حيدر بن مولانا
عالمشيخ استرآبادی به مبلغ يكصد و پنجاه دينار كچك خريداري کرده
است .

هو

درین وقت بمبايعه صحيحۀ شرعيۀ بخريد بماله لنفسه جناب فضايلما ب شريعت ايباف
افادت دستگاه خلاصه العلماء والفضلا ملاذ الاسلام والمسلمين مولانا شيخ کمال الدین
بهرام بن الجناب المولى المرحوم المغفور المبرور مولانا شمس الدین بهرام استرآبادی
از خدمت مفخر الاقران مولانا حيدر بن مولانا عالمشيخ استرآبادی يکنصف کامل
مشاع را از تمامی عملۀ یکدرکاريز باير که واقع است در قريۀ معروفۀ علوی کلاته
از بلوک استرآباد رستاق محدود برين وجه شرقياً و غربياً پیوسته اراضی سادۀ قريۀ مذکور
جنوبياً پیوسته قريۀ مشهور رستم کلاته شمالياً پیوسته بوستان بايع مذکور با هرچه
بدین مبيع محدود مذکور مضاف ومنسوب است شرعاً وعرفاً بثمان معين مقرر يوم-
البيع المبلغ يكصد و پنجاه دينار كچك نصفه هفتاد و پنجدينار که هر پنجدينار از آن

يك مثقال نقره مسكوكة مضروبة شهر روان بلدة استراباد شده و اين بايع مذکور مبيع مذکور را بجناب مشتری مشارالیه فروخته است بثمان موصوف مذکور و بعد از وقوع عقد بيع بات بينهما نمايض در بدلين مذکورين بشرطه شرعاً بحصول پيوست .
حرره في حادی عشر شهر جمادی الثاني ستة عشرین و تسعمائه .

[در پايين اين سند عبارات زیر نوشته شده است :

حرره العبد الفقير فخر الدين ... دراز گيسو الحسيني . [مهر گرد ناخوانا]
شهد بمضمونه حسين بن عبد الله شيرسوار .
شهد بمافيه فضل الله بن حاجي شيخ اسلام .
من الحاضرين عبد العلي بن نصر الدين .
شهد بمضمونه المسطور حرره العبد علی بن عبد الله الحسيني .

۲

سند مبايعه مورخ ۹۳۸ ه . ق .

در اين سند خواجه عبد الرحيم بن خواجه شيخ محمد آنچه که به ملکيت متصرف بوده است به خواجه شهاب الدين علی بن خواجه حاجي محمد زرگر استرابادی به مبلغ شش هزار و هشتصد و پنجاه دينار کپکي فروخته و قبض و اقباض و تسليم و تسلم به حصول پيوسته است .

هو المالك بالاستحقاق

سبب تحرير اين وثيقه شرعيه آنکه خدمت امجد اکرم قدوة الاقران بل الامم خواجه عبد الرحيم بن المرحوم المبرور خواجه شيخ محمد عبد الرحيم اقرار معتبر شرعی نمود في نفاذ اموره که فروخته است به بيع يابن صحيح لازم قطعی یکبارگی بعاليجناب دولتآب سعادت ايساب مکرم انتساب صاحب ماجد خلاصه الاعيان والاماجد

المخصوص بعواطف الملك الولي خواجه شهاب الدين علي بن الجناح صاحب الامجد
الاکرم السعيد المحترم المغفور خواجه شمس الدين حاجي محمد زرگر الاستر ابادي
رحم الله السلف وعظم الخلف از آنچه نمود که بايع مذکور که بملکيت متصرف بود
تا زمان اين مبايعه مذکوره و تصرف او در آنچه مبيع و مذکور ميشود که درين وثيقه
مستفاد شد از شهادت شرعيه جنابان سعادت ايا بان معالي نصابان امير سيد هيبه الله الخطيب
ابن السيد المرحوم امير سيد فخر الدين احمد دراز گيسو الحسيني و امير سيد کمال الدين بن
لمبرور امير سيد شمس الدين محمد السو کندی و خواجه شمس الدين محمد بن خواجه
سيف الدين کمانگر استر ابادي و آن همگی بوم و عمله قريه معروفه موسومه با کبر مچاله
است واقع در بلوک نواحی بلده استر اباد محدود برينوجه شرقياً پشته مشهور دلگشاد
غريباً پيوسته قريه مشهوره درزی کلاته شمالياً پيوسته املاک مشهور شيخ علي عرب که
حالا بتصرف ملکيت جناب سعادتآب معالي نصاب خلاصه السادات امير سید رکن الدين
محمد بن الجناح السيد السند المرحوم امير سيد عبد الرحيم لمسکی است جنوبياً پيوسته
شارع عام و زه مشهور درزی کلاته و ايضاً تمامی بوم و عمله قريه موسومه مذکوره
محلّه وجود (۴) که واقع است در بلوک مذکور که حدود اربعه آن برينوجه است شرقياً
پيوسته موضع مشهور چاله باغ که بتصرف مشتری مشار اليه است بملکيت غريباً پيوسته
قريه مشهوره درب قانچيان و کذا الشمالی جنوبياً پيوسته املاک مشهور شيخ علي عرب
که مذکور شد و ايضاً همگی شايع کامل از تمامی معری مشهوره با کروال که منشعب
ميشود از رودخانه مشهور خشک رود در قريه اروس کلاته از بلوک مذکور و آب آن در
قريه مذکوره مزروع میگردد و آب معری مذکور از کثرت شهرت از تحديد مستغنی
است مع علمهما بها باهرچه بدین مبيعات مذکورات مضاف و منسوب است شرعاً و عرفاً
سوی يك قطعه مليارستان و يك قطعه توستان را تمامی پيوسته يکديگر که در تصرف جناب
سيادتآب امير سيد رکن الدين محمد مشار اليه است محدود برينوجه شرقياً پيوسته

پشته مذکوره غربیاً پیوسته قریه درزی کلاته مذکور جنوبیاً پیوسته املاک مذکور شیخ علی مذکور شمالیاً پیوسته کوچه غیر نافذه که ممر خاص سر اجایگاه مشهور شمس الدین زنگیا است که مستثنی خواهد شد درین مسطور و سوی یکنصف مشاع از تمامی دو قطعه املاک یکی مشهورست باملاک حسن بامنی و دیگری مشهورست باملاک حجام که در تصرف ملکیت فصاحت شعاری خواجه نصیر الدین محمد بن خواجه شیخ محمد مذکور است و از کثرت شهرت از تحدید مستغنی اند و سوی سر اجایگاه مشهور شمس الدین زنگیا که مذکور شد و از کثرت شهرت نیز از تحدید مستغنی است و سوی المستثنیات الشرعیه کالطرق والسکک و حقوق سعی المسلمین المعلوم بینهما بثمان معین مقرر یوم البیع بتقویم عدول عارفین المبلغ شش هزار و هشتصد و پنجاه دینار کپکی نصفه سه هزار و چهار صد و بیست و پنج دینار که هر ده دینار از آن یک مثقال و یکد انگ مثقال نقره مسکو که مضروب شهر روان بلد مذکوره است و این عالیجناب مشتری مشار الیه مبیعات مذکورات را سوی المستثنیات المذکوره ازین بایع مذکور خریده است بثمان مذکور و تمام ثمن مذکور را تسلیم بایع مذکور نمود و او اخذ و قبض نموده مبیعات مذکورات را تخلیه کرده مفرغاً عن الموانع بتصرف مشتری مشار الیه باز گذاشت و او اخذ و تصرف ملکی کرد و با سایر املاک مقبوض خود منضم گردانید و بینهما تسلیم و تسلیم و قبض و اقباض شرعاً بحصول پیوست .

و کان ذلك فی الخامس والعشرين من شهر جمادی الاول سنة ثمان و ثلث و تسعمائه من الهجرة النبوية عليه السلام.

[در بالا و ذیل و حاشیه سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است :

و ضح مضمونه بالاعتراف لدى.

و ضح مدلوله كما شرح عندی. [جای مهر]

و انا العبد غیاث الدین علی بن بهرام عفی عنهما.

حرره العبد الفقير الى الله الغني فخر الدين... دراز گيسو الحسيني ستر عيو به .

[مهری گردناخوانا]

هذا المضمون به اقراری کاتب العبد عبدالرحيم بن سيد محمد.

شهد بمضمونه محمد بن حسن جليل .

بشهادة سيد حسن... الحسيني .

شهد عليه ناصر الدين محمد شطابادی .

شهد بمافيه عز الدين علي بن محمد جليل .

شهد بمضمونه حرره العبد حافظ باغ نوی . [مهری گرد ناخوانا]

شهد بمضمونه عماد الدين محمود .

شهد بمضمونه العبد ابورضا حسن بن علي .

شهد بمضمونه العبد علي رضا بن جمال الدين محمود آزادی .

۴۳

سند مبايعه مورخ ۹۵۴ ه . ق .

در این سند مولانا شيخ محمد ولد مولانا علي وكالة از قبل سیده

رقيه بیگم تمامی و همگی نه سهم شایع کامل از مجموع قریه علوی کلاته

از جمله شانزده سهم را به امیر سید کمال الدین ابراهیم الحسینی به

مبلغ دو تومان تبریزی معمول خراسان فروخته است .

باعث بر تحریر این صحیفه ملیه آنست که بعد از آنکه وكالة جناب فضایلما بی تقوی-

شعاری مولانا شيخ محمد و لدمرحومی مولانا علی . . . از قبل حضرت سیده معظمه

مکرمه تاج العفایف و المخدرات اسوة الخوانین و المستورات مرکز دائرة عصمت و

طهارت قدوة دودمان سیادت و نقابت المختصة بمواهب الله الملك الدایم عصمة الدنيا

والدين رقيه بيگم ابنة عاليجناب سيادت ونقابت پناه رفعت ومعالى دستگاهى زبدة اعظم السادات والنقبا خلاصة الاكابر والنجبا مرحمت پناهى سيادت دستگاهى المستريح الى جوار رحمة الله الغنى امير عماد الملة والتقوى والدين محمد الحسينى الفندرسكى بشهادة برادر بزرگوار حضرت مشار اليها وهو عاليجاه سيادت ونقابت پناه افادت و فضایل دستگاهى تقوى و ورع دثارى محيط اوج عزت و اقبال قطب فلك فضل و افضال المخصوص بعواطف الله الملك المعلى نظاماً للسيادة وافتخار والفضيلة والتقوى والدين آ ميرزا حسن الحسينى الفندرسكى وجناب فضائلآب تقوى شعارى مولانا حسين استر ابادى ولد مرحومى مولانا على كلاتى وفضائلآب تقوى دثارى مولانا اسمعيل سيدى ولد مولانا الله داد باغبانى در بيع حصه معينه مذكوره مافى الدليل بضمن معين مذكوره قبض آن بوضوح انجاميد بفروخت و كيل مذكور بعاليجناب سيادت و نجابت دستگاهى معالى القابى اعلى انتسابى فضایل و كمالات آثارى المنظور ربانظار الله الملك القوى امير سيد كمال الدين ابراهيم الحسينى الاستر ابادى ولد عاليجناب سيادت و معالى نصاب افادت و افاضت انتسابى فضيلت و مروت آثارى قدوة العلماء والاشراف زبدة الاكابر فى الاكتاف امير سيد نظام الدين استر ابادى و خريد عاليجناب مشترى مشار اليه از آنچه نمود و كيل مذكور كه حق و ملك حضرت موكله مومى اليها بوده تا زمان اين مبايعه شرعيه بلامانع و منازغ تمامت و همگى نه سهم شايع كامل را از مجموع قرية علوى كلاته از جمله شانزده سهم كه مشتمله است اين قريه بر نهري كه مشتق است از رودخانه رستم كلاته و قنوة بايره و رسم طاحونه و اراضى صالحه زراعت و اشجار مثمره و غيرها سوى حقوق مسلمانان واقعه در ولايت استر اباد در بلوك استر اباد رستاق محدود بدین حدود شرقيها بعضى متصل قرية روستائى محله و بعضى متصل قرية پشتهنگ جنوبىها بعضى متصل قرية رستم كلاته و بعضى متصل قرية چلابى غربىها متصل قرية فوجرد شمالىها ملاحق قرية پشتهنگ باجمع حدود و

حقوق و مضافات و منسوبات و ملحقات و منضمات ذکر فیہام لم یدکر و اخلافہا
 اوخارجاً عنها ضبعةً واحدة بمبلغ دو تومان تبریزی معمول خراسان کہ بیست هزار
 دینار موصوف بوده باشد و هر شصت دینار از آن بوزن يك مثقال و دو نخود و چهار
 دانگ نخودی است از جنس نقره سره مضروبه مسکوکہ کہ ثمن مثل و قیمت وقت
 بود مرساً مبیع مذکور را بتقویم مقوم عدل خبیر نصیر و حضرت موکلہ مذکورہ با
 علم بقیمت مبیع مذکور از دعوی غبن و فساد بیع ابرای عام شرعی نموده و تعارض
 در بدلین بینہما محقق گشته و این مبیع مذکور با سایر املاک جناب مشتری مشارالیه
 ملحق و منضم شد .

و کان ذلک بتاريخ ۱۲ شهر محرم الحرام من شهور سنة ۹۵۴ .

[بر حاشیہ سمت راست این سند عبارت زیر است :

اعترف وثیلا المتبايعين بعد وضوح وقاليهما بمانسب اليهما لدى المذنب الراجی
 علاء الدین بن ابرهیم الشریف الحسینی .

§

سند مبیاعه مورخ ۱۰۴۲ ه . ق .

در این سند خواجه یادگار محمد بن مرحوم خواجه محمد حسین بتکچی و
 خواجه میرزا بیگ بن مرحوم خواجه محمد مؤمن قریه سوخته سرای
 کبود جامه را به مبلغ شش تومان عراقی به ملک حسن بن مرحوم ملک
 علی بیگ ناتلی و ملک میرزا محمد بن ملک سلطان ناتلی و ملک ولی-
 بیگ بن ملک شاه بیگ ناتلی فروخته اند .

هو المالك بالاستحقاق

الحمد لله الذى قد انتظم امور المعاملات بين الخلائق بالعقود المصححة الواضحة
 والصلوة والسلام على سيد البرية خاتم الانبياء محمد المبعوث بالمعجزات الالاحية و

عترته و اولاده المعصومین الذین طهرهم عن الرجس و اعطاهم الامامة اللامعة الراجحة و بعد غرض از تحریر این سطور شرعیه و باعث برتسطیر این زبور ملیه آنست که بالطوع و الاختیار دون الاکراه و الاجبار بفروختند به بیع صحیح شرعی قطعی و بعقد صریح معتبر اسلامی عالیحضرات سعادت و رفعت پناهان عوالی و معالی دستگاهان خواجه یادگار محمد ابن المرحوم المغفور المبرور خواجه محمد حسین بتکچی و خواجه میرزا بیگ ابن المرحوم المغفور المبرور خواجه محمد مؤمن به سعادت و رفعت پناهان عزت دستگاهان ملک حسن ابن المرحوم ملک علی بیگ ناتلی و ملک میرزا محمد ابن المغفور ملک سلطان ناتلی و ملک ولی بیگ ابن المبرور ملک شاه بیگ ناتلی همگی و تمامی کل قریه معروفه به سوخته سرای کمود جامه را که محدود است بدین وجه شرقاً پیوسته به چهار دره کوه نشا غرباً پیوسته به رودخانه خرمارود جنوباً پیوسته به تنگه طالب شمالاً پیوسته به دره آقایورت باجمیع توابع و لواحق و مضافات و منسوبات و ملحقات آن از اراضی و صحاری و عامره و غامره شرب و مشارب جداول و انهار مع که آب سنبیان زراعت شود از هر چه ملکیت را شاید و در تحت تصرف و قید تملک در آید از طواحین و قنوة دایره و بایره و غیر ذلک من القلیل و الکثیر و النقیرو القطمیر سطر فی هذه الصحيفة اولم یسطر ما ذکر فیہ اولم یدکر سواى المستثنیات الشرعیة کالسکک و الطرق و المساجد و المقابر و حقوق سعی المسلمین المعلومه فیها باجمیع شرایط صحت و لزوم عقد بیع درو مرعی خالی از شروط مفسده و عاری از قیود مبطله به ثمن مقرر معین یوم البیع المبلغ شش تومان عراقی النصف منه تأکیداً له و توضیحاً ایاه مبلغ سه تومان رائج الوقت تبریزی عراق و این مشتریان مذکورین مبیع محدود موصوف مذکور را به ثمن مذکور خریدند [د] و تمامی ثمن مزبور را ایفا نمودند و بایعان مومی الیهم اخذ و استیفاء تمام ثمن مزبور نموده مبیع محدود موصوف مذکور را از ملکیت خود تخلیه نموده بتصرف مشتریان مشار الیهم گذاشتند و

مشتريين مشاراليهم قبض ملكى و تصرف شرعى نموده با ساير املاك خود منضم گردانيدند و بينهما قبض و اقباض و تسليم و تسلیم شرعى در بدلين مذکورين واقع شد و اسقاط جميع خيارات نمودند سيما خيار الغبن و لو كان فاحشاً و ضمان درك شرعى شدند با يعان مذکوران كه عند خروج مستحق للغير كلاً او بعضاً از عهده غرامت آن بيرون آيند و مبايعه صحيحه شرعية اسلاميه شامله ايجاب و قبول شرعى واقع شد تا واضح بوده باشد.

وكان ذلك فى تاريخ ٢٢ شهر شوال ختم بالخير والظفر والاقبال سنة اثنى واربعون والى من الهجرة النبوية المصطفوية صلوات الله تعالى سنة ١٠٤٢ .
[بر حاشيه سمت راست و بالاى اين سند عبارات زير نوشته شده است :]
قبول است بدينموجب العبد يادگار محمد ابن مرحوم خواجه محمد حسين بتكچى .
[جای مهر]^۱

بدينموجب قبولست العبد ميرزا بيگ ابن خواجه محمد مؤمن كبودجامه .
[جای مهر]^۲

شهد بمافيه العبد الملك . [جای مهر]^۳
بشهادت بيرام آقا شامبياتى راهدار شارع خرمارود . [جای مهر]^۴
بشهادت العبد الاقل خواجه مرشد قلى راقيانى . [جای مهر]^۵
بشهادت ولى جان آقا شامبياتى راهدار شارع خرمارود . [جای مهر]^۶
شهد بمافيه العبد الاقل محمد على ابن المرحوم مير حسين جهانمائى . [جای مهر]^۷

- ۱- مهرى چهار گوشه كوچك با سجع: «يادگار محمد بن حسين». ۲- مهرى گرد ناخوانا.
- ۳- مهرى كوچك چهار گوشه ناخوانا . ۴- مهرى كوچك گرد كه نام «بيرام» بر آن خوانده مى شود . ۵- مهرى گلابى شكل ناخوانا . ۶- مهرى كلاهكدار گرد با سجع: «عبد ولى خان». ۷- مهرى شش ضلعى با سجع: «عبد الرحيم محمد على».

بگواهی میر عزیز شهرابی. [جای مهر]^۱
 قدوقع البیع المذكور علی الوجه المسطور حرره العبد الاقل محمد مهدی ابن المغفور
 فخرالدین محمد ظهیر متولی الحسینی عفی عنهما. [جای مهر]^۲
 شهادت قاسم ولد حسن . . . [جای مهر]^۳
 شهد بما فیہ المسطور علی الوجه المذكور العبد الاقل خواجه شاهسوار ابن
 المرحوم المغفور المبرور خواجه میرزا حسین میرشاهی. [جای مهر]^۴
 شهد بما فی العبد الاقل رستم ولد مرحوم . . . [جای مهر]^۵
 بسم الله الرحمن الرحيم
 این مرقومۀ قدیمه علائم صحت و اعتبار و آثار صدق و متانت در او ظاهر و
 هویدا است قد حرر فی ۲۷ ذی القعدة من سنۀ ۱۳۳۱ الاحقر .
 [جای مهر]^۶

-
- ۱ - مهری چهار گوشه که کلمات « میر عزیز » و « نجف » بر آن خوانده می شود .
 - ۲ - مهری بادامی شکل با سبع « عبده محمد مهدی الحسینی » . ۳ - مهری هشت گوشه که کلمات « آل محمد » بر آن خوانده می شود . ۴ - مهری بیضی که کلمات « شیخ شاهسوار » بر آن روشن خوانده می شود . ۵ - « عبده رستم » بر آن خوانده می شود . ۶ - مهری بیضی با سبع : « عبده العاصی الراجی حسین » .

سند مبايعه مورخ ۱۰۴۹ هـ . ق .

دراين سند ميرزا بديع الزمان حسيني به و كالت ثابته از قبل زوجتان خود سه دانگ از جمله شش دانگ قريه مير و محله را به مبلغ چهارده تومان جديد فضي رايج عراق به مولانا قاسم علي ولد مرحوم ملك محمد حسين فيروز شاه فروخته است .

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي احل البيع والشري و حرم الغصب والربوا و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله مصاييح الدجا و سلم تسليمأكثرأكثرأما بعد باعث بر تحرير اين سطور شرعيه و غرض از تسطير اين زبور مليه آنكه بفروخت عاليحضرت سعادت و نجابت پناه عزت و معالي دستگاه نتيجه السادات العظام و النقباء الكرام ميرزا بديع الزمان الحسيني الشيرنگي بوكالة ثابته از قبل زوجتان خود وهي عصمت پناه و عفت - دستگاه معظمه مكرمه مخدره تاج المستورات و المخدرات تبرك خانم بنت سيادت و مرحمت پناه مغفرت و رضوان دستگاه مير ضياء الدين محمد الحسيني الشيرنگي و عفت پناه عصمت دستگاه بلقيس مكاني خديجه الدوراني فخر جهان خانم بنت مغفرت - پناه مرحمت دستگاه ميرر كن الدين محمد الحسيني الشيرنگي بجناب رفعت و معالي - پناه سراجا مولانا قاسم عليا ولد مرحوم ملك محمد حسين فيروز شاه همگي و تمامي سه دانگ از جمله شش دانگ قريه موسومه مدعوه مير و محله را كه واقع است در بلوك استرabad رستاق من اعمال دار المؤمنين استرabad و محدود است بحدود اربع على ما ذيل شرقياً پيوسته رودخانه ترنگ غربياً پيوسته قريه چوپالاني جنوبياً پيوسته قريه اشتامهين خالصه شمالياً پيوسته جاده قريه ترنگ باجمع مضافات و بيوتات و ملحقات آن اراضي عامره و غامره و مجاري مياه و عيون و قنوات و حق آبه و

مواضع طواحين و توستان و ملیارستان و غیر ذلك و از هر چه ملکیت را شاید و در تحت تصرف و قید ملکیت در آید و اخلافها و خارجاً عنها من القلیل و الکثیر و النقییر و القطمیر مما ذکر فیہ اولم ینذکر سطر فی مد الصحیفه اولم سطر به بیع بات ثبات جازم لازم قطعی یکبار با جمیع شرایط صحت غور بیع در و مرعی خالی از شروط مفسده و عاری از قیود مبطله بقیمت مقومان عدل ذوی البصیره به ثمن مقرر مشخص یوم البیع المبلغ چهارده تومان جدید قضی رایج عراق نصفه توضیحاً هفت تومان رایج مذکور و این جناب سیادت و نجابت پناه با یع مشارالیه بوکالة نایب الوکاله زوجتان مذکور تان خود اخذ و استیفاء تمام ثمن مزبور نموده مبیع محدود و موصوف مذکور را از ملکیت موکلان خود تخلیه نموده بتصرف مالکانه مولانا قاسم علی مشتری مذکور گذاشت و مشتری مذکور قبض ملک و تصرف شرعی نموده با سایر املاک خود منضم گردانید و اسقاط جمیع خیارات نمود سیما خیار الغبن و لو کان فاحشاً او افحش ... مسطورۀ مذکوره میانه دو نفر بدیع الزمان بالمناصفه بود .

وكان ذلك في غرة شهر رجب المرجب سنة ١٠٤٩ .

[بر حواشی بالا و راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

وقع البیع المذكور و اخذ المبلغ تماماً بعد ثبوت الوکالة عندی العبد رفیع الدین محمد الخادم الحسینی . [جای مهر]^۱

هو

وقع بیع المذكور مع اخذ الثمن علی النهج المسطور . [جای مهر]^۲

هو

اعترف السيد السند الحسیب بجمیع ما سطر فیہ نمقه . [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی کوچک ناخوانا . ۲- مهری گرد که کلمات «افوض امری الى الله الفنی عبده ابن . . . شفیع» بر آن خوانده می شود . ۳- مهری بیضی کوچک ناخوانا .

برینموجب قبولست العبدبذیع الزمان الحسینی . [جای مهر]^۱
 مضمون مسطور بیان واقع است العبدمحمد صالح . [جای مهر]^۲
 مضمون مسطور بیان واقع است العبد [جای مهر]^۳
 شهد بمضمونه العبد الاقل عیسی الحسینی . [جای مهر]^۴
 [باشهادت چند تن دیگر از شهود بر حاشیه سمت راست که بیشتر بدخط و ناخواناست].

۶

سند مبیاعه شرطی مورخ ۱۱۱۹ هـ . ق .

در این سند قریب بانعلی ولد مر حوم ابراهیم رغدی ساکن قریه تلوكالاته
 يك سهم از جمله هفت سهم از نیمدانگك از كل قریه تلوكالاته را به
 مبلغ يك تومان و پنجهزار دینار عراقی به میر غیاث الدین محمد بن
 میر کمال الدین محمد فروخته است .

بفروخت به بیع شرط نه ماه یوم سعادت نصاب قریب بانعلی ولد مر حوم ابراهیم
 رغدی ساکن قریه تلوكاته بجانب سیادت و نجابت پناه عزت و عوالی دستگاه
 میر غیاث الدین محمد ابن مرحمت و غفران پناه میر کمال الدین محمد همگی و تمامی
 یکسهم از جمله هفت سهم از نیمدانگك از كل قریه معروفه تلوكالاته که از کثرت و
 شهرت و تفرد اسم مستغنی است از تحدید با جمیع مضافات از آب حصه و ... حصه و
 چشمه و رودخانه و غیر ذالک و همگی و تمامی ۲ دانگك از جمله چهار دانگك حق الحفر
 رعیتی از كل يك رشته قنات واقع در قریه مرزبانكالاته و مشهور است بقنات
 ابراهیم رغدی با جمیع مضافات از پشت و پیشان و خشکام و آبکام و حریم و غیر ذالک
 ما ذکر اولم ینذکر بضمن المقرر یوم البیع المبلغ یکتومان پنجهزار دینار عراقی نصفه

۱- مهری کوچک چهار گوشه ناخوانا . ۲- مهری گرد که کلمات «محمد صالح»

بر آن خوانده می شود. ۳- مهری چهار گوشه ناخوانا. ۴- مهری بیضی ناخوانا.

بیاناً لاصله هفت هزار و پانصد دینار رایج مزبور که در حین وقوع مبیعه از ید مشتری مشارالیه اخذ و قبض نموده و در ضمن عقد مبیعه بینهما شرط شرعی شد هرگاه از تاریخ تحریر تاسع عشر شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۱۱۹ الی انقضای مدت مزبوره در ظرف ایام خیار را تمام ثمن بسوی مشتری سابق الذکر نماید مسلط بر فسخ مبیعه بوده باشد و الا مبیع موصوف را تسلیم نماید و بعد ذالک با جارة شرعیه قبول نمود با یع مومی الیه حاصل و منافع مبیع موصوف را از جناب مشتری مشارالیه بمقدار یک خروار و بیست من شالی بوزن بلده نصفه سی من مقرر آنکه بدل اجاره را در انتهای موعد در قریه مزبوره بلا عذر تسلیم و مهمسازی نماید و صیغه شرعیه عبری و فارسی بینهما جاری گردید .

تحریراً ۱۹ شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۱۱۹
من الهجرة النبوية المصطفوية عليه الف الف .

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند مطالب زیر نوشته شده است :

بسم الله خير الاسماء

وقع البیع و قبض الثمن تماماً و قبول الاجارة کما بز فيه عندي . [جای مهر]^۱
بتاریخ بیست و چهارم شهر رمضان المبارك . . . هدایت و نقابت دستگاه میر-
غیاث الدین بن محمد ... و اخبار داد با یع مذکور را که هرگاه از حال تحریر لغات مدت
نه ماه دیگر رد کل مثل ثمن دفعةً واحد بسوی جناب مشتری مشارالیه رد نماید مسلط نموده
باشد بر فسخ مبیعه مزبور و الا بیع لازم و خیار ساقط و فسخ ممتنع بوده محتاج به بیع
جدید نبوده باشد و کان ذلک بتاریخ المزبور الفوق سنه ۱۱۲۰ . [جای مهر]^۲

۱ - مهری چهار گوشه بزرگ با سجع : «الوائق بالولی المبدء عبده المعبد محمد مفید» .

۲ - مهری چهار گوشه با سجع : «الوائق بالولی المبدء عبده المعبد محمد مفید» .

اقر بالبيع المشروط فيه وباخذ الثمن و قبول الاجاره ... زبرفيه فى الكتاب لدى
نمقه ميرزا محمد .

وقع البيع واقرب قبض الثمن والاجاره العبد محمد قاسم . [جای مهر]^۱
هو الشاهدین علی ذلك حاجی محمد تقی سیری .

هو وقع البيع واخذ الثمن ... کما سطر فيه ... العبد الاقل سيد محمد مقيم .

[جای مهر]^۲

هو

اقر بالمبايعه المشروط فيها آخذاً ثمنها اعترف بقبول الاجاره حسبما سطر فيه لدى
نمقه العبد الجانى . [جای مهر]^۳

وقع البيع واخذ الثمن والاجاره کما سطر ... العبد الاقل ميرزا بيگ گلام .

[جای دو مهر]^۴

وقع البيع واخذ الثمن تماماً و قبول الاجاره حسبما زبرفيه لدى العبد الجانى .

[جای مهر]^۵

- ۱ - مهری بیضی بزرگ فاخوانا . ۲ - مهری چهار گوشه باسجج : «وجنات فیہاننیم
 - مقیم ، ۳ - مهری بیضی و ناخوانا . ۴ - مهری چهار گوشه باسجج : «عبدہ
 - میر بیگ ، ۵ - مهری چهار گوشه کوچک باسجج : «محمد علی ، ۵ - مهری چهار گوشه
- باخط طغرا که کلمه «محمد» بر آن خوانده می شود.

۷

سند مبايعه مورخ ۱۱۴۳ هـ . ق .

در این سند ملك زاده قليچ ناتلی يك ثلث از يك دانگك از شش دانگك
قریه سوخته سرای را به مبلغ يك تومان و پنجهزار دینار تبریزی
به آقا عبدالمطلب ولد قلندر بيگ ناتلی به بيع قطع فروخته است .

مطلب از تحریر این سطور مبرا از قصور آنست که حاضر شد به محکمه محکمه قلعه
مبارکه دارالمؤمنین استراباد ملك زاده قليچ ناطلی بفروخت بمبايعه قطعيه صحيحه
شرعیه در حالی که شاهد تعریف او بود حضرت نجابت و رفعت و معالی پناه عزت و
محمّدت و عوالی دستگاه حاج الحرمین الشریفین زایر بیت الله الحرام كهف الحاج
والمعتمرین حاجی محمد موسی حاجیلر و تصدیق نیز نموده بود که در جانب . . .
همگی و تمامی ثلث از يك دانگك از شش دانگك از كل قریه مشهوره معروفه بسوخته-
سرای را ممالك است و در يد تصرف خود دارد و حق طلاق او است برفعت و
معالی پناه آقا عبدالمطلب ولد قلندر بيگ ناطلی ثلث يك دانگك از شش دانگك
از كل قریه مزبوره را با جميع توابع و لواحق و مضافات و منسوبات از تلال و
جبال و اودیه و انهار و غیر ذلك عن آنچه ملك را شاید و انتفاع توان یافت مما ذكر
فيه اولم يذکر وسطر فيه اولم يسطر بثمان مشخص معین الی يوم البيع المبلغ
سی تومان تبریزی فضی رایج نصفه، بیانا لاصل و توضیحا لایاه يك تومان و پنج
هزار دینار تبریزی رایج موصوف و صیغه مبايعه صحيحه شرعیه فیما بین بايع و
مشتري مزبور مشتمل بايجاب و قبول شرعی فیما بین واقع و جاری گردید و بايع مزبور
اخذ و ایفای تمام ثمن از يد مشتري نموده مبلغ مزبور را از يد تصرف خود تخلیه
نموده بتصرف مالکانه مشتري مومی الیه داد و بايع مومی الیه اسقاط جميع خيارات
سیما خيار الغبن ولو كان فاحشا بل أفحش نمود و بعد ذلك دعوی غبن آن را بايع

مزبور بامشتری مزبور به مبلغ دو هزار دینار تبریزی فسی رایج مصالحه صحیحه شرعیه نمود و مره بعد آخری دانسته و فهمیده و عاملاً بالکمیة و الکیفیة دعوی غبن غبن مبیع مزبور را بمبلغ یک هزار دینار تبریز مصالحه نمود و بدلین مزبورین نیز در مجلس مبیعه و مصالحه به معرفت مشتری مسطور و اصل بایع مذکور شد و مجموع اصل ثمن و مال المصالحین که کل مبلغ سه تومان و سه هزار دینار تبریزی بوده باشد باقباض مشتری و اصل شد و ضمان الدرك عند خروج المبيع مستحقاً للغير کلاً او بعضاً عینیة^۱ او منفعة^۲ علی من علیه بموجب شریعت غرا ثابت و مقرر است .

و كان ذلك بتاريخ ۵ شهر ذیحجه الحرام من شهر سنة ثلث و عشرين و مائة بعد الالف من الهجرة النبوية المصطفوية عليه الف الف سلام و الثناء و التحية .

[بر حاشیة بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است :]
مبیعة مزبوره و قبض ثمن و مصالحین مزبورین و اخذ بدل مصالحین تماماً مع ضمان الدرك از مال مزبور در حضور داعی دوام دولت قاهره واقع شد نمقه العبد .

[جای مهر]

شهد بمافیه خانقلی حاجی ار . [جای مهر]^۱

شهد بمافیه میرولی قلیچی . [جای مهر]^۲

شهد بمافیه محمدعلی شامبیاتی . [جای مهر]^۳

شهد بمافیه العبد میرک سلطان . [جای مهر]^۴

شهد بمافیه ایوزخان رامیانی . [جای مهر]^۵

۱ - مهری چهار گوشه بزرگ باسجع : «افوض امری الی الله عبده محمد مفید ۱۲۱۱» .

۲ - مهری چهار گوشه باسجع : «عبده خانقلی» . ۳ - مهری چهار گوشه که کلمات «عبده

میر محمدولی» بر آن خوانده می شود . ۴ - مهری چهار گوشه باسجع : «الله محمد علی» .

۵ - مهری چهار گوشه باسجع : «لا اله الا الله» و کلمات «خاک» ، «علی» ، «مه» ، «سال» ، «است» ،

۶ - مهری بیضی باسجع : «عبده عوض» .

هو اقر بما فيه لدى العبد سيد على الينگانی. [جای مهر]^۱
 شهد بما فيه حسين على بك شامبياتی. [جای مهر]^۲
 شهد بما فيه محمد يوسف غلام. [جای مهر]^۳

A

سند بمبايعه مورخ ۱۱۲۶ هـ . ق .

در این سند محمد بیگ ولد محمد کاظم خان پنج دانگ از جمله شش دانگ ناور مشهور به تو تنگل و پنج دانگ از شش دانگ ناورهای مشهور به قرا بیان واقع در قریه سنگدوین را به میرزا محمد ابراهیم ولد میر ابو طالب موسوی فندرسکی به بیع قطع فروخته است .

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله اجمعين اما بعد باعث بر تحرير اين رقيه آنکه بفروخت بمبايعه صحيحه شرعيه عا [ليجاه] رقيه مقدار و الاتبار... اعظم آثار مقرب الحضرت العليه العاليه آقا يامحمد بيگ ولد مرحمت و غفران پناه محمد کاظم خان بجناب عالي حضرت سيادت و نجابت و معالي پناه عزت و مكرمت و عوالي دستگاه سلاله السادات و النجبائي ميرزا محمد ابراهيم^۴ ولد مرحمت و غفران پناه ميرزا ابو طالب موسوی فندرسکی پنج دانگ از جمله شش دانگ ناور مشهور به تو تنگل و پنج دانگ از جمله شش دانگ ناورهای مشهور بقرا بیان که واقعند بقریه سنگدوین و غيره باجمع

۱- مهری بیضی باسج: «عبد علی الحسینی» . ۲- مهری چهار گوشه باسج :

« حسینعلی شفیع تو باشد ۱۱۲۰ هـ . ۳- مهری بیضی کوچک با نام : «محمد یوسف» .

۴- مهری مستطیل شکل باسج : «الله محمد علی عبد محمد ۱۱۰۹ هـ .

ما يتعلق بها از آنچه ملکیت را سزد و شاید بموجب حدودی [... چند کلمه محذوف است] با بیع معزی الیه بوده و پنجدانگ از هر یک بامشتری مومی الیه بوده باشد بمبلغ پنجاه تومان نصفه بیست و پنج تومان تبریزی.

ح _____ د
ناور تو تنگل

جنوبی _____ د	شرقی _____ د
شاهمرزی که از سر بند بدان کشیده	شاهمرز قریه کافر دوین
بسامان کافر دوین متصل است بالای	
شاه راه	

شمالی _____ د	مغربی _____ د
سیاه جو	نهر گرجی وال تا بند آبدنگ
	مقصود بیگ مشهور به بید جنگل

ح _____ د
ناور قرایان

جنوبی _____ د	شرقی _____ د
رودخانه سیاه جو	سامان اجلو
شمالی _____ د	غربی _____ د
رودخانه قراتیکن	قاریشوق رودخانه قراتیکن و سیاه جو

بوده باشد مشروط به آنکه عالیقدر با بیع بهیچ وجه من الوجوه با اخراجات ملکى ناور - های مذکور مثل بستن ناور و ساختن مسیل و حفر انهار اداش و غیره مطلقاً رجوعی نبوده تمامی بامشتری بوده باشد و اخراجات دیوانی مثل مالوجهات و اخراجات ایلچی و ولیمحمدخان و غیره که بقریه سنگدوین حواله میشود تمامی با عالیقدر با بیع معزی الیه که

مالك قريئه سنگدوين است بوده باشد که مطلقاً مشتری مشارالیه را رجوع نبوده باشد و بعثت پنجدنگ ناور از اخراجات [نباید] دیناری ازو مطالبه شود و چون یکدانگ عالیقدر معزی الیه مخلوط است بهرجزئی از اجزای کل پنجدنگ متعلق بمشتری که منفك و منقسم نمیتواند شد لذا آنچه حاصل ناوهرای مذکور شد از جمله شش دانگ یکدانگ برینموجب ازهریک تعلق

صد خروار	سی و پنج خروار	بیست خروار	صدوسی خروار
از قسمتی بیست من	از قسمتی پنجاه دینار	از قرار خروار	و عدس خرواری
بوزن فندرسك	۵۰	فندرسکی یکمن	بوزن فندرسك
۲۰		بوزن فندرسك	۵

۵

با عالیقدر بایع معظم الیه دارد و آنچه حاصلی که غیر اینها به عمل آید مثل ابریشم و مواشی و غیره اگر مالك پنجدنگ باز یافت نماید از آنچه باز یافت نماید يك دنگ باعالیقدر بایعمد کوراست و تتمه محصولات مفصله فوق و غیره باعالیحضرت مشتری مرمی الیه است بشرایط مسطورہ صیغه بیع و شراینهما جریان یافت و عالیقدر بایع معظم الیه تمامی مبلغ را ازید مشتری اخذ نموده و ناوهرای مذکورہ را از املاك خود تخلیه نموده بتصرف مالکانه مشتری مشارالیه داده و او نیز بتصرف مالکانه نمود که سال بسال درسرخرمین از آنچه حاصل زراعت بعمل آمده باشد بموجب تفصیل فوق رسد عالیتدیر معزی الیه را تسلیم گماشته ایشان نموده قبض باز یافت نماید و ضمن العقد شرط شد که هرگاه مشتری خواسته باشد که از رودخانه دهنه نردبان آبی ازهرجا که خواسته باشد بیاورد احدی مزاحم آن نشود مشروط بآنکه ضرری و تعرضاتی بزراعت و قنواة و غیره سنگدوین نرساند زاینده و فاضل آب نهرگرچی و آب رودخانه دهنه نر [د] بان که داخل نهر مذکور شود از بالای سامان مشتری که بند جنگل است سوای

زراعت غله و عدس و ماش در سمت مشرقی نهر مذکور نمایند که مطلقاً زراعت شالی نشود و در تحت سامان که بند جنگل است مشتری مومی الیه هر گاه خواسته باشد بند بسته بجهة سر کوب ناور از هر جا مختار است.

كان ذلك تحریرا فی تاریخ غره شهر ربیع الاول
یونتیل سنه هزار و صد و بیست و شش سنه ۱۱۲۶.
[محل مهر]^۱

[بر حاشیه سمت راست این سند، شهود چنین نوشته اند:]

شهد بمافیه العبد ملا محمد سنگدوینی. [مهری بیضی و ناخوانا]

شهد بمافیه العبد جانعلی سنگدوینی [جای مهر]^۲

شهد بمافیه العبد ملک شاه حسین سنگدوینی. [جای مهر]^۳

شهد بمافیه العبد محمد قلی آقافر دوسی. [جای مهر]^۴

شهد بمافیه العبد علیرضای علی آبادی. [جای مهر]^۵

هو شهد بمضمونه المسطور العبد الاقل گرگین. [جای مهر]^۶

هو شهد بمضمونه المسطور العبد الاقل زال. [جای مهر]^۷

- ۱ - مهری مستطیل باسجع: «الله محمد علی عبده» ۱۱۰۹. ۲ - مهری شش گوشه باسجع: «جانعلی سنگدوینی» ۱۱۲۲. ۳ - مهری چهار گوشه با نام «شاه حسین سنگدوینی».
- ۴ - مهری چهار گوشه باسجع: «بنده شاه دین محمد قلی».
- ۵ - مهری چهار گوشه باسجع: «یا امام علی بن موسی الرضا» ۱۱۲۲. ۶ - مهری چهار گوشه باسجع: «افوض امری الی الله عبده گرگین» ۱۱۱۷. ۷ - مهری چهار گوشه که کلمه «زال» بر آن خوانده می شود.

در این سند میرزا عبدالحمید ولد مرحوم میرزا محمد فندرسکی به وکالت زوجه دایمۀ خود سیده حلیمه خاتون ، یک دانگ و نیم قریۀ کیابسر و یک دانگ و نیم قنات مازوستان و یک دانگ و نیم ازرهر رشته قنات واقع در مزرعۀ ما بین فندرسک و یک دانگ و نیم از قریۀ خسر و آباد و یک دانگ و نیم مزرعۀ طالب آباد و سه دانگ قنات حاجی قاسم را به میرزا حبیب الله و میرزا بدیع الزمان فرزندان مرحوم میرزا محمد فندرسکی با جمیع توابع و لواحق به بیع قطع فروخته است .

الحمد لله الذي احل البيع والشري وحرّم الغصب والربوا صلى الله على محمد وآله مصاييح
الدجى وسلم تسليماً كثيراً كثيراً وبعد مقصود از تحرير اين سطور شرعية القواعد و
الاركان آنستكه فروخت بيع صحيح شرعى جازم لازم طوعاً ورغبةً لا اكره و اجباراً
سيادت ونجابت پناه ميرزا عبد الحميد ولد مرحوم ميرزا محمد فندر سكى بوكالت زوجه
دائمه خود هي لمسماة السیده حليمه خاتون بنت المرحوم ميرزا ابوطالب فندر سكى
بسيادت ونجابت پناهان ميرزا حبیب الله وميرزا بديع الزمان ولدان مرحوم ميرزا محمد
فندر سكى همگی وتمامی قری ومزارع مفصله ذیل را با جمیع توابع ولواحق از قنوات دايره
وبایره وحق الارض قنوات وغيره وطواحين وآبدنگ ومجرء المياه وملیار استانو ناور
قریه _____ قنّه _____ قنّه _____ قنّه _____
کیاب سر از جمله شش مشهور بقناة مازوستان واقع واقع در مزرعه پائین
دانگ تمام قریه مذکور در آب کله که مالکان سابق فندر سک که معروف با یعو
یک دانگ ونیم بمالك قریه مزبور بملکیت مشتری است که بشرح

داده اند و در . . . مزبور
 زراعت میشود يك دانگ و
 از هر يك از دو رشته يك
 دانگ ونیم

قریه _____ مزرعه _____ قنۀ _____
 خسرو آباد از جمله شش طالب آباد بایک دانگه حق- مشهور بقنۀ حاجی قاسم
 دانگ تمام قریۀ مذکور الارض قنۀ مشهور بقنۀ واقع در مزرعۀ مذکور
 يك دانگ ونیم سپردوزان يك دانگ ونیم از حق الارض و حق الحفر
 سه دانگ از جمله شش
 دانگ

و توت استان و اشجار مثمره و غیر مثمره عن آنچه ملکیت را شاید وسزد و در قید تملک
 در آید و انتفاع توان یافت مما ذکر فیہ اولم یدکر و مما سطر فیہ اولم یسطر بضمن مشخص
 معین الحاضر المبلغ نود تومان عراقی قضی رایج المعامله النصف منه تأکیداً للاصل و
 توضیحاً بایه چهل و پنج تومان رایج مزبور بخریند جناب مشتریان سابق الاقباب مبیعات
 موصوفات مفصله فوق را از وکیل مسماة سیدۀ مزبوره و ایفاء تمام ثمن در مجلس بیع
 نمودند و بایع مومی الیه و کالۀ اخذ و استیفاء تمام ثمن ازید مشتریان مزبوران نمود
 مبیعات مزبوره را از ملکیت مالکانۀ موکلۀ خود تخلیه و بتصرف مشتریان مزبوران
 داده و ایشان نیز قبض ملک و تصرف شرعی نموده با سایر املاک و رقبات خود
 منضم گردانیدند و بینهم قبض و قباض و تسلیم و تسلیم در بدلین واقع شد ثانیاً وکیل بایعۀ
 مزبوره بامشتریان مشار الیهما در مقام دعوی غبن مبیعۀ مزبوره در آمده بعد از گفتگو و
 نزاع جمعی از مؤمنین اصلاح کیش فیما بین واسطه و دعوی غبن مزبور را بمبلغ هشت
 تومان عراقی نصفه بیاناً له چهار تومان صلح و بدل مصالحه بمعرفت بایعان مذکوران تسلیم
 وکیل مشتریائۀ مسفوره شد و ثالثاً نیز وکیل مسماة بایعۀ مسفوره با مشتریان مذکوران

نزاع و دعوی غبن مبیعۀ مزبوره نموده آن نیز بتوسط جمعی از مصلحین بمبلغ دو تومان عراقی نصفه بیانآله و توضیحاً اباه یکتومان رایج مزبور صلح صحیح شرعی نموده قاطع کل خصومات و دعاوی شد و بدل مصالحین بانضمام اصل ثمن که مجموع مبلغ یکصد تومان عراقی بوده باشد بمعرفت مشتریان مذکوران واصل و تسلیم موکله بایعۀ مسفوره شد صلحاً صحیحاً شرعاً اسلامياً و صیغ شرعی بقانون شریعت بیضا بعلری و فارسی جریان یافت.

كان ذلك في تاريخ سابع شهر رجب المرجب من شهور سنة تسع وعشرين ومائة بعد الالف من الهجرة النبوية المصطفوية صلى الله عليه وسلم الف الف الف الف التحية والثنا سنة ١١٢٩ .
[جای مهری بیضی شکل ناخوانا]

[بر حواشی این سند عبارات زیر خوانده می شود:]

هو شهد بما فيه العبد سعد الله الموسوی.

هو وقع البيع حسبما سطر فيه بعدما استفاد وكالة البايع المشار اليه من شهادات السادات النجباء المعزى اليهم لدى العبد . [جای مهر]^۱

هو وضع و صرح مدلوله بمحضری العبد الباری محمد اسمعیل الانصاری .

[جای مهری ناخوانا]

هو من المطلاعین علی ذلك البیع ابن محمد حسین یحیی الخادم . [جای مهر]^۲

هو

وقع البیع والصلح حسبما سطر فيه بمحضری ... لا یخفی ان وكالة البایع استفاد من شهادة

۱ - مهری چهار گوشه باسجع : «عبدہ فضل الله الموسوی ۱۱۱۸» . ۲ - مهری

چهار گوشه باسجع «من عبدہ ... یحیی الحسینی ۱۱۲۳» .

السادات النجبا السيد محمد ابراهيم والسيد سعدالله و مولانا كرمعلی والشيخ محمد سعيد والسيد محمد حسين . [جای پنج مهر]^۱
 وضح وضح مدلوله لدى حرره محمد حسين الخادم . [جای مهر]^۲
 انا من الشاهدين بذلك . [جای دو مهر]^۳
 هو اقر البايع المدعى للوكالة بما فيه لدى العبد الطالح حسين بن صالح .
 [جای مهر]^۴
 صح مضمون الكتاب باخبار جماعة من الكلامهم . [جای مهر]^۵

هو

اخرت السيد النجيب بالبيع وقبض الثمن تماماً وقوع المصالحين واخذ بدله بعد ثبوت
 الوكالته لدى العبد . [جای مهر]^۶

- ۱ - مهر اول بیضی باسجع : «عبدہ مفید الموسوی» . مهر دوم بیضی باسجع : «عبدہ مرتضی الموسوی» . مهر سوم چهار گوشه باسجع : «افوض امری الی الله عبدہ سید عبد الله ۱۱۲۵» . مهر چهارم بیضی باسجع : «عبدہ شیخ محمد رضا» . مهر پنجم بیضی باسجع : «عبدہ مفید الموسوی» .
- ۲ - مهری چهار گوشه باسجع : «حسین منی وانا من الحسین» . ۳ - مهر اول بیضی باسجع : «عبدہ محمد ابراهیم...» . مهر دوم چهار گوشه باسجع : «عبدہ علی بن ابراهیم الموسوی» .
- ۴ - مهری بیضی که کلمه «صالح» بر آن خوانده می شود . ۵ - مهری بیضی ناخوانا .
- ۶ - مهری مستطیل بزنگ که کلمات «عبدہ محمد مفید» بر آن خوانده می شود .

سند مبیاعه مورخ ربیع الاول سنه ۱۱۴۰ هـ . ق .

در این سند ملک جمال الدین نیم دانگ و نیم ربع از جمله دودانگ و نیم از پنج دانگ حق الحفر قناته چوپلانی را به مبلغ سه هزار و پانصد دینار عراقی به میر محمد جعفر فروخته است .

بفروخت به بیع قطعی جازم لازم طوعاً و رغبتاً لا اکراهاً و اجباراً توفیق آثار علی ولد مرحوم ملک جمال الدین تبلکی بسیادت و نجابت پناه میر محمد جعفر همگی و تمامی نیمدانگ و نیم ربع از جمله دو دانگ و نیم از پنج دانگ حق الحفر قناته که واقعست در قریه چوپلانی مع توابع و لواحق آن از پشت و پیشان و آتش و مایتعلق بهابشمن مشخص معین یوم البیع المبلغ سه هزار و پانصد دینار عراقی نصفه بیاناً له یکهازار و هفصد و پنجاه دینار بخیرید مشتری مشارالیه و تمام ثمن را بسوی بایع مذکور ایفاء نموده و اونیز قبض ملک نموده بسایر املاک خود منضم گردانید و بایع مذکور دعوی خیار غبن مبیاعه مزبوره را بمبلغ یکهازار دینار و دعوی غبن غبن آنرا ایضاً بمبلغ پانصد دینار صلح و قبض تمام بدل المصالحه نمود .

تحریر ا غره شهر ربیع الاول سنه ۱۱۴۰ .

[بربالا و سمت راست این سند عبارات زیر خوانده می شود :

هو اقر بالبیع واخذ الثمن بمحضری حررها . [جای مهر]

هو وقع البیع وقبض الثمن تماماً لدى العبد احمد حلی .

شهدی بمافیه آقا حسین . [جای مهری بیضی ناخوانا]

من الشاهدین علی ذالک حاجی میر عبدالکریم . [جای مهری بیضی ناخوانا]

وقع البیع وقبض الثمن تمامآ لدی العبد خداداد. [جای مهر]^۱

۱۱

سند مبیاعه مورخ ۱۱۷۰ هـ . ق .

در این سند میرزا جمال الدین محمد الحسینی شیرنگی به وکالت از قبل والده و زوجه خود پنج سهم از جمله نه سهم از ده سهم از یک دانگ از جمله شش دانگ قریه میر و محله را به میر عبداللّه حسینی و میرزین العابدین فروخته است.

هو المالك

نحمد ونصلی وبعد فروخت ببيع صحيح شرعی قطعی حضرت گرامی سلاله السادات والنجایسی میرزا جمال الدین محمد الحسینی شیرنگی بیادت و نجابت پناهان میر عبداللّه الحسینی خلف مرحوم مغفور میر محمد قاسم مشهور بحاجی میر عیسی استرآبادی و میرزین العابدین ولد مرحوم میر عبدالغفار و این بایع مزبور بوکالت مشافهه ثابته از قبل والده و زوجه خود که صبیّه کبری مرحوم میرزا معز الدین محمد بوده باشد مبیاعه مزبوره را واقع ساخته بر همگی و تمامی و پنج سهم از جمله نه سهم از ده سهم از یک دانگ از جمله شش دانگ از کل قریه میر و محله واقعه در بلوک استرآباد رستاق را از آب رودخانه و اراضی عامره و غامره و اشجار مثمره و غیر مثمره و آبار و انهار و غیر ذلك عن آنچه ملکیت را شاید و سزد مما ذکر فیہ اولم یدکر بضمن مشخص مقبوض عند البیع المبلغ هفت تومان [و] دوهزار و پانصد دینار تبریزی فضا رایج المعامله و بینهما قبض و قباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مزبورین بوقوع انجامید و بعد ذلك المراتب دعوی غبن و غبن در غبن مبیاعه مزبوره را بایع مزبور از جانب موکلان

خود بامشتریان مومی الیها دانسته و فهمیده بمبلغ پنجهزار و دو یست و پنجاه دینار
 'لحه صحیحه شرعیه نموده وجه مصالحه بانضمام تمامی ثمن که مساوی و
 ... تومان و هفت هزار و هفتصد و پنجاه دینار تبریزی بوده باشد باقباض
 مشتریان مزبوران و اصل و عاید بایع مزبور شد و عقود لازم مزبوره جاری شد و ضمان
 درك شرعی مبیع مزبور در عهده بایع مشارالیه است که عند فساد العقود از عهده کلمه
 یلزم علی مشتریان بر آمده بعذری موقوف ندارد .

تحریر شد ۱۲ شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۱۷۰ .

[برحواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم الله جل شأنه

بعد از آنکه سیادت و نجابت پناهان آقامیر عماد و آقا سیدرضا ولدان مرحوم آقامیر
 روح الله استر ابادی ادای شهادتی برو کالت... پناه بایع مزبور تین نمودند جناب بایع مزبور
 اقرار بمبایعه و مصالحه و اخذ بدلین و اسقاط خیارات بشرح مزبور متن نمود.

[جای مهر]^۱

هو بعد ثبوت التوکیل شفاها وقع العقد البیع والصلح وقبض مالهما و الضمان لدی
 نمقه العبد. [جای مهر]^۲

اقر البایع المشار الیه بالبیع و اخذ الثمن لدی. [جای مهری بیضی ناخوانا]
 بعد و ضوح التوکیل اقر البایع بجميع اسند الیه فیہ لدی. [جای مهری ناخوانا]
 هو اقر البایع دام عزه بالبیع و قبض الثمن کما اسند الیه فیہ لدی. [جای مهر]^۳
 اعترف البایع و قد قدره بالبیع و قبض الثمن کما اسند فیہ لدی. [جای مهری ناخوانا]

۱ - مهری چهار گوشه کوچک باسجع : « افوض امری الی الله عبده محمد علی » .

۲ - مهری مستطیل شکل باسجع : « افوض امری الی الله عبده لطف الله » . ۳ - مهری

بیضی که کلمات « عبده محمد صادق » بر آن خوانده می شود.

۱۲

سند مبايعه مورخ ۱۱۷۴ ه. ق.

در این سند ملامحمد زمان همگی و تمامی يك باب باغچه متصل به
مدرسه مفيدیه استرabad راه و وكيل آقامحمد رفيع موسوی به مبلغ يك
تومان و پنج هزار دينار تبریزی فروخته است .

هو

بسم الله الرحمن الرحيم

سيد المرسلين

خاتم النبیین

الحمد لله الذي احل البيع والشري و حرم الغصب والربوا والصلوة والسلام على محمد
خير الوري وعلى آله واولاده مصاييح الدجى و بعد حمد الله سبحانه و تعالى غرض از
تحرير اين سطور خيريت دستور و تسطير اين زيور ميمنت مزبور آنست كه بفروخت
بييع صحيح صريح معتبر لازم جازم شرعى صلاحيت و فضيلت پناه ملامحمد زمان
ولد المرحوم ملامحمد مهدى بوكيل سركار عاليجناب مقدس القاب سيادت مآب كمالات
اكتساب ملكى طينت قدسى سريرت قدوسى بهجت خجسته فطرت افتخار اولاد
امجاد اعتضاد احفاد سعادت نژاد حاوى مكارم الاداب فى كل باب المستغنى عن الاطناب
فى الالقاب آقامحمد رفيع الموسوى زيد عمرها همگى و تمامی يك باب باغچه متصله
بمدرسه مفيديه واقعه در دار المؤمنين استرabad محدود بحدود اربعه شرقاً بدكان
صابون پزى ملكى رفيع مقدار آقا اسمعيل شهرى غرباً بشارع عام شمالاً بدكان ملكى
حاج الحرمين الشريفيين حاجى احمد جنوباً بمدرسه مزبوره بثمان معين و مبلغ ميين
يكتومان و پنجهزار دينار تبريزى فضى رايج الوقت بلدة مزبوره وبخريد وكيل سركار
عاليجناب معزى اليه كه ارشد واكبر اولاد عظام واحفاد كرام مرحمت و غفران پناه باني و

واقف مدرسه مزبوره و متولی شرعی آن میباشند مبيع موصوفرا از بابت وجوه موقوفات مدرسه مزبوره و ثمن آن از بابت وجه موقوفات تسلیم بایع وصیغه مبايعه بلااكره و اجبار بل بالتراضی والاختیار فیما بین بایع و وكيل سرکار عالیجناب معزی الیه سمت جریان و وقوع یافته ادعای غبن آنرا بمال المصالحه مبلغ یکصد دینار - تبریزی مصالحه صحیحه شرعیه ملیه اسلامیه نموده اسقاط جمیع خیارات نمود و مبيع موصوف را از بد تصرف خود اخراج و کسایر املاک الموقوفات منضم و داخل موقوفات گردید و ضمان الدرك الشرعی علی من اوجب علیه الشارع عند وقوعه و لزومه. و كان ذلك في شهر ربيع الاخر من شهور سنة اربع وسبعين ومائة . بعد الالف من الهجرة النبوية عليه الف الف تحيه ۱۱۷۴ .

[بر حواشی این سند عبارات زیر است:]

اعترف البایع بما فيه العبد . [جای مهر]^۱

قد اعترف بما سمی فيه العبد المذنب . [جای مهر]^۲

قد اتفقت المبايعه والمصالحه وجریان الصیغه بمحضری العبد . [جای مهر]^۳

قد اقر البایع الطایع بالبيع وقبض الثمن تماماً لدى . [جای مهر]^۴

وقع البيع والشري وقبض الثمن وجریان الصیغه المصالحه ما فيه لدى العبد .

[جای مهر]^۵

قد اقر البایع واخذ الثمن لدى العبد . [جای مهر]^۶

۱- مهری چهار گوشه که کلمات: «مکانا علیا» در آن خوانده می شود. ۲- مهری

بیضی با سجع: «عبدہ جمال الدین الحسینی». ۳- مهری بیضی با سجع: «افوض امری

الی الله عبدہ محسن ...». ۴- مهری بیضی بزرگ با سجع: «عبدہ ابوالحسن بن محمد

الحسینی». ۵- مهری چهار گوشه با سجع: «افوض امری الی الله عبدہ رستم علی». ۶-

مهری چهار گوشه با سجع: «عبدہ دوست محمد».

انا شاهد بذلك وذلك كذا لك . [جای مهر]^۱

۱۳

سند مبیاعه مورخ ۱۱۷۲ ه . ق .

در این سند میرزا محمد ربیع و میرزا محمدهادی اصالة و وكالة
از طرف برادر خود میرزا سید مفیدوزینت نسابگم دودانگک از کل
ششدانگک یک باب ناور بایره را به مبلغ دو تومان تبریزی به میرزا
محمد محسن موسوی فندرسکی فروخته اند .

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین الطین
الطاهرین اما بعد بفروختند بمبیاعه صحیحه شرعیه ملیه عالیحضرات رفیع -
درجات سیادت ونجا [بت] پناهان میرزا محمد ربیع و میرزا محمد هادی ولدان
مرحوم میرزا رفیع الملک از اصالت خود و وکالت برادر خود میرزا سید مفید و
علیاحضرته مخدرة مستوره زینت نسابگم . . . موروثی خود را از همگی و تمامی
دو دانگک از کل ششدانگک یکباب ناور بایره که واقعست در مزرعه مشهور بمزرعه
تیمور پی محدود بخود اربعه از ممر و مجراه و اراضی و صحاری و جداول از
آنچه ملکیت را سزد و شاید و در تحت تصرف مالکانه در آید عن آنچه ذکر شده و
ذکر نشده برین موجب

شمالی شاهمرزی که کشیده میروند

بعلقه چهارمی کشیده میروند الی نهر کرچی

جنوبی همان بند مزبور

شرقیاً رودخانه کشیده بسمت

شمال میروند الی سامان . . . عرب

غربی نهر کرچی کشیده میروند الی بندی

که از رودخانه بجهت ناور گرفته میشود

بعالی حضرت سیادت و نجابت پناه میرزا محمد محسن الموسوی فندرسکی بمبلغ معین و ثمن مبین بمبلغ دو تومان تبریزی رایج معامله مبلغ مزبور در یوم البیع بمعرفت مشتری معزی الیه داخل و عاید بایعان شد و بایعان معزی الیه مبیعه مزبور را از ید خود تخلیه نمودند و بتصرف مالکانه مشتری مشارالیه واگذاشتند و مشتری مبیعه مذکور را متصرف شده منضم بسایر املاک خود نمود و در ثانی بایعان مشارالیه در مقام دعاوی غبن در آمده دعاوی غبن را بمبلغ یک هزار دینار نقد و یکمن گندم مصالحه نمودند بامشتری مشارالیه وجه مصالحه در مجلس صلح بمعرفت مشتری داخل و عاید بایعان شد و ضامن درک مبیعه مذکور گردیدند بایعان هرگاه مبیعه مستحقاً للغیر در آید آنها نیز از عهده بر آیند مخفی نماند که حقایقه ناور مزبور از رودخانه و دره‌ئی که مشهور است بدره سیاوستان و امیرآبادست و صیغه مبایعه و مصالحه فیما بین بایعان و مشتری عربی و فارسی جاری شد .

وكان ذلك في شهر ذي حجة الحرام سنة ١١٧٤ .

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه سمت راست این سند عبارات زیر است:]

هو اقربما فيه العبد محمد صادق فندرسکی .

هو اقربما فيه لدی میر احمد فندرسکی .

هو اقربما فيه لدی العبد محمد مهدی . [جای مهر]^۲

هو اقربما فيه لدی العبد میرزای موسوی .

۱ - مهری بیضی با سجع : « یا قائم آل محمد » . ۲ - مهری بیضی با سجع : « هدیت من المهدی » .

سند مبیاعه مورخ ۱۲۳۵ ه. ق .

در ابن سند حاجی محمد صالح سه دانگ از کل شش دانگ قریه انگر م
آقا جعفری بلوک سدن رستاق را به مبلغ دو یست تومان ریال فتح علی-
شاهی به محمد تقی خان فروخته است .

هو المالك بالاستحقاق

نحمد الله قبل كل مقال

ونصلی علی النبی وآل

و بعد بفروخت بمبیاعه صحیحه شرعیه قطعیه لازمه جازمه اسلامیه بالطوع والرغبه
بلاشایه اکراه واجبار در حالت صحت نفس و کمال عقل جناب مقدس القاب تقوی-
شعار حاجی الحرمین الشریفین خیر الحاج والمعتزمین حاجی محمد صالح ولد مرحمت و
غفران پناه رضوان جایگاه آقا جعفر شهری الاصل بعالیجاه رفیع جایگاه عزت و
سعادت و اقبال همراه محمد تقی خان ولد مرحمت و غفران پناه رضوان جایگاه کربلائی
محمد قلی بالارستاقی هزار جریبی همگی و تمامی سه دانگ از کل شش دانگ از قریه
انگرم مشهوره بانگرم آقا جعفری و یکدانگ از کل شش دانگ از اصل کل شش دانگ
سه انگرم مجری المیاه و یکدانگ از کل شش دانگ از اصل مجری المیاه چشمه سیاه-
پوست واقعه در بلوک سدن رستاق من اعمال استر اباد صانها الله عن التفرقه والفساد راع
جميع ما يتعلق بها و باتوابع ولواحق شرعیه آن از اراضی عامره و غامره و آدشات
رطبه و یابسه و قنواة دائره و بایره و یکدانگه و دودانگه و توستان و ملیارستان و
ناورات و شیوارات و تلال و جبال و انهار و اشجار و مراتع ذکر ام لم یدکرو
سمی ام لم یسم از آنچه ملکیت را سزد و شاید و انتفاع توان برد محدود بحدود اربعه

ظهر بمبلغ مشخص معین مبین مقبوض فی مجلس المبیاعه دو یست تومان ریال فتحعلی شاهى دومثقالی هشت عدد یکتومان و بعد ذلك مصالحه شرعیه نمود با یع طایع جمیع دعاوی غبن و غبن الغبن و لو كان فاحشاً بل افحشاً را عالماً بالکمیتة و الکیفیة مبلغ بیست تومان وجه موصوف و با یع معظمه الیه ضامن درک عین مبیعه گردید کلا و بعضاً عیناً م منفعة مستحقاً للغير بر آید از عهده بر آید و بعد از اجرای صیغه مبیاعه شرعیه با یع تخلیه ید نمود یعنی مبیعه معلومه را بتصرف مشتری معظم الیه داد و مشتری متصرف و بعد از قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم بسایر رقبات و مملوکات خود ضم ساخته اورا است حسب الشرع مطاع لازم الاتباع انحاء تصرفات کنصرف الملاك فی املاکهم و ذی الحقوق فی حقوقهم و صیغه مبیاعه شرعیه و مصالحه و قبول از طرفین بالعربی و الفارسی کما و د فی الشرع جریان پذیرفت.

وكان ذلك فی سابع عشرين شهر رجب المرجب فی سنة ۱۲۳۵.

[بر حواشی این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

هو الله تعالى شأنه قدا عترف البایع بجمیع ما زبر و رقم فيه بمحضری. [جای مهر]^۱
قد وقع المبیاعه و المصالحة حسبما زبر فيه لدى نمقه الخاطی. [جای مهر]^۲
اعترف بمافیه لدى حرره الجانی. [جای مهر]^۳
اعترف البایع الطایع بجمیع مانمی فيه الیه لدى و كتب الجانی. [جای مهر]^۴
اقر البایع الطایع بجمیع ما رقم فيه لدى نمقه الجانی. [جای مهر]^۵
اعترف البایع الطایع بمافیه لدى حرره الجانی.
اقر البایع بجمیع ما زبر فيه و رقم فيه لدى نمقه الجانی. [جای مهر]^۶

۱- مهری چهار گوشه بزرگ که کلمات «عبدہ محمد محسن الموسوی». بر آن خوانده

می شود. ۲- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی محمد حسین ۱۲۲۳». ۳- مهری

بیضی با سجع: «افوض امری الی الله». ۴- مهری بیضی با سجع: «عبدہ مفید الموسوی

۱۱۴۶». ۵- مهر چهار گوشه بزرگ با سجع: «المتوکل علی الله محمد حسین الموسوی».

۶- مهری بیضی با سجع: «عبدہ محمد صادق الموسوی ۱۲۳۴».

اقر البایع الطایع بجميع مازبرورقم فيه لدى نمقه الجاني . [جای مهر]^۱

بسم الله خير الاسما

اقر البایع الطایع بجميع مازبرورقم فيه لدى نمقه الجاني . [جای مهر]^۲

قد اقر البایع الطایع بالبيع الصحيح الشرعى القطعى لدى نمقه الخاطی .

[جای دومهر]^۳

قد اقر البایع بمافیه لدى نمقه الجاني . [جای مهر]^۴

قد اقر البایع بمازبرفیه لدى نمقه الجاني . [جای مهر]^۵

اقر البایع بالمبايعه واخذ الثمن كمافیه لدى نمقه الجاني . [جای مهر]^۶

اقر البایع الطایع بجميع مارقم فيه لدى . [جای مهر]^۷

اقر البایع بالمصالحة القطعية والمصالحة كمازبرفیه لدى نمقه الجاني . [جای مهر]^۸

قد اقر البایع بمازبرفیه لدى نمقه الجاني . [جای مهر]^۹

قد اقر واعترف البایع المذكور بمازبرفیه العبد اقل الطلبة محمدرضا .

قد وقع المبايعه والمصالحة واسقاط خيارات واخذ ثمن كمازبرورقم فيه لدى .

[جای مهر]^{۱۰}

اقر البایع بالمبايعه القطعية كمارقم فيه لدى نمقه الجاني . [جای مهر]^{۱۱}

۱- مهری چهار گوشه بزرگ با سجع : «عبد محمد شفیع الموسوی» . ۲- مهری

بیضی با سجع : «عبد محمد رحیم الموسوی» . ۳- مهری چهار گوشه با سجع : «عبد...

علی» و مهری دیگر بیضی با سجع : «المتوکل علی الله عبده محمد باقر» . ۴- مهری

بیضی با سجع : «عبد محمد حسن» . ۵- مهری بیضی با سجع : «افوض امری الى الله

عبده حاجی علی» . ۶- مهری بیضی که کلمات «آل و عباد و حسین» بر آن خوانده می شود.

۷- مهری بیضی با سجع : «عبد محمد حسین الحسینی» . ۸- مهری چهار گوشه با سجع :

«المتوکل علی الله علی رضا الحسینی» . ۹- مهری بیضی با سجع : «عبد الراجی محمد هادی

۱۲۳۱» . ۱۰- مهری بیضی با سجع : «عبد الراجی الله ویردی» . ۱۱- مهری

چهار گوشه با سجع : «عبد الراجی محمد الموسوی» .

سند بیع شرط مورخ ۱۲۳۸ ه. ق .

در این سند محمد ابراهیم خان يك سهم و ربع سهم از ده سهم و نیم از دودانگ از کل شش دانگ قریه سوتیه کلاته را به مبلغ هشتاد و شش تومان وجه ریال در یک هزار دینار فضی فتحعلی شاهی به حاجی سید مفید و آقا رحیم اشتراکاً به بیع شرط فروخته و بایع از مشتریان به مبلغ هیفده تومان و دوهزار دینار اجاره کرده است.

البیاع الشارط	المشتریان
عالیجاه معلی جایگاه محمد ابراهیم خان	المتساویان فی اشتراك الثمن و المثل
ولدا کبر و ارشد عالیجاه معلی جایگاه	عالیجنابان فضایل و کمالات انتسابان
خیر الحاج و العمار حاجی کلبعلی خان	سلالة السادات العظام الکرام عمدة -
سپانلوی قاجار	الحاج و العمار حاجی سید مفید و آقا
	رحیم ادام الله تعالی عمرهما

الثمن	المثمن
مبلغ هشتاد و شش تومان وجه ریال در	همگی و تمامی یک سهم و ربع سهم از
یک هزار دینار فضی فتحعلی شاهی جدید -	ده سهم و نیم از دودانگ از کل شش دانگ
الضرب دو مثقالی رایج دار المؤمنین	از قریه موسومه بسوتیه کلاته مشهوره
استر اباد صانها الله تعالی عن التفرقة و	بقلعه محمود آقا و تاجر اب و سایر متعلقات
الفساد	از اراضی عامره و غامره و غیرها که
	بحسب البیع متاع که يك سهم آن را از
	عالیجاه نیاز علی خان و ربع سهم از
	عالیجاه مصطفی قلی آقا خلف مرحوم

خان شدہ یو دست

المضروبة لادائها انشاءالله تعالى سيزده
ظرف المدة له ده يوم بعدها

ماه و یانزده روز

در ضمن عقد شرط شرعی بوجود انجامید که هرگاه بائع معظم الیه بعد از انقضای مدت در ظرف ایام خیار رد کل مثل ثمن بسوی مشتریان معظم الیهما نماید قادر بوده باشد برفسخ مبیاعه و الایبع لازم و خیار ساقط و محتاج به بیع جدید نخواهد بود و بعد ذلک قبول اجاره صحیحۀ شرعیۀ اسلامیۀ نمود عالیجاه بائع از مشتریان معزاً الیهما عین مبیعۀ مرقومه را در مدت مزبوره بمال الاجاره مبلغ هیفده تومان و دوهزار دینار و چهار یال دوهزار دینار که مال الاجاره را بعد از انقضای مدت مسطورۀ مهمسازی نماید و بعدری از اعدار که خلاف شرع انور بوده باشد موقوف و معطل ندارد و صیغۀ عقدین واقع و جاری شد.

كان ذلك في غرة شهر رجب المرجب من شهر سنة ١٢٣٨.

[جای مهر]

[بر بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

هو الله تعالى، شأنه

اعترف البایع الشارط بجميع ما زبر ورقم فيه بمحضری. [جای مهر]

قد اعترف البائع بما فيه لدى العبد الجاني . [جای مهر]^۳

۱- مہری بیضی باسجع : «کل من شیعة ابراہیم» .
۲- مہری چہار گوشہ بزرگ

که کلمات «عبدہ محمد محسن الموسوی»، بر آن خوانده می شود. ۳ - مهری بیضی باسجع: «عبدہ الراجی نصر اللہ الحسنی ۱۲۳۰».

قد وقعت المبايعه المشروطة وقبول الاجارة كمارقم لدى العبد الخاطی.

[جای دومهر]^۱

۱۶

سند مبايعه مورخ ۱۲۳۹ ه. ق.

در این سند حاجی محمدجعفر سهراب از يك دانگ از كل شش دانگ
قریه گرجی محلّه سیرکار و نیم ربع از دو دانگ از قریه انگر
میرجعفری و يك ربع از يك دانگ از كل دودانگ و يك سدس از نیم
دانگ از كل دودانگ آقا جعفری و نیم دانگ از كل شش دانگ انگر
محمدزکی را به مبلغ دو یست و پنجاه تومان که عبارت از دو یست و
پنجاه اشرفی يك مثقالی است به آقا حسن شهری استرآبادی
فروخته است.

نحمد الله قبل كل مقال

ونصلي على النبي وآل

وبعد بفروخت بمبايعه صحيحه شرعيه قطعيه لازمه جازمه بالطوع والرغبه بلاشايه
اكراه و اجبار در حالت صحت نفس و كمال عقل عالي حضرت رفيع منزلت نيكو-
طينت كهف الحاج و المعتمدين حاجی محمدجعفر ولد مرحمت و غفران پناه
رضوانجاياگاه آقا حسن شهری استرآبادی بعالیجاه رفيع جايگاه دولت و اقبال همراه
عزت و سعادت دستگاه عظمت و جلالت پناه محمدتقی خان بالارستاقی هزارجریبی
همگی و تمامی سهراب از يك دانگ از كل شش دانگ قریه موسومه معروفه گرجی-
محلّه سیرکار را که از غایت شهرت مستغنی از تعریف است و نیم ربع از دودانگ

۱ - مهری بیضی باسجع : «عبد محمدحسین الحسینی، و دیگری نیز بیضی باسجع :

«عبدالراجی محمد اسمعیل ۱۲۲۳».

از کل از قریه معروفه موسومه انگریم میرجعفری را و یکربع از یکدانگ از کل دو دانگ و مع یکسدس از نیم دانگ از کل دودانگ انگریم آفاجعفری را و نیم دانگ از کل شش دانگ انگریم محمدزکیراکه هریک از سه انگریم مزبور در خارج بالسویه بدودانگ منقسمند که واقعد در بلوک سدن رستاق استر اباد با جمیع توابع و لواحق شرعی و هریک از املاک مزبوره فوق از اراضی عامره و غامره و آدشات و رطبه و یابسه و قنوة دایره و بایره و مجری المیاه و یکدانگ و دودانگ و توتستان و ملیارستان و تلال و جبال و انهار ذکر ام لم یذکر و سمی ام لم یسم از آنچه ملکیت را سزد و شاید و منفعت در آن متصور شود قلیلاً کان ام کثیراً بمبلغ مشخص معین مبین مبلغ دو یست پنجاه تومان و جهرایح سلطانی که عبارة از دو یست پنجاه عدد اشرفی تومانی یکمقالی باشد المقبوض فی مجلس المبیاعه با اسقاط خیارات و بعد ذلك مصالحه شرعی نمود با بیع طایع جمیع دعاوی غبن و غبن الغبن و لو کان فاحشاً بل افحش و غبن در مصالحه را عالماً بالکمیه و الکیفیه بمال المصالحه مبلغ بیست پنج تومان وجه موصوف مزبوره و بعد از اجرای صیغه مبیاعه شرعیه با بیع تخلیه ید نمود اعیان معلومه مزبور را بتصرف مشتری معظم الیه داد و مشتری متصرف و بعد از قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مزبورین بسایر رقبات و مملوکات خود منضم ساخته اوراست انحاء تصرفات کتصرف ملاک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم کیف شاء بما شاء و با بیع در حین عقد ضامن درک اعیان مبیعه گردید که هر گاه بعد الیوم عیناً ام منفعه مستحقاً للغير بر آید از عهده بر آید و صیغه بیع و شری و قبول از طرفین بالعربی و الفارسی کما ورد فی الشرع سمت جریان پذیرفت.

و کان ذلك فی تاسع شهر رجب المرجب فی سنة ۱۲۳۹.

[جای مهر]

[بر حواشی این سند عبارات زیر آمده است:]

قد وقع المبايعة القطعية والمصالحة الملية حسبما زبر فيه لدى نمقه الخاطی.

[جای مهر]^۱

قد اقر البایع الطایع المزبور بجميع ما زبر فيه لدى حرره الجانی . [جای مهر]^۲
هو الله تعالى شأنه

قد وقع البيع وقبض الثمن والمصالحة وجميع ما رقم فيه لدى . [جای مهر]^۳

اعترف البایع الطایع بجميع ما نمى فيه اليه لدى وكتب الجانی . [جای دومهر]^۴
اعترف البایع بمبايعة القطعية واخذ الثمن والمصالحة كما زبر ورقم فيه لدى نمقه الجانی .
[جای مهر]^۵

قد وقعت المبايعة القطعية والمصالحة كما فيه واخذ الثمن واسقاط الخيارات والضمان
كما زبر ورقم فيه لدى نمقه الجانی . [جای مهر]^۶
اعترف البایع بالمبايعة القطعية واخذ الثمن والمصالحة كما زبر فيه لدى نمقه الجانی .
[جای مهر]^۷

قد اعترف البایع بما زبر فيه لدى انا عبد الاحقر . [جای مهر]^۸
قد اقر واعترف حسبما زبر ورقم فيه لدى . [جای مهر]^۹

- ۱- مهری بیضی باسجع : «عبدہ الراجی محمد الحسینی ۱۲۳۲» . ۲- مهری بیضی باسجع : «افوض امری الى الله عبده محمد الموسوی» . ۳- مهری چهار گوشه که کلمات «عبدہ محمد محسن الموسوی» بر آن خوانده می شود . ۴- مهری بیضی باسجع : «عبدہ مفید الموسوی» و مهر دیگر چهار گوشه باسجع : « المتوکل علی الله محمد حسین الموسوی » . ۵- مهری چهار گوشه باسجع : «عبدہ الراجی محمد ذکی الموسوی» . ۶- مهری بیضی باسجع : «عبد الراجی الله ویردی» . ۷- مهری چهار گوشه باسجع : « المتوکل علی الله علی رضا الحسینی» . ۸- مهری بیضی باسجع : «عبدہ محمد جعفر» . ۹- مهری بیضی باسجع «یا امام محمد باقر ۱۲۲۰» .

۱۷

سند مبیاعه مورخ ۱۲۴۰ هـ . ق .

در این سند حاجی محمد ابراهیم حصه و رسد شرعیه مرحومه هاجر
همشیره صلیبی خود را از مزرعه بالو و گرجی محله که به او رسیده
بوده است به مبلغ پنجاه و پنج تومان به همشیره دیگر خود مسما
به راضیه بیگم فروخته است.

هو

و بعد غرض از تحریر اینحروف شریعت . . . آنستکه بفروخت بمبیاعه صحیحه
شرعیه اقل عباد و احقر سادات حاجی محمد ابراهیم استرآبادی همگی و تمامی حصه و
رسدی شرعیه مرحومه مسما هاجر همشیره صلیبی خود را که در خارج مشخص
است از سهم مزرعه بالو و گرجی محله استرآباد از مقل تمش و میرزائی و میرزینل و
غیره بانضمام متعلقات و منضمات که بانتقال شرعی از همشیره مذکوره مرحومه منتقل
باقل عباد بهم رسانیده است بعلیاجناب خورشید احتجاب زبده العقایف و المخدرات
همشیره صلیبی خود والدۀ عالیجناب نورچشمی ام آقا محمد تقی مسما براضیه بیگم
بمبلغ مشخص معین مبلغ پنجاه و پنج تومان وجه رایج سلطانی ریال صاحبقرانی یک
مثقال و نیم ده عدد یک تومان و بینهما قبض و اقباض واقع گردید و مشتریۀ مشارالیه اعیان
مبیعه را بتصرف مالکانه خود در آورده ملحق و منضم بسایر املاک و رقبات خود
نماید و انحاء تصرفات او را سزد و شاید وصیغه مبیاعه صحیحه مذکوره بقانون شرع مطاع
بالعربی و الفارسی سمت جریان پذیرفت مقرر و مخفی ننماید که مبلغ مذکور فوق بایصال
عالیجناب آخوند ملا محمد جعفر خادم استرآبادی و اصل اقل عباد گردید چون همشیره

مشتريه مشار اليها مبلغ پانزده تومان وجه رايج مال المصالحة املاك و ارث مرحومه هاجر كه ادعاى خود را باحقير بمبلغ مذكور مصالحة شرعية نموده وصاحب طلب بوده اند مبلغ پانزده تومان مذكور را در ثاني الحال بعاليجناب مشار اليه رد و ايصال کرده است و اين چند كلمه بر سبيل قبالة نامه قلمی گردید.

وكان ذلك في غرة شهر رمضان المبارك من شهر سنة ١٢٣٠.

[جای مهر]^۱

[بر بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع البيع المزبور والقبض المسفور لدى الراجي الى عفوره الغفور.

[جای مهر]^۲

لاريب بمازبور رقم فيه لدى الجاني. [جای مهر]^۳

لاشك ولاريب بمازبور رقم فيه لدى الجاني. [جای مهر]^۴

ليس لوقعتها كاذبه. [جای مهر]^۵

ذلك الكتاب لاريب فيه. [جای مهر]^۶

ذلك الكتاب لاريب فيه. [جای مهر]^۷

شهد بما فيه. [جای مهر]^۸

قد وقع المبايعه كما رقم فيه العبد الجاني. [جای دو مهر]^۹

۱ - مهری بیضی باسجج: «عبدالراجی محمد ابراهیم الموسوی». ۲ - مهری.

بیضی بزرگ باسجج: «عبدالراجی محمد حسن». ۳ - مهر بیضی بزرگ باسجج:

«المتوکل علی الله عبده صادق». ۴ - مهری بیضی باسجج: «عبدالراجی یحیی الموسوی».

۵ - مهری بیضی باسجج: «الراجی عبدالله». و دومهر بیضی دیگر ناخوانا. ۶ -

مهری بیضی باسجج: «عبد سلطانعلی الحسینی». ۷ - مهری چهار گوشه باسجج: «افوض

امری الى الله الفنی عبده حسینی». ۸ - مهری بیضی ناخوانا. ۹ - مهری بیضی باسجج:

«عبدالراجی محمد کریم الموسوی و مهری بیضی دیگر باسجج: «عبد رفیع الحسینی».

سند مبیعه مورخ ۱۲۴۸ ه. ق .

در این سند حاجی باقر دودانگ از کل شش دانگ يك باب دكان
موروئی خود را به مبلغ سی و پنج تومان تبریزی فتحعلی شاهي ده
عدد صاحبقران يك تومان به حاجی سید مفید موسوی فروخته
است .

نحمد و نصلي

بفروخت بمبیعه صحیحه شرعیه بالطوع والرغبة لا بالاجبار والاكره در حال صحت
نفس و بنای عقل عالی حضرت خجسته فطرت مماثل الاقران حاجی باقر خلف مرحوم
مغفور کربلائی محمد شیروانی الاصل استر ابادی المسکن بعالی جناب مقدس القاب فضائل و
کمالات اکتساب حقایق و معارف انتساب اجل السادات العظام و عمدة العلماء الکرام
حاجی سید مفید الموسوی دام ظلّه العالی همگی و تمامی کل شش دانگ از دودانگ
از کل شش دانگ یک باب دكان از موروئی خود را که واقع است در بازار که از غایت
شهرت مستغنی از توصیف است محدود بحدود ظهر با جمیع توابع و لواحق شرعیه
آن از جدران و کل مایه تعلق را بثمان مشخص معین منصوصاً فی المجلس البیع مبلغ
سی و پنج تومان تبریزی فتحعلی شاهي ده عدد صاحبقران يك تومان و بینهما قبض و
اقباض دریدین مزبورین واقع و بعد ذلك با یع مشار الیه دعوی غبن در مبیعه را دانسته و
فهمیده مشتری معظم الیه بموازی پانزده من بوزن بلده برنج مصالحه شرعیه نموده و
غبن در مصالحه را نیز عالماً و عامداً بالکمیة و کیفیة با مشتری معظم الیه موازی پنج
من بوزن موصوف مصالحه نموده همگی مال المبیعه و وجهی المصالحه را در مجلس
بیع تسلیم با یع مزبور نموده و ضامن درك شرعی عند خروجهما للغير کلاً و بعضاً

عیناًام منفعتاً گردیدند وعین مبیعه را از ید تملك خود تخلیه نموده و بتصرف مالکانه مشتری معظم الیه داده وله التصرف كتصرف المالك فی املاكهم وذوی الحقوق فی حقوقهم و بینهما صیغین مبایعین كما قرر فی الشریعة المقدسة المطهرة مشتملاً علی الایجاب والقبول و رفع دعاوی گردید .

وكان ذلك فی ۶ شهر شوال المکرم من شهر سنة ۱۲۴۸ .

[برحواشی این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

قد وقعت المبایعه حسبما زبرورقم فيه حرره الجانی . [جای مهر]^۱

اقروا عترف بما زبرورقم فيه لدی الجانی وانا العبد . [جای مهر]^۲

اقروا عترف بما رقم فيه لدی نمقه الجانی . [جای مهر]^۳

اقروا عترف بما فيه لدی . [جای مهر]^۴

۱ - مهری چهار گوشه بزرگ باسج : «بهدی الله للحق عبده محمد مهدی ۱۲۴۱ هـ .

۲ - مهری بیضی بزرگ باسج : «افوض امری الی الله عبده عبدالله ۱۲۴۰ هـ . ۳ - مهری

بیضی باسج : «عبده محمد ذکی الموسوی ۱۲۴۰ هـ . ۴ - مهری بیضی بزرگ باسج :

«عبده الراجی محمد رحیم الحسینی ۱۲۴۶ هـ .

سند مبیعه مورخ ۱۲۵۲ ه. ق.

در این سند کربلائی عباسعلی به وصایت ثابتۀ از جانب صغیر و محمد اسماعیل خلف کربلائی باباخان شش سهم از سیزده سهم الا خمس از شصت و چهار سهم از دویست و چهل سهم از شش دانگ گرجی محلۀ میرزائی را به بیع شرط به مبلغ چهل و پنج تومان رایج محمد شاهی به سید مفید موسوی فروخته اند.

افشاندن بذرا این معانی شرعیة المغانی بر عرض و طول ارض اینصفحة ملیة المبنی را مفید منافع و مثمر ثمره آن است که بفروختند بمبیعه قطعیة لازمه عالیحضرتان خجسته فطرتان کربلائی عباسقلی بوصایه ثابتۀ از جانب صغیر^۱ و محمد اسماعیل خلف مرحوم کربلائی باباخان در حال صحت نفس و اجتماع حواس طوعاً و رغبة لا کرها و ربة عالمأ فاصداً همگی و تمامی شش سهم از سیزده سهم الا خمس از شصت و چهار سهم از دویست و چهل سهم از شش دانگ از گرجی محلۀ میرزائی را که به بیع شرط از عالیجناب سلاله السادات آقاعلی اکبر به اذن و اطلاع والدۀ او منتقل شد بمسطورین فوق باجمیع توابع عین مبیعه از مزارع.... و مراتع و قنوات عامره و غامره و مجری المیاه و غیرها از آنچه ملکیه را زید و شاید ذکر اولم یدکر بعالیجناب فضایل و فواضل مآب حقایق و معارف اکتساب مفخر السادات العظام و مسند العلماء الفخام کھف الحاج و کعبه المحتاج الحاج سید مفید الموسوی المقلدی ادام الله ظله بمبلغ چهل و پنج تومان رواج محمد شاهی و نیز بخريد معظم الیه اعیان موصوفه را بمبلغ معروف و شرایط بیع از اقباض و قبض عوضین از طرفین صورت تحقق و توقع پذیرفت جناب مشتری معظم الیه بعد از تخلیۀ بایعین عین مبیعه را در تصرف ملکیه خود در

۱ - در اصل مقداری سفید است، ظاهراً نامی را محو کرده اند.

آورده و ملحق بسایر املاک و متصرفات خود ساخته و حضرات بایعین اسقاط خیارات علی الخصوص خیار غبن و غبن غبن و لو کان فاحشاً او فحشاً نموده اند فله التصرّف فیها کیف شاء و متی اراد یتصرّف الملاک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم و این مسطور میمنت منظور بعد از تحقق مراتب مذکوره سیما اجرای صیغه مبایعه از آنجهت در حیز دستور صورت وقوع یافته که بقباله نامچه بعد از اینکه مرسوم شد موسوم شود که عنه الحاجة حجة شرعی تواند شد .

وكان ذلك در هجدهم شهر شعبان المعظم من شهر سنة ۱۲۵۲ .

[برای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اعترف بمبايعة القطعيه واخذ الثمن بمازبر ورقم فيه لدى نمقه الجاني .

[جای مهر]^۱

قد وقعت المبايعة المسطورة واخذ الثمن كمازبر ورقم فيه لدى نمقه الجاني .

[جای مهر]^۲

قد وقعت المبايعة المسطورة و اخذ الثمن كمازبر ورقم فيه . [جای مهر]^۳

قد وقعت المبايعة بجميع مازبر ورقم فيه لدى نمقه الجاني . [جای دومهر]^۴

۱- مهری بیضی باسجع : «عبدہ الراجی سید محمد الموسوی ۱۲۴۱» . ۲- مهری

چهار گوشه بزرگ باسجع : «عبدی الله للحق عبدہ محمد مہدی» . ۳- مهری بیضی باسجع :

«پیر و دین محمد باقر ۱۲۴۴» . و پای مهر «ملا محمد باقر باغویی» نوشته شده است .

۴- هر دو مهر بیضی باسجع : «عبدہ محمد حسین الحسینی» . این مهر یک بار وارونیز زده شده

است . پای مهر «میر محمد حسین میر عبد المجیدی» نوشته شده است .

۲۰

سند مبايعه مورخ ۱۲۵۶ ه. ق

در این سند سهم حاجی مهدی قلی خان قوانلو را بعد از وضع يك هشت يك سهم همسرانش باقی که بیست و نه سهم بود میان دوازده پسر و پنج دختر تقسیم کرده اند و ایشان سهام خود را به حاجی سید مقید استر ابادی فروخته اند.

بسم الله تعالى خیر الاسماء

الحمد لله الذی احل البیع و الشری و حرم الغصب و الربا

وصلی الله علی اشرف الانبیاء محمد صلی الله علیه و آله الانبیاء النجباء

چون از کل شش دانگ حمام واقع در محله سرچشمه استر اباد که مستغنی از تحدید و توصیف است ملک طلق و حق صدق مرحوم مغفور جنت و رضوان آرامگاه فخر الحاج و المعتمرین امیر الامراء العظام حاجی مهدی قلی خان قوانلو بود از آنکه داعی حق را لیک اجابت فرموده اند بعد از وضع يك هشتيك که در میان سه زوجه مغفوره ایشان از هوایی قسمت می شود باقی به بیست و نه سهم در میان دوازده پسر و پنج دختر آن مرحوم منقسم شده لهذا پاره از سهوم را بعضی از وراث بحسب عقود از عقود شرعی منتقل نمودند بعالیجناب قدسی و قدوسی انتساب اعلم العلماء الکرام و افضل الفضلاء الاسلام سلاله السادات الموسوی آقا سید محمد تقی و لد فخر الحاج و المعتمرین اعظم العلماء اشرف الفضلاء اعظم السادات العظام افخر الحاج ذوی الاحترام حاجی سید مقید استر ابادی حفظه الله وجوده عن الآفات و الحداث و بعضی دیگر الی حال منتقل نموده اند، بعلت تعیین کسانی که منتقل کرده اند و کسانی که هنوز منتقل نموده اند شاید انشاء الله بعد منتقل نمایند در رقه ذیل در تحت این سطر معلوم نموده که معلوم باشد

کسانیکه منتقل نموده‌اند

هشت‌سهم بل‌چیزی علاوه

مهرعلی‌خان و پاره‌ای از اولاد فضلعلی‌خان

تخمیناً چهارسهم است بل‌چیزی علاوه

پاره‌ای از اولاد فضلعلی‌خان دوسهم از

بیست و نه سهم یکدانگ بعد از وضع
هشتیک هوایی مال فضلعلی‌خان بود علاوه
یک هشتیک ... هیجده سهم در مال هفت
پسر و چهار دختر است... منتقل نمود

... شاه‌رخ را محمد تقی‌خان

که هشت یک از اصالتاً و وکالتاً از

دوازده هوایی جانب دو برادر

خود محمد ولی‌خان

و محمد زمان

دو همشیره فاطمه

خانم و خدیجه

خانم هشت سهم

از ... سهم از

بیست و نه سهم

مهرعلی‌خان

۲ سهم از یکسهم دو هشت یک

سهم خود ثلث از ثلث هوایی یک

دوازده سهم از بیست و ثلث در یک

و نه سهم نه سهم دانگ ماه-

همشیره جبین خانم

مرحومه و الـده

... زینت فضلعلی

خانم بحسب خان بعلت

ارث که باو وصی بودن

منتقل شده

همشیره مهرعلی‌خان شرف نساخانم

یک سهم از بیست یک ثلث از ثلث

و نه سهم یکسهم از بیست

و نه سهم ثلث ارثی

از همشیره . . . محمد شریف خان
 زینت خانم باو دوسهم از هجده
 منتقل شده سهم از بیست و نه
 سهم

چهار سهم

شهربانو خانم یک سهم از	جهان خانم يك سهم از	رحیم خان دوسهم از
بیست و نه سهم	بیست و نه سهم	بیست و نه سهم

[جای مهر]^۱

کسانیکه الی حال منتقل ننموده اند

بطن اول

بیوک خان	حاج حسن خان	اسماعیل خان	نصرالله خان	اماموردی خان
دوسهم است	دو سهم است	دوسهم است	دوسهم است	دوسهم است
باقرخان	همشیره اسمعیل	یک ثلث هشتیک از هوایی	از یکدانگ که	
دو سهم است	و خلیل خان و	منتقل شده از مرحومه والدۀ بیوک خان بخود		
	بیوک خان و	بیوک خان و اماموردی خان و همشیره اش		
	اماموردی			
	یک سهم است			

بطن دویم

۱- مهری بیضی با سجع: «حیدر قلی».

اولاد موسی خان کبیر او صغیرا	اولاد علی نقی	اولاد کاظم خان	پاره از اولاد فضل-
خان دوسهم	دو سهم	علی خان بعد از وضع	
دوسهم از بیست	ثلث هشتیک از	آنکه در دفعه اول	
ونه سهم	هوایی نصف	منتقل کرده که سه	
		پسر و دو دختر است	
		که هشت سهم از	
		هیجده از دوسهم از	
		بیست و نه سهم	

...

که منتقل از قرار تفصیل فوق نموده اند که آن تخمیناً هشت سهم بل چیزی علاوه می شود جناب سید معظم الیه راست در او تصرفات مالکانه مستقلانه کتصرف الملاك فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم و آنچه باقی ماند که عبارت از تخمیناً بیست و یک سهم و قدر معین از دو ثلث از هشتیک از هوایی یکدانک اگر انشاء الله تعالی آنها هم منتقل نمایند تمام یکدانگ حق مال جناب سید خواهد شد و الی الآن همان هشت سهم بل چیزی علاوه است و کسانی که منتقل نموده اند در زمان اجرای صیغه بهیچ وجه من الوجوه غبنی بلکه غبن غبنی و لو کان فاحشاً بل الافحش برای خود باقی نگذاشتند و بهمه جهت مصالحه ها نمودند.

تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۵۶ مطابق سیچقان ثیل خیریت دلیل
[جای مهر]

[بر بالای این سند عبارات زیر است:]

۱- مهری چهار گوشه باسجع: «بی مهر علی بهشت رضوان مطلب».

هو کسانیکه منقل نموده اند در نزد حقیر بیوک خان و حاجی حسن خان نصرالله خان اماموردی خان باقر خان اولاعلی نقی خان باقی منتقل در نزد حقیر کرده اند و اقرار در نزد حقیر کرده اند تمام تعلق بهجناب آقاسید محمدتقی یافته است .

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه این سند مهرهای زیر است :]^۲

۲۱

سند مبایعه مورخ ۱۲۷۵ ه . ق .

در این سند محمد ابراهیم و همسرش فاطمه سه دانگ از کل شش دانگ خانه در محله میدان استرآباد را به دوازده تومان ریال ناصرالدین - شاهی از بی بی زینب زوجه دائمه آقا علی کاشی به بیع شرط خریده اند .

البـ	ایمان الشارطان	المـ	المشترکـة المشترطـة
محمد ابراهیم	خلف مرحوم کربلائی	عفت وعصمت و خدارت مآب بی بی	زینب زوجه دائمه آقا علی المشهور
نصیر مع زوجه فاطمه	نام صبیة مرحوم	حاجی حیدر	بکاشی

الثـ	نـ	المـ	نـ
مبلغ دوازده تومان ریال ناصرالدین -	سه دانگ از کل شش دانگ خوانه ملک	شاهی بیست و هشت نخودی	طلق که واقع است در محله میدان من
محلات دارالمؤمنین استرآباد			

۱- مهری بیضی با سجع: «عبدالله الراجی محمدالموسوی». ۲- مهری چهار گوشه و

ناخوانا. مهری دیگر با سجع: «بی مهر علی بهشت رضوان مطلب». مهری چهار گوشه با سجع: «شرف فزای جهان و شریک نامم .. ایامم» و مهری دیگر با سجع: «لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده اسمعیل» .

المدة الخية _____ ار

يك سال كامل الشهور ده روز بعد المدة

مقرر و مشروط آنکه در صورتیکه بایعان الشارطان بعد انقضاء المدة و در ضمن خيار رد مثل الثمن بسوی مشتریة المشترطة او من يقوم مقامها نمود قادر بر فسخ مبیاعه بوده باشد و الایع لازم و خيار ساقط و محتاج بعقد جدید نبوده باشد و ثانیاً اجاره داده است مشتریة المشترطة عین مبیعه را بایعان المذبة رتان در مدة معلومة بمال الاجارة معلومة مبلغ دو تومان موصوف و مشارالیهما نیز قبول نموده و صیغتان المذبورتان مابینهما جاری گردیده.

و كان ذلك بتاريخ غرة شهر ربيع الاولی فی سنة ۱۲۷۵.

[بر حاشیة بالای سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اقر الرجل المعلوم واقرت مرأة المرقوم كما زبر و سطر لدی . [جای مهر]^۱
اقر الرجل بمارقم فيه واقرت المرئة بمارقم فيه بعد تصدیق الرجل بانها هی واقرا
باخذ البذل ایضاً حرره الاقل فی ربيع الاول ۱۲۷۵ . [جای مهر]^۲
قد وقع جميع مارقم فيه لدی ۱۲۷۵ . [جای مهر]^۳

۱- مهری چهار گوشه با سجع: «یا علی». ۲- مهری بیضی بزرگ با سجع:

«عبدہ محمد صادق العقیلی». ۳- مهری چهار گوشه با سجع: «عبدہ آقا بابا».

البـ _____ ايع الشارط	المـ _____ اشترى المشتري
صلاحيـ شعار آقا ابراهيم ولد مرحوم	عاليـ حضرت آقا تقى خلف مرحوم آقا حسين خالوا كبر
كربلايى نصير	الثـ _____ نـ
المثم _____ نـ	مبلغ يكتومان يكهزار پانصد كه عبارت
همگى و تمامى نيم دانگ از يك دانگ از	از سى سه عدد نيم ريال ناصر الدين شاهى
كل شش دانگ خانه موروى خود كه	۱۳ نخودى بوده باشد
واقع است در محله ميدان	الخـ _____ ار
المـ _____ دة	شش يوم بعد المدة
شش ماه كامل	

وبعد در ضمن عقد شرط شرعی بوقوع انجامید که هرگاه بایع شارب بعد از انقضای مدت و در ظرف ایام خیار رد مثل کل ثمن یا معادل آن بسوی مشتری یسایب مناب شرعی نماید قادر بر فسخ بوده و الایع لازم و خیار ساقط و محتاج بعقد جدید نخواهد بود .

وكان ذلك التاريخ چهارم شهر ربيع الاولی سنة ۱۲۷۶.

[بر حاشیة این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد اوقعت المصالحة وكالة عن البايع المسطور مطابقة بمارقم فيه من المبايعه مع...
وجه الاجاره ولقد حرره في الخامس من شهر ربيع الاولی ۱۲۷۶ . [جای مهر]^۱
قد اعترف بمارقم فيه لدى الجانی . [جای مهر]^۲
قد اعترف بمارقم فيه لدى.

۲۲

سند مبايعه مورخ ۱۲۹۱ هـ . ق .

در این سند بی بی زینب صبیئه مرحوم محمد ابراهیم حصه خانه پدری
خود را به راقم قبالة ، حسینعلی موسوی منتقل کرده و خریدار
دوباره به فروشنده صلح نموده و سپس به آقا سیدحسین خالو و از
او به آقا سید طاهر صلح شده است .

لایحقی آنکه صبیئه مرحوم محمد ابراهیم ابن مرحوم مبرور کر بلائی نصیر در باب خانه
ابی مشارالیه که براقم حروف^۲ منتقل شرعی نموده بود در ثانی منتقل نمودم بخود
مشارالیه و او منتقل نموده بسیادت مآب آقا سیدحسین خالو و از آقا سیدحسین منتقل
شده بجناب مستطاب قبله گاهی آقائی آقا سید طاهر زید فضل و روماً لاحتیاط نیز
مصالحة شرعیه نمودم تمامت سهمی خود را از خانه مزبوره واقع در محله میدان که
در خارج معین و مستغنی از بیان است که از جانب عفت پناه بی بی زینب صبیئه مرحوم
محمد ابراهیم انتقال شرعی شده بود باینجناب و منتقل نمودم بجناب آقای معزی الیه

۱- مهری بیضی با سجع: «عبد محمد صادق العقیلى». ۲- مهری بیضی با سجع:

«عبدالراجی محمد حسن الموسوی». ۳- در زیر کلمات «راقم حروف»، مهری بیضی

با سجع: «عبد حسینعلی الموسوی».

ببدل المصالحة معین مشخص و قبض تمامت بدل الصلح بالنسبه بمشاراليها^۱ و نیز از جناب مستطاب آقائی آقا سید محمد طاهر سلمه الله تعالی وقوع یافت.

وكان ذلك التحریر فی عشرين شهر رجب المرجب ۱۲۹۱.

[جای مهر]^۲

[بر بالا و حاشیه سمت راست سند عبارات زیر نوشته شده است:]

وقع جميع مارقم فيه لدى الآثم . [جای مهر]^۳

جناب آقای حسینعلی اعتراف بمراتب مزبوره نمود . [جای مهر]^۴

جناب آقا اعتراف نمود بمراتب مسطوره . [جای مهر]^۵

وقع جميع مارقم فيه لدى الآثم . [جای مهر]^۶

اعتراف نمود بمراتب مزبوره نزد من . [جای مهر]^۷

جناب آقا اعتراف نمود حاج اکبر بلوچ .

جناب آقای حسینعلی . [جای مهر]^۸

-
- ۱- در کنار کلمات «معین» و «مشاراليها» مهري بیضی با سجع: «عبدہ حسینعلی - الموسوی» .
 - ۲- مهري بیضی با سجع: «عبدہ حسینعلی الموسوی» . ۳- مهر
 - ۴- مهري چهار گوشه با سجع: «محمد حسین ابن عباسعلی» .
 - ۵- مهري بیضی بزرگ با سجع: «عبدہ کاظم ابن مهدی» . ۶- مهري
 - بیضی با سجع: «محمد رفیع» . ۷- مهري بیضی با سجع: «محمد حسن ابن
 - محمد مهدی» . ۸- مهري بیضی با سجع: «عبدہ حسینعلی الموسوی» .

۲۴

سند مبايعه مورخ ۱۳۰۳ هـ . ق .

دراين سند على الحسينى نويسنده قبالة، چهار دانگ از كل شش دانگ اراضي موات معروف به توران را در فندرسك به ميرزا سعد الله خان كه خود نويسنده، و كيل او بوده است و همچنين دودانگ از شش دانگ آن اراضي را به كر بلائي قربان و آخوند ملاقنبر به چهار تومان قران فضي فروخته است و شرايط معامله را در آخر سند آورده است .

بسم الله خير الاسما

الحمد لله الذي احل البيع و صلى الله على خير خلقه محمد صلى الله عليه وآله
غرض از تحرير اين كلمات شرعية الدلالات آن است كه بيع صحيح شد مع الشرايط المفصلة الشرعية فى ضمن عقد البيع
بيع نمودم ارض موات و مخروبت را كه مشهور است بتوران كه واقع است در فندرسك
كه محدود است بحدود اربعة كه شرقاً متصل بادش كلو و غرباً متصل است بچشمه
مستال كرد و شمالياً متصل بناور قورچى و جنوبياً بملك غره جنگل چهار دانگ
از كل شش دانگ آنرا بمقرب الخاقان آقاميرزا سعد الله خان دام ظلّه العالى بمبلغ ده
تومان قران فضي رواجى و بعد از اينكه و كيل كرده بود مراسم كار خان سابق الذكر از
جانب ايشان قبول بيع كردم بنهج مذكور و مختار است هر كه را با خود شريك قرار
بدهد از طائفة تراكمه هر كرا صلاح داند و همچنين فروختم دودانگ از شش دانگ
آن ارض را كه محدود است بحدود اربعة فوق بجنابان عاليقدران كر بلائي ملاقربان و

آخوند ملا قنبر نفری یکدانگک بچهار تومان قران فضی رواجی و جناب آخوند ملا قنبر از جانب خود و از جناب و کیل خود که کربلائی قربان باشد قبول بیع کرد و دیگر در سهم این دو نفر در دو دانگک کسی باید شریک نشود و هر چه من بعد آباد میشود از آسیاب و دنگک و قنات و غیر آن بمنوال پیش باید معمول شود از دو دانگک... آندو دانگک و چهار دانگک کل اینها شرط شرعی شد در ضمن عقد بیع و تسلیم و تسلیم در بدلین شد وصیغه مبیعه کما قررفی الشرع الانور بجریان پذیرفت.

بتاریخ پنجم شوال المکرم ۱۳۰۳.

[جای مهر]^۱

[مطلب زیر از متن افتاده و در حاشیه سمت راست افزوده اند:]

وغبن الغبن وغبن الفاحش وغبن الافحش این مبیعه را مصالحه کرده باخوند ملاقنبر و کربلائی قربان بیکنم گندم سیاه بوقربلوک و یکمن نمک بترتیب عمل پشت کوه و یکقران پول و ایشانهم قبول صلح کردند بمال المصالحه معلوم ۱۳۰۳. [جای مهر]^۲

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع البيع بحسب المسطور حررته فی ۵ شهر شوال المکرم ۱۳۰۳.

[جای مهر]^۳

آنچه در این ورقه است بیان واقع است و خلافی ندارد ۲۱ شهر شوال المکرم ۱۳۰۳. [جای مهر]^۴

ذلك الكتاب لا ريب فيه. [جای مهر]^۵

واضح بوده باشد بآنکه قراقریما بین این جانبان که کربلائی ملاقربان و ملاقنبر علی

۱- مهری چهار گوشه با سجع: «عبدالله الحسینی»: ۲- مهری چهار گوشه با

سجع مهر قبلی. ۳- مهری چهار گوشه با سجع: «عبدالله الحسینی». ۴- مهری

بیضی با سجع: «سعدالله الموسوی». ۵- مهری بیضی با سجع: «هدایت الله الحسینی».

هستیم این بوده است که آنچه مخارجی که از جهت تعمیر ملك از قبیل مخارج دنگ و آسیاب و قنات و غیره تماماً را این جانبان متعهد گردیدیم که خود متحمل مخارج شویم و بسرکار مقرب الخاقان آقامیرزا سعدالله خان هیچ دخلی نداشته و ندارد و این قید از متن قباله فراموش گردیده بود مجدداً عرض شد. [جای مهر]^۱

بخش ششم

مصالحه نامچه و هبه نامه

هبه نامه مورخ ۹۴۲ ه. ق .

در این سند محمد صالح مزرعه میر و محله که داخل قریه ترنگ
استر اباد رستاق است بنابر تقرب حضرت باری و ترویج روح حضرت
رسالت پناهی و اهل البیت به کمال الدین محمود هبه شرعیه کرده
است .

درین وقت بنابر تقرب بحضرت باری و ترویج روح حضرت رسالت پناهی و اهل -
البیت آنحضرت مزرعه میر و محله که داخل قریه ترنگ استر اباد رستاق است از
اراضی و املاکات از اشجار مثمره و غیر مثمره و غیر ذلک و هر چه اسم ملکیت بر آن
اطلاق توان نمود ذوی حقوق مسلمین مع نصف آن نهی که مشهور است به فرهاد بند
که مأخذ آن از رودخانه قریه مذکوره است و مبدء آن در قریه گینامهر است
بعالیجناب سیادت پناهی فضیلت دستگاہی معانی نصابی سعادت آثاری کمالا محمود
هبه شرعیه نموده شد قریه الی الله تعالی و آن مزرعه مذکور محدود است باین حدود
حد شرقی آن بتمام متصل رودخانه مذکور و حد غربی آن بعضی متصل زمین ساده ملک
عالیجناب سیادت پناه مومی الیه و برادران است و حد شمالی آن بتمام متصل شارع
عام و حد جنوبی آن بتمام متصل قریه گینامهر مذکور است و آن مزرعه مذکوره

موهوبه را مع نصف آن مذکور از تصرف و ملکیت خود خارج کرده شد و قبض و تصرف عالیجناب مشارالیه گذاشته شد و اوقبض و تصرف نمود.

تحریرا فی تاسع عشر شهر ربیع الثانی سنه اثنی و اربعین و تسع مائه.

هبة مذکوره کما هو طریقہ شرعاً تقریباً الی الله تعالی و طلبا لثوابه.

الجزیل از من صادر شد. [جای مهر]^۱ محمد صالح

[بر حاشیه سمت راست و پایین این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

ثبت مضمون المسطور بوجه و حیه شرعی لدی و حکمت به وانا العبد عفی عنهما

غیاث الدین علی بهرام. [جای مهر]^۲

من المطلعین علی مافی هذا الكتاب المستطاب جعفر بن علی العاملی عفا الله عنهما.

[جای مهر]^۳

من الشاهدین بمضمونه حرره العبد عماد الدین مسعود الحسینی. [جای مهر]^۴

من الشاهدین بمضمونه العبد الفقیر محمد ابن رضا. [جای مهر]^۵

شهد بمضمونه حرره العبد الاقل فخر الدین احمد. [جای مهر]^۶

شهد بما فیہ العبد ظهیر بن علی طلبه. [جای مهر]^۷

بمضمون المسطور من الشاهدین زین العابدین الحسینی. [جای مهر]^۸

۱- مهری گرد و ناخوانا. ۲- مهری گرد و ناخوانا. ۳- مهری گرد و

ناخوانا. ۴- مهری گرد و ناخوانا. ۵- مهری گرد و ناخوانا. ۶- مهری

گرد و ناخوانا. ۷- مهری گرد و ناخوانا. ۸- مهری گرد و ناخوانا. تمام

مهرهای این دوره گرد و مدور است.

مصالحه نامچه مورخ ۹۵۴ ه. ق .

در این سند بی بی خوانگار و بی بی آقاچه حقوق خود را در قریه علوی کلاته به مبلغ يك هزار تنگه به امیر عمادالدین مسعود مصالحه کرده اند .

غرض از تحریر این مسطور شرعیه و تسطیر این مزبور ملیه آنست که هر حق که جناب عصمت مآبان و عفت آدابان نتیجه سرکار والاخان بی بی خوانگار بانو و بی بی آقاچه بنت عالیجناب مغفرت پناه عمدة الاخیار والاشراف الواصل الی جوار رحمة الله و رضوانه خواجه محمد مظفر بتکچی در قریه علوی کلاته که واقع است در بلوک استرآباد رستاق از ولایت دارالمؤمنین استرآباد که محدود است باین حدود شرقیاً بعضی متصل قریه روستاق همگی و بعضی متصل قریه پستانگ جنوبیاً بعضی متصل قریه رستم کلاته و بعضی متصل قریه جلالی غربیاً متصل قریه فوجرد شمالیاً متصل قریه پستانگ بر عالیجناب سیادت و نقابت پناه معالی دستگاه امیر عمادالدین مسعود بن عالیجناب سیادت و معالی نصاب رضوان پناه مرحوم مفعور امیر سید نظام الدین احمد استرآبادی ... به توسط جمع عدول و ثقات مبلغ یک هزار تنگه که هر شش تنگه از آن یکمقال نقره سره مضروبه مسکو که رایج جرجان است صلح صحیح شرعی قطعی یکبارگی نمودند و مصالحه مع مذکور صلح مزبوره را بریال مذکور قبول نمودند و تمامی مال صلح مذکور را تسلیم مصالحان مذکور نمودند و مصالحان مذکور ... صلح مزبور نمودند و تمام حقوق مصالحان مذکور از قرار مزبور بسهمات مصالحه مع مذکور انتقال ... یافت شرعاً تصرف الملاك فی الاملاك و مسمای مصالحه مذکوره در وقت این صلح بوقوع آورده و هریک از متصالحان مذکور عالم بودند

بر کیفیت و کمیت موضوع مصالح به قبول صلح و یا شبه ذلك بناءً علی ذلك تمامی حصه مصالحان مذکوران از قرار مزبور و مضافات و منسوبات آن از اراضی و قنوت و انهار و مواضع طواحین و اشجار مثمره و غیر مثمره بمصالح معهُ مذکور منتقل شد و از کذب در اقرار و دعوی غبن ایراد ترا واقع شد .

و کان ذلك فی التاريخ شهر ربيع الاول سنة اربع و خمسين و تسعمائه .

[بر حاشیه سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

الشاهد بمضمونه العبد محمد ... [جای مهر]^۱

شده بمافیه علاء الدین .

شده بمضمونه العبد محمد مجید .

بشهاده سلطان محمد ... [جای مهر]^۲

من الشاهدین بمافیه العبد حاجی علی . [جای مهر]^۳

شهد بمضمونه کمال الدین حسین .

شهد بمضمونه سید قاسم الحسینی .

شهد بمضمونه عبده جبار ابن ربیع .

شهد بمضمونه جمال گلشنی . [جای مهر]^۴

شهد بمضمونه العبد شمس الدین علی بن درویش علی پلا سری . [جای مهر]^۵

۱- مهری شش ضلعی و ناخوانا. ۲- مهری گرد و ناخوانا. ۳- مهری

گرد که کلمات «العبد حاجی علی بن حسین» بر آن خوانده می شود. ۴- مهری گرد و

ناخوانا. ۵- مهری گرد و ناخوانا.

۴

مصالحه نامچه مورخ ۱۲۳۶ ه. ق.

در این سند آقا محمد شفیع و آقا محمد زکی و محمد نصیر و والدۀ
آقا عباس و محمد علی آقا و محمد خان آقا و الله قلی آقای سپانلو و
اسماعیل خان سپانلو و عباس قلی خان عز الدینلوی قاجار و حاج محمد
جعفر و حاج محمد علی و آقا سید ابراهیم و آقا عبدالمطلب و آقا
کلبعلی و ورثه حاجی سید احمد حقوق خود را به محمد تقی خان
بالارستاقی مصالحه کردند تا نامبرده که خود از شرکاست در درۀ
انگرم آبندانی بسازد و چهار دانگ آن از بابت حق العمل تعلق به خود
او داشته باشد و دودانگ دیگر سهم کل مالکان قریه مزبور باشد.

نحمد الله قبل کل مقال

و نصالی علی النبی و آل

و بعد باعث بر تحریر این صفحه صحت ترجمه آنست که مصالحه صحیحۀ شرعیه
نمودند طوعاً و رغبتاً لا اكرها و اجبارا كل مالكان سه قریه انگرم واقعات در بلوک
سدن رستاق که از غایت شهرت مستغنی از تعریف و توصیف است و هم عالیجنابان
مقدس القابان سلاله السادات العظامان الکرامان آقا محمد شفیع و آقا محمد زکی و
محمد نصیر و والدۀ عالیجناب آقا عباس اولاد مرحمت پناه خلد آرامگاه رضوان -
جایگاه آقا محمد رضا موسوی طاب ثراه و عالیشانان عزت و سعادت نشانان محمد علی
آقا و محمد خان آقا و الله قلی آقای سپانلو و عالیجاهان اسماعیل خان سپانلو و عباس قلی خان
عز الدینلو قاجار و عالیحضرت رفیع الدرجات خیر الحاج حاجی محمد جعفر و حاجی
محمد علی و سیادت پناه آقا سید ابراهیم و آقا عبدالمطلب و آقا کلبعلی احفاد مرحوم
مغفور آقا محمد زکی و ورثه مرحمت و غفران پناه رضوان جایگاه حاجی سید احمد

بعالیجاه معلی جایگاه عزت و سعادت همراه شوکت و اجلال دستگاه شهامت و نبالت۔
 انتباه محمدتقی خان بالارستانی دام عزه که خود معظم الیه از جمله شرکاء قرای مزبوره
 میباشد که از مال و رجال خود سدمجرای قرای مزبوره که مشهور است بسدره انگرم
 نموده در واقع آبدانی بوده باشد که چهاردانگ آن از بابت حق العمل تعلق بسرکار
 عالیجاه معظم الیه بوده باشد و دودانگ دیگر باکل مالکان قرای مزبوره بوده باشد
 آنچه منافعی که بعمل بیاید بعد از وضع چهاردانگ مالکان دودانگ از بابت حق الارض
 فیما بین خود علی قدر حصصهم تقسیم نمایند که عالیجاه معظم الیه هم از دودانگ
 حق الارض بقدر حصه ملک شریک و سهیم میباشد سواى حقا به قرای مزبوره که عبارة
 از يك ثلث از یکدانگ از کل شش دانگ حقا به منشعبه از رودخانه میان دره باکل
 شش دانگ منبع و مجرای چشمه سیاه پوست بوده باشد که در خارج مشخص و معینند
 تعلق با مالکان کل شش دانگ قرای مزبوره دارد آنچه منافع و مداخلی که از حقا به
 قدیم بعمل بیاید با مالکان شش دانگ می باشد و اسقاط جمیع خیارات نمودند سیم
 خیار الغبن و غبن الغبن و لو کان فاحشاً بل افحش و صیغه مصالحه شرعیه کما هو قانون
 فی الشریعة المقدسه بالعریة و الفارسیه جاری گردید .

وكان ذلك فى غرة شهر جمادى الثانى من شهر سنه ۱۲۳۶ .

[بربالا و حاشیه سمت راست این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

رضیت بخصتی بماز بر ورقم فیه لدی نمقه الجانی . [جای مهر]^۱

بقدر حصه خودم که از قریتین مزبور تین ارث منتقل شده است بر مراتب مزبوره داخل

شده ام نمقه الجانی . [جای مهر]^۲

۱- مهری چهار گوشه با سجع: «عبد محمد شفیع الموسوی ۱۲۲۲» . ۲- مهری

چهار گوشه با سجع: «عبد الراجی زکی الموسوی» .

- رضیت بحصتی بمازبرفیه لدی . [جای مهر]^۱
 رضیت بحصتی بمازبرفیه لدی . [جای مهر]^۲
 رضیت بحصتی بمازبرفیه لدی . [جای مهر]^۳
 رضیت بحصتی بمازبرفیه لدی . [جای مهر]^۴
 رضیت علی حسب حصتی کمارقم فیہ نمقه الخاطی . [جای مهر]^۵
 رضیت بحصتی بمازبرفیه لدی نمقه الجانی . [جای مهر]^۶
 رضیت علی حسب حصتی بمارقم فیہ نمقه الخاطی . [جای مهر]^۷

۱- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی اسمعیل» . ۲ - مهری چهار گوشه با سجع : «محمدخان ابن نردینی» . ۳- مهری بیضی با سجع: «الهی بحق نبی و ولی بیخشا گناه الله قلی» . ۴- مهری بیضی با سجع : «عبدہ الراجی محمد علی» . ۵ - مهری چهار گوشه با سجع: «بود مروج دین محمدی جعفر» . ۶- مهری چهار گوشه با سجع: «خاک قدم علی مطلب ۱۲۱۲» . ۷- مهری چهار گوشه با سجع: «لا اله الا الله الملك الحق- المبین عبدہ قلی» .



مصالحه نامه مورخ ۱۲۴۸ ه . ق .

در این سند بی بی فاطمه کل شش دانگ دکان واقع در گذر سوخته - چنار بازارنو را به استاد حاجی بابای زرگر به مبلغ سی تومان رایج سلطانی که عبارت از سیصد عدد سکه صاحبقرانی فتحعلی شاهی است مصالحه کرده است مشروط بر اینکه حاجی بابا پنج قبر از قبور معهود را سنگ کند و چهار سال صوم و صلوة برای چهارمیت بدهد و دو مجلس خرج تعزیه داری نماید و خرج سفر بی بی فاطمه را به عتبات فراهم آورد.

غرض از تحریر این ورقه آنستکه محالعه شرعی اسلامی نمود عفت و عصمت پناه سیادت مآب بی بی فاطمه زوجه استاد محمدرضا باعالیقدر استاد حاجی بابای زرگر برادرزاده مرحوم استاد محمدرضای صباغ کل شش دانگ دوکان واقع در گذر سوخت چنار که در بازارنو است و محدود بحدود اربعه ظهر است باجمیع توابع و لواحق آن از چوب و سفال و حریم و غیره و جمیع متروکات جزئیات از نمد و کاسه و مسین آلات را بمال المصالحه مبلغ سی تومان رائج سلطانی که عبارت از سه صد عدد صاحبقران فتحعلی شاهی جدید باشد و مشروط بر آنکه پنج قبر از قبور معهود را سنگ کند بطریق تعارف و چهار سال صوم و صلوة از برای چهارمیت بدهد و دو مجلس خرج تعزیه داری نماید و شرط دیگر آنکه در وقت رفتن سیده مذکوره بعثات عالیات اسباب جزئیات و کلیات سفری ایشان را بدهد از اسباب کفش و چادر - شب و مس ضروری سفر را بدهد و وجه مذکوره را ده تومان آن را بعد از ده یوم دیگر بدهد و باقی را بعد از دو ماه دیگر بدهد و اگر سیده مذکوره قبل از زمان قسط بزودی نخواهد برود کل سی تومان را نقد داده روانه کند و بعد استاد حاجی

بابای مذکور مصالحه نمود جمیع خیارات را از خیارغبن وغبن درغبن و غیره را ببال المصالحة يك من گندم و صددینار پول و قروض سیده مزبور را ازدیناری تا سی تومان بدهد وصیغه مصالحتین بطریق ایجاب و قبول عربی و فارسی جاری گردید.
وكان ذلك در غرة شهر صفر المظفر من شهر سنة ۱۲۴۸.

[بر بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

هو قدوقع جمیع مارقم فیله دی الجانی. [جای مهر]^۱

وقع مارقم فیله دی الجانی. [جای مهر]^۲

هو ذلك كذلك الجانی. [جای مهر]^۳



مصالحه نامچه مورخ ۱۲۵۰ ه. ق.

در این سند میرزا محمد ربیع و میرزا محمد جواد سه دانگ مشاع از جمله شش دانگ مزرعه میرزا هاشمی واقع در نامتالو از بلوک فندرسک را به مبلغ شصت تومان تبریزی از قرار اشرفی محمد شاهی دانه هیجده نخود نخودی يك تومان رایج بانضمام يك من تبریز گندم سفید خاص به محمد تقی بیگ بسطامی ساکن قریه کردند مصالحه کرده اند.

هو الله تعالى شأنه العزیز

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

و بعد غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات آنکه حاضر شدند در عالی مجلس

۱- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی فضل الله».

۲- مهری چهار گوشه که

کلمات «عبدہ محمد موسی الحسینی» بر آن خوانده می شود.

۳- مهری بیضی با سجع:

«عبدہ محمد تقی الحسینی».

شرع مطاع لازم الاتباع دار الخلافه طهران خفت بالامن والامان عاليجنابان سعادت۔
 مآبان سلاله السادات العظام الكرام ميرزا محمد ربيع و ميرزا محمد جواد^۱ اخوان
 ولدان مرحمت [و] غفران پناه ميرزا محمد حسين سيد موسوى فندرسكى من بلوكات
 استرآباد دون الاكراه والاجبار بالطوع والرغبه باشد رضا مصالحه صحيحه شرعيه
 دينيه اسلاميه نمودند بعاليشان عزت نشان سلاله الاعيان محمد تقى بيگ و لدمرحت و
 غفران پناه محمد مهدى بيگ بسطامى ساكن قريه كرنند مقرون بقبول او همگى تمامى
 سهدانگ مشاع منجمله شش دانگ مزرعه مشخصه مدعوه بمزرعه ميرزاهاشمى واقعه
 در نامتالو من بلوك فندرسك كه محدود بحدود اربعه ذيل است

غربى	شمالى	شرقى	[جنوبى]
السم ديكه	بطاحونه ملك ذوالفقار	ازبركى مشهور بند	رودخانه مشهور
		كلوكن	خوشاب

با كافه ملحقات شرعيه آن ازاراضى صحارى انهار تلال چشمه ده خانه واررعيتى مشهور
 بكلكى كه از اكلام مزرعه ميباشد هر آنچه تعلق دارد بمزرعه مزبوره مع حق آبه از آب۔
 داروبار يكدانگ از بندكى نو يكدانگ از چشمه هر قسمى از رود سرخ محله يكدانگ
 كه از آب ... ميباشد كل مايتعلق بها شرعاً بقدر الحصه سهدانگ ذكر ام لم يذكرو وصف
 ام لم يوصف كه موروثى ايشان ميباشد دانسته فهميده بمال المصالحه مبلغ شصت تومان
 تبريزى كه از قرار اشرفى محمدشاهى دائه هيچده نخود نخودى يكتومان رايج
 بانضمام يكمن بوزن تبريزى گندم سفيد خاص كه تمام آنرا نقد فى المجلس اخذ نمودند
 بمصالحه صحيحه شرعيه دينيه اسلاميه شامله ايجاب و قبول شرعى بصحت لزوم آن فائل

۱- مهرى بيضى باسج: «عبد ربيع الموسوى» و مهرى گلابى شكل باسج: «عبد

شده تصدیق اجازه امضاء را و قطع حق ایشان از سه دانگ مزبور در فوق شده و حق مصالح له مزبور برقرار شده چنانچه من بعد هریک از مصالح لهما ادعا نمایند برخلاف مرقوم از درجه اعتبار ساقط خواهد بود مر مصالح له راست انحاء تصرفات مالکانه کیف شاء که بهر نحو که خواهد مصالح له تصرف نماید در مزرعه مزبوره وصیغه شرعیه بالفارسیه و العربیه بر طبق مراتب مزبوره جاری و واقع گردید.

و کان ذلك تحریر هذه الکلمات فی بیست ششم شهر رجب المرجب سنة ۱۲۵۰.

[جای دومهر]^۱

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اقرا و اعترف بجميع ما رقم فيه لدی نمقه الجانی. [جای مهر]^۲

اقل السادات آقا سید حسین طباطبائی [جای مهر]^۳

ذلك كذلك. [جای مهر]^۴

قد اقرابما رقم فيه لدی. [جای مهر]^۵

هو حاجی رحیم ماهرودی. [جای مهر]^۶

ذلك كذلك. [جای مهر]^۷

۱ - مهری بیضی با سجع: «عبدہ ربیع الموسوی» و مهری گلابی شکل با سجع: «عبدہ

جواد الموسوی». ۲ - مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی نصرالله» و مهری چهار

گوشه بالای آن با سجع: «والله الا الله الملك الحق المبين مرتضى قلی». ۳ - مهری

بیضی با سجع: «عبدہ محمد حسین بن محمد حسن الطباطبائی». ۴ - مهری بیضی با

سجع: «محمد تقی عجم». ۵ - مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی محمد ابراهیم».

۶ - مهری چهار گوشه با سجع: «بسم الله الرحمن الرحيم». ۷ - مهری چهار گوشه با

سجع: «والله الا الله الملك الحق المبين عبدہ ذوالفقار».

شهادت فرج الله خان عرب . [جای مهر]^۱

اقرون واعترفون حرره العبد الاقل والاذل حاجی بابا عرب بسطامی . [جای مهر]^۲

آقا باباییگ مقانی . [جای مهر]^۳

محمودخان ده پیازی . [جای مهر]^۴

ذلك كذلك انا شاهد بذلك خان احمد سلطان عرب ارمیانی بسطامی .

چندین شهادت و مهر دیگر و توضیحی بر حاشیه دارد که چون دستخوردگی داشت نقل نشد.

۶

مصالحه نامه چة مورخ ۱۲۵۵ هـ . ق .

در این سند نسق چى باشى و محمد رضا خان و جمیع ورثة قرق چى باشى و
ورثة خان بذرك كل شش دانگ از دو قطعه زمین متصل به خانه و باغچه
آقامیرموسى را به مبلغ بیست عدد كسورى و بیست عدد ریال محمدشاهى
به آقا سید فضل الله استرآبادى مصالحه کرده اند.

غرض از تحریر و تنمیق این ورقه آنست که در حال صحت نفس و ثبات عقل بلاشائبة
اکراه و اجبار مصالحه صحیة شرعیه نمودند جمیع ورثة مرحوم جنت آرامگاه ...
بخصوص عالیجاه رفیع جایگاه زبدة الاشراف والارکان نخبه الامراء الکرام سرکار
عصمت مدار مقرب الخاقان نسق چى باشى و سرکار عصمت مدار زبدة الخوانین العظام

۱ - مهرى بیضى با سجع : « افوض امرى الى الله عبده فرج الله » . ۲ - مهرى

چهار گوشه که « لاله الا الله الملك الحق المبين حاجى بابا بن ابوالقاسم » بر آن خوانده

مى شود . ۳ - مهرى بیضى با سجع : « بابا زين العابدین » . ۴ - مهرى بیضى که کلمة

« محمود » بر آن خوانده مى شود .

مقرب الخاقان محمدرضاخان و جميع ورثه مرحوم جنت تكيه گاه عمدة الامراء العظام الكرام نسق چى باشى و ورثه مرحوم جنت آرامگاه اميرالامراء العظام و باقى ورثه مرحوم خان بذرك بعاليجناب فضائل مآب سلالة السادات العظام علامى فهمى مجتهد الزمانى جناب آقا سيد فضل الله استر ابادى همگى و تمامى كل شش دانگ از دو قطعه زمين متصل بخانه و باغچه سلالة السادات مرحوم مغفور جنت و رضوان آرامگاه آقا مير موسى والد آنجناب با جميع توابع ولو احق من الممر و المدخل بحدود اربعة ذيل

شرقیاً بکوچه عام و خانه سید هندی و خانه
که ورثه آقا لم وردی شالی بود

و شمالیاً بقلعه قدیم و باغچه بذرك که
الآن ملك ورثه مرحوم فوق است که
این قلعه فاصله است میانه این دو قطعه و
باغچه بذرك

بمال المصالحه مبلغ بیست عدد کشوری و بیست عدد ریال جدید محمدشاهی سی -
نخودی و بعد مصالحه نمودند جميع خیارات خود را ورثه آن مرحوم از خیار غبن و
غبن در غبن و خیار رؤیت و توریه و آنچه حقوقی که تصور شود ازین دو قطعه زمین
با آنجناب بقرائت سه سبحان الله قبض و اقباض در مال المصالحه و ملك مزبور بقرائت
سه سبحان الله واقع شد و له التصرف فی ملكه كالتصرف الملاك فی املاكهم و اجرای
صیغتين بطریق عربی و فارسی شد.

و كان ذلك در نوزدهم شهر محرم الحرام من سنة ۱۲۵۵.

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۵۵ ه. ق.

در این سند رقیه خانم زوجه محمدولی میرزا همگی و تمامی ارثیه خود را از قری و محال فندرسک به مبلغ پنجاه عدد اشرفی تومانی محمدشاهی هیجده نخودی به محمد تقی بیگ نایب ابیشک آقاسی - باشی مصالحه کرده است.

فبعد غرض از تحریر و تسطیر این سطور شرعیه آیات و اوضحة الدلالات آنستکه مصالحه صحیحه شرعیه ملیه اسلامیه نمود فی حالة تحقق الشروط الشرعیه کالقصود والاختیار بلاکراه واجبار بل بالطوع والرغبة عفت وعصمت پناه طایفه بیت الله حاجیه رقیه خانم زوجه دائمه شاهزاده عظیم المثل محمدولی میرزا به عالیشان عزت وسعادت نشان زبده الاماثل والافران محمد تقی بیگ نایب ابیشک آقاسی باشی خلف مرحوم جنت مکان مهدی بیگ بسطامی ساکن قریه گرمن همگی و تمامی و جملگی حقوق ارثیه خود را که از قری و محال فندرسک داشت آنچه ملکیت و حقیت راسزد و شاید بدون استثنای شیء از آن راعینا کان أم منفعة مع ده خروار شالی که از بابت منافع املاک محل مسطور واصل مشارالیهامی گردید بمال المصالحه مبلغ پنجاه عدد اشرفی تومانی محمدشاهی هیجده نخودی و صیغه مصالحه مشتمله علی الایجاب والقبول کماورد فی شرع الرسول بالعریة والفارسیة بین وکیلیهما واقع وجاری شد و بعدذلك مصالحه نمود معزی الیها جمیع حقوق خود را که در مصالحه مسطوره داشت و لوخیارغبن را به عالیشان مصالح مزبور بمال المصالحه مبلغ پنج عدد اشرفی موصوف و صیغه مصالحه به وقوع پیوست و مال المصالحه فی مجلس المصالحه بلاکسور و قصور واصل گردید پس بنابر وقوع مراتب مزبوره گردید جمیع حقوق معزی الیهامی

حق صدق و ملك طلق مصالح مزبور.

و كان ذلك بتاريخ دهم شهر رجب المرجب سنة ١٢٥٥.

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اعترف الوكيل الشفاهي بالمصالحتين مزبورتين و وصول مالهما لدى وانا العبد الجاني الاحقر. [جای مهر]^۱

وقع مازبرفيه لدى. [جای دومهر]^۲

قد وقعت المصالحتين حسبما زبرفيه لدى. [جای مهر]^۳

ميرزا ربيع فندرسكي. [جای مهر]^۴

آقاسيد حسن زواره. [جای مهر]^۵

ميرزا جواد فندرسكي. [جای مهر]^۶

محمود خان ده پيازی. [جای مهر]^۷

تحریر متن بیان واقع است. [جای دومهر]^۸

وقع مازبرفيه لدى. [جای دومهر]^۹

- ۱- مهری بیضی باسجع: «الله خالق کل شیء عبده محمد جعفر». ۲- مهری بیضی که وسط آن گل و بوته و چهار طرف آن کلمه «حسن» حک شده است و مهری چهار گوشه که «لا اله الا الله الملك الحق المبين حاجی بابا بن ابوالقاسم» بر آن خوانده می شود. ۳- مهری هشت گوشه باسج: «عبده الراجی عباسقلی». ۴- مهری بیضی که کلمات «عبده ربيع الموسوی» بر آن خوانده می شود. بر سمت راست این مهر مهری چهار گوشه بزرگ است با سجع: «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده مرتضى قلی». ۵- مهری بیضی باسج: «عبده محمد حسین ابن محمد مؤمن الطباطبائي». ۶- مهری گلابی شکل باسج: «عبده جواد الموسوی». ۷- مهری بیضی که کلمات «فی کل محمود» بر آن خوانده می شود. ۸- مهری بیضی باسج: «یا حمزه سید الشهداء ۱۲۵۴» و مهری بیضی دیگر با نام «علی اصغر». ۹- مهری بیضی باسج: «کندة بدل مهر محمد صالح» و دیگری باسج: «پیرودین نبی مصطفی».

علی اکبر خان ده پیازی. [جای مهر]^۱

۸

مصالحه نامه مورخ ۱۲۵۵ ه. ق.

در این سند محمد تقی بیگ تمامی حصه و رسد خود را از قریه
برزمهین و اشکار کلاته و قریه مستکیان و مرزعه تنارود و مرزعه
زرین کل و واکانو و مرزعه شیرین آباد را به ولد هفت ساله خود
محمد حسب القبول خود مصالحه کرده است.

هوالمالك بالاستحقاق

بسم الله الرحمن الرحيم الرحيم و به نستعين

... غرض از تحریر و ترقیم این کلمات شرعیه الدالات حاضر شد بدارالشرع الانور طهران
عالیشان عزت نشان سلاله الاعیان محمد تقی بیگ و لدمرحوم مهدی بیگ بسطامی ساکن
گرم بدون اکراه برضای خود مصالحه صحیحه شرعیه دینیة اسلامیة لازمه جازمه
بعالیشان رفیع مکان بولد هفت ساله خود محمد حسب القبول خود مصالح مزبور که ولی
او میباشد همگی و تمامی حصه و رسد خود را از مزارعات و قنات و قریه و طاحونه و
اشجار و اراضی و صحاری و محل زراعت کاری از شتوی کاری و صیفی که بنحو
مزبور اسامی آنها در ذیل معین شد

شش دانگ برزمهین مع مزارعه مشهوره متعلقه بآن و سنگستان و میان دو -
رود کرمان کاریز و حق آبه آن از رودخانه سیاه جوب و غیره از قنوات و دودانگ از
چشمه سارها کماکان و محدود بحدود ذیل است بالتمام

۱- مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبدہ الراجی علی اکبر».

<p>_____ د</p> <p>غریباً بتخته بلند بزرگ رودخانه کلوکن که شور شاپ کوکن و رودخانه مذکوره میرود بسوی اشکار کلاته و منتهی میشود بسیاه جوب</p>	<p>_____ د</p> <p>شرقاً سرچشمه سفید روی که مشهور است ببرزاجرد و نهر برزاجرد که میرود بقنات ناجرها و از آنجا میرود بقنات لیاس که در پهلوی یروط دولت شاهی واقع است و از آنجا منتهی میشود بتیه میرزا اشرف</p>
--	--

_____ د

جنوباً میرود بستوه ولدان

_____ د

شمالیاً شوار سنجدگله که متصل است بسیاه جوب

<p>_____ د</p> <p>قریه اشکار کلایه که حق آب آن یکرشته قنات واقع درقریه برزمهین است و بندمیر دوست مع بند حلوال و محدود بحدود ذیل است بالتمام که شش دانگ بوده باشد.</p>	<p>_____ د</p> <p>قریه مستکیان مشهور کنیزک و ناورها آنها و غیره کماکان محدود بحدود ذیل است بالنصفه که سه دانگ بوده باشد</p>
---	---

<p>_____ د</p> <p>ومزرعه زرین کل وواکانو وحق آبه آن از رودخانه بزدومان است و در محل خود از تحدید و توصیف مستغنی است بالثلث که خود یکی بوده باشد</p>	<p>_____ د</p> <p>شرقاً رودخانه غریباً مستی ناور سیاه جوب بندوال</p>
---	--

_____ د

ح—————ح—————د

شمالیاً برودخانه جنوباً مرز بالای سر-

سیاهجوب زینل مزرعه کنیزک

محدود است بحدودی

که در تحت رسد

عالی حضرت میرزا یدالله

بموجب تفصیل

مزرعه تنارود که در محل خود از تحدید و توصیف مستغنی است بالثلث که دودانگ بوده باشد و مزرعه شیرین آباد که در محل خود از تحدید مستغنی است بالنصفه که سه دانگ بوده باشد که قریه مزبوره بحدود ذیل است

ح—————ح—————د

مزرعه زرین کل و واکانو و مزرعه شیرین آباد و مزرعه تنارود که هر یک در محل خود از تحدید مستغنی است

و موازی دودانگ از جمله شش دانگ قریه ولندان باجمیع توابع و لواحق شرعیه نیمدانگ از جمله شش دانگ از یکرشته قنات دایر و اقمه در قریه بالا چهارگاه با توابع شرعیه و لواحق و دودانگ نیم از جمله پنج دانگ حق الحفر از شش دانگ یکرشته قنات دلیره مشهور بقنات قریه ییلاق و محدود بحدود مزبوره که در قبالة جداگانه میباشد بدون وضع جریب از آن که معلوم شده است در فوق که از همشیره مصطفی خان زوجة عالیجاه رفیع خان اتباع نموده است و مبلغ ده خروار شلتوک مال الاجاره در هر سال را که مسماة و موسومه به حاجیه رقیه خانم زوجة محمدولی میرزا مشهور به جده بزرگ می باشد و آنچه در فوق معلوم شده است

من توابع و محال فندرسك میباشد که من دهات استرabad بوده باشد و در تصرف خود داشته و مالک بوده دانسته و فهمیده مصالحه نموده بمال المصالحه مبلغ یکصد دینار پول سیاه دانه سه مثقال سه نخود یکصد دینار رایج الحال طهران و موازی يك سير نبات صندوقه که تمام وجه مال المصالحه را ولایتاً قبول نموده و اخذ نموده و مصالحه شرعیه مبیعه اسلامیة لازمه جازمه شامله ایجاب و قبول شرعی و بصحت و شرعیت و لزوم آن تأیید و تصدیق و اجازه و امضای آن را نموده و صیغه شرعیه جاری شد و ازاله ملکیت و سلب حقیت مصالح مزبور از تمامی مزارعات و قریه های مزبوره در فوق شد و بحق مصالح له مزبور برقرار شده و بر مصالح له مزبور می باشد که بعد از بلوغ و رشد آنجا را بتصرفات مالکانه خود کیف شاء و ارادت [در آورد] کتصرف الملاك فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم و کان ذلك التحریر هذه الکلمات الشرعیه.

و کان ذلك فی دوشنبه سیزدهم شهر

رجب المرجب من شهر سنه ۱۲۵۵.

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند عبارات زیر است:]

اعترف بجميع ما زبر فيه لدى نطقه الجاني. [جای مهر]^۱

قد اقر المصالح بالمصالحة لدى حسبما فيه. [جای مهر]^۲

اعترف بما زبر ونظر فيه لدى. [جای مهر]^۳

آقا سید حسین زواره. [جای سه مهر]^۴

- ۱- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی نصرالله». ۲- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی عباسقلی». ۳- مهری بیضی که وسط آن درمیان نقش نام «محمد» و چهار طرف آن نام «حسن» است. ۴- مهری بیضی با سجع: «عبدہ محمد حسین بن محمد مؤمن الطباطبائی، و بالای آن مهری چهار گوشه با سجع: «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبدہ مرتضی قلی، و مهری چهار گوشه دیگر با سجع: «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبدہ الائمه حاجی بابا بن ابوالقاسم».

- الشاهد حاجی عبدالکریم تاجر قندهاری الاصل. [جای مهر]^۱
- شهدت میرزا ربیع فندرسکی. [جای مهر]^۲
- شهدت میرزا جواد فندرسکی. [جای مهر]^۳
- محمودخان ده پیازی. [جای مهر]^۴
- الشاهد شکرالله خان اصفهانی الاصل.
- اقل عباد محمد علی یزدی الاصل. [جای مهر]^۵
- مصطفی [جای مهر]^۶
- علی اکبرخان ده پیازی. [جای مهر]^۷
- آقابابا کت مقانی. [جای مهر]^۸

-
- ۱- مهری چهار گوشه با سجع: «لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده عبدالکریم».
- ۲- مهری بیضی کوچک با سجع: «عبده ربیع الموسوی».
- ۳- مهری گلابی شکل با سجع: «عبده جواد الموسوی».
- ۴- مهری بیضی کوچک که کلمات «الله فی کل محمود» بر آن خوانده می شود.
- ۵- مهری چهار گوشه با سجع: «العبد المذنب محمد علی».
- ۶- مهری چهار گوشه با سجع: «پیرو دین نبی مصطفی».
- ۷- مهری بیضی با سجع: «عبده الراجی علی اکبر».
- ۸- مهری بیضی کوچک که نام «زین العابدین» بر آن خوانده می شود.

مصالحه نامه مورخ ۱۲۶۱ ه . ق .

در این سند وراثت موسی خان قاجار قوآنلو فرزند حاجی مهدی قلی
خان قاجار قوآنلو حقوقی را که از موسی خان حسب الارث به ایشان
انتقال یافته بود و آن يك دانگ مشاع از كل شش دانگ از يك باب
حمام واقع در محله سرچشمه از محلات استرآباد معروف به حمام
چشمه به يك من تبریز گندم سفید خباز پسند و گفتن سه مرتبه کلمه
طیبه سبحان الله به سید محمد تقی خلف سید مفید استرآبادی مصالحه
کرده اند .

هو العالم بحقایق الامور

بسم الله الرحمن الرحيم و به ثقتی

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين و صلى الله على محمد وآله

و بعد باعث برتسطیر و ترقیم این ارقام خجسته فرجام آنستکه حضرات عالی-
جاهان رفیع جایگاهان عزت و سعادت همراهان جلالت و نبالت اکتناهان وراثت
مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه موسی خان قاجار قوآنلو خلف مرحمت و
غفران پناه جنت و فردوس آرامگاه حاجی مهدی قلی خان قاجار قوآنلو دانسته و فهمیده
عالماً عامداً بالطوع والرغبة و الاختیار هر يك بانفراده که اسامی سامی ایشان بموجب
تفصیل ذیل است صلح صحیح نمودند به عالیجناب قدسی القاب فضایل مآب حقایق و
معارف اکتساب سلاله السادات الاطیاب جناب آقا سید محمد تقی خلف مرحمت و غفران-
پناه جنة و رضوان آرامگاه المستغرق الی بحار رحمة الله حاجی سید مفید استرآبادی

کافه وقاطبة حقوقیکه بحسب الارث از مرحمت پناه موسی خان بایشان انتقال یافته بود در همگی و تمامی یکدانگک مشاع از کل ششدانگک یکباب حمام مشخص معین معلوم واقعه در محله معروفه به محله سرچشمه من محلات دار المؤمنین استراباد که این حمام معروفه است بحمام چشمه که عندها هالیها مستغنی از تعریف و توصیف است با کافه متعلقات و منضمات شرعی آن بدون وضع و استثناء چیزی از آن حصص خود که حصه مرحمت پناه حاجی مهدیقلیخان از حمام مذکور یکدانگک بوده و بحسب الارث بجمیع ورثه او انتقال یافته للذکر مثل حظ الانثیین که یک حصه کما فرض الله بمرحمت پناه موسی خان انتقال یافته و حضرات هم مصالحه کردند بجناب معزی الله بمال المصالحه موازی یکمن تبریز گندم سفید خباز پسند و گفتن سه مرتبه کلمه طیبه سبحان الله و آنجناب معظم الیه قبول مبایعه نمود و صیغه مصالحه صحیحه شرعیه بینها بالفارسیه و العربیه جاری و واقع شد مشتمله بر کل مالابذمته شرعاً محتویه بر اسقاط کافه خیارات شرعیه از غبن و غیره و هر گاه یوماً من الایام هریک از حضرات مسطورین بخلاف مسطور گفتهگو کنند باطل است و از درجه اعتبار ساقط .

و كان ذلك فی تاریخ یوم هیجدهم شهر جمادی الاولی من شهور

سنة یکهزار و دوست و شصت یک هجری نبوی سنة ۱۲۶۱

[جای مهر]

[بر حاشیه دست راست این سند نوشته شده است:]

هو الله تعالی

بعقد مصالحه شرعیه منتقل نمودند ورثه مرحوم موسی خان قاجار قوآنلو هر گونه حتی که در حمام مسطور متن داشتند بجناب مستغنی القاب سلاله السادات العظام آقا سید

محمد تقی مزبور متن مگر یکنفر صغیر که سمی مرحوم مزبور است حق او باقی است
 علی ماکان و یکدختر دیگر که زوجه عالیه خان امامقلی خان است از او اعترافی نشنیدم
 باقی علی نهج الشرع الشریف منتقل بجناب سید نمودند و همچنین از انتقال حق امیر الامراء
 مهد یقلی خان بجناب سید مطلع نشدم تحریرا فی ۱۲۶۱ [جای سه مهر]^۱

۱۰

مصالحة نامچه مورخ ۱۲۶۸ ه. ق.

در این سند ملا محمد باقر خواجه سه دانگ از کل شش دانگ يك باب
 دکان را به وکالت ثابت به از جانب برادرزاده خود مسماة به گوهر شاد
 به مال المصالحة مبلغ پانزده تومان و پنج ریال بیست و هشت نخودی
 ناصر الدین شاهلی به اسدالله موسوی مصالحة کرده است.

مصالحة صحیحہ شرعیة قطعیه اسلامیة نمود بالطوع والرغبة لابلالاکراه والرهبة در
 حال صحت نفس و ثبات عقل و جواز تصرف عالماً و عامداً بالکم والكیف عمدة الاعیان
 تجارت دستگاه ملا محمد باقر خواجه خلف الصدق ملاحاجی بابا مرحوم
 همگی و تمامه سی سه دانگ از کل شش دانگ از یکدرب دکان ابتیاعی از عالیجناب
 سلاة السادات العظام آقا سید محمد الموسوی بوکالة ثابت از جانب زوجه خود
 سلیمه بیگم صبیة مرحوم رضوان جایگاه حاجی آقا کوچک موسوی که دکان مذکور را
 مصالح با آقا محمد اسمعیل پسر عم ایشان بشراکت ابتیاع نموده بودند و

۱- مهری بیضی با نام «علی اصغر» و مهری بیضی دیگر با نام «شیخ باقر» و مهری

بیضی دیگر با نام «محمد قلی».

سه دانگ حصه آقا محمد اسمعیل منتقل گردید به همشیره مرحوم ایشان که وقف بر تعزیه داری نموده و الآن عین مصطلحه مشترک است فیما بین خود و موقوفه بطریق تنصیف بسر کار عالیجناب فضایل مآب آقائی آقا اسد الله الموسوی بو کاله ثابته محققه از جانب برادرزاده کرام خود و هی المسمات بگوهر شاد بیگم که صبیحه جناب آقائی آقا عبدالرحمن الموسوی باشد و محدود است بحدود اربعه ذیل و واقعه است در راست بازار کهنه واقع در محله میدان من محلات دار المؤمنین استرآباد صانها الله عن التفرقه و الفساد به مال المصالحه مبلغ پانزده تومان و پنج ریال بیست و هشت نخودی و زناً ناصر الدین شاهی نصفه توضیحاً لاصل مبلغ هفت تومان و هفت ریال و پانصد دینار وجه مرقوم موصوف مذکور و قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مزبورین گردید و تجارت دستگاه مصالح تخلیه ید مال کانه خود نمود و عین مصطلحه را بتصرف عالیجناب موکل مصطلحه لها داده پس گردید عین مصطلحه مال مصطلحه - لها مشار الیه ایشان نیز بسایر رقبات خود منضم ساختند و ایشانراست انحاء و انواع تصرفات مال کانه کتصرف الملائک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم متی شاء کیف شاء و غب ذلك مصالحه نمودند غبن در مصالحه است را و غبن در غبن را و لو کان فاحشاً بل افحش به مال المصالحه مبلغ یکشاهی پول سیاه دو عدد یکشاهی و چنانچه عین مصطلحه کلاً او بعضاً مستحقاً للغير بر آید مصالح مشار الیه از عهده آن بر آید و صیغتان بالفارسیه و العربیه جاری گردید.

وكان ذلك في غرة شهر شعبان المعظم سنة ١٢٦٨.

جنوبیہ _____ اَ شمالیہ _____ اَ

متصل است بدکان موقوفه جدہ مرحومہ
آقا علی محمد ابن آقا محسن شیخ الاسلام

متصل است بدکان آقائی آقا اسد اللہ کہ
از بابت ارث منتقل بایشان گردیدہ کہ

که مال مرحوم طاب‌ثراه حاجی آقا از مال مرحوم طاب‌ثراه حاجی آقا-
کوچک بوده که بارث منتقل بآن مرحومه کوچک بوده تا واضح باشد
شده بوده وقف کرده است

شرقیه _____ ا غربی _____ ا
متصل است بدکانهای کاروانسرای حاجی متصل است بشارع عام راسته بازار کهنه
محمدتقی خان هزارجریبی که پیش از واقع در محله میدان که تخت داروغه در
کاروانسرا باغچه بوده مشهوره بباغچه آنجا است و سمت غربی شارع هم دکان
سرکار که الآن کاروانسرا گرداند است ممتدالی منتهای بازار و سمت شرقی
دکان مذکور است

[بر بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

قد اقر ملا محمد باقر مزبور بمارقم فيه الى النهاية لدى الاقل ۵ شعبان ۱۲۶۸.

[جای مهر]

جناب ملا محمد باقر مسطور اقرار بصلح مزبور واخذ بدل و اسقاط
بتاریخ یازدهم شعبان ۱۲۶۸ نموده نمقه الجانی. [جای مهر]^۱
وقع الصلح واخذ البدل فی يوم المرقوم لدى. [جای دومهر]^۲
قد اعترف المصالح المرقوم بمافیه لدى. [جای دومهر]^۳

هوالمستعان

در روز پنجم شهر مزبور از سنه مزبوره مصالح مزبور اعتراف بر مراتب مزبوره

۱- مهری بیضی کوچک که کلمات « محمد صادق » بر آن خوانده می شود.

۲- مهری بیضی با سجع: «عبدہ علی نقی». ۳- مهری بیضی با سجع: «عبدہ عبدالحسین

الموسوی» و مهری دیگر با سجع: «عبدہ محسن الموسوی». ۴- مهری چهار گوشه با

سجع: «عبدہ محمد حسن» و مهری بیضی دیگر با سجع: «عبدہ الراجی میرزا محمد».

نموده . [جای مهر]^۱

قد اعترف المصالح المرقوم بمارقم فيه لدى نمقه الجانی . [جای مهر]^۲
واقع گردید مصالحه مزبوره در نزد احقر عباد الله وانا عبد الخاطی الجانی .

[جای مهر]^۳

اقر بما فيه لدى الجانی . [جای مهر]^۴

اقر بما فيه لدى نمقه الجانی . [جای مهر]^۵

۱۱

مصالحه نامچه مورخ ۱۲۶۹ هـ . ق .

در این سند وراث احمد خان شامبیاتی قاجار و جناب ملا محمد رضا
به ولایت شرعیه سهم فرخ صغیر از چهار دانگ از کل شش دانگ
یک رشته قنات معروف به قنات قزل ایاق را به مبلغ بیست تومان
وجه رایج فضی به حاجی میر محمد خالو و آقا محمد تقی مصالحه
کرده اند.

بعد الحمد والصلوة مصالحه صحیحه شرعیه ملیه اسلامیة قطعیة لازمه در حالیکه
صحیح بود از ایشان عقد مصالحه وراث مرحمت و غفران پناه احمد خان آقایی
شامبیاتی قاجار ذکر و اناثاً و هم عالیشان معلی مکان محمد صادق آقا و فرخ خانم و
معصومه خانم و حوا خانم و شیرین خانم و شهربانو خانم و چون فرخ صغیره بود لهذا
جناب مستطاب عمدة العلماء والمحققین و قدوة الفقهاء والمجتهدین جناب ملا محمد رضا

- ۱- مهری بیضی بزرگ با سجع: «المتوکل علی الله محمد علی» . ۲- مهری بیضی
باسجع: «عبدہ الراجی محمد اسمعیل» . ۳- مهری چهار گوشه با سجع: «عبدہ الراجی
عبد الکریم الحسینی» . ۴- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی محمد رحیم الحسینی» .
۵- مهری بیضی با سجع: «افوض امری الی الله عبدہ محمد علی» .

سلمه الله بولایت شرعیه سهم فرخ را در معرض صلح در آورده بعالی حضرت معلی - منزلت سیادت منقبت حاج الحرمین الشریفین حاجی میر محمد خالو و عایشان عزت - نشان عمده الاشباه و الاقران آقا محمد تقی ابن مرحمت و غفران پناه حاجی مطلب همگی و تمامی چهار دانگ از کل شش دانگ یک رشته قنات معروفه موسومه بقنات قزل ایاق واقع در ملک روشن آباد من قراء سدن رستاق استر آباد صانها الله عن التفرقه و الفساد را که حدی شرقی آن درود محلّه و غربی آن شاهده است بانضمام تمام منضمات و كافة ملحقات آن از پشته و بیشان و از حق اختصاص آن بادش رویه و حق تحویل کائناً ما کان بحسب لایستثنی منه شیء را بمبلغ معین و ثمن مبین مسلماً و مأخوذاً فی مجلس الصلح بمال المصالحه مبلغ بیست تومان وجه رایج قضی سلطانی ۲۸ نخودی که هر یک مصطلحان مبلغ ده تومان است علی طریق المناصفه فی السهم تسلیم نمودند و شرط شد در ضمن عقد مصالحه اسقاط خیارات لاسیما خیارات الغبن و غبن الغبن و لو کان بمعارض العالیه و مصطلحان مزبوران قبول صلح عین مصطلحه را بمال المصالحه مزبور و شرط مزبور نمودند و پس از اجرای عقد صلح و تسلیم مال المصالحه وراث آن مرحوم تخلیه ید از عین مصطلحه نموده آنرا بتصرف مصطلحان دادند پس قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مزبورین واقع و ضامن درک عین مصطلحه گردیدند مصالحون مزبورون که عند خروجها مستحقة للغير کلاً او بعضاً عیناً او منفعتاً از عهده بر آیند و صیغه مصالحه كماوردت فی شرع الرسول صلی الله علیه و آله مشتمله علی الايجاب و القبول سمت جریان پذیرفت.

وكان تحریر ذلك فی خمس وعشرين
من شهر ربیع الثانی من شهر ۱۲۶۹ .

[بربالا و سمت راست این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

بعد الحمد والصلوة مصالحه صحیحه شرعیه اسلامیه نمود در حال اختیار بدون شائبه

اکراه واجبار عالیجناب سلاله الاطیاب زبدة الاعیان خیر الحاج حاجی میر محمد به عالیشان معلی مکان سمو القدر و المرتبه و الشأن عمدة الاعیان آقا محمد تقی همگی و تمامی دودانگ از کل شش دانگ قنوة مشهوره بقزل ایاق واقعه در ملک روشن آباد من بلوک سدن رستاق دار المؤمنین استرabad از پیشان و پشته و تبرجاه و خاکریز و سایر ملحقات و منضمات آن مماذ کرام لم یذکرو سطر فیہ اولم یسطر و حق تحویل کائناً ماکان بحیث لایستثنی منه شیء که حدود آن مذکور شده است بمبلغ دو یست و پنجاه عدد ریال ناصر الدین شاهی هر ریالی در وزن بیست و هشت نخود و در ضمن آن اسقاط جمیع خیارات نمودند سیمایار الغبن و غبن الغبن ولو کان فاحشاً بل افحش و صیغۀ مصالحه با اسقاط خیارات جاری شد و تمام مبلغ مزبور را عالیشان مزبور تسلیم خیر الحاج نمود بعد از اخذ مبلغ تخلیه نمود و بتصرف مشار الیه داد و او هم تصرف نمود و سایر املاک خود ملحق نمود و ضامن درک شرعی گردید که هر گاه عیناً ام منفعتاً کلاً او بعضاً مستحقاً للغير بر آید از عهده بر آید و این چند کلمه بر سیل یادداشت قلمی شد .

تحریرا فی غرة شهر رجب سنة ۱۲۷۳ .

وقع اصل الصلح حسب المرقوم مع مراعاة الاحتیاط فی حصۃ الصغیره من جهة اخرى حرره الآثم [جای مهر]^۱

قد جرى ماجرى بينهما من اصل الصلح وملحقاته حسب ما فى فوق المتن الى النهايه لى. [جای مهر]^۲

قد وقعت المصالحة المرقومه فى الحاشیه حسب المرقوم فيه لى. [جای دو مهر]^۳

۱ و ۲- مهری بیضی با سجع: «محمد رضا». ۳- مهری بیضی با سجع: «محمد».

ولی ابن محمد حسن ، و مهر بیضی دیگر با سجع: «محمد حسن».

محمدصادق آقا اقرار مصالحه مسطورة متن واخذ ثمن نمود عندالخطای الاقل .
 [جای پنج مهر]^۱
 وقع بمافیه لدی . [جای سه مهر]^۲

۱۲

مصالحه نامچه مورخ ۱۲۶۹ ه . ق .

در این سند را قم متن هفت سهم از نه سهم از کل شش دانگ و يك سهم
 از دو دانگ از کل شش دانگ از حق الحفر قنات مشهور به قنات آقا
 احمد را به مال المصالحه مبلغ پنج تومان وجه رایج ناصرالدین شاهی
 بیست و هشت نخودی به آقا محمد حسن مصالحه کرده است .

غرض از تحریر این کلمات واضحه الدلالات آنستکه مصالحه صحیحه شرعیه ملیه
 اسلامیة نمودم منکه راقم اینحروفم همگی و تمامی هفت سهم از نه سهم از یکدانگ
 از کل شش دانگ و یکسهم از هفت سهم از دو دانگ از کل شش دانگ از حق الحفر قنات^۳
 مشهور بقناة مرحوم مبرور آقائی آقا احمد طاب ثراه را از پشته و پیشان و آنچه
 ملکیت را سزد و شاید و انتفاع میتوان برد الا حق الارض که مشترکست فیما بین
 مالکان قاضی باغ بجانب آقا محمد حسن ولد ارجمند کامکار جناب شامخ الالقاب
 فضایل مآب فریدالدهری و وحیدالعصری آقا محمد تقی زید عمره العالی بمال المصالحه
 مبلغ پنج تومان وجه رایج ناصرالدین شاهی نخودی ده عدد یکتومان مقبوضافی المجلس

- ۱- مهری چهار گوشه با سجع: «یا علی ادرکنی» و مهری چهار گوشه دیگر با سجع:
 «وتلك حجتنا اتینا ابرهیم» و مهری دیگر با سجع: «یا علی» و مهری بیضی دیگر با سجع: «محمد
 صادق» و مهری چهار گوشه دیگر با سجع: «عبدہ محمد حسین». ۲- مهری کوچک
 گرد ناخوانا و مهری بیضی کوچک با سجع: «یا امام زین العابدین ادرکنی» و مهری چهار گوشه
 دیگر با سجع: «الله محمد علی». ۳- مهری بزرگ بیضی با سجع: «المتوکل علی الله
 اسد الله الموسوی».

المصالحه و بينهما قبض و اقباض و تسليم و تسلیم واقع گردید و تخلیه یدمالکانه خود از عین مصطلحه نموده و بتصرف مصطلح داد و اوراست انحاء تصرفات در آن کتصرف الملاك في املاكهم وذوی الحقوق فی حقوقهم و بعد ذلك عالمأوعامداً مصالحه نمودم غبن وغبن در غبن مصالحه را بمصطلح بمال المصالحه مبلغ چهار هزار وجه موصوف مقبوضاً فی المجلس المصالحه وصیغتان بالعربية و الفارسیه سمت جریان پذیرفت.

وكان ذلك فی بیست و ششم شهر

ربیع الاولی من شهور سنة ۱۲۶۹.

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

قد وقع مارقم فيه لدی حرره الداعی. [جای مهر]^۲

وقع مارقم فيه لدی نمقه الجانی. [جای مهر]^۳

وقع جمیع ما سطر فيه لدی وانا العبد الجانی. [جای مهر]^۴

اقرب مارقم فيه لدی. [جای مهر]^۵

۱- مهری بیضی بزرگ با سجع: «المتوکل علی الله اسد الله الموسوی». ۲- مهری بیضی با سجع: «عبدہ احمد الموسوی». ۳- مهری بیضی با سجع: «افوض امری الی الله عبدہ محمد الموسوی». ۴- مهری بیضی که عبارات «عبدہ علی» بر آن خوانده می شود. ۵- مهری بیضی با سجع: «عبدہ عبد الجواد الموسوی».

۱۳

مصالحه نامه مورخ ۱۲۶۹ ه. ق.

در این سند کثوم حصه ارثیه سدسیه خود را از خانه وزمین متصل به خانه و از اطاق و دکان صباغی و سرکار آخوند ملا محمد رضا بملاحظه صرفه و غبطه صغیرین میرزا حسین مرحوم به ولایت شرعی پنج دانگ اطاق که ملک صغیرین بود به مبلغ شش تومان وجه رایج ناصرالدین شاهی به ملاعلی اکبر جناب مصالحه نمودند.

مخفی و مستور نماند که کربلائی کثوم والدۀ مرحوم میرزا حسین تمامت حصه ارثیه سدسیه خود را از خانه وزمین متصل بخوانه [=خانه] و از اطاق و دکان صباغی و غیرهم از منقول و غیر منقول که منتقل بمرحومه مزبوره شده بود منتقل نمود بعالیجناب مستغنی الالقب ملاعلی اکبر جناب پس گردید اعیان مزبوره مشاع و مشترک فیما بین جناب معزی الیه و دو صغیر میرزا حسین مرحوم و چونکه اشاعه نقص املاک و عقار است مفروضه و قسمت باعث زیادتى حسن آنها میشد لهذا جناب وحیدالدهری و مجتهد العصری سرکار آخوند ملا رضا سلمه الله تبارک و تعالی بعد از ملاحظه صرفه و غبطه صغیرین مصالحه نمود بولایه شرعیه پنج دانگ اطاق را که مال و ملک صغیرین بود بعالیجناب جناب سابق الذکر بآنچه حصه و رسدی که ایشان در اعیان مرحومه داشتند بانضمام مبلغ شش تومان و چهارایچ رواجی ناصرالدین وریالی ۲۲ نخودی که یکتومان آنرا بابت اجرة المثل يك ساله و پنج تومان از بابت اخراجات دوساله صغیرین باقا محمد تقی که شوهر مادر صغیرین است مفوض داشت و مبلغ مزبور تحویل و تسلیم آقا محمد تقی گردید پس گردید شش دانگ اطاق ملک خاص الخاص عالیجناب شامخ الالقب آخوند ملاعلی اکبر جناب و بینهما قبض و اقباض واقع شد و نظر باحتمال بلوغ میرزا محمد علی از قرا و مسطور لزوماً للاحتیاط با او نیز صیغه صلح خوانده شد و اینچند

کلمه برسبیل یادداشت قلمی و مرقوم گردید که عندالحاجه حجت شرعی بوده باشد.
وكان ذلك بتاريخ ... من شهور العربيه
مصطفوية ص عليه وآله في سنة ١٢٦٩.

[بربالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع وصح جميع مارقم فيه من البداية الى النهاية لدى الآثم. [جای دومهر]^۱
مخفی نماند که تمام شش دانگ از اطاق مزبور از قرار مفصل در متن بحکم شرع مطاع
ملك و مال جناب شامخ الالقاب آخوند ملا علی اکبر است و قد صدر حکم الشرع علی
ذلك حرره الآثم. [جای مهر]^۲
وقع مارقم فيه لدى الجانی. [جای مهر]^۳

۱۴

مصالحه نامه مورخ ۱۲۷۵ ه. ق.

در این سند کربلائی محمد هادی نیم دانگ مشاع از چهار دانگ
مشاع از کل شش دانگ قریه شوکت آباد معروف به حسین آباد و نیم
دانگ مشاع از کل شش دانگ مزرعه میان آباد را به مال المصالحه
مبلغ دو یست و پنجاه تومان وجه از قرار اشرفی ناصرالدین شاهی
به حاجی آقا محمد تاجر صلح کرده است.

منظور از نگارش این سطور شریعت دستور آنستکه چون تمامی و همگی نمیدانگ
مشاع از چهار دانگ از کل شش دانگ قریه موسوم به شوکت آباد المعروف بحسین آباد
من توابع دار المؤمنین استرآباد که مستغنی از تحدید و توصیف است با کافه ملحقات و

۱- دومهر بیضی کوچک با سجع: «محمد رضا». ۲- مهری بیضی با سجع: «محمد

رضا». ۳- مهری بیضی بزرگ با سجع: «عبدالراجی محمد رحیم الحسینی».

منضمات شرعیه آن از اراضی دایره و بایره و خشکه کار و شلتوک کار و مجری المیاه قنات دایره و بایره و مجری المیاه رودخانه و آب دنگها و طاحونه و محل قلعه و دهکده بدون وضع و استثناء شیء از آن بقدر الحصة الشایعه و تمامی نیم دانگ مشاع از کل شش دانگ مزرعه موسومه بمزرعه میان آباد من محال بلوک فخر عماد الدین من توابع دار المؤمنین استرabad باکافه متعلقات و منضمات شرعیه آن از اراضی دایره و بایره و مجری المیاه قنات و مجری المیاه رود آب و محل زراعت شلتوک کاری و خشکه کاری بدون وضع و استثناء شیء از اشیاء آن و موازی پنجاه خروار بسنگ استرabad شلتوک رزاز پسند در نزد عالیشان عزت و سعادت توأمان کر بلائی محمد هادی خلف مرحوم کر بلائی محمد ابراهیم استرabadی بموجب قبالة معتبره بمبايعه شرعيه شرطیه جاریه بوده و بلزوم شرعی پیوسته گردیده بملکیت و حقیقت مشارالیه قرار و استقرار یافته بود در این تاریخ عالیشان کر بلائی محمد هادی مرقوم از روی رضا و رغبت تمام مصالحه صحیحیه شرعیه ملیه اسلامیة لازمه نمود باعالیشان عزت و رفعت بنیان سعادت و توفیق - همعنان خیر الحاج و المعتمرین حاجی آقا محمد تاجر ولد صدق افتخار الحاج حاجی قاسم استرabadی بر تمامی و همگی دو نیم دانگ مرقومه موصوفه از دو قریه مزبوران کما و صف و ذکر فی الفوق بدون وضع و استثناء شیء از آن سوای پنجاه خروار شالی مذکور بمال المصلحه مبلغ دو یست و پنجاه تومان وجه از قرار اشرافی ناصر الدین شاهی دانه ۱۸ نخود وزن و یکتومان رواج که بعد از اجرای صیغه شرعیه الی دینار الاخر را از ید عالیشان مصالح له مرقوم اخذ و دریافت نموده و طرفین نیز اسقاط کافه خیارات متصوره سیما باعتبار غبن و لو کسان فاحشاً بل افحش و بالغاً ما بالغ و کسائناً ما کان بای نحو کان را عالماً عامداً عارفاً بالکمیته و کیفیه را کردند و صیغه مصالحه صحیحیه شرعیه ملیه اسلامیة کما قررها الشرع الشریف جاری و واقع گردید و ضامن درک شرعی تمامی مصالح عنه مسطور عالیشان مصالح مزبور گردید در صورتیکه از قبل ایشان کشف

فسادی بشود از عهدهٔ مظاهر فسادہ شرعاً بر آید .

و كان وقوع ذلك تحريرا في تاريخ غرة شرعى شهر ربيع الاول من شهر
يكهزار و دو بیست و هفتاد و پنج من الهجرة النبوية^۱ سنة ۱۲۷۵ .
[جای مهر]^۲

[بر حاشیة بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

توضیح آنکه مصالح مرقوم در متن تمامی منافع و محصول موجودهٔ هذه السنه را مصالحه نمود با عالیشان مصالح له مزبور در متن بمال المصالحه مبلغ سه تومان وجهه از قرار موصوف مأخوذی و اسقاط خیارات در این مصالحه را هبه نمود التاریخ.

بعد الحمد والصلوة مبايعه صحیحہ شرعیہ لازمهٔ جازمهٔ جامعه بر جمیع شرائط و ارکان و خالیه از عموم خلل و بطلان نمود عالیقدر عزت آثار محاسن و محامداطوار فخر الحاج و العمار حاجی آقا محمد ولد ارجمند اشرف الحاج حاجی محمد قاسم استر ابادی تمامت عین مصطلحهٔ مفصله در متن منتقله از معلى منزلت کربلائی هادی مذکور بحاجی معزی الیه مزبور را که عبارت از نصف سدس قریهٔ موسومه بحسین-آباد و نصف سدس از قریهٔ میان آباد بانضمام تمام مضافات مسطوره در متن بحسب لایستثنیٰ منهماشیء بوده بعالیشان رفیعمکان عزت و سعادت نشان زبده الامثال و الاقران ملک عباس خلف مرحوم خلد مکان ملک محمد علی بٹمن معین مبلغ و مقدار دو بیست و شصت و سه عدد اشرفی تومانی هیجده نخودی صحیح الوزن خوش عیار و شرط شد در ضمن مبايعهٔ مزبوره سقوط جمیع خیارات از طرفین سیماخیار الغبن و این مشتری معزی الیه نیز قبول مبايعه بنهج مزبور نمود و روملاً للاحتیاط انتقال مزبور بحسب صلح صحیح شرعی صورت وقوع یافته و شش دانگ قبض و اقباض در بدلین مسطورین صورت تحقق پذیرفت فیوقوع العقد و اخذ النقد خرج المبيع من ملكية البایع و دخل فی ملك المشتري فله التصرف فيه باى وجه شاء و اراد و بعد ذلك در ضمن عقد لازم خارج

۱ - با سیاق عدد ۱۲۷۵ نوشته شده است. ۲ - مهری بیضی نا گرفته و ناخوانا.

واقع بین المتبايعين المزبورين شرط شد نقل حق ضمان در کي که بايـع مزبور عند خروج الغبن المبيعه مستحقه للغير از کربلائی هادی مسطور در متن دارد بسوی مشتری معزی اليه که در صورت استحقاق عينها للغير حقوق ضمانتيه شرعيه خود را مشتری معزی اليه از کربلائی هادی مزبور استيفاء نمایند من دون رجوعه الى الحاج البايـع في كل حال روماً للاحتياط في رجوع المشتري الى كربلائی هادی صلحاً و شرطاً بوجوهات اخرى نیز جاری شد .

وكان ذلك في دوازدهم شهر ربيع الاولی.

بسم الله تعالى

وقع الصلح على نصف سدس قرية حسين آباد ونصف سدس مزرعة میان آباد بتواضعهما و اعترف المصالح باخذ تمام العوض وسقط الخيار من ثم الصلح على محصول العام مع وصول عوضه اليه في ثاني شهر ربيع الاول خمس وسبعين بعد الف ومائتين .

[جای مهر]^۱

قد وضح وصح جميع ما فيه حسب اقراره الثابت بل حسبما سمعته من الحاج المزبور الحاج آقا محمد حتى قبض تمام العوض مشتملاً على جملة من الشروط المرقومه في صك آخر بعد العلم بما جرى بين كربلائی هادی المزبور والحاج المذكور والعلم باصل و فرع اصل الوقایع المسطوره حرره الراجي في ربيع الاول ۱۲۷۶ .

[جای مهر]^۲

هو قد وقع ما ذكر في صدر الصك من وقوع البيع من صيغة الصلح مشتمله على الشروط المسطوره والقبض والاقباض بينهما حسب ما ذكر فيه وكان ذلك في اثني عشر شهر ربيع الاول سنة ۱۲۷۵ . [جای مهر]^۳

[بر حاشیه سمت راست شهود دیگری هستند که اغلب مهر های آنان ناخواناست].

۱- مهری بیضی که درست نگرفته و ناخواناست. ۲- مهری بیضی کوچک با سجع:

« محمد رضا ». ۳- مهری بیضی با سجع: « عبده علي بنقي الديلمي ».

مصالحه نامه مورخ ۱۲۷۶ ه. ق.

در این سند آقا سید ابوالقاسم متولی قریه موقوفه چوپالانی منافع مدت صدسال ازدو دانگ از کل شش دانگ راه مبلغ پنجاه و سه تومان به میرزا محمد وزیر و منافع صدسال از دو دانگ دیگر راه مبلغ یکصد و شش تومان و شش هزار و چهارده شاهی به ملک عباس مصالحه کرده است.

بسم الله خير الاسماء

چون قریه موقوفه موسومۀ بچوپالانی واقع در سمت غربی قریه میرمحله و محدود بحدود اربعه مشخصه در خارج که از جمله املاک موقوفه بر اولاد ذکور اجداد مرحمت مآبان فردوس آرامگاهان آقا میر موسی و آقا میر محمد تقی بوده این زمان مخروبه شده و منفعت خیلی غیر معتد بها از او عمل می آید کالعدم بل معدوم صرف که چیزی عاید موقوف علیهم نمی شد مضافاً الی اینکه انتزاع آن از ید غاصبین در غایت اشکال بوده از برای موقوف علیهم لهذا متولی آن که جناب سلاله السادات مستغنی الاقباب آقا سید ابوالقاسم ابن آقا میر محمد تقی که اکبر اولاد است صلاح موقوفه و بطون آتیه در این دیده و مصالحه صحیحۀ شرعیه نموده منافع مدت یکصدسال از دو دانگ از کل شش دانگ قریه مزبوره را با جمیع متعلقات آن را بسر کار عالیجاه رفیع جایگاه عزت و شوکت و حشمت دستگاه جناب جلالتمآب مقرب الخاقان آقای میرزا محمد وزیر دارالمؤمنین استرآباد دام اجلاله العالی بمال المصالحه مبلغ پنجاه و سه تومان و سه هزار و هفت شاهی وجه نیم قران ناصرالدین شاهی سیزده نخودی و مصالحه نموده منافع صدسال از دو دانگ دیگر همانقریه را با جمیع متعلقات آن از آنچه ملکیت را

سزد و شاید متولی معظم الیه بعالیجاه معلی جایگاه عزت و سعادت همراه ملک عباس^۱ ابن مرحوم ملک محمد علی بمال المصالحه مبلغ یکصد و شش تومان شش هزار و چهارده شاهمی وجه نیمقران ناصر الدین شاهمی سیزده نخودی و شرط در ضمن عقد آنکه این یکصد و شصت تومان را در مرمت و تعمیر شش دانگ قریه از حفر و تنقیه قنوات و حفر خندق و ساختن دروازه ها در مدت سه سال نمایند و اگر مصالح لهما در این مدت تعمیر نمایند معامله منفسخ باشد و شرط دیگر آنکه اگر آباد کردند و بعد بسانحه خراب شد در مقام آبادی بر آیند و تعمیر بروجه مزبوره نمایند در مدت شش سال و اگر تعمیر نمایند در این مدت معامله منفسخ باشد و نیز روماً للاحتیاط جناب مستطاب شامخ الالقاب وحید العصری و فرید الدهری مجتهد الزمانی زیب الحاج وزینت المعتمرین آقائی آقا حاجی شیخ نصر الله دام ظلّه العالی بجهة صرفه و غبطه موقوفه و بطون آتیه و ولایت شرعیه اجرای صیغه مصالحه بنحو المرقوم نموده .

و كان ذلك بتاريخ غرة شهر
شعبان المعظم من شهر سنة ۱۲۷۶ .
[جای مهر]^۲

[بر بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

نعم قداقر و اعترف المعظم اليهم حسبما فيه الى النهاية كما جرى ما جرى فيه بالوكالة عنهم ثانياً احتياطاً مشتملاً على شرط خيار الفسخ المصالح و لمن قام مقامه بدلا عن شرط الانفساخ و نعم ما جرى انشاء الله تعالى في ۱۵ شهر ذی قعدة ۱۲۷۶ .

[جای مهر]^۳

۱- در زیر کلمه ملک عباس مهری بیضی با سجع : «عبدہ الراجی عباس» .

۲- مهری بیضی و ناخوانا . ۳- مهری بیضی کوچک با سجع : «محمد رضا» .

قد اعترف كل من المعظم اليهم بجميع مارقم فيه مع اقتضاء المصلحة المزبوره لدى الجاني. [جای مهر]^۱

بسم الله خير الاسماء

نعم قد انتقلت ثلثی منافع القرية المسطوره فی المدة المعلومه اليهما كما زبر فی الورقه وكان هذالتصرف من المتولی فی محله اولم يكن عادة احياء الوقف معه هذالطريق میسراكتب هذه الکلمات فی يوم اربع عشر من شوال ۱۲۷۶ وانا العبد الآثم. [جای مهر]^۲

قد اعترف كل من المعظم اليهم حسبما زبر ورقم لدى. [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی با سجع: «المتوکل علی الله عبده محمد». ۲- مهری چهار گوشه با سجع: «لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده نصر الله». ۳- مهری بیضی با سجع: «عبده علی الموسوی».

مصالحه نامه چه مورخ ۱۲۷۷ ه. ق.

در این سند استاد علی محمد که مقر خانه و حیاط خود را که شک داشت ملک طلق است یا زمین قبرستان لذا آخوند ملا محمد باقر این اراضی را واگذار کرد به رضاقلی آقا زیادلوی قاجار و رضاقلی آقا مصالحه نمود شش دانگ آن را به استاد علی محمد، بعد محمود آقا ولد محمد حسین آقای زیادلوی قاجار مدعی شد که این زمین به ارث به من منتقل شده است لهذا حصه و رسد خود را به غلامرضا ولد استاد علی محمد به مبلغ دو تومان وجه نیم ریالی سیزده نخودی مصالحه نمود.

غرض از تحریر این کلمات واضح الدلالات آنست که چون مقر خانه و حیاط مرحوم استاد علی محمد سلمانی مشته بود که ملک طلق است یا آنکه قبرستان بوده روماً للاحتیاط جناب مستطاب آقائی مجتهد الزمانی آخوند ملا محمد باقر دام عمره العالی واگذار نمود بمرحوم مغفور رضاقلی آقا زیادلوی قاجار و مرحوم رضاقلی آقا مصالحه نموده بود شش دانگ آن زمین را بمرحوم استاد علی محمد سلمانی و بعد عالیشان معلی مکان محمود آقا ولد مرحوم کربلائی محمد حسین آقای زیادلوی قاجار مدعی گردیده که این زمین در تصرف مرحوم بابا آقا بوده و ملک بابا آقا است و ارث او منتقل بمن شده است و فی الواقع این است که این ملک در تصرف بابا آقا بوده و ارث مرحوم بابا آقا منتقل بمرحوم رضاقلی و محمود آقا شده بود لهذا عالیشان محمود آقا مصالحه نمود جمیع حصه و رسد خود را بعالیقدر غلامرضا ولد مرحوم استاد علی محمد مشارالیه بمال المصالحه دو تومان وجه نیم ریالی سیزده نخودی و حصه و رسدی ... رضاقلی آقا را نیز خود مصالحه نموده بود پس گردید کل شش دانگ آن

زمین مقرخانه و حیاط ملک طلق غلامرضا ولد مرحوم استاد علی محمد تا واضح باشد.

وكان ذلك بتاريخ پانزدهم شهر صفر المظفر من شهر سنة ۱۲۷۷.

[بر حاشیه بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

این سند صحیح است. [جای مهر]^۱

وقع جميع ما زبر فيه من البداية الى النهاية لدى. [جای مهر]^۲

وقع مارقم فيه لدى. [جای مهر]^۳

در مجلس حاضر بودم که مراتب مسطور و واقع شد کربلائی کاظم آقا.

[جای مهر]^۴

اقر بما فيه لدى. [جای مهر]^۵

ذلك لذلك وقع لدى عباسعلی. [جای مهر]^۶

۱۷

مصالحه نامه مورخ ۱۲۷۹ ه. ق.

در این سند آقا محمد صالح همگی حصص شرعیه خود را از کرپان-
فاضل و کرپان سادات به مال المصالحه مبلغ بیست و دو تومان وجه
نیم ریالی سیزده نخودی ناصرالدین شاهى به آخوند ملاعلی اصغر
مصالحه نموده است.

غرض از تحریر این سطور میمنت دستور آنستکه مصالحه صحیحیه شرعیه قطعیه
جزمیه ملیه اسلامیه نمود در حال صحت نفس و ثبات عقل و اختیار بدون شائبه اکراه و

۱- مهری بیضی باسجج: «محمد ابرهیم». ۲- مهری بیضی کوچک باسجج: «یا

احمد». ۳- مهری بیضی باسجج: «زین العابدین». ۴- مهری بیضی باسجج:

«محمد کاظم». ۵- مهری بیضی باسجج: «پیرودین نبی سبحانعلی». ۶- مهری بیضی

باسجج: «عبد عباسعلی».

اجبار عالیجناب معلى القاب سلاله السادات العظام الكرام الفخام آقا محمد صالح الموسوى خلف الصدق مرحمت و غفران پناه رضوان جایگاه آقا محمد حسین شیخ الاسلام طاب ثراه بعالیجناب قدسی انتساب فضایل و کمالات اکتساب آخوند ملاعلی اصغر خلف الصدق مرحوم مغفور مبرور رجنت مکان آخوند ملا مهر علی همگی و تمامی حصص شرعی متصرفی خود را از کرپان فاضل و کرپان سادات واقعه در خارج دروازه مازندران از بابت ارثی ابی از کرپان فاضل سه سهم و ربع از یکسهم و خمس از ربع از یکسهم از شصت سهم از کل شش دانگ از بابت مورثی ابی و امی از کرپان سادات هفت سهم و خمس از یکسهم از بیست سهم از یک دانگ از کل شش دانگ از اراضی عامره و غامره و مراتع و کذا از مجراء رودخانه مشهوره بتول چشمه عن آنچه ملکیت راسزدو شاید و نفع بر آن متصور شود بحیث لایستنی منهاشیء بمال المصالحة مبلغ بیست و دو تومان وجه نیم ریال ۱۳ نخودی ناصر الدین شاهی و قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مزبورین واقع و مصالح تخلیه ید از عین مصطلحه نمود و بتصرف مصطلح داد و اوراست انواع تصرفات مالکانه کتصرف الملاك فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم متی شاء و کیف شاء و شرط شد اسقاط خیارات از طرفین سیما اختیار الغبن و غبن الغبن ولو کان فاحشاً بل افحش و ضمان درک شرعی عند خروجهما مستحقة للغیر عیناً منفعه با مصالح است وصیغه مصالحه حسب شرع مطاع جاری و واقع گردید .

و کان وقوع ذلك دوم شهر رمضان من شهر سنة ۱۲۷۹ .

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

جناب مصالح آقا محمد صالح اقرار و اعتراف بمراتب مسطوره من الصلح مع اسقاط الخيار و اخذ البدل فی ثانی شهر ربیع الاول نمودند حرره ها الاقل فی شهر

ربیع المولود من شهور ۱۲۸۰. [جای مهر]^۱
 اقر المصالح علی الصلح المرقوم فی المتن واخذ البذل بتمامه کما رقم فیہ لدی الآثم.
 [جای مهر]^۲

وقع جمیع مارقم فیہ واعترف باخذ البذل لدی دوم شهر رمضان ۱۲۷۹.
 [جای مهر]^۳

اقرار بمراتب مسطورہ نمود الجانی. [جای مهر]^۴
 آقای مصالح اعتراف بمراتب مسطورہ نمود لدی الاقل الجانی. [جای مهر]^۵
 اعترف بمارقم فیہ لدی الجانی. [جای مهر]^۶
 اقر واعترف بما زبر فیہ لدی. [جای مهر]^۷
 وقع مارقم فیہ لدی الجانی. [جای مهر]^۸
 اعترف مارقم فیہ لدی نمقه الراجی. [جای مهر]^۹
 وقع مارقم فیہ لدی الجانی. [جای مهر]^{۱۰}
 اقر المصالح بجمیع ماسطر فیہ لدی الخاطی فی ثالث عشر شهر شوال ۱۲۸۲.

[جای مهر]^{۱۱}

- ۱- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی محمد حسن الموسوی». ۲- مهری
- چهار گوشه با سجع: «عبدہ الراجی عبدالکریم الحسینی». ۳- مهری بیضی با سجع:
- «عبدہ عبدالحسین الموسوی». ۴- مهری بیضی با سجع: «عبدہ عبدالجواد الموسوی».
- ۵- مهری بیضی با سجع: «یا ابا القاسم ادرکنی». ۶- مهری بیضی با سجع: «الوائق
- بالله الفنی عبدہ حسنعلی الموسوی». ۷- مهری بیضی کوچک با سجع: «محمد رفیع».
- ۸- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی رحیم الحسینی». ۹- مهری بیضی با سجع:
- «عبدہ یحیی الموسوی». ۱۰- مهری بیضی با سجع: «داردامید شفاعت زعمده محسن».
- ۱۱- مهری بیضی بزرگ با سجع: «افوض امری الی الله عبدہ سید محمد الموسوی».

آقای مصالح اقرار و اعتراف بمراتب مسطورہ نموده لدى الاقل الآثم .

[جای مهر]^۱

۱۸

مصالحه نامه مورخ ۱۲۷۹ هـ ق .

در این سند آقا صادق و آقا بزرگ و آقا میر اسماعیل و سایر آقایان شیرنگی مالکین مرزنکلاته همگی و تمامی ادعای خود را از رودخانه و چشمه سار قوچانی و کوچک رودبار که از آقایان سادات درازگیسو داشتند به میرزا ابوالقاسم و آقا میر محمدعلی و آقا میرزا اسماعیل و ملک عباس و ملک آقا حسین به یک دینار پول سیاه و یک من گندم سیاه مصالحه کرده اند .

مصالحه صحیحہ شرعیہ قطعیه لازمه جازمه نمودند عالیجنابان سیادت و نجابت پناهان سلاله الاطیابان آقا صادق و آقا بزرگ و آقا میر اسمعیل و سایر آقایان شیرنگی مالکین مرزنکلاته همگی و تمامی ادعائی که در آب رودخانه و چشمه سار مشهور بقوچانی و کوچک رودبار بقول بعضی آقایان که از آقایان سادات درازگیسو داشتند به سیادت و نجابت پناهان آقا میرزا ابوالقاسم و آقا میر محمدعلی و آقا میرزا اسمعیل و عالیجاهان ملک عباس و ملک آقا حسین بمال المصالحه یکصد دینار پول سیاه بیست عدد یکهازاری و علاوہ یکمن گندم سیاه بوزن بلدہ استرabad و شرط در ضمن مصالحه شد که آنچه آبی که از حد رودبار هستند جدا می شود و از رودخانه و چشمه سار مذکور جاری می شود در هیچ جائی آقایان شیرنگی بندنگیرند مگر در بندی که جاری میشود در ملک چوپلانی زارعین چوپلانی باید آن آب را در ملک چوپلانی زرع کنند نصف

۱- مهری بیضی کوچک با سجع : «عبدالرسول الحسینی».

منفعت با آقايان شیرنگی باشد و نصف منفعت با آقايان درازگیسو باشد و بومحصه سهم آقايان شیرنگی را از این آب آقايان درازگیسو نگیرند وصیغه مصالحه و القبول كماورد فی الشرع الرسول بینهما جاری گردید سنه ۱۲۷۹.

وكان ذلك بتاريخ هيفدهم شهر

ذی القعدة الحرام من شهر سنة ۱۲۷۹.

[بر حواشی این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

قد وقعت الصیغة المصالحة والقبول مع الشرط المسطور ايجاباً منی... [جای مهر]^۱
قد وقعت الصیغة المصالحة والقبول مع الشرط المسطور وانا العبد الجانی.

[جای مهر]^۲

وقعت الصیغة المصالحة والقبول مع الشرط المسطور الآثم. [جای مهر]^۳

مضمون متن واقع شد کربلائی آقا بابا. [جای مهر]^۴

ملك محمد علی چگنی. [جای مهر]^۵

آنچه در متن ورقه ضبط است خلافی ندارد. [جای مهر]^۶

آنچه درین ورقه ثبت است واقع ولاریب فیه [جای مهر]^۷

مضمون متن واقع شد. [جای مهر]^۸

کربلائی فولاد چگنی. [جای مهر]^۹

آنچه مسطور هست در متن واقع شد نزد من. [جای مهر]^{۱۰}

۱- مهری بیضی بزرگ با سجع: «عبد محمد یوسف». ۲- مهری بیضی بزرگ

با سجع: «عبد حسین الحسینی». ۳- مهری بیضی با سجع: «عبد محمد شریف».

۴- مهری چهار گوشه با خط طغرا: «عبد المذنب آقا بابا». ۵- مهری چهار گوشه بزرگ

با سجع: «المتوکل علی الله عبد محمد علی». ۶- مهری بیضی با سجع: «علی اصغر».

۷- مهری بیضی با سجع: «یا عباس علی». ۸- مهر بیضی با سجع: «عبد محمد اسمعیل».

۹- مهری بیضی با سجع: «عبد فولاد علی». ۱۰- مهری چهار گوشه که کلمه «محمد»

بر آن خوانده می شود.

ذلك الكتاب على نسختين. [جای مهر]^۱

وقع مارقم فيه لدى. [جای مهر]^۲

[ویکی دوشهادت دیگر ناخوانا].

۱۹

مصالحه نامچه مورخ ۱۲۸۰ ه. ق.

در این سند کربلائی محمد حسین ولد شریف بیگ یساقی همگی و تمامی کل سهدانگ از جمله شش دانگ يك باب خانه و ساحة ابتیاعی خود را به مال المصالحه مبلغ بیست و چهار تومان نیم ریالی که چهار صد و هشتاد عدد نیم ریال سیزده نخودی است به کربلائی صادق مصالحه کرده است.

غرض از تحریر این ورقه و باعث بر تنمیق این نمیه آنستکه مصالحه صحیحه شرعیه قطعیه جزمیه ملیه اسلامیه نمود ستوده خصلت کربلایی محمد حسین خلف مرحوم شریف بیگ یساقی ساکن قریه محمد آباد بالطوع والرغبه لابلایک راه و اجبار بل بطیب نفس و نهایت رضامندی در حال صحت نفس و ثبات عقل به پسندیده فطرت کربلایی صادق خلف مرحوم زین العابدین سمیع عطار همگی و تمامی کل سهدانگ من جمله شش دانگ از یک باب خانه و ساحة ابتیاعی خود را با جمیع متعلقات شرعیه و عرفیه آن عن آنچه اورا [ملکیت] سزد و شاید و نفع توان برد من القلیل والكثیر والنفیر والقطمیر و واقع است در گذر چهارشنبه و محدود است بحدود اربعه ذیل بمال المصالحه المقبوض فی المجلس المصالحه مبلغ بیست و چهار تومان نیم ریالی که عبارتست از چهار صد و هشتاد عدد نیم ریال

۱- مهری بیضی با سجع: «عبداله راجی صادق الحسینی». ۲- مهری بیضی با

سجع: «مظهر لطف الهی کرم».

سیزده نخودی و اسقاط جمیع خیارات از طرفین شد و قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مذکور تین واقع گردید و مصالح مذکور تخلیه ید از عین مصطلحه مزبوره نموده بتصرف مصطلح داد و مصطلح نیز تصرف مالکانه در آن نمود و او راست انحاء تصرفات در آن کتصرف الملاك فی اموالهم وذوی الحقوق فی حقوقهم و مصالح ضامن درك شرعی گردید که عند خروجها مستحقاً للغير کلاً اوجزء عیناً او منفعة از عهده بر آید وصیغه مصالحه و القبول کما قرر فی الشریعة الرسول صلی الله علیه و آله وسلم سمت جریان پذیرفت و کان ذلك فی الیوم العاشر من شهر جمادی الاولی فی سنة ۱۲۸۰ ثمانین و مائتین بعد الالف من الهجرة النبویة صلی الله علیه و آله وسلم حدودات خانه مزبوره بدین نهج است شرقاً متصل است بدکان مرحوم سیدلطیف مقابل معصومه زاده شاهزاده محسن مشهور بمعصوم زاده چهارشنبه غرباً متصل است بخانه کربلائی غلامرضا خلف مرحوم کربلائی علی محمد جنوباً متصل است بشارع عام شمالاً متصل است بخانه مرحمت مآب آخوند ملا محمد کاظم روضه خوان طاب ثراه یک دوروی بعاریت با ما است.

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد اعترف و اقر علی نفسه کربلائی محمد حسین المزبور بمارقم فی الورقه لدی الاقل
 الاثم فی ۲ جمادی الاخری سنة ۱۲۸۰. [جای مهر]^۱
 اعترف مصالح المزبور بمارقم فیله لدی. [جای مهر]^۲
 قد اقر و اعترف کربلائی محمد حسین المذكور حسب المزبور الی النهایه لدی

۱- مهری بیضی با سجع: «اللهم صل علی محمد و آل محمد». ۲- مهری بیضی که کلمات «عبدہ الرجی علی» بر آن خوانده می شود.

- ۲ جمادی الاخری ۱۲۸۰. [جای مهر]^۱
 وقع جميع مارقم فيه لدى الآثم. [جای مهر]^۲
 قد اقر واعترف بمارقم فيه لدى. [جای مهر]^۳
 هو قد اقر البايع المصالح بجميع ما زبر فيه لدى انا الآثم. [جای دو مهر]^۴
 قد اقر بمارقم فيه العبد. [جای مهر]^۵
 الشهود اقل خلق الله حاجي. [جای مهر]^۶
 قد اعترف بمارقم فيه لدى. [جای مهر]^۷
 الشهود محمد كريم آقا. [جای مهر]^۸

- ۱- مهری بیضی کوچک با سجع : « محمد رضا ». ۲- مهری بیضی با سجع : « عبده
 الراجی علی الموسوی ». ۳- مهری بیضی کوچک با سجع : « یا امام زین العابدین ». ۴- مهری بیضی با سجع : « بود نور چشم محمد حسین » و مهر بیضی کوچک با سجع : « عبده
 نور الله ». ۵- مهری بیضی با سجع : « عبده نجفقلی قاجار ». ۶- مهری چهار گوشه
 با سجع : « محمد علی ». ۷- مهری بیضی با سجع : « یا محمد ». ۸- مهری چهار
 گوشه با سجع : « عبده محمد کریم ».

۴۰

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۸۰ ه. ق.

در این سند نصیر خان کرده محلّه‌ای سه دانگ از شش دانگ مجرای
یک رشته قنات واقع در قریه انگریم آقا جعفری از قرای سدن رستاق را
به مبلغ دوازده تومان وجه نیم ریال ناصرالدین شاهی بیست و شش
نخودی به آقا محمد حسن مفیدی موسوی مصالحه کرده است.

غرض از تحریر این سطور میمنت الدستور آنستکه مصالحه صحیحه شرعیه قطعیه
جزمیه ملیه اسلامیة نمود در حال صحت نفس و ثبات عقل و جواز تصرف و اختیار
بدون شائبه اکراه و اجبار عالیجاه رفیع جایگاه نصیر خان کرده محلّه با عالیجناب مقدس
القاب سلاله السادات العظام الکرام آقا محمد حسن المفیدی الموسوی تمامی سه دانگ
از کل شش دانگ از مجرای یک رشته قنات واقع در انگریم آقا جعفری من قرای سدن رستاق
من بلوکات دار المؤمنین استرآباد صینت عن التفرقه والفساد از پیشته و پیشان و جمیع
متعلقات آن بقدرها مشهوراً بقنات مرحوم صادق آقای قاجار به مال المصالحه مبلغ
دوازده تومان وجه نیم ریال ناصرالدین شاهی ۲۶ نخودی مقبوض و شرط شد در ضمن عقد
مصالحه شرایط مقرره شرطی اینکه جناب مصطلح مسلط باشد در حفر از دم فرع تا منتهای
سامان شرطی اینکه در صورتیکه خرابی روی دهد تاشش تحویل مسلط باشد از جانب
غرب و از طرف شرق تا منتهای سامان و فاصله هر تحویل ده ذرع باشد شرطی اینکه هرگاه
مصطلح مصلحت بداند که پیشان قنات مسطور را پائین تر قرار بدهد از پیشان سابق مختار
باشد شرطی اینکه هرچه اخراجات در قنات مسطور شود نصف با جناب آقا محمد
حسن و نصفی با عالیجاه نصیر خان باشد شرطی اینکه اختیار بسط زراعت با جناب
آقا محمد حسن باشد و بهیچوجه عالیجاه نصیر خان را مداخلیت در امور زراعت نباشد

مگر بعد از عمل آمدن زراعت و موضوعات متعارفه زراعتی نصف مداخل با آقا محمدحسن و نصفی بانصیرخان باشد شرطی اینکه هرگاه سهمی از قنات مستحقه للغير برآید شرعاً عهده آن بانصیرخانست که از نصفه او باید کم شود مدخلیت به آقا محمدحسن ندارد صیغه مصالحه حسب شرع مطاع لازم الاتباع جاری و واقع گردید.

وكان وقوع ذلك في ليلة الاحد ثامن شهر رجب ١٢٨٠.

[برحاشیه بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم الله خير الاسماء

وقع جميع مارقم فيه لدى الاقل في التاريخ المزبور . [جای مهر]^۱

وقع جميع مارقم فيه لدى في التاريخ المزبور . [جای دو مهر]^۲

۱ - مهری بیضی کوچک با سجع : « عبده نصرالله » . ۲ - مهری چهار گوشه

بزرگ با سجع : « الواثق بالله الغنی عبده علی محمد الموسوی » و مهری بیضی کوچک با سجع : « عبده الحسین الموسوی » .

مصالحه نامه چۀ مورخ ۱۲۸۱ ه . ق .

در این سند آقامیر موسی به وکالت مطلق از قبل همسرش گوهر شاد بیگم همگی و تمامی سهم او را از ملیار واقع نزدیک باروی شهر و زمین واقع در بیرون دروازه چهل دختر و خانه واقع در محله میدان و دکان واقع در بازار کهنه مسکونه کر بلائی موسی و دکان واقع در بازار کهنه مسکونه کر بلائی محمد کاظم و دکان واقع در بازار کهنه مسکونه محمد کریم آقا قاجار و حمام کاسه گران و دکان واقع در گذر کاسه گران به مال المصالحه مبلغ بیست و دو تومان به آقا محمد حسن مفیدی موسوی مصالحه کرده است.

غرض از تحریر این کلمات شرعیه الدلالات آنستکه مصالحه صحیحۀ شرعیه نمود عالیجناب سیادت انتساب آقامیر موسی خلف مرحمت مآب خلد آشیان آقا محمد کریم الموسوی حسب الوکالة المطلقة الثانیه عن زوجتها المسماة بگوهر شاد بیگم بنت عالیجناب مقدس القاب سلاله السادات العظام الفخام الکرام آقائی آقا عبدالرحمن المفیدی الموسوی بعالیجناب سلاله السادات العظام آقا محمد حسن المفیدی الموسوی ولد ارحمد عالیجناب مقدس القاب قدوة العلماء الاطیاب و سلاله السادات العظام الفخام الکرام آقا آقا محمد تقی المفیدی سلمه الله همگی و تمامی سهم زوجۀ خود را از املاک مفصله که سهم او در خارج مشخص است تفصیل املاک بدین موجب است :

_____ بابت	_____ بابت	_____ بابت
ملیار واقع در نزدیکی	زمین واقع در بیرون	خانه واقع در محله میدان
باروی شهر	دروازه چهل دختر نزدیک	که مستغنی است از توصیف
یکدانگ از کل شش دانگ	باروی شهر	و بیان
یکدانگ از کل شش دانگ		

بـ	ایضـ	ایضـ
دکان واقع در بازار کهنه	دکان واقع در بازار کهنه	دکان واقع در بازار کهنه
مسکونه کربلائی موسی	مسکونه کربلائی محمد	مسکونه محمد کریم آقا
	کاظم	قاجار

بـ	ایضـ
حمام کاسه گران واقع در	دکان واقع در گذر کاسه
محلۀ میدان	گران مسکونه رحیم

قنصول

بمال المصالحه مبلغ بیست و دو تومان که یازده تومان اشرفی ناصرالدین شاهی هیجده نخود و یازده تومان وجه نیم ریالی ناصرالدین شاهی سیزده نخود و صبیغه مصالحه مزبوره جاری شد و جناب آقا میرموسی قبض تمام مال المصالحه نمود و عالیجناب آقا محمدحسن املاک مذکوره مفصله را از حمام کاسه گران و ملیار و دکان مسطوره و خانه تصرف نمود و بسائر املاک خود ملحق ساخته له التصرف فیها کیف شاء و اسقاط خیارات از طرفین شد لاسیما خیار الغبن و غبن الغبن ولو کان فاحشاً بل افحش.

و کان ذلك بتاريخ بیست هشتم

شهر ربیع الثانی من شهر سنه ۱۲۸۱

[جای دومهر]^۱

[بر بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اقر بما رقم فيه لدى نمقه الجانی. [جای مهر]^۲

۱ - مهری بیضی با سجع: «موسی الموسوی» و مهری بوته حقه شکل با سجع: «گوهر».

۲ - مهری چهار گوشه با سجع: «عبد محمد صالح الموسوی».

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۸۱ ه. ق.

در این سند محمد اسماعیل خان همگی شش سهم از هفت سهم ازد و سهم از بیست و چهار سهم از یکدانگ از کل شش دانگ قریه میان دره و کلامو و حسن آباد را به مال المصالحه مبلغ پنجاه و چهار تومان وجه رایج قضی سلطانی به حاجی میرزا هاشم خان مصالحه نموده است .

نحمد الله قبل كل مقال ونصلی علی النبی وآل

و بعد مصالحه صحیحیه شرعیه اسلامیة اختیاریه رغبتیه مشتمله بر جمیع شرایط و ارکان و عاریه از کافه مفسده و بطلان نمود عالیجاه رفیع جایگاه عمده الاشباه محمد اسمعیل خان خلف الصدق مرحمت و غفران پناه محمد صالح خان کیا کرد محله بعزت و معالی پناه تجارت دستگاه اشرف الحاج و العمار حاجی میرزا هاشم ابن مرحمت مآب آقا میرزا عبدالوهاب دیلمی استرآبادی همگی و تمامی شش سهم از هفت سهم از دو سهم از بیست و چهار سهم از یکدانگ از کل شش دانگ قریه میان دره و کلامو و حسن آباد بانضمام تمام منضمات آن و کافه ملحقات آن از مجری المیاه و مزارع و مراتع و آبدنگ و آسیا و خانه قاهه و ملیارستان و توستان و تلال و جبال و غیرها عن آنچه ملکیه را سزد و شاید قابل انتفاع بردن بوده باشد مماذ کرام لم یذکر بمال المصالحه و بدل آن مبلغ پنجاه و چهار تومان وجه رایج قضی سلطانی بیست و شش نخودی ده عدد یک تومان و شرط شد در ضمن عقد اسقاط خیارات از طرفین خاصه خیارات الغبن ولو کان بمعارض العالیه و پس از وقوع عقد مصالحه تسلیم بدل الصلح از قابل و تخلیه ید از ناقل واقع شد پس قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مزبورین صورت تحقق پذیرفت و ضامن درک عین مصطلحه گردید عالیجاه مصالح که عند خروج عین المصطلحه کلاً او بعضاً عیناً او

منفعة^۱ للغير ازعهده بر آید وصیغه مصالحة مزبوره كما قرر فی شرع الرسول صلی الله علیه وآله مشتملة علی الايجاب والقبول سمت جریان پذیرفت بالخیر والبرکات.

وكان ذلك هشتم شهر شعبان المعظم من شهور سنة ۱۲۸۱ .

[بر حاشیه سمت راست و بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد اعترف عالیه الجاه مصالح بالصلح واخذ البذل وغيرهما حسب المسطور لدى قد حرره

فی شهر رمضان للردها عن البیان من شهور ۱۲۸۱ . [جای مهر]^۲

ما هو المسطور حسب المزبور من البذل والى الختم قد جرى نمقه الجانی .

[جای مهر]^۳

قد اعترف واقر العالیجاه بما زیر ورقم فیله لدى واقر باخذ البذل ایضاً حررته بیدی.

[جای مهر]^۴

قد وقع جمیع مارقم فیله لدى واعترف باخذ البذل . [جای مهر]^۵

هو

وقعت المصالحة المرقومة المسطورة فی المتن واخذ البذل المزبور بتمامه لدى الآثم

الفانی . [جای مهر]^۶

۱- مهري بیضی با سجع: «عبدہ الراجی محمد حسن الموسوی». ۲- مهري بیضی

با سجع: «عبدہ علینقی الدیلمی». ۳- مهري بیضی با سجع: «عبدہ محمد صادق العقیلی».

۴- مهري بیضی با سجع: «عبدہ عبدالحسین الموسوی». ۵- مهري چهار گوشه با

سجع: «عبدہ الراجی عبدالکریم الحسینی».

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۸۶ هـ . ق .

در این سند آخوند ملاعباسعلی همگی و تمامی کلشش دانگ از یک باب خانه واقع در گذر میخچه گران به بدل صلح مبلغ چهل تومان وجه ریال فضا ریواجی ۴۶ نخودی سلطانی به زوجة دائمة خود سکینه خانم مصالحه کرده است.

الحمد لله الذي احل الصلح و البيع و الشرى

و حرم الغصب و السرقة و الربوا

و صلى الله على خير خلقه محمد و آله خير الوری

غرض از تحریر اینکلمات شرعیة الدلالات و تسطیر اینستور و اوضحة الیانات آنستکه مصالحه صحیحه صریحه قطعیة لازمة جازمة شرعیة ملیة اسلامیة نمود در حالت تحقق كافة شروط صحت و لزوم عالیجناب فضایل مآب قدسی انتساب زبدة العلماء الاطیاب حقایق و معارف آداب آقائی آخوند ملاعباسعلی خلف الصدق مرحمتآب غفران نصاب فردوس ایاب آخوند ملاعلی اکبر الملقب بجناب غفر الله ذنوبه به زوجة دائمة خود و هوی عفت پناه خدات دستگاه کر بلائیه سکینه خانم بنت مرحوم مبرور مغفور حاجی محمدقلی همگی و تمامی کل شش دانگ از یک باب خانه و ساحة سفالپوش معمولی واقعه در گذر میخچه گران را که مسکونه مشارالیه است و متصل است جنوبی آن بشارع خاص و شمالی آن بخانه عالیجاه محمد آقاخلف مرحوم هاشم آقا و شرقی آن بخانه ایتبای عالیجاه علیخان آقا قاجار دولو و غربی آن بخانه والده مرحمتآب آخوند ملا محمد جعفر برادر مصالح معظم الیه مع جمیع مایتعلق بهامن البیوت التحتانیة و الفوقانیة و الابواب

والاخشاب والاحجار و الاطواب والاولاد والاشجار والحياض والانهار وغير ذلك
ذكرام لم يذكروا اسمي ام لم يسم از آنچه ملكيت را سزد و شايد وانتفاع از آن توان برد
من تخوم الارض الى عنان السماء ببدل الصلح المعين المشخص المقبوض مبلغ چهل تومان
وجه ريال قضى رواجى ۲۶ نخودى سلطانى وقبض واقباض وتسليم وتسلم درهريك
از بدلين مزبورين فيما بينهما واقع ومتحقق شد و در ضمن عقد مصالحه شرط سقوط
خيارات باسرها شد از خيار غبن وغبن الغبن ولو كان فاحشاً بل افحش پس گرديد تمامت عين
مصالح عليها ملك طلق شرعى مصطلحة مسطورة واورا است انحاء وانواع تصرفات
مالكانه در آن كنصرف الملاك فى املاكهم وذوى الحقوق فى حقوقهم حيث شاءت ومتى
شاءت وكيف شاءت وصيغة مصالحه ايجاباً وقبولاً وعربياً وفارسياً فيما بين وكيلى
شفاهى طرفين سمت جريان پذيرفت بتاريخ بيست و ششم شهر شوال المكرم ۱۲۸۶ و
ضمان درك شرعى آن بر عهده جناب مصالح معظم اليه است كه عند خروجه مستحقة
للغير كلاً او بعضاً عيناً او منفعة از عهده بدل و خسارات وغرامات وارده بر آيند .
وقد وقع ذلك فى التاريخ المحرر
شرطاً فى ضمن العقد وان كان مستغنياً عنه .

[جای مهر]^۱

[بر حاشیة بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اعترف بمارقم فيه لدى الاقل . [جای مهر]^۲

قد وقع مارقم فيه لدى حرره . [جای مهر]^۳

اعترف بمارقم وزبرفيه عند اقل الطلبة . [جای مهر]^۴

اقر واعترف المصالح معظم اليهما بمارقم فيه لدى الآثم محمد جواد .

۱- مهرى بيضى باسجج: «عبدالله الفنى سعدالله» . ۲- مهرى چهار گوشه و ناخوانا .

۳- مهرى بيضى با سجع: «عبدالله براتعلى بن ...» . ۴- مهرى بيضى كوچك با سجع: «عبدالله محمدعلى» .

وقع ماسطرفیه من الصلح البتی واعترف الجناب المصالح المعظم الیه بقبض تمام البدل
والامر فی سقوط الخيارات و ضمان الدرك كما زبر فی المتن حرره الاقل فی ۱۶ ذیقعدة
الحرام ۱۲۸۶ . [جای مهر]

۲۴

مصالحه نامه چة مورخ ۱۲۶۸ ه . ق .

در این سند ورثه حاجی مرتضی قلی آقای زیادلوی قاجار همگی و
تمامی يك سهم از هفت سهم از کل شش دانگ از يك باب خانه مشاعی
محمدخان واقعه در محله نعل بندان را به مال المصالحه مبلغ بیست تومان
وجه نیم ریالی ناصرالدین شاهی به میرزا محمد آقا صلح کرده اند .

غرض از تنمیق این ورقه صدق ترجمه آنستکه مصالحه صحیحه شرعیة قطعیه نمودند
مستجماً بجمیع شرائط الصلح المقرر فی الشرع جمیع ورثه مرحوم غفران ایاب
حاجی مرتضی قلی آقای زیادلوی قاجار که عالیشان عمدة الاعیان علی اکبر و دو همشیره
او که عفت پناه بدره نساء خانم و مریم خانم بوده باشند بحسب شرع بعالیشان میرزا
محمد آقا خلف مرحوم خلد آشیان ملا حسین قلی آقا همگی و تمامی يك سهم از هفت
سهم از کل شش دانگ از یک باب خانه مشاعی محمدخان آقائی را که واقعه در محله
نعل بندان در گذر باغشاه است و محدود بحدود اربعه فی الهامش است مع جمیع مایهات
بها رامن الممر و المدخل و الانهار و الاشجار و الاحجار و الاخشاب و الحیاض و الجدران و
سما احاط بها بجدرانها و از آنچه ملکیت را سزد و شاید و نفع از آن توان برد من القلیل
والکثیر سواء سمی اولم یسم و ذکر اولم ینکر بمال المصالحه مبلغ بیست تومان
وجه نیم ریالی ناصرالدین شاهی سیزده نخودی که نصفه بیاناً و توضیحاً ده تومان

۱- مهری چهار گوشه کوچک با سجع: «یا صالح المؤمنین».

موصوف بوده باشد و قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدل المصالحه واقع گردید و اسقاط جمیع خیارات از طرفین نمودند سیمایار الغبن و غبن الغبن آنرا ولو کان فاحشاً بل افحش و مصالحون مزبورون تخلیه ید از عین مصطلحه نمودند و بتصرف مصطلح مشارالیه بدادند و اوهم نیز تصرف مالکانه در آن نموده و بسایر رقبات خود ملحق و ملصق گردانیده و اوراست انواع تصرفات مالکانه در ان بای نحو شده و ضمان درك عین مصطلحه گردیدند مصالحون مزبورون که عند خروجها کلاً او بعضاً او عیناً ام منفعتاً مستحق للغير بر آید از عهده بر آیند و صیغه مصالحه بنحو مزبور بالعربیه و الفارسیه واقع و جاری گردید.

وكان ذلك في دهم شهر ذي قعدة الحرام في سنة ١٢٨٦.

[بر حاشیه سمت راست حدود خانه چنین آمده است:]

دود

شرقاً متصل است بقبرستان غربیاً متصل است بخانه مشهدی عباس زیارتی شمالیاً متصل بعضی بخانه نورعلی آقا و بعضی بخانه شفیع غلام جنوبیاً متصل است بباغچه محمد خان آقائی.

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر است:]

قد اعترف واقر بمافیه کما فیه لدی الجانی ١٢٨٦. [جای مهر]^۱

قد وقع جمیع مارقم فیه من المصالحة علی الکيفية المزبوره لدی الجانی.

[جای مهر]^۲

اعتر [ف] بمافیه کما فیه لدی. [جای مهر]^۳

۱ - مهری بیضی باسج: «عبدہ محمد صادق العقیلی». ۲ - مهری چهار گوشه

باسج: «صراط علی الحق نمسکه». ۳ - مهری بیضی کوچک باسج: «یا خلیل».

اقربمارقم فیه لدی. [جای مهر]^۱

اقربمارقم فیه لدی. [جای مهر]^۲

۲۵

مصالحه نامچه مورخ ۱۲۸۸ ه. ق.

در این سند کربلائی شیرخان شمس آبادی تمامت حقوق و دعاوی محققه و محتمله خود را در باب غرامت قنات محفوره به آقایان آقاسید ابوالقاسم و آقا میر محمدعلی و آقا میر اسمعیل و حاجی آقا علی به مال المصالحه مبلغ چهارده تومان وجه نقد فاضی رایج مصالحه کرده است.

لایحقی آنکه چون کربلائی شیرخان شمس آبادی باذن یکنفر از آقایان سادات عظام مالکین قریه چوپلانی یکرشته قناتی در ملک آنقریه حفر نموده بود بی اذن و رضای آقایان دیگر از مالکین سابقاً و لاحقاً و نقدی مخارج حفر نموده بود تا که در این ازمنه آقایانی که راضی نبودند در مقام اصرار بر منع و مزاحمت بلیغ مشارالیه از تصرفات در آن قنات برآمدند و او خود را ممنوع دانست ولی بقاعده المغرور یرجع علی من غره خواست در غرامت وارده رجوع کند به آقائی که اذن او منشاء غرور شده بود و بعضی از مؤمنین در مقام اصلاح برآمدند لهذا بعد از رضایت مصالحه نمود کربلائی شیرخان مزبور تمامت حقوق و دعاوی محققه و محتمله خود را در باب غرامت قنات محفوره به آقایان عظام و سادات و الامقام آقاسید ابوالقاسم و آقامیر محمدعلی و آقامیر اسمعیل و خیرالحاج حاجی آقا علی به مال المصالحه مبلغ

۱ - مهری بیضی باسجع: «عبد غلام رضا ۱۲۸۶». ۲ - مهری بیضی که درست نگرفته و ناخواناست.

چهارده تومان وجه نقد فضی رایج که شش تومان را آقایان بدهند و هشت تومان را حاجی بدهد و اقباض و قبض تمام مال المصالحه صورت وقوع گرفت و دعوای غرامت بر آقای اذن دهنده ساقط گردید .

تحریرا فی چهارم ربیع الاول ۱۲۸۸ .

[بر حاشیة بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع مارقم فيه لدى الجاني . [جای مهر]^۱

قد وقع مازبر فيه لدى الآثم . [جای مهر]^۲

مصالحة مزبوره واقع شد و بدل هم و اصل شد فی التاريخ . [جای مهر]^۳

واقع شد بارعايت غبطه و قبض بدل صورت تحقق یافت فی التاريخ .

[جای دومهر]^۴

۱- مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبدہ الراجی حسین» . ۲- مهری بیضی بزرگ

باسجع : «عبدہ الراجی علی اصغر ۱۲۶۴» . ۳- مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبدہ

الراجی محمد حسین» . ۴- مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبدہ طاهر الحسینی» و مهری

بیضی کوچکتر باسجع : «عبدہ نصر الله ۱۲۸۰» .

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۸۷ ه. ق.

در این سند برای رفع اختلاف و قفیت و ملکیت قریه چوپلانی سه دانگ و یک ربع دانگ از قریه مذکور که در چهار دانگ سادات دراز گیسو است به سادات و دودانگ و سه ربع از آن قریه از جانب سادات به حاجی علی آقا صلح شد.

مخفی نماند که چون قرونی بود که در وقفیت و ملکیت قریه چپلانی واقع در جنب میر محله در میانه سادات حسینی دراز گیسو و حضرات خوانین اولاد عباس خان بیگلربیگی و آباء و اجداد ایشان منازعه و مشاجره بود و اطراف نزاع احکام مطاعه شرعی متضاده و متناقضه در دست داشتند و علما در ترجیح وارد و مورد و ناسخ و منسوخ و اعتبار و عدم آنها اختلاف عظیم نموده بودند و اولاد مرحوم بیگلربیگی چهار دانگ از آنقریه را بنواب والا شاعرزاده نظام العلماء عبدالله میرزا زید عزه و خیر الحاج حاجی آقا علی استرابادی من سکان ساری منتقل نموده بودند حال احدا اطراف نزاع ایشان نمودند و علاوه بنواب والا خط و کالت معتبر از ورثه بیگلربیگی بر صلح در دست داشت لهذا حسب الملاحظه غبطه و مصالحت دروقف باذن موقوف علیهم و باذن متولی واقفین و باذن و اجازة من له الولاية شرعاً با ملاحظه مصالحت بطون آتیه و بعد از توکیل بنواب والا و خیر الحاج مزبور صلح شد سه دانگ و یک ربع دانگ از قریه مزبوره که از چهار دانگ حضرات است سادات و دودانگ و سه ربع ذلک از آنقریه از جانب سادات صلح شده بنواب والا و خیر الحاج حاجی آقا علی و بصیغتين صلح صحیح لازم از هر طرفی با شرط صلح و نقل طرف دیگر و شرط عدم ادعای سنوات و مطالبه آن و شرط در عهده بودن سنوات و غرامات وارده بر سادات در اوقات

مطالبه خوانین و ورثه که متحمل سنوات و غرامات مشارالیهما بشوند و ایشان دونفر از عهده بر آیند و ایضاً خیارات و خیار الغبن ولو کان فاحشاً و تمامت دعاوی از اطراف نزاع اسقاط شد بعدها احدی اطراف نزاع را بردیگری حرفی و نزاعی نخواهد بود و دعاوی طرفین از درجه اعتبار ساقط است.

هكذا وقع الصلح للآزم فی الحادی عشر
من شهر جمادی الاولی سنة ۱۲۸۷ .

[بر حاشیه بالای سند مطالب زیر است:]

نواب والا عبدالله میرزا و حاجی آقا علی اصالة و وكالة از قرار مزبور در متن و هامش مصالحه نمودند و وكالة خط معتبر که مشتمل بر خط و مهر علمای ساری بود نیز در دست داشتند و احتیاطاً از حاکم و وكالة از جانب سادات و وكالة و ولایة از متولی واقفی و حکومتی صحه شرعی لازمه صلح جاریه شده .

حررته بیمنای القاصره فی رجب ۱۲۸۸ .

[جای مهر]

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۸۸ ه. ق .

در این سند آمنه خاتون چهارسهم از چهارده سهم از کل شش دانگ از هر يك از دو باب دكان نمد مالی متصل بیکدیگر و يك باب دكان صباغی متصل به کارخانه آن در راسته بازار کهنه را به مبلغ پنجاه و پنج تومان وجه نقد فاضی رایج به آقا محمد حسن مصالحه نموده است .

سبب از ارتسام این ارقام شرعیت انتظام آنستکه عفت و عصمت پناه طهارت و خدات دستگاه آمنه خاتون دختر مرحوم کربلایی سلطان زوجه بوده مغفور مبرور آقا محمد زکی مصالحه صحیحه شرعیه جامعه بر جمیع شرایط و ارکان و خالیه از عموم خلل و بطلان نمود بجناب مستطاب سیادت انتساب سلاله السادات الاطیاب آقائی آقا محمد حسن ولد ارجمند جناب آقائی آقای بزرگوار آقا محمد تقی الموسوی المفیدی همگی و تمامی چهارسهم از چهارده سهم از کل شش دانگ از هر يك از دو باب دكان نمد مالی متصل بیکدیگر و از یک باب دكان صباغی متصل بکارخانه متصل به آن دو باب دكان نمد مالی که وقوع دارند تمامت دکانین ثلثه در راسته بازار کهنه در جنب مدرسه مفیدیه بمال مصالحه مبلغ پنجاه و پنج تومان وجه نقد فاضی رایج خزانه عامره سلطانی ریال بیست شش نخودی و شرط گردید سقوط و اسقاط کافه خیارات از طرفین سیما خیار الغبن والغبن فی الغبن ولو کان فاحشاً بل افحش ولو بمدارج العالیه و جناب آقای معزی الیه قبول مصالحه نمود و بعد ذلك مصالحه مزبوره تخلیه ید از تمامت اعیان مصطلحه نموده بقبض آقای معظم [الیه] داده و ایشان نیز قبض و تصرف نموده بسایر رقبات خود ضم

نمودند و تسلیم و تسلیم در بدل مزبور نیز صورت تحقیق گرفت و ضمانت درك شرعی اعیان و منافع آنها بر عهده مصالحه مزبوره است که عند خروجهام مستحقه للغير از عهده بر آید.

و كان ذلك في ششم شهر

شعبان المعظم من شهر سنة ۱۲۸۸.

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر است:]

اعترفت بما فيه لدى الاقل في شهر شعبان ۱۲۸۸. [جای مهر]^۱

قد وقع مارقم فيه اجمع واعترف باخذ البديل لدى الجاني. [جای دومهر]^۲

قد اقرت واعترفت بما هو المسطور فيه لدى. [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی کوچک باسجع: «عیده نصرالله ۱۲۸۰». ۲- مهری بیضی باسجع:

«عیده الراجی حسن ۱۲۸۰» و مهری چهار گوشه باسجع: «عبدالرحیم بن محمد مهدی».

۳- مهری بیضی باسجع: «عیده الراجی محمد علی».

مصالحه نامچه مورخ ۱۳۸۹ ه. ق.

در این سند میرزا علینقی خان سرتیپ موسوی فندرسکی سه دانگ از کل شش دانگ از محل و مجرای نهر آب چشمه مشهور به آب معصومزاده نورالدین و سه دانگ از محل و مجرای چشمه چگل را به پسران خود و سه دانگ دیگر از آن دورشته را به زارعین به مال المصالحه مبلغ يك تومان وجه رایج ناصرالدین شاهی مصالحه کرده است.

غرض از تحریر این سطور شرعیه المبدء و الاختتام آنستکه حاضر گردیدند در حال صحت جسم و ثبات عقل و وفور شعور و در سعادتمند سرکار عظمت مدار عالیجاه رفیع - جایگاه عمده الخوانین سلاله السادات و الاطیاب الکرام مقرب الخاقان میرزا علینقی خان سرتیپ الموسوی الفندرسکی و مصالحه شرعیه اسلامی نمودند همگی و تمامی محل و مجری سه دانگ از کل شش دانگ رشته نهر آب چشمه مشهور به آب معصومزاده نورالدین علیه السلام و سه دانگ از محل و مجری آب چشمه چگل که مشهور برودخانه چگل است به ولدان خود عالیجاه میرزا سعدالله خان و میرزا فتح الله خان و میرزا علیرضاخان و توفیق آثار کربلائی میرزا غلامرضا و محل و مجری سه دانگ از آن دو رشته را نیز مصالحه صحیحه شرعیه نمودند بزارعین مفصله ذیل از قرار سیاه و تفصیل : امیر و ابراهیم - عبدالله و صفر - قاسم و غلام - مهدقلی و سلیمان - حاجی و حسن - یوسف و حسینعلی - غلامرضا و غلامعلی - غلام و غلامحسین - ملاحسین و ملک اسمعیل - ندر سلطان عباس - اسمعیل الله یار ، بمال المصالحه مبلغ یکتومان وجه رایج المعامله ناصرالدین شاهی و شرط ضمن العقد آنکه آنچه اخراجات که در تعمیر این دورشته نهر آب لازم باشد از حال و استقبال بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل برعهده و

ذمه زارعین مذکورین باشد وزرع شش دانگ را نیز زارعین مزبور نمایند و سه دانگ از دورشته نهر و آب مزبورین مع ملحقات و منسوبات آنچه ملکیت [را] شاید و سزد و حریم آنها ملک طلق عالیجاه میرزا اسمعده الله خان و میرزا فتح الله خان و میرزا علیرضا خان و توفیق آثار کربلائی میرزا غلامرضا بالسویه و بلا تفاوت و سه دانگ از دورشته مزبوره فوق مع ملحقات و منسوبات و حریم آنها ملک طلق زارعین متن [می باشد] واحدی را غیر اینها حق و نصیبی نیست و عالیجاه مصالح مزبور تخلیه ید خود را نموده بتصرف معظمین مزبورین بداد و ایشان نیز متصرف شدند و بسایر املاک خود منضم ساخته اند که تصرف املاک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقو قهم و قبض و اقباض و تسلیم و [تسلم] بعمل آمده و صیغه مصالحه کماهی المقررة فی الشریعه سمت جریان پذیرفت .
و کان ذلك بتاريخ شهر صفر المظفر سنة ۱۲۸۹ .

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

مراتب مسطوره فی المتن و هاشم آن واقعست و خلاقی ندارد العبد الاقل .

[جای مهر]^۲

۴۹

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۳۸۹ ه. ق.

در این سند محمدولی حقوق خود را از قریه‌ی اتر اچال به مال المصالحه مبلغ سی تومان ریال ناصرالدین شاهی بیست و شش نخودی به محمد باقر آقا صلح کرده است.

هوالمالك

مصالحه صحیحه شرعیه نمودم آنچه حقوقی که داشتم در قریه‌ی اتر اچال من بلوک استر اباد رستاق از سهم مرحوم مغفور نظر علیخان ولد مرحوم عالیجاه مصطفی خان کیا کرد - محله‌ی ازدودانگ از کل شش دانگ من الرطب والیابس از ممرو مجری و مرتع و از قنایه جدید الحفر خودم که سال سابق در جنب قنایه قدیمی حفر نمودم و قنایه جدید الحفر عالیجاه علیرضاخان که از قرار چهار دانگ دو دانگ با و داده ام حفر نموده و سایر منضمات و ملحقات شرعیه و عرفیه آنرا بعالیشان عزت نشان محمد باقر آقا ولد مرحوم حاجی محمد حسن آقا قاجار بمال المصالحه المعین المقبوض مبلغ سی تومان ریال ناصرالدین شاهی ۲۶ نخودی با شرط اسقاط خیارات از طرفین سیما الغبن و غبن الغبن و لو کان فاحشاً بل افحش وصیغه‌ی مصالحه جاری شده و للمصطلح التصرف فیهما کیف شاء تفصیل تقسیم این دودانگ در بین ورثه‌ی مرحوم مصطفی خان اینست که بر چهارده سهم منقسم میشود

_____ ایت	_____ ایت	_____ ایت
مرحوم حاجی مصطفی خان	آقا حسن مرحوم	رضا قلیخان مرحوم
پنج سهم	دو سهم	سه سهم

۱- زیر کلمه نمودم مهری بیضی است باسجع: «محمدولی».

بیت _____ بیت

مرحوم نظر علیخان متعلق به بنده شیرخان شریک

سه سهم یک سهم

یکسهم شیرخان سدس آن مال مرحوم نظر علیخان و مرحوم رضا قلیخان است بالمناصفه و سه سهم رضا قلیخان بر هیجده سهم منقسم میشود یکسهم از هیجده سهم مال مرحوم نظر علیخان است که متعلق به بنده است این تقسیم بر وفق حق است شبهه در آن نیست.

فی تاریخ هفتم شهر شوال المکرم فیسنه ۱۲۸۹ .

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه این سند عبارات زیر است:]

قد اقر بجیع مارقم فیه کمارقم لدی الاحقر. [جای مهر]^۲

قد وقع مافیه لدی. [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی کوچک با نام «محمودلی». ۲- مهری بیضی با سجع: «عبداله راجی

نظر علی». ۳- مهری چهار گوشه کوچک با سجع: «عبداله علی رضا».

۳۰

مصالحة نامچه مورخ ۱۲۹۰ هـ . ق .

در این سند ماه بی بی خانم دختر جعفر قلی خان قاجار يك دانگ و
خمس دانگ مشاع از کل شش دانگ از يك باب خانه واقع در
محلۀ سر پیر استر اباد را به مبلغ ده تومان ریال فضی رواج سلطانی
به برادرش کر بلائی رحیم خان مصالحه کرده است .

باعث برترقیم و تسطیر این ورقه صدق ترجمه آنستکه مصالحه صحیحۀ شرعیۀ قطعیه
لازمۀ جازمه نمود بالطورع والرغبه والاختیار لبالعنف والکراهه والاجبار عفت و
عصمت پناه خدات و طهارت دستگاه ماه بی بی خانم صبیۀ مرحمت و مغفرت پناه خلد .
آشیان جعفر قلی خان قاجار برادر ارجمند والامقام خود وهو عالیجاه عزت وسعادت .
همراه خیر الزائرین کر بلائی رحیم خان همگی و تمامی یکدانگ و خمس دانگ مشاع
از کل شش دانگ از یک باب خانۀ موروثی ابی خود را با جمیع توابع و لواحق شرعیه و
عرفیه آن از بیوتات و اشجار و انهار و احجار و اخشاب و اوتاد و حیاض و دروب و ممرو
مدخل و کلما ما یتعلق بها من القلیل والکثیر من تخوم الارض الی عنان السماء که واقع
است خانۀ مرقومه در محلۀ سر پیر من محلات استر اباد محدود بحدوداربعه بیدل المصالحه
مبلغ معین مشخص معلوم القدر والوصف ده تومان نقد وجه ریال فضی رواج سلطانی
مع شرط سقوط الخيارات من الموجبة والقابل لاسیما خيار الغبن ولو کان بمذارج العالیة و
قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین واقع شد و مصطلح مرقوم عین مصطلحه را
تصرف نموده بسایر رقبات خود ملحق گردانید و ضمان درک عین مصطلحه عند خروجه
مستحقاً للغير کلاً او بعضاً عیناً او منفعة بر عهده مشارالیهها است که از عهده بر آید و

صیغه مصالحه صحیحه شرعیه بقانون شرع انور بالعربی و الفارسی سمت وقوع و تحقق پذیرفت .

وكان ذلك في غرة شهر رجب المرجب ١٢٩٠ .

[برحاشیه سمت راست و بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد اقرت واعترفت على حسب مرقم فيه لدى الاحقر . [جای مهر]^۱

اقر بما فيه لدى . [جای مهر]^۲

اقر بما فيه لدى . [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی با سجع: «عبدہ نصر اللہ». ۲- مهری بیضی بز رنگ با سجع: «جعفر علی بن رضا قلی». ۳- مهری بیضی با سجع: «عبدہ علی». پهلوی این مهر پنج مهر دیگر باین ترتیب است: مهری چهار گوشه با سجع: «یا شاه نجف»، دو مهر بیضی با سجع: «عبدہ الراجی خانلر»، مهری بیضی با سجع: «عبدہ فتحعلی»، و مهری چهار گوشه با نام «کاظم».

مصالحه نامه چۀ مورخ ۱۲۹۰ ه. ق.

در این سند طاووس خانم يك دانگ از دو دانگ از کل شش دانگ گرجی محله تیر کار معروف به قاسم آباد و تمام پنج سهم و نیم از یازده سهم از بیست سهم از دو دانگ و ثمن علاوه از کل شش دانگ از انگرم میرجعفری و انگرم آقا جعفری و انگرم محمد زکی را به مبلغ نود تومان وجه نقد ریالی معروف به بیست و شش نخودی به لطفعلی خان سرهنگ یانسی هزار جریبی مصالحه کرده است.

سبب از ارتسام این ارقام شرعیت انتظام آنستکه صبیۀ مرضیۀ عالیجاه عزت همراه خلیل خان عفت و عصمت پناه علیا مخدره طاووس خانم زوجه دائمة فعلیۀ خیر الزائرین عالیجاه کربلائی آقا علیجان مصالحه صریحه شرعیۀ مشتمله بجمیع شرایط و ارکان و خالیه از عموم خلل و بطلان نمود بعالیجاه رفیع جایگاه نتیجه الخوانین مقرب الخاقان لطفعلی خان سرهنگ یانسی هزار جریبی تمامت یکدانگ کامل از دودانگ از کل شش دانگ از گرجی محله تیر کار معروفه بقاسم آباد بانضمام تمامی پنج سهم و نیم از یازده سهم از بیست سهم از دودانگ و ثمنی علاوه از کل شش دانگ از انگرم میرجعفری و انگرم آقا جعفری و انگرم محمد زکی را با توابع شرعیه و منضمات عرفیۀ هریک از مزارع و مراتع و تلال و جبال و عیون و انهار و چشمه سارها و مجری المیاء و حقا به رودخانه و توستان و ملیارستان و جنگلستان و محل خانقاهیه و انگرم دره و غیرها بمال المصالحه نود تومان وجه نقد ریالی رایج خزانه عامره معروف به بیست و شش نخودی و شرط گردید سقوط و اسقاط کافۀ خیارات از طرفین سیماخیار الغبن و غبن الغبن و لو کان فاحشاً بل افحش و لو بمدارج العالیه و عالیجاه مقرب الخاقان سرهنگ نیز

قبول صلح بر نهج مزبور نمودند غب ذلك قبض و اقباض در بدلین مرقومین صورت تحقق و وقوع گرفت پس بوقوع واخذ نقد و تقابض عوضین گردید اعیان مصطلحه و توابع آنها ملک طلق عالیجاه معظم و مراوراست انحاء تصرفات شرعیه و عرفیه متی شاء و کیف شاء بالخیر والبرکات وحسب شرط لازم در ضمن عقد خارج واقع ضمانت شرعیه اعیان مصطلحه و توابع آنها بر عهده عالیجاه کربلائی آقا علیجان شوهر مصالحه مکرمه است که عند خروجها مستحقة للغير کلاً اوبعضاً عیناً ام منفعة از عهده غرامات وارده بر آید .

و کان بتاریخ بیست و ششم ذی القعدة ۱۲۹۰ .

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

کربلائی علی جان اقرار بضمان مسطور نموده است و جناب آخوند ملا علی اصغر و آخوند ملا ابوالقاسم و سعد الله خان اخبار بمراتب مسطوره از قبل مشارالیهان نموده اند و ایضاً عالیجاه اسماعیل خان اخبار نموده است حررته فی اربع الاول ۱۲۹۲ .

۱ [جای مهر]

کربلائی آقا علی جان اقرار و اعتراف بضمان درك نموده و انا الآثم .

۲ [جای مهر]

واضح بوده باشد که عالیجاه کربلائی آقا علی جان اقرار و اعتراف نمود بضمانت شرعیه اعیان مصطلحه و توابع آنها لدى الآثم . [جای دوم مهر]

هو

جناب کربلائی آقا علیجان اعتراف بضمانت بر نهج مسطور در ورقه نمود فی یوم ۱۳ ذیحجه ۱۲۹۰ . [جای مهر]

- ۱- مهری بیضی با سجع : « عبده محمد صادق العقیلی » .
- ۲- مهری بیضی کوچک
- ۳- مهری بیضی کوچک با سجع : « عبدالرسول الحسینی » و
- ۴- مهری بیضی بزرگتر با سجع : « غلامعلی ۱۲۸۳ » .
- « عبده الراجی سید محمد الموسوی » .

وقع الصلح واخذ البذل واسقاط الخيارات والضمان لدى الجاني. [جای مهر]^۱
قد وقع جميع مارقم فيه لدى الآثم في التاريخ. [جای دومهر]^۲

۴۲

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۹۱ ه. ق.

در این سند ملک جهان خانم حصه سهمی ارثی ابی خود را از انگرّم-
آقا جعفری و انگرّم میر جعفری و انگرّم محمدزکی یک ربع از یکدانگ
از هر یک به مال المصالحه مبلغ پنج تومان وجه نقد ریالی رواجی
بیست و شش نخودی به لطفعلی خان سرهنگ یانسی مصالحه نموده
است.

محصل این مختصر نمیه آنست که صبیّه مرضیه مرحوم نصیر خان عفت و عصمت پناه
ملک جهان خانم زوجه دائمه عالی حضرت آقا بزرگ خلف مرحوم میرزا امامقلی
ارباب مصالحه صریحه شرعیه مشتمله بجمع شرایط و ارکان و خالیه از عموم خلل و
بطلان نمود به عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه مقرب الخاقان لطفعلی خان
سرهنگ یانسی هزارجریبی دام عزه تمامت ملک متصرفی از حصه و سهمی ارثی ابی
خود را از انگرّم آقا جعفری و انگرّم میر جعفری و انگرّم محمدزکی اگرچه یک ربع
از یکدانگ از هر یک بوده باشد باجمع توابع شرعیه و منضّمات عرفیه از مزارع و
مراعات و تلال و جبال و عیون و انهار و اراضی عامره و غامره و قنوات دائره و باثره و حقابه
از رودخانه و مجری المیاء و محل خانقاهیه و انگرّم دره و سایر مایه‌ی تعلقی بها ذکر ام‌لم‌ذکر
بحیث لایستثنی من التوابع شیء بمال المصالحه مبلغ پنج تومان وجه نقد ریالی رواجی
بیست و شش نخودی و شرط گردید سقوط و اسقاط کافه خیارات از طرفین سیم اختیار

۱- مهری بیضی باسج: «عبد حسینی علی الموسوی». ۲- مهری بیضی باسج:
«عبد الراجی علی اصفیر» و مهری دیگر باسج: «یا ابالقاسم ادرکنی».

الغبن والغبن فی الغبن ولو كان فاحشاً بل افحش ولو بمدارج العالیه و بعد از قبول عالیجاه مقرب الخاقان مرصلح مزبور را بر نهج مرقوم تقابض در بدلین مزبورین صورت تحقق و وقوع گرفت پس بوقوع عقد اخذ نقد گردید عین مصطلحه و توابع آن ملک طلق عالیجاه معظم و مرایشان راست انحاء تصرفات شرعیه و عرفیه متی شاء و کیف شاء بالخیر والبرکات و حسب شرط لازم در ضمن عقد خارج واقع ضمانت نمود عالیحضرت آقا بزرگ شوهر مصالحه مکرمه بر در کشرعی عین مصطلحه و توابع آنرا که عند خروجه مستحقه للغير کلاً او بعضاً عیناً ام منفعة از عهده غرامات و خسارات وارده بر آید.

وكان ذلك بتاريخ هيجدهم شهر محرم الحرام من سنة ۱۲۹۱.

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع جميع ما رقم فيه لدى الأثم فی التاريخ . [جای مهر]^۱

ضامن درك گردید عالیحضرت آقا بزرگ عیناً و منفعتاً و اعتراف نمود نزد احقر.

[جای سه مهر]^۲

۱- مهری بیضی باسجج: «عبدہ الراجی علی اصغر». ۲- مهری بیضی باسجج: «یا علی ادرکنی» و مهر بیضی دیگر باسجج: «عبدہ محمد تقی» و مهر بیضی دیگر باسجج: «عبدہ محمد کاظم».

۴۳

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۳۹۱ هـ . ق .

در این سند آقا سیدحسین تمامی کل شش دانگ از یک باب خانه واقع در محله میدان استرآباد معروف به خانه ابراهیم کربلایی نصیر را به مبلغ یک صد و سی تومان وجه نقد ریال قضی ناصرالدین شاهی به آقا سید محمد طاهر مصالحه کرده است.

هوالمالك بالاستحقاق

نحمدالله قبل كل مقال

ونصلي على النبي وآل

و بعد

غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات و باعث بر تسطیر این سطور واضحه البیانات آنستکه مصالحه صحیحه شرعیه قطعیه جزئیة ملیة اسلامیة نمود در حالتیکه صحیح و نافذ بود از اوجمیع عقود و معاملات شرعیه جناب سلاله الانجاب و الاطیاب آقا سیدحسین خلف مرحمت پناه حاجی سید احمد خالو بجناب مستطاب عمدة العلماء الاطیاب وزبدة الفقهاء الاقطاب آقا و مولی آقائی آقا سید محمد طاهر دام ظلّه العالی همگی و تمامی کل شش دانگ از یک باب خانه واقع در محله میدان را که جدیداً بتیاع مصالح است از عفت پناهان بی بی زینب و ربابه خانم صبیثان مرحومان محمد ابراهیم و عبدالله ابنان مرحوم کربلایی نصیر که در خارج مشخص و معین است و مشهوره هست بخانه ابراهیم کربلایی نصیر و اطراف اربعه آن اتصال دارد باین اطراف اربعه که شرقاً متصله است بخانه ورثه مبرور مرحوم حاجی محمد مهدی ابن مرحوم کربلایی

محمد حسین و غرباً پیوسته است بخانه مرحوم مغفور آقا اسدالله الموسوی المفیدی و جنوباً اتصال دارد بشارع خاص محاذی و مقابل خانه و اطاق مرحمت مآب حاجی میر موسی ابن مرحوم خلد آشیان آقا ابو جعفر الموسوی المفیدی و شمالاً وصل است بباغچه و رثه مرحوم مبرور حاجی محمد مهدی مزبور مع جمیع مایتعلق بها من الممر والمدخل والحیاض و الانهار و الاشجار والبیوت و مما غلق علیها بابها واحاط بها جدرانها من تخوم الارض الی عنان السماء ببدل الصلح معین مشخص مبلغ یکصد و سی تومان وجه تقدریال قضی ناصر الدین شاهی بیست شش نخودی که نصفه بیا ناله و توضیحاً ایاه مبلغ شصت پنج تومان موصوف است و جناب آقای معظم الیه مدظله قبول مصالحه بنهج مزبور فرمودند ثم له ذلك قبض و اقباض و تسلیم و تسلم در بدلین مسطورین واقع گردید و مصالح مومی الیه تخلیه ید از عین مصالح علیها نمود و جناب مصطلح معزی الیه تصرف مالکانه و منضم بسایر رقبات خود فرمود له التصرف فیها کتصرف الملاك فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم متى شاء و کیف شاء و اسقاط کافه خیارات از طرفین نمودند سیم اختیار الغبن و غبن الغبن و ان علاوه مصالح مزبور ضامن درک گردید که عند ظهور عین مصطلحه کلاً او بعضاً عیناً ام منفعتاً مستحقة للغیر از عهده برآید و صیغه مصالحه جامعه بر جمیع شرائط و ارکان و خالیه از عموم خلل و بطلان بقانون شرع مطاع سمت جریان پذیرفت و این چند سطر بر سبیل قبالة نامچه قلمی گردید که تا عند الحاجة حجة شود.

و کان وقوع ذلك فی خامس شهر جمادى الثانيه من

شهور العربیه سنة هزار و دو و یست و نود و یک سنة ۱۲۹۱.

[بر حاشیه بالا سمت راست و سمت چپ این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

تمام آنچه در این ورقه است در پیش من واقع شده ۵ جمادی الثانیه ۱۲۹۱ .
[جای مهر]^۱

مراتب مسطور در پیش من واقع شده در پنجم جمادی الثانیه ۱۲۹۱ .
[جای مهر]^۲

آنچه در ورقه است در پیش من واقع شده است پنجم جمادی الاخری ۱۲۹۱ .
وقع مارقم فیه لدی فی خامس جمادی الاخری ۱۲۹۱ . [جای مهر]^۳
هو المستعان اقر واعترف المصالح لدی الاثم فی التاريخ المذكور فیه .
[جای مهر]^۴

قد وقع جميع مارقم فيه من البداية على النهاية لدی الاثم فی خامس شهر جمادی الاخری
۱۲۹۱ . [جای مهر]^۵

قد اقر واعترف المصالح حسب المرقوم فی المتن والهامش لدی الاحقر فی ۶
جمادی الثانی ۱۲۹۱ . [جای مهر]^۶

اقر واعترف المصالح بما زبر فیه كما فیه لدی الاقل فی ۶ شهر جمادی الاخری ۱۲۹۱ .
[جای مهر]^۷

اقر المصالح المعظم اليه بجميع بما فیه لدی الفقير الى ربه الغنی فی ۱ جمادی الثانیه
۱۲۹۱ . [جای مهر]^۸

بسم الله الرحمن الرحيم اعترف المصالح بما زبر فیه لدی فی ۱ جمادی الاخری ۱۲۹۱ .
[جای مهر]^۹

- ۱- مهری بیضی کوچک باسجع: «محمد رفیع». ۲- مهری بیضی باسجع: «عبدہ کاظم بن مهدی ۱۲۸۹».
- ۳- مهری چهار گوشه باسجع: «محمد یوسف».
- ۴- مهری بیضی باسجع: «عبدہ تقی الحسینی».
- ۵- مهری چهار گوشه باسجع: «محمد حسین ابن عباس علی».
- ۶- مهری بیضی باسجع: «عبدہ محمد نبی».
- ۷- مهری بیضی باسجع: «عبدہ الراجی محمد بن محمد رضا».
- ۸- مهری چهار گوشه باسجع: «عبدہ محمد علی».
- ۹- مهری بیضی باسجع: «محمد علی ابن موسی».

قد وقع جميع ما زبر و سطر ورقم فيه الى آخر الهامش بمحضرى حرره فى الجمادى -
الآخرى من شهر سنة ١٢٩١ . [جای مهر]^١
قد اعترف المصالح بجميع ما فيه من وقوع الصلح و قبض البدل و اسقاط الخيار و
ضمان الدرك لدى الاقل فى ١٠ شهر جمادى الثانيه ١٢٩١ . [جای مهر]^٢
جناب مصالح آقا سيد حسين اعتراف بمراتب مسطوره نمود حررها الاقل الراجى
فى ١٤ شهر جمادى الثانيه من ١٢٩١ . [جای مهر]^٣

١- مهرى بيضى باسجع: « عبده محمد صادق المقيلى ». ٢- مهرى بيضى باسجع:

٣ - مهرى بيضى باسجع: « عبده الراجى محمد حسن الموسوى ١٢٨٧ » .
الموسوى » .

مصالحه نامه مورخ ۱۲۹۱ ه . ق .

دراين سند بي بي زينت و ربابه خانم همگي و تمامي كل شش دانگ از يك باب خانه واقع در محله ميدان را به بدل الصلح مبلغ يك صد و چهل تومان وجه نقد ريال فضي ناصر الدين شاهي به آقا سيد حسين خلف آقا سيد احمد خالو مصالحه نموده اند.

بعد الحمد والصلوة غرض از ارتسام اين ارقام شرعية انتظام آنستكه مصالحه صحيحه شرعية جزميه قطعيه مليه اسلاميه نمودند در حال صحت نفس و ثبات عقل و جواز تصرف عالمة و عامدة بلاشائبة الجبر و الكراهة عفت و عصمت پناهان خدارت و طهارت دستگاهان بي بي زينب صبيه مرحوم محمد ابراهيم ابن مرحوم كربلائي نصير و ربابه خانم بنت مرحوم عبدالله كربلائي نصير بعاليجناب زبدة الاطياب سلاله السادات العظام آقا سيد حسين خلف الصديق مرحمت مآب آقا سيد احمد خالو همگي و تمامي كل شش دانگ از يك باب خانه واقع در محله ميدان را كه موروثي مشار اليهما است و در خارج مشخص و معين است و اطراف اربعة آن اتصال دارد باين اطراف اربعة كه شرقاً اتصال دارد بخانه و رثه مرحوم حاجي محمد مهدي و غرباً پيوسته است بخانه مرحمت و غفران پناه آقا اسدالله الموسوي المفيدى و خانه تجارت دستگاه ملا محمد يوسف سركلانته و جنوباً اتصال دارد به شارع خاص كه محاذى و مقابل است باو طاق و خانه مرحوم مبرور حاجي مير موسى ابن مرحوم جنت مكان آقا ابو جعفر الموسوي المفيدى و شمالاً وصل است بباغچه و رثه مرحوم حاجي محمد مهدي مزبور بانضمام كافة متعلقات شرعيه و منضمات عرفيه آن من الممر والمدخل و الحياض والانهار والاشجار ومما غلق عليها

بابها واحاط بها جدرانها من تخوم الارض الى عنان السماء که تمامت چهار دانگ و الاربع یکدانگ متعلق و ملک بی بی زینب مشارالیها بوده و تمامی دو دانگ و ربع یکدانگ از خانه ملک ربابه خانم مزبوره بوده ببدل الصلح معین مشخص مبلغ یک صد و چهل تومان وجه تقدیر بالفضی ناصر الدین شاهی هرریالی و زناً بیست شش نخود و مصطلح معزی الیه قبول مصالحه بنهج مسطور نمود ثم بعد ذلك قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مسطورین واقع گردید و مصالحتان مزبور تان تخلیه ید از عین مصطلح علیها نمودند و مصطلح مرقوم تصرف مالکانه و منضم بسایر رقبات خود نمود له التصرف فیها کتصرف المالك فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم متی شاء و کیف شاء و اسقاط کافه خیارات از طرفین نمودند سیما خیارات الغبن و غبن الغبن ولو کان فاحشاً بل افحش بلغ ما بلغ و لو بمدارج العالیه و مصالحتان مشار الیهما ضامنه درک گردیدند که عند ظهور عین مصطلحه کلاً او بعضاً عیناً ام منفعتاً مستحقه للغیر از عهده جمیع غرامات وارده بر مصطلح بر آیند و صیغه مصالحه جامعه جمیع شرائط و احوال و کان خالیه از عموم خلل و بطلان بقانون شرع مطاع سمت جریان پذیرفت و لایخفی که عفت پناهان فاطمه خانم صبیئه مرحوم حاجی حیدر والدۀ بی بی زینب مومی الیه و طاووس خانم صبیئه آقا علی کاشی بنت مشار الیه و بی بی شهر بانو صبیئه مرحوم محمد ابراهیم کربلائی نصیر زوجه دائمه مصطلح مذکور همشیره بی بی زینب مزبوره در زمان اجراء صیغه صلح مزبور در مجلس عقد حاضره بودند و معامله مسطوره را روماً للاحتیاط امضاء و اجازه نمودند و نیز در ضمن عقد صلح مزبور اسقاط توریه و توریه در توریه بلغ ما بلغ نمودند یعنی مصالحتان اسقاط توریه بنحو مذکور نمودند . و کان وقوع ذلك فی ثانی شهر جمادی الثانیه من شهور سنه ۱۲۹۱ .

[جای مهر]

[برحواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

هوالمستعان

وقع جميع مارقم فيه من المتن والهامش لدى الخاطی فی ۴ جمادی الاخری ۱۲۹۱.

[جای مهر]^۱

وقع مارقم فی المتن والهامش لدى الآثم فی التاريخ المذكور فيه. [جای مهر]^۲
اعترف بالمراتب المسطورة فی الورقة من البداية الى النهاية لدى فی ۶ جمادی الاخری.

[جای مهر]^۳

بی بی زینب و فاطمه خانم و ربابه اعترفن بما فيه الى النهاية فی الثاني من شهر جمادی-
الآخرة من شهور سنة ۱۲۹۱. [جای مهر]^۴

بسم الله الرحمن الرحيم

بی بی زینب و فاطمه خانم و ربابه اعترفن بما فيه الى النهاية فی ۶ من شهر جمادی الآخرة
من شهور سنة ۱۲۹۱. [جای مهر]^۵

بی بی زینت و فاطمه خانم و ربابه اعتراف بمراتب مسطوره نمودند حرره الاقل
الراجی فی ۶ شهر جمادی الثانيه من ۱۲۹۱. [جای مهر]^۶

-
- ۱ - مهری بیضی با سجع : « محمد طاهر الحسینی ۱۲۷۹ » . ۲ - مهری چهار-
گوشه با سجع : « محمد حسین ابن عباس علی » . ۳ - مهری کوچک بیضی با سجع : « محمد-
زکی » . ۴ - مهری بیضی با سجع : « عبده محمد صادق العقيلي » . ۵ - مهری بیضی
با سجع : « محمد علی ابن موسی » . ۶ - مهری بیضی با سجع : « محمد حسن الموسوی » .

مصالحه نامه مؤرخ ۱۲۹۱ ه. ق.

در این سند شرف نسا خانم و کالت به خلیل خان شوهر خود داده است که حصه خود را از گرجی محله سادات و دنگلان میرزینل و حق حفر قنات زمان کش و شرف باغ و اترک چال و خانه و اطاق شهر که عبارت از یک سهم از پانزده سهم از دو ثلث حصه و رسیدی مرحوم حاجی مصطفی خان است به مال المصالحه مبلغ سی و چهار تومان به حاجی آقا محمد حسن مفیدی موسوی مصالحه کند .

غرض از تحریر این صحیفه صحت ترجمه آنکه چون زوجه بوده مرحوم حاجی مصطفی خان کیای کرد محلی عصمت و عفت پناه شرف نسا خوانم دختر مرحوم مصطفی - قلی آقای قاجار که بالفعل زوجه دائمه عالیجاه رفیع جایگاه خلیل خان یاناسری است بواسطه فوت یک نفر دختری که از آن مرحوم داشت گردید از جمله ورثه آن مرحوم لهذا عالیجاه خلیل خان شوهر فعلیه آن مخدره بو کالت محققه از او مصالحه صریحه شرعیه مشتمله بجمیع شرایط و ارکان و خالیه از عموم خلل و بطلان نمود بجناب مستطاب سلاله السادات الاطیاب خیر الحاج حاجی آقا محمد حسن مفیدی الموسوی همگی و تمامی سهم و حصه زوجه موکله شرف نسا خوانم را از گرجی محله سادات و دنگلان میرزینل و حق الحفری قنات زمان کش و اقریه دنگلان و شرف باغ و اترک چال و خانه و اطاق شهر متصلین بیکدیگر از قرار تشخیص در خارج که عبارت است از یک سهم از پانزده سهم از دو ثلث از تمامت حصه و رسیدی مرحوم حاجی مصطفی خان از املاک خارجه شهر با جمیع توابع شرعیه و منضمات عرفیه از مزارع و مراتع و قنوت دائره و باثره و مجری المیاه و جنگلستان و توستان و ملیارستان و محل خانقاهیه

از قری و حیاض و انهار و اشجار و عمارات و بیوتات تحتانی و فوقانی از خانه و اوطاق شهر واقعه در محله میدان در گذرد و چنانرا که از غایت شهرت بی نیاز از تحدید و توصیفند بمال المصالحه مبلغ سی و چهار تومان وجه نقد ریالی رواجی معروف به بیست و شش نخودی و شرط گردید سقوط و اسقاط كافة خیارات از طرفین سیما خیال الغبن و غبن الغبن و لو کان فاحشاً بل افحش و لو بمدارج العالیه و جناب حاجی آقای معظم نیز قبول صلح مزبور بر نهج مرقوم فرمود و بعد ذلك عالیجاه خان معزی الیه بو کالة محققه از آن مخدره قبض و اقباض در بدلین مرقومین را مباشرت نمودند و تقابض صورت تحقیق و وقوع گرفت پس بوقوع عقد و اخذ نقد گردید حصص و سهام مستوره مسطوره از املاک مفصله از قرار تشخیص متن و خارجی ملک طلق حاجی آقای معظم و اورا است انحاء تصرفات شرعیة و عرفیة و حسب شرط در ضمن عقد خارج واقع ضمانت شرعیة درک اعیان مصطلحه و توابع آنها بر عهده عالیجاه خلیل خان است که عند خروجه مستحقة للغیر کلاً او بعضاً عیناً ام منفعة از عهده غرامات وارده بر آید.

و کان ذلك بتاريخ بیست و چهارم شهر ذی القعدة من سنة ۱۲۹۱.

[جای مهر]^۱

[بر حاشیة بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

حقیر جمعی از موثقین را فرستادم نزد شرف نسا خانم المزبوره فی المتن صبیة مرحوم مصطفی قلی آقای قاجار و جو یا شدند از او اعتراف بو کالت عالیجاه خلیل خان مذکور در فقره مسطوره نموده لذا شبهه وریمی نیست در وقوع مراتب مزبوره و اشکالی در وقوع صلح مذکور از عالیجاه مزبور نیست حرره الاقل فی عاشر شهر ذی الحجة

۱۲۹۱ . [جای مهر]^۲

۱- مهری چهار گوشه باسجمی ناخوانا. ۲- مهری بیضی کوچک باسجع: «محمد»

اقر واعترف مازبر فيه لـدى. [جای مهر]^۱
 اقرار نمود آنچه نوشته شد صحیح است. [جای دومهر]^۲
 قد وقع جميع مارقم فيه لـدى الآثم فى التاريخ. [جای دومهر]^۳
 اقر مازبر فيه لـدى. [جای مهر]^۴
 اقرو اعترف مازبر فيه لـدى. [جای مهر]^۵
 قد وقع مارقم فيه لـدى الآثم فى التاريخ. [جای مهر]^۶
 اقرت و اعترفت بمارقم وزبر فيه لـدى الجانى. [جای مهر]^۷

۱ - مهری چهار گوشه با خط طغرا که کلمه «العبد اسمعیل» بر آن خوانده می شود .

۲ - مهری بیضی با خط طغرا با سجع: «نصیر الدین» و مهری بیضی کوچک با سجع: «عبد شریف».

۳ - مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی علی اصغر» و مهری بیضی کوچک با سجع: «یا علی

ادرکنی». ۴ - مهری گرد کوچک با سجع: «عبدہ حسین الحسینی». ۵ - مهری بیضی

با سجع: «رحیم الحسینی». ۶ - مهری بیضی با سجع «یا ابالقاسم ادرکنی». ۷ - مهری

بیضی با سجع: «محمد مؤمن الموسوی» .

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۹۲ هـ . ق .

در این سند آقا بزرگ و آقا محمد از سادات شیرنگی از جمله شرکاء موقوف علیهم قریه‌ی موقوفه‌ی مرزبانکلاته یعنی آقا میر محمد علی و آقا سید اسماعیل و آقا سید جواد و سایر سادات درازگیسو و بیست و چهار قسمت از اراضی موقوفه‌ی چوپلانی را به دوازده خروار شالی قبول مصالحه کرده‌اند .

قبول مصالحه صحیحه شرعیه شرطیه نمودند سلاله السادات العظامان آقا بزرگ خلفم حوم آقا سید احمد الحسینی شیرنگی و آقا محمد ا خلفم حوم آقا سید محمد شیرنگی که از جمله شرکاء موقوف علیهم قریه‌ی موقوفه‌ی مرزبانکلاته هستند از سلاله الاطیابان العظامان الکرمان جناب آقا میر محمد علی و آقا سید اسمعیل و آقا سید جواد و از سایر سادات درازگیسو موقوف علیهم قریه‌ی موقوفه‌ی چوپلانی منافع مدت یکسنه مساحت بیست و چهار قسمت زمین از اراضی موقوفه‌ی چوپلانی را که عبارت از یک محصول شالی بوده باشد به مال المصالحه موازی و مقدار دوازده خروار شالی سرده کرده دهقان پسند خوب بوزن بلد استارباد و شرط در ضمن عقد آنکه بدل المصالحه را هم تا آخر قوس در قریه‌ی موقوفه‌ی موصوفه چوپلانی بالمناصفه تسلیم نمایند و شرط دیگر آنکه اگر چنانا در اراضی مزبوره زیاد از مساحت مسطوره زرع نمایند از قرار قسمت بیست من مالیه بدهند و هرگاه کمتر از اراضی مسطوره نیز زرع نمایند همان دوازده خروار را بدهند و مبداء اراضی مذکوره هم مرز سفیددار است و

شرقی آن متصل است بداریکاب و غربی آن اتصال دارد به مجرای آب دیوان صیغه جاریشد.

بتاریخ بیستم شهر صفر المظفر ۱۲۹۲ .

[بر حاشیه بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

قد وقعت المصالحة الشرعیه من البدایة الى النهایة لدى الاحقر الآثم .

[جای مهر]^۱

وقع جميع مارقم فيه من البدو الى الختم لدى الاحقر الآثم .

[جای مهر]^۲

۱- مهر بیضی بزرگ باسجع : « عبده الراجی محمد علی » . ۲- مهری هشت-

گوشه باسجع : « اللهم صل علی محمد وآل محمد » .

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۳۹۳ ه. ق.

در این سند شاهزاده جهانسوز میرزا امیر تومان جمیع منافع سه سالة قمری تمامت سه برن يك طسوج الاثلث نیم طسوج آب از مجاری قنوات سه گانه واقعه درشاهرود به نام قنات جلالی و قنات ده و قنات عین الحسنی و همچنین منافع سه سالة تمامت سه طسوج و دو سهم از دوازده سهم از نیم برن آب از مجاری قنوات مزبوره را از ساره خانم و راضیه خانم به مال المصالحه مبلغ چهارده تومان و چهار هزار و چهل ریالی قضی و زناً بیست و شش نخودی قبول مصالحه کرده است .

جناب مستطاب اشرف امجدارفع والا

جهان سوز میرزا مدظله العالی

قبول مصالحه صحیحه شرعیه ملیه اسلامیة فرمودند سرکار نواب مستطاب اشرف امجدارفع و الاشاهزاده امیر تومان دام شو کته از عالیجنابان مستطابان زبدنا الاعظم والاشراف آقائی آقا محمدحسن و آقا یحیی خلفان مرحمت مآبان خلدنصابان آقا محمدکریم و آقا سیدعلی الموسوی المفیدی الاسترابادی طاب ثراهما اصالة از خود و کالة از سایر آقایان شرکاء که در خارج معلومند جمیع منافع سه سالة قمری تمامت سه برن یکطسوج الاثلث نیمطسوج آب از مجاری قنوات ثلثه واقعه درشاهرود را که معروف و مسماشد به قنات جلالی و قنات ده و قنات عین الحسنی و نیز قبول مصالحه نمودند از عفت پناهان خدارت دستگهان ساره خانم و راضیه خانم صبیبتان مرحوم میرزا حسین آقا جمیع منافع سه سالة قمری تمامت سه طسوج و دو سهم از دوازده سهم از نیم

برن آب از مجاری قنوات مزبوره به مال المصالحه مبلغ چهارهزار و ده رایج خزانه عامره قضی هر ربالی و زناً بیست شش نخود مشروط و مقرر در ضمن عقد آنکه بدل المصالحه سال اول را در بدو سنه که اول مدت است مطابق تاریخ ذیل ورقه و بدل المصالحه سال ثانی و ثالث را در هر سالی ده یوم قبل از محرم همان سال بتوسط ملازمان سامی زید اجلاله العالی بمصالحین مومی الیهم هر که بقدر سهم تسلیم فرمایند توضیح آنکه در صورتیکه در ظرف مدت سه سال خدا نخواستہ نوعی شود که عمل بشرط نفرمایند از برای مصالحین اختیار فسخ ثابت است و نیز شرط دیگر آنکه صادرات و عوارضات دیوانی و مخارج قنوات کائنا ما کان بر عهده حضرت والا دام اقباله العالی بوده باشد و لایحقی که سهم آقایان معزی الیهم باشرکاء از بدل المصالحه مبلغ یازده تومان چهار هزار هر سالی سه تومان هشت هزار و سهم عفت پناهان مسطورتان مبلغ سه تومان موصوف می شود و صیغه مصالحه جامعه للشروط سمت وقوع یافت .

بتاریخ پانزدهم شهر رمضان المبارک من شهر

العریبه سنه ۱۲۹۳ مطابق سنه سیچقان ثیل .

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

قد وقع بمارقم فیہ لدی . [جای مهر]^۲

قد جرت صیغه الصلح المسطور بمحضری حرر [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی با خط طغرا باسجج: «جهان سوز». ۲- مهری بیضی باسجج:

«یا هادی المضلین». ۳- مهری بیضی باسجج: «عبدہ محمد صادق العقیلی».

۴۸

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۹۴ ه. ق .

در این سند راقم حروف حسنعلی موسوی حصه و سهم خود را از
قریه‌ی گرجی محله و دنگلان میرزائی و میر زینل به مال المصالحه
مبلغ پنجاه تومان وجه ریالی ناصرالدین شاه‌ی بیست و شش نخودی
به حاجی محمدحسن موسوی مصالحه کرده است .

غرض از تحریر این الفاظ و عبارات واضحه‌المراد و تسطیر این ورقه صدق مفاد
آنستکه مصالحه صحیحه شرعیه نمود بالطوع والرغبه و بلاکراه والاجبار در حال
صحت نفس وجواز تصرف راقم حروف حسنعلی الموسوی بعالیجناب سلاله السادات
العظام الکرام اشرف الحاج والمعتمرین آقائی حاجی آقا محمدحسن الموسوی
المفیدی تمامت حصه و سهمی خود را از قریه‌ی گرجی محله و دنگلان میرزائی و میرزینل
باکافه ملحقات و جمیع منضمات آن از مزارع و مراتع و اراضی عامره و غامره و قنوات
دائره و باثره و آدش روئه و توستان و انارستان و آبدنگک و آسیا و مقرخانقاهیه من غیر
استثناء بحیث ذکر ام لم ید کرو سطر ام لم یسطرو بالجمله از آنچه ملکیت را سزد و
شاید و نفع توان بردبدل المصالحه معین مبلغ پنجاه تومان وجه ریالی ناصرالدین شاه‌ی
۲۶ نخودی قبض و اقباض تسلیم و تسلیم در بدلین مزبورین وقوع یافته و مصالح تخلیه‌ید
از اعیان مصطلحه نموده و بتصرف جناب مصطلح معظم الیه بداد اوراست انحاء تصرفات
مالکانه متی شاء و کیف شاء بالخیر و البرکات و طرفین سقوط و اسقاط کافه دعاوی و خیارات
سیماخیار الغبن و الغبن فی الغبن ولو بمدا رج العالیه نموده اند و مصالح ضامن درک شرعی

گردید که عند خروج الغبن مستحقة للغير کلاً^۱ اوبعضاً عيناً ام منفعة^۲ از عهده بر آید.

وكان وقوع الواقعة الميمونه في بيست و پنجم

شهر رجب المرجب من شهور ۱۲۹۴ .

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است :

قد وقع مارقم من الصلح والضمان واخذ البذل و اسقاط الخيارات لدى الجاني .

[جای مهر]^۲

جناب آقا اعتراف بمراتب مسطورہ نمود . [جای مهر]^۳

قد اعترف جناب المصالح المعظم اليه بمارقم فيه لدى . [جای مهر]^۴

وقع مارقم من الصلح و اخذ البذل والضمان و اسقاط الخيارات لدى الاقل .

[جای دو مهر]^۵

اعترف المصالح المعظم اليه بمارقم فيه لدى . [جای مهر]^۶

اقر واعترف بما فيه لدى الاثم . [جای مهر]^۷

۱- مهری بیضی باسجع : «عبدہ حسنعلی الموسوی» . ۲- مهری بیضی باسجع :

«عبدہ صدرالدین الموسوی» . ۳- مهری بیضی باسجع : «عبدہ ناصرالدین الموسوی» .

۴- مهری بیضی باسجع : «عبدہ الراجی علی الموسوی ۱۲۹۲» . ۵- مهری بیضی باسجع :

«عبدہ محمد زمان الموسوی» و مهری چهار گوشه با سجع : «نظام الدین الموسوی» .

۶- مهری بیضی باسجع : «عبدہ حسن الموسوی» . ۷- مهری بیضی باسجع : «عبدہ الراجی

علی اصغر» .

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۹۷ ه. ق.

در این سند محمد باقر آقا و هادی آقا و رقیه خانم و ربابه خانم اخلاف حاجی محمد حسن آقا قاجار و فاطمه بی بی خانم صبیئه علی نقی آقای قاجار تمامی و جملگی چهار سهم از نه سهم و نیم از نیم دانگ از یک دانگ از چهار دانگ از قریه‌ی اترچال را با توابع به کر بلائی رحیم خان خلف جعفر قلی خان قاجار به مبلغ سی تومان و چه ریال فضی رواج سلطانی مصالحه کرده‌اند.

بسم الله خير الاسماء والصلوة والسلام علی محمد و آل محمد

خير الانبياء و لعنت الله علی اعدائهم اجمعين الى يوم الدين

باعث بر تحریر این ورقه صدق ترجمه آنستکه مصالحه صحیحه شرعیه قطعیه لازمه جازمه نمودند بالطوع والرغبه والاختیار بدون شائبه اکراه و اجبار در حال صحت نفس وثبات عقل لا بالخلل والنقصان عالیشانان عزت نشانان محمد باقر آقا و هادی آقا و عفت پناهان رقیه خانم و ربابه خانم و هم اخلاف مرحوم مبرور حاجی محمد حسن آقا یاغچی قاجار و عفت پناه فاطمه بی بی خانم صبیئه عالیشان علی نقی آقا قاجار که خلیفه شوهرش مهدی آقا بن مرحوم حاجی محمد حسن آقا حسب الارث متوفی شهر بانو بود بعالیجاه عزت و سعادت همراه خیر الزائرین کر بلائی رحیم خان خلف مرحمتآب فردوس ایاب جعفر قلی خان قاجار تمامت و جملگی چهار سهم از نه سهم نیم از نیم دانگ از یک دانگ از چهار دانگ از قریه معروفه اترچال من قرای شهر استرabad با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیه آن از قنوات دائره و باثره و اراضی عامره و غامره و جبال و تلال و مزارع و مراتع و جنگل و محل خانقاه و کلمه ی تعلق بهامن القلیل و الكثير والنقییر والقطمیر سمی ام لم یسم و ذکر ام لم یدکر که این چهار

سهم مذکور مابین مشارالیه که برادر و خواهر اربی و امی باشند للذکر مثل حظ الانثیین است بیدل المصالحة معین مشخص معلوم القدر والوصف سی تومان وجه ریال فضی رواج سلطانی مقبوض مرفوعی فی مجلس المصالحة مع شرط سقوط^۱ كافة خيارات من الموجبین والقابل لاسیما خيار الغبن و عین الغبن ولو كان فاحشاً بل افحش سمت وقوع وتحقق پذیرفت و تسلیم و تسلیم در بدین مزبورین نسبت به سهم هر يك از مصالحین و مصطلح علی قدر سهمهم و حصصهم که در خارج معین و مشخص است واقع شد و مصالحین تخلیه^۲ ید از عین مصطلحه نمودند بتصرف مصطلح مزبور دادند و او نیز تصرف نموده بسایر املاک و رقبات خود ملحق گردانید وله التصرف فیها بالخیر والبرکات و ضمانت عین مصطلحه عند خروجه مستحقاً للغیر کلاً^۳ او بعضاً عیناً او منفعة^۴ بر عهده مصالحین مرقومین است که هر يك بتدر سهم خود از عهده بر آیند وصیغه^۵ مصالحة صحیحة شرعیه مرقوم بالوكالة الشفاهیه از مصالحین و مصطلح واقع شد . فی هفدهم شهر صفر المظفر ۱۲۹۷.

[بر بالای این سند مطالب زیر است:]

بسم الله تعالى عز اسمه

قد وقعت المصالحة المرقومة الميمونة المشتملة على الشرائط المسطورة مع قبض البدل لدى الاحقر فی ۱۷ شهر صفر المظفر ۱۲۹۷ . [جای مهر]^۱
مراتب مزبوره واقع شد . [جای مهر]^۲
واقع شد . [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی با سجع: «عبد محمد تقی». ۲- مهری بیضی با سجع: «عبد

جعفر قلی». ۳- مهری کوچک بیضی با نام «آقاخان».

واقع شد. [جای سه مهر]^۱

۴۰

مصالحه نامه مورخ ۱۲۹۷ ه. ق.

در این سند ملک محمدحسین سید میرانی همگی و تمامی یک ربع از یک مزرعه لتری مجری المیاه رود دهنه شصت کلاته از هشت مزرعه و نیم حقایه یالو به انضمام ملک و قریه یالو را به قدر یک ربع آب مذکور به مال المصالحه مبلغ یکصد تومان وجه ریال فضا ناصرالدین شاه به آقا محسن موسوی مفیدی مصالحه کرده است.

هو المالك بالاستحقاق

بعد الحمد والتصليه

غرض از تحریر این کلمات شرعیه الدلالات واضحه البیانات بیان این مرام است که مصالحه صحیحه شرعیه قطعیه جزیه ملیه اسلامی جامعه بر جمیع شرائط و ارکان و خالیه از عموم خلل و بطلان نمود عالیشان ملک محمدحسین سید میرانی بعالیجناب مستطاب قدوس انتساب افتخار الاعیان زبده الاکابر و الاعاظم و الارکان اشرف السادات و مجمع السعادات ملجاء الحاج و المعتمرین آقا حاجی آقا علی محمد سلمه الله تعالی خلف مرحمت و غفران پناه علین آرامگاه آقا آقا محسن الموسوی مفیدی طاب ثراه و جعل الجنة مثواه همگی و تمامی یک ربع از یک مزرعه لتری از مجری المیاه رود دهنه شصت کلاته از هفت مزرعه نیم حقایه یالو با انضمام ملک و قریه یالو که منسوب و متعلق است بآب مزبور بقدر یک ربع مسطور که در خارج مشخص و معلوم و از

۱ - مهری چهار گوشه با سجع : « عبده محمدحسن » و مهری چهار گوشه با سجع :

« یا شاه نجف » و مهری بیضی ناخوانا .

غایت شهرت و تفرد اسم مستغنی از تحدید و توصیف است مع جمیع توابعها الشرعیه و العرفیه و العادیه از مراتع و مزارع رطبه و یابسه و جناکل و صحاری و اراضی عامره و غیر عامره و تلال و جبال و غیرها از آنچه ملکیت را سزد و شاید و نفع توان برد کائنه ما کانت من دون استثناء شیء بیدل الصلح معین مشخص مبلغ یکصد تومان وجه ریال فضی ناصر الدین شاهی معروف به بیست و شش نخود که نصفه بیانآله و توضیحاً ایاه مبلغ پنجاه تومان وجه موصوف است مصطلح معزی الیه دام عزه قبول مصالحه بنهج مسطور نمودم بعد ذلك قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مسطورین واقع گردید مصالح مزبور تخلیه ید نمود مصطلح معظم الیه زید عمره تصرف مالکانه و منضم بسایر رقبات خود ساخت له التصرف فیها کتصرف الملاك فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم متى شاءها و کیف شاءها و انی شاءها و اسقاط کافه خیارات از طرفین نمودند سیما خیار الغبن و الغبن فی الغبن و لو کان فاحشاً بل افحش بلغ ما بلغ و لو بمدا رج العالیه و ضمانه درک شرعی عند ظهور عین مصطلحه کلاً او بعضاً عیناً ام منفعة^۱ بر عهده مصالح مومی الیه است صیغه مصالحه صحیحه شرعیه بو کاله شفاهیه حضوریه از طرفین سمت جریان پذیرفت بالخیر و البرکات این چند سطر بر سبیل قبالة نامچه قلمی گردید.

کان وقوع ذلك فی ثانی عشرین شهر ربیع الثانی من شهر سنه ۱۲۹۷.

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع جمیع مارقم فیہ لدى الآثم. [جای مهر]^۱
 وقع جمیع مارقم و زیر فیہ لدى الاحقر فی التاریخ المذكور فیہ و انا الآثم الخاطی
 محمد طاهر الحسینی. [جای مهر]^۲

۱- مهری بیضی باسجع: «محمد حسین ابن عباس علی». ۲- مهری بیضی کوچک

باسجع: «محمد طاهر الحسینی».

قد وقع مارقم فيه لدی الاقل. [جای مهر]^۱
در مجلس وقوع حاضر بودم میرزا عابدین شبیه ساز. [جای مهر]^۲

۴۱

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۲۹۷ هـ. ق.

در این سند مریم بیگم صبیئه آقا محمد محسن شیخ الاسلام تمامت
نصف از سهام از املاک داخل شهر و بیرون شهر را به مال المصالحه
مبلغ یک هزار دینار ریال ناصرالدین شاهی بیست و شش نخودی
به دخترش کلثوم بیگم زوجه هدايت الله موسوی مفیدی مصالحه
کرده است.

غرض از تحریر این الفاظ و عبارات واضحه المراد و تسطیر این ورقه صدق مفاد
آنستکه مصالحه صحیحه صریحه شرعی منجزه نمود در حال صحت نفس و جواز
تصرف علیا جناب خدارت و طهارت مآب زبده المخدرات کر بلائیه مریم بیگم صبیئه
مرحمت و غفران پناه رضوان جایگاه خلد آشیان آقائی آقا محمد محسن شیخ الاسلام
اعلی الله مقامه العالی بصیئه مرضیه اش عفت و عصمت پناه کلثوم بیگم زوجه مکرمه
عالی جناب سلاله السادات العظام الکرام آقا هدايت الله الموسوی المفیدی تمامت
نصف از سهام از املاک داخل شهر و بیرون شهر را از املاک مفصله ذیل از دکانین
که واقعات اند در راسته بازار کهنه و مشترکه است فیما بین مشارالیه و ورثه مرحوم
حاجی آقا محمد شاه محمد

بیمدانگ از یکدانگ از کل شش دانگ از هریک از دودرب دکان که یکی مسکونه

۱ - مهری بیضی کوچک با سجع: «عبدہ عبدالجواد». ۲ - مهری بیضی کوچک
با سجع: «دیا امام زین العابدین».

زین العابدین و دیگر مسکونه کربلائی مهدی است و از دکانین دیگر نصف از یک سدس ازدودانگ از کل شش دانگ از سه درب دکان که ایضاً مشترک است بینهما و در خارج معین اند

و نیم دانگ از یک دانگ از کل شش دانگ و نیم دانگ از یک دانگ از کل شش دانگ از یک باب خانه واقعه در گذر مقبره که ایضاً مشترک است فیما بین مشار الیهما مزبوره و ورثه حاجی آقا محمد

و نصف از سدس از سه دانگ از کل شش دانگ از هر یک از املاک و اشیاء که واقعتان اند در خارج دروازه بسطام که مشترک است ایضاً فیما بین ورثه حاجی آقا محمد و کربلائی مزبوره که مشهورتان اند به آبدنگ و آسیاء پای چنار و سه دانگ از هر یک از مال ورثه حاجی باباخان قاجار است صادق

و نصف از سهمی حمام بزرگ و کوچک حمام کاسه گران

و دکان متصله بحمام بزرگ که از ردی سی تومان و دو هزار و پنجاهی وجه اجاره میشود

با کافه ملحقات شرعیه و منضمات عرفیه هر یک از املاک مفصله فوق کائناً ما کانت من غیر استثناء شیء من المتعلقات ببدل المصالحه مبلغ یک هزار دینار ریالی ناصرالدین شاهی

۲۶ نخودی قبض و اقباض تسلیم و تسلیم در بدلین مزبورین واقع گردید و مصالحه معظم الیها تخلیه‌ی دز اعیان مصطلحه نمود و بتصرف مصطلحه مزبوره بداد او راست انحاء تصرفات مالکانه متی شائت و کیف شائت کتصرف المالك فی املاکهم و ذوی- الحقوق فی حقوقهم و سقوط و اسقاط کافه دعاوی و خیارات از طرفین سیما خیار الغبن و الغبن فی الغبن ولو کان بمدارج العالیه گردید و صیغه مصالحه حسب المسطور جاری و صورت تحقق پذیرفت .

و کان وقوع ذلك فی عشر آخر ذیقعدة-

الحرام من شهور العربیة سنة ۱۲۹۷ .

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

لایخفی که سهام ورثه مرحوم آقا محمد بن مرحوم آقا هدایت الله از قطعه زمین واقع در جنب درب و از چهل دختر و قاضی باغ و کرپان و با کر محله و آسیا و آبدنگ، موروئی آقای مرحوم آقا محمد بالغاً بالغ نقل شرعی شد به جناب آقا محمد تقی الشهیر بآقا بزرگ خلف مرحوم حاجی سید مفید طاب ثراه ببدل معین مقبوض بتاریخ هجدهم ۱۸ شهر شعبان المعظم ۱۳۶۷ . [جای مهر]^۲

قد وقع مارقم فیہ لدی فی التاریخ . [جای دومهر]^۲

مصالحه مزبوره تمامت املاک بیرون شهر و درون شهر یعنی هر قدر را که مالک بود در تاریخ ذیل نقل شرعی نمود بولد خود اشرف الانجاب حاج آقا محمد حسن و صبیبه اش کلثوم المسطوره بطریق تنصیف که نصف تمامت آنها ... آقای سابق الذکر و نصف دیگر ملک و ... همشیره آقا ... مصالحه و قبض بدل الصلح تحقق یافت حررته

۱- مهری بیضی با سجع: «امت مریم الموسوی ۱۲۶۳» . ۲- مهری گرد با سجع:

«صدرالدین الموسوی» . ۳- هر دو مهر بیضی با سجع: «عبدہ یحیی الموسوی» .

فی شهر صفر من شهور ۱۲۹۸ . [جای مهر]^۱
 صحیح لاشبهة فی وقوعه حررتہ فی ۳ شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۰۰ . [جای مهر]^۲
 وقع جمیع مازبر ورقم فیہ لدی نمقہ الجانی الفانی . [جای مهر]^۳
 وقع مازبر ورقم فیہ لدی الجانی . [جای دو مهر]^۴

۴۲

مصالحه نامه چه مورخ ۱۲۹۹ ه . ق .

دراین سند آقا محمد باقر خلف آقا محمد رضا هز از جریبی تمامی
 حقوق و دعاوی محققه دوفرزند صغیر خود را به مال المصالحه مقدار
 دو قسمت مزرعه شلتو کی از بیست و پنج قسمت از مزارع کارکنده و
 باغ و مصالحه کرد که از آقا سعدالدین کارکندی بگیرد و در آن زرع
 شلتو ک نماید .

غرض از تسطیر این سطور شرعیه آن است که عالیجاه آقا محمد باقر ولد ارجمند عالیجاه
 عزت همراه کربلائی آقا محمد رضا کشی هز از جریبی ساکن قریه کارکنده بو کاله
 شرعیه از جانب دو ولد ذکور و اناث خود که فعلاً صغیرند و از مرحومه زوجه اش
 صبیئه مرحوم آقا محمد مهدی کارکندی مخلف شده اند مدعی شد بر عالیشان عزت -
 نشان آقا سعدالدین خلف مرحوم آقا محمد مهدی المزبور که حقوق ارثیه مرحومه
 زوجه ام خواهر تو از ترکه و مخلفات مرحومان والد و والدۀ تو از املاک کارکنده و
 باغو و توابع آن و سایر مخلفات از اعیان و حقوق و اجناس و نقود منقول و غیر منقول
 سهم ارثی دو ولد من که از مادر بایشان نقل شرعی یافته در نزد تو باقی است و حقوق

۱- مهری بیضی باسجج: «محمد طاهر الحسینی». ۲- مهری چهار گوشه باسجج:

«ارزقنی شفاعة الحسین». ۳- مهری بیضی باسجج: «عبدہ علی محمد الموسوی».

۴- هر دو مهر بیضی کوچک باسجج: «عبدہ حسن علی الموسوی».

ایشانرا از بابت ارث پدر و مادر زوجهام باید بایشان رد کنی و مشارالیه در مقام انکار برآمد قول و قائله بین ایشان بوقوع پیوست و منجر بحلف و تحلیف گردید بالاخره از جهت حسن اصلاح بعد از دعوت و اجابت طرفین بین ایشان بصلح التیام یافت باین نهج که مصالحه صریحه صحیحه شرعیه منجزیه ملیه اسلامیة عمدیه اختیاریه نمود عالیجاه آقا محمدباقر المزبور بعد از رعایه صرفه و غبطه حسب الولاية الشرعیه از دو ولد خود که مسمی هستند بسلطانعلی و کوکب خانم بعایشان آقا سعدالدین المزبور تمامی حقوق و دعاوی محققه و مقدره دو ولد صغیر خود را که ذکر شدند از متروکات و مخلفات جد و جدّه ایشان از اعیان و حقوق و اجناس و نقود منقول و غیر منقول کائنه ما کانت بالغه مابلغت هر یک را نسبت بسهم ایشان للذکر ضعف الانثی بمال المصالحه مقدار دو قسمت مزرعه شلتو کی از بیست و پنج قسمت از مزارع کارکنده و باغواز سهام اربابی ایشان که در خارج معلوم است که در هر سالی از بیست و پنج قسمت مزرعه کارکنده و باغو در هر قریه نسبت بسهم اربابی خود دو قسمت مزرعه شلتو کی از مزرعه متعارفه زمین مرغوب با آقا محمدباقر المزبور مادام کو نهما صغیرین و بخود ایشان بعد الکبر بدهد که زرع شلتوک نمایند بنحویکه معهود و مصطلح و مرسوم بین ارباب و مالکین کارکنده و باغو است و بقدر دو قسمت مزبور از مزارع خشکه و مراتع و سایر منافع کارکنده و باغو بهمین نسبت حق از برای دو صغیر المزبورین للذکر مثل حظ الانثیین مقرر شرعی و معین شد که از قرار دو قسمت نسبت به بیست و پنج قسمت باید اخذ و استیفاء سایر منافع کنند و نیز منافع مسبوقة در سنوات سابقه از زمان فوت جد و جدّه الی حال کائنه ما کانت مصالحه شد بمصطلح المزبور منضمّاً الی سایر الاعیان و الحقوق المزبوره بعقد واحد ببدل المسطور المزبور و شرط در ضمن عقد آنکه در صورتیکه سهام اربابی جد و جدّه که در خارج معلوم است از بیست و پنج قسمت کمتر شود بهمین نسبت دو قسمت کسر و تنزیل شود و در صورتیکه زیاد

از بیست و پنج قسمت عمل آمد مازاد مال آقا سعدالدین و اخوانش بوده باشد آقا محمد باقر و ولدانش زیاد از دو قسمت مطالبه و تصرف نکنند و نیز شرط شد در ضمن عقد سقوط و اسقاط تمامی دعاوی آقا سعدالدین و اخوانش از آقا محمد باقر المزبور من جمیع الوجوه کائنه ما کانت و ایضاً در ضمن عقد خسارج لازم شرط شد اسقاط دعاوی آقا محمد باقر از برادر آقا سعدالدین از بابت سهام ارثیه مزبوره تمامی مراتب مسطوره بقانون شرع انور سمت جریان پذیرفت و وقوع یافت .

كان ذلك في سادس شهر جمادى الثانيه من شهر سنة ١٢٩٩ هجرى.

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

وقع جمیع مازبر ورقم فيه من البداية الى النهاية فى المتن والهامش لدى الاحقر فى التاريخ المزبور وانا الآثم . [جای دومهر]^۱

وقع مارقم فيه لدى . [جای مهر]^۲

قد وقع مارقم فى المتن والهامش لدى الآثم . [جای مهر]^۳

۱- هر دو مهر بیضی کوچک با سجع : «محمد طاهر الحسینی» . ۲- مهری بیضی

با سجع : «عبدہ محمد شفیع» . ۳- مهری بیضی با سجع : «محمد حسین ابن عباس علی» .

مصالحه نامه مورخ ۱۳۰۳ هـ . ق .

در این سند حاجی الله قلی خلف حاجی نور علی سعد آبادی نیم دانگ
مشاع از حصه خود از ملک و اراضی جهان نما را به وجه المصالحه
مبلغ شصت تومان وجه ریال ناصر الدین شاهی به آقا سید محمد طاهر
مصالحه کرده است.

مصالحه صحیحه شرعیه اسلامیة نمود خیر الحاج والعمار حاجی الله قلی خلف مرحوم
حاجی نور علی سعد آبادی الاصل شهری المسکن همگی و تمامی نیم دانگ مشاع
از تمامت حصه و رسیدی خود از ملک و اراضی موسومه بجهان نما با جمیع توابع و
لواحق شرعیه از مزارع و مراتع و غیرهما من غیر استثناء شیء منها بجناب مستطاب
قبلة الانام آقا آقا سید محمد طاهر سلمه الله تعالی بمال المصالحه مبلغ شصت تومان
وجه ریال ناصر الدین شاهی مقبوض فی مجلس الصلح و شرط شد سقوط و اسقاط
کافة خیارات از طرفین من خیار الغبن والغبن فی الغبن ولو کان فاحشاً بل افحش و صیغه
صلح بالفارسیة والعربیة علی نهج الشریعة المطهرة سمت جریان پذیرفت .

وکان ذلك فی ثانی شهر جمادی الاولی

من شهور سنة هزار و سیصد و سه ۱۳۰۳ .

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

در محضرم واقع شده در تاریخ . [جای مهر]^۱

وقع مارقم فیله لدی الجانی . [جای مهر]^۲

وقع مارقم فیله لدی فی التاریخ . [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی با سجع: «رمضان علی ابن میرزا محمد». ۲- مهری بیضی با سجع:

«محمد الحسینی». ۳- مهری بیضی با سجع: «عبد محمد الحسینی».

الامر کما رقم حررته فی ۱۳۰۳ [جای مهر]

۴۴

مصالحه نامچه مورخ ۱۳۰۳ ه. ق.

در این سند آقا محمد ساوری حصه و رسد آقا میرزا بابا ساوری و فرج آقا و آقا حسین و آقا حسن را از ملک جهان نما به مبلغ چهار تومان و هشت هزار وجه مشین ریالی مصالحه کرده است.

چون عالیجاه آقا محمد ساوری خلف مرحمت پناه آقا حسینعلی ساوری حصه و رسد ابنای آقا میرزا بابای ساوری وهم آقا فرج و آقا حسین و آقا حسن از ملک جهان نما را که ارث مادر پدر مشارالیه بود و حسب الارث انتقال بمشارالیهم یافته است خریداری نمود بمبلغ چهار تومان و هشت هزار وجه مشین ریالی معروف به يك مثقال با اسقاط جميع خيارات از طرفین خصوصاً خيار الغبن والغبن فی الغبن ولو كان فاحشاً بل افحش که حصه و رسد مشارالیهم از جهان نما در خارج مشخص و معین است مطابق قبالة جداگانه که در دست آقا علی محمد مزبور است و حال را خواسته آقا علی محمد همان حصه و رسدی مشارالیهم را از ملک جهان نما بفروشد و جناب مستطاب آقائی آقا سید طاهر سلمه الله تعالی مشتری همان حصه و رسد شدند لذا مصالحه صحیحه شرعیه لازمه منجزه جامعه بر جمیع شرائط و ارکان و خالیه از عموم خلل و بطلان نمود عالیجاه آقا علی محمد مزبور بجناب مستطاب آقای معظم الیه سلمه الله تعالی همان حصه و رسد مشارالیهم را از ملک جهان نما که ارث مادر پدر مشارالیهم است حسب - الخارج مشخص و معین است با جمیع توابع و حقوق متعلقه بآن من غیر استثناء شیء من الحقوق والتوابع کائنه ما کانت بمال المصالحه مبلغ چهار تومان و هشت هزار وجه

مشین ریالی معروف به يك مثقال و شرط گردید از طرفین سقوط و اسقاط جميع خيارات خصوصاً خيار الغبن والغبن فی الغبن ولو كان فاحشاً بل افحش و بعد ذلك قبض و اقباض و تسليم و تسلیم در بدلین مزبورین صورت وقوع و تحقق پذیرفت و عالیجاه مصالح مزبور تخلیه ید از عین مصطلحه مزبوره نموده و بتصرف جناب آقای معظم الیه داده بناءً علیه گردید تمامت عین مصطلحه مزبوره با جميع توابع و حقوق متعلقه بآن من غیر استثناء شیء من الحقوق و التوابع کائنه ما كانت ملك و مال مصطلح معظم الیه سلمه الله تعالى فلهم التصرف فیها متى شآؤا و کیف شآؤا بالخير و البركات انشاء الله تعالى وصیغه مصالحه مزبوره حسب التفصیل المسطور جاری گردید.

وكان ذلك بتاريخ هفتم شهر جمادی الاولى

من شهر سنة هزار و سیصد و سه ۱۳۰۳ .

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد اقر واعترف المصالح بتمام فيه مما عليه لدى الاحقر فی ثامن شهر رجب ۱۳۰۳ .

[جای مهر]^۲

قد اقر واعترف المصالح بجميع ما رقم فيه لدى. [جای مهر]^۳

قد وقع ما فيه لدى. [جای مهر]^۴

قد وقع ما رقم فيه ... لدى الآثم فی التاريخ. [جای مهر]^۵

قد اقر واعترف المصالح لدى الآثم ۱۳۰۳ . [جای مهر]^۶

قد اقر واعترف بجميع ما رقم فيه لدى. [جای مهر]^۷

۱- مهری چهار گوشه باسج: «علی محمد بن حسینقلی». ۲- مهری چهار گوشه

باسج: «اللهم ادرقنی شفاعۃ الحسین». ۳- مهری بیضی با خط طغرا باسج: «وهاب

الحسینی». ۴- مهری بیضی کوچک باسج: «آمن سلیمان». ۵- مهری

بیضی باسج: «عبدہ الراجی علی اصغر». ۶- مهری بیضی با خط طغرا باسج: «یا صالح

المؤمنین». ۷- مهری بیضی باسج: «عبدہ احمد الحسینی».

اعترف بما فيه لدى الآثم. [جای مهر]

۴۰

مصالحه نامه چه مورخ ۱۳۰۵ ه. ق.

در این سند آقا سید صادق خلف میر بابای نوچمنی همگی و تمامی حصه خود و همشیره اش که زوجه حسن ابن ملا جعفر شبیه خوان است از ملک جهان نما به مال المصالحه مبلغ هفت تومان و چهار هزار و پانصد دینار وجه مشین ریالی به حاجی نورعلی سعد آبادی مصالحه کرده است.

غرض از ارتسام این کلمات شرعی الدلالات آنستکه مصالحه صحیحه شرعی لازمه منجزه جامعه بر جمیع شرایط و ارکان و خالی از عموم خلل و بطلان نمود سیادت و نجابت پناه آقا سید صادق خلف الصدق مرحمت پناه آقا میر بابای نوچمنی به جناب مستطاب آقائی آقا سید محمد طاهر سلمه الله تعالی و به خبر الحاج حاجی الهقلى خلف مرحوم حاجی نورعلی سعد آبادی علی المناصفه بینهما همگی و تمامی حصه و رسیدی خود و همشیره اش زوجه دائمه حسن بن مرحوم ملا جعفر شبیه خوان نوچمنی را از ملک جهان نما از مزارع و مراتع و جنگلستان و غیرها حسب المحدودیه الواقیه و لو اینکه حصه و رسیدی مشارالیهما نیم دانگ از يك دانگ از کل شش دانگ از ملك جهان نما بوده باشد با جمیع توابع و حقوق متعلقه بآن من غیر استثناء شیء من الحقوق والتوابع کانه ما كانت بمال المصالحة مبلغ هفت تومان و چهار هزار و پانصد وجه مشین ریالی معروف به يك مثقال که حصه همشیره از بدل الصلح المزبور يك هزار و پانصد است و شرط گردید از طرفین سقوط و اسقاط جمیع خیارات

خصوصاً خيار الغبن والغبن فی الغبن ولو كان فاحشاً بل افحش اگرچه يك تومان بیرزدو اگرچه صد تومان بوده موصوف بیرزد و بعد ذلك قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مزبورین صورت و تحقق پذیرفت و ضمان درك در صورتیکه مستحقاً للغير بر آید کلاً أو بعضاً عیناً أو منفعة به عهده مصالحین مزبورین است بناءً علیه گردید تمامت حصه و رسیدی مشار الیهما ملک و مال جناب مستطاب آقای معظم الیه سلمه الله تعالی و خیر الحاج حاجی الهقلى المزبور علی المناصفة بینهما فلهما التصرف فیها [متی] شائاً و کیف شائاً بالخیر والبرکات انشاء الله تعالی.

وكان فی چهاردهم شهر جمادى الاولى من شهور سنة هزار و سیصد و پنجاه ۱۳۰۵ هجری نبوی علی هاجرها آلاف التحية والثناء .

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد اقر السيد المصالح بما فيه من المصالحة وقبض تمام بدل سهمیه لدى الاحقر فی ۱۴ جمیدى الاولى ۱۳۰۵ . [جای مهر]^۱

آقا سید صادق المزبور اعتراف بمراتب مذکوره نمود و اجازه همیشره اش نیز معلوم محقق است. [جای مهر]^۲

قد اعترف بما رقم فيه لدى الجانى فى التاريخ. [جای مهر]^۳
وقع ما رقم فيه لدى الجانى فى التاريخ. [جای مهر]^۴

۱- مهری چهار گوشه باسجع: «اللهم ارزقنى شفاعه الحسين». ۲- مهری بیضی

باسجع: «الراجی الى الله محمد جعفر». ۳- مهری بیضی کوچک باسجع: «هدایت الله

الموسوی». ۴- مهری بیضی باسجع «عبدہ ناصر الدین الموسوی».

مصالحه نامچه مورخ ۱۳۰۷ ه. ق.

در این سند حاجیه خانم صبیّه کربلائی علیخان آقای قاجار سپانلو همگی و تمامی حقوق پدری خود را از خانه حاجی کربلائی علیخان واقع در بلده استرآباد نزدیک مدرسه حاجی محمد تقی خان و تمامی حقوق پدری خود را از دو سهم از یک دانگ از کل شش دانگ قریه کلاجان قاجار و نیز تمامی حقوق ابی خود را از قریه کالورا و سوتده از دو سهم کربلائی علیخان و نیز تمامی حقوق پدری خود را از یک دانگ از کل شش دانگ کلاسیان و ایضا همگی حقوق پدری خود را از دکان قصابی واقع در دارالخلافه طهران به انضمام حقوق پدری خود را از یک طغری تمسک عباسقلی خان سرهنگ برادر مصطلح از یک تومان الی دو یست تومان به مال المصالحه مبلغ یک عدد ریال مشین جدیدالضرب مضروب بیست و چهار نخود و مقدار ده سیر بوقر بلده نمک دامغانی به ابن عم خود آقا محمدجعفر مصالحه کرده است.

غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات و اوضحه البینات آنستکه مصالحه صریحه صحیحه شرعیة قطعیة جزئیة ملیة اسلامیة نمود در حال ادراک و شعور بدون اکراه و نفور علیاجاه خدارت و طهارت دستگاه حاجیه خانم صبیّه مرضیه مرحمت مآب کربلائی علی خان آقای قاجار سپانلو باین عم خود عالیجاه سعادت اکتناه آقا محمدجعفر خلف صدق مرحوم رضوانمکان ملا حیدرقلی آقا طاب ثراه همگی و تمامی حقوق پدری خود را از خانه حاجی کربلائی علیخانی واقع در بلده استرآباد قریب بمدرسه مرحوم حاجی محمد تقیخان که در خارج مشخصه و معینه است و تمامی حقوق پدری خود را از دو سهم از یک دانگ از کل شش دانگ قریه کلاجان قاجار و نیز تمامی

حقوق ابی خود را از قریه کالورا و سوتده از دوسهم حاجی کربلائی علیخان و نیز تمامی و جملگی حقوق پدری خود را از یکدانگ از کل شش دانگ قریه کلاسنگیان و ایضاً همگی و تمامی حقوق پدری خود را از دکان قصابی واقع در دار الخلافه طهران با تمامت توابع و متعلقات شرعی و کافه منضمات عرفیه و عادیه آنها از آنچه قابل تملیک و تملک و انتفاع است... بیوت و غیرها مما غلق علیه بابها و احاط به جدرانها و من المراتع و المزارع و مجاری المياه و القنوات الدائره و البائره و الشیارات و العیون و الانهار و الاشجار و الجناکل و الصحاری و البراری و الطواحن و التلال و الجبال و مقر البیوت و غیرها من کل التوابع التي يتعلق بكل واحد من القرى من القلیل و الكثير ذکر فیہ ام لم یذکر و سمی ام لم یسم که حقوق پدری مخدرة مسطوره از هر یک از اعیان مصطلحه مزبوره در خارج مشخص و معین است با انضمام حقوق پدری مشارالیه از یکطغری تمسک عالیجاه محمدمت همراه عباسقلیخان سرهنگ برادر مصطلح ازیک تومان الی دو بیست تومان وجه مشین بمال المصالحه مبلغ یکعدد ریال مشین جدید الضرب معروف به بیست و چهار نخود و مقدار ده سیر بوقربله نمک دامغانی مصوص و مأخوذی مصالحه مسطوره مخدرة عقد صلح صحیح شرعی قطعی جزمی حسب الوارد فی الشرع الانور سمت جریان پذیرفت و صارت الاعیان المزبوره و الاموال المسطوره ملکاً طلقاً و حقاً خاصاً خالصاً للمصطلح له التصرف فیها کتصرف المالك فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم متى شاء و کیف شاء این چند سطر بجهة تذکره قلمی گردید لدی الحاجة سند و مستند بوده باشد.

كان وقوع ذلك في خامس شهر جمادى الاخرى من سنة ١٣٠٧.

[بر حاشیه این سند عبارات زیر است:]

این سند صحیح و در کمال احکام و اتقان است . [جای مهر]^۲

۱- در حدود نیم سطر زیر تای کاغذ مانده و درعکس ظاهر نشده است. ۲- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی محمد رحیم».

وقع الصلح علی ماسطر لدی الآثم فی ۵ شهر جمادی الثانیه ۱۳۰۷ . [جای مهر]^۱
 صحیح و معتبر و مترتب الاثر است. [جای مهر]^۲
 صحیح و معتبر و لازم العمل است تخلف از مضمون این ورقه حرام و خلاف و غیر
 جایز است فی ۱۴ جمادی الاخری ۱۳۲۱ . [جای مهر]^۳
 قد وقع و ما وقع کما وقع والخیر فیما وقع بعد معرفتها ورشدها لدی الاقل .
 [جای مهر]^۴

وقع جمیع مارقم فیہ بالوكالة الشفاهیه لدی الجانی . [جای دومهر]^۵
 وقد وقع جمیع مارقم فیہ لدی الآثم . [جای مهر]^۶
 بسم الله الرحمن الرحیم
 صحیح معتبر معتمد علیہ معمول به حرره الاقل خادم اهل العلم والعمل فی جمیدی -
 الاخری ۱۳۲۱ . [جای مهر]^۷
 قد وقع مارقم فیہ لدی . [جای مهر]^۸
 صحیح و معتبر و لازم العمل است حررته فی لیلۃ سابع عشرین جمادی الثانیه ۱۳۲۱ .
 [جای مهر]^۹
 قد وقع جمیع ماذکر وزبر فی الورقة لدی الاقل . [جای مهر]^{۱۰}

- ۱- مهری بیضی با خط طغرا و سجع : « وهاب الحسینی » و مهری بیضی دیگر با سجع :
 « محمد مهدی بن محمد طاهر الحسینی » . ۲- مهری بیضی با سجع : « اللهم اغفر صفی الله » .
- ۳- مهری بیضی با سجع : « محمد طاهر الحسینی » . ۴- مهری بیضی کوچک با سجع :
 « محمد زکی » . ۵- مهری بیضی با سجع : « الراجی الی الله محمد جعفر » و مهری بیضی
 کوچک با سجع : « محمد هاشم الموسوی » . ۶- مهری بیضی با سجع : « عبده علی اکبر » .
- ۷- مهری بیضی با سجع : « عبده محمد طاهر الحسینی » . ۸- مهری بیضی با سجع : « میرزا
 رضا الحسینی » . ۹- مهری بیضی با سجع : « الراجی محمد حسین » . ۱۰- مهری
 بیضی کوچک با سجع : « یا محمد ۱۳۲۱ » .

۴۷

مصالحه نامچه مورخ ۱۳۰۷ ه. ق.

در این سند آقا میرزا جمال و آقا میرزا و آقا غفور تمامت منفعت هفت ماهه مساحت بیست و چهار قسمت زمین از اراضی مشخصه قریه چوپلانی را به مال المصالحه موازی دوازده خروار شالی کرده سرده از آقایان سید اسماعیل و سید جواد و سید علی و سید صادق قبول مصالحه کرده اند.

قبول مصالحه صحیحه شرعی لازمه جازمه نمودند سیادت انتسابان آقا میرزا جمال و آقا میرزا و آقا غفور موقوفه علیهم مرز نکلاته از آقایان عظام آقا سید اسمعیل و آقا سید جواد و آقا سید علی و آقا سید صادق مالکین قریه چوپلانی تمامت منفعت هفت ماهه مساحت بیست و چهار قسمت زمین از اراضی مشخصه ملک قریه چوپلانی محدود بحدود اربعه مفصله جنوباً پیوسته است بمرز سفیددار و شمالاً بخیا بان شمس - آباد شرقیاً بداریکاب غربیاً بآب دیوان بمال المصالحه موازی دوازده خروار بوزن بلده شالی کرده سرده و شرط گردید که هرگاه بیست و چهار قسمت زیاد تر هم شد از قرار قسمت بیست من وجه اجاره بدهند وصیغه مصالحه واقع شد.

در دهم شعبان المعظم ۱۳۰۷.

[بر بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

وقع مافیه لدی علی الوجه الصحیح لدی فی التاریخ حرره الاقل فی ۱۲ شوال المکرم

۱۳۰۷ [جای مهر]^۱

قد وقع مارقم فیه لدی . [جای مهر]^۲

۱- مهری بیضی با سجع: «محمد هادی». ۲- مهری بیضی با سجع: «عبد محمد»

مصالحه نامچه مورخ ۱۳۰۹ ه. ق.

در این سند آقا علی محمد همگی و تمامی نیم ربع از یک ربع از یک دانگ از کل شش دانگ از قریه جهان نما را به بدل الصلح مبلغ شش تومان وجه رایج ناصرالدین شاهی جدیدالضرب به آقا سید محمد طاهر صلح شرعی نموده است.

صلح صحیح صریح شرعی نمودعالیجاه عزت همراه آقا علیمحمد خلفمر حمت پناه آقا حسینقلی ساوری بجناب مستطاب شریعتآب عمادالعلماء الاعلام قدوة الفقهاء العظام كهف الحاج واشرف زائرین بیت الله الحرام الحاج آقا سید محمد طاهر سلمه الله الملك العلم همگی و تمامی و جملگی نیم ربع از یک ربع از یک دانگ از کل شش دانگ از قریه معروفه موسومه بجهان نما با جمیع توابع و لواحق شرعی و عرفیه ان كائنا ماكان از مزارع و مراتع و مجاری و صحاری و براری و از اراضی عامره و غامره و غیره ... سمی ام لم یسم ورقم ام لم یرقم من تخوم الارض الى عنان السماء ببدل الصلح مبلغ شش تومان وجه رایج ریالی ناصرالدین شاهی جدیدالضرب مقبوض فی المجلس الصلح با اسقاط كافة خيارات از طرفین حتی خيار الغبن و غبن فی الغبن خصوصاً از جانب مصالحمزبور و لو بلغ باعلی درجه و ضمان درك عین مصطلحه عند خروجها مستحقة للغیر كلاً او بعضاً عیناً ام منفعة برعهده مصالح است که از عهده بدل و غرامات وارده بر مصطلح معظم برآید قبض و اقباض تسلیم و تسلیم در بدلین واقع گردید و مصطلح معظم تصرف در آن نموده باملاك خود ملحق گردانید و له التصرف فیها کتصرف ملاك فی املاکهم متی شاء کیف شاء لایخفی آنکه از قرارداد دانگ دومن روغن بوقر بلده استرabad از بابت حق مراتع ده سیر بوقر بلده مزبوره روغن میشود و صیغه صلح منجز شرعی

صادر و واقع گردید.

وكان التحرير و اجراء الصيغه في يوم اربعة عشره من شهر ذي القعدة الحرام من
شهور سنة تسع وثلاث مائة بعد الالف من الهجرة مطابق سال قوى ثيل ۱۳۰۹.

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع جميع ما ذكر ورقم فيه لدى الاقل الاحقر. [جای مهر]^۲

مراتب مسطور و واقع شد اقل الحاج غلام حسين... [جای مهر]^۳

اقر بما رقم فيه لدى الآثم. [جای مهر]^۴

وقع تمام ما ذكر فيه لدى في التاريخ. [جای مهر]^۵

قد وقع جميع ما رقم من البداية الى النهاية لدى الاقل في التاريخ. [جای مهر]^۶

۴۹

مصالحه نامه چّه مورخ ۱۳۱۰ هـ. ق.

دراين سند عروس خانم زوجه مالا محمد صالح سيد ميراني حصه ورسد
خود را از املاك جهان نما كه ربع دانگك است به مال المصالحه مبلغ
دو تومان وجه مشين ريالى معروف به يك مثقال به آقا حسينقلی
ساوري مصالحه كرده است.

عرض از نگارش این کلمات شرعية الدلالات آنستکه مصالحه صحیحه شرعية لازمه
منجزه جامعه بر جميع شرائط و ارکان و خاليه از عموم خلل و بطلان نمود عفت و

۱- مهری کوچک بیضی نزدیک به دایره باسجج: «عبدہ علی محمد» . ۲- مهری

بیضی باسجج: «صراط علی حق تمسکه» . ۳- مهری بیضی باخط طغرا باسجج: «الراجی

غلام حسین» . ۴- مهری بیضی باسجج: «عبدہ الراجی علی اصغر» . ۵- مهری

بیضی باسجج: «العبد هدایت الله» . ۶- مهری بیضی باسجج: «محمد رضا» .

عصمت پناه عروس خانم زوجه جناب ملا محمد صالح سید میرانی بهالیه آقا علی - محمد خلف مرحمت پناه آقا حسینقلی ساوری همگی و تمامی حصه و رسد خود را از املاک جهان نما با جمیع توابع و حقوق متعلقه بآن من غیر استثناء شیء من الحقوق والتوابع کائنة ما كانت اگر چه حصه و رسد مشارالیها ربع دانگ از ملک جهان نما بوده باشد بمال المصالحه مبلغ دو تومان وجه مشین ریالی معروف به یک مثقال و شرط گردید از طرفین سقوط و اسقاط جمیع خیارات خصوصاً خیار الغبن والغبن فی الغبن ولو کان فاحشاً بل افحشاً چه پنجهزار بوجه موصوف مزبور قیمت عادلانه و ارزش آن باشد و چه ده تومان ارزش آن باشد و بعد قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مزبورین علی سبیل الحقیقه لارسماً للقبالة وقوع و تحقق پذیرفت و ضمان درک عین مصطلحه مزبوره در صورتیکه مستحقاً للغير بر آید کلاً او بعضاً عیناً او منفعة بعده آن عفت و عصمت پناه است بناءً علیه گردید تمامت عین مصطلحه مزبوره ملک و مال عالیه آقا علی محمد فله التصرف فیها متى شاء و کیف شاء .

و کان ذلك فی بیست و هشتم جمادی الاخری من ۱۳۱۰ .

[بر بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

وقع جمیع مارقم و زبر فیه لدی الاقل حررت فی ۲۸ جمادی الاخری من شهور ۱۳۱۰ .
[جای مهر]

قد وقع مافیه لدی الجانی . [جای مهر]^۲

قد وقع مارقم فیه لدی الاثم فی التاريخ . [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی با سجع : « محمد طاهر الحسینی » . ۲- مهری بیضی با سجع :

« عبده محمد حسن الموسوی » . ۳- مهری بیضی با سجع : « عبده الراجی علی -

اصفر » .

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۳۱۲ ه. ق.

در این سند طهماسب آقا همگی و تمامی یک دانگ از کل شش دانگ از یک باب خانه و حیاط خود واقع در گذر سرپیر از محلات شهر استرآباد را به بدل الصلح مبلغ بیست و پنج تومان وجه رایج فیزی ریال ۲۴ نخودی به آقا حسن خان مصالحه کرده است.

بسمه تعالی خیر الاسماء

مفاد از تحریر و تسطیر این عبارات شرعی الدلالات لایحه المقالات آنستکه مصالحه صحیحیه شرعیه قطعیه لازمه جازمه منجزه اسلامیه نمود در حال صحت مشاعروادراکو ثبوت عقل بالطوع والرغبه دون الجبر والکراهه عالیجاه عزت همراه طهماسب آقا خلفمرحوم مبرور نجف آقا بعالیجاه مجدت همراه حسنخان زیدعزه خلف مرحمت مآب مرتضی خان قاجار همگی و تمامت یکدانگ از کل شش دانگ از یک باب خانه و حیاط متصرفی خود را که واقع است در گذر سرپیر من محلات دارالمؤمنین استرآباد که محدود است بحدود ورقه معین و مشخص است در خارج مع توابع ولواحق شرعیه و عرفیه آن از حیاط و حیاض و جدار و مجری و ممر و مدخل مما تعد من توابعها و تحصی من لواحقها دون الاستثناء کائنه ما کانت ببدل الصلح مبلغ بیست و پنج تومان وجه رایج فیزی ریال معروف در ۲۴ نخودی المقبوض فی مجلس المصالحه مع شرط سقوط و هبوط کافه خیارات عن الطرفين خصوصاً خيار الغبن و الغبن فی الغبن ولو بلغ باعلی المدارج العالیه قبض و اقباض تسلیم و تسلیم در بدلین از طرفین جاری گردید و گردید یکدانگ خانه مزبوره ملک طلق متصرفی مصطلح مزبور وله التصرف فیها کتصرف المالك فی املاکهم وذوی الحقوق فی حقوقهم حیث شاء کیف شاء وضامن درک شرعی عین مصطلحه مرقومه خواهد بود مصالح معزی الیه عند خروجه مستحقه للغير از

عهده بدل و غرامات و خسارات وارده بر مصطلح کلاً و جزء بر آید و صیغه المصالحة الصحيحة الشرعية بعد الوکالة الشفاهیه كما ورد فی الشریعة النبویة عربیاً بعد الفارسیه مطابقاً لما ذکر وسطر مراراً و کراً جاری و واقع گردید.

فی ثمانية و عشرين مضمین من شهر ذی القعدة الحرام
من الشهور سنة ۱۳۱۲ هـ از اروس یصدود و از ده هجری ص.

[بر حواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

هوالتعالی

صدراً . . . و قبض العوض علی ما رقم فی الصفحة لدى الاحقر . . . المصالح
المزبور و . . . بتاريخ ۲۸ ذی القعدة الحرام ۱۳۱۲ . [جای مهر]^۱
اقر حررته لیومین بمارقم فیہ کما فیہ لدى شهر ذی حجة الحرام ۱۳۱۲ . [جای مهر]^۲
حضر المصالح و اقر بما فیہ کما فیہ لدى فی دوم ذی حجة ۱۳۱۲ . [جای مهر]^۳
وقع الامر کما فیہ لدى الاقل . [جای مهر]^۴
مراتب مسطورة متن مرضی الطرفین واقع و جاری گردید بمورخه متن ۱۳۱۲ .
[جای مهر]^۵
اقر و اعترف بما فیہ لدى . [جای مهر]^۶

۱- مهری چهار گوشه باسجع: «عبدہ الحسن بن عباس علی». ۲- مهری بیضی با
سجع: «عبدہ الراجی ابراهیم الحسینی». ۳- مهری چهار گوشه باسجع: «یا امام محمد
تقی». ۴- مهری بیضی باسجع: «عبدہ نظر علی». ۵- مهری گلابی شکل باسجع:
«یا امام محمد تقی ۱۲۸۷». ۶- مهری بیضی باسجع: «هستم زجان غلام حسین».

مصالحه نامه‌ی مورخ ۱۳۱۳ هـ . ق .

در این سند کربلائی حسن تمامت یک سهم مشاع از کل شش دانگ
قریه‌ی اترچال واقع در شمال شهر استراباد را به مبلغ سی و دو تومان و
پنجاهزار دینار وجه ریال جدید الضرب چرخ‌ی رواجی ریالی
یک مثقال وزن ده عدد یک تومان به آقا ملا نصرالله مصالحه کرده
است.

بعد الحمد والتصلیه

غرض از تحریر و باعث بر تسطیر این صحیفه صدق ترجمه آنستکه در کمال صحت‌مندی و
میل و رغبت و با شرط سقوط و هبوط کفایت خیارات و خیالات از طرفین لاسیما
خیار الغبن و الغبن فی الغبن و لو کان فاحشاً بل افحش مصالحه صحیفه صریحه شرعی
لازمه جازمه منجزه ملیه اسلامی نمود حامد اطوار توفیق آثار عالمقدار خیر الزوار
کربلائی حسن خلف مرحوم محمد صادق بعالی جناب معارف آداب قدسی نصاب عمده
العلماء العظام و زبده الفضلاء و الفقهاء الکرام آقا ملا نصرالله سلمه الله تعالی تمامت یک سهم
مشاع از هشت سهم از نیمه دانگ مشاع از چهار دانگ مشاع از کل شش دانگ قریه
موسومه به اترچال واقع در شمال شهر استراباد من قراء استراباد رستاق با جمیع
توابع شرعی و لواحق عرفیه و منضمات عادیّه آن از حدود و سامان از مجری المیاء و
قنوة دائره و آبدنگ و آسیا و خانه قاهه و محل زراعت صیفی کاری و شتویکاری و
مراتع و مرايض و باغستان و توستان و جنگلستان و کلماتی بعلی بهاسمی ام لم یسم و ذکر
ام لم یدکر من ثری الی ثریا بمال المصالحه مبلغ سی و دو تومان و پنجاهزار دینار وجه
ریال جدید الضرب چرخ‌ی رواجی ریالی یک مثقال وزن ده عدد یک تومان مقبوض و

مسلم در مجلس مصالحه و قبض و اقباض در هريك از بدلين مزبورين واقع و جاری گردید و مصالح مذکور تخلیه‌یید از مقدار یکسهم نموده و بتصرف مصطلح معظم خود داده و مصطلح معظم تصرف مالکانه در مقدار یکسهم نموده و بسایر املاک متصرفی خود منضم کرده کتصرف سایر الملاک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم وله التصرف فیها متی شاء و کیف شاء و این شاء و ضمانت درك عین مصطلحه عنه عند خروجهام مستحقه للغير کلاً^۱ ام بعضاً عیناً ام منفعة^۲ بر عهده مصالح مذکور است از عهده ضرر و غرامات وارده بر مصطلح معظم خود بر آید و صیغه مصالحه بینهما ایجاباً و قبولاً^۳ و فارسیاً و عربیاً بالوكالة الشفاهیه واقع و جاری گردید.

و كان ذلك فی ۲۵ شهر ذیقعدة الحرام من شهر سنة ۱۳۱۲.

[بر حاشیه بالای این سند عبارت زیر نوشته شده است:]

وقع جميع ما فيه من الصیغة و قبض البدل لدى الاحقر . [جای مهر]^۱

۱ - مهری بیضی کوچک که کلمات « مولانا و موسی و نجف » بر آن خوانده

می شود .

مصالحه نامه چة مورخ ۱۳۱۳ هـ . ق .

در این سند سعادت بیگم صبیة محمد شریف مفیدی همگی و تمامی
حصه و رسد خود را از قریه و ملک گرجی محله به مبلغ پنجاه و چهار
تومان و پنجهزار وجه نقد رایج فضی ناصر الدین شاهی به کربلائی
آقا بزرگ مصالحه نموده است .

بسم الله تعالى شأنه
هو المالك بالاستحقاق
نحمد الله قبل كل مقال
ونصلى على النبي وآل

نحمد ونصلى

غرض از تحریر این سطور شرعیت دستور و غایة از تقریر اینمعانی ملیة منظور
آنستکه مصالحه صریحه شرعیة ملیة اسلامیه ارادیة اختیاریه عالمه عامده در
حالة صحت نفس و ثبات عقل و جواز تصرف مشتمله بر جمیع شرایط و ارکان و خالیه
از کافه عموم نواقص و خلل و بطلان بالطوع و الرغبة لابلجبر و الکراهة نموده عفت و
عصمت پناه خدات دستگاه سعادت بیگم صبیة مرضیه مرحمت پناه فردوس ایاب
آقا محمد شریف المفیدی الموسوی طاب ثراه بعالیجناب معالی القاب سلالة السادات
العظام الکرام آقا محمد باقر الشهیر بکربلائی آقا بزرگ خلف الصدق مرحمت پناه
فردوس ایاب خلد نصاب آقا آقا سید محمد المفیدی الموسوی طاب ثراه و جعل الجنة
مشواه همگی و تمامی حصه و رسد آن عفت پناه از قریه و ملک گرجی محله که واقع است
در بلوک سدن رستاق من بلوکات بلدة دار لمؤمنین استر اباد با جمیع توابع شرعیه
و لواحق عادیه و منضمات عرفیه از مزارع و مراتع و جناکل و صحاری و حق الارض
قنوات واقعه در آن قریه و ملک مزبور و حق خانه قاهه و حق آبدنگ و آسیاب و انار باغ و
توت باغ و قنوات متعلقه به شش دانگ آن قریه مزبوره و غیرها از سایر حقوقات

دیگر رسمی ام لم یسم و ذکر ام لم یذکر عن آنچه ملکیت را سزد و شاید و قابل تملک و تصرف و انتفاع بوده باشد و نفع در آن متصور شود من تخوم الارض الى عنان السماء کائنه ما کانت من دون استثناء شیء من التوابع و المنافع و الحقوق که در خارج مشخص و معین است ملکی متصرفی مصالحه مزبوره است که از مرحمت پناه پدرش آقا محمد شریف حسب الارث انتقال شرعی یافته اگر چه برسد تمامت حصه و رسیدی مصالحه مزبوره از آن ملک و قریه مزبوره مساوی نیمدانگ از کل شش دانگ که بصلح منجز شرعی مصالحه شرعیه نمود مصالحه مرقومه بمصطلح معزی الیه تمامت عین مصطلحه را بتوابعها الشرعیه ببدل المصالحه معین مبلغ پنجاه و چهار تومان و پنج هزار وجه نقد رایج قضی ناصر الدین شاهی جدید الضرب مشین ریالی معروف به یکمئقال نصفه مبلغ بیست و هفت تومان و دوهزار و پانصد وجه رایج موصوف است مقبوض و مأخوذی مصالحه مزبوره در مجلس وقوع الصلح و شرط سقوط و اسقاط کافه خیارات از طرفین لاسیما خیار الغبن و الغبن فی الغبن و لو کان فاحشاً و لو بالمدارج العالیه بلغ ما بلغ و مصطلح معزی الیه نیز قبول مصالحه شرعیه علی النهج المرقوم نموده و مصالحه مزبوره تخلیه ید از عین مصطلحه نموده و بتصرف مصطلح معظم الیه و اگذار نموده و بعد ذلك قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مرقومین از روی حقیقه نه رسماً للقباله سمت تحقق گرفت و گردید عین مصطلحه ملک طلق جناب مصطلح معزی الیه فله التصرف فیها کتصرف الملاك فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم متى شاء و کیف شاء و این- شاء بالخیر و البرکات و در ضمن عقد صلح شرط شد ضمانت در کشرعی عین مصطلحه و منافع آن و خسارات و غرامات وارده بر مصطلح معزی الیه در صورتیکه عین مصطلحه کلاً او بعضاً عیناً ام منفعة مستحقه للغير بر آید مصالحه مزبوره از عهده بدل و غرامات و خسارات وارده بر مصطلح مومی الیه بر آید و صیغه مصالحه صحیحه شرعیه بالعریه و الفارسیه و مشتمله علی الایجاب و القبول کماورد عن الرسول بو کالتهما الحضور به

على النهج المرقوم جاری وواقع گردیده .

وكان وقوع ذلك في چهاردهم شهر رجب المرجب من شهر

العربية سنة هزار و سبصد و سیزده هجرى نبوى سنة ۱۳۱۳ .

[بربالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

بعدالمعرفة اقرت بمافیه لدى الاقل حررته فی ۱۹ شهر رجب المرجب ۱۳۱۳ .

[جای مهر]^۱

قد اقرت و اعترفت معروفة بمافیه من المصالحة و قبض البدل كما هو المحرر لدى

الاحقر فی ۱۷ شهر رجب ۱۳۱۳ . [جای مهر]^۲

سعدت بیگم اقرار و اعتراف بمراتبه مسطوره نمود . [جای مهر]^۳

قد وقع الصلح المزبور من المصالحة المسطور و قبض تمام البدل لدى الاقل فی

۱۴ شهر رجب المرجب ۱۳۱۳ . [جای مهر]^۴

لقد اجریت صیغة الصلح قبولاً منی بالوكالة الشفاهیه و وقع اخذ البدل لدى الجانی .

[جای مهر]^۵

وقع مارقم فیله لدى الآثم فی التاريخ . [جای مهر]^۶

قد وقع جميع مارقم وزبرفیه من المصالحة الشرعیه بوکالتهما الحضوریه و قبض البدل

لدى الآثم فی ۱۴ شهر رجب المرجب ۱۳۱۳ . [جای مهر]^۷

۱- مهری بیضی کوچک باسجع: «محمد طاهر الحسینی». ۲- مهری چهار گوشه

باسجع: «ارزقنی شفاعة الحسین». ۳- مهری بیضی باسجع: «عبد مهدی الموسوی».

۴- مهری بیضی باسجع: «عبد الراجی محمد صادق الحسینی». ۵- مهری بیضی باسجع:

«الراجی الی الله محمد جعفر». ۶- مهری چهار گوشه باسجع: «اسحق الحسینی».

۷- مهری بیضی باسجع: «یا ابالقاسم ادرکنی».

۵۳

مصالحه نامه چه مورخ ۱۳۱۳ ه . ق .

در این سند آقا میرزا مقیم وزیر لشکر استرآباد شش دانگ قریه آزاد محله واقع در بلوک سدن رستاق استرآباد را که خالصه دیوانی بوده و از دیوان اعلیٰ ابتیاع کرده است به اولاد زاده های خود مصالحه کرده است و عبدالله خان سردار امجد ملک مزبور را و کاله به آقا سید نصراله خان سر تیپ فروخته است .

باعث بر تحریر آنکه مرحوم مبرور آقا میرزا مقیم وزیر لشکر استرآباد شش دانگ قریه آزاد محله واقع در بلوک سدن رستاق استرآباد را که خالصه دیوانی بوده است و از دیوان اعلیٰ ابتیاع کرده در حال حیات خود بقصد صلح منتقل نموده به اولاد زاده های خودش یک پسر صغیر مسما بمیرزا محمد خان و بیک دختره صغیره خود طلاخانم و یک دختره کبیره خود خانم ننه بوده باشد خانم ننه حق خود را منتقل کرده بوالده خودش گوهر تاج خانم حضرتمستطاب بندگان اجل افخم آقای سردار امجد آقای میرزا عبدالله خان حکمران مازندران دام اقباله که صاحب اختیار صغار و وصی مرحوم میرزا مقیم بودند با و کالت صحیحه از گوهر تاج خانم و والده صغار و کبیره با ملاحظه صرفه و غبطه و مرحمت با اولاد زاده های مرحوم میرزا مقیم مصالحه صحیحه شرعیه قطعیه لازمه جازمه فرموده اند تمامت کل شش دانگ قریه آزاد محله واقع در بلوک سدن رستاق من بلوکات استرآباد را من جمیع الجهات از خشکه و آبی و مزرع و مرتع و قنوات و خانقاهه مع سایر ملحقات و منضمات داخله و خارجة آن از صحرای و براری و معموره و مخروبه و اصطلاح و کلمه متعلق بها و شراشرا ؟ آنچه را که آزاد محله صدق میکند بمقرب الخاقان معتمد السلطان آقا سید نصرالله خان سر تیپ طهرانی الاصل

استرآبادالمسكن بمال المصالحة مبلغ شش صد تومان وجه قرآن مسكوك ناصرالدين - شاهي مأخوذ صيغة مصالحة جاری شد و لذا گردید باجراي عقد و اخذ نقد تمامت شش دانگ قریه آزاد محله بحدودها الواقعه ملك طلق سيد نصرالله خان سرتیب كه بای نحو شاء و اراد تصرف مالكانه نماید.

كان وقوع ذلك فی هشتم ذیقعدة الحرام
من شهر سنة ۱۳۱۳ مطابق پیچی ثیل .

[بر حواشی این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

این معامله متن صحیح و غبطه صغار هم بوده و هست. [جای چهارمهر]^۱
ملك مزبور را این بنده سید نصرالله و کیل بودم از جانب جناب مستطاب قبله الانام خداوندیگاری حاجی سید محمد طاهر مجتهد سلمه الله تعالی خریدم بجهت معزی الیه هر چند باسم بنده است و احتیاطاً نقل به معزی الیه نمودم بوجه مأخوذ فی شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۱۳. [جای مهر]^۲

مسطور در ورقه صحیح است. [جای مهر]^۳
بمراتب مسطور متن اگر هم نصرت خانم عمه مقرب الخاقان آقا میرزا محمد خان والدۀ مشارالیه باین بنده گفتند این معامله برای صغیر بصرفه مقرون بود حرره .

[جای مهر]^۴

مسطورات در ورقه صحیح است فی شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۱۳. [جای مهر]^۵
مسطورات ورقه و انتقال معتمد السلطان آقا سید نصرالله خان سرتیب صحیح است و

- ۱- مهری بیضی کوچک با سجع: «محمد یوسف» و دومهر بیضی با سجع: «کنیز فاطمه نصرت» و مهری بیضی دیگر با سجع: «گوهر تاج».
- ۲- مهری بیضی با سجع: «نصرالله الحسینی».
- ۳- مهری بیضی با سجع: «محمد علی ابن علینقی».
- ۴- مهر بیضی با سجع: «عبدالله الحسینی».
- ۵- مهری بیضی با سجع: «ناظم الایاله».

اقرار نمودند فی شهر شعبان المعظم بیچی ٹیل ۱۳۱۴ . [جای مهر]^۱

قد وقع الامر کما رقم وانا اجریت الصیغه . [جای مهر]^۲

بسم الله وله الحمد

قد وقع الامر کما رقم بمحضری وانا الجانی الحائری ابن المرحوم الحاج ملا ابو الحسن

المازندرانی اللارجانی فی [التاریخ] [جای مهر]^۳

بسم الله وله الحمد

بوکالة حضرت مستطاب اجل آقای دام اقباله العالی قد وقع مارقم فيه علی النحو

المقررفیه و اعترف دام اجلاله بقبض مال الصلح لدى فی سیم شهر ذیقعدة الحرام

۱۳۱۳ . [جای مهر]^۴

مراتب مسطورة متن و انتقال و اقرار معتمد الخاقان سید نصرالله خان سرتیب صحیح

است شهر ذیقعدة ۱۳۱۳ . [جای مهر]^۵

هو

قد وقع الصلح علی النحو المسطور فی الورقة لدى وانا الجانی الفانی فی ۳ شهر ذیقعدة

۱۳۱۳ . [جای مهر]^۶

این سند معامله صحیح است عبدالله ... [جای مهر]^۷

۱- مهری بیضی باسجع: «یا حبیب الله». ۲- مهری چهار گوشه باسجع «لا اله الا الله

الملك الحق المبین عبده رحیم». ۳- مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی عبدالحسن».

۴- مهری بیضی باسجع: «یا امام زین العابدین». ۵- مهری بیضی باسجع: «عبده نصرالله».

۶- مهری چهار گوشه باسجع: محمد نصیر بن نصرالله». ۷- مهری بیضی باسجع:

«عبدالله سردار امجد».

مصالحه نامه مورخ ۱۳۱۶ ه. ق.

در این سند نوش آفرین خانم بنت محمد بن محمد حسن آقای قاجار همگی و تمامی مدعا بهاء خود را از بابت يك دختر حصه سهمی امی خود از تمامت اموال و املاك از ملك اتر اچال و خانه واقعه در میان قاپی و قطعه زمین واقعه در جنوب دروازه مشهور به بسطام و اثاث البیت و طلا آلات و رخوت زنانه به خالوی خود حسین خان آقا ابن مرتضی قلی آقای قاجار مصالحه کرده است.

باعث برار تمام این ارقام خجسته فرجام آنستکه در کمال میل و رغبت و اختیار بلاشائبه عتف و اجبار صلح صحیح صریح منجز شرعی مخلد ملی نمود زوجه دائمه مشهدی رجب آهنگر عفت پناه نوش آفرین خانم بنت مرحوم محمد ابن مرحوم محمد حسن آقای قاجار به خالوی خود عالیجاه عزت همراه حسین خان آقا خلف مرتضی مرتضی - قلی آقای قاجار همگی و تمامی مدعا بهاء خود را از بابت يك دختر حصه سهمی امی خود از تمامت سهمی اموال و املاك مرحوم مرتضی قلی آقائی و قمر بی بی که در پهلوی حسین خان آقا بوده و میباشد از ملك اتر اچال و خانه واقعه در میان قاپی که در خارج معین و مشخص میباشد و قطعه زمین واقعه در جنوب دروازه مشهوره به بسطام و اثاث البیت از فروش و ظروف مطلقاً و طلا آلات و رخوت زنانه و سایر چیزهایی که قابل و لایق تمليك و تملك و میراث بوده من القلیل والكثیر سمی ام لم یسم محققه کانت او مقدرة مظهر تا کانت او مضمره که بر خالوی خود عالیجاه مصطلح معظم داشت بمقداری که یک دختر حصه از تمامت سهمی ملکی مرتضی قلی آقائی و قمر بی بی که در پهلوی سهمی ملکی مصطلح مذکور بوده و میباشد از تمامت چهار دانگه قریه

اتراچال از آبی ودیمی و مجری المیاه و قنوت دائره و باثره و آبدنگ و آسیاء و
مزارع و مراتع و مراض و خانقاه و جنگلستان و باغستان سمی ام لم یسم و ذکر اولم
یذکر من القلیل و الکثیر توضیحاً آنکه مقداریکه یکدختر حصه از محصول آبی
سهمی مرتضی قلی آقائی و قمری بی در پهلوی حسنخان آقای مصطلح در ابن او ان
موازی چهار بار شلتوک میشود شرط در ضمن عقد خارج لازم مقرر گردید که ملتزم
شرعی گردیدند هر یک از مصالحه و مصطلح که هرگاه از حال تحریر ورقه الی غایه
پنجاه سنه هلالیه آتیه در بابت این صلح واقعه مدعی فساد شوند چه توریه بوده نقل و
انتقال ... وجه اجبار و بی شعوری بنمایند قبل از ثبوت و اثبات هر یک از طرفین مبلغ
پانصد تومان وجه رایج الحال بدیگری دادنی بوده باشند و یا اینکه بتوکیل الغیر از
مال مدعی نقل بخود نماید بعد از زحمت زیاد و تقلا و تلاشی این مقدار از شلتوک ...
بجهت مدد معاش ملک و مال نوش گردیده که نوش جان فرماید و صیغه مصالحه صحیحه
صریحه بینهما بالوکالة الشفاهیه ایجاباً و قبولاً عربیاً و فارسیاً بتاریخ بیست و ششم
شهر جمادی الثانیه من مورخه سنه ۱۳۱۶ هجری جاری گردیده .

[بر بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد اجريت الصیغة المصالحة الصخیحة الشرعية بوكالة شفاهیه عن المصطلح والمصالحة
على النحو المسطور فی الورقة لاربعة ایام بقین من جمیدی الثانیه ۱۳۱۶ .

[جای مهر]^۲

هو المستعان

اقرت واعترفت بعدما كانت معروفة بمافیه كما فیه لدى فی التاريخ.

[جای مهر]^۱

۱- مهری بیضی باسجع : «عبدہ الراجی ابراهیم الحسینی» . ۲- مهری بیضی

بزرگ باسجع : «عبدہ الراجی محمد رحیم» .

بسم الله الرحمن الرحيم

صحيح معتمد في مدلوله ومفاده على حده واستعداده فليعمل عليه ولا يتخلف عنه حررته
في ذى قعدة الحرام ١٣١٦ . [جای مهر]



مصالحة نامچه مورخ ۱۳۱۶ ه . ق .

در این سند نوش آفرین خانم دختر محمد بن محمد حسن آقای
قاجار تمامت نصفه يك دختر حصه سهمی و موروثی امی خود را
از چهار دانگ قریه اترآجال به بدل المصالحة مبلغ چهل تومان
وجه ریال جدید الضرب چرخي رواجی مظفر الدین شاهی ریالی
يك مثقال وزن ده عدد يك تومان به غلام حسین خان پسر کر بلائی
محمد رحیم خان قاجار قرا سپانلو مصالحه کرده است.

باعث بر تحریر و تسطیر این ارقام خجسته فرجام آنستکه در کمال صحت و میل و
شعور و ادراك و رغبه و اختیار بلاشائبه عنف و ... و اجبار مصالحه صحیحه صریحه
جازمه منجزه ملیه اسلامیة اختیاریه نمود عفت پناه نوش آفرین خانم بنت مرحوم محمد
ابن محمد حسن آقای قاجار بعالیجاه عزت همراه نتیجه الخوانین العظام مقرب الخاقان و
معتمد السلطان غلام حسین خان خلف مرحمت پناه علین آرامگاه کربلائی محمد
رحیم خان قاجار قرا سپانلو تمامت نصفه يك دختر حصه سهمی موروثی و امی خود را
از تمامت سهمی ملکی مرحوم مرتضی قلی آقائی و قمری بی که در پهلوی سهمی
ملکی عالیجاه حسین خان آقامیباشد از تمامت چهار دانگ قریه اترآجال من قراء استرآباد

از آبی و دیمی و مجری المیاه و قنوات دائره و باثره و آبدنگ و آسیاه و محل زراعت
 صیفی کاری و شتویکاری و مراتع و مراض و خانقاهه و باغستان و توستان و جنگلستان و
 سایر چیزهائی که قابل و لایق تملیک و تملک است من القلیل و الکثیر سمی ام لم یسم و
 ذکر ام لم یدکر من ثری الی ثریا با شرط سقوط و هبوط خیار الغبن من الطرفین و
 غبن الغبن و لو کان فاحشاً بل افحش و با امضاء و اجازه زوج خود مشهدی رجب آهنگر
 خلف مرحوم عباسعلی بیدل المصالحه مبلغ معین چهل تومان و جهریال جدید الضرب
 چرخى رواجی مظفر الدین شاهی ریالی یک مثقال وزن ده عدد یکتومان مسلم و مقبوض
 در مجلس مصالحه و قبض و قباض و تسلیم و تسلیم در هر یک از بدلین مزبورین
 واقع و جاری گردیده و مصالحه مزبوره تخلیه‌اید از مقدار نصفه یکدختر حصه سهمی
 خود نموده و بتصرف مصالح معظم خود داده و او نیز تصرف مالکانه نموده و بسایر
 سهام خود ملحق و منضم کرده کنصرف الملائک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم و
 له التصرف متی شاء و این شاء و کیف شاء مع شرط ضمانت درک عین مصطلحه عیناً
 منفعة أمستحققة للغير بر عهده مصالحه مرقومه است از عهده ضرر و غرامات وارده بر مصطلح
 خود بر آید و صیغه مصالحه بینهما بالعمریة و الفارسیه ایجاباً و قبولاً بالوكالة
 الشفاهیه . بتاریخ غره شهری ذی قعدة الحرام من مورخه سنه هزار و سیصد و شانزده
 ۱۳۱۶ هجری جاری گردید.

[بر حاشیه سمت راست و بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

واضح بوده باشد فی غره شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۱۷ هجری تمامت عین مصطلحه
 مرقومه متن نقل منجز شرعی گردیده باشراف الاخیار و الزوار کربلائی حسن بیدل -
 المصالحه مبلغ چهل و پنج تومان وجه ریال جدید الضرب چرخى مقبوض در مجلس
 مصالحه با اسقاط کافه خیارات از طرفین و قبض و قباض و تسلیم و تسلیم در هر یک

از بدلین مزبورین واقع و جاری گردیدلدى الاقل. [جای سه مهر]^۱
هوالمستعان

قدوقع مافیه من الصلح المنجز وقبض البدل على ما زبر فيه لى فى التاريخ.

[جای مهر]^۲

قداعترف بالصلح المنجز و قبض البدل لى لیومین مضیامن ذیقعدة الحرام ۱۳۱۶.

[جای مهر]^۳

بسم الله الرحمن الرحيم

صحيح فى مؤديه معتمد فى مقتضاه فليعمل عليه ولا تتخلف عنه ولقد حررته فى ذى قعدة-

الحرام ۱۳۱۶. [جای مهر]^۴

وقع بمارقم فيه لى. [جای مهر]^۵

-
- ۱- مهرى بیضی کوچک باسجع : « مولای نجف علی ». و مهرى بیضی باسجع « محمد یوسف » و مهرى بیضی باسجع : « غلام دین محمد ابراهیم ». ۲- مهرى بیضی بزرگ باسجع « عبده الراجی محمد رحیم ». ۳- مهرى بیضی بزرگ باسجع : « عبده الراجی عبدالکریم الحسینی ». ۴- مهرى بیضی باسجع « عبده محمد طاهر ابن محمد ». ۵- مهرى چهار گوشه که درست نکرفته است.

مصالحه نامچه مورخ ۱۳۱۷ ه . ق .

در این سند ملا محمد رحیم همگی و تمامی سه دانگ مشاع از کل شش دانگ يك باب خانه واقعه در محله میدان در گذر میر کریمی استر اباد را که ملک تصرفی او و برادرش محمد مهدی است به مال- المصالحه مبلغ پنجاه و پنج تومان وجه قران مظفر الدین شاهی جدید الضرب معروف به مشین يك مثقالی به کر بلائی محمد مهدی بقال مصالحه کرده است .

نحمد الله قبل كل مقال

ونصلي على النبي وآل

غرض از ارتسام این ارقام خجسته فرجام شرعية الانتظام آنستکه مصالحه صحیحه شرعية قطعية جزمیه لازمیة ملیة اسلامیه نمود در حال صحتة نفس و ثبات عقل بالطوع والرغبة والاختیار لا بالعنف والاکراه والاجبار عالمأعامداً عالیحضرت پسندیده فطرت ملا محمد رحیم خلف مرحوم کر بلائی محمد کریم بن صفر علی بخیر الزائرین کر بلائی محمد مهدی بقال خلف مرحوم مشهدی جعفر همگی و تمامی سه دانگ مشاع از کل شش دانگ یک باب خانه ملکي متصرفی مصالح و اخوی او محمد مهدی که مصطلح از جانب مرحوم پدر انتقال شرعی بدو برادر یافته که واقعه است در محله میدان در گذر میر کریمی محدود بحدود اربعه در ظهر بانضمام تمامت متعلقات شرعية آن از عرصه و بیوتات تحتانی و فوقانی و حیاض و انهار و اشجار و سایر از متعلقات مما غلق علیه بابها و احاط به جدرانها من تخوم الارض الى عنان السماء بمال المصالحة معین و مشخص

مبلغ پنجاه و پنج تومان وجه قران مظفرالدین شاهی جدید الضرب معروف بمشین یک مثقالی و شرط شد سقوط و اسقاط كافة خيارات از طرفین حتی خيار الغبن والغبن فی الغبن وان كان بالمراتب العالیه والمدارج المتعالیه ثم بعد ذلك قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در هریک از بدلین حقیقه لارسماً للقبالة و قوع یافته عالمیرتبه مصالح تخلیه بد از عین مصالح علیها نمود بتصرف مصطلح داد و او نیز تصرف مالکانه در آن نموده ضم بسایر رقبات خود نمودله التصرف فیها کنصرف الملاك فی املاکهم وذوی الحقوق فی حقوقهم متى شاء و کیف شاء و انی شاء و ضمان درک غبن مصطلحه برعهده مصالح است که عند ظهوره مستحقة للغير کلاً او بعضاً عیناً ام منفعة باید از عهده بدل و غرامات وارده بر خیر الزاثرین مصطلح مرقوم او من يقوم مقامه بر آید کائناً ما کان و بالغاً مبلغ و صیغه مصالحه شرعیة قطعیة جزئیة لازمیة ملیة اسلامیة جامعه بر جمیع شرائط و ارکان و خالیه از عموم خلل و بطلان بوکالتهما الحضوریه ایجاباً و قبولاً عربیاً و فارسیاً جاری و واقع گردید .

و کان ذلك فی رابع عشر شهر جمیدی الاولی سنه

هزار و سیصد و هیفده هجری نبوی صلعم ۱۳۱۷ .

[جای مهر]^۱

[بر حواشی بالا و سمت راست عبارات زیر نوشته شده است:]

اعترف بما رقم فيه لدى الاقل مع قبض تمام البدل فی ۳ شهر جمادی الثانیه ۱۳۱۷ .

[جای مهر]^۲

قد وقع ما فيه من المصالحة اللازمیه بوکالة الحضوریه و قبض البدل کله لدى الاقل و قد اقرت المصالح مشهديه لیلاً بكون العین المصطلحة ملكاً لاخیهما بصلح ایهما

۱- دو مهر بیضی ناخوانا ذیل سند است. ۲- مهری چهار گوشه بزرگ با سجع: «المبدالجانى علینتی الحسینی».

ایاه حال حیوته لسی الاحقرو کان وقوع ذلك فی ۱۴ جمیدی الاولی ۱۳۱۷ .
[جای مهر]^۱
اقرو اعترف المصالح بالصلح و اخذ تمام البدل فی ۳ جمادی الثانیه ۱۳۱۷ لسی
الاحقر . [جای مهر]^۲

یوم دوازدهم شهر ذیحجه الحرام هزار و سیصد و هیجده مشهدی مهدی خلف مرحوم
کریم اخولی اقرار و اعتراف نمود در نزد احقر که سه دانگ خانه مزبوره در متن ملک
و مال کربلائی مهدی است و نیز کربلائی مهدی هم اقرار و اعتراف نمود سه دانگ
همین خانه ملک و مال مشهدی مهدی است حاصل شش دانگ خانه بین ما دو نفر
بالمناصفه است . [جای مهر]^۳

بتاریخ ۲۴ شهر ذیحجه الحرام سنه یک هزار و سیصد و هجده ۱۳۱۸ مشهدی مهدی برادر
ملا محمد هم اقرار نمود سه دانگ خانه که مشهدی رحیم به کربلائی مهدی فروخته
ملک و مال کربلائی مهدی میباشد شرعاً کسی حق از آن سه دانگ ندارد .

[جای دومهر]^۴

۱- مهری چهار گوشه باسج: «ارزونی شفاعة الحسین». ۲- مهری بیضی باسج:

«عبد محمد بن غلامعلی». ۳- مهری بیضی باسج: «یعقوب الحسینی». ۴- مهری

بیضی کوچک باسج: «عبد محمد». و مهری بیضی باسج: «عبد محمد...».

مصالحه ناه‌چۀ مورخ ۱۳۱۸ هـ . ق .

در این سند محمد طاهر حسینی يك دانگك و ثمن دانگك مشاع
حصه ورسدی خود از ملك جهان نما را به پسر خود میرزا محمد
هادی واگذار کرده است .

در تاریخ ذیل تمامت حصه ورسدی خود را از ملك جهان نما و متعلقات آن من دون
اشیاء که بوده است به یکدانگك و ثمن دانگك مشاع از کل شش دانگك به نقل منجز شرعی
واگذار نمودم نبور چشمی آقا میرزا محمد هادی و درین تاریخ تمام حصه ورسدی من
ملك طلق او است فله التصرف فیها متی شاء .

و كان ذلك بتاريخ هفتم شهر رجب المرجب ۱۳۱۸

[جای مهر]

[بر حاشیۀ سمت راست و بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است .]

لایخفی انکه نیم دانگك از يك دانگك متعلق به خودم را فروخته بجناب میرزا آقا بزرگ
مفیدی و نیم دانگك دیگر را فروخته بجناب آقای ملا علی اکبر سعد آبادی محمد
هادی . [جای مهر]^۲

صحیح است . [جای مهر]^۳

وقع مارقم فیه لدی الاحقر فی التاریخ . [جای مهر]^۴

۱- مهری بیضی باسجع: «محمد طاهر الحسینی». ۲- مهری بیضی باسجع:

«محمد های الحسینی ۱۳۰۱ هـ». ۳- مهری بیضی باسجع: «محمد مهدی بن محمد طاهر

الحسینی». ۴- مهری بیضی بزرگ باسجع: «الراجی محمد حسین ۱۳۱۰ هـ».

مصالحه نامه مؤرخ ۱۳۱۹ ه. ق.

در این سند رقیه بانو تمامت پنج دانگ مشاع از کل شش دانگ از یک باب خانه واقع در گذر سر پیر در میان قاپی مرحوم جعفر قلیخان در شهر استرا اباد را بمبلغ چهارده تومان وجه فاضی رواجی معروف به مشین یک مثقالی به حسینخان آقا بن مرتضی قلی آقای قاجار قراموسی لو مصالحه کرده است.

غرض از تحریر و تسطیر این ورقه صدق ترجمه آنستکه مصالحه صحیحه شرعیه لازمه منجزه نمود در معرض بیع بالطوع والرغبه والاختیار لابلای العنف والکراهه والاجبار عالمه عامده عفت و عصمت پناه رقیه بانو صبیئه مرحوم نجف آقا بن مرتضی قلی آقا قاجار قراموسی لو زوجه دائمه عالیشان حسین آقا بن قاسم خان آقای دباغ تمامت نیمدانگ مشاع از کل شش دانگ از یک باب خانه سهمی موروثی خود را که واقع است در گذر سر پیر در میان قاپی مرحوم جعفر قلیخان مسکونه عم مصالحه مسطوره با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیه آن از آنچه ملکیت را سزد و شاید و نفع توان بردن تخوم الارض الی نجوم السماء و من دون استثناء شیء بعم کرام خود عالیجاه حسینخان آقا بن مرتضی قلی آقای قاجار قراموسی لو بیدل الصلح مبلغ چهارده تومان وجه فاضی رواجی معروف بمشین یک مثقالی المقبوض فی المجلس با اسقاط کافه خیارات از طرفین حتی خیار الغبن و غبن فی الغبن ولو کان بمدارج العالیه و ضامن درک شرعی گردید مصالحه مسطوره در صورتیکه عین مصطلحه کلاً اوبعضاً عیناً ام منفعة مستحقه للغير بر آید از عهده بدل و غرامات وارده بر مصطلح بر آید قبض و اقباض تسلیم و تسلیم

در بدلين از طرفين سمت تحقق يافت گرديد عين مصطلحه ملك طلق مصطلح مرقوم و از براى او است انحاء تصرفات در آن كتصرف الملاك فى املاكهم وذوى الحقوق فى حقوقهم كيف شاء متى شاء بالخير والبركات وصيغة المصالحة على النحو المرقوم فى الورقة و بوكالة الشفاهية عن الطرفين سمت جريان و تحقق پذيرفت .

و كان وقوع ذالك لصلح فى يازدهم ربيع المولود من شهور سنة ۱۳۱۹ هزار و سيصد و نوزده هجرى .

[بر حاشية بالاى اين سند مطالب زير است:]

بسم الله الرحمن الرحيم

اعترف بعد المعرفة الصلح و قبض البدل لدى الاقل خادماهل العلم والعمل فى رابع عشر من شهر ربيع الاول ۱۳۱۹ . [جای مهر]^۱
قد وقع ما فيه بوكالت الشفاهية من الطرفين مع قبض البدل لدى فى التاريخ و انا الجانى .
[جای مهر]^۲

۱- مهرى بيضى باسجج: «عبدہ محمد بن محمد طاهر» .

۲- مهرى بيضى كوچك

باسجج: «يا امام حسن» .

مصالحه نامچه مورخ ۱۳۲۰ ه. ق.

دراين سند نورعلی سعدابادی نیم دانگ از يك دانگ از كل شش دانگ ملك جهان نما را بالواحق شرعیه و عرفیه به مال المصالحه مبلغ پنجاه تومان وجه مشین جدیدالضرب به آقا محمد ولد آقا سید طاهر مصالحه نموده است.

غرض از ارتسام این کلمات شرعیه الانتظام آنستکه مصالحه صحیحه شرعیه لازمه منجزه جامعه بر جمیع شرایط و ارکان و خالی از عموم خلل و بطلان نمود خیر الحاج حاجی نورعلی سعدابادی الاصل شهری المسکن بجناب سلاله السادات العظام الفقهاء الكرام آقا محمد ولد ارجمند جناب مستطاب آقائی آقا سید طاهر سلمه الله تعالی همگی و تمامی نیمدانگ از یکدانگ از كل شش دانگ از ملك جهان نما را با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیه و با جمیع حقوق متعلقه بآن محدودا بحدوده الاربعه المعینه من غیر استثناء شیء من الحقوق و التوابع المتعلقه از مزارع و مراتع و جنگلستان و غیرها عن آنچه ملکیت و حقیت را سزد و شاید و نفع توان برد بمال المصالحه مبلغ پنجاه تومان وجه مشین جدیدالضرب ریالی معروف به يك مثقال و شرط گردید از طرفین سقوط و اسقاط جمیع خیارات خصوصاً خيار الغبن والغبن فی الغبن و لو كان فاحشاً بل افحش و بعد ذلك قبض و اقباض و تسلیم و تسلم در بدلین مزبورین صورت وقوع و تحقق پذیرفت بناءً علیه گردید نیمدانگ کامل از یکدانگ از كل شش دانگ از ملك جهان نما با جمیع توابع و حقوق متعلقه بآن ملك و مال مصطلح معظم الیه

فله التصرف فيهما متى شاء وكيف شاء بالخير والبركات انشاء الله تعالى وضمنان درك عين مصطلحه مزبوره مذكوره بعهدة خير الحاج المزبور حاجي نور علي است علي ماهو المقرر في الشرع وصيغه مصالحه مزبوره حسب المفصل بوكالة شفاهيه از طرفين واقع وجاري گردید.

وكان ذلك بتاريخ بيست و چهارم شهر شعبان من شهور ۱۳۲۰.

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع مرقم فيه بخدا فيره لدى الآثم في التاريخ. [جای مهر]^۱

اعترف الحاج بتمامت هذا الكتاب في ۲۵ شهر شعبان هزار و سیصد و بیست ۱۳۲۰. [جای مهر]^۲

شرف الحاج حاجي نور علي سعدابادی اقرار بمصالحه مزبوره بمبلغ مسطور و اخذ و تسلیم بدل المصالحه نمود. [جای مهر]^۳

حضر لي المصالح الحاج نور علي و وكلني بصوت جلي في ايقاع كل مافيه فاوقعت عقده كمافيه فيما فيه وانا الرام. [جای مهر]^۴

۱- مهری بیضی باسجع: «عبداله راجی علی اصغر ۱۲۶۴». ۲- مهری بیضی

با خط طغرا و سجع: «وهاب الحسینی». ۳- مهری بیضی با سجع: «عبداله راجی

محمد حسین». ۴- مهری بیضی باسجع: «عبداله مصطفی العقلی».

۶۰

مصالحه نامه مورخ ۱۳۲۳ ه. ق.

در این سند نجفقلی آقا و همشیره اش ام لیلی همگی و تمامی یک سهم از سه سهم از نه سهم از هفت سهم از نیمدانگ مشاع از کل شش دانگ ملک و قریه کلاجان واقع در بلوک سدن رستاق استر آباد را و یک سهم از سه سهم از یک دانگ و یک ثلث چهار دانگ متاع از کل شش دانگ از مجری المیاه قنات گاخند و یک سهم مشاع از سه سهم از هفت سهم از یک سهم از دو دانگ از کل شش دانگ ملک کچزی و حق آبه رودخانه دهنه شصت کلاته را بمال المصالحه مبلغ نود و پنج تومان قران مشین مظفر الدین شاهی به بیوک خان خلف مرحوم یوسف علی سپانلو مصالحه کرده اند .

بسم الله الرحمن الرحيم

باعث بر ارتسام این [ارقام] خجسته فرجام آنستکه مصالحه صحیحه لازمه شرعیه جازمه منجزه نمود عالیقدر نجفقلی آقای و همشیره اش عفت مآب ام لیلی خلفان مرحوم کربلائی محمدزمان بعالیجاه رفیع جایگاه بیوک خان خلف مرحوم یوسف علی آقا سپانلو همگی و تمامت یکسهم از سه سهم از نه سهم از هفت سهم از نیمدانگ مشاع از کل شش دانگ ملک و قریه کلاجان واقع در بلوک سدن رستاق من قراء دار المؤمنین استر آباد با جمیع توابع و لواحق شرعی و عرفیه آن من المزارع و المراتع و التلال و الجبال و العیون و الانهار و الاشجار از ممر و مدخل و اراضی عامره و غامره و از قنوات دائره و باثروه و از مزارع صیفیه و شتویه و از مجری المیاه و رود حق آبه از آبادی و خرابه و کل مایهات بها سواء سمی ام لم یسم و زیر ام لم یزیر بحیث لاشیء منها شیء و بانضمام یک

سهم از سه سهم از يك دانگ و يك ثلث چهار دانگ مشاع از كل شش دانگ از مجرى المياه قنات گلخند و بافضام يك سهم مشاع از سه سهم از هفت سهم از يك سهم از دو دانگ از كل شش دانگ ملك كچزى و حق آبه رودخانه دهنه شصت كلانه كه واقع و كائن است در ملك كلاجان مع مايتعلق بها بمال المصالحه مبلغ نود و پنج تومان قران مشين مظفر الدين شاهى المقبوض فى المجلس الصلح باسقاط كافة خيارات از طرفين سيما خيار الغبن ولو بلغ مدارج العالیه و مراتب المتعاليه وصيغة صلح على النحو المقرره فى الشريعة بوكالة الشفاهية عن طرف المصالحين المسطورين والمصالح السطور جارى و واقع شد پس گرديد بمقتضای عقد صلح و اخذ مال المصالحه اعيان مصطلحة ملك طلق مصطلح مزبور و مراور است انواع تصرفات مالكانه كتصرف الملاك فى املاكهم و ذوى الحقوق فى حقوقهم متى شاء حيث شاء و ضمان درك شرعى عند خروجها مستحقاً للغير كلاً او بعضاً عيناً او منفعة در عهدة مصالحين المسطورين است كه از عهدة بدل و غرامات وارده بر آن بر ايند واضح بوده باشد كه اعيان مصطلحه كه درين ورقه مسطور است نقل شده است از محمد كريم آقا بمرحوم كربلائى محمدزمان و از كربلائى محمدزمان ارث رسیده بخلفان او المسمى بنجف قلى آقا و همشیره او ام لیلی.

وكان ذلك فى يوم الجمعة فى بيست و دويم شهر رجب المرجب ۱۳۲۳.

[جای مهر]^۱

[بر بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد جرت عهدة المصالحة بوكالة شفاهية عن المصالحين المسطورين على النحو المسطور عن المصطلح المزبور و وقع قبض تمام البديل لدى الاحقر فى التاريخ المحرر .

[جای مهر]^۲

۱- مهری چهار گوشه با سجع : « جلال الدين ابراهيم الحسينى » . ۲- مهری

چهار گوشه با سجع : « عبده على الحسينى » .

اقرا بما فيه لدى في الرابع والعشرين من رجب ۱۳۲۳ . [جای مهر]

۹۱

مصالحه نامه مورخ ۱۳۳۳ ه . ق .

دراين سند حاجی سيد محمد طاهر يك باب خانه مسكونی خود را به پسرش آقا ميرزا مهدی و خانه ديگر خود معروف به كتابخانه را به آقا ميرزا هادی و خانه ديگر خود را به آقا ميرزا عبدالله و خانه فرزند شهيدش آقا صادق را به دونوۀ خود ميرزا كاظم و ميرزا تقی و ساير اموال خود را به ترتيب معينی ميان فرزندان خود تقسيم کرده و بدیشان مصالحه نموده است .

بسم الله الرحمن الرحيم

غرض از تحرير آنکه حال تحرير حضرت مستطاب حجة الاسلام نائب الامام مروج - الاحكام حضرت حاجی آقا سيد محمد طاهر مجتهد دامت برکاته العالیه برآی تعيين وظیفۀ اولاد امجاد والانژاد خود بالطر و الرغبة در حال صحت معاملات و نفوذ اقاریر بدین رویت اقدام فرمودند که صورت آن از این قرار است مصالحه صحیحۀ قطعیه اسلامیۀ فرمودند کل شش دانگ يك باب خانه مسكونۀ الحال حضرت شریعتمدار نجل بزرگوار خود حضرت آقا ميرزا محمد مهدی مجتهد را و اثاث موجوده در آن را از فروش و ظروف و مسینۀ آلات و غیرها کائنه^۱ ما کانت را بحضرت آقای مرقوم دام ظلّه العالی بعوض مأخوذي با اسقاط خيارات و صیغه جاری شد و مصالحه قطعیه نمود کل شش دانگ یک باب خانه مسكونۀ الحال خود معروف به كتابخانه را با جمیع و تمامت توابع و لواحق آن و اثاث البیت موجود در آن را بلا استثناء شیء را بفرزند محترم دیگرش

۱- مهری بیضی که کلمات «اللهم اغفر» بر آن خوانده می شود.

جناب شرافت و جلالت نصاب آقا میرزا هادی زیداجلاله‌العالی بعوض مأخوذی و صیغه جاری شد و مصالحه صحیحہ قطعیہ نمود کل شش‌دانگ یکباب خانه مسکونہ۔ الحال فرزند دیگرش جناب مستطاب نجل العلماء الاطیاب آقامیرزا عبداللہ را بجناب آقا میرزا عبداللہ مذکور بعوض مأخوذی و صیغه جاری شد و مصالحه صحیحہ قطعیہ فرمودند کل شش‌دانگ یکباب خانه معروفہ بخانه فرزند شهیدش آقا صادق را کہ رقبہ آن بشرحی کہ در خارج معلوم است ملک حضرت حاجی آقا دام‌ظله‌العالی است بدو فرزند زاده محترم خود آقا میرزا کاظم و آقامیرزا تقی خلفان شهید مذکور طاب ثراه بعوض مأخوذی و صیغه بالاصالة والولاية من الجد المذکور دام‌ظله‌العالی ایجاباً و قبولاً جاری شد توضیح تمامت سهمی حضرت حاجی آقا دام‌ظله‌العالی از قریہ جهان‌نما المعلومہ فی الخارج حسب نقلی کہ سابقاً بفزندش آقا میرزا هادی نموده بودند ملک شرعی او بلاد خالت احدی است و همچنین دودانگ مشاع از کل شش‌دانگ حق الارضی یکباب آبدنگ معموره در قریہ هاشم آباد را بفزند محترم مش آقا میرزا هادی نحله و عطیہ و مہبہ بلکہ مصالحه قطعیہ بعوض مأخوذی فرمودند و ہبہ فرمودند عین اشیاء و اسباب منقولہ را کہ خود ایشان خریداری فرمودہ بودند و ملک ایشان است بآقا کاظم و آقا تقی المذکوران بعوض مأخوذی و بعد ذلک وصیت صحیحہ شرعیہ فرمودند کہ باقی الملائک و مستغلات او از قری و قنوات محفوره در آن و مطالبات و تمامات تحولات و مملوکات حضرت بزرگوار ایشان کائنة ما کانت کہ در خارج موجود است بعد از اداء دیون محققہ ایشان بر نہ سهم منقسم شود کہ دوسهم مال حضرت حجة الاسلام نجل بزرگوار او آقا میرزا محمد مهدی مجتہد دامت افاداتہ و دوسهم مال آقا میرزا هادی و دوسهم مال آقا میرزا عبداللہ و دوسهم مال آقا کاظم و آقا تقی بطور مناصفہ و یک سهم مال صبیہ مرضیہ ایشان زوجہ دائمة عالیجناب عمدة الارکان الاطیاب کربلائی آقا بزرگ باشد کہ از قرار مذکور بعد از ارتحال ایشان باید معمول دارند و وصی و

خلیفه و قائم مقام شرعی خود قرار دادند فرزند ارشد بزرگوار خود حضرت سید المتجهدين آقاميرزا محمد مهدی مجتهد مدظلّه العالی را که متولی امور راجعه بصغار مرحوم فرزند شهیدش آقا صادق طاب ثراه و اقدام بامور راجعه بحضرت ایشان را بعد از انتقال ایشان فرمایند مراتب بوجه صحیح شرعی در محضر جمعی از اجله علمای اعلام و الامقام بمباشرت شخصیه خود کمازبر واقع و عمل بمؤدی آن کما سطر لازم شرعی گردید برای تذکره که حجت شرعی باشد قلمی شد.

وكان ذلك ثامن عشر شهر شعبان المعظم من شهر

سنة ثلث و ثلثين و ثلثمائة بعد الالف من الهجرة على

هاجرها سلام مطابق توشقان نیل ترکی ۱۳۳۳ .

[بر حاشیه سمت راست و بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

ایضاً حصه و سهمی موروثی خود را که سدس کامل است از مخلفات و متروکات و اموال فرزند شهیدش مرحوم آقا صادق طاب ثراه را کائناً ما کانت مصالحه قطعیه فرمودند بفرزند بزرگوارش حضرت آقا میرزا محمد مهدی مجتهد دام ظلّه العالی بعوض

مأخوذة وصیغه جاری شد فی ۱۸ شهر شعبان المعظم ۱۳۳۳ . [جای مهر]^۱

بلی امر بنحوی است که مرقوم شده حررته فی التاريخ . [جای مهر]^۲

واضح شد صحیح است . [جای مهر]^۳

بسم الله الرحمن الرحيم

وقع مافیه کما فیه بحضرة الحضرة دامت برکاته لدى الاقل خادم اهل العلم و العمل فی التاريخ . [جای مهر]^۴

۱- مهری بیضی با سجع : « محمد طاهر الحسینی » . ۲- مهری بیضی با سجع :

« محمد مهدی الحسینی » . ۳- مهری بیضی با سجع : « سالار اشرف » . ۴- مهری

بیضی با سجع : « عبده محمد بن محمد طاهر » .

هو

قد وقع جميع ما زبر وحرر فيه كما فيه من البداية الى النهاية متناً وها مشأ بحذا فیرا لورقه
بمحضرى فى ۱۸ شهر شعبان المعظم من شهور ۱۳۳۳ . [جای سه مهر]^۱

۹۲

مصالحه نامچه مورخ شعبان ۱۳۳۵ ه . ق .

در این مصالحه نامچه کربلائی علی اصغر خان يك دانگ مشاع از
کل شش دانگ قنات معروف به قنات حاجی حسن را در دو دانگه
اتراچال به مبلغ یکصد تومان به کربلائی غلامحسین خان قاجار
قراماسا نلوی قاجار مصالحه کرده است.

المصالح الشارط
عالیجاه مقرب الحضرة کربلائی علی اصغر خان خلمفمر حوم علیرضا خان قاجار
طاب ثراه

المصطلح المشترط
مقرب الخاقان کربلائی غلامحسین خان قاجار قراماسا نلوی

العینه من المصطلحه
تمامت یکدانگ مشاع از کل شش دانگ قنات واقعه در اتراچال معروفه بقنات حاجی
حسنی در دو دانگه اتراچال بتوابعها

البذل المصالحه
مبلغ یکصد تومان وجه فضی رواجی المقبوض فی المجلس که نصفه پنجاه تومان
است

۱- مهری بیضی باسج «محمد باقر» و مهری بیضی دیگر باسج: «یعقوب الحسینی» و
مهری دیگر باسج: «عبداله راجی ابوتراب العقیلی».

المدة الخیار
ششماه کامل از تاریخ ورقه
ششماه کامل بعد المدة المقرره
الشروط

.... رد تمام معادل البدل الى المصطلح او من بحكمه في زمن الخيار والالزام لصلح و سقط الخيار ثم بعد ذلك قبول صلح منفعتی نمود در مورد استیجار مصالح از مصطلح منافع یکدانگ مزبوره را در اوقات مدت و خيار بدل پانزده تومان که در آخر خيار بدعد و در صورت فسخ عینی قادر بر فسخ منفعتی نسبت ببقیه در اوقات خيار تواند بود. و كان ذلك چهارم شهر شعبان المعظم ۱۲۲۵ .

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

عالیجاه مجدت همراه خان مصالح الشارط مزبور اقرار بر صلح شرطی و صلح منفعتی نمود فی ۱۵ شهر شعبان المعظم ۱۳۳۵ . [جای مهر]^۲

بسم الله الرحمن الرحيم

وقع ما فيه كما فيه لدى الاقل خادم اهل العلم والعمل لاربعة خلون من شعبان ۱۳۳۵ . [جای مهر]^۳

لا يخفى این یکدانگ از جمله چهاردانگ حق الحفری است توضیحاً قلمی شد فی التاريخ. [مهری نظیر مهر بالا]

بسم الله تعالى شأنه

لزوم البيع وسقط الخيار حررها الاحقر الجاني فی ۸ محرم الحرام ۱۳۳۷ .

[جای مهر]^۴

- ۱- مهری بیضی با نام: «علی اصغر» . ۲- مهری بیضی با سجع: «نجم الدین- محمد الحسینی» . ۳- مهری بیضی با سجع: «عبدہ محمد بن محمد طاهر» . ۴- مهری بیضی ناخوانا.

۶۳

مصالحه نامچه مورخ ۱۳۴۰ ه. ق .

در این سند سادات دراز گیسو موقوف علیهم قریه میر محله با متولی ایشان آقای سید ابراهیم دو دانگ و نیم مشاع از پنج دانگ موقوفه سادات از کل شش دانگ قریه میر محله را اجاره به آقا میرزا جعفر به بدل المنافع مبلغ پنج تومان وجه قران چرخي مصالحه نمودند.

بسم الله الرحمن الرحيم چون مطابق احکام صحیحه صریحه صادره از بنان شرع بیان حجج اسلام و آیات الله فی الانام مانند حضرت حجة الاسلام آقا محمد مهدی ابن مرحوم مرور حضرت آیه الله آقا حاجی محمد ابراهیم کلباسی و جمع کثیری از آقایان علماء اعلام و تصدیقات صحیحه مجتهدین عظام خصوص تصدیق حضرت آیه الله آقا حاجی محمد ابراهیم کلباسی و حضرت آیه الله آقا حاجی سید محمد باقر اصفهانی طاب ثراهما بر وجوب اطاعت و حرمت تخلف از آن حکم محکم و حکم صریح جمعی از آقایان علماء اعلام طهران و جمعی از علماء اعلام استرabad و مازندران قدست اسرار هم بر اینکه پنج دانگ مشاع از کل شش دانگ قریه میر محله واقع در استرabad معمول بوقفیت بوده و هست و موقوف علیه در زمان صدور حکم سلاله السادات آقا میر موسی و آقا میر محمد تقی استربادی میباشند وید و تصرف عباسخان حکومت استرabad درین ملک موقوفه غصب و عدوان و خلاف شرع است و بعد از صدور احکام ... از زمان آقایان سادات موقوف علیهم که معروفند بسادات دراز گیسوی استرabad تصرف در عین موقوفه خود نموده و اسیفاء منافع از آن مینمودند تا آنکه بمرور دهور و ایام و متصل شهور و اعوام و خلاف درمبانی قواعد شرع و اسلام و قوت ایادی ظلم و عدوان باز

ثانیاً ملك موقوفه از ید آقایان سادات بید غصب و عدوان مبتلا گردید و در بین آقایان سادات هم اشخاصی که قدرت بر انتزاع از غصبیت داشته باشند نبوده تا آنکه درین ایام که امیدواری اجرای احکام شرع و ترتیب اثر بر مؤدای آن احکام حاصل گردید لذا آقایان سادات موقوف علیهم عموماً حاضر گردیده بامتولی فعلی ایشان شرف السادات آقا سید ابراهیم دراز گیسو و اسامی آقایان از این قرار است جناب آقا میر روح الله و جناب آقا میر کاظم و جناب آقا سید جعفر و آقا علی و آقا موسی و آقا حسن که عده موقوف علیهم منحصر به همین اشخاص و تمام کبیر اند حاضر در مجلس گردیده و با کمال ملاحظه صرفه و غبطه نسبت به موجودین و نسبت به بطون آتیه مصالحه صحیحه صریحه شرعیه منفعتیه نمودند در مورد اجاره بعمده الاعزه آقا میرزا جعفر ولد اعز ارجمند عمده الاعیان قدوة الارکان آقای آقا رمضانعلی و کیل التجار استر اباد دام عزه همگی و تمامی دو دانگ و نیم مشاع از پنج دانگ موقوفه سادات از کل شش دانگ قریه میر محله واقع در بلوک استر اباد در ستاق رابتوابعها الشرعیه و لواحقها العرفیه از مجاری المیاه رود و شیوارات و مجاری المیاه قنوات دائره و باثره و مزراع رطبه و یابسه و محل خانقاه و آسیا و آبدنگ و توستان و ملیارستان و جنگل استان و تلال و وهاد کسل مایتعلق بها سمی ام لم یسم از تاریخ ورقه الی غایه یکصد و ده سنه هلالی قمریه متوالیه به بدل المنافع مبلغ پنج تومان وجه قران چرخ مشروط باینکه مصطلح المنافع خود بنفسه او بولیه بالمباشره او بالتسبیب در ظرف مدت دوازده سنه هلالیه متوالیه قیام و اقدام نماید در انتزاع نمودن پنج دانگ موقوفه را از ید غاصب و دادن دو دانگ و نیم آنرا بید متولی و سایر موقوف علیهم و مخارج انتزاع از شرعی و عرفی و دیوانی از يك تومان الی ده هزار تومان بعهده آقا میرزا جعفر و من بحکمه بوده باشد و در صورتیکه مدته دوازده سال منقضی شود و آقا میرزا جعفر او من بحکمه از عهده انتزاع بیرون نیاید چه تسامحاً چه لعدر متولی او من بحکمه خیاری فسخ داشته باشد و هکذا هر گاه ثانیاً یا ثالثاً الی پنج

مرتبۀ انتزاع شود و بغصبیت رود در هر دورۀ غصبیت از بدو غصبیت الی دوازده سال آقا میرزا جعفر اومن بحکمۀ اولی بانتراع خواهد بود و بعد از انقضاء دوازده سال و عدم انتزاع متولی خیارفسخ خواهد داشت و مصارف انتزاعات تمام بعهدۀ آقامیرزا جعفر و من بحکمۀ خواهد بود لایخفی هرگاه غصبیتی غیر از عنوانی که راجع برشته عباسخان است حادث شود مثل غصبیت اقتراح مصارف و مخارج آن بعهدۀ طرفین است و ربطی بشرط مزبور در ورقه ندارد و این مصارف انتزاع در ورقۀ مخصوص است برشته عباسخانسی من الصدر الی الساقه و سایر مخارج و مصارف ملکی و موضوعات اربابی بهراسم و هر رسم کیف ما اتفق بعهدۀ طرفین است و تصرفات دو دانگ و نیم وقفی بعدالانتزاع باخود متولی و آقاییان موقوف علیهم است مراتب مزبوره مطابق قوانین مقررۀ در شریعت مطهره سمت جریان پذیرفت و مقررات در دو نسخه ترقیم و تنسیق یافت.

وكان وقوع ذلك بتاريخ بیستم شهر ربیع الثانی
من شهور سنۀ یکهزار و سیصد و چهل هجری نبوی
علی هاجرها آلاف الصلوة والتحیه سنۀ ۱۳۴۰.
[جای دومهر]^۱

[بر حاشیۀ بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم الله الرحمن الرحيم

قد صح وقوع ذلك عن الطرفين كما فيه بحذافيره وشرائره و اقر من المصالحين الآقا
سید ابراهيم والآقا مير كاظم مع المصطلح بذلك كذلك لدى الاحقر في ۲۱
جميدى الاولى سنۀ هزار و سیصد و چهل ۱۳۴۰. [جای دو مهر]^۲

۱- مهری بیضی کوچک بانام: «محمد جعفر»، و مهری بیضی و ناخوانا. ۲- مهری
بیضی باسجع: «محمد مهدی الحسینی» و مهری بیضی دیگر باسجع: «وما رسول الامحمد».

قد وقعت المصالحة المرقومة كما رقم وزبر فيه لدى الأقل في ٢٠ ربيع الثاني ١٣٤٠ .
[جای مهر]^١

بسم الله الرحمن الرحيم

اجريت الصيغة كما فيه مع مراعات الغبطة للبطون اللاحقرو كونها اعود وارّد شري
ربيع الثاني ١٣٤٠ وانا الأقل خادما اهل العلم والعمل . [جای مهر]^٢
هو المستعان

وقع الصلح والاصطلاح بمرثي ومسمع من الأقل حسبما زبر فيه فيما فيه .
[جای مهر]^٣

وقع الصلح والاصطلاح حسبما رقم فيه لدى الأقل في التاريخ .
[مهری بیضی ناخوانا]

وقع مارقم فيه لدى . [جای مهر]^٤
اجريت الصيغة حسبما زبر في الوريقة بالنماس الطرفين في كتابة الوقوع للشهادت
به عند الحاجه في ٢٦ في ١٣٤١ . [مهری بیضی و ناخوانا]

١- مهری بیضی باسجج : «محمد ابن محمد جعفر ١٣٣١ هـ» . ٢- مهری بیضی

باسجج : «عبد محمد بن محمد طاهر» . ٣- مهری بیضی كوچك باسجج : «محمد اسمعیل» .

٤- مهری بیضی كوچك باسجج : «محمد ابراهيم ابن كمال» .

مصالحه نامه چه مورخ ۱۳۴۰ هـ . ق .

در این سند پس از اینکه آقایان سادات درازگیسو پنج دانگ از کل شش دانگ قریه میر محله موقوف علیهم را به رمضانعلی و کیل - التجار مصالحه کردند باز منافع مستوفات و فائده تحت الید خود را از ابتدای تصرف و دخالت حاجی حسین امین الضرب طهرانی الی تاریخ الیوم به بدل الصلح مبلغ يك تومان و ده من گندم سرخ ولایتی به و کیل التجار سابق مصالحه کرده اند .

لایحقی آنکه بعد از صلح صحیح شرعی فی مابین آقایان سادات ذی سعادات درازگیسو استر اباد و عمده الاعاظم والاعیان آقای آقا رمضانعلی و کیل التجار دام مجده نسبت به نصف منافع تمام پنج دانگ از کل شش دانگ قریه میر محله موقوفه بر سادات درازگیسو نسبت بآئیه حسب قرار نامه معتبره که نسخین در ید طرفین است و از حیث متن و شرایط مشروح و مفصل است نیز محالحه صحیحه شرعی نمودند آقایان اعنی جناب آقای آقا سید ابراهیم متولی و سایر آقایان موقوف علیهم که اسامی ایشان از این قرار است جناب آقای آقا میر روح الله جناب آقای آقا میر کاظم جناب آقا سید جعفر و آقا موسی و آقا علی بعمده الاعیان والاعاظم و عمده التجار والافاخم آقای آقا رمضانعلی و کیل التجار دام عزه تمام منافع مستوفات و فائده تحت الید از ابتدای تصرف و دخالت جناب جلالتمآب آقای حاجی حسین آقای امین الضرب طهرانی دام اقباله الی تاریخ الیوم از يك تومان الی صد هزار تومان و از يك خروار شلتوك الی بیست هزار خروار به بدل الصلح مبلغ يك تومان وجه نقد و ده من گندم سرخ ولایتی ثم بعد ذلك در متن عقد خارج لازم ملزم شرعی گردید و بصیغه نذر نیز بر خود واجب نمود

جناب آقای وکیل التجار زجراً و شکر ابر اینکه هر مقدار منافع مستوفات را که استنفاذ و استرداد نمود بعد از وضع مخارج و مصارف استنفاذ و استرداد نصف از بقیه مستنقذ را بآقایان مزبورین علی قدر حصصهم تملیک مجانی نماید بمعادل یک تومان و ده من گندم و در صورت تخلف بموجب وکالت لازم فعليه بتوکیل الغير مسلطند آقایان که بعد از وضع مخارج استنفاذ نصف بقیه مستنقذه را از مال جناب آقای وکیل التجار نقل بخود نمایند به بدل مبلغ یک تومان و موازی ده من گندم سرخ و ذمه او را برای خود مسئول نمایند و صیغه مصالحه مطابق قوانین مقررہ بوکالت حضوریہ طرفین است.

وقوع و جریان پذیرفت بتاريخ چهارم شهر جمیدی الاولی من شهور سنه یکهزار و سیصد و چهل هجری نبوی علی هاجرها آلف التحیه ۱۳۴۰
[جای دومهر]^۱

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

هوالمستعان

اجريت صیغه الصلح و وقع الالزام فی متن العقد الخارج اللازم والتوكيل والنذر حسبما زبرفيه بالتماس من الطرفين منی كتابة الوقوع للشهادة به عند الحاجة فی ۲۶ جمیدی الاولی ۱۳۴۰. [جای دومهر]^۲

بسم الله الرحمن الرحيم

قد صبح ذلك عنهم واعترف الآقا سید ابراهیم والآقا میر کاظم منهم حضوراً بكل ذلك كذلك لدى الاحقر تحریراً فی ۲۱ جمیدی الاولی ۱۳۴۰. [جای دو مهر]^۳

بسم الله الرحمن الرحيم

وقع مافیه كما فيه لدى خادم اهل العلم والعمل فی التاريخ. [جای مهر]^۴

- ۱- مهری بیضی با سجع « محمد جعفر » و مهری بیضی دیگر ناخوانا. ۲- مهری بیضی با سجع « علی اکبر » و مهری بیضی دیگر با سجع « محمد اسمعیل ». ۳- مهری بیضی با سجع : « و مارسلو الامحمد » و مهری بیضی دیگر با سجع : « محمد مهدی الحسینی »
- ۴- مهری بیضی با سجع : « عبده محمد بن محمد طاهر ».

وقع جميع مارقم فيه لدی فی التاريخ. [جای مهر]^۱

وقع مارقم فيه لدی. [جای مهر]^۲

۶۵

مصالحة نامچه مورخ ۱۳۴۰ ه. ق.

در این سند نجفقلی خان سرتیپ دو دانگ کامل از کل شش دانگ
قریه گرجی محله سیرکار و تمامی حصه و رسد خود را از سه قریه
انگرم و تمامی حصه خود را از گرجی محله میرزائی و میرزینلی و
دنگلان میرزینلی به بدل الصلح مبلغ هفتاد تومان به حاجی آقا
محمدحسن مفیدی مصالحه کرده است.

الحمد لله مالک الاملاك و جاعل الافلاك التی فی تحت
تصرفه من السمک [الی السماک] والصلوة والسلام علی محمد
وآله المخاطب بخطاب لولاک لما خلقت الافلاك وبعد

غرض از ارتسام این ارقام شرعیة انتظام میمنت نظام آنستکه مصالحه صریحه صحیحه
شرعیة قطعیه جزمیة ملیة اسلامیة جامعه بر جمیع شرائط و ارکان و خالیة از عموم خلل و
بطلان نمود سرکار مقرب الخاقان معتمد السلطان فخر الخوانین العظام نجفقلی خان^۳
سرتیپ حافد مرحمت مآب غفران ایاب حاجی محمدتقی خان هزارجریبی طاب ثراه
بجناب مستطاب سلاله الاعاظم والاشراف حاج الحرمین الشریفین آقا حاجی آقامحمد-
حسن المفیدی زید عمره همگی و تمامی دودانگ کامل از کل شش دانگ از قریه گرجی-
محله سیرکار و تمامی حصه و رسد مصالح معزی الیه از سه قریه انگرم ارثی ابی بانضمام

۱- مهری چهار گوشه باسج: «محمد ابراهیم الحسینی». ۲- مهری بیضی باسج:

«محمد ابراهیم ابن کمال». ۳- مهری بیضی کوچک باسج: «نجفقلی»، زیر نام نجفقلی خان

سرتیپ زده شده است.

مجری المیاه حقایقه انگرم از رودخانه بقدر الحصه که در خارج سهم مصالح مشخص و معین است و نیز تمامی سهم مصالح از قریه گرجی محله میرزائی و میرزینلی و دنگلان میرزینلی که حسب الخارج معلوم و معین است با تمامت متعلقات شرعیه و کافه منضمات عرفیه و عادیّه آن از مراتع و مزارع رطبه و یابسه و جناکل و صحاری و براری و قنوات دائره و باثره و اراضی عامره و غامره و تلال و جبال و انهار و اشجار و غیرها از آنچه ملکیه را سزد و شاید و نفع در آن متصور شود من تخوم الارض الی عنان السماء ببدل الصلح معین مشخصه مبلغ هفتاد تومان وجه ریال مشین جدید الضرب بیست و چهار نخودی مصطلح معظم الیه قبول مصالحه بنهج مسطور فرمود ثم بعد ذلك قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مسطورین واقع گردید و اسقاط کافه خیارات از طرفین نمودند لاسیما خیار الغبن و الغبن فی الغبن و لو کان فاحشاً بل افحش و ضمان درک شرعی بر عهده مصالح است که در هر صورت ظهور استحقاق غیر کلاً او بعضاً عیناً و منفعتاً از عهده بدل و تمامی غرامات وارده بر مصطلح خود بر آیند عقد صلح صحیح شرعی بوکالت حضوریّه از طرفین بقانون شرع سمت و وقوع یافت بالخیر و البرکات این چند سطر بر سبیل قبالة نامه قلمی گردید که لدی الحاجة سند و مستند بوده باشد.

کان ذلك فی ثامن عشر شهر جمادی الاخری من شهر سنه ۱۳۴۰ .

[جای مهر]^۱

[بر حواشی این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

وقع مارقم و زبر فیه لدی الاقل حررته فی التاریخ المذكور فیه وانا الاثم الخاطی .

[جای مهر]^۲

۱ - مهری بیضی باسجع : « نجف قلی » . ۲ - مهری بیضی باسجع : « محمد طاهر

قد اقر و اعترف بمارقم فيه لدى الاحقر. [جای مهر]^۱
 وقع بمارقم فيه لدى الجاني. [جای دومهر]^۲
 قد وقع مارقم فيه لدى الاثم. [جای مهر]^۳
 قد وقع مارقم فيه بحذافيه لدى الاثم في التاريخ. [جای مهر]^۴
 واقع شد. [جای دومهر]^۵
 واقع شد. [جای مهر]^۶
 قد وقع مارقم فيه لدى الجاني. [جای مهر]^۷

-
- ۱- مهری بیضی باسجج: «عبدہ غلامعلی». ۲- مهری بیضی باسجج: «محمد نصیر الموسوی» و مهری بیضی دیگر باسجج: «محمد ولی». ۳- مهری بیضی باسجج: «محمد حسین ابن عباسعلی». ۴- مهری بیضی باسجج: «عبدہ الراجی علی اصغر». ۵- مهری بیضی باسجج: «حسین ابن جعفر قلی» و مهری بیضی کوچک باسجج: «یاحیب الله». ۶- مهری بیضی باسجج: «رمضانعلی بن امیر...». ۷- مهری بیضی باسجج: «عبدہ الراجی حمید الموسوی».

۶۶

مصالحه‌نامه‌چه مورخ ۱۳۴۱ ه. ق.

در این سند آقا محمد رضا يك دانگ حق الحفری از يك رشته قنات
واقعه در قریه مؤمن آباد معروف به قنات جدید کربلائی علی را
به بدل المصالحه مبلغ سی تومان وجه رایج فضی مصالحه کرده
است.

غرض از تحریر و باعث برتسطیر این ورقه صدق ترجمه آنستکه مصالحه صحیحه
شرعی لازمه منجزه نمود سیدالعلماء والسادات آقا محمد رضا به شرف السادات آقا
ولی الله دراز گیسو يك دانگ حق الحفری از يك رشته قنات واقعه در مؤمن آباد
معروفه به قنات جدید کربلائی علی را بتوابعها به بدل مبلغ سی تومان وجه فضی
رواجی مشروط که این سی تومان را آقا ولی الله در مصرف تعمیر آن يك دانگ دیگر
که راجع به آقای مصالح است صرف بنماید و در صورتی که دو سال بگذرد و اقدام
نکند برای آقای مصالح و من بحکمه خیار است و در عقد خارج لازم شرط شده هرگاه
بعد از خرج کردن این سی تومان باز قنات محتاج به خرج و تعمیر باشد و لوالی صد
تومان در صورتی که سایر شرکاء به قدر حصه خرج بدهند آقا ولی الله هم برای آن
يك دانگ جناب آقا خرج بدهد و در سر محصول به قیمت عادلۀ قومی از عمل يك
دانگ قنات برداشت کند و لوالی چهار سال یا ده سال بکشد و صیغه بوکالت حضوریه
از طرفین جاری گردید.

هجدهم جمادی الثانیه هزار و سیصد و چهل و يك قمری ۱۴ دلوایت ایل .

[مهری بیضی با سجع : «عبدۀ رضا الحسینی»]

[برحاشیه بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

بسم الله الرحمن الرحيم

وقع مافیه کما فیه لدی الاقل خادم اهل العلم والعمل العبد فی التاریخ.

[جای مهر]^۱

۶۷

مصالحه نامچه مورخ ۱۳۴۶ ه. ق.

در این سند صغرا خانم و سارا خانم با اذن و اجازه من له الولاية الشرعیة و با حضور قیم شرعی همگی سہ ربع مشاع از یکدانگک ونیم از کل شش دانگک از دورشته قنات موسومه به پاتوت و عباس کردی واقع در قریه چوپلانی را به آقا ولی الله دراز گیسو به مال المصالحه مبلغ شصت و پنج تومان وجه فضا چرخ دی دو قرانی مصالحه کرده اند.

غرض از تحریر این کلمات صحیحة الدلالات و اوضحة البیانات آنستکه مصالحه صحیحة شرعیة قطعیة لازمة جازمة منجزه نمودند عفت و عصمت پناهان خدایت مآبان صغرا خانم صبیہ مرضیہ مرحوم آقا محمد علی زوجة دائمة مرحوم مبرور آقاسید صادق دراز گیسو و سارا خانم زوجة مرحوم آقا سید جعفر ابن مرحوم آقا سید صادق با اذن و اجازه من له الولاية الشرعیة و با حضور قیم شرعی و با ملاحظه صرفه و غبطه صلح شرعی نمودند بالا شاعة همگی سہ ربع مشاع از یکدانگک ونیم از کل شش دانگک از

۱- مهری بیضی بزرگ با جمع: «عبدہ محمد بن محمد طاهر».

دو رشته قنات موسوم به قنات پاتوت و عباس کردی واقع در طرف شرق قریه چوپلانی واقع در بلوک استر آباد رستاق که از سهمی صغار خودشان که مسمی بخدیجه و آقاسید رضا است من بباب حق الحفری این دو صغیر متصرف و ذی الید می باشند از پشته و پیشان و پالانهای منصوبه و ردیهای متعلقه بهریک از دو رشته و حق اولویت و هریک از دو رشته من دون استثناء شیء من الحقوق المتصرفه بهریک از دو رشته را بجانب مستطاب سلاله السادات آقا ولی الله ولد ارجمند جناب آقا سید ابراهیم دراز گیسو بمال المصالحه مبلغ شصت پنج تومان وجه قضی رواجی چرخى دو قرانی سلطانی با شرط سقوط و اسقاط كافة خیارات و خیالات متصوره شرعیه خصوصاً خیارات الغبن فی الغبن و لو بلغ بمدارج العالیه بل متعالیه من طرف المصالحات بهزار تومان و من طرف جناب المصطلح بیک تومان که شرعاً هیچ طرف حق فسخ ندارند و ضمانت درك شرعی گردیدند هر يك از مصالحات نسبت بهریك از دو رشته و نسبت به حصه و رسدی صغار خودشان که هر گاه عیناً یا منفعتاً جزء "یا کلاً" یا طراً مستحقاً للغیر بر آید از عهده غرامات و خسارات وارده بر جناب آقای آقا ولی الله مصطلح بر آیند و جواب بدهند و قبض و اقباض در بدلین در محضر مبارک من له الولاية الشرعیه و قیم شرعی هر دو صغیر جناب مستطاب حاجی الحرمین الشرفین حاجی آقا شیخ محمد علی بالاجادی واقع گردید و هر يك تصرف در بدل خود با اذن و اجازه حکومت شرعیه نمودند پس گردید سه ربع مشاء از دو رشته بکربع نصف ربع می شود ملک طلق جناب آقای آقا ولی الله مصطلح و تصرف در ملک خود در حضور حکام شرع شریف نمودند و صیغه شرعیه صلح مذکور واقع و جاری گردید.

و کان فی التاریخ یوم چهاردهم شهر شوال ۱۳۴۶.

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقعت المصالحة المرقومه مع القبض البدل المسطور لدى الاقل في التاريخ.

[جای مهر]^۱

بخش هفتم

استشهادنامه‌چه

استشهادنامه‌ی بدون تاریخ (ظاهر آ در حدود سنه ۱۰۰۰ ه. ق.)
 در این ورقه استشهاد از جماعت حاجیلر و میان بلوک و اکراد
 خواسته اند که نظرشان را درباره زراعت شالی در قریه سوخته سرا
 پیش از ایام نادر ، ذیل ورقه بنویسند .

استشهاد و استفهام [و] استعلام [و] استخبار می رود از زبان جماعه حاجیلر و میان-
 بلوک و اکراد و غیره بر آنکه هر کسی بر چگونگی زراعت شالی قریه سوخته سرا پیش
 از ایام نادر کرده [و] پرداخته علم و اطلاع داشته باشد شهادت خود را درین صحیفه
 ثبت نموده که بردیوانیان عظام ظاهر و مبرهن بوده باشد ان الله لایضیع اجر المحسنین .
 [بر حاشیه پایین و سمت راست این استشهادنامه عبارت زیر نوشته شده

است :]

بنحوی که در متن قلمی شد بیان واقعست و خلاف ندارد جمشید وطنی .

[جای مهری چهار گوشه و ناخوانا]

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقعست و خلاف ندارد محمد قانچی .

[جای مهر]^۱

۱- مهری بیضی که کلمات «عبدہ محمد» بر آن خوانده می شود.

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقعت و خلاف ندارد امیر رستم قانچی.

[جای مهر]^۱

محمدرضا قانچی. [جای مهر]^۲

اروج قلی قانچی. [جای مهر]^۳

حسن ابن قاسم قانچی. [جای مهر]^۴

خداقلی قانچی، میرزا جمال قانچی، محمد باقر قانچی.^۵

از زبان جمعی کدخدایان قانچی استماع نمودم بیان واقع است و خلاف ندارد

حاجی محمد هادی قانچی. [جای مهری چهار گوشه و ناخوانا]

از زبان جمعی کدخدایان قانچی استماع نمودم بیان واقعت العبد نیاز قلی قانچی.

[جای مهر]^۶

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلاف ندارد محمد هادی قانچی.

[مهری بیضی و ناخوانا]

علی نقی قانچی. [جای مهر]^۷

محمد علی قانچی، محمد خان قانچی.

شهادت به اقامت می‌رساند حسین ناتلی بر آنکه قبل از ایام نادر کمترین در سن

۱- مهری چهار گوشه که کلمات «عبد» «میر رستم» بر آن خوانده می‌شود.

۲- مهری چهار گوشه که کلمات «عبد» «محمد رضا» بر آن خوانده می‌شود. ۳- مهری شش

ضلعی که کلمات «اروج قلی» بر آن خوانده می‌شود. ۴- مهری چهار گوشه با سجع:

«پیرو دین نبی حسنعلی». ۵- از تکرار جمله «به نحوی که در متن قلمی شده بیان

واقعت» خودداری شد. ۶- مهری چهار گوشه با سجع: «افوض امری الی الله عبد

نیاز قلی». ۷- مهری چهار گوشه با سجع: «یا امام علی بن موسی الرضا».

ده دوازده بودم که پدرم در زیر پرسمیان زراعت شالی نموده بود. [جای مهر]^۱
 بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقعست و خلاف ندارد محمد قلی زردی.
 [جای مهر]^۲

حسینعلی میان‌بلو کی. [جای مهر]^۳

محمد قلی باطنی. [جای مهر]^۴

حسن بن حسن کلائی، سید محمد کلائی، محمد وطنی.
 شهادت به اقامت می‌رساند سعادت پناه کربلائی میر محمد تقی درودی که قبل از ایام
 نادر در آتش سوخت سرا زراعت شالی نموده منافع آنرا مالکان سوخت سرا بازیافت
 نموده‌اند. [جای مهر]^۵

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقعست و خلافی ندارد محمد علی سوخته‌سرائی.
 [جای مهر]^۶

سمعت من الشاهدین المعتبرین ان ذلك كذلك اقل طلبه میرزا علی ساکن قانچی.
 [جای مهری بیضی و ناخوانا]

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقعست و خلافی ندارد گنجعلی جهانگللو.
 شهادت به اقامت می‌رساند ملا محمد شفیع که قبل از ایام نادر در آتش سوخته‌سرا
 زراعت شالی نموده و منافع آنرا مالکان سوخته‌سرا بازیافت نموده‌اند خلافی ندارد.
 [جای مهر]^۷

۱ - مهری چهار گوشه باسج: «عبد حسین بن محمد نائل». ۲ - مهری بیضی

باسج: «دارد امید شفاعت ز محمد قلی». ۳ - مهری چهار گوشه باسج: «عبد حسینعلی

میان‌بلو کی». ۴ - مهری بیضی باسج: «عبد محمد قلی باطنی». ۵ - مهری

چهار گوشه باسج: «دارد امید شفاعت ز محمد تقی». ۶ - مهری چهار گوشه باسج: «عبد

محمد علی سوخته‌سرا». ۷ - مهری چهار گوشه باسج: «دارد امید شفاعت ز محمد شفیع».

استشهادنامه‌ی مورخ ۱۰۰۵ ه. ق.

در این استشهادنامه از سادات وموالی و ارباب و کدخدایان و ریش سفیدان بلده و بلوکات دارالمؤمنین استرآباد خواسته‌اند که اطلاع و آگاهی خود را درباره‌ی حقابه‌ی قریه‌ی چوپلانی و درباره‌ی اینکه احدی را در این حقابه با ایشان شرکتی نبوده است بنویسند.

استشهاد و استعلام و استخبار میرود از جماعت سادات وموالی و ارباب و اهالی و کدخدایان و ریش سفیدان و جمهور سکنه و بلده و بلوکات و لایت دارالمؤمنین استرآباد صانها [الله] عن التفرقة والشرو الجور والفساد برآنکه آگاهی و اطلاع داشته باشند که حقابه‌ی قریه‌ی معروفه‌ی چوپلانی من بلوک استرآباد رستاق را که درینوقت رعایای قریه‌ی اشتامهین آنرا دزدیده گاهی شب و گاهی بروز میکشند و نقصان بزراعت قریه‌ی مذکوره بخلاف حساب میرسانند و از قدیم الایام تاحال مالک و رعایاء قریه‌ی اشتامهین را در حقابه‌ی چوپلانی دخلی و شرکتی نبوده و همه ساله رعایا و مالکان قریه‌ی چوپلانی آب مذکور بعنوان حقابه‌ی خود متصرف بوده بقریه‌ی مذکوره میبرده زراعت می نمودند و احدی را در آب مذکوره با ایشان دخلی و شرکتی نبوده هر کسی که بمضمون واقف و مطلع بوده باشد اسم شریف خود را در حواشی این صحیفه میمونه مرقوم سازد که عندالله و عند رسول ضایع نخواهد شد

کسی نیک بیند بهر دوسرای که نیکی رساند بخلق خدای.

تحریر اشهر صفر ختم بالخیر والظفر سنة ۱۰۰۵

[عبارات زیر برپایین و سمت راست این استشهاد نامه‌چه نوشته شده است:]
مضمون مذکور بیان واقعت و خلاف ندارد العبد الاقل عبدالکریم بن محمد شاه .
[جای مهر]^۱

مضمون مسطور بیان واقعت و خلاف ندارد العبد الاقل شاه محمد کربلائی .
[جای مهر]^۲
مضمون مسطور بیان واقعت خلاف ندارد حرره العبد الاقل میرعلی ولد میر مرتضی
تلو کلائی .

مضمون مذکور متن بیان واقعت و خلاف ندارد گدا علی ترنگ .
[جای مهر]^۳

مضمون مسطور متن بیان واقعت و خلاف ندارد محمد صالح کرم دار .
[جای مهر]^۴

مضمون مسطور بیان واقعت العبد ملک حسن او قدی تلو کلائی .
مضمون مسطور بیان واقعت العبد حسن علی شانه بند شمردی . [جای مهر]^۵
مضمون مسطور بیان واقعت العبد سلطان کربلائی تلو کلائی .
آنچه پرسیده معلومست و چنان است در زمان اجاره سیادت پناه میر محمد حسین
گفته شد مردم چوبلانی تصرف نمودند حق بجانب مردم چوبلانی بود و متصرف شدن
العبد سلطان علی تات .

مضمون مسطور بیان واقعت خلاف ندارد العبد الاقل میرزا محمد تجری ساکن
تلو کلانه .

-
- ۱- مهری بیضی با سجمی ناخوانا . ۲- مهری بیضی با سجم : «عبد محمد» .
۳- مهری بیضی کوچک با سجم : «عبد گدا علی» . ۴- مهری بیضی کوچک با سجم :
«دارد امید شفاعت رحمت محمد مؤمن» . ۵- مهری بیضی با سجم : «عبد الراجی حسن علی» .

مضمون مسطور بیان واقعت و خلاف ندارد العبد ملك محمد میرحاج ساكن...
[جای مهری ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقعت ملك رستم شعبان ساكن ترنگ.

مضمون مسطور بیان واقعت و خلاف ندارد سیادت پناه میرمحمد باقر
کیقبادی .

مضمون مسطور بیان واقعت خلاف ندارد العبد الاقل میرمحمد ابن میرمحمد
جعفر .

بمضمون مسطور اداء شهادت نمود ملا ابراهیم عماد ساكن مرزبانكلاته .

سمعت هكذا مافی الصحیفة و انا العبد الاقل كمال الدین . [جای مهر]^۱

هو

شاهدم پیش خداورسول خدا بنده کمترین علی بن حسین دعوی رعایای قریه اشتامهین
در باره حق آب قریه چوپلانی در آن خلاف نیست ،

۱- مهری كوچك بیضی باسجع: «عبد كمال الدین».

استشهادنامهچه مورخ ۱۰۰۵ ه. ق.

در این استشهادنامهچه از سادات و موالی و اربابان و اهالی و کدخدایان که اطلاع دارند قریه علوی کلاته و قریه چوپالانی وقف بر اولاد است و خرید آن با تعدی علیار بیگ خلاف شرع انور است خواسته اند که علم و اطلاع خود را در زیر این ورقه بنویسند.

استشهاد واستعلام میرود از سادات و موالی و ارباب و اهالی و کدخدایان دارالمؤمنین استرabad حفظها الله تعالى عن التفرقة والفساد که شاهدند بر آنکه سیادت پناه مغفرت - دستگاه میر ابراهیم چوپالانی در حال صحت نفس و ثبات عقل قریه معروفه علوی - کلاته و قریه چوپالانی را که واقعند در بلوک استرabad در ستاق من اعمال دارالمؤمنین استرabad و ملک مومی الیه بوده وقف کرده بر اولاد خود و اولاد اولاد خود بطناً بعد بطن و قرناً بعد قرن و وقف نامهچه را بمهر شریف سادات رفیع الدرجات و صدور عظام و قضاة اسلام اردوی معلی مزین و محلی گردانیده و بعد از فوت واقف مشارالیه بیع و شرای که واقع شده بعنف و تعدی بوده و خریدن حکومت پناه علیار بیگ آنرا موافق شرع انور نبوده هر کس برین مضمون مطلع باشد اسم شریف خود را درین وثیقه ثبت نماید

وكان ذلك في شهر ذي قعدة الحرام سنة خمس والف.

[بر حواشی این استشهادنامهچه مطالب زیر نوشته شده است:]

هو ثبت مضمون الوقیه من اوله الی آخره کما هو المکتوب لدى العبد کمال الدین بن عبد الرحیم الحسینی عفی عنهما. [جای مهر]^۱

۱- مهری گرد که کلمات «وعصمتی العبد کمال الدین حسین الحسینی» بر آن خوانده می شود.

صورت حال بیان واقع است العبد عبدالله ابن کمال الدین حسین الحسینی عفی عنه .

[جای مهر]^۱

ثبت مضمون الوقیة المذكوره لدى باعتراف الواقف المشار اليه فعلى هذا عدم جواز المبايعه المذكوره مستغن عن البيان بموانع محمد باقر الحسینی عفی عنه.

[جای مهر]^۲

صح مضمون المسطور من اوله الى آخره كما هو المكتوب عندی كته العبد الاقل صدر الدین محمد بن محمد باقر الحسینی عفی عنهما . [جای مهر]^۳

ثبت مضمون الوقیة المزبوره لدى باخبار جمع من الثقات و مع هذا لا شك فی عدم صحة البيع المذكور حرره العبد عز الدین محمد الانصاری عفی عنه وعن والديه .

[جای مهر]^۴

لا شك فی بطلان بيع المذكور العبد علاء الدین بن محمد العقيلي . [جای مهر]^۵
مضمون مسطور بیان واقع است العبد محمد بن ابوالمحسن نور.

صح مضمون المسطور من اوله الى آخره كما هو عندی العبد جمال الدین حسن بن کمال الدین حسین عفی عنهما . [جای مهری گرد و ناخوانا]

صح مضمونه لدى حرره العبد غیاث الدین علی بن کمال الدین حسین بهرام عفی عنهما .
[جای مهری گرد ناگرفته و ناخوانا]

- ۱- مهری گرد باسجع : «الله محمد علی الفقیر عبدالله الحسینی» . ۲- مهری گرد که کلمات «محمد باقر الحسینی ابن» بر آن خوانده می شود . ۳- مهری گرد که کلمات «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله صدر الدین محمد الحسینی» بر آن خوانده می شود .
- ۴- مهری بیضی کوچک باسجع : «لا اله الا الله عبده عز الدین محمد انصاری» . ۵- مهری گرد که در وسط آن چهار گوشه ای است باسجع : «عبده الفقیر ابن محمد عقيلي» و در چهار ضلع خارجی مربع دو به دو «محمد حسن علی» و «محمد حسین علی» نقر شده است.

من الشاهدين مولانا مظفر انصارى.
 شهد بمضمونه العبد الاقل شاه على اللهم ستر عيوبهما. [جای مهری بیضی و ناخوانا]
 حرره العبد الاقل عز الدين حسين بهرام غفر ذنوبه. [جای مهری بیضی و ناخوانا]
 و ما شهدنا الا بما علمنا و انا العبد الاقل عبد الله بن محمود كفشگر عفى عنهما.
 صورت حال بیان واقع است العبد معین الدین محمد الحسینی. [جای مهری ناخوانا]

§

استشهادنامه‌چه مورخ ۱۰۹۵ هـ . ق .

در باره وقفیت قریه چوپالانی و بطلان اجاره امیر کمال الدین محمود
 این قریه را به مدت پانزده سال که خلاف شرط وقف است در این
 وقت که امیر کمال الدین محمود فوت شده، اجاره کردن ملک از
 مستأجر او خلاف شرع است زیرا پس از مرگ او طبق وقفنامه
 ملک وقف به فرزندان او می‌رسد.

استشهاد و استعلام و استخبار می‌شود از جماعه سادات و موالی و ارباب و اهالی و
 کدخدایان بلده و بلوکات دارالمؤمنین استرآباد صانها الله عن التفرقه والفساد بر آنکه
 مطلع باشند که سیادت و مرحمت دستگاه مبروح الله الحسینی قریه چوپالانی مذکور را
 سیادت پناه میرغیاث الدین محمد باولاد وقف نموده و شرط کرده بود که زیاده از سه
 سال باجاره ندهند و تبدیل نکنند و به صداق ندهند و والدۀ امیر کمال الدین محمود
 همشیره سیادت دستگاه میرغیاث الدین محمد مومی‌الیه است و قریه مذکوره را به
 عنوان وقفیت متصرف بود و امیر کمال الدین محمد مذکوره بوكالة والدۀ خود قریه
 وقفی مذکور را بمدت پانزده سال بجمعی باجاره داده بود و درینولا امیر کمال الدین-
 محمود مذکور فوت شده و وارث او منحصر است در دو پسر صغیر و یکی کبیرویک

صبيه صغيره و زوجة دائم و متروكات اوسوى قرية مذكوره كه وقف است به چهل سهم بين الورثه منقسم شود حسب الدليل و هر كس خواهد كه قرية وقفى مذكور را از مستأجر امير كمال الدين محمود مذكور اجاره كند خلاف شريعت مقدس است و مستند باجاره دادن امير كمال الدين محمود مذكور نمى تواند شود الحال قرية مذكوره تعلق باولاد امير كمال الدين محمود مذكور دارد هر كسى بر مضمون وقفيت قرية مذكور واقف بوده باشد و دانند كه مستأجران امير كمال الدين مذكور قرية مذكوره را باحدى اجاره نمى توانند داد اسم شريف خود را در حوالى و حواشى اين مکتوب مثبت و مرقوم گردانند كه عندالله و عند رسول الله ضايع نخواهد بود.

تحريرا فى شهر رجب المرجب سنة ۱۰۹۵ .

ما _____ ك

امير كمال الدين محمود

وارث

ابن ابن بنت

۱۴ سهم ۱۴ سهم ۷ سهم

زوج _____ ه

هـ _____ م

[بر حاشيه سمت راست و بالاى اين استشهدانامچه مطالب زير نوشته شده

است :]

داعى دولت قاهره باهره محمد صالح معلم از جمع كثير شنيدم كه قرية مذكوره وقف

است العبد. [جای مهر]^۱

مضمون مسطور بيان واقع است العبد ... الحسينى. [جای مهر]^۲

۱- مهرى گرد و ناخوانا. ۲- مهرى بيضى كوچك كه كلمه « الحسينى » بر آن

خوانده مى شود .

من الشاهدين على ذلك حاجي الحرمين حاجي محمد يوسف . [جای مهر]^۱
مضمون مسطور واقع است العبد محمدرضا الموسوی . [جای مهر]^۲
ذرة بمقدار سلطان محمد الحسيني از مير کمال الدين محمود مغفور شنيدم که قرية
چوپالانی وقف خال منست على طريق وقف نامچه مزبور . [جای مهر]^۳
شاهدم وگواهم کمينه العبد حافظ محمد معرف و در اين خلاف نیست .
از سيادت پناه مرحومي مير کمال الدين محمود و جمعی کثير شنیده‌ام قرية چوپالانی
وقف است و خلاف ندارد .

آنچه بر بنده ظاهرست اين که والده مير کمال الدين محمود وقفيت قرية مذکور
بعنوان وقفيت متصرف بود حرره العبد محمد امين الحسيني سماکی .
کذا سمعت من الکثيرين حرره العبد الاقل الداعي ابن ابراهيم... محمد شريف الحسيني .
راقم اين حروف وقفيت قرية مذکوره را از حضار عظام کرام سيما سيادت و نقابت
پناهين عم مرحوم مغفور معه شيخ الاسلام مرحوم وحضرت سيد رضوی ميرزا باقر و
ديگر اعزة کرام بکرات شنیده و بنده بر مضمون شاهد است حرره العبد الراجی
الى الله عفی عنه غياث الدين محمد نیاز الحسيني . [جای مهر]^۴

بنده کمتريں بهرام بن جمال الدين حسن بهرام چنين استماع نموده‌ام از جمعی کثير
مردم چوپالانی وقف است و سيادت پناه مرحوم بعنوان وقفيت متصرف بود ...

[جای مهر]^۵

بنده کمتريں رکن الدين محمد الحسيني از جمع کثير شنیده‌ام که قرية مذکوره
وقفست و خلاف نیست . [جای مهری گرد و ناخوانا]

- ۱- مهری بيضی با سجع : « عبده محمد يوسف » . ۲- مهری بيضی با سجع :
- « عبده محمدرضا الموسوی » . ۳- مهری بيضی با سجع : « عبده سلطان محمد الحسيني » .
- ۴- مهری بيضی که کلمات « غياث الدين محمد الحسيني » بر آن خوانده می شود .
- ۵- مهری گرد و ناخوانا .

قریه چوپالانی وقف است و بهر کس که میر کمال الدین محمود اجاره قدیمی داده است باطل است و اجاره دادن میر کمال الدین محمود مستند نمی توان شود الداعی لدولة الفاهره... الحسيني عفي عنهما. [جای مهر]^۱

۵

استشهادنامه چته مورخ ۱۱۴۳ ه. ق.

در باره اینکه مقبره پیر حدوسامان اراضی سوخته سرا و مزرعه سمیان است و مافوق مقبره مذکور اراضی سوخته سرا و ماتحت آن مزرعه سمیان است اما در این وقت وزیر محال حاجیلر از سامان قدیم که مقبره پیر است تجاوز نموده است.

استشهاد و استخبار و استعلام میرود از جمهور سکنه و متوطنین محال کبود جامه و میان بلوک ورامیان و غیره که از قدیم الایام الی الآن قریه سوخته سرا ملک مورثی ملاک قریه مذکوره بوده از مقبره پیر مشهور [به پیر بالا] ... قدیم او بوده و مافوق مقبره مذکوره سوخته سرا و ماتحت آن مزرعه سمیان بوده و درین وقت وزیر محال حاجیلر از سامان قدیم که مقبره پیر است تجاوز نموده خیلی از اراضی سوخته سرا را دعوی می نماید که داخل مزرعه سمیان است هر کس از مؤمنین خیر اندیش علم و اطلاع داشته باشد که سامان فیما بین سوخته سرا و سمیان مقبره مذکوره است و مافوق مقبره الی الآن در تحت تصرف ملاک سوخته سرا بوده و کسی تا حال با ایشان در آن خصوص حرفی و دعوی نداشته باید که شهادت خود را در ذیل و حواشی این صحیفه قلمی نماید که عندالحاجت حجت بوده باشد.

تحریرا فی شهر شعبان المعظم سنة ۱۱۴۳.

[برحواشی این استشهادنامه‌چه عبارات زیر نوشته شده است:]

بنحوی که در متن [قلمی شده] از مقبرهٔ پیر بالا ملک موروثی [مالکان] قریهٔ سوخته سرا
است و از قدیم الایام در تصرف [مالکان] قریهٔ مذکور است بیان واقع است و خلافتی
ندارد قربان. [جای مهری بیضی و ناخوانا]

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافتی ندارد که از مقبرهٔ پیر بالا ملک مالکان قریهٔ
سوخته سراست و بتصرف ایشان دیده‌ایم محمدولی سوخته سرائی.

[جای مهری بیضی و ناخوانا]

بموجبی که نوشته شده بیان واقع است و خلافتی ندارد که ملک موروثی مالکان
قریهٔ مذکور است و بتصرف مالکان قریهٔ [مذکور] دیده‌ایم...

بنحوی که در متن [قلمی شده] مقبرهٔ پیر بالا را ... قریهٔ سوخته سرا دیده‌ایم ... است
بیان واقع است و خلافتی ندارد ... [جای مهری چهار گوشه و ناخوانا]

بمضمونی که نوشته بیان واقعست و خلافتی ندارد که ملک موروثی مالکان قریهٔ
مذکور است و بتصرف ایشان دیده‌ام محمد ناطلی.

[جای مهری چهار گوشه و ناخوانا]

بموجبی که [نوشته شده] بیان واقع است که قریهٔ [سوخته سرا] تبول کمترینان بود از ...
نگذشته‌ایم و ملک موروثی مالکان قریهٔ سوخته سراست محمد علی ابدالو.

[جای مهر]

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافتی ندارد کمترین علم قطعی دارم
که ملک موروثی مالکان قریهٔ سوخته سراست ملا خلف جهان بگلو.

[جای مهری بیضی و ناخوانا]

مضمون مسطور متن بیان واقع است و خلافتی ندارد که از مقبرهٔ پیر بالا را بتصرف
مالکان قریهٔ سوخته سر دیده‌ام کربلائی امامقلی ابدالو.

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافی ندارد که کمترین از مقبره پیر بالا را بتصرف مالکان قریه مذکور دیده‌ام و ملک موروثی ایشان است کربلائی شیرخان جهان‌بگلو. [جای مهری چهار گوشه و ناخوانا]

بمضمونی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافی ندارد که ملک موروثی مالکان قریه مذکورست کمترین اطلاع دارم عاشورعلی اسمعیل حاجلو.

[جای مهر]^۱

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافی ندارد که بتصرف مالکان قریه مذکور دیده‌ام و ملک موروثی ایشان است ولیقلی حاجلو.

[جای مهری بیضی و ناخوانا]

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافی ندارد که کمترین مدت سی و هفت سال ملازم بوده‌ام و مزرعه سمیان بتحویل کمترینان بوده از مقبره پیر بالا نگذشته‌ام و ملک موروثی مالکان قریه سوخته‌سر است کربلائی محمدزمان ابدالو.

[جای مهر]^۲

بموجبی که در متن نوشته شده بیان واقع است و خلافی ندارد کمترین علم قطعی دارد که ملک موروثی مالکان قریه مذکور است آصف جهان‌بگلو.

[جای مهری بیضی و ناخوانا]

مضمون مسطور متن بیان واقع است و خلافی ندارد و کمترین علم قطعی دارم ملا رستم وطنی. [جای مهری چهار گوشه و ناخوانا]

مضمون مسطور متن بیان واقع است و خلافی ندارد حق‌ویردی حاجیلر.

[جای مهر]^۳

۱- مهری چهار گوشه باسجج: «عبد عاشورعلی محمد». ۲- مهری چهار گوشه

باسجج: «عبد محمد زمان». ۳- مهری چهار گوشه باسجج: «خاک قدم علی حق‌ویردی

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافتی ندارد العبد میر ابراهیم میان بلوکی.

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافتی ندارد کربلائی میر اشرف میان بلوکی. [جای مهری بیضی و ناخوانا]

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقع است و خلافتی ندارد کربلائی شاه محمد میان بلوکی. [جای مهری گرد و ناخوانا]

بنحوی که در متن قلمی شده حسب الفرموده نواب حاکم کمترین در سامان قریه مذکوران رفته بتحقیق و تشخیص از حوالی و حواشی کدخدایان نموده که سامان قریه سوخته سرا از مقبره پیر بالا در تحت تصرف مالکان قریه سوخته سراسر است بیان واقع است و خلافتی ندارد العبد دوست محمد عاملی. [جای مهر]^۱

بنحوی که در متن قلمی شده از زبان جمعی استماع نمودم که ملک موروثی ملاک قریه سوخته سراسر است امام ویردی ترکمن حاجیلر. [جای مهر]^۲

از زبان جمعی استماع نمودم که ملک موروثی ملاک قریه سوخته سراسر است العبد الاقل...

[با شهادت چندتن دیگر از شهود بر حاشیه سمت راست و بالا که در اثر پارگی

سند ناخواناست].

۱ - مهری بیضی که کلمات «عبد محمد» بر آن خوانده می‌شود. ۲ - مهری

بیضی که کلمه «عبد و ردی» بر آن خوانده می‌شود.

استشهادنامه‌ی مورخ ۱۱۵۶ ه. ق.

در باره‌ی اینکه ده‌سهم از جمله بیست و پنج سهم قریه‌ی چوپلانی ملک طلق ولدان میر روح‌الله استر ابادی است که هفت سهم و نیم آن در اجاره‌ی قاسم‌خان عزالدین‌لو بوده و در این وقت مدت اجاره‌ی او سر-آمده و دو سهم و نیم باقی در دست مالکان اصلی بوده است و در این باره کسی را گفتگوئی نیست.

استشهاد و استعلام و استخبار میرود از جمهور سادات عظام و علماء کرام و کدخدایان ذوی‌الاحترام بر آنکه ده‌سهم از جمله بیست و پنج سهم کل قریه‌ی چوپلانی حق و ملک طلق ولدان مرحمت‌پناه میر روح‌الله استر ابادی میباشد که هفت سهم و نیم آن در اجاره‌ی مرحمت‌پناه قاسم‌خان عزالدین‌لو بمدت پانزده سال بوده که حال مدت مزبوره منقضی شده و دو سهم و نیم آن در تصرف مالکان و وارثان مرحمت‌پناه مزبور است که خود در تصرف داشته و می‌پرداخته‌اند و احدی را درینخصوص گفتگوئی نبوده هر کرا علم بر کیفیت مراتب مزبوره بوده باشد امهار گرامی خود را درینورقه ثبت و درج نماید که عندالحاجه شواهد بود

کسی نیک بیند بهر دوسرا که نیکی رساند بخلق خدا

وكان ذلك في شهر شعبان المعظم سنة ١١٥٦.

[بر حاشیه بالا و سمت راست این استشهادنامه‌ی مطالب‌زیر نوشته شده است:]

هو

اقل عباد را از مدار تپسیم و تملك مالکان در قریه‌ی چوپالانسی علم حاصل است که

چوپلانی بریست و پنج سهم تقسیم میشود که دوازده سهم باصبیه مرحوم ملامحمد- علی حافظ میبود که به سعایت و شقاوت مرحوم آقا حسین حاجی هادی که فرعون مالکان چوپلانی شده بود و درایامی که مرحوم قاسم خان وارد استرآباد شده از صبیۀ مرحوم باطلاع فقیر بموجب قبایلچه بده تومان بانقصان ابتیاع و سه سهم از صبیای آقا حسین بود که اصل آن هم از ملامحمد علی بود که به نوادهای خود بخشیده بود آنرا نیز قاسم خان از آقا حسین خریده و ده سهم آن از ورثۀ مرحوم میرروح الله که آن نیز بسعایت آقا حسین قاسم خان از سادات خواسته هفت سهم و نیم آنرا با جاره قاسم خان دادند با شیوارات و قنوات واقعات در چوپلانی و مرزبانکلاته و غیرها و دو سهم و نیم دیگر را خود متصرف و قاسم خان سادات را در حین حیات خود مراعات زبانی مینمود غرض پانزده سهم از چوپلانی ملک خریدۀ ورثۀ قاسم خان عزالدینلو است و ده سهم دیگر ملک طلق حق ثابت محکوم به ورثۀ مرحوم میرزا روح الله است اگر در تصرف ورثۀ قاسم خان بوده با جاره بوده و اگر اجاره منقضی گردیده بغیر حق در تصرف ایشان است باید رد نمایند سه سال قبل ازین بمقتول مظلوم مرحوم سیدرضا در عرض راه برخورد نمودم عمو نزدیک است اجاره شما منقضی شود نمود يك سال دیگر باقی است خدا کند این قدر بسر آید و ما از ذلت بر آئیم و این ملک دو بیست سالۀ میرروح الله است و ما شهدنا الا بما علمنا کتبه الجانی الخاطی ابن سید مفید رفیع الموسوی .

[جای مهر]

اقل عباد را علم قطعی حاصلست که پانزده سهم از بیست و پنج سهم قریۀ چوپلانی تعلق بورثۀ قاسم خان دارد و ده سهم از بیست و پنج سهم از کل تعلق بورثۀ میرروح الله دارد و هر کس تصرف داشته باشد بدون حق خواهد بود العبد الاقل حاجی سیدجلال.

هو

اقل عباد را علم قطعی حاصل است که دوسهم از بیست و پنج سهم قریه چوپلانی
 ملك طلق نجابت و معالی پناه میرزا محمدعلی است که بمحمدقلی آقای قایخلو به
 اجاره داده بود و اجرای صیغه اجاره را اقل عباد با عالیجناب مقدس القاب عموی
 مخدومی حاجی عبدالله نموده بودیم العبد الجانی .

[جای مهری چهار گوشه و ناخوانا]

هو

اقل داعیان را علم حاصلست که دوسهم و نیم از قریه مزبوره ملك خاص . . . آثار
 میرزا محمدعلی است که در تصرف داشته و باجاره بمرحوم میرزا محمدقلی آقای
 قایخلو داده بود که اجاره نامه بخط و مهر داعی است و بیان واقعت و مآشهدنا الا
 بماعلمنا العبد الجانی . [جای مهری ناگرفته و ناخوانا]

هو

اقل عباد علم دارم که ده سهم از قریه چوپلانی بامر حوم سیدرضا و صبیئه عمه مرحوم
 سید میباید و سیدرسد خود را بمرحوم قاسم خان باجاره داده بود و مآشهدنا الا بماعلمنا
 العبد الجانی . [جای مهری چهار گوشه و ناخوانا]

استشهادنامه‌چه بدون تاریخ .

در این ورقه از سادات و موالی و اربابان و کدخدایان خواسته‌اند
علم و اطلاع خود را درباره قنات سرواز در کنار جنگل سفیددار
که مشهور به شواردباغ است و متعلق به قریه چوپلانی است
بنویسند.

استشهاد و استخبار و استعلام میرود از سادات و موالی و ارباب و اهالی و کدخدایان
حوالی و حواشی بر آنکه عالم و خبیر و مطلع باشند که یکرشته قنات سرواز که سمت
شرقی قریه چوپلانی است در کنار جنگل سفیددار و مشهور است بشواردباغ از
قدیم‌الایام الی‌الآن داخل قریه چوپلانی بوده و متعلق به قریه مذکور است اسم نامی
خود را در ذیل و حواشی این صحیفه ثبت نمایند که باعث اجر دارین خواهد بود
کسی نیک‌بیند به هر دوسرا که نیکی رساند بخلق خدا .

[بر حاشیه سمت راست این استشهادنامه‌چه مطالب زیر نوشته شده است:]
بنحوی که قلمی شده شوار مذکور حق و ملک قریه چوپلانی است العبد ملک
جمال‌الدین . [جای مهر]^۱

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد العبد محمدیار فیروزی .
[جای مهر]^۲
مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی نیست العبد ملک باقر سرخانکلائی .
[جای مهر]^۳

۱- مهری چهار گوشه باسجع: «عبد جمال‌الدین». ۲- مهری بیضی باسجع:
«عبد محمدیار». ۳- مهری چهار گوشه باسجع: «عبد محمدباقر».

شوار مذکور متن در حومه چوپلانی است و خلافتی ندارد العبد ملك حسنعلی
سرخانکلائی. [جای مهر]^۱

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافتی نیست شاهمحمد دباغ گیوآبادی.

[جای مهر]^۲

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافتی نیست محمدباقر کمانگر سرخانکلائی.

[جای مهر]^۳

هو ذلك الكتاب لاریب فيه نمقه العبد میرزا محمد. [جای مهر]^۴

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافتی ندارد العبد محمد ساکن دودانگه.

[جای مهر]^۵

بنده کمترین از عمومی خود مکرر شنیده‌ام که شوار کنار جنگل سفیددار داخل
چوپلانی است و خلافتی ندارد العبد کربلائی میرمحمد رضا کشته‌ئی.

[جای مهر]^۶

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافتی ندارد ملك شیرعلی مرزبانکلائی.

[جای مهر]^۷

بنحوی که در متن نوشته شده آب شوار داخل قریه چوپلانی است و خلاف ندارد
العبد میرزا محمد تلو کلائی. [جای مهر]^۸

هو لاشك ولا ريب فيما استشهدت نمقه اقل الطلبة محمد قاسم بن عیسی الحسینی

۱- مهری چهار گوشه باسجع: «عبد حسنعلی». ۲- مهری بیضی باسجع: «عبد

محمد». ۳- مهری بیضی که کلمات «آل محمد» بر آن خوانده می‌شود. ۴- مهری

بیضی که کلمات «مدد کارنیک میرزا محمد» بر آن خوانده می‌شود. ۵- مهری بیضی

باسجع: «محمد مظهر لطف الهی» در دو سطر وارونه. ۶- مهری چهار گوشه باسجع: «عبد

میر محمد رضا». ۷- مهری بیضی باسجع. «عبد شیرعلی». ۸- مهری چهار گوشه و

اوتی کتابها بيمينهما. [جای مهر]

۸

استهادنامه بدون تاریخ.

در این ورقه از سادات و فضلا و جمهور سکنه استرآباد خواسته اند که علم و خبر خود را در باره خانه و باغچه متصل به آن در محله پاسرو در ذیل ورقه بنویسند که ملکی است موقوفه و فروختن آن به دست میرزا محمدعلی هروی خلاف شرع است و موقوف علیهم در حال حاضر آقا میر موسی و برادرش می باشند.

استهاد و استطلاع و استعلام و استخبار میرود از سادات رفیع درجات عظام و فضلی کرام و جمهور سکنه دار المؤمنین استرآباد صانها الله عن التفرقه و الفساد که علیم و خبیر بوده باشند که يك باب اوطاق که حال خانه مسکونه و رثه محمدعلی خیاط است و يك باب باغچه بزرگ که متصل بخانه موقوفه مسکونه عالیحضرت رفیع مرتبت سلاله السادات آقا میر موسی واقع در محله پای سرو مشهور با اوطاق و باغچه بوده متصرفه مرحمت و غفران پناهان آقا سید رضا و آقا میر عماد خلفان مرحمت و غفران پناه رضوان جایگاه آقا میر روح الله الحسینی وقف اولاد است که الحال در تصرف محمدعلی خیاط و باباخان آقا می باشد و تصرف غیر در املاک وقفی خلاف شرع شریف است و فروختن میرزا محمدعلی هروی خلاف شرع می باشد و از خوف محصل رضوان جایگاه جنت آرامگاه محمدرضا خان بوده و الحال اینکه هر کس علم بروقفیت اوطاق و باغچه مزبوره داشته باشد و یا اینکه از عفت و عصمت پناه مرحومه مغفوره بیجه شرف که از جمله اولاد واقف است استماع نموده باشند که اوطاق و باغچه مزبوره وقف اولاد

است و الحال علم داشته باشند که موقوف علیهم عالیحضرت رفیع مرتبت سلالة السادات آقا میر موسی با برادرش می باشند اسامی سامی و امهار گرامی خود را مزین فرمایند که عند الحاجة حجت تواند شد و حق بمن له الحق عاید و داخل شود که عند الله و عند الرسول ضایع نخواهد شد

کسی نیک بیند بهردو سرا که نیکی رساند بخلق خدا.

[بر حاشیه بالا و سمت راست این استشهادنامه چه مطالب زیر نوشته شده است:]
بر داعی علم قطعی حاصل اینست که مضمون مسطور بیان واقع است و از بنی اعمام و والد مرحوم خود استماع نموده که خانه و اوطاق و باغچه بزرگ و کوچک وقف اولاد می باشد و موقوف علیهم عالیجنابان آقا میر موسی و برادرش می باشند نمقه الجانی. [جای مهر]^۱

مضمون مسطور بیان واقع و مراتب مزبوره را از والد مرحوم و بنی اعمام خود رضوان الله علیهم استماع نمودم نمقه الجانی. [جای مهر]^۲

بسم الله خير الاسماء

از زوجه مرحوم میرزا محمد علی هروی که مسماة به بیجه شرف بوده استماع نموده ام که همه املاك ما كلاً وقف اولاد است که اجداد ما وقف نموده که موقوف علیهم حال عالیحضرت سلالة السادات العظام آقا میر موسی الحسینی و برادر او می باشند و ما شهدنا الابما علمنا نمقه الخاطی. [جای مهر]^۳

هو

بر داعی دوام دولت قاهره علم قطعی حاصل است که خانه و باغچه و اوطاق مزبوره کل املاك مرحمت پناهان آقا سید رضا و آقا میر عماد وقف اولاد است و مرحومه

۱- مهری بیضی باسجع: «عبد محمد صادق الموسوی». ۲- مهری بیضی باسجع:

«عبد محمد رحیم الموسوی». ۳- مهری بیضی باسجع: «عبد محمد الموسوی».

بیجه شرف اقرار نمود که املاك ما كلاً وقف اولاد است که موقوف علیهم الحال عالیحضرت سلاله السادات آقا میرموسی با برادرش می باشند و مبايعه رضوان جایگاه میرزا محمدعلی درخصوص يك باب اوطاق و باغچه که نموده است خلاف شرع است. [جای دومهر]^۱

نظر بملاحظه مضمون وقف نامه چه معتبری که درید عالیجناب سیادت و نجابت پناه سلاله السادات العظام الکرام آقا میرموسی است و امهار کرام سادات و علماء ذوی العز والاحترام درین ورقه و شهادت جماعتی از ثقات اهل علم و غیره بر اقل عبادالله ظاهر و منکشف شده که باغچه و اوطاق مزبورین در متن وقف بر اولاد واقف مزبور است و موقوف علیهم الآن عالیجناب معظم الیه و برادرش می باشند کتب الجانی . [جای مهر]^۲

بسم الله تعالى علم بمراتب مزبوره داعی را حاصل چنانکه سادات و علما حکم نموده اند حرره الداعی محمد رضا الحسینی . [جای دومهر]^۳

از شهادت جمع کثیری از معتمدین بعد از ملاحظه وقف نامه چه معتبره که در دست عالیجنابان سلاله السادات آقا میرموسی و آقا میر تقی می باشد معلوم گردید که املاك مرقومه وقف است و الآن موقوف علیهم عالیجنابان سابق الذکر می باشند والله العالم عالم بحقایق الاحکام. [جای مهر]^۴

-
- ۱- مهری چهارگوشه باسجع: «عبدہ زین العابدین الموسوی» و مهری بیضی باسجع :
 - عبدہ محمد کاظم الموسوی . ۲- مهری بیضی باسجع : « المتوکل علی الله عبدہ عیسی
 - ۱۲۲۲ . ۳- مهری چهارگوشه که در مستطیل وسط «عبدہ محمد رضا الحسینی» و در بالا
 - و پایین آن «لا اله الا الله الملك الحق المبين» خوانده می شود و مهری بیضی با سجع : «عبدہ
 - حسین الحسینی» . ۴- مهری بیضی باسجع : «عبدہ الراجی عباسعلی» .

نظر بشهادت جناب صاحبی مخدومی حاجی ملا محمد رضا و ملا عیسی و آقا میر محمد صادق موسوی و آقا محمد رحیم موسوی و آقا میرزین العابدین و جمعی دیگر املاک مسطور و وقف است و الآن جناب آقا میر موسی و آقا میر محمد تقی موقوف علیهم می باشند والله هو العالم بالحقایق . [جای مهر]^۱

نظر باحکام علمای اعلام و وقف نامه آقا میر موسی و آقا میر تقی موقوف علیهم می باشند . [جای مهر]^۲

بر اقل سادات علم قطعی حاصل است که مضمون مسطور بیان واقع است و از اعمام خود و صاحبی ام عالیجناب مقدس القاب کشف الحاج و المعتمرین حاجی سید حسین نیز استماع نمودیم که خانه و باغچه مسکونه و اطاق و باغچه مزبوره در متن وقف اولاد می باشد و موقوف علیهم عالیجنابان مقدس القابان آقا میر موسی و آقا میر تقی الحسینی می باشند نمقه الجانی الفانی محمد الحسینی . [جای مهر]^۳

این خط و این مهر از مرحوم مغفور والد ماجدم طاب ثراه می باشد و در نوشته و فرموده ایشان خلافی نیست و گویا احدی از مخالف و موافق در این معنی خلافی نداشته باشد و از مرحوم مغفور عموی الحاج میرزین العابدین چیزی شنیده بودم و همان وقت آن را نوشته بودم و الحال بدست عالیجناب آقا میر موسی می باشد و کتب الجانی . [جای دومهر]^۴

زوجه کریم مسگر که صبیّه خالو باقر است از جمله شهود وقف است و مخلص هم فی الحواشی از و شنیدم که باغچه را میرزا محمد علی بجبر و ظلم فروخته است.

[جای مهر]^۵

۱- مهری بیضی باسجج: «عبداله راجی محمد حسین». ۲- مهری بیضی باسجج:

«عبداله محمد حسین الرضوی». ۳- مهری بیضی باسجج: «عبداله راجی محمد الحسینی».

۴- مهری بیضی کوچک باسجج: «عبداله مفیدالموسوی» و مهری بیضی بزرگتر باسجج: «عبداله

محمد هادی الموسوی». ۵- مهری بیضی باسجج: «عبداله راجی محمد هادی».

هذا خطی سمعت عن ... کربلائی شاه محمد و حررت. [جای مهر]^۱

اقل عباد در خصوص يك باب باغچه متصله بخانه موقوفه سلاله السادات آقا میر موسی که حال در تصرف عالیشان باباخان آقای قوانلو است در اوان حکومت عالیجاه مرحمت پناه رضوان جایگاه رضاخان میرزا محمدعلی هروی را جریمه نموده بود و باغچه مزبوره را میرزا محمدعلی می خواست بفروشد و مرحوم میرزا علی عرب پدرزن خودم مرا واسطه کرد که باغچه مزبوره متصل بخانه من است از میرزا محمدعلی بخر به میرزا محمدعلی در خصوص بیع بجهة میرزا علی گفتم در جواب بمن گفته است که اوطاق و باغچه مزبوره وقف اولاد است نظر باینکه شما دوست هستید ازین جهة حقیقت را عرض کردم و ماسهدنا الا بما علمنا. [جای مهر]^۲

مضمون مسطور بیان واقع و خلافی ندارد نمقه الجانی. [جای مهر]^۳

بر اقل عباد الله حاجی محمدجعفر علم حاصل است که يك باب اطاق که حال خانه مسکونه ورثه مرحوم محمدعلی خیاط است و يك باب باغچه که متصلند بخانه موقوفه سلاله السادات آقا میر موسی که حال در تصرف عالیشان باباخان آقای قوانلو است هر دو وقف اولاد می باشند و حال موقوف علیهم سلاله السادات آقا میر موسی و برادرش می باشند و در اوان حکومت عالیجاه مرحمت و غفران پناه رضوان جایگاه رضاخان میرزا محمدعلی هروی را جریمه نموده بود نظر باینکه دوستی فیما بین بود که من خدمت عالیجاه رضوان جایگاه خان رفته و ضامن مشارالیه شده ام تا اینکه عالیشان باباخان آقا می خواست اوطاق و باغچه مزبور را بخرد و قبل از مباحثه میرزا محمد-

۱- مهری بیضی که کلمات «دارد سر میر محمد» بر آن خوانده می شود. ۲- مهری

بیضی با سجع: «منتظر لطف الهی شاه محمد». ۳- مهری بیضی با سجع: «الواثق بالله الغنی

عبده محمدعلی».

علی در حضور کمترین اقرار و اعتراف نموده که اطاق و باغچه وقف اولاد است و من از خوف محصل بی دینی و خلاف شرع می نمایم و ابتداء کربلائی شفیع غلام می خواست بخرد و قفیت را مطلع شد موقوف کرد و مآشهدنا الایما علمنا.

[جای مهر]^۱

اقل عبادالله در حال طفولیت که بمکتب می رفتم مرحمت و غفران پناه ملا ابوعلی فرمودند که مرحمت و غفران پناه کربلائی شاه محمد می خواست که زمین باغچه که اتصال دارد بخانه سلاله السادات آقا میر موسی در معرض بیع در آورد آخوند مرحوم مانع شده فرمودند که عیب دارد وقف است بیع نمی توان کرد ملاصفر علی خلف مرحوم کربلائی شاه محمد.

بر اقل عباد کربلائی محمد طاهر علم قطعی است که خانه و اوطاق و باغچه بزرگ و کوچک که متصلند بهم وقف اولادمی باشند و عمل بوقفیت می نمودند و الحال موقوف علیهم عالیجنابان آقا میر موسی و آقا میر محمد تقی می باشند و خلافتی درین نیست و مآشهدنا الایما علمنا. [جای مهر]^۲

و بهمین نوع مسطور اقل طلبه از کربلائی محمد طاهر شنیده ام بدون کم و زیاده.

[جای مهر]^۳

از کربلا محمد طاهر شنیده ام و همین نوع مسطور بدون کم و زیاد نمقه الجانی .

[جای مهر]^۴

و بعد از ملاحظه امهار کرام جمعی از مؤمنین علم بهم رسید که آنچه در این ورقه

۱- مهری بیضی باسجع : «لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم». این مهر دو دفعه خلاف

جهت یکدیگر زده شده است. ۲- مهری بیضی باسجع : «محمد بن آل طاهر».

۳- مهری بیضی باسجع : «عبدہ الراجی محمد طاهر». ۴- مهری بیضی باسجع : «الوائق

بالله الفنی عبده محمد علی».

هست علاوه بفرمودهٔ مجتهدالعصری ملا حاجی رضا خلاف ندارد.

[جای مهر]^۱

علم بمراتب مزبوره داعی را حاصل چنانکه سادات و علما حکم نموده‌اند حرره
الداعی محمدرضا الحسینی ... [جای دومهر]^۲

۹

استشهاد نامه‌چه‌ای بدون تاریخ.

در این ورقه از علما و سکنهٔ دارالمؤمنین استرآباد خواسته‌اند که
علم و اطلاع خود را دربارهٔ حدود سامان دو دهکدهٔ میر و محله و
چوپلانی که دوچنار است و آب داریکاب و آب قوچانی جزء ملک
چوپلانی است در این ورقه بنویسند.

استشهاد و استخبار می‌رود از علماء اعلام و سکنهٔ دارالمؤمنین استرآباد بر اینکه علیم و
خبیر باشند که در باب حدود و مزارع چوپلانی جمع کثیری در یوم ضبط قریهٔ
چوپلانی از فضلاء و بررگان و عالیشانان رفیع‌مکانان ملک محمدحسین و ملک کاظم و
کدخدایان و ملاهای میر و محله و چوپلانی و جمعی از زارعین میر و محله و چوپلانی
بودند و شهادت دادند که يك حد چوپلانی بدوچنار و خود کمشی خل داخل چوپلانی
است و آب داریکاب و آب قوچانی که در سرهمان آب و ممر ایستاده همه بلاشک و
ریب شهادت دادند که ملک چوپلانی است و در تصرف زارعین چوپلانی بوده

۱- مهری بیضی باسجع: «عبدہ الراجی علی‌رضا». ۲ - مهری بیضی باسجع:

«عبدہ حسین الحسینی»، و مهری دیگر چهار گوشه باسجع: «لا اله الا الله الملك الحق المبين
محمدرضا الحسینی».

بلانزاع هر که بوده در آن مکان و علم دارد و یا خود زراعت نموده اسامی سامی و امهارگرمی خود را مزین سازند کسی نیک بیند بهر دوسرا که نیکی رساند بخلق خدا [بر حاشیه بالا و سمت راست این استشهاد نامه چه مطالب زیر نوشته شده است:]
مرا علم قطعی حاصل است که آب قوچانی و آب داریکاب و دوچنار زیر حد قوچانی و کمش خل داخل قریه چوپلانی است و آنچه نوشته شده است خلافی ندارد
نمقه الجانی . [جای مهر]^۱

اقل الطلبة در خدمت سرکار آقائی ام در آن مکان بودم که حضرات مزبور در متن شهادت دادند بنهج مسطور و از برای کمترین علم حاصل شد که آب قوچانی و آب داریکاب مال چوپلانی است حرره العبد الجانی . [جای مهر]^۲

مرا علم قطعی حاصل که آب قوچانی و آب داریکاب و دوچنار زیر حد قوچانی و کمشی خل داخل قریه چوپلانی و آنچه نوشته شده است خلافی ندارد نمقه الجانی
[جای مهر]^۳

مرا علم قطعی حاصل است که آب قوچانی و آب داریکاب و دوچنار زیر حد قوچانی است و کمشی خل داخل قریه چوپلانی است و آنچه نوشته شده است خلافی ندارد.
[جای مهر]^۴

از قراری که معلوم این حقیر شد آب قوچانی است و ملک عام است داخل چوپلانی است بر کمترین واضح است و بودیم در آن مکان و این حدود بی شک است.
[جای مهر]^۵

۱- مهری بیضی بسیار کوچک باسجع : «عبدالله الحسینی» . ۲- مهری بیضی باسجع : «بنده آل محمد احمد» . ۳- مهری بیضی باسجع : «عبد قاسم الحسینی» . ۴- مهری بیضی باسجع : «پیرو دین نبی علی» . ۵- مهری بیضی باسجع : «عبدالرجی محمد مهدی ۱۲۲۱» .

در یوم ضبط احقر حضور داشتم که حضرات کدخدایان و پیرمردان جمع کثیری شهادت دادند که آب قوچانی و آب داریکاب و دوچنارز برحد قوچانی و کمشی خیل در قریه چوپلانی است و علم برحقیقت آن حاصل شد نمقه الجانی .

[جای مهر]^۱

مرا علم قطعی حاصل است که آب قوچانی و آب داریکاب و دوچنار حد قوچانی داخل قریه چوپلانی است و آنچه نوشته شده خلافی ندارد .

[جای دومهر]^۲

محمد الوستانی از پیرمردان قدیم شنیدم و علم دارم که مرزنکلائی شصت تا از درواز بزیر بیشتر ملک ندارد و آنچه در این ورقه مسطور است صحیح است و آب قوچانی و داریکاب مال چوپلانی است الجانی محمدرضا .

[جای مهر]^۳

آقا سید حسین و خداداد شهادت دادند که در چوپلانی نشسته بودند همین آب و سامان که ذکر شده است بقرق چوپلانی بود خلافی ندارد . [جای مهر]^۴

سید حسین خود در چوپلانی نشسته بودم همین سامان را زرع کردم خلافی ندارد و آب قوچانی و داریکاب و زرع میگردیم آب چوپلانی همان آب بود بنده در نوبت سیم بودم . [جای مهر]^۵

۱- مهری هشت ضلعی با سجع: «دادد امید شفاعت زمحمد طاهر» . ۲- مهری

بیضی با سجع: «عبداله راجی محمد مهدی و مهری بیضی دیگر با سجع: «عبداله محمد صالح» .

۳- مهر کوچک بیضی با سجع: «عبداله ابوالقاسم الحسینی» . ۴- مهری بیضی با سجع:

«عبداله مرتضی بن علی اصغر» . ۵- مهری چهار گوشه کوچک با سجع: «سید

حسین الحسینی» .

خداداد خود در چوپلانی نشسته بودم همین سامان را که نوشته شده است زرع کردم خلافی ندارد آب قوچانی و داریکیاب بقرق چوپلانی بود هر دو مرتب زرع می کردیم بنده در نوبت دوم بودم.

شهادت دادند چند نفر از مؤمنین که در چوپلانی نشسته بودیم آنچه درین ورقه ذکر شده است تصرف چوپلانی بود خود ما زرع کردیم خلافی ندارد و آب قوچانی و داریکیاب تصرف بود زرع میشود. [جای مهر]^۱

۱۰

استشهادنامه ای بدون تاریخ .

در این ورقه از کسانی که دیده اند و شنیده اند و خبر دارند خواسته اند که علم و اطلاع خود را درباره و قیمت پنج دانگ میر محله و شش دانگ چوپلانی و حکم حاجی ملارضا دائر به رد املاک موقوفه سادات به ایشان در این ورقه بنویسند.

مخفی نماند که صورت حکم جناب مجتهد الزمانی حاجی ملارضاى استرآبادی در باب پنج دانگ قریه میر محله و شش دانگ مزرعه چوپلانی و موقوف علیهم بودن مرحوم آقا میر موسی و برادرش مرحوم آقا میر تقی و اولاد ایشان این است جمعی از موثقین شهادت بمراتب مزبوره داده اند و حکم شرع مطاع لازم الاتباع بر لزوم رد املاک مرقومه است بحضرات مرقومین نمقه العبد الجانی هر که از حاجی مجتهد مزبور حکم را دیده و مطلع است و شاهد بر حکم ایشان بوده یا از ایشان استماع نموده باشند و یا خود ایشان حاجی را مجتهد نافذ الحکم و خود عالیجاه عباس خان احکام

آنها را در استرآباد نفوذ میدادند متوقع آنکه صفحه این صحیفه را بمهر مهر آثار خود مزین فرمایند که در نزد متکیان و ساده شریعه غری حجة بوده باشد

کسی نیک بیند بهردو سرای که نیکی رساند بخلق خدای

[بر حاشیه بالا و سمت راست این ورقه عبارات زیر نوشته شده است:]

آنچه در متن محرراست و مطابق با اصل صورت حکم که بخط و مهر مرحوم مغفور مجتهد الزمان حاجی ملارضاء استرآبادی و عباس خان ایشانرا مجتهد نافذالحکم میدانستن شکی و شبهه نیست انا العبد العاصی. [جای مهر]^۱ خط و مهر جناب سیادت و فضیلت مآب آقا سید جعفر [الحسینی].

نوشته مهور بمهر و خط حاجی ملارضاء غفر له این است جمعی از موثقین شهادت بمراتب مزبوره دادند و حکم شرع مطاع لازم الاتباع بر لزوم رد املاک مرقومه است به حضرات مرقومین نمقه العبد الجانی. [جای مهر]^۲ خط و مهر جناب علام حاجی سید نصرالله معروف باجتهاد دام عزه.

این صورت حکم خط و مهر مرحوم حاجی ملارضاء مطابق با اصل است و اصل خط و مهر ایشان است و اقل از ایشان شنیدم که من حکم کردم و مثل آفتاب روشن است و حاجی مجتهد نافذالحکم در استرآباد بود و عباس خان حکم ایشان را نفوذ میداد اقل ذا کرین ملا عباسعلی.

این صورت حکم خط و مهر مرحوم حاجی ملارضاء مطابق با اصل است و اصل خط و مهر ایشانست و از حاجی مرحوم استماع شد که حکم فرمودند و حاجی ملارضاء در استرآباد مجتهد نافذالحکم بود و عباس خان حکم ایشانرا نفوذ میداد و در اصل استشهاد از حاجی مرحوم شنیدم مهر کردم الجانی ملارضاء علی چیا کندی استرآبادی.

۱- مهری بیضی باسجع: «عبد جعفر الحسینی». ۲- مهری بیضی باسجع:

صورت شهادت جناب سلمان عصری ملا رضا علی چپا کندی استرآبادی مدتی در اصفهان تحصیل نمودند.

نوشته‌جات متعدده فردوس تکیه گاه حاجی ملا رضای مجتهد را دیدم و مضمون حکم ایشان مطابق است با نوشته در متن و علاوه آنکه از سرکار آقائی مجتهد العصر والزمانی جناب مستطاب شریعتمدار حاجی سید نصر الله و سرکار علامی فهامی ملا محمد صالح و جناب فضایل مآب عزت و کمالات اکتساب آخوند ملا رضا علی مشهور بمقدس شنیدم که هر سه بزرگوار فرمودند که ما از حاجی ملا رضای مجتهد شنیدیم که من حکم برد املاک مرقومه بموقوف علیهم مرقومین نمودند و عالیجاه امیر الامراء العظام عباس خان حاجی را مجتهد نافذالحکم میدانست و احکام ایشان بلکه احکام پست تر از ایشان را نفوذ میداد حرره العبد الخاسر. [جای مهر]^۱ خطو مهر جناب علام ملا احمد معروف.

این صورت حکم خط و مهر مرحوم حاجی ملا رضا مطابق اصل است و اصل خط مهر ایشان است و اقل از ایشان و مرحوم ملا عیسی استماع نمودم که من حکم کردم و مثل آفتاب روشن است که مرحوم حاجی مجتهد و نافذالحکم در استرآباد بود و عالیجاه عباسخان حکم ایشان را نفوذ میداد نمقه الجانی. [جای مهر]^۲ خط و مهر سیادت و فضیلت مآب آقا سید محمد میر کریمی من الاجله والثقة.

رحمت و غفران پناه خیر الحاج حاجی ملا رضا مجتهد و نافذالحکم بوده

[جای مهر]^۳

جناب آقا سید تقی میر کریمی.

این نوشته مطابق با اصل است که آن ممهور است بخط شریف و مهر شریف جناب

۱- مهری بیضی با سجع: «بندة آل محمد احمد». ۲- مهری بیضی با سجع: «عبد»

الراجی محمد الحسینی». ۳- مهری بیضی با سجع: «عبد محمد تقی الحسینی».

حاجی ملارضا اعلی الله مقامه و بودن آنجناب نافذالحکم درین ولایت و سایر بلدان بلاریب و شک است. [جای مهر]^۱ خط و مهر جناب علام ملاعباس علی مدت زمانی در اصفهان خدمت سرکار حجة الاسلام بودند.

حقیر صورت نوشته مرحوم علین آشیانگاه حاجی ملا رضای استرآبادی را ملاحظه نمودم که دارا بود بر لزوم رد املاک مرقومه بحضرات و ایشانرا مجتهد نافذالحکم می دانستم اعلی الله مقامه و نیز نوشته دیگران را از مرحومان حاجی آقا- بابا و ملاعیسی و غیرهما ملاحظه نمودم که دارا بود بثبوت استحقاق حضرات را و انا اقل الطلبة. [جای مهر]^۲ جناب علام ملا اسحق.

بسم الله تعالی شأنه

صورت نوشته است که مطابق است با اصل خط و مهر حاجی ملارضا اعلی الله مقامه حرره. [جای مهر]^۳

بسم الله خیر الاسماء

صورت نوشته منسوبه بغفران پناه حاجی ملارضا آنکه جمعی از موثقین شهادت بر مراتب مزبوره داده اند و حکم شرع مطاع لازم الاتباع بر لزوم رد املاک مرقومه است بحضرات مرقومین و جناب ایشان در این ولایت نافذالحکم بودند و آن نوشته مهور بمهریست که منسوبند آن نوشته و مهر بایشان و انا اقل الطلبة و خادم الشریعه. [جای مهر]^۴ جناب علام آخوند ملا محمدعلی اشرفی امام جمعه استرآباد و اعنة اجتهد و متصدی مرافعات استرآباد.

۱- مهری چهار گوشه باسجع: «عبدہ عباس علی ۱۲۴۱» . ۲- مهری بیضی با

سجع: «عبدہ الراجی اسحق» . ۳- مهری بیضی باسجع: «عبدہ الراجی ملارضا» .

۴- مهری بیضی باسجع: «المتوکل علی الله محمدعلی ۱۲۴۶» .

صورت نوشته‌علیین آرامگاه حاجی ملارضا آنکه جمعی از موثقین شهادت بر مراتب مزبوره داده‌اند و حکم شرع مطاع لازم الاتباع بر لزوم رد املاک مرقومه است بحضرات مرقومین و آنچه در نظر است آن است که کسی را ندیدم در حال حیات ایشان کلامی در اجتهاد ایشان داشته باشد بلکه ایشان ... نافذالحکم ... [جای مهر]^۱

بسمه‌العزیز

احقر عبادالله و اقل الطلبة مرحمت و غفران پناه رضوان جایگاه علیین آرامگاه حاجی ملارضای استرآبادی را مجتهد جامع‌الشرايط و نافذالحکم میدانستم و حکم شریف ایشان را لازم الامتثال و حکم او را بر خود و غیره جاری مینمودم و صورت حکم در متن موافق با صورت حکم ایشان است که بخط و مهر شریف ایشان در استشهدامسطور و مهور است. [جای مهر]^۲ خط و مهر جناب علام ملا علی اکبر...

۱- مهری چهار گوشه کوچك باسجع : «محمدتقی» .
 ۲- مهری بیضی باسجع :
 «عبد‌الراجی علی اکبر» .

استشهادنامهچه مورخ ۱۳۵۶ ه. ق.

در این استشهادنامهچه از سادات و علما و جمهور سکنه بلوک و بلد استرآباد خواسته اند که اطلاع و علم خود یا اقرار آقا سید محمد را دایر بر اینکه بیست سال است که حضرات اربابان قریه مذکور هر سالی بقدر بیست قسمت زراعت شلتوک در بوم چوپلانی می کرده اند از او شنیده باشند بر حواشی این ورقه بنویسند.

استشهاد و استعلام و استخبار و استطلاع میرود در نزد سادات کرام و علمای ذوی العز و الاحترام و جمهور سکنه بلوک و بلد دارالمؤمنین استرآباد که هر که علیم و خبیر بوده باشد و یا اقرار شنیده باشد از آقا سید محمد ولد مرحوم آقا سید رضا و سایر شرکای قریه مرزنکلاته که علاوه بر بیست سال است که حضرات اربابان قریه مزبور هر سالی بقدر بیست قسمت یا علاوه زراعت شلتوک در بوم چوپلانی نموده و منافع آن را باز یافت خود کرده اند هر که را بر مراتب مزبوره بهر مرتبه که علم حاصل شده باشد اسامی سامی و امهار گرامی خود را درین ورقه ثبت و درج فرمایند که در نزد متکیان و سادۀ شریعت بکار آید و این چند کلمه بر سبیل استشهادنامهچه قلمی گردید

کسی نیک بیند بهر دوسرا که نیکی رساند بخلق خدا

وذلك فی چهاردهم شهر... ۱۲۵۶.

[بر حاشیه بالا و سمت راست این استشهادنامهچه عبارات زیر نوشته شده است:]

اقرآقا سید محمد بمافیه لدی الجانی. [جای مهر]

۱- مهری بیضی گل و بوته دارد که بر حاشیه آن بسمله و سوره اخلاص باخط ریز و در وسط آن سجع: «من آل محمد کاظم، خوانده می شود.

آقا سید محمد اقرار نمود که من در چوبلانی زراعت کرده‌ام بیست سال بقدر بیست قسمت. [جای مهر]^۱

آقا سید محمد اقرار و اعتراف بمافیه‌لدی. [جای مهر]^۲

آقا سید محمد اقرار [نمود] بچیزی که درین است. [جای مهر]^۳

هو اعتراف آقا سید محمد بمارقم فیه‌لدی. [جای مهر]^۴

بسم الله تعالى

در نزد اقل السادة و خادم الشریعت جناب سیادت مآب آقا سید محمد ولد مرحوم آقا سید رضا الحسینی اقرار و اعتراف بر مراتب مسطور و نزد جمعی هم همین اعتراف نمود و لهذا بحسب شرع انور و بوم حصه و اجرة المثل در این مدت را باید بحضرات سادات شرکاء تسلیم نماید.

۱- مهری بیضی باسجج: «عبدالله الراجی مراد علی». ۲- مهری بیضی باسجج:

«عبدالله جعفر الحسینی». ۳- مهری بیضی باسجج: «عبدالله قاسم الحسینی». ۴- مهری

بیضی کوچک باسجج: «عبدالله الحسینی».

استشهادنامه‌ی غیر مورخ (ظاهر آواایل سلطنت ناصرالدین شاه) .

در این ورقه خواسته‌اند که در باب وقفیت قریه‌میر محله و زورگویی و
بیحسابی عباس‌خان بیگلربیگی و چوب‌زدن او حسن‌خان - برادر
ملا محمد علی اشرفی امام جمعه‌ی استرآباد - را و موقوفه بودن این ملک
در زمان خان‌خانان و امیر موسی‌خان هرگونه اطلاعی دارند
بنویسند.

استشهاد میرود از علماء اعلام و سادات ذوی‌العز و الاحترام و اهل بلد استرآباد و اشرف و
مازندران که چون در باب وقفیت قریه‌میر محله و مزرعه ... و موقوف‌علیهم بودن
اخوان و اطفال صغار اخوان و چند نفر از بنی‌عم صغیر و کبیر جناب قدوة العلماء مجتهد -
الزمانی آقا سید فضل‌الله استرآبادی ده حکم صریح از اعیان و علماء ایران از مجتهدین
استرآباد و طهران و اصفهان در دست دارند و دوا مضای حکم از دوثقة الاسلام و حجة الاسلام
مرحوم حاجی سید محمد باقر اعلی‌الله درجته و مرحوم جنت‌آرامگاه حاجی محمد -
ابراهیم کرباسی که در دست دارند و فرامین سلاطین سلف و خلف خاصه چندین فرمان
از شاهنشاه سمی پیغمبر آخر الزمان محمد شاه فردوس مکان علین آشیان در زمان
حکومت عالیجاه محمد ناصر خان در تصرف سادات بوده بنای زورویی حسابی عباس‌خان
بیگلربیگی نموده در ثانی در دو سه عریضه بخاکپای شاه جنت‌مکان عرض و استدعا
نمود که در باب میر محله طرفین رجوع بعالیجناب عمدة العلماء مجتهد العصر و الزمان
سرکار شریعت‌آداب آخوند ملا محمد علی اشرفی امام جمعه‌ی استرآباد نموده آنچه
آنجناب حکم بفرمایند طرفین عمل کنند و بمقتضای آن عرایض حکم شفاهی صادر
شد و وکلای آن عالیجاه التزام بدیوانخانه مبارکه سپردند که تخلف جایز ندارند
چون عالیجاه عباس‌خان در آن زمان با سرکرده‌های مازندران مأمور به گران و باهم

هم عنان بودند و بخیال اینکه جناب آخوند ملا محمدعلی هم از لشکرگران و از اتفاق اهل مازندران خائف و ترسان خواهد شد و بخان بیگلربیگی برخلاف اعیان مجتهدین استراباد و اصفهان حکم خواهد داد و سرکار مجتهد الزمان آخوند معظم الیه از خداوند منان ترسان شده بسادات و بفدوی دعاگویان ذات اقدس همایون حکم داده و مسئله برساله نوشت که وقف بودن املاک و عمل باحکامات اعیان مجتهدین اصفهان لازم است و لهذا عباس خان بعد از ورود باشرف و مازندران برادر مجتهد الزمان حسن خان را چوب زیادی زده و جریمه نموده که چرا برادرت حکم بسادات فدویان اقدس شهر یاری داده و بهمین تفصیل که مقرب الخاقان دولت خواه و خیر خواه مروج دین پیغمبر آخر الزمان و حنفاده سرکار خان خانان و امیر موسی خان هم مطاع اند هر یک از مؤمنین جرجان و مازندران دیده و علمی قطعی دارند کتمان شهادت ننموده شهادت خود را درج و بمهر خود مزین فرمایند که عندالله و عندالرسول ضایع نخواهد شد.

[بر حاشیه سمت راست این استشهادنامه چه عبارات زیر نوشته شده است:]

داعی در استراباد بودم که شنیدم که اخوی جناب فضایل مآب مجتهد الزمانی آخوند ملا محمدعلی را بواسطه حکمی که در باب میر محله نموده بودند عباس خان بیگلربیگی برادر جناب آخوند را گرفته و چوب زد و جرم نمود و بعداً که داعی وارد اشرف که سکنای برادر آخوند بود وارد شدم یقین بر چوب و جرم حاصل شد و السلام.

[جای مهر]

۱۴

استشهادنامه‌چه مورخ ۱۲۵۸ ه . ق .

در این ورقه از علما و سادات و سکنه بلد و بلوک استرآباد خواسته‌اند که شهادت یا علم و اطلاع خود را در باره موقوفات مدرسه شفائیه که متولی آن سکنه مدرسه مزبور هستند و همچنین به‌اجاره‌دان موقوفات مسجد جامع را که امام راتب آنجا به‌اجاره می‌دهد من باب راتبیت است نه از باب ولایت عامه ، بر حواشی این استشهادنامه‌چه بنویسند.

استشهاد و استطلاع و استعلام و استخبار می‌رود از علمای اعلام و سادات ذوی‌العز و الاحترام و سکنه بلد و بلوک استرآباد صانها الله عن التفرقه و الفساد که علیم و خبیر بوده و یا استماع نموده که موقوفات مدرسه شفائیه از فاضل آب و عراقی و دکان و غیره از پنجاه سال و شصت سال قبل ازین الی حال سکنه مدرسه مزبوره املاک مرقومه را خود باجاره میدادند و خود را متولی دانسته جمیع امورات آن را مرتکب شده و حکام شرع را در آن دخل نبوده و دیگر اینکه موقوفات مسجد جامع را امام راتب مسجد مزبور باجاره و استجاره میدادند و تصرف امام من باب راتبیت بود نه از بابت ولایت عامه مراتب مزبور را هر کس علم و یا اطلاع داشته باشد اسامی سامی و امهار گرامی خود را در این ورقه صدق ترجمه مندرج فرمایند که تا عند متکیان و ساده شریعت النبوی حجت قاطع تواند بود

کسی نیک بیند بهر دوسرا که نیکی رساند بخلق خدا

والسلام علی من اتبع الهدی.

وكان ذلك بتاريخ یست و ششم شهر ربیع الثانی من شهر سنة ۱۲۵۸.

[بر حاشیه بالا و سمت راست این استشهداد نامه چه عبارات زیر نوشته شده است:]

ذلك الكتاب لاريب فيه ملا محمد علي ولد كربلائي ابراهيم . [جای مهر]^۱

ذلك الكتاب لاريب فيه كربلائي حاجي محمد . [جای مهر]^۲

ذلك الكتاب لاريب فيه آقا رحيم خلف مرحوم كربلائي محمد حاجي حسين .

[جای مهر]^۳

ذلك الكتاب لاريب فيه استاد علي محمد بنا ولد كربلائي رستم .

[جای مهر]^۴

مادامیکه این جانبان خود را دیدائیم موقوفات مدرسه شفائیه در تصرف سکنه آن

دیدائیم و همچنین موقوفات مسجد جامع را در تصرف امام راتب دیدائیم تصرف

دیگران خلاف شرع است حاجی ملا حسین تو کل کربلائی علی عطا خلف مرحوم

کربلائی محمد علی ، کربلائی سید حسین ، محمد حسین خلف باقر . . . عزیز الله

کربلائی رجبعلی . [جای شش مهر]^۵

ذلك الكتاب لاريب فيه ملا حسين حاجي ملا رضا . [جای مهر]^۶

ذلك الكتاب لاريب فيه كربلائي ابراهيم صاغردوز . [جای مهر]^۷

ذلك الكتاب لاريب فيه نمقه الجاني ملا مهدي ولد ملا كاظم . . . [جای مهر]^۸

۱- مهری چهار گوشه که کلمات «مهر علی» بر آن خوانده می شود . ۲- مهری

بیضی با سجع : «محب شاه دین حاجی محمد» . ۳- مهری بیضی با سجع : «الراجی

عبد الرحیم» . ۴- مهری بیضی با سجع : «عبد الراجی علی محمد» . ۵- يك مهر

چهار گوشه با سجع : «عبد علی» و مهری هشت ضلعی ناخوانا و دومهر بیضی ناخوانا و يك

مهر بادامی كوچك با سجع : «عبد حسین» و مهر آخر بیضی با سجع : «عبد الراجی

عزیز الله» . ۶- مهری بیضی با سجع : «عبد الراجی محمد حسین» .

۷- مهری بیضی با سجع : «سلام علی ابراهیم» . ۸- مهری چهار گوشه با سجع : «با

امام محمد مهدی» .

مضمون مسطور بیان واقع است و خلاقی ندارد. العبد الجانی آقا میرزا رضا جعفری.
[جای مهر]^۱

هو الله تعالى شأنه العزيز

شکی و شبهه نیست که موقوفات مدرسه شفائیه همیشه در دست اهل سکنه آنجا بوده است اجاره میدادند و بتصرف ایشان بوده است و در خصوص نقل موقوفات مسجد جامع آنها شکی و شبهه نیست که حق امام راتب می باشد و تصرف در آن از این بابت بوده است انا العبد الجانی الفافی شیخ ملا حسین کاو. [جای دو مهر]^۲

بسم الله تعالى شأنه

کمترین خدام اهل علم را چنان رسید است که سکنه مدرسه مزبوره دخل و تصرف در اعمال موصوفه می نموده اند و بعضی از مستأجرین را بخواطر دارم که از حکام شرع نیز اجاره نمی کردند در این باب شکی ندارم حرره الجانی.
و نیز رتاب مسجد جامع تصرف در املاک موقوفه متعلقه بآن می کردند و ذلك اظهر من الشمس حرره. [جای مهر]^۳

بسم الله خير الاسماء

مراتب مسطور خلاقی ندارد نمقه الجانی آقاسید محمد آقا میر اسمعیل.
[جای مهر]^۴

مضمون مرقوم بیان واقع است و خلاقی ندارد حرره الجانی سید علی الموسوی.
احقر عباد در مدرسه مزبوره تحصیل می کردم و مدتی را بیتوته کردم اهل مدرسه

۱- مهری چهار گوشه باسج: «المتوکل علی الله عبده رضا الحسینی». ۲- مهری

بیضی باسج: «یا امام حسین» و مهری بیضی دیگر باسج: «عبده الراجی میر محمد بن محمد

کله». ۳- مهری چهار گوشه و ناخوانا. ۴- مهری بیضی باسج: «عبده الراجی

سید محمد الموسوی».

خود در موقوفات دخل و تصرف میکردند و نه واقف را دیدم و نه وقف نامه را و لکن عمل از قرار مرقوم می شد والسلام علی من اتبع الهدی وخالف الهوی و مسجد مزبور را هم امام راتب میرسید نمقه الجانی الخاطی میرزا بابای پرنایک.

[جای مهر]^۱

ذلك الكتاب لاریب فيه نمقه الجانی سید نصرالله میر کریمی. [جای مهر]^۲
 ذلك الكتاب لاریب فيه محمد خان آقا ولد گل آقا ابن حاجی محمد زکی.

[جای دومهر]^۳

مادامیکه خود را دیده ایم موقوفات دارالشفاء را در تصرف سکنه آن دیده ایم و همچنین موقوفات مسجد جامع را کلاً در تصرف امام راتب و تصرف دیگران بی سبب و بی جهة خلاف شرع نبوی است. [جای دومهر]^۴

آنچه حقیر را در نظر است موقوفات مدرسه دارالشفاء را دخل و تصرف سکنه مدرسه از طلبه و غیره و از اجاره و غیره می کردند و موقوفات مسجد جامع را امام راتب مسجد جامع خود دخل تصرف میکرد کسی را تعیین می کرد از جانب خود که متوجه موقوفات شود انا العبد الخاطی الجانی آقا سید محمد حسین آقا میرهاشم.

[جای مهر]^۵

بسم الله خير الاسماء

آنچه احقر عباد و داعی دوام دولت قوی بنیاد دیدم موقوفات مدرسه مزبوره را

- ۱- مهری چهار گوشه با سجع: «الهی بحق علی نگهدار محمد علی». ۲- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی نصرالله الحسینی». ۳- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی محمد زکی، و مهری بیضی دیگر با سجع: «عبدہ الراجی محمد هادی».
- ۴- مهری بیضی با سجع: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» و مهری کوچک بیضی با سجع: «یا امام محمد باقر». ۵- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی محمد الموسوی».

موقوف علیهم اجاره می دادند و موقوفات مسجد جامع را امام راتب اجاره میداد کتب العبد الاثم. [جای مهر]^۱

شکی وریبی در این نیست که موقوفات مدرسه شفائیه از فاضل آب و عراقی و دکاکین و غیره متولی آن اهل مدرسه مزبوره می باشند و در همه سال جمیع موقوفات آن را سکنه مدرسه مزبوره باجاره میدادند الی الآن و ملا علی اکبر امسال را بعد از اجاره داخل در مدرسه مذکوره شد و همچنین جمیع موقوفات مسجد جامع با امام راتب مسجد جامع می باشد و این معنی واضح است. [جای مهر]^۲

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد آقا محمد شفیع ولد مرحوم آقا سید رضا. [جای مهر]^۳

بسم الله جل شأنه

مدت شصت سال می شود که داعی اطلاع دارم که املاک موقوفه مدرسه دار الشفارا از قبیل فاضل آب و مزرعه عراقی و غیرهما را حضرات موقوف علیهم باجاره می دادند و خود موقوف علیهم انواع تصرفات می نمودند و موقوفات مسجد جامع را همان امام راتب متوجه می شد و حال هم بهمان منوال سابق باید عمل شود کتبه الداعی لآبودالدولة البهية القاهرة. [جای دومهر]^۴

۱- مهری چهار گوشه که کلمات «یا قائم آل محمد» بر آن خوانده می شود. ۲- مهری

بیضی کوچک ناخوانا. ۳- مهری چهار گوشه با سجع: «عبد محمد شفیع الموسوی

۱۲۲۲». ۴- مهری بیضی با سجع: «عبد الراجی محمد رحیم الموسوی» و مهری

چهار گوشه با سجع: «عبد الراجی یحیی الموسوی».

سواد استشهداد نامه چاه ای بدون تاریخ .

در این ورقه از سادات و فضلا و سکنه استر اباد خواسته اند که علم و خبر و اطلاع خود را در باره پنج دانگ قریه میر محله و شش دانگ قریه چوبلانی که وقف برای لاداست و فروش آنها به محمد رضا خان بتوسط میرزا محمد علی هروی خلاف شرع است مرقوم دارند.

استشهداد و استطلاع و استخبار میرود از سادات عظام و فضلاء عالیمقام و جمهور سکنه دار المؤمنین استر اباد صانها الله عن الفرقة و الفساد که عایم و خبیر بوده باشند که پنج دانگ قریه میر محله و همگی و تمامی کل قریه موقوفه چوبلانی واقع است در بلوک استر اباد رستاق که املاک بوده مرحمت و غفران پناهان آقا سید رضا و آقا میر- عماد خلفان مرحمت پناه رضوان جایگاه آقا میر روح الله الحسینی وقف اولاد ذکور است و الحال هر که علم بروقیت املاک مزبوره داشته باشند و یا اینکه از عفت و عصمت پناه مرحومه مغفوره بیجه شرف که صبیئه مرحمت و غفران پناه آقا میر عمادی که از جمله اولاد واقف است شنیده باشند که املاک مزبوره وقف ذکور اولاد است و دیگر علم داشته باشند که الحال موقوف علیهم عالیحضرت گرامی مرتبت سلالة السادات آقا میر موسی و برادرش آقا میر تقی می باشند و تصرف غیر در املاک موقوفه خلاف شرع شریف می باشد و فروختن میرزا محمد علی هروی و غیره بر رضوان جایگاه و جنت آرامگاه محمد رضا خان خلاف شرع است صفحه این صحیفه را با سامی سامی و امهار گرامی خود را در این ورقه صدق رقمیه درج و خرج فرمایند تا حق بمن له الحق عاید و داخل شود و عند الحاجة حجة تواند شد که هر آئینه باعث مزید درجات [اخروی است] و السلام علی من اتبع الهدی.

[بر حاشیه بالا سمت راست این استشهادنامه چه مطالب زیر نوشته شده است:]
 برداعی دوام دولت بیهه علم قطعی حاصل است که پنج دانگه قریه میر محله و چوپلانی-
 کلش و کل املاک مرحمت پناهان آقا سید رضا و آقا میر عماد وقف اولاد ذکور است و
 از مرحومه بیجه شرف صبیئه آقا میر عمادی که از جمله اولاد واقف است استماع
 نموده ام که همه املاک ما کلاً وقف اولاد ذکور است که اجداد ما وقف نموده است
 که موقوف علیهم الحال عالی حضرت سلاله السادات آقا میر موسی با برادرش می باشند و
 مبايعه مرحوم میرزا محمد علی هروی برضوان جایگاه محمد رضا خان خلاف شرع
 انور می باشد و ما شهدنا الایما علمنا نمقه الجانی. [محل مهر آقا کاظم موسوی]،
 [محل مهر آقا میرزین العابدین موسوی]

السواد مطابق لاصله حرره العبد الجانی. [جای مهر]^۱
 بر احقر سادات علم قطعی حاصل گردید که مراتب مسطور در متن بیان واقع و خلافی
 ندارد نمقه الجانی حاجی محمد ابراهیم موسوی.
 بسم الله تعالی حل شأنه

برداعی علم حاصل گردید که مقدار پنج دانگ قریه میر محله و شش دانگ قریه
 چوپلانی متعلق به حضرات مرقومین است و خلافی ندارد العبد المذنب. [محل
 مهر آقا میرزین العابدین الحسینی].

ذامع اصله سیان انا العبد الجانی. [جای مهر]^۲
 قبول مع اصله و وحدته مطابقاً. [جای دومهر]^۳
 مضمون مسطور را استماع نموده که آنچه درین ورقه درج شده است ازوالد مرحوم و
 بنی اعمام شنیده ام. [محل مهر آقا رحیم موسوی]

۱- مهری بیضی با سجع: «عبد محمد هادی الموسوی». ۲- مهری بیضی با
 سجع: «عبد الراحی عباسعلی». ۳- مهری بیضی با سجع: «جمال الدین علی الرضوی، و
 مهری بیضی دیگر با سجع: «عبد نجم الدین محمد الحسینی».

السواد واصله الاصيل سيان وكتب الخاسر الجاسر. [جای دومهر]^۱

بسم الله عز شأنه

محقق و هویدا گردید که مرحوم خلد آشیان رضوان جایگاه حاجی ملا رضا اعلا دالله مقامه حکم برداملاك مرقومه بحضرات موقومین کرده اند و در این سه سطر جنب نوشته اند و حکم ایشان لازم الاتباع است. [جای مهر حاجی ملا محمدتقی]

بسم الله تعالى شأنه العزيز

مراتب مسطوره نظر باحکام علمای معلّمه و شهادت جمعی موثقین و نوشتجات معتبره اظهر من الشمس است حرره الداعی محمدرضا الحسینی .
مراتب مزبوره بطرقی است که در اصل مسوده شده است و با اصل سواد مطابق است. [جای مهر]^۲

نظر بمقتضی شهادت جمعی ار ثنات و مضمون وقف نامه چة معتبره و امهارگرامی سادات و علماء کرام درین ورقه براقل عبادالله ظاهر و منکشف که پنج دانگ قریه میرمحله و چوبلائی کلش وقف اولاد ذکور مرقومین می باشند و موقوف علیهم الآن آقا میر موسی و آقا میر تقی می باشند هو الله العالم. [جای مهر ملا عیسی]
نظر بشهادت عالیجناب مقدس القاب مخدومی مطاعی کهف الحاج والمعتبرین حاجی ملارضا و آخوند ملا عیسی و آقا میر محمدصادق موسوی و آقا میرزین العابدین و جمعی دیگر املاك مسطوره وقف است و موقوف علیهم الآن مستشهدان مسطوران می باشند والله هو العالم. [جای مهر حاجی آقا بابا] ، [جای مهر]^۳

- ۱- مهری بیضی باسجع : « عبده محمدصادق الموسوی » و مهر دیگر بیضی کوچک با سجع : « عبده مفیدالموسوی » .
- ۲- مهری چهار گوشه باسجع : « لا اله الا الله الملك الحق المبين » .
- ۳- مهری چهار گوشه باسجع : « حسين مني وانا من حسين » .

از شهادت جمع کثیری از معتمدین بعد از ملاحظه وقف‌نامه معتبره که عالیجناب
سلالة السادات آقامیر موسی و آقا میر تقی در دست دارند معلوم گردید که املاک مسطور
وقف است و موقوف علیهم عالیجنابان سابق الذکر می‌باشند بر هر یک از متکیان
لوسادة شریعة غراء لازم که کوتاهی در انتزاع نفرمایند والله العالم بحقائق الاحکام.
[محل مهر حاجی ملا عباسعلی]

بسم الله خير الاسماء

از زوجه مرحوم میرزا محمدعلی هروی که مسماة به بیجه شرف نساء بوده استماع
نموده‌ام که همه املاک ما کلاً وقف اولاد است که اجداد ما وقف نموده‌اند که موقوف
علیهم حال عالیحضرت سلالة السادات العظام آقا میر موسی الحسینی و برادر او
می‌باشند و ما شهدنا الایما علمنا. [محل مهر آقا احمد الموسوی]

السواد مطابق للاصل الاصيل نمقه الجانی. [جای مهر]^۱
بعدها کتبه و قابلته مع الاصل السواد مطابق لاصله نمقه الخاطی محمد هادی.

[جای مهر]^۲

السواد مطابق لاصل الاصيل نمقه الجانی. [جای مهر]^۳
بسم الله تعالى العزيز السواد مطابق للاصل الاصيل نمقه العبد المذنب.

[جای مهر]^۴

هذا السواد بعد ما قابلت وجدته مطابقاً للاصل الاصيل نمقه الجانی.

[جای مهر]^۵

السواد مطابق لاصله نمقه الخاطی. [جای مهر]^۶

۱- مهری چهار گوشه و ناخوانا. ۲- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی محمد-

هادی» ۳- مهری بیضی با سجع: «عبدہ محمد مؤمن». ۴- مهری چهار گوشه

با خط طغرا «المبدأ المذنب محمد باقر». ۵- مهری بیضی با سجع: «پیرودین نبی رجبعلی».

۶- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی محمد مهدی».

بواسطة صادقه از مرحوم ابوی ام مضمون مسطور فی الهامش استماع شد وانا العبد آقا میرزین العابدین.

قد علمت بعد ما سمعت من جماعة من العدول والموثقين بان ما زبر فيه مطابق للصدق والصواب وما شهدنا الا بما علمنا حاجی سید حسین الحسینی، حاجی سید محمد الحسینی.

[جای مهر]

برداعی دوام [کذا] علم قطعی حاصل است که پنج دانگ قریه میرمحله و کل شش دانگ چوپلانی از جمله املاک مرحمت پناهان آقا سید رضا و آقا میرعماد وقف اولاد ذکور است و از مرحومه بیجه شرف صبیئه آقا میرعمادی که از جمله اولاد واقف است استماع نمودم که همه املاک ما کلاً وقف اولاد ذکور است که اجداد ما وقف نموده است که موقوف علیهم الآن عالیجناب قدسی انتساب سلاله السادات العظام آقا میر موسی بابرادرش آقا میر تقی می باشند و مبایعه مرحوم میرزا محمد علی هروی بمرحمت پناه محمد رضا خان خلاف شرع می باشد و ما شهدنا الا بما علمنا و عمل بوقفیت شده است. [محل مهر آقا رضا الحسینی]

در حین فروختن میرمحله و قریه چوپلانی بعالیجاه رضاخان قوآنلو از والد مرحوم خود استماع نمودم که قریتین مذکور تین وقف اولاد ذکور سید رضا و میرعماد می باشد و از شهادت اعمام مرحوم خود و موثقین علم قطعی حاصل که قریتین مذکور تین در متن وقف اولاد ذکور واقف می باشد و خلافتی ندارد و الحال موقوف علیهم حضرات مرقومین می باشند. [محل مهر آقا میر محمد صادق الموسوی]

بر اقل سادات علم قطعی حاصل است که ۴ دانگ قریه میرمحله و چوپلانی کلش وقف اولاد ذکور می باشد و عمل بوقفیت شده است و از مرحومه بیجه شرف مراتب

مزبوره را مکرر شنیده و الحال موقوف علیهم می‌باشند و ما شهدنا الالبما علمنا آقا سیدحسین الحسینی.

و بعد از ملاحظه امهار کرام علم بهم رسید خصوصاً بفرموده جناب حاجی ملارضاً که خلاقی در مراتب مزبوره نیست ملا رضا علی.

از شهادت و امهار کرام حضرات بر اقل عباد علم حاصل گردید که آنچه درین ورقه صدق ترجمه است خلاقی ندارد و ما شهدنا الالبما علمنا آقا ابوجعفر الدوسوی.

[جای مهر]

مراتب مسطوره نظر باحکام علمای معلومه و نوشتجات و وقف‌نامه‌چ اظهر من الشمس است آقا میر موسی و آقا میر تقی موقوف علیهم می‌باشند.

[جای مهر میرزا حسین]

قد اقر جناب حاجی آقا سیدحسین سلمه الله بانی قد سمعت من جمع من العدول انهم قالوا بان مارقم فی هذه الورقة مطابق للواقع فحصل لی علم بان مارقم فی حق و انا العبد الاثم حاجی محمد الحسینی. [جای مهر ملا مهدی ولد مرحوم ملا اسمعیل پیش‌نماز].

السواد موافق لاصله الاصل حرره اولاد الواقف والمستشهد وانا العبد الجانی

الخاطی. [جای مهری بیضی و ناخوانا]

از برای داعی علم قطعی بمراتب مزبوره حاصل است و از مرحومه بیجه شرف مکرر استماع شد که مراتب مزبوره بیان واقع و خلاقی ندارد و زوجه داعی نیز در حین ملاقات خدمت بیجه شرف مراتب مسطوره را نیز شنیده و خلاقی در آن نیست العبد الجانی کربلایی طاهر آسیاوان.

برداعی علم قطعی حاصل است که پنج دانگ قریه میرمحله و کل شش دانگ قریه چوپلانی از جمله املاک مرحمت پناهان آقا سید رضا و آقا میرعماد وقف اولاد ذکور است که موقوف علیهم الحال عالیجناب آقا میرموسی با برادرش آقا میر تقی می باشند و کسی را در این خصوص حقی و دخلی نمی باشد با اینکه مراتب را بکرات از پدر مرحومم استماع نمودم که می گفت از مرحومه بیجه شرف بطریقی که مخادیم کرام از مرحومه استماع نمودند بی زیاده و کم حقیر استماع نمودم و مبايعه مرحوم میرزا محمدعلی بمرحمت پناه رضاخان باطل است و عمل بوقفیت همه شده است. [جای مهر آقا سید احمد الحسینی]

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد ملا محمدعلی.

۱۰

استشهاد نامه ای بی تاریخ .

در این ورقه از علما و سادات و پیرمردان خواسته اند که اگر از بند پای تپه که ساکنان مرزبانکلاته در سابق بندگرفته بودند به پایین را جزء مرزعه چوپلانی می دانید این ورقه را به اسامی و مهرهای خود مزین نمایید.

استشهاد و استعلام و استخبار میرود از علماء اعلام و سادات ذوالعز و الاحترام و پیرمردان بلوک استر اباد رستاق صانها الله عن التفرقة والفساد و آقایان و پیرمردانی که بفرموده جناب قبله الانامی و قدوة المحققین والمدققین آقا سی حاجی شیخ نصرالله رفتید بصوابدید و غور رسی مزارع قریه چوپلانی و مرزبانکلاته نمودید آنچه بر شما

معلوم و محقق شد و معلوم بود از قدیم و جدید یا علم حاصل شد مزرعه قوچانی بگفته آقایان مرزبانکلاته ابراهیم آباد در سرهمان بند و مزارع ایستادید و دیدید و پرسیدید از پیر مردانی که اطلاع داشتند که آن مزرعه متنازع فیها از بندپای تپه که آقایان مرزبانکلاته در سابق بندگرفته بودند و تصرف داشتند از آن بندپائین را اگر مزرعه چوپلانی میدانید این ورقه را باسامی سامی و امهارگرامی خود مزین فرمائید که عندالله و عندالرسول ماجور و مصاب خواهد بود

کسی نیک بیند بهردو سرا که نیکی رساند بخلق خدا.

[بر حاشیه سمت راست و بالای این استشهادنامه چه عبارات زیر نوشته شده است:]

از قرار گفته خیر الحاج حاجی عباس و سایر ریش سفیدان استرآباد رستاق مزرعه زیر بندپای تپه ملک طلق آقایان چوپلانی میباشد خلاقی ندارد. [جای مهر]^۱
مزرعه مرقومه تماماً که ابتدای آن از بند بالا سر تپه قوچانی است داخل در ملک موقوفه آقایان سادات چوبلانی است و تصرف آقایان مرزبانکلاته بغصب است.

[جای مهر]^۲

آنچه کهف الحاج حاج کرم علی و عالیشان محمد بیگ نوشته اند بیان واقع است حرره کربلانی ولی. [جای مهر]^۳

همین مضمون که حضرات ریش سفیدان و غیرهم نوشته اند بیان واقع است حرره محمد خلف مرحوم کربلانی غلام.

آنچه در متن بیان واقع است حق است که مال آقایان میباشد بلاخلاف حرره مشهدی خانعلی.

۱- مهری بیضی باسجع: «عبدہ یوسف». ۲- مهری بیضی که کلمات «حیدرعلی»

بر آن خوانده می شود. ۳- مهری چهار گوشه و ناخوانا.

تمام مزرعه مرقومه در متن بیان واقع است و خلافی ندارد که مال سادات چوپلانی است. [جای مهر]^۱

تمام مزرعه مرقومه در متن که ابتدای آن از بندبالا سرتپه قوچانی است داخل در ملك موقوفه آقایان سادات چوب لانی است و تصرف آقایان سادات مرزنكلاته محض غصب و غصب محض است حرره محمدبیگ. [جای مهر]^۲

تمام مزرعه مرقومه در متن بیان واقع است که ملك طلق آقایان سادات چوپلانی میباشد و تصرف آقایان مرزنكلاته بموجب غصب و عدوان است و موقوفه است حرره ولی بك.

تمام مزرعه مرقومه در متن بیان واقع است که ملك طلق آقایان سادات چوپلانی میباشد و تصرف آقایان مرزنكلاته بموجب غصب و عدوان است و موقوفه است. [جای مهر]^۳

تمام مزرعه مرقومه در متن بیان واقع است که ملك طلق آقایان سادات چوپلانی میباشد و تصرف مرزنكلاتی بموجب غصب و عدوان است و موقوفه است کربلانی عاشور چلبنی. [جای مهر]^۴

از قراریکه حضرات بلوك استر اباد رستاق از قبیل خیر الحاجان حاجی عباسی و حاجی کرمعلی دو دانگی و کربلانی عشور چلبنی و کربلانی ولی دودانگی و سایر پیرمردان گفتند از بند پشته تپه بزیر آب ملك کامل آقایان چوپلانی است.

[جای مهر]^۵

۱- مهری چهار گوشه با سجع: «المنوكل هلی الله عبده محمد علی». ۲- مهری

بیضی با سجع: «منتظر لطف الهی کرم». ۳- مهری بیضی با سجع: «عبده الراجی

عباسعلی». ۴- مهری بیضی با سجع: «عبده علی فولادی». ۵- مهری بیضی با

سجع: «عبده محمد اسمعیل».

از قرار گفته خبر الحاج حاجی عباس و سایر ریش سفیدان استر اباد رستاق مرزعه زیر بند
ملك طلق آقا يان چو بلانی می باشد خلاقی ندارد الاثم . [جای مهر]
نوشته در متن صحیح و خلاقی ندارد. [جای مهر]^۱

۱۶

استشهادنامه‌چه مورخ ۱۲۷۰ ه. ق.

در این ورقه از علما و سادات و کلانتران و کدخدایان و ریش سفیدان
بلد و بلوک استر اباد خواسته اند که نظر خود را در باره تولیت
مدرسه مفیدیه که به اکبر اولاد ذکور مفوض بوده است بنویسند.

استشهاد و استعمال و استخبار میرود از علمای اعلام و سادات عالی درجات و کلانتران و
کدخدایان و ریش سفیدان ذوی العز و الاحترام از بلد و بلوک دار المؤمنین استر اباد
صانها الله عن التفرقة والفساد براینکه داستان صدق انتظام که تولیت مدرسه
مفیدیه و املاک موقوفه بر آن از قدیم الایام الی الآن مفوض با کبر اولاد ذکور و احفاد
مرحمت و غفران پناه رضوان جایگاه علین آرامگاه آقای آقا سید مفید الموسوی که
بانی بنای مدرسه میباشد بوده و هست هر که علم و اطلاع داشته باشد بر این مضمون
این ورقه را مزین بخط و مهر شریف خود فرمایند که در نزد حکام عرف و شرع معتبر
بوده حق را بمن له الحق گذارند و السلام علی من اتبع الهدی.

[بر حاشیه سمت راست و بالای این استشهادنامه‌چه عبارات زیر نوشته شده است:]

تولیت مدرسه مزبوره با کبر اولاد آقا یان سادات مفیدیها میباشد آنچه حقیر دیده است

۱- مهری بیضی با سجع: «عبد محمد شریف ۱۲۶۸». ۲- مهری بیضی با سجع:

از زمان آقا سید احمد تازمان آقارحیم که شش پوشت بود چنین روشن شده است
عبدالجانی محمد ابراهیم ابن محمد ... سنه ۱۲۷۰ .

برحقیر واضح است مثل آفتاب آنچه از قدما شنیدم و خود دیده‌ام مفوض باولاد
اکبر بود. [جای مهر]^۱

آنچه احتر از زمان مرحوم آقا محسن تازمان مرحوم آقارحیم دیدم اکبر اولاد این
سلسله علیه متصدی تولیت موقوفه بودند و عمل مینمودند خلافتی از هیچیک از این
سلسله نشنیدم العبد الاثم ابوالحسن . [جای مهر]^۲

آنچه باقل الحاج یقین و صریح است از زمان آقارضای مرحوم دیدم اکبر اولاد این
سلسله علیه متصدی تولیت موقوفه بودند و هستند. [جای مهر]^۳
بسمه تعالی

تولیت مدرسه مذکور بیان واقع که شنیده‌ام و دیده‌ام و میدانم باکبر اولاد بوده و
هست. [جای دومهر]^۴

آنچه در این ورقه ثبت است بیان واقع است خلافتی ندارد. [جای دومهر]^۵
آنچه در این ورقه نگارش شده خلافتی ندارد. [جای مهر]^۶

تولیت مدرسه مزبوره باکبر اولاد آقایان مفیدیه بوده و میباشد نمقه الجانی.

[جای دومهر]^۷

۱- مهری چهار گوشه باسج: «واذکر فی الكتاب اسمعیل». ۲- مهری بیضی

باسج: «عبدہ الراجی ابوالحسن ۱۲۳۲». ۳- مهری چهار گوشه باسج: «قبله هستی

محمد تقی». ۴- مهری بیضی باسج: «یا عباسعلی» و مهری بیضی دیگر باسج: «یا

امام رضا». ۵- مهری بیضی باسج: «عبدہ الراجی علی محمد» و مهر بیضی دیگر

باسج: «عبدہ الراجی محمد شفیع». ۶- مهری بیضی باسج: «عبدہ محمد مهدی

الموسوی ۱۲۵۰». ۷- مهری بیضی باسج: «عبدہ الراجی زین العابدین» و مهری

چهار گوشه باسج: «المؤکل علی الله عبدہ آقا بابا».

بسم الله تعالى شأنه بنده از بیست سال قبل را دیدم و شنیدم متولی مدرسه و موقوفه مدرسه مذکور با اکبر اولاد جنت تکیه گاه آقائی آقا سید مفید بوده و هست نمقه العبد الجانی الفانی.

بسم الله تعا [لی] شأنه

متولی مدرسه مرحوم مغفور خلد آشیان آقائی آقا سید مفید طاب ثراه بعد از خودش اکبر اولاد خود بوده الی زماننا و ما شهدنا الا سمعناها حرره الجانی .

[جای مهر]^۱

تولیت مدرسه مذکوره آنچه شنیدم و دیدم و میدانم با اکبر اولاد بوده و هست نمقه جانی .

[جای دومهر]^۲

متولی مدرسه مسطوره و املاک موقوفه آن از چهل سال قبل الی الآن اکبر اولاد ذکور علین آرام گاه آقا سید مفید بوده است و درین مدت درین باره الی زماننا هذا کلامی نبوده است . [جای مهر]^۳

بسم الله تعالى شأنه

آنچه معلوم و محقق بر احقر عباد باستفاضه قطعی و سیره قویه بوده و میباشد آن است از اول بنای مدرسه مذکوره و قرار تولیت آن تولیت آن با اکبر اولاد مرحوم آقا سید مفید طاب ثراه بوده گمان ندارم که الی الحال بجهة احدی شبهه بوده الا الحال چنانچه مفصلاً در ورقه اخری تحریر شد . [جای دومهر]^۴

۱ - مهری بیضی با سجع : افوض امری الی الله عبده محمد حسین الحسینی .

۲ - مهری چهار گوشه که کلمات : « لب بارگاه سلطان محمد شاه است » بر آن خوانده می شود و

مهری بیضی با سجع : « عبده یحیی الحسینی » . ۳ - مهری بیضی که کلمه « علی » بر آن

خوانده می شود . ۴ - مهری بیضی با سجع : « عباسقلی ۱۲۶۶ » و مهری چهار گوشه

با سجع : « عبده محمد شفیع الموسوی ۱۲۲۷ » .

تولیت مدرسه جنت تکیه گاه آقائی آقا سید مفید علی الله مقامه با اکبر اولاد مرحوم بوده العبدالراجی. [جای دومهر]^۱

این قضیه باستفاضه اظهر من الشمس و ابین من الامس بوده و می باشد بر احقر عباد باستفاضه علم حاصل است کما حررت فی ورقه اخری نمقه. [جای دومهر]^۲
بسمه خیر الاسماء

از پنجاه سال قبل از این بعد از آنکه شعوری بهم رسانیدم تولیت مدرسه مرحوم جدم رضوان جایگاه آقا سید مفید طاب ثراه با اکبر ذکور اولاد مرحوم جدم دیدم از مرحوم آقا احمد به آقا رضای مرحوم منتقل شد بعد از آن مرحوم آقا محسن شیخ-الاسلام آقا بعد از آن بمرحوم آقا محمد باقر بعد از آن بمرحوم حاجی سید مفید بعد از آن بمرحوم آقا محمد هادی بعد از آن بمرحوم آقا رحیم شیخ بعد از آن فساد هائی مترتب شده حرره الجانی [جای مهر]^۳

-
- ۱- مهری بیضی باسجع: «عبد احمد الموسوی» و مهری بیضی دیگر باسجع: «عبده الراجی محمد حی در».
 - ۲- مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی محمد اسمعیل ۱۲۲۲» و مهری چهار گوشه باسجع: «المتوکل علی الله عبد محمد رضا».
 - ۳- مهری بیضی باسجع: «عبد الراجی سید محمد الموسوی».

استشهادنامه‌چه غیر مورخ

در این ورقه از مؤمنین خیراندیش و پیرمردان وریش سفیدان و کدخدایان قراء استرآباد رستاق خواسته‌اند که تأیید کنند قناتی که شیرخان شمس آبادی در ملک موقوفه چوپلانی حفر کرده است ضرر فاحش به موقوفه‌علیهم دارد.

استشهاد و استعلام و استخبار میرود از مؤمنین خیراندیش و مسلمین صداقت کیش از پیرمردان وریش سفیدان و کدخدایان قراء دارالمؤمنین استرآباد رستاق صانهاالله عن التفرقة والفساد بر آنکه هر که علیم و خبیر و بصیر بوده باشد به این که يك رشته قناتی که عالیشان کربلائی شیرخان شمس آبادی در ملک موقوفه مزرعه چوپلانی حفر نموده آن قنات ضرر کلی به عین ملک مزروعی موقوفه‌علیهم دارد و آب مزروعی که در جنب همان قنات است دارد و کندن همان قنات صرفه و غبطه ملک و وقف نیست ضرر فاحش بموقوفه‌علیهم دارد اسامی سامی و امهار گرامی خود را در این ورقه ثبت و درج نمایند

کسی نيك بيند به هر دوسرا که نیکی رساند بخلق خدا.

[بر حاشیه بالای این استشهادنامه‌چه عبارات زیر نوشته شده است:]

آنچه درین ورقه مسطور است علم قطعی حاصل شد که بیان واقعه است که خلافتی ندارد ملا صفر جابینی.

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقعه خودم رفتم و دیدم خلافتی ندارد کربلائی الله‌داد جابینی.

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقعه است خلافتی ندارد رفتم و دیدم کربلائی حسین جابینی.

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقع است خلافی ندارد رفتم و دیدم کربلائی محمدخان جایی. [جای مهری بیضی و ناخوانا]

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقع است خودم رفتم و دیدم خلافی ندارد حاج محمدحسین جایی. [جای مهر]^۱

از گفته جمعی از اهل خبره علم قطعی حاصل شد باینچه در این ورقه مسطور است حاج کرملی جایی. [جای مهر]^۲

حقیر خود رفتم باجمعی پس از مشاهده علم قطعی بهم رساندم ضرر کلی بملك موقوفه دارد. [جای مهر]^۳

علم قطعی حاصل شد که ضرر کلی به عین موقوفه دارد و خلافی ندارد ملا علی جایی ملك محمدعلی جایی. [جای مهر]^۴

آنچه در این ورقه می باشد صدق است و بیان واقع می باشد احقر محمد باقر جایی.

آنچه در این ورقه منظور است بیان واقع است خلافی ندارد ملك علی جایی. [جای مهر]^۵

آنچه درین ورقه منظور است بیان واقعه خلافی ندارد خودم رفتم و دیدم کربلائی عاشور جایی.

۱- مهری گرد باسج: «عبد محمد حسین». ۲- مهری هشت ضلعی باسج:

«عبد کرملی». ۳- مهری بیضی باسج: «عبد محمود». ۴- مهری چهار گوشه

باسج: «المنوکل علی الله عبد محمد علی». ۵- مهری بیضی باسج: «یا علی ادرکنی».

استهادنامچه حدود سنه ۱۲۸۰ هـ . ق .

در این ورقه از سادات و موالی و اربابان و کدخدایان حوالی قریه میرومحل و قریه ترنگ که شاهد و مطلع بوده اند خواسته اند نظر خود را در باره بند آب میرومحل و ترنگ از رودخانه ای که از تلو کلاته و کشته می گذرد بنویسند.

استهاد و استخبار و استعمال میروود از جمعی سادات و موالی و کدخدایان حوالی و حواشی قریه میرومحل و ترنگ بر آنکه شاهد و مطلع و عالم و خبیر بوده باشند که رودخانه که از قریه تلو کلاته و کشته میگذرد چون بقریه اشتامهین میرسد از قدیم الایام تا حال قریه میرومحل از رودخانه مذکور بندی می گرفته اند و در تحت بند قریه میرومحل آنچه آبی که بهم میرسیده قریه ترنگ و غیره بند می گرفته اند و در بنمدت سنگ بخش قسمت و یا درك بخش میانه قریه میرومحل و ترنگ نبود اسامی شریف خود را در حواشی این صحیفه ثبت نمایند که مأجور و مثاب خواهند بود.

[بر حواشی این استهادنامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

هو

بشرحی که در متن تحریر یافته معمول رودخانه تلو کلاته ازین قرار استمرار یافته العبد الاقل اصیل الدین محمد الحسینی استرآبادی.

مضمون مسطور متن بیان واقعت و خلافی ندارد کربلائی شریف کمانگر محله. مضمون مسطور بیان واقعت و خلافی ندارد محمد شریف کیقبادی.

[جای مهر]^۱

۱ - بیشتر مهرها خوب نگرفته و در عکسبرداری نیز کوچک شده اند . از خواندن آنها صرف نظر شد.

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافی ندارد ملا محمد صالح ساکن کشته.

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافی ندارد العبد الاقل شاه محمد کیقبادی.

[جای مهر]

مضمون مسطور متن بیان واقع است و خلافی ندارد العبد الاقل سیادت پناه میر محمد تقی کیقبادی.

مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد میر... [جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافی ندارد العبد کربلائی محمد کمانگر محله.

[جای مهر]

مضمون مسطور متن بیان واقعت و خلافی ندارد العبد الاقل ملک علی رضا میردهئی.

[جای مهر]

مضمون مسطور متن بیان واقع است خلافی ندارد علیخان گیل ساکن میر و محله.

مضمون مسطور بیان واقع است خلافی ندارد استاد میر محمد کشته ای.

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافی ندارد محمد مقیم لورگر کمانگر محلهئی.

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافی ندارد العبد محمد علی کیای کمانگر محله.

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت خلافی ندارد ملک آقا محمد... [جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت خلافی ندارد العبد الاقل محمد جی بوکته.

مضمون مسطور متن بیان واقعت خلافی ندارد العبد الاقل ملک مراد امیردهئی.

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت خلافی ندارد ملک حسین کمانگر کشته ای.

مضمون مسطور متن بیان واقعت خلافی ندارد العبد الاقل ملا سلطان محمد.

مضمون مسطور بیان واقعت خلافی ندارد العبد الاقل محمدتقی زرگر .

مضمون مسطور بیان واقعت خلافی ندارد شیخ محمد کریم کشته‌ای.

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت خلافی ندارد العبد الاقل مراد زرگر.

مضمون مسطور بیان واقعت فضل الله کشته‌ای.

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافی ندارد کربلائی علی استرآبادی .

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافی ندارد محمد صالح سراج .

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافی ندارد ملک آقاییگ کناری .

[جای مهر]

مضمون مسطور متن بیان واقعت و خلافی ندارد العبد الاقل محمدتقی میرهاج.

[جای مهر]

هو مضمون مسطور بیان واقعت و خلافی ندارد العبد عوض علی.

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافی ندارد تلو کلاته‌ئی. [جای مهر]

مضمون مسطور متن بیان واقعت خلافی ندارد الاقل ملک حسین بن عماد .

بنحوی که در متن سمت تحریر یافته بیان واقعت و خلافی ندارد العبد الاقل

محمدتقی صباغ. [جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافی ندارد العبد الاقل ملا ابراهیم .

[جای مهر]

مضمون مسطور متن بیان واقعت و خلافتی ندارد ملك حاجی محمد کمانگر کشته ئی

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلاف ندارد حاج میرزا علی کیفادی.

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت خلافتی ندارد العبد خان محمد.

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافتی ندارد العبد عزیز تلو عزی .

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافتی ندارد میر عبد الله کمانگر محله ئی.

[جای مهر]

ماسطر وزیر بیان للواقع العبد الاقل محمد ... [جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافتی ندارد ملا عزیز استیکی . [جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافتی ندارد العبد الاقل استیکی.

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت خلافتی ندارد العبد الاقل فتح الله کفشگری.

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافتی ندارد العبد الاقل امیر تلو عزی .

[جای مهر]

بنحوی که در متن قلمی شده بیان واقعت و خلافتی ندارد العبد الاقل جمال الدین

محمد الحسینی الشیرنکی.

مضمون مسطور متن بیان واقعت و خلافتی ندارد میر محمد شفیع تلو کلاته ئی .

[جای مهر]

بنحوی که قلمی شده برین موجب است العبد محمد قاسم . [جای مهر]

بموجبی که در متن قلمی شده بیان واقعت و خلافتی ندارد العبد محمدرفع
کفشگری . [جای مهر]

مضمون مسطور متن بیان واقعت و خلافتی ندارد سرداریگ رسکتی.

[جای مهر]

مضمون متن بیان واقعت و خلافتی ندارد العبد محمدصفی کفشگری .

[جای مهر]

هو

آنچه براقل الطلبة ظاهر است اینست که معمول رودخانه مذکوره است و قریه
میر و محله همیشه بندی از رودخانه بجهت زراعت خود برده است وانا العبد الاقل
محمد قاسم بن حسین الحسینی عفی عنهما . [جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافتی ندارد میر محمد قاسم الحسینی کشته ئی .

[جای مهر]

مضمون مسطور بیان واقعت و خلافتی ندارد میر محمد رضا الحسینی کشته ئی .

[جای مهر]

حقیقت بنحوی است که در متن قلمی شده است العبد محمدعلی .

استشهادنامه‌ی مورخ ۱۲۸۳ هـ . ق .

از اهالی بلد و بلوک استرabad رستاق و از پیرمردان و صاحبان
خبرت و بصیرت خواسته‌اند که علم و اطلاع خود را در باره‌ی رشته
قناتی که کربلائی شیرخان شمس آبادی در ملک موقوفه‌ی مزروعی
چوپلانی حفر کرده بنویسند که آن خلاف صرفه و غبطه‌ی وقف است و
باعث ضرر موقوف‌علیهم است .

استشهاد و استعلام و استخبار و استطلاع میرود از اهالی بلد و بلوک استرabad رستاق
از پیرمردان و اهل وقوف و اطلاع و صاحبان خبرت و بصیرت براینکه هر که علیم و
خبیر و مطلع باشد و علم قطعی داشته باشد براینکه یک رشته قناتی که عالیشان
کربلائی شیرخان شمس آبادی در مزرعه و ملک موقوفه‌ی مزروعی چوپلانی حفر
نموده است ضرر کلی بملک مزروعی و محل زراعت ملک موقوفه دارد و هرگاه بهمین
حال بماند بموجب خسارت و ضررهای کلیه بملک موقوفه و بموقوف‌علیهم میباشد و
اصل حفر این قنات در آن مکان از ملک که حفر شده است خلاف صرفه و غبطه
وقف بوده است بلکه این قرار خلاف مصلحت بوده است بلکه مفسده از حفر این
قنات نسبت بملک وقف و بموقوف‌علیهم متحقق و ثابت است اسامی سامی و امهار
گرامی خود را در این ورقه ثبت و درج نمایند که در نزد آقایان عظام و محضر
علماء و حکام شرع ذوی‌العز و الاحترام سند و حجت شرعیه بوده باشد .
والسلام علی من اتبع الهدی و نهی النفس عن الهوی .

[بر حاشیه‌ی بالا و سمت راست این استشهادنامه‌ی مطالب زیر نوشته شده است:]
آنچه درین ورقه مسطور است علم قطعی حاصل شد بیان واقعه است خلاف ندارد
ملاصفر جانی .

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقع است خودم رفتم و دیدم خلاف ندارد کربلائی حسین جایی.

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقعه است خودم رفتم و دیدم خلاف ندارد کربلائی عاشور جایی.

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقعه است خودم رفتم و دیدم خلافی ندارد کربلائی الله‌داد جایی.

مراتب مسطوره صحیح است. [جای مهر]^۱

مراتب مسطوره صحیح است. [جای مهر]^۲

از قراری که احقر عباد رفتم و حفرقناتی که کربلائی شیرخان شمس آبادی در ملک چوپلانی نموده دیدم ضرر کلی بموقوف علیهم دارد الله‌یعلم فی ۲۱ شهر شعبان سنه ۱۲۸۳. [جای مهر]^۳

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقع خلافی ندارد. [جای مهر]^۴
حقیر خودم رفتم باجمعی از مؤمنین مشاهده نمودم پس از مشاهده بینده علم قطعی حاصل شد که ضرر کلی بملك موقوفه دارد. [جای مهر]^۵

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقع است خودم رفتم و دیدم خلافی ندارد حاجی محمدحسین جایی. [جای مهر]^۶

آنچه درین ورقه مسطور است بیان واقعه است خودم رفتم و دیدم خلاف ندارد محمدعلی جایی [جای مهر]^۷

- ۱- مهری چهارگوشه باسجع: «عبد میرزاالحسینی». ۲- مهری چهارگوشه و ناخوانا. ۳- مهری بیضی باسجع: «علی اکبر». ۴- مهری چهارگوشه باسجع: «یا علی ادرکنی». ۵- مهری بیضی باسجع: «عبد محمد». ۶- مهری گرد با سجع: «عبد محمدحسین». ۷- مهری چهارگوشه باسجع: «المتوکل علی الله عبد محمد علی».

۲۰

استشهادنامه‌ی مورخ ۱۲۸۹ هـ. ق.

از سادات و پیرمردان و ریش سفیدان و مؤمنین خیراندیش که
 علیم و خبیرند خواسته‌اند که علم و اطلاع خود را در باره‌ی سامان و
 حدود قریه‌ی موقوفه‌ی چوپلانی باسرخنکلاته خالصه بنویسند.

استشهاد و استعلام و استخبار میرود از جمعی از سادات و پیرمردان و ریش سفیدان
 مؤمنین خیراندیش که علیم و خبیر و آگاهی دارند در بابت حدود و سامان قریه‌ی
 موقوفه‌ی چوپلانی را باسرخنکلاته خالصه که اجلاس نموده شده از دهات حول و حوش
 از قبیل شمس آباد و میرمحله و مرزبانکلاته آمدید و برأی العین ملاحظه نمودید
 آنچه بر شماها معلوم و محقق شده شهادت و اسامی و امهارگرمی خود را درین
 ورقه ثبت و درج نموده که حق بمن له الحق قرار گیرد و رفع تعدی از مظلومین نموده
 شود

کسی نیک بیند بهردو سرا که نیکی رساند بخلق خدا

والسلام علی من اتبع الهدی.

[بر حاشیه بالای این استشهادنامه‌ی مطالب زیر نوشته شده است:]

لایحی آنکه در باب سامان اربابان آقایان قریه‌ی چوپلانی و سرخنکلاته از قراریکه
 بر کمترین بنده که محمد قاسم تمسکینی بوده باشم معلوم و محقق شده از آن درخت
 سفیداریکه وارد مرز دارد از آن مرز به سمت شرقی آن ملک و مال آقایان سادات
 درازگیسو میباشد خلاقی ندارد فی الاخر شهر جمادی الاولی سنة ۱۲۸۹.

[جای مهر]

وپیرمردان مرزبانکلاته از قبیل آقا میرزا جمال و آقا یوسف علی و محمد اسمعیل و رجبعلی و مشهدی حسین و مشهدی قنبر شهادت میدهند که از آفتاب در آمد اسپه دار مرز ملک چوپلانی است و یک تیره چاه تازه ملا محمد در ملک چوپلانی واقع شده است . [جای دومهر]^۱

از سمت شرقی اسپه دار مرز که خط مستقیم میکشد تا آب دیوان ملک موقوفه چوپلانی است و یک تیره چاه ملا محمد که جدید الحفر است در ملک چوپلانی واقع شده است . [جای مهر]^۲

سیادت پناه آقامیر عابدین و عباس جعفر آقا و باباخان و صفر علی و کربلانی علی و محمد ابراهیم بیگ و کربلانی شفیع شهادت دادند که از اسپه دار مرز شرقی آن مال قریه چوپلانی است دخیلی بملک سرخنکلاته ندارد و یک پشته قنات جدید ملا محمد کافردوینی در ملک چوپلانی واقع شده تعدی است . [جای سه مهر]^۳

اقل السادات که آقامیر حسین شمس آبادی میباشم اطلاع دارم و از پیرمردان قدیم هم شنیدم که اسپه داری مرز بخط مستقیم میکشد میآید به بالا که به آب دیوان بر میخورد سمت شرقی اسپه دار مرز مال قریه چوپلانی است بلا شبهه و یک پشته از قنات جدید الحفر که ملا محمد کافردوینی حفر نموده در ملک چوپلانی است ملک سرخنکلاته نیست .

[جای مهر]^۴

اقل السادات اطلاع دارم و از پیرمردان نیز شنیدم که اسپه داری مرز بخط مستقیم

۱- مهری بیضی کوچک باسجج: «عبد رجبعلی» و مهری بیضی بزرگتر باسجج: «عبد

جمال الحسینی ۱۲۷۴» . ۲- مهری بیضی باسجج: «عبد حسن الحسینی ۱۲۸۲» .

۳- مهری گلایه شکل باسجج: «صح محمد ابراهیم» و مهری هشت ضلعی باسجج: «منتظر

لطف الهی جعفر» و مهری بیضی که کلمات «عبد الحسینی» بر آن خوانده می شود .

۴- مهری گرد باسجج: «میر حسین الحسینی» .

میکشد به بالا که به آب دیوان بر می خورد و در سمت شرقی اسپه دار مرز مال چوپلانی است بلاشک و شبهه خلافی ندارد . [جای مهر]^۱

معلوم بوده باشد که اقل الناس رفتیم و ملاحظه نمودم مرز سفیدداری بخط مستقیم بر می خورد به آب دیوان که بالای سر سفیدداری که الآن نهری متصل بقنات محفوری ملامحمد مقصودلو که در سمت غربی نهر واقع است آنچه بر احقر معلوم است ملك طلق آقايان سادات مالکین چوپلانی است یعنی سمت شرقی نهر و چاه قناتی که ملامحمد مقصودلو در سمت شرقی نهر کننده محض ظالم و عدوان به آل رسول صلی الله علیه و آله است والله علم . [جای مهر]^۲

مشهدی غلام حسین و قاسم حاجیلر شهادت میدهند که از آفتاب در آمد اسپه دار مرز ملك چوپلانی است و يك پشته قنات ملامحمد در ملك چوپلانی واقع شده است.

۱ - مهری بیضی با سجع : « عبده محمد الحسینی » .
 ۲ - مهری گرد با سجع :
 « علی محمد » .

استشهادنامه‌چه مورخ ۱۳۱۰ ه . ق .

از شهادت زارعین و پیرمردان وریش سفیدان آزادمحلّه و هاشم-
آباد و قلندر محلّه ثابت شده است که آب قنات استاد محمدی که
محمد ولیخان سردار حفر کرده به هاشم آباد ملک خود او می رفته
اما زارعین هاشم آباد از اراضی آزادمحلّه مقداری زرع می کرده اند و
بریجه را به آزادمحلّه می داده اند.

بتاریخ بیست یکم شهر رجب هذّه السنّه لوی ئیل سنّه ۱۳۱۰ حضرات مفصله در ذیل
تشریف بردند در سر سامان آزادمحلّه خالصه و هاشم آباد اهالی قلندر محلّه و لمسک
هر کرا برای غوررسی و تعیین سامان حاضر نمودند اظهار داشتند که قنات مشهور
باستاد محمدی که مرحوم محمد ولیخان سردار حفر کرده در صورتیکه هم خالصه را
در دست داشت و هم هاشم آباد که ملک آن مرحوم بود و آب قنات در ملک هاشم آباد
میرفت ولی تصرفات زارعین که در آزادمحلّه زرع می کردند از آب شاه تادرخت
اوجا و بریجه را باز آدمحلّه می دادند کشیده بر می خورد بمگس کرس و پایین انبارتپه

اسامی زارعین و پیرمردان وریش سفیدان

مشهدی رمضان کربلائی قلی کربلایی مراد قلی ملک جعفر قلی

کربلایی علی کربلایی زمان آقا سید مهدی کربلایی رضوان

کربلایی محمد ملک قلی آقا سید طاوس طیب حسین لمسکی

مشهدی مهدی کربلایی اسمعیل

اشخاصیکه حاضر درین سامان بودند

سرکار عبدالصمد خان جناب آقا محمد زمان آقا میسرزا یوسف
 سرتیب [جای مهر]^۱ [جای مهر]^۲ حکیم باشی
 [جای مهر]^۳

جناب آقا حسن سلطان جناب آقا شیخ رضای آخوند ملا عبدالرحیم
 الذاکرین [جای مهر]^۴ کارکنه [جای مهر]^۵ [جای مهر]^۶

آقا علیشاه بنده درگاه میرزا هاشم
 [جای مهر]^۷ [جای مهر]^۸

- ۱- مهری بیضی باسجع: «عبدالصمد بن محمد» .
- ۲- مهری بیضی با سجع :
- «عبد محمد نصیرالموسوی» . ۳- مهری بیضی با سجع : «عبد محمد یوسف» .
- ۴- مهری بیضی باسجع: «عبد محمد حسن الحسینی» . ۵- مهری بیضی کوچک باسجع:
- «محمد رضا» . ۶- مهری بیضی باسجع: «عبدالرحیم بن محمد مهدی» . ۷- مهری
- بیضی باسجع : «علی شاه ابن رضا قلی» . ۸- مهری بیضی در وسط «محمد هادی» و
- گرداگرد مهر به لاتین محمد هادی با تاریخ ۱۳۰۵ .

اشخاص مزبورین در ذیل کلاً شهادت دادند که سامان هاشم آباد چشمه است که سمت غربی رویه بزرگ است و حق مرتع و منافع دیگر را جناب آقا حاجی آقا سید طاهر سلمه الله می گرفت یقیناً بلا خلاف چنانکه قلندر محلی که زارع آزاد محله بودند اجاره هم میکردند.

فی ۲۴ رجب المرجب ۱۳۱۰.

کر بلائی محمد حسین لمسکی مشهدی موسی مشهدی محمد صالح آفاسید احمد

مشهدی محمد علی

ملك يوسف اسماعیل محمد علی ابراهیم

جناب آقا محمد زمان جناب آقا حسن سلطان الذاکرین جناب آقا شیخ رضای کارکنه

[جای مهر]^۱ [جای مهر]^۲ [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی باسجج: «عبد محمد نصیر الموسوی». ۲- مهری بیضی باسجج:

«عبد محمد حسن الحسینی». ۳- مهری بیضی کوچک باسجج: «محمد رضا».

استشهادنامه‌ی مورخ ۱۳۱۰ هـ . ق .

پس از شهادت پیرمردان و ریش سفیدان لمسک و ورسن و قلندر-
محلّه حدوسامان ملک لله‌دوین و آزاد محلّه به حکم حاکم شرع
چنین معین شده است : حدهمان وال معروف به میان وال است که
به پی کله و از آنجا به‌لله‌پیشانی و از آنجا به غربی از دارکله و از
آنجا به زال تپه و از آنجا به سیاه‌آب که طرف شرقی حدود ملک
آزاد محلّه است.

بتاریخ ۱۲ شهر شوال سنه ۱۳۱۰ اشخاص مفصله در ذیل بجهت تعیین حدود ملک
لله‌دوین و آزاد محلّه بخواهش و اصرار جناب آخوند ملا محمد صادق و ملا عبدالرحیم و
قلی‌آقا و قربانعلی آقا و سایرین مالکین لله‌دوین باتفاق ریش سفیدان و پیرمردان
لمسک و قلندر محلّه و مالکین لله‌دوین رفتن سرسامان طرف شرقی تپه قبران ملاحظه
گردید با حضور ملا محمد صادق و ملا عبدالرحیم و سایرین مالکین همان میان‌وال که
جنب تپه برمی‌خورد به‌پی کله از آنجا کشیده می‌رود به‌لله‌پیشانی از آنجا بخط مستقیم
می‌رود بر می‌خورد بغربی دارکله از آنجا کشیده می‌خورد به خط مستقیم بزالتپه از
آنجا بسياه‌آب همین حدود بود سامان آزاد محلّه و لله‌دوین میدانید یاخیر آنچه از
شهادت حضرات و بصیرت خودتان استحضار به‌م‌رسانید بخط و مهر خود مزین
فرمائید که حاجت است سنه ۱۳۱۰ .

اشخاص شهود از پیرمردان و ریش سفیدان

پیرمردان لمسک	ورس	ن
کربلائی محمد	ملک اسمعیل	علی محمد آقا
حسین	حسن	حسین
پیرمردان قلند	در محله	
کربلائی قلی	ملک جعفر قلی	قلی پیر مرد
مشهدی مهدی	مشهدی رمضان	کربلائی مراد قلی
مشهدی جعفر	مشهدی عبدالله	کربلائی قربان
ملک جعفر		

آقایانیکه از شهر بجهت تعیین حدود سامان تشریف برده بودند

جناب مستطاب آقای	جناب آقامیر محمد علی	جناب آقا سید محمد
ملا اسمعیل		میر کریمی
جناب ملا عبدالرحیم	آقا علیش	بندۀ درگاه میرزاهادی

۱- از نامبردگان بالا چهارده مهر نیز در متن هست که چون اهمیتی نداشت نقل

نشد.

[بر حاشیه سمت راست این استشهدنامه چه عبارات زیر است:]

بسم الله خير الاسماء تعالى شأنه

بتاریخ مسطور اقل انام نظر بخواهش و اصرار جناب آخوند ملا محمد صادق وملا عبدالرحیم و قلی آقا و قربانعلی آقا وسایر مالکین قریه الله دین و سرکار مقرب الخاقانو معتمد السلطان آقای وزیر لشکر آقا میرزا مقیم دام اقباله العالی که مالک قریه آزاد- محله میباشند در سرحدود و سامان قریه آزاد محله ولله دین رفته آنچه از قواعد تمیز و ممیز و امتیاز و انقسام و انفر از و شهادت حضرات مفصله در متن و تصرفات فعلی زارعین آزاد محله بر احقر انام معلوم شده همان وال است که در جنب شرقی تپه قبران است که مشهور به میان وال است که این وال ممتد است به پی کله و از آنجا به الله پیشانی و از آنجا به خط مستقیم بر می خورد بغربی از دار کله و از آنجا بزال تپه و از آنجا کشیده بر می خورد بسپاه آب که طرف شرقی حدود مسطوره ملک آزاد محله میباشد چنانچه در تصرف زارعین آزاد محله میباشد و طرف غربی حدود مسطوره ملک و مال مالکین اربابان الله دین است و حدود سامان این دو قریه همین حدود است که تعیین شده انشاء الله از حدود سامان خود تجاوز نخواهند نمود.

ولقد حررته فی نوزدهم شهر شوال المکرم من شهر سنه ۱۳۱۰ هزار سیصد ده هجری:

[جای شش مهر]^۱

۱- مهری بیضی کوچک باسجج: «محمد اسمعیل» و مهری بیضی دیگر باسجج: «محمد حسن» و مهری بیضی حاشیه دار که در وسط آن نام «محمد هادی» خوانده می شود و مهری بیضی باسجج: «عبدالرحیم بن محمد مهدی». بنده که محمد علی می باشم این مهر از جدم می باشد بجدم قسم. مهری چهار گوشه باسجج: «محمد علی الحسینی» و مهری بیضی باسجج: «عبد محمد الحسینی».

استشهادنامه مورخ ۱۳۱۳ ه. ق.

در این ورقه از کسانی که خبیر و بصیرند خواسته‌اند که علم و اطلاع خود را درباره کم‌آبی مزرعه آزادمحلّه و کسر داشتن منال دیوانی آن بنویسند.

کسانی که خبیر و بصیرند که مزرعه آزادمحلّه در ید مرحوم آقا میرزا مقیم لشکر - نویس‌باشی بوده و قناتی حفر کرده بود که خشک شده بود مجدداً قناتی حفر کرده بود که زمستانها آب زیادی داشت و دارد تا یکماه قدری علاوه که از بهار میگذرد آبش خشک میشود و کمی می‌ماند و سنه گذشته که عالیجاه نظر خان اجاره داشت از منال دیوانی که یکصد و بیست شش خروار شلتوک است سی و دو خروار کسر آمده بود و هر سالی با کثرت مخارج برای قنات لابد کسر دارد مگر امسال که پنج شش باران فوق العاده زمان حاجت آمده که اگر نبود یقیناً پنجاه شصت خروار کسر داشت ولی از کثرت باران اشخاصیکه دو قست آب داشتن ده قسمت زراعت عمل آوردند مال الاجاره امسال ضرر ندارد و اگر چه ده خروار نفع دارند ولی دو بیست و یازده تومان مخارج قنات کرده‌اند باز هم یکصد و شصت تومان از این جهت ضرر دارد و مرحوم آقا میرزا مقیم اگر چه منال دیوانی را بعمل می‌آورد ولی خواهش میکرد از میر آب دیوان سدن آب تحت می‌آورد و املاک مردم را بخواش وال و نهر میکرد و داخل نسق آزاد - محلّه میکرد و باین وسیله زراعتی بعمل می‌آورد و حالکه این اسباب قطع شد مسلماً ضرر فاحش برای ورثه دارد در هر سالی آیا مراتب مزبوره صدق است یا نه و معلومی خودتان را صریح مرقوم دارید.

فی سابع عشر شهر جمادی الاولی هزار و سیصد و سیزده ۱۳۱۳.

[بر حاشیه بالا و سمت راست و چپ این ورقه عبارات زیر نوشته شده است:]

مراتب مزبوره در ورقه صدق واقع است و جای خلاف نیست فسی بیست و نیم شهر
جمادی الاولی ۱۳۱۳. [جای هفت مهر]^۱

آقایان عظام از علماء اعلام و ارباب مناصب دولت ابد فرجام که در این ورقه صدق ترجمه قلمی فرموده حقیقت مراتب مرقومه را اظهار داشته اند و بامهار کرام مزین فرموده اند باضافه ارباب ملکی زراعتی که در آن اطراف و نواحی دارای سهم و حصص مختصه و مشاعه میباشند و با خبریت و بصارت تامه و بصیرت فوق التمام داشته و دارند و در این ورقه از روی حق گوئی و دیانت بدون شائبه غرض و ریه تهمت مهر فرموده اند بضمیمه اهالی اطلاع تام خارج از ورقه و داخله که در این ورقه ننوشته اند و سماعاً و استماعاً بفحص تام تحقیق نموده ام حالت آزاد محله از این قرار است که در متن قلمی شده در این صورت دارائی آن بعد از مرحوم لشکر نویساباشی مقتدر با وجود صغار مرقومین مهورین میرزا فتح الله خان که دارای آن اقتدار میشد جز ضرر چیزی دیگر برای ایشان نیست البته صلاح در اینست که بامر قطع علاقه ایشان از آن شود تا این خسارات و مضار از ایشان مرتفع و مندفع شود تکلیف شرعی همین است بزعم ناقص راقم والله اعلم بحتایق الامور سادس ثانیة الجمادین عام ۱۳۱۳.
[جای چهار مهر]^۲

- ۱- مهری بیضی با سجع: «عبد محمد رضا» و مهر بیضی کوچک با سجع: «یا علی» یکی بالا و یکی وارونه در زیر و مهری بیضی با سجع: «بندۀ آل محمد رضا» و مهری بیضی دیگر با سجع: «افوض امری الی الله عبده محمد جعفر» و مهری بیضی با خط طغرا با سجع: «یا امام حسین» و مهری بیضی دیگر با سجع: «پیرودین محمد مهدی» و مهر بیضی دیگر با سجع: «محمد علی بن حسین».
- ۲- مهری چهار گوشه با سجع: «یا صالح المؤمنین» و مهری بیضی کوچک با سجع: «محمد یوسف» و مهری بیضی با سجع: «محمد اسمعیل» و مهری بیضی با سجع: «نصر الله الحسینی».

جان نثار دولت قاهره در سنه ماضیه از نواب والاشاهزاده عبدالله میرزا آزاد محله را اجاره نموده ام مقدار یکصد بیست شش خروار شلتوک با اینکه آب تنحت مکرر از دهنه شصت کلاته آوردم مقداری سی و دو خروار ضرر کردم ... واقع ... فی تاریخ ۱۷ شهر جمادی الاولی ۱۳۱۳. [جای دو مهر]^۱

مراتب مسطورہ بیان واقع است. [جای دو مهر]^۲
حقیر سالهای سال است که اطلاع از مزرعه مزبوره دارم مراتب مزبوره در ورقه صدق و بیان واقع است فی شهر جمادی الاولی ۱۳۱۳. [جای سه مهر]^۳
اقل سادات در پهلوی مزرعه آزاد محله قناتی داریم مشهور به سنگ کرمز اکثر اوقات فاضل آب اورا اجاره میکردند و می بردند حتی سال گذشته و امسال هم بردند اگر آب خارج نباشد نصفی ضرر دارد اگر آب خارج ببرند سالی سی چهل خروار یقیناً ضرر دارد فی شهر جمادی الاول ۱۳۱۳. [جای مهر]^۴

مراتب مرقومه صدق و اگزاردن مزرعه مزبوره بغیر غبطه و صلاح صغیر است چه اینکه فروخته شود و لوجزئی فی جمادی الاولی سنه ۱۳۱۳. [جای چهار مهر]^۵
جمع مراتب مرقومه صدق است بی شبهه و خلاف و گویا کسی مثل احقرانام احاطه تفصیلیه نداشته باشد حررته فی ۱۶ شهر جمادی الاولی ۱۳۱۳.
[جای مهر]^۶

- ۱- مهری بیضی که سجع وسط آن «نظر علی» و در حاشیه اطراف با حروف لاتینی همین نام نقل شده است با تاریخ ۱۳۱۲ و مهری بیضی دیگر با سجع: «محمد تقی ابن حسین علی».
- ۲- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی احمد الرضوی» و مهری بیضی دیگر با سجع: «علی الموسوی».
- ۳- مهری بیضی کوچک با سجع: «مفید الموسوی» و مهری بیضی با سجع: «عبدہ محمد نصیر الموسوی» و مهری بیضی دیگر با سجع: «الراجی سلیمان».
- ۴- مهری بیضی با سجع: «عبدہ احمد الحسینی».
- ۵- مهری بیضی با سجع: «عبدہ الراجی محمد صادق الحسینی» و مهری بیضی دیگر با سجع: «یعقوب الحسینی» و دو مهر بیضی با سجع: «عبدہ قوام الدین محمد الحسینی».
- ۶- مهری بیضی با سجع: «محمد رضا».

این بنده درگاه یوسف ولد مرحوم میرزا آقای مستوفی در حیات مرحوم خلد آشیان آقا میرزا مقیم لشکر نویس طاب ثراه تا کنون اطلاع داشته و دارم بلکه در سنه ماضیه که در اجاره معتمد الحضرة العلیه کربلائی نظر خان بود بملاحظه احوجی صغارد در جزو رسیدگی نموده که از عمل مزرعه مزبوره مطلع شوم با اینکه آب تحت از دهنه شصت کلاته آوردند معادل سی خروا ضرر مستأجر شد البته صلاح حال صغاربفر و ختن همچو ملک است الا ضرر و خسارت انتفاعی ندارد فی شهر جمادی الاول.

[جای مهر]^۱

مراتب مذکوره در ورقه همه اش صحیح و صدق است و بر طبق واقع است نظربه اطلاع تفصیلی که داریم فی ۱۸ شهر جمادی الاول ۱۳۱۳. [جای چهار مهر]^۲

مراتب مسطور در ورقه صدق و بیان واقع است فی پنجم شهر جمادی الثانیه ۱۳۱۳. [جای چهار مهر]^۳

۱- مهری بیضی کوچک با سجع: «محمد یوسف». ۲- مهری بیضی با خط طغرا

با سجع: «یا امام حسین» و مهر بیضی دیگر با سجع: «دارد امید شفاعت ز محمد محمود» و مهری بیضی دیگر با سجع: «محمد حسین ابن عقیلی» و مهری بیضی دیگر با سجع: «عبد نظر علی». ۳- مهری چهار گوشه با سجع: «غلام حسین» و مهری بیضی با سجع: «عبد فتحملی» و مهری بیضی کوچک با سجع: «محمد حسین» و مهری بیضی کوچک با سجع: «محمد مهدی».

استشهادنامه‌چه مورخ ۱۳۱۳ ه. ق.

در این ورقه محمد طاهر الحسینی استرآبادی از آقایان مطلعین خواسته است که اعترافی آقا شیخعلی بخشی محلی را درباره سامان لله‌دوین و آزاد محله که تپه قبران یا وال متصل به آن قرار داده است تأیید کنند.

چون در سنین سابقه بین مباشر قریه آزاد محله و مالکین قریه لله‌دوین در باب سامان سخنی ابراز شد و معروف است که مرحمت مآب آقا حاج آقا سید صادق طاب‌ثراه جناب افتخار الفضلا آقا شیخعلی بخشی محلی الاصل بلدی المسکن را فرستاده برای تحقیق این امر و بعد از مراجعت بجناب آقای معظم‌الیه عرض کرد که سامان را نفهمیدم و چیزی حالی‌ام نشد و اگر جناب شما سامان را تپه معروفه به قبران یا وال متصله با آن قرار دهید عیبی ندارد و جناب آقا عرض ایشان را قبول فرمودند و چیزی در این باب قلمی داشته‌اند را قلم حروف محمد طاهر الحسینی الاسترآبادی مالک فعلی آزاد محله در محضر جمع کثیری از آقایان از اهل علم کثر الله امثالهم در شش هفت روز قبل تقریباً از جناب شیخ مذکور سؤال نمودم فقره سامان همین نحو است که معروف است و شما رفته‌اید و بعد از مراجعت بجناب آقای معظم‌الیه بهمین نحو عرض کرده‌اید یا نه مکرر اظهار داشت که همین قسم و همین نحو است یعنی بقسمی که راقم در این صفحه تحریر نمودم و حالیه از آقایان عظام آن محضر خواهش است که اعترافی جناب آقا شیخعلی المزبور را محرر و قلمی دارند.

مورخاً حررته فی ۲۹ شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۱۳.

[بر حاشیه بالای این استشهدانامچه عبارت زیر نوشته شده است:]

بلی مراتب مزبوره صدق است و جناب آقا شیخ علی المزبور اظهار داشت که مر حمتآب حاجی آقا سید صادق طاب ثراه از روی اخبار من سامان را تپه قبران یا وال متصله بآن قرار داد فی شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۱۳ . [جای هفت مهر]

۲۵

استشهدانامچه مورخ ۱۳۱۶ ه . ق .

راقم حروف از عبدالصمد میرزا خواسته است که اطلاع خود را در باره تعدی امیرخان سردار به حدود الله دوین و اراضی آزاد محله و حفر قنات به وسیله ملا عبدالرحیم در این ورقه بنویسد .

عرض میشود در زمان حکومت حضرت مستطاب اجل اشرف والا سرکار امیرخان سردار دام اقباله العالی عالیجناب ملا عبدالرحیم خواست از حد الله دوین تعدی نماید سهل است خیلی از اراضی آزاد محله را تخطی و تجاوز نموده بود که آخر آن تعدی خواست حفر قنات نماید حقیر در مقام ممانعت برآمده و حفر قنات را موقوف نموده در زمان معزولی سرکار امیرخان سردار ملا عبدالرحیم مجدداً در مقام حفر قنات برآمد بسرکار اطلاع داده ام مأموری فرستاده اید مغنی را آورده اید و التزام گرفته اید که

۱- مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبد مهدی الموسوی» و مهری بیضی باسجع: «عبد هدایت الله» و مهری بیضی دیگر باسجع: «عبد الراجی ابوالقاسم» و مهری بیضی دیگر باسجع: «شهاب الدین حسن الموسوی» و مهری بیضی دیگر باسجع: «یا کریم» و مهری بیضی دیگر باسجع: «عبد الراجی محمد یوسف» و مهری بیضی دیگر باسجع: «عبد الراجی علی اصغر».

درس حفر قنات نرود و ملا عبدالرحیم موقوف نموده دفعه دیگر چند مدت مغنی در سر قنات شب کار میکرد نه روز مجدداً مراتب را اطلاع داده ام فرستاده اید مغنی را آورده اید در منزل میرزا اسمعیل خان لشکر نویس حبس نموده اید و التزام گرفته اید آیا مراتب مرقومه صدق یا کذب آنچه را سرکار عالی مستحضرید و اطلاع دارید مرقوم نموده و تاریخ آن را در تحریر ورقه مرقوم نموده که این اوقات لازم است.

فی بیستم شهر شعبان المعظم ۱۳۱۶.

[در بالای این ورقه با خط خوش شکسته عبارات زیر نوشته شده است:]

جناب مستطاب اجل عالی دام اجلاله بفدوی اطلاع داده که جناب ملا عبدالرحیم میخواهد در ملک آزاد محله حفر قناتی نماید فدوی مأموری فرستاده ممانعت نمود التزامی هم از مغنی گرفته که دیگر داخل ملک آزاد محله نشود و حفر قنوة ننماید فدوی اطلاع خود را معروض داشت بتاریخ بیستم شهر شعبان المعظم ۱۳۱۶.

[جای مهر]

استشهادنامه‌ی مورخ ۱۳۴۲ ه. ق.

در این سند شهادت داده‌اند که دو سهم از بیست و سه سهم سوتوده و کلفراء انزان ارثی اولاد کربلائی علیخان و باقی بیست و یک سهم از سه قریه کلاجان سوتوده و کلفراء ملک و مال متصرفی ورثه ملا حیدرقلی آقا بوده و هست.

واضح آنکه دو سهم از دوازده سهم کلاجان قاجار و نیز دوسهم از دوازده سهم آقایان سپانلو از سوتوده و کلفراء انزان که مسمی بدو سهم حاجی کلبعلی خانی است به بیست و سه سهم تقسیم میشود و مقدار دوسهم از بیست و سه سهم از هردو فقره مورد ادعای ارث اولاد کربلائی علیخان سمی ... بوده و خود کربلائی علیخان در ایام حیات زائد از مقدار ادعائی خود از کلاجان قاجار فروخته بود از تاریخ بیع اوالی کنون هم در تصرف مالکانه مشتری بوده و هست و فقط مورد ادعای ارث اولاد کربلائی - علیخان منحصر است از دوسهم از بیست و سه سهم از دوسهم سوتوده و کلفراء و باقی بیست و یک سهم از سه قریه ملک و مال متصرفی ورثه مرحمت‌آب ملا حیدرقلی آقا بوده و امروز هم هست و هرگاه اولاد کربلائی علیخان زیاده از این ادعائی نمایند غلط و بیحساب است چنانچه عموم مالکین سه قریه هر ساله همین قسم در طومارها و تقسیم - نامه‌ها منظور مینمایند و این مطلب بهیچ قسم قابل اشتباه نبوده و نیست برای ادای

شهادت قلمی گردید .

شهر جمیدی الاولی سنه ۱۳۴۲ .

[جای پنج مهر]^۱

[بر حاشیه سمت راست این استشهادنامه چه عبارات زیر نوشته شده است:]

آنچه در متن مرقوم شده است مطابق واقع است و این جانبان هم بهمین تفصیل مطلع و مستحضر هستیم جای شك و شبهه نیست شهر جمادی الاولی ۱۳۴۲ .

[جای چهار مهر]^۲

تمام آنچه در این ورقه درج است شك و شبهه ندارد و بیان واقع است چرا که اغلب اوقات این بنده مستأجر این املاک بوده کاملاً از ملکیت و حقانیت و تقسیم ایشان اطلاع کامل داشته و دارم و خلاف ندارد و مورد ادعای اولاد کربلائی علیخان فقط دوسهم از بیست و سه سهم است که در متن مرقوم شده است زیاده غلط است فی شهر جمیدی الاولی ۱۳۴۲ الاحقر عنایت الله هزار جریبی . [جای شش مهر]^۳

- ۱ - مهر بیضی بزرگ باسجع : « نظر علی قلی خان سردار اشرف ۱۳۳۷ » و مهری بیضی که کلمات « آقا خان » بر آن خوانده می شود و مهری بیضی کوچکتر باسجع : « وکیل الدولة » و مهری بیضی کوچک با نام : « علی بن عبدالصمد » و مهری بیضی ناخوانا .
- ۲ - مهری بیضی کوچک باسجع : « عبده عباس بن احمد » (عباس حاجی احمد) مهری بیضی با نام : « محمد ابراهیم » و مهری بیضی دیگر باسجع : « محمد صادق » . (محمد صادق بن حاجی احمد) و مهری بیضی کوچک باسجع : « رضا بن علی » (حاجی رضا نو کندی) . ۳ - مهری بیضی باسجع : « محمد حسین بن اسمعیل » (میرزا حسین خان بالاچمنی) و مهری بیضی کوچک باسجع : « مسعود لشکر » و مهری بیضی با نام « ربیع » و مهری بیضی باسجع : « حسین علی » (ارباب) و مهری باسجع : « محمد تقی بن مفیدالموسوی » و مهری بیضی بزرگ باسجع : « سید محمد شیخ - الاسلام الموسوی » .

شهادتنامه مورخ ۱۳۴۲ ه. ق.

در این سند شهادت داده اند که شش دانگ قریه کلا سنگیان سدن رستاق در تصرف مالکانه ملا حیدر قلی آقا بوده و بعد از او هم مستقلاً و مختصاً درید ورثه آن مرحوم بوده و می باشد.

واضح آنکه تمامت شش دانگ قریه کلا سنگیان واقعه در سدن رستاق در زمان حیات مرحمتآب ملا حیدر قلی آقا در تحت ید و تصرفات مالکانه او بالاستقلال بوده و بعد از او هم تا امروز که بچشم خود مشاهده نموده ایم به نحو استقلال و اختصاص در تحت ید و تصرفات مالکانه ورثه آن مرحمتآب می باشد در این از منته مدیده نه کسی غیر از ورثه آن مرحمتآب در قریه کلا سنگیان تصرفی داشته و لو مقدار حبه و نه ادعائی داشته است و مرحوم کربلائی علی خان برادر مرحمتآب ملا حیدر قلی آقا در ایام حیات خود هیچ وقت اظهار ادعائی در قریه کلا سنگیان نداشته و نکرده بود و همچنین اولاد او تا امروز آنچه دیده و مشاهده نموده ایم و از پدران خود شنیده ایم همین است که نوشته شده است.

فی شهر جمادی الاولی سنة ۱۳۴۲.

[جای پنج مهر]

۱- مهری بیضی ناخوانا که زیر آن نوشته شده است «کربلائی کریم سیاق» و مهری بیضی ناخوانا که زیر آن امضا شده است «اقل الاحقر محمد آقای کفشگیری» و مهری بیضی دیگر که سجع آن: «قاضی غلام رضا بن علی اکبر» است و زیر آن نوشته شده است «غلام فاضل» و مهری بیضی کوچک با سجع: «علی اکبر» و مهری بیضی با سجع: «محمد کاظم» که زیر آن نوشته شده است «محمد کاظم شهیر به آقا بزرگ خلف مرحوم آقا عبدالجواد ارباب».

[بر حاشیه بالا و سمت راست این شهادتنامهچه عبارات زیر نوشته شده است:]
این دعاگویان و پیر مردان قریه اسبومحله چون خودمان تمام وقت اکاره ملک کلا-
سنگیان هستیم و مجاوره آنجا می باشیم شش دانگ قریه کلاسنگیان درید و تصرف
ملاحیدرقلی آقا بوده و نقداً هم تا امروز ورثه آن مرحوم مالک و متصرف اند ابداً
الی کنون دیده یا شنیده نشده است که کسی ادعائی یا دعوائی داشته باشد . بتاریخ
۱۱ شهر رجب ۱۳۴۲ . [جای ده مهر]^۱

این بندگان مالکین قریه کلا آچان و پیر مردان این قریه آنچه خودمان به چشم دیدیم و
از پدران خود شنیدیم قریه کلاسنگیان شش دانگ ملاحیدرقلی آقا مالک بود و بعد از
آن مرحوم هم فرزندان مرحمت پناه مالک و متصرفند شنیده نشده تا کنون کسی ادعائی و
یادعوائی داشته باشد . [جای شش مهر]^۲

این دعاگویان پیر مردان و ریش سفیدان قریه سدن با کلاسنگیان همسایه و همسایان
میباشیم آنچه از پدران خود شنیده و خود دیده ایم قریه کلاسنگیان به ملکیت در تصرف
مرحوم ملاحیدرقلی آقا بوده بعد وارث آن مرحوم مالک و متصرف بوده و میباشند
غیر از وارث ملاحیدرقلی آقا کسی در کلاسنگیان مالک نبوده و نیست بلکه همین

- ۱- مهری بیضی باسجج: «محمد مهدی بن باقر» و مهری چهار گوشه باسجج: «عبد-
محمود» و مهری بیضی باسجج: «قربان» و مهری بیضی باسجج: «حاجی بن اسمعیل» و مهر
بیضی کوچک باسجج: «عبد امام قلی» و مهری بیضی باسجج: «یاعلی» و مهری بیضی باسجج:
«عبد نظر» و مهری بیضی باسجج: «عبد عبدالله» و مهری بیضی باسجج: «عبد عباس» و
مهری بیضی باسجج: «علی بن اکبر» . ۲- مهری بیضی باسجج: «یعقوب بعلی» (یعقوب
علی خان) و مهری بیضی باسجج: «قربان علی» (ملا قربان) و مهری بیضی باسجج: «یا محمد
ادرکنی» (محمد ولد کر بلائی صفر) و مهری بیضی باسجج: «یا حیدر» (مشهدی حیدر) و
مهری چهار گوشه باسجج: «صفر علی» (صفر ولد طهماس) و مهری بیضی باسجج: «عبد-
الراجی محمد حسن» (حسن ولد صفر) .

ورثه ملا حیدر قلی آقا بوده و میباشند. [جای هشت مهر]^۱
مجملاً قریه کلا سنگیان واقعه درسدن رستاق را در تحت ید و تصرفات مرحمت پناه
ملا حیدر قلی آقا و ورثه آن مرحمت مآب دیده و میدانیم فسی شهر جمادی الثانی
هزار و سیصد و چهل و دو ۱۳۴۲. [جای نه مهر]^۲

۲۸

استشهادنامه مورخ ۱۳۴۳ ه. ق.

در این سند شهادت داده اند که سهام آهنگر محله طبق تقسیم میرزا -
هادی خان سر رشته دار عموم طایفه هر وی دو دانگ و موقوفه
جعفر قلی آقا نیم دانگ و ورثه محمد رحیم خان نیم دانگ بوده و
هست .

۶۵ - ۲

نمـره

۱۳۶ - ۳

خدمت ذی مرحمت عموم امراء و ارکان واعیان و آقا یان مالکین و مطلعین قریه آهنگر -
محله و غیره تصدیع بعرض میدارم بر آنکه قریب چهل سال است که آقامیرزا هادی خان
سر رشته دار مقسم تمام سهام قریه آهنگر محله بوده و می باشد اطلاع دارید که معزی الیه

۱- مهری بیضی و ناخوانا. مهری بیضی باسجج: «قربانعلی» و مهری چهار گوشه باسجج:
«دارد شرف بر انبیا محمد» و مهری بیضی باسجج: «یا علی» و مهری بیضی باسجج: «عبد
عبدالله» و مهری بیضی باسجج: «محمد اسمعیل» عین این مهر دو باره زده شده که خوب نگرفته است و
مهری بیضی باسجج: «عبد حسین». ۲- مهری بیضی باسجج: «محمد قاسم» و مهری
بیضی دیگر باسجج: «محمد حسن» و سه مهر بیضی ناخوانا و مهری بیضی باسجج: «عبد حسینقلی» و
مهری بیضی باخط طغرا و سجع: «عبد الراجی محمد ۱۳۲۸» و مهری بیضی باسجج:
«علی الحسینی».

درستون تقسیم‌نامه عمومی طایفه هروی‌ها را دو دانگ می‌نوشت و موقوفه جعفرقلی آقا را نیم دانگ و ورثه محمد رحیم خان را نیم دانگ و باین طریق سهام هریک از مالکین حسب تقسیم ایشان ملکاً و وقفاً قسمت و توزیع میشده و بهمین کیفیت حسب تقسیم و تصدیق ایشان هریک محصول ملکی و وقفی خود را می‌گرفته‌اند و شخصاً سر رشته‌دار که خود مقسم بوده طایفه هروی‌ها را زاید بر دو دانگ تصدیق نمی‌کرد چون عموم شماها کاملاً از متصدی بودن معزی‌الیه در تقسیم آهنگر محله استحضار دارید اطلاعی خود را هریک مرقوم و مختوم فرمائید حاجت است.

فی شهر شعبان ۱۳۴۳.

[بر حواشی این استشهادنامه‌چه عبارات زیر نوشته شده است:]

از واضحات است که قریب چهل سال است که آقا میرزا هادی‌خان سر رشته‌دار و مقسم و طومار نویس قریه آهنگر محله بوده است غیر از دو دانگ زیاده برای طایفه هروی‌ها ملکی قابل نبوده چنانچه شنیده نشد که هیچیک از بزرگان ایشان دعوی زیاده بر دو دانگ کرده باشند نیم دانگ موقوفه تعزیه جعفرقلی آقائی و نیم دانگ موقوفه اولادی را خودش تصدیق داشته است و هر ساله در پا کر ایشان می‌نوشت عجب است که چه باعث شد که مدعی زاید بر دو دانگ شده با اقرار و تصدیق قطعی بوقفیت یک دانگ فوق درهمه سنوات ماضیه بدیهی است که برهمچو اوراق قدیمه هیچ عقل و شرع تجویز نمی‌کند که ترتیب اثر داده شود. [جای دو مهر]^۱

آنچه که بنده اطلاع دارم زیادت‌تر از دو دانگ از قریه آهنگر محله راجع بطایفه هروی نبوده است موقوفه جعفرقلی آقائی و موقوفه اولادی محمد رحیم‌خانی نیز هریک نیم دانگ از قریه آهنگر محله را تصرف داشته و دارند. [جای مهر]^۲

۱ - مهری بیضی باسج: «نظر علی‌قلی خان سردار اشرف ۱۳۳۸» و مهری بیضی

کوچکتر باسج: «امیر امجد». ۲ - مهری بیضی بانام: «رمضانعلی».

حقیر طومار دفتری مرحوم آقاشیخ حسن را ملاحظه کرده ام سهم آقایان هروی ها دو دانگ نوشته است زیاده ننوشته و یکدانگ موقوفه مرحوم جعفر قلی و محمدرحیم خان هم نوشته است . [جای سه مهر]^۱

۲۹

استشهادنامه چه بدون تاریخ .

در این سند استشهادنامه چه از سادات و عدول مؤمنین خواسته اند تا اطلاع خود را درباره گفتار علی خان که گفته است «من املاک موروثی خود را هر چه داشتم با برادر خود حیدر قلی خان مصالحه نموده ام» در این ورقه مرقوم و مختوم دارند .

استشهاد و استعلام میرود از جمعی سادات رفیع الدرجات عظام و علمای اعلام و از جمعی عدول مؤمنین و موثقین بلدة المؤمنین استرآباد صانها الله عن التفرقة والفساد که استماع نموده باشند از عالیشان رفیع مکان علی خان آقاخلف مرحوم حاجی کلبعلی خان سپانلو قاجار که من املاک موروثی خود را هر چه داشتم با برادر خود حیدر قلی آقا مصالحه نموده ام اسامی سامی و امهارگرامی خود را در این ورقه درج و ثبت نمایند که تا در نزد متکیان و سادة لازم العبادة شریعة غرا حجت بوده باشد و السلام علی من اتبع الهدی و نهی النفس علی الهوی.

[در حاشیه بالا و سمت راست این ورقه عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم الله جل شانه

در زمانی که حیدر قلی آقا سهم قلعه خود را بعالیجاه مقرب الخاقان عباسخان فروخته

۱ - مهری بیضی با سجع: «محمد صادق بن محمد باقر» و مهری بیضی که کلمه «محمد»

بر آن خوانده می شود و مهری بیضی ناخوانا.

بودند و قبالة آنرا بمهر میرسانیدند سرکارخان فرمودند همین قبالة را بعلی خان آقا برادر خود داده مهر نماید داعی ازعلی خان آقا سؤال نمودم که تو مبايعه قلعه را که حیدرقلی آقا نموده است امضی نمودی در نزد داعی اقرار کرد من جمیع مخلفات پدری خود را باحیدرقلی آقا مصالحه نمودم و مرا در آن حق نمیباشد کتبه الداعی لا بود الدولة البهیه. [جای مهر]^۱

بسم الله تعالى شأنه

کمتربین خدم اهل علم در زمان مبايعه حیدرقلی آقا سهم قلعه خود را بعالیجاه مقرب الخاقان عباسخان ازعالیشان علی خان آقا اقرار و اعتراف شنیده‌ام که مرا از مخلفات پدری حق نمیباشد نظر بمصالحه که کرده‌ام حقیرالعبد. [جای مهر]^۲

مخفی نماند که پنج سال قبل علی خان آقا اسبی ازبرادر خود حیدرقلی آقا گرفت به سی تومان و آنچه ارثیه پدری که باو متعلق شده بود مصالحه نمود به مبلغ سی تومان و مکرر اعتراف می نمود که مرا از این ملك پدری حق نمیباشد بتاریخ شانزدهم جمادی الاول سنه [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی بزرگ که کلمات : « محمد رحیم الموسوی » بر آن خوانده می شود.

۲- مهری چهار گوشه و ناخوانا. ۳- مهری بیضی کوچک و ناخوانا.

۳۰

استشهادنامه‌ای بدون تاریخ .

در این ورقه از سادات و موالی و اهالی و سکنه استرآباد که عالم و
خبیر اند خو استه اند که نظر خود را در باره وقفیت قریه میر و محله و
چوپالانی بنویسند .

استشهاد و استخبار و استعلام میرود از جمع سادات و موالی و ارباب و اهالی و
سکنه دارالمؤمنین استرآباد بر آنکه عالم و خبیر و استماع نموده باشند که قریه
میر و محله و قریه چوپالانی واقعتان در بلوک استرآباد رستاق من اعمال دارالمؤمنین
استرآباد وقف اولادست اسامی شریف خود را در ذیل و حواشی این صحیفه ثبت
نمایند مثاب و مأجور خواهد بود

کسی نیک بیند بهردو سرا که نیکی رساند بخلق خدا.

[بر حاشیه سمت راست و بالای این ورقه عبارات زیر نوشته شده است:]

هو وقفیت قریتین مذکور تین اظهر من الشمس است حرره العبد الاقل .

[جای مهری چهار گوشه و ناخوانا]

وقفیت قریتین مذکور تین بیان واقعت و خلافتی ندارد العبد الاقل حاجی محمد -
بیگ عفی عنهما . [جای مهر]^۱

بسم الله خير الاسماء

وقفیت قریتین المذکور تین از شهادت جمعی موثقین و نوشتجات معتبره و ارقام و

احکام دیوان اعلی بمنصه ظهور رسید . [جای مهر]^۲

۱- مهری بیضی کشیده که نام «محمد» بر آن خوانده می شود. ۲- مهری بیضی و

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد ابن محمد مقیم ملا عبدالؤمن چالکیابی عفی عنهما. [جای مهر]^۱

مضمون مسطور بیان واقعست و خلافی ندارد العبد صالح الدین تمسکنی عفی عنهما. [جای مهر]^۲

بسم الله خير الاسماء

وقفیت قریتین المذکور تین از شهادت جمعی موثقین و نوشتجات معتبره و ارقام واحکام دیوان اعلی بمنصه ظهور رسید العبد الاقل ... [جای مهری بیضی و ناخوانا]
کمترین خلق الله در ایام حیات مرحوم میر کمال مکرر از مشارالیه شنیده ام که چوپالانی و میرو محله وقف است نمقه العبد محمد نصیر الانصاری. [جای مهر]^۳

بسم الله خير الاسماء

وقفیت قریتین مذکور تین از شهادت جمعی موثقین و نوشتجات معتبره و ارقام واحکام دیوان اعلی بمنصه ظهور رسید نمقه اقل الطلبة ابن محمد یوسف محمد علی عفی عنهما. [جای مهر]^۴

صرت عالماً بوقفیه القریتین المزبور تین وانا اقل الطلبة محمد قاسم بن عیسی الحسینی اوتی کتابهما بيمينهما. [جای مهر]^۵

هو

وقفیت چوپالانی و میرو محله را کمترین خلق الله از جمعی کثیر شنیده است.

[جای مهر]^۶

۱- مهری بیضی و ناخوانا. ۲- مهری چهار گوشه باسج: «عبد صالح الدین تمسکنی».

۳- مهری چهار گوشه باسج: «عبد محمد نصیر الانصاری». ۴- مهری بیضی کوچک و

ناخوانا. ۵- مهری بیضی باسج: «محمد قاسم الحسینی». ۶- مهری بیضی باسج:

«سید مرتضی الموسوی».

فقیر وقفیت قریه میرومحلّه و چوپلانی را از جمعی شنیده حرر العبد اسدالله الموسوی. [جای مهر]^۱

وقفیت قریتین مذکورترین از شهادت جمعی موثقین و نوشتجات معتبره و ارقام و احکام دیوان اعلی بمنصه ظهور رسید حرره کلب عتبه روضه رضوی نظام الدین علی المفضل الحسینی. [جای مهر]^۲

وقفیت قریتین مزبورترین اظهر من الشمس است حرره العبد. [جای مهر]^۳

۳۱

استشهادنامه چه بدون تاریخ.

در این استشهادنامه چه از سادات و علما و کدخدایان و مؤمنین و متوطنین بلده استرآباد و استرآباد رستاق خواسته اند که اطلاع خود را در باره رعایائی که در زمان حکومت رضاخان از آهنگر-محلّه به قلعه رفته اند بنویسند.

استشهاد و استعمال و استخبار و استطلاع میروود از سادات عظام و علمای اعلام و کدخدایان ذوی العز و الاحترام و مؤمنین خیراندیش و جمهور مؤمنین و متوطنین بلده دارالمؤمنین استرآباد و استرآباد رستاق براینکه هر کس علیم وخبیر بوده باشد که از قرار تفصیل ذیل رعایای آهنگر محلّه

ولدان کربلائی صالح ولدان حاجی کله ولد طالب ولد کلبعلی

نفر

نفر

دو نفر

۵ نفر

۱- مهری بیضی باسج: «عبد اسدالله الموسوی» .

۲- مهری بیضی باسج:

«عبد نظام الدین الحسینی» .

۳- مهری چهار گوشه و ناخوانا.

بعد از حکومت مرحمت پناه رضاخان از آهنگر محله بقلعه رفته اند اسامی سامی و امهار گرامی خود را در این ورقه ثبت و مزین فرمایند که عند الحاجة حجت بوده باشد که که عند الله و عند الرسول ضایع نخواهد شد

کسی نسیك بیند بهر دوسرای که نیکی رساند بخلق خدای

والسلام علی من اتبع الهدی.

[بر حاشیه بالا و سمت راست این استشهادنامه چه عبارات زیر نوشته شده است:]
بر ما علم حاصل است که خانه وار مفصله بعد از حکومت مرحوم رضاخان از آهنگر -
محله بقلعه رفته اند. [جای سه مهر]^۱

بر ما علم حاصل است که خانوار مفصله بعد از مرحوم رضاخان قوانلو از آهنگر محله
بقلعه رفته اند. [جای مهر]^۲

بر اقل قاجاریه واضح و مستحضریم که خانوار مذکور بعد از حکومت رضوان جایگاه
رضاخان قوانلو از آهنگر محله بقلعه رفته اند. نمقه الجانی. [جای پنج مهر]^۳
بر اقل عباد الله علم حاصل است که رعایای مفصله مذکور بعد از حکومت مرحمت پناه
رضاخان قوانلو از آهنگر محله بقلعه رفته اند. نمقه الجانی. [جای دو مهر]^۴

بنده کمترین مستحضریم که خانوار مذکور بعد از حکومت مرحمت پناه رضاخان از

- ۱- مهری بیضی باسجع: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» و مهری بیضی ناخوانا و مهری محرابی باسجع: «الله محمد علی عبده محمد تقی».
- ۲- مهری بیضی باسجع: «اللهم صل علی محمد و آل محمد».
- ۳- مهری چهار گوشه که کلمات: «افوض امری الی الله محمد» بر آن خوانده می شود و مهری بیضی که کلمه «فضل علی» بر آن خوانده می شود و مهری چهار گوشه با-سجع: «الوائق بالله تعالی عبده صفر علی» و دو مهر چهار گوشه ناخوانا.
- ۴- مهری بیضی باسجع: «عبده مطلب» و مهری چهار گوشه که کلمات «الوائق بالله عبده علی» بر آن خوانده می شود.

آهنگر محله بقلعه رفتند نمقه الجانی العاصی . [جای چهارمهر]^۱

بر اقل قاجار واضح و علم حاصل است که رعایای مفصله مذکور بعد از حکومت

مرحمت پناه رضاخان از آهنگر محله بقلعه رفته اند . [جای سه مهر]^۲

بر حقیر معلوم است که ولدان کر بلائی صالح و ولدان حاجی کله و ولد طالب و ولد

کلبعلی بعد از حکومت مرحمت پناه رضاخان از آهنگر محله رفته اند .

[جای سه مهر]^۳

بر اقل طلبه مدرسه شفائیه علم حاصل است که مضمون مسطور متن بعد از حکومت

مرحمت پناه رضاخان بقلعه رفته اند و ما شهدنا الیما علمنا . [جای مهر]^۴

بر حقیر علم حاصل است که اسامی مذکور متن بعد از حکومت مرحوم رضاخان

بقعه رفته اند و ما شهدنا الیما علمنا . [جای سه مهر]^۵

حقیر از جمع کثیر شنیدم از قبیل آخوند ملا عباسعلی و حاجی ابوذر و ملا محمد

فیروز کوهی که رعایای مزبور متن در ایام مرحوم امام قلی خان بقعه رفته اند و خلافی

ندارد . [جای دومهر]^۶

۱- مهری چهار گوشه باسجع: «العبد المذنب محمد» و مهری بیضی کوچک باسجع :

«اللهم صل علی محمد و آل محمد» و مهری بیضی باسجع: «عبد محمد رحیم...» و مهری چهار-

گوشه که کلمات: «عبد محمد تقی» بر آن خوانده می شود. ۲- مهری چهار گوشه باسجع:

«لا اله الا الله الملك الحق المبین نادر علی» و مهری بیضی ناخوانا و مهری چهار گوشه باسجع:

«بود نور چشم محمد حسین» . ۳- مهری چهار گوشه ناخوانا و مهری چهار گوشه که

کلمات: «محرم ابوذر» بر آن خوانده می شود و مهری چهار گوشه که کلمات: «سلطان بارگاه

محمد» بر آن خوانده می شود. ۴- مهری بیضی باسجع: «المتوکل علی الله عبد محمد».

۵- دو مهر چهار گوشه ناخوانا و مهری چهار گوشه باسجع: «منتظر لطف الهی موسی» .

۶- مهری بیضی باسجع: «محمد شرف دارد بر انبیاء» و مهری بیضی کوچک ناخوانا .

بر اقل العباد علم حاصل است که مضمون مزبور متن بعد از حکومت مرحمت پناه رضوان جایگاه رضاخان بقلعه رفته اند و ما شهدنا الایما علمنا. [جای دومهر]^۱
 حقیر را بشهادت جمعی از مؤمنین علم حاصل شد که مضمون مسطور بیان واقع است.
 [جای سه مهر]^۲

اقل عباد علم قطعی دارم که رعایای مفصله را یکدفعه مرحمت پناه رضاخان از آهنگر-
 محله بقلعه آورده و یکدفعه امامقلی خان بقلعه آورده و کوچهای مزبوره از کوچهای
 است که امامقلی خان آورده است العبد آقا حاجی شهری. [جای مهر]^۳
 اقل طلبه از جمعی از موثقین بلده و بلوک استرآباد استماع نمودم که رعایای مزبور
 در متن بعد از حکومت مرحمت پناه رضاخان از آهنگر محله بعنف کوچانیده بقلعه
 بردند العلم عندالله نمقه الجانی. [جای مهر]^۴

بر اقل سادات علم حاصل است که رعایای مذکور بعد از حکومت مرحمت پناه رضاخان
 از آهنگر محله بقلعه رفته اند نمقه الجانی. [جای مهر]^۵

بسم الله تعالی

از شهادت جمعی از شهود از برای داعی دوام دولت قاهره علم حاصل است که
 رعایای مزبور در امر حکومت مرحوم امامقلی خان بقلعه رفته بودند الجانی.

[جای مهر]^۶

[با ده شهادت مههور دیگر از سادات که پاره ای از آنها دومهر دارد].

- ۱ - مهری چهار گوشه باسجع: «یا محمدادر کنی» و مهری بیضی باسجع: «المتوکل علی الله عبده محبعلی».
- ۲ - دو مهر بیضی ناخوانا و مهری بیضی دیگری که کلمات: «عبده حسین» بر آن خوانده می شود.
- ۳ - مهری بیضی باسجع: «افوض امری الی الله عبده حاجعلی».
- ۴ - مهری بیضی باسجع: «عبده الراجی الله ویردی».
- ۵ - مهری چهار گوشه که کلمه «طالب» بر آن خوانده می شود.
- ۶ - مهری چهار گوشه باسجع: «لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده محمد».

استشهادنامه‌ی بدون تاریخ .

در این استشهادنامه از سادات و علما و مؤمنین بلدة استراباد خواسته‌اند که اطلاع خود را درباره‌ی نارضائی عبدالله خان قراموسی لوقاجار در مورد مبايعه نامه و شرکت نامچه‌ای که بامصطفی خان کرد - محله‌ای تنظیم کرده است بنویسند.

استشهاد و استخبار و استطلاع میرود از سادات عالیدرجات عظام و علمای اعلام و مؤمنین و مقدسین ذوی العز و الاحترام بلدة المؤمنین استراباد صانها الله عن التفرقة و الفساد که علیم وخبیر وسمیع و بصیر بوده باشند که يك طغراقباله شراکت نامه و مبايعه نامه که عالیجاه رفیع جایگاه قدوة الاعاظم والارکان بندگان عبدالله خان قراموسی لوقاجار با عالیجاه معلی جایگاه مصطفی خان کرد محله مبايعه و شرکت نموده بودند در خصوص قریه‌اتراچال عالیشان رفیع مکان جلیل الشان عمدة الاعاظم والارکان محمدخان آقای قراموسی لوقاجار قبل از قرارداد مبايعه راضی نبوده و نمی باشد و هرگاه مدعی علیه گفتگوئی داشته باشند که مشارالیه نیز اذن داده و اجازه نموده است توطئة و تمهیداً اوالبجاء و من باب المصلحة بوده است والآن و بالفعل و امروز عالیشان معظم الیه سهم ورسد و حصه خود را مالک و منافع و مداخل آنرا متصرف بوده و میباشد هر کس از معظم الیه هم مراتب مزبوره را کماینبغی اطلاعی داشته و آگاهی بهم رسانیده اسامی سامی و امهارگرمی خود را درین ورقه صدق ترجمه مزین فرموده تا نزد متکیان و سادة غرای نبوی صلی الله علیه و آله وسلم حجة قاطع بوده و حق بمن له الحق عاید گردد و آیه وافی هدایه و لا تکتموا الشهادة و من یکتمها فانه آثم قلبه را عامل و قابل و عندالله و عندالرسول مأجور و مثاب خواهند بود

کسی نيك بيند بهر دوسرای که نيکی رساند بخلق خدای
والسلام علی من اتبع الهدی ونهی النفس عن الهوی .
[در حاشیه سمت راست و بالای این استشهادنامه‌چه عبارات زیر نوشته شده است:]
احقر عباد و اقل طلاب علم دارد که قبل از مبايعه عاليشان محمدخان آقا و ساير مالکين
ملك اتر اچال راضی بمبايعه نبودند وليکن توطئه بود و ما شهدنا الا بما علمنا .

[جای مهر]^۱

حقير در مسجد جامع در خدمت مجتهد الزمانی حاجی ملا رضا بودم که عاليها جان
عبدالله خان با محمدخان آقا آمده کاغذی داده که حاجی مهر کند عرض کردند که این
معامله توطئه می باشد. [جای مهر]^۲

آنچه در این ورقه ثبت است بیان واقع است خلافی ندارد. [جای دومهر]^۳

آنچه درین ورقه ثبت است بیان واقع است و خلافی ندارد. [جای مهر]^۴

آنچه درین ورقه ثبت است بیان واقع است حرره الجانی. [جای مهر]^۵

آنچه درین ورقه ثبت و درج نموده اند بیان واقع است و خلافی ندارد.

[جای مهر]^۶

آنچه درین ورقه ثبت و درج نموده اند بیان واقعست و خلافی ندارد نمقه الجانی.

[جای مهر]^۷

۱- مهری بیضی بزرگ باسجع: «یا ابا عبدالله الحسین». ۲- مهری بیضی باسجع:

«علی بن صالح». ۳- دو مهر چهار گوشه که سجع اولی: «افوض امری الی الله عبده

محمد» و بر دومی کلمات: «لا اله الا الله الملك الحق المبين اسمعيل» خوانده می شود.

۴- مهری چهار گوشه باسجع: «خالك قدم علی مطلب». ۵- مهری بیضی باسجع:

«عبده الراجی محمد الحسینی». ۶- مهری بیضی که کلمات: «نقی محمد ولیم» بر آن

خوانده می شود. ۷- مهری بیضی که کلمات «الله وردی» بر آن خوانده می شود.

آنچه درین ورقه ثبت است بیان واقع است و خلافی ندارد نمقه الجانی. [جای مهر]^۱ امضای حسینقلی و کربلائی آقا محمد.

آنچه درین ورقه صدق ترجمه مسطور است در بابت عالیشان عمده الاعیان محمد خان آقای قمرسانلوی قاجار خلافی ندارد نمقه الجانی. [جای مهر]^۲

آنچه درین ورقه صدق ترجمه مسطور است در بابت محمدخان خلافی ندارد و بیان واقع است نمقه الجانی العاصی. [جای مهر]^۳

آنچه درین ورقه ثبت است بیان واقع است و خلافی ندارد نمقه الجانی حاجی سید محمدالحسینی. [جای مهر]^۴

آنچه کمترین را علم حاصل است از عالیجناب آقا احمد قاضی و حضرات مؤمنین دیدلفظاً و نقلاً که عالیشان معلی مکان محمدخان آقای قراموسی لو که راضی نبودند شراکت اتر اچال و بیش از وقت بیان نمودند که راضی نیستم که اقرار بکنم من باب مصلحه میباشد [جای مهر]^۵

از شهادت جمع کثیری از مؤمنین که از آنجمله است جناب آقا سید محمد و آقارحیم و ملا محمدحسین و حاجی سیدحسین و حاجی سیدمحمد و ولد حاجی رضا و ولد قربانعلی ظاهر شد برحقیر که مضمون متن بیان واقع است والسلام علی من اتبع الهدی. [جای مهر]^۶

از شهادت جمع کثیری مثل آقاسید محمد و آقارحیم و ملاحسین و ملا حاجی رضا و

۱- مهری بیضی با سجع: «عبدہ حسینقلی» و مهری بیضی کوچک با نام: «عبدہ محمد».

۲- مهری بیضی کشیده با سجع: «عبدہ ابوجعفرالموسوی». ۳- مهری بیضی کوچک

با سجع: «عبدہ محمدرضا». ۴- مهری بیضی با سجع: «عبدہ محمد الحسینی».

۵- مهری چهار گوشه با سجع: «قربانعلی بن محمدقلی». ۶- مهری چهار گوشه با سجع:

الحسین منی و انامن الحسین».

آقا ابوجعفر و غیره هم مضمون متن ظاهر گردید و الله العلام عالم بحقائق الاحکام .
[جای مهر]^۱

بسم الله تعالى جل

آنچه در این ورقه صدق ترجمه ثبت و درج نموده اند لاشک و لاریب فيه خلافتی
ندارد نمقه الجانی . [جای مهر]^۲

۳۳

رو نوشت استشهادنامه‌ای بدون تاریخ .

در این ورقه از اربابان و کدخدایان بلوگ فخر عمادی استرآباد و
حوالی و حواشی قریه میر و محله و ترنگ خواسته اند که علم و
اطلاع خود را در باره رودخانه‌ای که از میان تلو کلاته و کشته
می‌گذرد، میر و محله بندی می‌گرفته و این آب به حجر و سهم و
قسمت و دانگ و درک قسمت نمیشده است در این ورقه بنویسند.

استشهاد و استخبار و استعلام میرود از جمعی اربابان و کدخدایان بلوگ فخر عمادی
استرآباد و حوالی و حواشی قریه میر و محله و ترنگ صینت عن التفرقه و الفساد
بر آنکه شاهد و عالم و خبیر بوده باشند که رودخانه که از میان تلو کلا و کشته می‌گذرد
چون بقریه اشتامهین میرسد از قدیم الایام تا حال قریه میر و محله بندی می‌کرده‌اند و
درین مدت میان قریه میر و محله و ترنگ آن حجر و سهم و قسمت و دانگ یا درک قسمت
نمیشود و دستور و مستمر بند بوده هرگز تحتانی مانع فوقانی نبوده آنچه فوقانی را

۱ - مهری بیضی باسجع : «عبدہ الراجی عباسعلی» . ۲ - مهری چهار گوشه

با سجع : «لا اله الا الله الملك الحق المبین عبدہ احمد» .

ضرور و در کار بوده می گرفته اند هر کس بر مضمون مسطور اطلاع و آگاهی داشته باشند اسامی خود را در ذیل و حواشی این صحیفه ثبت و مرقوم نمایند که عندالجزا ما جور و مثاب خواهند بود.

[بر حاشیه بالای این رونوشت استشهادنامه چه عبارات زیر نوشته شده است:]
 قبل ازین که قاضی مسیح و جمعی از سلطان محله درست این بوده که از رود ترنگ مشهور به رود تلو کلاته بقدر ... میرو محله است حسب الرقم عالی مقرر شده بود که میرو محله زیاده بر قدر نسق شش قسمت از رود مزبور آب نبرند و در ... محله ملصقه و صورت شهادت شهودی را میرو محله نزد نایب الصداره و قاضی بلده حاضر ساخته بودند بشرح فوق بنظر رسانید و چنان ظاهر شد که ادعای بند بستن و شش قسمت بردن هیچیک موافق واقع و حساب نبوده و نیست و جمعی از اعزّه ولایت و غیرهم تصدیق مینمودند بنا برین بعنوان مصالحه و اسکات اربابان و مباشران مالیات دیوانی و محض دعای خیر جهت ذات کامل الصقات نواب کامیاب سپهر رکاب مالک رقاب که جانهای گرامی فدای نام نامیش باد مقرر داشتیم ملصقه سدس آب رود مزبور که عبارت از یکدانگ بوده باشد مختص میرو محله دانسته بزوائد مزاحمتی نرسانند و مباشرین ضبط و اجاره خالصجات حسب المسطور مقرر سدس آب میرو محله گذارند و مستمسک بر قمی که قبل ازین در باب شش قسمت صادر شده نشوند بموجبی که حسب الامر العالی مقرر شده هرگاه جهت موقوفی زاید باشد رقم عالی درین باب بقیود و شروح مقررّه لازمه مسوده و سند را ضبط نمایند.
 [بر حاشیه پایین و سمت راست عبارت «مضمون مسطور بیان واقع است و خلافی ندارد با نام سی و شش تن از شهود نوشته شده که از تکرار آنها خودداری شد».]

اسامی شهودی که شهادت داده اند که مالکان قریه میر و محله از رودخانه ای که از تلو کلاته و کشته می گذرد بند داشته اند و هر قدر آب که می خواسته اند می برده اند زیر آب این رودخانه سنگ بخش نیست. بر اساس شهادت شهود سه تن از حکام شرع رأی داده اند که به دستور معمول سنوآ به نهجی که متصرف بوده اند زراعت نمایند.

تم _____ ام _____ ی
شهودی که در باب آب میر و محله شهادت داده اند و کیفیت شهادت ایشان برین موجب است

که شهادت داده اند که از تاریخ در قریه امیرده سکنی نموده ایم و همیشه دیده ایم که مالکان میر و محله از رودخانه که از تلو کلاته و کشته در قریه اشتامهین در پیش خانه آقا محمد کوشیر بند دارند و همیشه این بند را گرفته اند و آنچه توانسته اند از این بند آب به قریه میر و محله می برند و این رودخانه بر طریق رودخانه های دیگر سنگ بخش ندارند و آنچه توانند از این بندی برند و حقایق ایشان همین بند است که از اشتامهین گرفته می شود

م _____ ملك مرتضی _____ ی _____ حسین _____ حاجی
جمشید ساکن تیر تراش ساکن ایضاً تیر تراش ساکن ایضاً محمد تیر تراش
امیرده ساکن ایضاً

که شهادت داده اند که مامی دانیم که مالکان میر و محله از رودخانه که از تلو کلاته و کشته می گذرد در پیش خانه آقا محمد کوشیر بند دارند و همیشه این بند را گرفته اند و

آنچه توانسته‌اند از این بند آب به قریهٔ میرو محله برده‌اند و قاعدهٔ این رودخانه سنگ بخش نیست و قانون همین‌بند است

کربلائی حجاجی میروزا میرو
 شریف کمانگر محله‌ای خان ساکن قریهٔ کشته محمد حافظ موسی
 ملک ملک ملک ملک ملک
 ناری علی زاق امیردهی مرتضی زاق امیردهی محمدتقی کیقبادی
 ملک ملک ملک ملک ملک
 شاه محمد کیقبادی مراد مقری ساکن سلطان محمد ساکن حسن رکابدار ساکن
 رباطو کشته کشته

ملک ملک ملک علیار ولی
 مراد مرزبان کلاته‌ای محمد مرزبان کلاته‌ای کشته‌ای غازی ساکن چلتن
 ملک کربلا میرشاه حسین
 ولی بوالحسن محمد کمانگر محله‌ای محمد مرزبان کلاته‌ای علی مرزبان کلاته‌ای
 ملک محمد درویش آقامحمد
 مقیم کمانگر محله‌ای شریف کیقبادی عرب امیردهی تجری تلو کلاته‌ای
 تقی ملا ابراهیم میروزا علیجان گیل
 زرگر ساکن شهر بقال ساکن شهر زرگر ساکن کیقباد ساکن میرو محله
 ملک شمس بابانوروز محمد
 حاجی کمانگر کشته‌ای کمانگر کشته‌ای بسطامی علی بسطامی
 خواجه درویش بهرام مازندرانی ملک
 رنگرز کشته‌ای بابو کشته‌ای ساکن مرزبان کلاته محمد علی کمانگر

ملا میرزا علی استرآبادی م_____ لك م_____ لك م_____ ر
 عزیز تلو غزی سردار تلو غزی ابول ولد حاجی میر-
 قاسم کنارهای
 م_____ ر م_____ لك سیادت ونجابت پناه م_____ لك
 محمد قاسم تلو کلاته ای مصطفی کشته ای میرزا جمال الدین علی کلجوبی
 محمد ولد میرزا
 صدرالدین محمد تیرکا

که شهادت داده اند که از زمان جمشیدخان تاحال می بینیم که مالکان قریه میر و محله از
 این رودخانه بند دارند و از بندی که می گیرند آب می برند و ندیده ایم که سنگ بخشه
 باشد و یادرک بکشند و آنچه از بند بیرون می رود هر کس که در پایین است او
 می برده

ک_____ ر بلائی ی خ_____ دابخش
 شمس علی درخ_____ دی ساکن قریه تلو کلاته ه_____ ه
 م_____ ك

سبز علی ساکن قریه رباطو گفت که من شنیده ام که قاعده این رودخانه بند گرفتن است و
 این را می دانم که قانون بند گرفتن است و شنیده ام که میر و محله هم از این رودخانه
 بند دارند

که شهادت داده اند که ما می دانیم که از رودخانه که از تلو کلاته می گذرد میر-
 محمد جعفر و غیره مالکان میر و محله بند می گرفته اند و هر قدر آبی که می خواسته اند
 می برده اند

آق_____ا آق_____اصفی م_____ملک
 رفی_____ع
 که شهادت داده‌اند اینکه . . . رودخانه‌ی که از تلو کلاته می‌گذرد به سامان اشتامهین
 که می‌رسد مالکان قریه‌ی میرومحلہ بند می‌گیرند و دانگ و سنگ و قدر معلوم نیست
 م_____ملک محم_____د می_____رعلی_____ار

که شهادت داده‌اند که ماهمین مطلع ایم که مالکان میرومحلہ در رودخانه‌ی تلو کلاته
 بند دارند و بر قدر و مقدار و دانگ و غیره اطلاع ندارند

ش_____اه امی_____ر صالح_____می_____ر
 میر محمد شفیع_____ع ... زاهد کشته‌ای سراج کشته‌ای محمد رضای
 مرزبان کلاته‌ای کشته‌ای

ش_____اه می_____ر ش_____یخ ملا صالح_____ر
 بیگ کشته‌ای ... کشته‌ای کریم کشته‌ای مازندرانی ساکن
 کشته

محم_____د نورو ز...

یوسف مازندرانی ساکن
 کشته
 امیردهی

م_____وض_____ح
 هو

از شهادت گوناگون مذکور فوق ثابت و محکوم به شد که ملاک قریه‌ی میرومحلہ از
 رودخانه‌ی مذکور هندی می‌گرفته به قریه‌ی میرومحلہ زراعت می‌نموده‌اند و آنچه از
 بند ایشان بیرون می‌رفته و زاینده بند . . . تا آنجا که تحت بند ایشان است زراعت

می‌شده بنابراین بخلاف شرع شریف مانع و مزاحم نشده‌گذارند که به‌دستور معمول سنوات به نهجی که متصرف بوده‌اند زراعت نمایند و چنانچه در این باب حرف یا حجت شرعی داشته باشند موافق شرع شریف فیصل پذیر گردیده .
[جای دو مهر]^۱

هو

به نحوی که افضی القضاتی قاضی ابوالفضل قلمی نموده از شهود مفصله فوق و مواردی که استماع نموده علم قطعی حاصل شد که به طریق مذکور آب مزبور در تصرف ملاک قریه میرومحلّه بوده است . [جای مهر]^۲

۱- مهری گرد و بزرگ باسجع: «وذلك فضل الله يؤتیه من يشاء والله ذو الفضل العظيم» و

مهری چهار گوشه باسجع: «الوائق بالحق القيوم يحيى بن زين الدين على الانصارى» .

۲- مهری بیضی که کلمه «جمفر» بر آن خوانده می‌شود.

بخش هفتم

قرارنامه - اذن نامه - وصایت نامه - تقسیم نامه -

التزام نامه - شهادت نامه

قرارنامه مورخ ۱۱۰۶ ه. ق.

در این قرارنامه محمد قاسم هزارجریبی از مالکان قریه چوپلانی نیمه جنگل قوچانی را می گیرد که آباد کند و بعداً مالیه آن را به مالکان قریه مزبور بدهد. اهالی مرزبانکلاته این اراضی را جزء مرزبانکلاته دانسته و از او مطالبه مالیه کرده اند. پس از کشمکش قرار بر این شد که اراضی مذکور را اهالی مرزبانکلاته به مالکان چوپلانی بدهند به شرطی که در آن چاه نکنند و قنات و پشت قنات حفر نمایند.

باعث بر تحریر این سطور شرعیه آنکه چون محمد قاسم هزارجریبی از مالکان قریه چوپلانی مقرر گردیده بود که نیمه جنگل قوچانی آباد نماید و بعد از آنکه آباد نموده و زراعت کرده و مالیه آن را مالکان قریه مزبور از او گرفته بودند نیز مالکان قریه مرزبانکلاته بعلت اینکه میگفتند که اراضی مزبوره داخل مرزبانکلاته است از او مطالبه مالیه می نمود و مومی الیه عریضه بدیوان عالی داده و بعده افضل القضاتی قاضی مسیح رقمی صادر گردیده بود که بحقیقت برسد و مشارالیه تصدیق نموده که اراضی در تصرف مالکان چوپلانی است و قسمی متوجه متصرفین است اگر خواهند ایشانرا قسم بدهند و

اگر رد قسم نمایند مالکان مرزبانکلاته قسم یاد نمایند و متصرف شوند و چون يك دانگ و نیم قرية مزبوره ملك عاليحضرت رفيعمذلت سيادت و نجات پناه فضائل و کمالات دستگاه عمده اعظم السادات العظام والنقباء الكرام بود و بایست قسم بدهند یا قسم یاد نمایند بنا بر این فیما بین عالیحضرت مومی الیه و سیادت و نجات پناه میر کمال الدین محمود که یکی از مالکان قرية چوپلانی است و باقی مالکان چنین مصالحه شد و قرار یافت که عالیحضرت مومی الیه کماکان اراضی متنازع فیها را در تصرف مالکان چوپلانی بگذارد و مالکان چوپلانی در اراضی مزبوره چاه نکنند و قنات و پشت قنات در اراضی مزبوره احداث نکنند و سائر ملاک مرزبانکلاته اگر باین نحو راضی بوده باشند فیها والابد آنچه موافق شریعت مقدس بوده باشد عمل نمایند صلحاً صحیحاً شرعاً .

وكان ذلك غرة شهر جمادى الثانية من شهر

سنة ست ومائة بعد الف ١٠٦٠ من الهجرة

النبوية المصطفوية عليه الف التحية.

[جای مهر]

[بر حاشیه بالا و سمت راست این قرارنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

رضیت بحصتی نمقه. [جای دو مهر ناخوانا]

هو

مقرر شد که چون عالیجناب سلاله السادات والتجباء العظام والاتباء میرزاخان و سیادت و نجات پناه میرزا جمال هریک بقدر الحصة بشرح مسطور مصالحه نموده اند سایر شرکای ایشان هرگاه بمصالحه کذائی راضی باشند والا با سیادت پناه میر کمال بقانون شرع اقدس رفع دعوی نموده مزاحمت خلاف شرع و حساب نمایند تحریرا
۱- مهری بیضی کشیده با سجع: «عبدہ جمال الدین الحسینی».

فی شهر جمیدی الثاني سنة ۱۱۰۶. [جای مهر]^۱
الكتاب على نسختين.

هو رضیت بحصتی العبد المذنب. [جای مهر]^۲
هو

بنحوی که در متن قلمی و مکتوب است راضی هستم العبد المذنب محمد صالح
الحسینی عفی عنه. [جای مهر]^۳

۲

قرارنامه‌جه تعیین حدود قریه مرزنکلاته موقوفه آقا میر تقی الدین -
محمد که یکی از بنبره‌های او درسنة ۱۱۳۶ در محل رفته و تعیین و
محدود کرده است.

غرض از این نوشته آنستکه چون از جمله املاک و قرای موقوفه عالیجناب مقدس -
القاب موفق انتساب آقا میر تقی الدین محمد ا طاب ثراه و جعل الجنة مثواه که جد صلی و
بطنی این ذره بیقدر و مقدار است قریه موقوفه مشهوره مرزنکلاته بوده است و این
قریه نظر به اغتشاش ولایت خراب و از این جهت بعضی از حدود و سامان آن منهدم و
مکرر از جهة تنقیح سامان آن زحمتهای کشیده که اولاد و اولاد اولاد ذکور و هکذا که
بزیور علم و صلاح و سداد آراسته و صرفه و غبطه اعیان موقوفه را ملاحظه می نماید و
متوجه نظام و نسق میشود آسایش شده باشد پس بحسب الامر نواب مستطاب معلى القاب
سمو المکانی باتفاق مزارعان آنجا آدمم و بتاریخ روز پنجشنبه ست و ثلثون و مائه

- ۱- مهری بیضی باسج: «افوض امری الى الله العبد لطف علی». ۲- مهری بیضی
کشیده که کلمات «عبد جمال الدین الحسینی» بر آن خوانده می شود. ۳- مهری بیضی
کوچک باسج: «عبد میر محمد صالح».

بعدالالف ۱۱۳۶ سامان و حدود این قریه را بروفق تفصیل ذیل دادیم سمت جنوبی قریه مرزنکلاته مزبوره پیوسته و متصل است بجر و خندق قریه امیرآباد مشهور به آهنگر محله و از آنجا می کشد بخیا بان سنگ چین برسیج بعضی و بعضی دیگر پیوسته و متصل است بقریه موقوفه رباطو که از جمله املاک موقوفه واقف معظم الیه است و سمت شمالی قریه مزبوره پیوسته و متصل است بقریه موقوفه چوپلانی و فاصله مرز و شیواری است که تخمیناً مقدار شصت قصب پنج زرعی از آن شیوار که منبع شیواری است داخل در قریه مزبوره است و از محاذات آخرین شیوار از سمت غربی شیوار خشکی است که پیوسته بخندق آب دیوان که می کشد باراضی دالانه سرچنار، بمقدار هفت قسمت و دوازده قصب نیم و فاصله از سمت شمال مرزی است که میکشد به میدان مرزنکلاته با فاصله شصت قصب ده ارشی پیوسته است بقنات یوسف که این اراضی دالانه سر قنات یوسف و میدان وقف مرزنکلاته است و از سمت شرقی بعضی متصله است بچشمه داریکه آب زاینده که منبع این داریکه آب نزدیک بجر قریه مرزنکلاته است و این چشمه سر متعلق بمرزنکلاته است و بعضی میکشد به قریه تلو کلاته و فریچمن و مزرعه و لاش باغ و موسی یورت که از جمله املاک و مزارع واقف موفقی الیه است و از سمت غربی متصل است بدولنگه چشمه که می کشد تا جاده قدیم که متصل است شرقاً بمزارع مشهور بچهل خاک که این چهل-خاک متصل است به قنات اتر اچال و غرباً متصل است به تپه که متصل است بدولنگه چشمه که لنگه شرقی متعلق بمرزنکلاته است که میکشد شرقاً تا قنات اتر اچال و غرباً با قنات دولنگه چشمه که غربی آن مزرعه دو دانگه است بتاریخ فوق نوشته شد تا معلوم باشد و از هر طرف قطع نزاع شد و کسی را من بعد حرف نخواهد بود علوم حاصل من بوده

[بر حاشیه بالا و سمت راست این قرارنامه تعیین حدود مطالب زیر نوشته

شده است:]

محتجب و پوشیده نماناد که شیوار مذکور یکه متصل است بشیوار خشکی که میکشد بخندق آب دیوان شیوار واقعه در سمت شمال زمین محمدحسین است به شیوار چالکون آسیای واقعه در سراب مرزنکلاته قلمی شد بتاریخ متن نمقه مص . السواد مطابق للاصل قد قابله و رأیه مطابقاً له نمقه وانا العبد الاقل میرزا حسن الحسینی ولد آقا سید احمد.

السواد مطابق للاصل . [جای مهر]^۱ (میرصادق الحسینی) .
السواد مطابق للاصل الاصل حرره العبد الخاسر . [جای مهر]^۲
برینموجب بوده است العبد الاقل محمد الحسینی (موضع مهر او) .
سواد مطابق للاصل الاصل حرره آقا سید . [جای مهر]^۳
السواد مطابق للاصل الاصل حرره العبد الخاسر . [جای مهر]^۴

هو الله تعالی شأنه

السواد مطابق للاصل الاصل و انا الجانی شیخ المشایخ . [جای مهر]^۵
السواد مطابق للاصل الاصل نمقه الجانی . [جای مهر]^۶
السواد مطابق للاصل قد قابله و رأیه مطابقاً نمقه العبد الجانی . [جای مهر]^۷
السواد مطابق للاصل الاصل نمقه الجانی . [جای مهر]^۸

- ۱- مهری چهار گوشه باسجع: «عبد صادق الحسینی». ۲- مهری چهار گوشه باسجع: «محمد علی الحسینی». ۳- مهری بیضی باسجع: «عبد قاسم الحسینی». ۴- مهری چهار گوشه باسجع: «منتظر لطف الهی هاشم الحسینی». ۵- مهری بیضی باسجع: «عبد الراجی میرزا محمد بن میرزا محمد». ۶- مهری بیضی بزرگ باسجع: «یا امام حسین». ۷- مهری بیضی باسجع: «عبد الراجی محمد اسمعیل». ۸- مهری چهار گوشه باسجع: «ابراهیم الحسینی».

السواد مطابق للاصل شهد محمد باقر بن سيد احمد الحسيني.

السواد مطابق للاصل الاصيل حرره العبد الخاطي. [جای مهر]^۱

سواد مطابق للاصل الاصيل حرره العبد المذنب العاصي. [جای مهر]^۲

جرى ذلك لدى و وقع بين يدي الداعي الاقل محمد ابن صادق الموسوي.

[جای مهری ناخوانا]

بسم الله خير الاسماء

سواد مطابق با اصل ظاهر الاعتبار ممهور بامهر ظاهرة الاعتبار است واناقل الطلبة و

خادم الشريعة. [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی گل و بوته دار با سجع : « بنده آل احمد محمد ». ۲- مهری

چهار گوشه و ناخوانا. ۳- مهری بیضی با سجع : « المتوكل على الله محمد علي ».

قرار نامه‌چه رفع دعوی مورخ ۱۱۶۴ ه. ق .

در این سند اولاد مرحومین آقا محمد صالح و آقا محمد نصیر و آقا عبدالکریم و آقا سعید سهام استرآبادی و همچنین آقا محمد علی و آقا محمد هادی و آقا محمد مؤمن و آقا فضل الله و آقا ابراهیم بر میرزا معزالدین محمد که منحصرآ موقوف علیه قریه حیدربک بود ادعائی کردند و دودانگ و نیم از اراضی و یک دانگ از یک رشته قنات به عنوان مصالحه معزالدین محمد به ایشان داده بود بعداً وقفیت ملک مزبور برایشان ثابت شد و ایشان هم خوفآ للعقاب یوم الحساب آنچه گرفته بودند به موقوف علیهم باز دادند .

چون تمامی قریه معروفه نفتخواجه موقوفه مشهوره حیدربک که موافق وقف نامه‌چه علیحدّه واقف... مرحوم مزبور است و حال موافق نوشتجات و حجج معتبره موقوف علیه قریه مزبوره منحصر بعالیحضرت سامی رتبت معلی منزلت سلاله السادات العظام الکرام میرزائی میرزا معزالدین محمد است که نواده مرحوم فوق میباشد و دیگران راحقی و نصیبی نمیشد و با وجود این... اولاد مرحومین آقا محمد صالح و آقا محمد نصیر و آقا عبدالکریم و آقا سعید سهام استرآبادی و هم آقا محمد علی و آقا محمد مؤمن و آقا فضل الله و آقا ابراهیم برعالیحضرت سابق الذکر ادعا نموده بودند که ما را نیز در قریه مزبوره موقوفه حق و نصیبی میباشد و حال آنکه موافق شرع شریف ایشانرا مطلقاً حق نبوده است و ادعای ایشان تصور باطل بوده لهذا عالیحضرت سابق الذکر از جهة قطع منازعه و طول دعوی دودانگ و نیم از اراضی عامره و غامره

قریه مزبوره را با یکدانگ از یکرشته قنایه دائره وقفی را بمشارالیهیم بعنوان مصالحه داده بود و در این اوقات بر اولاد مرحومین کلهم محقق و ثابت شد که ایشان را در قریه موقوفه مطلقاً حق و نصیبی نبوده و صلح هم صورت شرع نداشته است بلکه بر ایشان حرام محض بود لهذا طوعاً و رغبتاً لا اجباراً و اکراهاً تمامی حصه و رسد خود که ازدو دانگ و نیم اراضی و از یکدانگ قنات داشتند بعالیحضرت سابق الذکر رد نموده اند و عالیحضرت معزی الیه نیز همگی و تمامی رسد ایشان را بتصرف خود در آورده بسایر املاک و رقبات خود ضم گردانید و من بعد احدی از ایشانرا موافق شرع حرفی و سخنی نمیباشد و اگر ادعای نمایند دعوی ایشان باطل و از جمله دعوای باطله و اقاویل کاذبه خواهد بود ایضاً و آقا محمد مؤمن ولد ارشد آقا محمد نصیر مزبور از قبل برادر اکبر خود و هو آقا محمد حسین بقدر حصه که او متصرف بود متعهد گردید که او را نیز درین باب سخنی نبوده باشد و اگر من بعد مشارالیه در خصوص قریه مزبوره بقدر حصه گفتگوئی نماید باطل خواهد بود و آقا محمد مؤمن از عهده و غرامت آن برآمده موقوف ندارد و این چند کلمه حسب الاقرار مشارالیهیم قلمی شد که عندالحاجت حجت بوده باشد.

وكان ذلك في غرة شهر رجب

المرجب من شهر سنة ١١٦٤ .

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه سمت راست و بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

هو نجابت پناهان مشارالیهیم اعتراف بوقفیت قریه موسومه ... حیدربک و موقوف علیه آن که ... معزی الیه است خوفاً لیوم الجزا نمودند حرره الجانی زین العابدین بن محمد باقر کتابدار. [جای دومهر]^۲

۱- مهری بیضی کشیده باسجع: «یا امام علی النقی». ۲- مهری دراز باسجع: «الاقل زین العابدین» و مهری چهار گوشه باسجع: «عبده محمد...».

حضرات مشارالیه‌م کلهم اقرار بوقفیت عین موقوفه مزبوره و موقوف علیه آن که انحصار بعالیه حضرت میرزای معظم الیه است خوفاً للعقاب یوم الحساب نمودند حرره العبد الخاطی. [جای چهار مهر]^۱

مشارالیه‌م اقرار بوقفیت زمین موقوفه بنحوی که مرقوم است در متن نمودند. [جای دو مهر]^۲

هو

نجابت و هدایت انتسابان مشارالیه‌م اقرار بوقفیت قریه موقوفه موسومه نفتخواجه مشهوره بحیدر بیگ و حدوث علم باینکه قریه مزبوره از جمله موقوفات حیدر بیگ و موقوف علیه‌م الآن عالیحضرت میرزا معز الدین محمد و منحصر دروی و تصرف ایشان بغیر حق است نموده خوفاً لیوم الحساب و امثالهم لامر الله تعالی و کون الوقف وفقاً آنچه در تصرف داشتند بتصرف عالیحضرت معزی الیه که متولی شرعی و از جمله موقوف علیه‌م است دادند نمقه العبد الوضیع. [جای مهر]^۳

هو

حضرات مشارالیه‌م مشتی اقرار بحقیقت مضمون مسطور متن نمودند و کتب العبد الجانی. [جای مهر]^۴

- ۱- مهری چهار گوشه باسجع: «الوائق بالله الغنی عبده جمال الدین» و مهری چهار گوشه دیگر باسجع: «بودنام ابوالقاسم محمد» و مهری چهار گوشه دیگر باسجع: «عبده محمد کاظم الموسوی» و مهری بیضی باسجع: «حبیب الله...» . ۲- مهری چهار گوشه باسجع: «الوائق بالله الغنی...» و مهری بیضی باسجع: «عبده قوام الدین محمد موسوی» . ۳- مهری چهار گوشه باسجع: «عبده محمد رفیع الموسوی» . ۴- مهری چهار گوشه باسجع: «افوض امری الى الله عبده سیف الله» .

۴

قرارنامه‌ی مورخ ۱۳۰۹ ه. ق .

در این ورقه شاهزاده عبدالله میرزا و آقا سید ابوالقاسم و آقا سید محمدعلی و آقا سید اسماعیل و آقا سید جواد و حاجی آقا علی باکر بلائی علی خلیف غلامعلی قرار دادند که ششصد ذرع از یک رشته قنات واقع در غرب چوپلانی را حفر کنند و منافع سه دانگ از کل شش دانگ متعلق به او و منافع سه دانگ دیگر متعلق به مالکین باشد .

غرض از تحریر و ترقیم اینورقه صدق ترجمه آنستکه شرط در ضمن عقد خارج لازم فیما بین خیر الزائرین کربلائی علی خلیف مرحوم غلامعلی و آقایان مالکین و موقوفه‌علیهم قریه چوپلانی سرکار نواب مستطاب اشرف والانظام العلماء سرکار شادزاده عبدالله میرزا و جناب مستطاب فخر السادات العظام الفخام الکرام آقا آقا سید ابوالقاسم و جناب آقا آقا سید محمدعلی و آقا سید اسمعیل و آقا سید جواد و جناب خیر الحاج والعمار حاجی آقا علی آنکه کربلائی علی مذکور در مدت شش سال کامل مساحت ششصد ذرع زمین از خشکه و آبی از یک رشته قنات واقع در سمت غربی قریه چوپلانی و سمت شرقی قنات آخوند ملا محمد کافردوینی که واقع در ملک چوپلانی است حفر نماید و آنچه مخارج کل شش دانگ یک رشته قنات موصوفه بشود از پالانه و غیره تمام بعهده حافر مذکور بوده باشد و شرط دیگر آنکه آب قنات موصوفه را حافر مذکور در سه آدش رویه که مساحت هر آدش رویه پانزده قسمت بوده باشد تسلط داشته باشد زرع نماید و آنچه منافع سه دانگ از کل شش دانگ از یک رشته قنات

موصوفه بشود و مال تمام مالکین و موقوفه علیهم بوده باشد و منافع سه دانگ از کل شش دانگ مال حافر مذکور بوده باشد و شرط دیگر آنکه در صورتیکه آب قنات موصوفه زیاده از حاجت زرع خود حافر مذکور بوده باشد که بخواهد دهقان بگیرد که زرع کند باید دهقان را از زارعین قریه مزبوره بگیرد که زرع نمایند و شرط دیگر آنکه در صورتیکه بخواهد قنات موصوفه را بفروشد یا نقل بدیگری نماید باید بمالکین بهر یک از مالکین و موقوفه علیهم بقدر سهم بفروشد و شرط دیگر آنکه بعد از علف مال شدن قنات موصوفه حافر مذکور او من يقوم مقامه تا مدت پنج سال اولاً بتعمیر قنات موصوفه بوده باشند و شرط دیگر آنکه اختیار زرع قنات موصوفه با حافر مذکور بوده باشد و شرط در ضمن عقد خارج لازم دیگر آنکه در صورتیکه قریه مزبوره تا مدت یکسال آبادی داشته باشد حافر مذکور کوچ خودش را نیاورد در آنقریه سکنا نماید و در صورت تخلف از مدت یکسال مبلغ بیست تومان وجه قضی رواجی بیست شش نخودی بهمه مالکین و موقوفه علیهم بقدر سهم هر یک بایشان بدهد و صیغه در ضمن هر دو عقد خارجین لازمین واقع و جاری گردید .
و کان ذلک سیم شهر جمادی الاولی سنة ۱۲۰۹ .



قرارنامه مؤرخ ۱۲۳۳ هـ . ق .

از يك رشته قنات واقع در قریه بانعمان كه ميرزا محمدرضا و حاجی محمد حفر کرده اند، چهار دانگ ونیم آن حق الحفر حافرین و يك ربع آن متعلق به مالكان بوم و ارض قنات مذکور و سه ربع از يك دانگ ونیم متعلق به حاجی محمدرضا و سه ربع از يك دانگ ونیم حق الارض متعلق به حضرات انصاری است.

مخفی نماند كه یكرشته قنات واقع در بوم قریه بانعمان من نواحی بلدة دارالمؤمنین استرabad كه عالیشان معلى مكان عمدة الاعاظم والاركان بندگان میرزا محمدرضا و خیرالحاج حاجی محمد حفر و بحلیه آبادی درآورده اند موافق يك طغرا قبالة نامه خدیجه علیحده مقدار چهار دانگ ونیم از قنوة مذکوره حق الحفر مال حافرین مومی الیهاو يك ربع آن كه يك دانگ ونیم بوده باشد مال مالکین بوم و ارض قنات مزبوره میباشد بناءً علیه مقدار سه ربع از يك دانگ ونیم از حق الارض مال عمدة العلماء العظام وزبدة الفقهاء العظام حاج بیت الله الحرام حاجی ملا محمدرضا سلمه الله و سه ربع از يك دانگ ونیم حق الارض مال حضرات انصاری میباشد كه منافع آن مادام القنوة معموراً و باقیاً خود علی الاتصاف تقسیم شود و چند كلمه بر سبیل یادداشت قلمی گردید تا عند الحاجة حجة بوده باشد .

وكان ذلك في شهر جمادى الآخر من شهر ۱۲۳۳ .

[جای مهر]

[بر حاشیه این قرارنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

هو

اقر الحافرين المشار اليهما بحق الارض المزبور لدى . [جای مهر]^۱

هو الله تعالى شأنه

قداقر المعمرين المومى اليهما بحق الارض المذكور بالطريق المزبور بمافيه لدى
محمد بن عباس على آقا رحمه الله.

و شهود على ذلك جناب آخوند ملا محمد على و آقا حاجى محمد و مير ابراهيم خادم
و آقا سيد دامغانى.

اقر الحافران بمازبرفيه ورضى ميرزا ابوطالب بالطريق المزبور من الحفر و الانتصاف
منه ولديه.

آنچه درينورقه نوشته است خلافى ندارد . [جای مهرى ناگرفته و ناخوانا]

۱- مهرى چهار گوشه بزرگ باسجع: «الوائق بالله الفنى عبده محمد موسى الحسينى».

قرارنامه‌ی و اعتراف‌نامه‌ی مورخ ۱۲۵۷ ه. ق.

در این سند حد و سامان دو قریه‌ی میرمحل و چوپلانی با نظر بزرگان و ریش سفیدان و زارعان دو قریه‌ی مزبور تعیین شده تا اختلاف از میان برود و میرمحمد و سایر شرکاء او اعتراف کرده‌اند که آب قوچانی یک بند مال مرزنکلاته است و باقی مال چوپلانی و همچنین ملک کاظم و پسرش آقا حسین اعتراف کردند که آب قوچانی و املاک ابراهیم آباد و تقی آباد وقف بر آقا سید فضل الله و شرکای ایشان است.

غرض از تحریر این نوشته‌ی نیکو سرشته آنست که در روز چهارشنبه هفتم شهر صفر - المظفر سنه ۱۲۵۷ باتفاق عالیشانان ملک محمد حسین و ملک کاظم و خیر الحاج والعمار حاجی میرقاسم و عالیشانان ملک احمد و شیرخان بیگ و ملا آدینه‌علی و سایر ریش سفیدان و زارعان میرمحل و چوپلانی و مرزنکلاتی و جمعی از اعیان و اهالی شهر از سادات و ملا و قاجار و غیرهم آمدند در سرسامان میرمحل و چوپلانی در خصوص امتیاز دادن سامان قریتین مزبورین را از سایر قرای دیگر و سامانی که قرار داده‌اند به بازدید حضرات مزبور بدینوجه که در ذیل مرقوم میشود تافی مابین مالکین قریتین مزبورین و قرای دیگر نزاع و تشاجر مرفوع شود و سامان قریتین بدین نهج است که حدی متصل به تپه‌ی رستم وال است که وال رستم وال داخل در ملک میرمحل است و حدی خود قریه‌ی اشتامهین که الان مسمی بتقی آباد است که از زیر قریه تمام آن املاک داخل در میرمحل است و حدی کاریز بالاسر که ناور زیر پهناب است و حد چوپلانی متصل است بخندق آب دیوان و میکشد بالاتر تا سرزمین محمد حسین سنجدی که آن زمین محمد حسین سنجدی داخل در ملک چوپلانی است و نیز سید

محمد و میر محمد و سایر شرکاء ایشان اقرار و اعتراف نمودند که آب قوچانی يك بند مال مرزنكلاته است و باقی دیگر مال چوپلانی است و نیز عالیشانان معلی مكانان ملك كاظم و ولد او آقا حسین اعتراف نمودند که آب قوچانی و املاك ابراهیم آباد و تقی آباد مال سرکار آقائی وحید العصری و فریدالدهری مجتهد العصر و الزمانی آقا سید فضل الله الحسینی دام مجده و سایر شرکاء ایشان باین معنی که وقف بر ایشان است و بسید محمد و غیره دخلی و ربطی نیست.

و كان ذلك في شهر صفر المظفر سنة ١٢٥٧.

[بر حاشیه سمت راست و بالای این سند مطالب زیر نوشته شده است:]

عالیشان خان محمد بیگ پنجاه باشی شهادت داد که از جر و خندق . . . آخوند ملا آدینه علی شهادت میدهد که از زیر درخت سفیداری که سر آب زمین محمد حسین سنجدی است داخل ملك چوپلانی است.

عالیشان ملك كاظم شهادت داد و خیر الحاج حاجی میر قاسم شهادت داد که نظر باطلاع و اقرار و فرار داد آقا سید محمد و سایر شرکاء او سامان مرزنكلاته و چوپلانی از سر آب زمین محمد حسین سنجدی بر بالا داخل ملك مرزنكلاته است و بزیر داخل ملك چوپلانی است.

آقا میر صادق و آقا میر اسمعیل شرکاء آقا سید محمد اعتراف نمودند که از آب قوچانی ما يك بند داریم آن بالا که حالا خشک است و آب نمیرود و باقی دیگر آن آب مال مانیت و عالیشانان ملك كاظم و آقا حسین اعتراف نمودند که ابراهیم آباد و آب قوچانی و تقی آباد داخل در چوپلانی و میر محله است و از جمعی کثیر چون خیر الحاج میر قاسم و ملا آدینه علی و جان محمد بیگ پنجاه باشی و غیرهم مسموع شد و از قرائن دیگر خارجه معلوم شد که سامان چوپلانی و مرزنكلاته را سرزمین محمد حسین سنجدی قرار داده اند ولیکن سامان بالاتر است . [جای مهر]

قراردادنامه شرعی مورخ ۱۲۵۷ ه. ق .

این قرارداد میان ملک کاظم و پسرش از يك طرف و آقاسید فضل الله از طرف دیگر برقرار می شود که ملک کاظم و پسرش ضابط و امین باشند که مالیه اربابی قریه چوپلانی و میر محله را از اهالی این قراء و نودهی و کناره ای و تنقی آبادی وصول کنند و به آقا سید فضل الله برسانند

غرض از تحریر این ورقه صدق ترجمه آنست که قرارداد شرعی و اقراری درمابین عالیشانان معلی مکانان عزت و سعادت نشانان ملک کاظم و ولد ایشان آقا حسین با سرکار آقائی علامه العلمائی و افضل الفضلائی سلاله دودمان مصطفوی مجتهد العصر الزمانی آقاسید فضل الله الحسینی دام عمره آنکه کل شش دانگ قریه موقوفه موسومه بچوپلانی و کل شش دانگ قریه موسومه موقوفه میر محله و اقعتان در بلوک استرآباد رستاق که وقف خاص بر سرکار آقای معظم الیه و شرکاء ایشان است و محدود و محدود معین است که عالیشانان مشارالیهما از جانب سرکار آقای معزی الیه ضابط و امین باشند که بقدر يك بند آب که عبارت از یکدک آب رودخانه که سرکار بندگان امیرالامراء العظام بیگلربیگی بایشان مرحمت فرموده اند و آبهای چوپلانی و غیر زاینده و غیره آنچه از آب رودخانه میر محله و آبهای زاینده چوپلانی و غیره چه ساکنین میر محله زراعت نمایند و چه نودهی و کناره و تنقی آبادی هر که زراعت نماید کلاً بطریق عمل کرد مالیه اربابی بجناب آقای معظم الیه از آبی و خشکه را ساعی باشند وصول نموده بایشان برسانند و منتهای سعی و اهتمام در باره زراعت و رعیت داری

نمایند و این چند کلمه بر سبیل یادداشت قلمی گردید که عندالحاجت حجة بوده باشد.
وكان ذلك بتاريخ بیست هفتم شهر ربیع الاولی سنة ۱۲۵۷.
[بر حاشیه سمت راست این قرارنامه‌چه شرعی عبارات زیر نوشته شده است:]
اقرار و اعتراف نمودند عالیشانان ملك كاظم و ولدش آقا حسین که از قرار مذکور
متن آنچه زراعتی که از آب رودخانه میرمحله و آبهای زاینده چوپلانی بعمل بیاید
مال سرکار آقا میباشد دیگر غیر زاینده آبی نیست مگر آب باران و سیلاب که
معلوم است که آنچه از آب باران و شوارشاب (۴) در این دو قریه زراعت بعمل
نیاید ایضاً مال آقا است . [جای مهر]^۱

۸

قرارنامه مورخ ۱۳۶۳ ه . ق .

قلی خان یوزباشی پنج دانگ قریه میرمحله و شش دانگ قریه چوپلانی را از آقا سید فضل الله استرابادی قبول امانت و استیمان کرده است که این دو قریه را زرع و کشت کند و عمل کرد این دو قریه را پس از وضع موضوعات و اخراجات به سید فضل الله یانائب مناسب شرعی او واصل سازد.

هوالمحاكم

مخفی نباشد که از قرار وقف نامه معتبره ممهوره بامهار علمای سلف و خلف دارالمؤمنین استراباد و احکام شرع که از متقدمین و متأخرین آنها صادر و صدور حکم شرع مستطاب از جناب قدوة العلماء والمجتهدین آقائی آقا محمد مهدی ابن ثقة الاسلام جناب مرحمت مآب حاجی ابراهیم کر باسی الاصفهانی و تصدیق و امضای مرحمت مآب حجة الاسلام حاجی سید محمد باقر طاب ثراه و فرمان قضانشان بنده گان اقدس شهریاری ادام الله تعالی ملکه و تعلیقه رفیعه جناب مستطاب قدوة الحاج حاجی میرزا آقاسی دام ظلّه العالی و رقم امضای نواب مستطاب خان خانان ادام الله عمره همگی و تمامی پنج دانگ از قریه میرمحله و مزارع آن و شش دانگ قریه چوپلانی مع متعلقاتها من المراتع و المزارع و مجرى المياه موقوفه میباشد و تعلق بحسب التولیت بجناب فضایل و کمالات انتساب زبدة العلماء و عمدة النجباء والسادات آقا سید فضل الله الاسترابادی دارد لهذا عالیجاه رفیع جایگاه قلیخان یوزباشی قبول امانت و استیمان نمود از وکیل

جناب آقای معظم‌الیه قریتین مرقومین مسطورتین را که در مقام زرع و کشت و صیانت و حفظ رعایا و ساکنین و زارعین و مزارع بوده عاماً و فعاماً از قرار عمل کرد بعد از وضع موضوعات و اخراجات زرع حاصل قریتین مرقومین را واصل متولی موقوفه که جناب آقا یا نائب مناب شرعی ایشان سازد و هرگاه حاصل و محصول را بجائی دیگر بدهد حسب الشرع ضامن خواهد بود و باید از عهده آن کلاً و بعضاً برآید.

كان ذلك في ثامن عشر شهر جمادى الاولى سنة ١٢٦٣.

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه بالا و سمت راست این قرارنامه‌چه عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم الله عز شأنه

در روز بیست و یکم جمادى الاول سنه ۱۲۶۳ عالیجاه قلی خان یوزباشی اقرار و اعتراف بقبول امانت و امانت‌داری بوجه مسطور در متن نمود حرره الاقل .

[جای مهر]^۲

اقر و اعترف بجميع ما رقم فيه لى. [جای دو مهر]^۳

توضیح حدود قریتین میرمحلّه و چوپلانی میرمحلّه از دروازه بزرینایل آدینه علی حدی بچوپلانی حدی به میان و حدی از دروازه بالا تا به تقی آباد حدود چوپلانی حدی بمیرمحلّه حدی از وال دیوان میگذرد تا جنگل سفیدار سمت کودروازه مرزنکلاته میرود تپه قوچانی میخورد به اشتامهین و خیابان و لاشاباد حدی خیابان شمس آباد که میرود به سمت میرومحلّه تاریخ متن سنه ۱۲۶۳.

۱- مهری بیضی باسجع : «محمد قلی» . ۲- مهری چهار گوشه و ناخوانا.

۳- مهری بیضی باسجع : «عبدّه علی اصغر» و مهری چهار گوشه باسجع : «المتوکل علی الله عبدّه علی الحسینی» .

التزام نامه مورخ ۱۲۶۳ ه. ق.

در این ورقه آقا سید فضل الله و عیال حاجی میرزا خانجان وکیل عباس خان بیگلربیگی ملتزم شده اند که در باب گفتگوی قریه میر- محله و چوپلانی خود یا وکیلشان در شهر استرآباد به خدمت آخوند ملا محمد علی اشرفی رفته به مرافعه شرعیه قیام و اقدام نمایند .

ملتزم و متعهد شدیم وکیل زبدة السادات آقا سید فضل الله و عیال خیر الحاج حاجی میرزا خانجان وکیل مقرب الخاقان عباس خان بیگلربیگی بر اینکه در باب گفتگوی قریه میر محله و چوپلانی که هر یک ادعای ملکیت و تصرف میکنند طرفین خود بنفسه و یا وکیل تعیین نموده در دارالمؤمنین استرآباد در خدمت جناب مجتهد العصر و الزمان آخوند ملا محمد علی اشرفی بمرافعه شرعیه اقدام و قیام نموده هر آنچه حکم از آنجناب در حضور طرفین صادر شود از آن قرار طرفین اطاعت نموده و همان حکم صادر از ایشانرا حکم الله دانسته هیچیک خلاف و انحراف نورزیم و هر یک حاضر نشویم چه خودمان و چه وکیل مورد بازخواست و تنبیه و ترجمان دیوان علی بوده باشیم این چند کلمه برسبیل الزام نامه قلمی گردید .

تحریر فی ۱۲ شهر شعبان المعظم سنة ۱۲۶۳ .

[بر حاشیه بالا و سمت راست این التزام نامه عبارات زیر نوشته شده است:]

عرض میشود که این التزام را جناب سعادت نساب عمدة العلماء الاعلام آقا سید فضل الله و عیال خیر الحاج حاجی میرزا خانجان وکیل عیال مقرب الخاقان عباس خان بیگلربیگی رضای طرفین در دیوانخانه مبارک نوشته اند و هر دو مهر نموده اند

که در خدمت جناب مجتهد العصر آخوند ملا محمدعلی اشرفی زیدفصله بمرافعه شرعیه قیام و اقدام نموده شود مدعیان یا وکیل ایشان هر دو در محضر آنجناب حاضر باشند که بمرافعه شرعیه قطع گفتگو و فصل نزاع نمایند بآنچه حکم از آنجناب صادر شد طرفین عرض داشته از آنقرار عمل نمایند لهذا عرض میشود که نواب والا قدغن فرموده که بمحصلی عالیشان نقدعلی بیگ گلام ترکمان طرفین بنفسه او و یا وکیل نایب الوکالة الشافی در محضر جناب معزی الیه حاضر شده بمرافعه شرعیه قیام نمایند آنچه حکم شرعی از آنجناب صادر شد معمول دارند و خلاف و انحراف نورزند مقرر است عالیشان نقدعلی بیگ گلام از قراریکه در فوق مسطور و محرراست معمول داشته بعد از اتمام و انجام امر صورت ماجرا را کما جری مفصل نوشته بیاورند که در عرض مجدد حجت بوده باشد.

نسختان متطابقان متناً و حامشاً حرره العبد الجانی. [جای مهر]^۱

سواد مطابق للاصل. [جای مهر]^۲

سواد مطابق للاصل. [جای مهر]^۳

سواد مطابق للاصل. [جای مهر]^۴

سواد مطابق اصل است حرره ابوالقاسم رضوی استرآبادی.

سواد مطابق للاصل. [جای مهر]^۵

سواد مطابق با اصل است. [جای مهر]^۶

۱- مهری بیضی با سجع: «عبد نصر الله الحسینی». ۲- مهری چهار گوشه و

ناخوانا. ۳- مهری بیضی کوچک با سجع: «وانا زین العابدین». ۴- مهری بیضی

با سجع: «محمد رضا الحسینی». ۵- مهری چهار گوشه با سجع: «محمد الموسوی».

۶- مهری مزین و بیضی با سجع: «محمد مهدی».

النسختان متطابقان فی العبارة حرره اقل الطلبة. [جای مهر]^۱

السواد مطابق للاصل. [جای مهر]^۲

السواد مطابق للاصل. [جای مهر]^۳

۱۰

قرارنامه‌ی مورخ ۱۲۸۱ ه. ق.

میان آقامیرزا صادق و محمودخان قرار بر این شد که آب قوچانی را تماماً در ملک چوپلانی زرع نمایند و بقدر عمل کرد پس از موضوع کردن چند قلم از جمع کل الباقی را بالمناصفه قسمت نمایند.

مخفی نماند قرار شد فیما بین آقائی آقا میرزا صادق و عالیجاه محمودخان بر اینکه آب قوچانی را تماماً در ملک چوپلانی زرع نمایند بقدر عمل آمدن زراعت موازی بیست خروار شالی از بابت قنات و شیوار موضوع شود از جمع کل و دو خروار از بابت آب رانی‌ها و سه خروار از بابت تخفیف اعیاد و یک خروار از بابت میرآب و نیاب دانی و بیست من از بابت حق نی چی این چند قلم از جمع کل موضوع شود الباقی دیگر را بالمناصفه قسمت نمایند نصف آن محصول مال آقائی آقامیرزا صادق باورثه اش نصف دیگر مال عالیجاه محمودخان باورثه خودش قسمت نمایند و شرط دیگر اینکه آقائی آقا میرزا صادق و آقا میرزا اسمعیل آب مرزنکلاته را مختار باشند در مزرعه چوپلانی زرع نمایند در هر رویجه که خواهش داشته باشند و

۱- مهری بیضی و ناخوانا. ۲- مهری چهار گوشه که کلمات «لا اله الا الله الملك

الحق المبین عبده محمد...» بر آن خوانده می‌شود. ۳- مهری چهار گوشه با سجع :

«عبده عباس علی».

هر قسمت بیست من شالی بوم حصه بدهند و این چند کلمه بر سبیل یادداشت قلمی گردید که عندالحاجت حجت شرعی بوده باشد.

كان ذلك تحريراً في چهارم شهر ذی القعدة الحرام ۱۲۸۱.

[جای مهر]^۱

۱۱

التزام نامهچه مورخ ۱۲۸۳ هـ . ق

در این ورقه کربلائی شیرخان شمس آبادی ملتزم گردیده است که سیصد ذرع قنات برای مالکان چوپلانی در این قریه حفر کند و در مدت سه سال تحویل دهد و چهار دانگ آن را سهمی گردد.

غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات آنستکه در ضمن عقدی از عقود لازمه ملتزم گردید و قبول نمود عالیشان عزت نشان محامداقران کربلائی شیرخان^۲ خلف مرحوم مبرور محمدعلی بیگ شمس آبادی که مقدار سیصد ذرع قنات حفر نماید در قریه چوپلانی در محل مشخص و مکان معلوم از آن قریه که واقع است در سمت غربی شیوار مشهور به باریک آب و متصل میشود به یوردخراب مشهور به یورد عباس آباد خرابه در مدت سه سال هلالی و بعد از سه سال هرگاه بخواهد زیاده حفر نماید مأذون است که تا هفتصد ذرع دیگر حفر نماید که هزار ذرع کامل شود و از قرار چهار دانگ و دو دانگ معمول دارند چهار دانگ با حافر و دو دانگ با مالکین آن قریه و مقدار بیست قسمت آدش رویه مالکین باید بمشار الیه بدهند که عندالحاجة الی الزرع زرع نمایند و

۱- مهری بیضی با سجع: «الراجی محمد صادق الحسینی». بالای ورق قراردادنامهچه

۲- مهری بیضی بزرگ با سجع: «جعفر قلی» است. زیر نام شیرخان مهری است چهار گوشه کوچک با سجع: «عبد شیرخان».

اگر بجهة سانحه از سوانح قنات مذکور مخروبه شود تا سه سال مشارالیه اولی بتعمیر باشد و اگر قنات مرقوم محتاج به تحویل باشد مشارالیه قادر بر تحویل باشد و سالی سی من شالی کرده سرده به علاوه حق الحفر بآقایان سادات عظام آقا سید ابوالقاسم و آقا سید محمدعلی و آقا میر اسمعیل و سایر آقایان سادات صاحبان سهام از آن قریه از حاصل مزروعی آن قنات مادامت معمرة و باقیه بدهد لایخی آنکه در آن قطعه زمین مذکور قنات علف مالی دورشته واقع است مشارالیه مأذون است که هر دورشته را بقسم مذکور عمل نماید و احداث قنات مذکور را در آن دو رشته بطریق مذکور و شرایط مذکوره نماید و شرط سیصد ذرع احداث نمودن در سه سال نسبت بهر دورشته واقع شده است و جمیع مراتب را در ضمن عقدی از عقود لازمه جناب مستطاب سلاله الاطیاب آقائی آقا سید ابوالقاسم بر مشارالیه شرط نمود و مشارالیه نیز قبول نمود مستجمعاً لجمیع شرایط الصحة .

وكان ذلك بتاريخ بیستم شهر محرم الحرام ۱۲۸۳ .

[جای مهر]

[بر بالای این التزام نامه عبارات زیر نوشته شده است :]

وقع جمیع مارقم فی الصفحة من السيد العظیم لدى المعتد الاثیم [جای مهر]^۲
جناب آقا سید ابوالقاسم حسب تولیت معامله مزبوره را با اینکه شیرخان بیگ واقع ساختند کما فی در محضرم صیغه سمت وقوع یافت فی التاريخ . [جای مهر]^۳
ق- اعترف عالیشان کربلائی شیرخان مزبور بجمیع مارقم لدى الجانی حرره الاقل .
[جای مهر]^۴

۱- مهری چهار گوشه باسجع: «المتوکل علی الله عبده شیرخان». ۲- مهری کوچک

چهار گوشه باسجع: «عبده عباس علی». ۳- مهری بیضی باسجع: «عبده نصرالله» .

۴- مهری بیضی باسجع: «المتوکل علی الله عبده محمد» .

قرارنامه‌چه مورخ ۱۲۸۵ ه. ق.

سعدالله خان و جمعی از دهاقین او در نظر دارند نهر جدیدی حفر کنند در این قرارنامه‌چه که سوادی است از اصل مورخ ۱۲۸۵ سهم هریک از دهقانان نسبت به زمینی که دارند برای حفر نهر معین شده است.

ز آنجائیکه اجرای میاه و عیون و حفر انهار و تعمیر خراب مرضی و پسند خداوند متعال بوده علی‌هذا باهتمام سلاله‌الاعاظم والاعیان و نتیجه‌الخاقان میرزا سعدالله خان خلف‌الصدق عالیجاه مقرب‌السلطان میرزا علیقلی خان ادام‌الله عمرهما و عزت‌هما و جمعی از دهاقین ایشان مشهدی محمدعلی و برادران او و مهدی و برادران و اقربای او و جمشید و صفی‌خان و متعلقان ایشان حفر نهر جدیدی بزحمات بیشمار محفور کند که ابتدای آن نهر از اراضی جنب درختی است که معروف به پیراشکار کلاته که کشیده می‌شود می‌رسد بنهر بزرگی که مجمع‌المیاه سه‌نهر است که سد و بند آن نهر جدید واقع در همان نهر بزرگ است که معروف است آن نهر بوال چال‌پل و آن سه‌نهریکه آب آنها در آن نهر بزرگ جمع و ریخته می‌شود یکی معروف بوال کله‌باغ است که کشیده می‌شود آن‌وال از وسط قریه‌خمبه بن می‌رسد بمحلی که بچنار بن معروف است و دو نهر دیگر واقع در جانب شرقی قریه‌مزبوره می‌باشد که یکی نامیده بوال اوجا - کله و دیگر بوال حسن کریه که مالک سه‌دانگ از کل شش‌دانگ مجرای عالیجاه و معظم‌الیه می‌باشد و مالک سه‌دانگ دیگر از کل شش‌دانگ اشخاص مفصله فوق هستند و شرکت ایشان در آن سه‌دانگ باین نوع است که یک‌دانگ از سه‌دانگ از کل شش‌دانگ متصرف مشهدی محمدعلی است که بین او و محمدباقر و خان‌محمد و کله‌علی و میرزا علی علی‌السواء تقسیم میشود باین توضیح که یک‌سهم از یک‌دانگ از سه‌دانگ از کل

شش دانگ بتصرف ملکی محمد علی و یک سهم ملکی متصرفی خان محمد و یک سهم ملکی متصرفی محمد باقر و یک سهم ملکی و متصرفی کلعلی و یک سهم ملکی و متصرفی میرزا علی که این یکدانگ بین این اشخاص مفصله به پنج سهم بقسمی که بیان شد منقسم می شود و یکدانگ دیگر از دو دانگ از سه دانگ از کل شش دانگ بتصرف ملکی مشهدی مهدی باین تفصیل که منقسم می شود بین او و برادران او بشش سهم که یک سهم حق مهدی و یک سهم حق صغار الله و یردی و یک سهم حق صغار رجب و یک سهم حق ولد مهدی مزبور و دو سهم حق غلام و برادران او و ولدان امیرخان که سهام اینها به شش تقسیم علی السواء و دانگ دیگر از سه دانگ از کل شش دانگ متعلق بجمشید وصفی خان است که بین آنها به شش تقسیم منقسم است که یک سهم مال صفی خان و یک سهم مال ولدا و الله و یردی و یک سهم مال حسین پسرزن امیرخان و یک سهم مال جمشید یک سهم مال صفر و یک سهم از شش سهم بین جمشید و صفی آقا تقسیم می شود که هر یک نیم سهم مال ایشان است و مخارج نهر و بند و جو و والها از جهة خرابی سیل و غیره با اشخاص مفصله است که دخلی بعالیجاه معظم الیه که مالک سه دانگ است ندارد .

تحریراً فی شهر جمادی الاولی سنة ۱۲۸۵ .
مخفی نماناد چون بعضی از انهار و اراضی چنین بنظر می آید که داخل در املاک مجهول- المالك باشد احتیاطاً این احقر در تحت شرح در آورده و بتصرف مالکین شش دانگ علی مقدار سهامهم علی الوجه المرقومه در آورده که همه جهات بی نقص است و حررته بیدی العاصی محل مهر محمد رضا .

[بر حاشیه سمت راست و بالای این قرار نامه عبارات زیر نوشته شده است:]

ذلك كذلك یا امام حسین .

مضامین متن و حاشیه بیان واقع است علینقی الموسوی .

مارقم فی المتن والحاشیه حق لاخلاف فیہ حرره الاقل یا حضرت عباس.
 سواد مطابق است با اصل که ملاحظه شد. [جای مهر]^۱
 هذه السواد مطابق لاصله المعتمد حررته فی شهر صفر ۱۳۲۹. [جای مهر]^۲
 بیان واقع است خلافی ندارد امیر بیگ.
 السواد مطابق لاصله حرره الاقل. [جای دو مهر]^۳
 هذه السواد مطابق لاصله المعتمد علیہ لدینا وقد حررته. [جای دو مهر]^۴
 هذه السواد مطابق لاصله حررته فی ۱۹ نوزدهم صفر المظفر هزار و سیصد و بیست و نه
 ۱۳۲۹. [جای مهر]^۵
 نعم ان مضمون المتن والهامش بر... قد کان فی محضری الاحقر ولاریب فیہ (محل مهر
 مبارک مرحمتآب حاجی ملارضا طاب ثراه).
 هذه السواد مطابق لاصله المعتمد حررته. [جای مهر]^۶

- ۱- مهری بیضی کوچک باسجع: «ناصر الشریعہ ۱۳۲۶». ۲- مهری بیضی با
 سجع: «جمال الدین محمد بن صادق العقیلی». ۳- مهری بیضی باسجع: «محمد مهدی
 الحسینی ۱۳۱۹»، و مهری بیضی دیگر باسجع: «محمد باقر». ۴- مهری بیضی بزرگ با
 سجع: «محمد باقر بن محمد علی» و مهری بیضی کوچک باسجع: «عبدہ محمد حسن».
 ۵- مهری بیضی باسجع: «محمد طاهر الحسینی». ۶- مهری بیضی با سجع: «عبدہ
 عباسعلی العقیلی».

قرارنامه مورخ ۱۲۸۹ ه. ق.

آقا جمال و آقا سید محمد اصالة از طرف خود و وكالة از طرف
حاضرین در مجلس و فضولة از طرف سایر موقوف علیهم با آقا سید
ابراهیم و حاجی آقا قرار کردند که قنات معروف به قزل ایاغ واقع
در ملك یساقی را از پشته و پیشان به مقدار چهارصد ذرع شاه حفر
نمایند در ظرف مدت پنج سال از قرار اثلاثی به ترتیبی که چهار
دانگ آن بابت حق الحفر و دودانگ آن بابت حق الارض عموم
مالکین بوده باشد.

محصل این رقیمة شریفه آنستکه عالیجنابان مستطابان افادت نصابان سلاتی
السادات الاطیاب عمدتی العلماء الانجاب النورین النیرین آقائی آقا جمال و آقائی
آقاسید محمد سلمهما الله تعالی اصالة از خود و بوكالت شفاهیه از جانب حاضرین در
مجلس از آقا بایان عظام و سادات و الامقام حاجی آقا علیمحمد و حاجی آقا محمدحسن و
آقا صدرالدین و آقا یحیی و آقا عبدالرحیم و آقا عیسی آقا محمود و آقا هدایت الله و آقا
محمدزمان و آقا نظام الدین و آقا ناصرالدین و آقا عبدالرزاق و آقا محمد ابراهیم
خلف مرحمت پناه آقا عباس و حاجی آقا خلف مغفرت انتساب آقا عبدالرحمن و
فضولة از جانب سایر موقوف علیهم قریة یساقی در ضمن عقد صلح واقع شرط
لازم شرعی کردند بر سیادت انتسابان آقاسید ابراهیم و حاجی آقا ولدان حاجی آقا
محمدحسن که يك رشته قنات واقع در ملك یساقی و قفی را که معروفه است بقنات
غزل ایاق در صورتیکه کار بدهد از پشته و پیشان از دم فرع بمقدار چهارصد ذرع شاه
حفر نمایند در ظرف مدت پنج سال قمری از قرار اثلاثی که چهار دانگ از آن از

بابت حق الحفر مال حاجی آقا و آقا سید ابراهیم و دودانگ آن از باب حق الارض ملك عموم مالکین موقوف علیهم بوده باشد و در حفر تا منتهی الیه سامان نیز مختارند و موضوعات زراعتی از جمله حق آبرانی و صاحب نسقی و بومحصره در صورتیکه در ملك خارج ذرع شود از مال مشاع و مشترك فیما بین حق الارض و حق الحفر داده شود که خود مشارالیه از جمیع عمل شش دانگ گرفته و بصاحبان حقوق مفصله برسانند و در صورت نرفتن بملك خارج بلکه در همان خود ملك یساقی زرع شود آقایان موقوف علیهم مطالبه بومحصره و اجرت الارض نمایند و اختیار بست نسق و گرفتن آبران و صاحب نسق و قرار حقوق ایشان و ایصال آن حقوق مقرره بایشان و رفتن بملك خارج بامشارالیهما می باشد و حق التحویل در هر يك از دو طرف شرق و غرب قنات مزبوره بمقدار پنجاه ذرع شاه از برای مشارالیهما ثابت است و در تخطی از نول نقب قدیم نیز مختارند و در صورت خرابی و لاینتفع بها شدن آن قنات مزبوره اولویت در تعمیر از برای مشارالیهما در ظرف پنجسال قمری مقرر گردید و در ثانی روماً للاحتیاط عموم آقایان حضار اصالة و فضولة مصالحة صریحه شرعیة مشتمله بشرايط و کیفیات مقررہ مفصله نمودند بحاجی آقا و آقا سید ابراهیم منافع ابدیه چهار دانگ از کل شش دانگ از آن قنات مزبوره واقعه در ملك یساقی را که مادامت معموره منافع چهار دانگ مال مشارالیهما و قائم مقام ایشان و منافع دو دانگ مال عموم موقوف علیهم میباشد و بعد از خرابی و لاینتفع بهاشدن و انقضاء مدت پنجسال از سنه اولویت در تعمیر دیگر مشارالیهما و قائم مقام را حق نخواهد بود در آن قنات بلکه مال عامه مالکین خواهد بود.

وكان ذلك بتاريخ يازدهم شهر رمضان سنة ١٢٨٩.

[بر حاشیه بالا و سمت راست این قراردادنامهچه عبارات زیر نوشته شده است:]

مراتب مرقومه در ورقه از متن و هامش وقوع یافت و حقیر راضی شدم و كذلك

مالکین حاضرین مفصلین حرره سید محمد الموسوی بیده . [جای مهر]^۱
مراتب مسطورہ بیان واقع واقع و جاری گردید انشاء اللہ تعالیٰ جمیع آقایان عظام از
انات و ذکور راضی بوده و باشد حرره الاقل الراجی فی ۷ شهر ذیقعده من شہور
۱۲۸۹ . [جای مهر]^۲

قد رضیت بحصتی حسبما رقم فیہ من الشرايط و انا الاقل . [جای مهر]^۳

رضیت بحصتی . [جای مهر]^۴

ما هو المسطور واقع گردید . [جای دو مهر]^۵

رضیت بحصتی نمقہ الجانی . [جای مهر]^۶

مراتب مسطورہ بیان واقع و جاری گردید خلاف ندارد . [جای مهر]^۷

رضیت بحصتی . [جای مهر]^۸

مراتب مسطور بیان واقع است و جاری گردید حرره اقل . [جای مهر]^۹

رضیت بحصتی و امضیت بمارقم الجانی . [جای مهر]^{۱۰}

انا امضیت و رضیت بحصتی علی النهج المرقوم . [جای سه مهر]^{۱۱}

۱- مہری بیضی بزرگ باسجع: «عبدہ الراجی سید محمد الموسوی». ۲- مہری

بیضی باسجع: «عبدہ الراجی محمد حسن بن الموسوی». ۳- مہری چہار گوشہ باسجع:

«المتوکل علی اللہ عبدہ عبد الکریم الموسوی». ۴- مہری بیضی کوچک باسجع: «ہدایت

اللہ الموسوی». ۵- مہری بیضی باسجع: «عبدہ یحیی الموسوی» و مہری بیضی دیگر

باسجع: «عبدہ الراجی صدر الدین الموسوی». ۶- مہری چہار گوشہ باسجع: «عبدہ

محمد صالح الموسوی». ۷- مہری چہار گوشہ باسجع: «عبدہ الراجی محمد ابراہیم

الموسوی». ۸- مہری بیضی باسجع: «عبدہ عبد الرحیم الموسوی». ۹- مہری بیضی باسجع:

«عبدہ الراجی صفی الموسوی». ۱۰- مہری چہار گوشہ باسجع: «عبدہ الراجی محمد

نصیر الموسوی». ۱۱- مہری بیضی باسجع: «عبدہ محمد ابراہیم الموسوی» و مہری

بیضی دیگر باسجع: «عبدہ حسن علی الموسوی» و مہری بیضی کوچک باسجع: «عبد الجواد

الموسوی».

رضیت بحصتی و امضیت بمارقم محمود الموسوی. [جای مهر]^۱
 رضیت بحصتی. [جای مهر]^۲
 مراتب مرقومه بیان واقع خلاف ندارد. [جای سه مهر]^۳
 انا امضیت و رضیت بحصتی علی النهج المرقوم. [جای مهر]^۴

۱۴

اذن‌نامه‌چه مورخ ۱۲۹۱ ه. ق.

در این ورقه مالکان قریه چوپلانی اذن دادند و مسلط کردند حاجی
 علی شمس آبادی را بر حفریك رشته قنات که غریب آن اتصال دارد
 به قنات کافر دوین متصل به واد دیوان که در مدت چهار سال سیصد
 ذرع شاهی از پشته و پیشان حفر نماید و از قرار چهار دانگ دو
 دانگ سهم گردد یعنی چهار دانگ سهم حافر و دو دانگ سهم
 مالک باشد.

غرض از تنمیق این مختصر نمیه آنستکه مسلط گردید خیرالحاج حاجی علی ابن
 مرحوم غلامعلی شمس آبادی حسب شرط در ضمن عقد لازم واقع فیما بین او و مالکین
 قریه چوپلانی سرکار جلالت آثار نواب اشرف ارفع والا الملقب من السلطان خلدالله
 ملکه به نظام العلماء شاهزاده عبدالله میرزا لازال ظلّه و نظمه و جنابان مستطابان آقائی
 آقاسید ابوالقاسم و آقامیر محمدعلی و آقا سید اسمعیل و آقا سید جواد و خیرالحاج و
 افتخارالحاج حاجی آقا علی استرآبادی الاصل ساری المسکن اطال الله بقائهم بر

- ۱- مهری بیضی باسجع: «حاجی آقا الموسوی». ۲- مهری بیضی باسجع: «عبد
- ناصرالدین الموسوی». ۳- مهری بیضی باسجع: «عبد رزاق الموسوی» و دو مهر چهار
- گوشه باسجعی بدخط: «حسین موسوی». ۴- مهری چهار گوشه کوچک باسجع: «نظام
- الدین الموسوی».

حفر يك رشته قنات در محل مخصوص از ملك و قرية مزبوره كه غربی آن اتصال دارد بقنات كافر دوین متصله بوال دیوان كه در مدت چهار سال قمری مقدار سیصد ذرع شاهی از پشته و پیشان حفر نماید و در حفر زیاده از مقدار مزبور مسطور تا هزار ذرع مختار است و قرار قنات از قرار چهار دانگ دو دانگ مقرر شد كه چهار دانگ حق الحفر و مال حافر و دو دانگ حق الارض و مال مالکین ارض و مخارج حفر از اجرت چاخو و جیره و پالانه و لو اینکه صد هزار پالانه حاجت داشته باشد و غیرها اگر چه هزار تومان وجه ریال ۲۶ نخود مخارج شود بعهده حافر مزبور است دخلی بمالکین ارض ندارد چنانچه مخارج بعد الحفر همیشه اوقات از لارویی و غیره مدامت القنات معموره به عهده حافر و من یقوم مقامه میباشد و دورویه برای زرع قنات كه هر رویه پنج قسمت است بدون دادن بوم حصه برقرار شد و در صورت بودن زرع آب قنات محتاج به آبران و ساخلو اختیار گرفتن آبران و ساخلو و تعیین حق ایشان و ایصال حق ایشان بایشان اگر چه ده خروار بلدی شالی سرده شود با حافر مزبور است چنانچه اختیار بست نسق و زرع قنات با حافر و من یقوم مقامه میباشد ولی با بودن کارنده و زارع از اهل و سکنه قرية چو پلانی کسان دیگر را زارع و کارنده نگیرد و محصول قنات را بعد از وضع موضوعات مزبوره عند ورود الموضوعات از شش دانگ توزیع و قسمت اثلثی نمایند كه دو ثلث محصول را حافر و من یقوم مقامه برای خود برداشت نماید از بابت حق الحفر و يك ثلث محصول را از بابت حق الارض مالکین ارض از حافر و قائم مقام او اخذ و استیفاء نمایند و حق التحويل در سمت شرقی تا پنج ذرع شاه و در سمت غربی تا ده ذرع شاه برای حافر و قائم مقام او برقرار شد و در تخطی از نول نقب قدیم بسوی فوق و تحت عند الحاجة حافر مزبور و من یقوم مقامه مختارند و در صورتیکه قنات خربه و لاینتفع بها شود تا مدت دو سال قمری بعد حق اولویت تعمیر برای حافر و من یقوم مقامه برقرار شد و در صورتیکه بخوانند حافر و من یقوم مقامه چهار دانگ حق الحفری را کلاً او بعضاً در مقام فروش و

نقل بغیر بر آیند در ظرف مدت پنجاه سال قمری بعد مادامیکه مالکین ارض طالب و خریداری می نمایند حافر و من یقوم مقامه باید نقل و انتقال بمالکین ارض نمایند و در صورتیکه مالکین ارض راغب به خریداری نشدند حافر و قائم مقام مختارند که به غیر ایشان نقل و انتقال نمایند و جمیع مراتب مسطور به تحت شرع شریف بقانون شرع انور در آمده.

وكان ذلك بتاريخ بیست و یکم شهر

جمادی الثانیه من شهر سنة ۱۲۹۱ .

[بر بالای این اذن نامه‌چه عبارات زیر است:]

مراتب مسطور به من البدوالی الختم متعلق اقرار و اعتراف خیر الحاج و العمار حاجی علی بر نزد احقر سمت وقوع یافت و لقد حرریدی القاصر فی رجب ۱۲۹۱ .

[جای مهری چهار گوشه ناخوانا]

الامر كما رقم وزیر فی حررته فی بیستم شهر ذیحجه الحرام من شهر هزار و سیصد و

هفده ۱۳۱۷ . [جای مهری ناگرفته و ناخوانا]

۱۵

اذن نامه‌چه مورخ ۱۲۹۲ ه . ق .

در این ورقه آقا سید اسماعیل بن آقا میر تقی حسینی مسلط نموده است حاجی علی شمس آبادی را بر حفر سه دانگ از کل شش دانگ يك رشته قنات واقع در قریه چوپلانی که در ظرف چهار سال هالسی سیصد ذرع شاهسی از پشته و پیشان حفر نماید و چهار دانگ از قنات سهم او گردد یعنی چهار دانگ متعلق به حافر و دو دانگ متعلق به مالک باشد.

[جای مهر]

غرض از تحریر و ترقیم این ورقه آنستکه مسلط نمودم خیر الحاج علی ابن مرحوم

غلامعلی شمس آبادی جناب مستطاب سلاله الاطیاب آقا آقا سید اسمعیل ابن مرحمتآب آقا میر تقی حسینی را بر حفر سه دانگ از کل شش دانگ یک رشته قنات واقع در ملک چوپلانی که غربی آن متصل است بقنات کافر دوین متصله بوال دیوان که مالکین قریه مزبوره حاجی مزبور را مسلط نموده بودند بر حفر قنات مزبوره از قرار چهار دانگ دو دانگ معمولی بشروط مقررۀ مرقومه در قبالة نامچۀ جداگانه و مقرر آنکه در مدت چهار سال هلالی مقدار سه صد ذرع شاهی از پشته و پیشان حفر نمایند و مختار و مأذون باشند که مقدار هزار ذرع شاهی حفر نمایند و مخارج سه دانگ از شش دانگ آن از اجرة و جیره مغنی و عمله و قیمت پالانه در صورتیکه محتاج شود و غیرها از کلی و جزئی تا مبلغ پنج صد تومان وجه نقد فضی بیست شش نخودی بر عهده جناب آقای مزبور او من یقیم مقامه بوده باشد و در صورتیکه قنات موصوفه خربه شود و محتاج بتحویل شود مختار باشند در سمت غربی مقدار ده ذرع شاهی و در سمت شرقی پنج ذرع شاهی تحویل نمایند و مخارج سه دانگ آن بعهدۀ جناب آقای مشارالیه بوده باشد و همچنین در هر زمانیکه قنات موصوفه محتاج بتنقیه شود و تنقیه بکند مخارج سه دانگ آن بعهدۀ جناب آقای مزبور بوده باشد و چنانا حاجت بآبر آن و ساخلو شود باذن جناب آقا معین نمایند و اختیار زرع سه دانگ با جناب آقای مومی الیه بوده باشد که مقدار پنج قسمت از اراضی متعلقۀ بآن زرع نمایند و حق الارض بمالکین ندهند و زارع مهما مکن از رعای چوپلانی بوده باشد و منفعت یکدانگ از سه دانگ را از بسابت حق الارض بعد از وضع موضوعات بمالکین قریه مزبوره بدهند و منفعت دو دانگ حق الحفری مال آقای معظم الیه بوده باشد و جمیع مراتب مزبوره بقانون شریعت مطهره در ضمن عقد لازم در تحت شرع درآمد.

بتاریخ غرة شهر محرم الحرام سنة ۱۲۹۲.

[بر حاشیه بالای این اذن نامه عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع جميع ما ذكر فيه لدى في التاريخ. [جای مهر]^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

صحيح يجب العمل بموديه لانه وقع عندي وانا الاقل الجاني.

[جای مهر]^۲

الامر كما رقم وزبر فيه حررته في بيستم ذيحجة الحرام من شهور هزار و سيصد و هفده

۱۳۱۷. [جای مهر]^۳

۱۶

تقسیم نامه مورخ ۱۲۹۷ هـ . ق .

در این تقسیم نامه سهمی و رثه آقا علی اصغر مفیدی موسوی از
املاك قرية گرجی محله میرزائی قلی و میرزینلی و قرية دنگلان
میرزینلی و حق الارض قنوات دنگلان تقسیم و تعیین شده است .

بسم الله تعالى شأنه

غرض از تحریر این سطور خالی از قصور آن است که سهمی و رثه مرحمت مآب
آقا علی اصغر مفیدی الموسوی از املاك قرية گرجی محله میرزائی قلی و میرزینلی و
قرية دنگلان میرزینلی و از حق الارض قنوات دنگلان که معمولی آن از روی تقسیم -
نامه مرحوم خلد مکان آقا میرزا طاب ثراه در صورتیکه از کل شش دانگ از املاك
مزبوره هشتاد خروار شالی منافع حاصل شود دو خروار چهارده من شالی می شود
چنانکه سهمی آن مرحمت مآب در خارج مبین و مبرهن است و فیما بین و رثه او

۱ - مهری بیضی باسجع: «عبدہ الراجی محمد حسین». ۲ - مهری بیضی باسجع:

«غلام حسین». ۳ - مهری بیضی باسجع: «محمد طاهر الحسینی».

هفت سهم می شود سهمی سلاله الاطیاب آقا کوچک ولد آن مرحمت مآب دوسهم از هفت سهم است که از قرار مرقوم بیست هفت من شالی می شود که جناب سلاله الاطیاب آقا کوچک مزبور دوسهم از هفت سهم از موروثی ابی خود را از املاک مزبوره مرقومه را مصالحه صحیحه شرعیة اسلامیة نمود بخالوی خود جناب سلاله الاطیاب آقا فتح الله خلف مرحوم آقا میر ابراهیم الحسینی مع جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیه آن از مزارع و مراتع و مجری المیاه از قنوات دائره و بائره و غیره و آنچه ملکیت را سزد و شاید من القلیل والکثیر کائن^۱ کائناً ما کان نفع توان برد بمال المصالحه مبلغ بیست تومان وجه ریال رواجی سلطانی معروف بیست شش نخودی مقبوض و جناب مصالح تخلیه ید از غبون مصطلحه نمود و بتصرف مصطلح معزی الیه داده و اوراست درو انحای تصرفات کتصرف الملاک فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم و صیغه مصالحه بقانون شرع نبوی ص ۴ با اسقاط کافه خیارات لاسیما خیار غبن و غبن الغبن و لو کان فاحشاً بل افحش سمت جریان پذیرفت و این چند کلمه بر سیبل یادداشت قلمی گردید.

و کان ذلك بتاريخ دوازدهم شهر جمادی الثاني سنة ۱۲۹۷.

[بر حاشیه بالا و سمت راست این تقسیم نامه عبارات زیر است:]

اعترف بما رقم فيه لدى نمقه الجانی. [جای دو مهر]^۱

وقع مافیه کما فیه لدى. [جای مهر]^۲

قد اعترف بما رقم فيه حررته. [جای مهر]^۳

۱- مهری چهار گوشه باسج: «عبد صالح الموسوی» و مهری بیضی کوچک باسج:

«محمد حسن الموسوی». ۲- مهری بیضی کوچک باسج: «یا خلیل». ۳- مهری

بیضی باسج: «عبد طهماسب الموسوی».

قد اعترف بمارقم فيه لدى الجاني. [جای مهر]^۱

قد اعترف بمارقم فيه لدى الجاني. [جای دو مهر]^۲

آقا كوچك اعترف بما فيه كفايه في ۱۳ جمادى الثانيه سنة ۱۲۹۷.

[جای مهر]^۳

جوان معممی میان قدی سبز چهره مجدوری که می گفت من آقا كوچكم اعتراف بمراتب مزبوره درنزد احقرانام نمود حررته بیمنای القاصره فی خامس عشر شهر

جمادى الثانيه ۱۲۹۷. [جای مهر]^۴

قد اعترف بمارقم فيه لدى الجاني. [جای دو مهر]^۵

قد اقر بمارقم فيه لدى نمقه الجاني. [جای مهر]^۶

آقا كوچك اقرار بمراتب مسطوره نمود. [جای مهر]^۷

اعترف بمارقم فيه لدى الجاني. [جای مهر]^۸

اقر في ۱۲ ج ۲ ۱۲۹۷ بمارقم فيه لدى. [جای مهر]^۹

اقر واعترف بما رقم فيه لدى. [جای مهر]^{۱۰}

۱ - مهری بیضی باسجع : «عبدہ حسینعلی الموسوی». ۲ - مهری بیضی كوچك

باسجع : «هدایت الله الموسوی» و مهری بیضی باسجع «محمد حسن الموسوی». ۳ - مهری

بیضی باسجع : «اللهم صل على محمد و آل محمد». ۴ - مهری بیضی كوچك باسجع :

«عبدہ محمد یار». ۵ - مهری بیضی باسجع : «عبدہ محمد زمان الموسوی» و مهری

بیضی دیگر كوچكتر باسجع : «عبدہ محمد حسین الموسوی». ۶ - مهری بیضی باسجع :

«عبدہ الراجی محمد باقر الموسوی». ۷ - مهری بیضی باسجع : «عبدہ فضل الله الحسینی».

۸ - مهری بیضی باسجع : «حبیب الموسوی». ۹ - مهری بیضی باسجع : «انامن حسین و

حسین منی». ۱۰ - مهری بیضی كوچك باسجع : «محمد رفیع».

آقا كوچك اقرار نمود. [جای مهر]^۱

اقرار بمراتب مسطوره نمود. [جای مهر]^۲

قدا عترف بمارقم فيه لدی الجانی. [جای مهر]^۳

اقر بما فيه لدی فی التاريخ. [جای مهر]^۴

۱۷

قرار نامه مورخ ۱۳۰۵ ه. ق.

چون قریه مخروبه جهان نما از حیث سهام زائد بر شش دانگ بوده و اختلاف عظیمی میان مالکین بر پا شده است صاحبان پنج دانگ از آن قرار گذاشتند که هر يك فوق مازاد از شش دانگ را از سهام خود کسر نمایند.

چون در تاریخ ذیل قریه مخروبه موسومه به جهان نما حیث سهام زائد بر شش دانگ بوده و باین لحاظ خلف و اختلاف عظیمی بین مالکین واقع شده لذا جناب مستطاب قبله الانام آقا آقا سید محمد طاهر^۵ سلمه الله تعالی و سلاله الاطیاب شرف الحاج آقا میر محمد علی^۶ و ولد ارجمند ایشان عمده الذاکرین آقا میر فاضل^۷ و خیر الحاج حاج الهفلی^۸ و

۱- مهری بیضی باسج: «عبد کاظم بن مهدی». ۲- مهری چهار گوشه باسج:

«پیرو دین محمد احمد». ۳- مهری بیضی باسج: «عبد مفید الموسوی».

۴- مهری بیضی باسج: «اللهم اغفر صفی». ۵- مهری بیضی باسج: «محمد طاهر الحسینی».

زیر نام محمد طاهر. ۶- مهری بیضی باسج: «عبد محمد علی الحسینی» زیر نام

محمد علی. ۷- مهری بیضی باسج: «عبد فاضل الحسینی در زیر نام میر فاضل

۸- مهری بیضی که وسط آن گل و بوته و یک طرف آن «الله» و طرف دیگر «قلی» حک شده است.

جناب احمد ملاعلی اکبر^۱ که حضرات مزبورین پنج دانگ از کل شش دانگ از ملك مزبور را با بعضی متعلقین خود متصرف بودند بملاحظات و منظورات مشخصه معهوده بین خودشان قرار شرعی بر این دادند که مازاد در شش دانگ را در مورخه ذیل خودشان متحمل شوند باین معنی که هر يك از مالکین فوق مازاد بر شش دانگ را از سهام خود کسر کرده و مابقی سهام هر يك از مالکین حسب قرار شرعی موافق تفصیل است سهمی جناب مستطاب آقا آقا سید محمد طاهر سلمه الله تعالی یکدانگ مشاع در کل شش دانگ از ملك مزبور با جمیع توابع من دون اشیاء و سهمی حاجی آقامیر محمدعلی و ولد المزبور سہ ربع مشاع از یکدانگ از کل شش دانگ از ملك مزبور با جمیع توابع من دون استثناء و سهمی حاجی الهفلی المزبور یکدانگ نیم مشاع از کل شش دانگ از ملك مزبور الاشس سیر روغن که هر دانگی از ملك مزبور از روی دومن و شش دانگ از روی دوازده من تقدیم می شود با تمامت لواحق آن من دون استثناء ثم لایخفی که این یکدانگ نیم سوای سهام دیگری است که بعنوان رهن یا طریق شرعی دیگر در ید حاج سابق الذکر اعنی حاجی الهفلی میباشد و سهمی ملا علی اکبر یک ربع مشاع از یکدانگ در کل شش دانگ از ملك مزبور که با جمیع توابع آن من دون استثناء مخفی نماد که سهام ورثه مرحوم حاجی حبیب از ملك مزبور سه ربع مشاع از یکدانگ از کل شش دانگ با جمیع توابع آن من دون استثناء شیء میباشد که سهام مالکین فوق حسب تفصیل فوق چهار دانگ و یک ربع الاشس سیر روغن در صورت بودن دانگی دومن کما هو المرسوم من قدیم الایام و سهام سایر مالکین دو دانگ و الا یک ربع بعلاوه شش سیر روغن بطریق مذکور است که جملتان شش دانگ کامل بدون زیاده و نقیصه است ثم لایخفی اگر بعد از تاریخ ذیل سهمی

یا سهام جزئیہ مستحقاً للغير بر آید و بنبوت شرع برسد که کسی از ملک مذکور سهمی دارد سوای مالکین معلومہ حالیه باید از کلیه ششدانگ برداشت شود و ضرری است وارد بر ششدانگ ثم لایخفی قبالة جاتیکه اشخاص مزبورین و ورثه مرحوم حاجی حبیب در دست دارند اگر مشتمل بر ائد از سهام مزبوره است از درجه اعتبار ساقط است و مراتب مسطوره از روی صیغ شرعیه سمت جربان و وقوع پذیرفت.

فی ۲۳ شهر شعبان المعظم ۱۳۰۵.

[جای پنج مهر]^۱

۱۸

قرارنامه مورخ ۱۳۱۲ ه. ق.

میان آقایان سادات درازگیسو از یک طرف و حاجی محمدرضا از طرف دیگر قراری گذاشته می شود که حاجی محمدرضا یک رشته قنات جدید در ملک چوپلانی حفر کند و از ده ذرع تا دوست ذرع نو کنی کند و پالانه بنشاند و پالانه را هزاری پنجاه تومان به حساب آورد. مخارج سه دانگ و یک ربع از ششدانگ با آقایان سادات و مخارج سه دانگ الا یک ربع با خود حاجی محمد رضا است.

باعث بر ارتسام این ارقام خجسته فرجام و قواعد شرعیة الانظام آنست که در ضمن عقد لازم خارج شرعی اذن و رخصت دادند حضرات آقایان سادات عالیدرجات

۱- عین مهرهایی که در متن قرارنامه بود در اینجا تکرار شده است.

دراز گیسو که امهار ایشان در اینورقه مرقوم است وهم آقا سید علی و آقا سید صادق و آقا عبدالرحمن و آقا میر ابن مرحوم آقا سید جواد و ورثه مرحمت مآب آقا سید - اسمعیل و غیرهم از موقوف علیهم اصالة از جانب خود و وكالة از جانب بعضی شرکاء و موقوف علیهم که در خارج مشخص و معروفند مرجناب اشرف الحاج والعمار حاجی محمد رضا خلف مرحمت مآب خلد نصاب آقا محمد تقی رحمة الله علیه را که یکرشته قنات جدید در ملک چوپلانی طرف غربی آن قریه که بینهم مقرر شده است حفر کند از دودرع الی دویست ذرع نوکنی کند و پالانه بنشاند و پالانه را از قرار هزار عدد پنجاه تومان محسوب دارد و آنچه مصارف و مخارجی که مرسوم است از اجرت مقنی و جیره و غیره تمامت آنرا حاج مزبور متحمل شود و از مال خود بپردازد و تا مدت ششماه از تاریخ ورقه مشغول حفر شود آنچه مخارجی که بشود هریک از آقایان که مخارج سهمی خود که وجه نقد کارسازی دارند فیها المطلوب والاجتباب حاجی مسلط بوده باشد که از محصول ملک چوپلانی شلتوک ایشانرا از قرار قیمتی که از اول قوس آتیه سنه ۱۳۱۳ می باشد الی آخر قوس بقیمت عادله وقت و نرخ معمولی يوم اخذ و دریافت نماید بمقدار سهم ایشان و چون شش دانگ قریه چوپلانی سه دانگ و یک ربع آن متعلق است به آقایان سادات عالی درجات و سه دانگ الاربع قریه مزبوره متعلق است بشخص جناب حاجی محمد رضا المزبور و آنچه مصارف قنات شود از ده تومان الی دویست تومان از همین قرار می باشد متحمل شوند یعنی مخارج الاربع برعهده خود حاجی محمد رضا است که متعلق است بخود حاج معظم و مصارف سه دانگ و یک ربع از شش دانگ قریه مزبوره متعلق است بحضرات سادات معزی الیهم که حال تحریر جناب حاجی که اذن در حفر قنات مزبوره داده اند و صیغه صحیحه شرعیة اسلامیة مطابق ضبط و قانون شریعت طاهره جاری و واقع گردید.

وكان ذلك في ٨ شهر رجب المرجب سنة ١٣١٢ .

[بر حاشیه سمت راست عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وقع مازبر ورقم فيه لدى الاقل الحاج المحتاج الى الله تعالى في شهر رجب
۱۳۱۲ هزارو سیصدو دوازده هجری است. [جای مهر]^۱

۱۹

اذن نامه مورخ ۱۳۱۸ ه. ق .

در این ورقه مالکین شش دانگ قریه چوپلانی به آقا سیدصادق و
آقا سید ابراهیم و آقا میرروح الله و آقا عبدالرحیم اذن دادند که
دو رشته قنات که يك رشته شیوار عباسی کردی و يك رشته قنات
پای توت است از ابتدای علف مالی تا پانصد ذرع در مدت دوازده
سال حفر نمایند و بعد از اخراج آب سه دانگ از هر يك از دو رشته
قنات ملك حفرین باشد .

هو

مفاد از تحریر این کلمات آنست که اذن صحیح صریح شرعی دادند تمام مالکین
شش دانگی قریه چوپلانی وهم اشرف الحاج والتجار حاجی محمدرضا وسیدالحاج
حاجی سیدحبیب الله و آقایان سادات درازگیسو و همچنین جنابان آقا سید علی متولی و
آقا کاظم و آقا شفیع به جنابان آقا سید صادق و آقا سید ابراهیم و آقا میرروح الله و
آقا عبدالرحمن بر اینکه در قریه مزبوره دو رشته قنات که يك رشته شیوار عباس کردی
که واقع است در طرف شرقی قریه مذکوره و يك رشته قنات پای توت که واقع

۱- مهری بیضی باسجع: «افوض امری الى الله عبده محمد جعفر».

است در طرف جنوبی قریه مزبوره بشراکت بینهم بالسویه ارباعاً حفر نمایند باین تفصیل که از ابتداء علف مالی از پشته و پیشان اگر چه بهزار ذرع بوده باشد ولو اضافه از هزار ذرع تا بسامان قریه مرزبانکلاته مخارج حفر و تعمیر از تنقیه و لارویی و پالانه بعهده آقایان حافرین بوده باشد و مقرر شد از ابتداء علف مالی تا پانصد ذرع را از تاریخ ورقه الی مدت دوازده سال حفر نمایند و بعد از اخراج آب و علف مالی سه دانگ از هر يك از دورشته قنات ملك و مال آقایان حافرین باشد و سه دانگ دیگر مال مالکین شش دانگ باشد و بهر يك از دورشته قنات سه رویه داده شود که اقلاً هر رویه چهار قسمت بهنی پنج ذرع شاه بوده باشد و در صورت زیادتى آب از چهار قسمت مالکین شش دانگ حق ممانعت نداشته باشند و در صورتیکه آب بمیزان چهار قسمت نباشد مالکین شش دانگ خواسته باشند از خارج آب بیاورند بسط نسق در آن اراضی نمایند آقایان حافرین حق ممانعت نداشته باشند و در صورتیکه آقایان حافرین خواسته باشند آب دورشته قنات رادر ملکى غیر چوپلانی زرع نمایند برعهده مالکین شش دانگی بوده باشد و نیز مقرر شد که اختیار زراعت خشکه و آبی با آقایان حافرین بوده باشد و مالیه آبی را از قرار قسمتی پنج خروار و بیست من شلتوك بمالکین حق الارض بدهند و هر گاه خواسته باشند محصول سه دانگ را مناصفه نمایند مسلط بوده باشند و تمامت مالیه خشکه را بمالکین شش دانگی بدهند و نیز مقرر شد در صورت نقل و تحویل هر يك از آن دورشته قنات آقایان حافرین تامقدار بیست ذرع از دو طرف قنوات مسلط برنقل و تحویل بوده باشند و نیز مقرر شد هر چقدر خرابی و علف مالی هر يك از دورشته قنات تا مدت دوازده سال قمری آقایان حافرین اولی بتعمیر خواهند بود وصیغه شرعیه مع الشروط المزبور بینهم بقانون شریعت

طاهره جاری گردید.

بتاریخ چهاردهم شوال المکرم ۱۳۱۸ هزارو سیصدو هیجده.

[جای هفت مهر]^۱

[بر حاشیه بالای این اذن نامه عبارت زیر نوشته شده است:]

باذن متولی و تمام موقوف علیهم که در ورقه مسطور است صیغه بمباشرة احقر جاری

شد فی شهر شوال المکرم ۱۳۱۸. [جای مهر]^۲

۱ - زیر این اذن نامه مهرهایی به این شرح از چپ به راست زده شده اند : مهری بیضی با سجع : « بنده آل محمد رضا » و مهری بیضی دیگر با سجع : « المتوکل علی الله تعالی عبده علی الحسینی » و مهری بیضی دیگر با خط طغرا با سجع : « الراجی صادق الحسینی » و مهری بیضی کوچک با سجع : « عبده ابراهیم الحسینی » و مهری بیضی دیگر با سجع : « عبده حسن الحسینی » و مهری بیضی کوچک با سجع : « عبده شفیع الحسینی » و مهری چهار گوشه با سجع : « عبده روح الله الحسینی ». ۲ - مهری بیضی با سجع : « جمال الدین محمد بن صادق المقلبی ».

رونوشت وصایت نامه مورخ ۱۳۱۹ ه. ق.

در این رونوشت وصایت نامه آقا میرزا مقیم لشکر نویسباشی دیوان اعلیٰ وصی و نایب مناب شرعی خود قراردادده است امیر - تومان حکمران مملکت استرآباد و مازندران را که حسب الشرع بعدالوفات در امور متعلقه به ثلث متر و کات او قیام و اقدام نماید.

غرض از تحریر این کلمات شرعی الدلالات آنستکه وصی و نائب مناب شرعی خود قرارداد مقرب الخاقان معتمد السلطان آقا میرزا مقیم لشکر نویسباشی دیوان اعلیٰ مرا میر الامراء العظام حکمران مملکت استرآباد و مازندران امیر تومان جناب آقای انتظام الدوله دام اقباله العالی را در حالت کمال استقامت مزاج موصی مرقوم معظم الیه و اعتدال قوی و اجتماع حواس و اقتدار و اختیار و تمامت شرائط صحت توصیه و ایضاً که حسب الشرع بعدالوفات در امور متعلقه به ثلث متر و کات آن مقرب الخاقان دام اجلاله قیام و اقدام فرموده تصرفات جایزه علی ما هو المرسوم بنمایند و مقرر بدارند که امر تجهیز و حمل نعش بیکی از مشاهد مشرفه و انعقاد مجلس ترحیم و مخارج متعارفه تا سال را بانجام برسانند و در سائر امور از بابت مظالم و اعمال خیر و عبادت نیابتی و غیره کمأ و کیفاً مختارند و نیز در باب امر صغار خود و همایشهربانو خانم و ربابه خانم و صغار مرحوم مبرور میرزا فتح الله خان و رسیدگی باملاک و اموال و حفظ و حراست و نگاهداری و عمل آوردن زراعت املاک و قنوات و جمع آوری و مخارج ایشان و نگاهداری زائد از مخارج و غیر آنها که صلاح و صرفه و غبطه بدانند نیز منصب ولایت شرعی و قیمومت را از جانب خود قرار دادند با وصی شرعی معظم الیه دام اقباله العالی تا

زمان بلوغ ورشد ایشان مراتب مزبور موافق شرع مطاع سمت وقوع و تحقق یافت فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه على الذين يبدلونه والله سميع عليم بتاريخ صفر المظفر هزار و سیصد و یازده ثم بعد ذلك قرارداد مقرب الخاقان معتمد السلطان لشکر نویسباشی معظم الیه دام اجلاله ناظر شرعی در امورات مرقومیه ۱۳۱۱ متعلقه بوصیت مسطوره را مر مقرب الخاقان بهاء الاطباء آقا میرزا یوسف حکیمباشی دام مجده العالی را که من البداية الى النهاية در امورات مرقومه باطلاع و استحضار ایشان منوط است حسب المقرر من الوصی المعظم الیه دام اجلاله.

تحریراً فی التاریخ المرقوم فی المتن.

[مهر مرحوم لشکر نویسباشی آقا میرزا مقیم]

بهمین نهج که تحریر شده مقرب الخاقان معظم الیه دام اجلاله اظهار داشته اقرار فرمودند نزد راقم وصایت و نظارت را در تاریخ مرقوم حرره مهر مرحوم جناب آقا شیخ صالح الامر فی الایضاء والنظارة بمقتضى دلالة العبارة وانا المعتمدی الآثم مهر جناب آقا شیخ عبدالکریم هو المستعان قداقر واعترف بما فيه شفاهاً لدى الاقل من الوصاية والنظارة على ما فيه حرره مهر جناب آقا شیخ حسن اقرار نموده آقای لشکر نویسباشی بوصایت مرقومه الی آخرها نزد راقم در تاریخ مرقوم مهر آقای حاجی آقا بزرگ رضوی و آقا سید یحیی مفیدی بن آقا سید اسماعیل هذا الصک خال عن الشک والریب (۴) وانا العبد الخاطی.

[برپایین این وصایت نامه عبارات زیر است:]

هذا السواد مطابق لاصله الاصيل المعتمد المعتبر حرره الاحقر فی ۵ اول الثلث الشهر محرم الحرام من شهور ۱۳۱۹ هجرى. [جای پنج مهر]

۱- مهری بیضی با سجع: « جمال الدین بن محمد بن صادق الحسینی، و مهری بیضی با سجع: « عبده الراجی ابوتراب المقلی، و مهری بیضی با سجع: « الراجی محمد صادق الحسینی، و مهری بیضی با سجع: « یعقوب الحسینی، و مهری بیضی کوچک با سجع « مفید الموسوی».

این صفحه من البدایة الى النهایة مطابق با اصل است خطاً و ختماً حرره الاحقر
پنجم شهر ذی قعدة من شهور سنة هزار و سیصد و نوزده ۱۳۱۹.

[جای دومهر]^۱

قرارنامهچه مورخ ۱۳۳۳ ه. ق.

در این سند آقا محمدجعفر ارباب بامالکان قریه سیدمیران در باب
حفر قناتی که پشته‌های آن در اراضی این قریه واقع میشده چنین
قرار کرده است که بابت حق الارض يك دانگ متعلق به ایشان باشد.

چون عمدة الاعیان و الاشراف آقا محمدجعفر ارباب کلا سنگیان عزمت داشت که در
قریه مزبوره قناتی حفر و احداث نماید بقسمیکه جمله کثیره از پشته‌های آن قنات در
ملك قریه سیدمیران واقع میشد و محتاج باذن و اجازه مالکین محترمین قریه سیدمیران
بود لهذا عموم مالکین سیدمیران و اولیاء اوقاف عامه و خاصه و صغار بعد از ملاحظه
صرفه و غبطه در ضمن عقد صلح شرعی مأذون باذن لازم گردانیدند عمدة الاعیان آقا
محمدجعفر مرقوم را در احداث قنات مرقومه و واقع ساختن پشته‌های آنرا هر
قدریکه محل احتیاج او است در ملك قریه سیدمیران از اول سامان ملك مزبور الى
آخر سامان در ظرف ده سنة کامله از تاریخ ورقه بلکه در صورتیکه در ظرف مدت
مرقومه متمکن نشود که تا آخر سامان قریه سیدمیران پشته‌های آنرا منتهی نماید مأذون و

۱- مهری بیضی باسجع: «محمد حسن» و مهری بیضی بزرگتر باسجع: «عبداله راجی»

مجازستکه از تاریخ ذیل الی مدت پنجاه سال بانتهای برساند از قرار پنجدانگ یک دانگ که پنجدانگ از منافع کل ششندانگ قنات مزبوره که جمله از پشتهای خشکام آن و تمام پشتهای آبی آن در ملک سیدمیران واقع میشود از بابت حق الحفر مال مختص حافر معزی الیه است و منافع یکدانگ آن از بابت حق الارض ملک و مال مالکین و ذوی الحقوق قریه سیدمیران باشد از قرار مالیه کاری قسمت شش خروار و اختیار بستن نسق و تعیین زارع و قرارداد نصفه کاری و یا مالیه کاری بطوریکه مرسوم دهات سدن رستاق است با خود حافر است و در هر جائیکه بخواهد نسق گذارد چه در کلاستکیان چه در ملک خارج مختار است و مالکین قریه سیدمیران جز مطالبه منافع یکدانگ حق الارض خود از قرار هر قسمتی شش خروار بنی معمولی حق دیگر ندارند و موضوعات مرسوم اربابی بستن نسق بمراسم و رسم که باشد بعهده خود حافر است ربطی بمالکین قریه سیدمیران ندارد و حافر مرقوم اجازه نقل و تحویل و تعدی از نقب قدیم از هر طرفی بیست ذرع دارد و لو اینعمل مکرر واقع شود و هرگاه این قنات خربه و لاینفع بها شود از مبداء خربه شدن الی انقضاء مدت ده سنه کامله حق اولویت در حفر و تعمیر بشرايط مقرر از برای حافر و من یقوم مقامه شرعاً ثابت است مصالحه مشتمله بر اجازه مرقومه واقع گردید.

فی ربع الثانی هزار و سیصد و سی و سه

هجری صلی الله علیه و آله سنه ۱۳۳۳.

[بر حاشیه بالای این قرارنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

هوالمستعان

از طرف مالکین حسب التفصیل فی الورقه در ضمن عقدی از عقود شرعیه فقرات مرقومه تحت شرع درآمده بتاريخ ۲۸ شهر رجب المرجب هزار و سیصد و سی و سه هجری سنه ۱۳۳۳.

قرارنامه مورخ ۱۳۳۷ هـ . ق .

در این سند اهالی آهنگر محله با حاجی اکبر برای ساختن يك باب آبدنگ قرار چهار دانگ دو دانگ بسته اند و مخارج تعمیر شش دانگ را غیر از آهن کاری و پیش وال بر عهده حاجی اکبر گذاشته اند.

واضح بوده باشد با اجازه مالکین قریه آهنگر محله قرار شرعی لازم داده شده است باخیر الحاج والعمار حاجی اکبر در باب یک باب آبدنگ جدید الاحداث قریه مزبوره واقعه پشت دروازه که چهار دانگ از این یک باب آبدنگ مال عموم مالکین شش دانگ قریه آهنگر محله بوده باشد و یک دانگ ملکی مال حاجی اکبر و یک دانگ هم از بابت استاد کاری و شرط گردید تمام مخارج تعمیرات شش دانگ غیر از آهن کاری و پیش وال بر عهده حاجی اکبر باشد ولو بر سده یکصد تومان چنانچه خرج آهن کاری و پیش وال بهم رسد مخارج بر عهده مالکین شش دانگ است و ضیغه مصالحه بر نهج مرقومه در ورقه جاری گردید.

شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۳۷.

[جای مهر]

[بر حاشیه بالا و سمت راست این قرارنامه عبارات زیر نوشته شده است:]
مراتب مرقومه با حضور آقایان امضا کنندگان ورقه نزد احقر واقع گردیده است
حرره الاقل. [جای مهر]

۲- مهری بیضی با سجع:

۱- مهری بیضی با سجع: « اکبر ابن محمد ۱۳۲۵ هـ .

محمد بن محمد جعفر ۱۳۳۱ هـ .

۲۳

اذن نامچه مورخ ۱۳۴۱ ه. ق.

در این ورقه اربابان قریه چوپلانی به آقایان سید سرالله عقیلی و آقا ولی الله اذن داده اند که یک رشته قنات مخروبه بارو را تعمیر نمایند و در مدت هشت سال اقلاناً پانصد ذرع از پشته و پیشان حفر نمایند و پس از دائر شدن سه دانگ آن متعلق به حفرین باشد.

غرض از تحریر آنکه در متن عقدی از عقود لازمه مأذون باذن لازم نمودند اربابان قریه چوپلانی اقل طلبه راقم الحروف الحاج السید سرالله العقیلی الاستر ابادی الکر دمحلّه و شرف الذات آقا ولی الله ولداعز ارجمند آقا سید ابراهیم درازگیسو در حفر یک رشته قنات به این معنی که همان قنات مخروبه بارو واقعه در قریه چوپلانی که دولنگه است یک لنگه طرف شرق امامزاده و یک لنگه طرف غرب امامزاده که پیشانش رومیافتد دم دروازه قریه چوپلانی هر چه که قابل تعمیر باشد تعمیر نمایند و هر قدر محتاج بنقل و تحویل باشد تحویل دهند از طرف بزمین یا بسار و هکذا هر گاه ده مرتبه محتاج بتحویل شود تحویل دهند و در حفر مختارند بالمآثره او بالشریک مع المالکین مهما ممکن والافمع الغیر و در مدت هشت سال اقلاناً پانصد ذرع از پشته و پیشان حفر نمایند و در مازاد الی آخر سامان مختار باشند و هکذا حق اولویت در تعمیر برای حفرین و من بحکمهم در ظرف هشت سال در صورتیکه علف مال شود و لوده مرتبه تا دویست سال در هر مرتبه هشت سال و اگر هشت سال گذشت و اقدام نکردند برای ارباب حق فسخ است و قرار شد در حفر چون قنات بآثره دولنگه بوده حال هم حفرین مسلط باشند از هر یک از دو طرف که صلاح دانند رشته حفر را قرار دهند و مختارند اگر انشاء الله تعالی محتاج به دولنگه شد دولنگه نمایند و بعد از دائر شدن قنات سه دانگ راجع به

ارباب وسه دانگ راجع به حافرین ومن بحکمهم خواهد بود و از برای قنات مزبوره سه رویه مقرر شد هر رویه از یک قسمت ولو انشاء الله تعالی بده قسمت و زیاده رسد مطالبه بوم از حافرین نشود و اگر محتاج بخارج شود بوم را از شش دانگ موضوع نمایند و اختیار بسط و نسق و اولویت در زرع بحافرین است و حق الحفر موضوعات ندارد و صیغه شرعیه بوکالت طرفین جاری و واقع گردیده .

در شهر جمادی الاولی هزار و سیصد و چهل و یک من الهجرة

النبویه علیه آلاف التحية جمادی الاولی ۱۳۴۱ .

[بر حاشیه سمت راست این ورقه عبارات زیر است :

اینجانب اقل السادات ابراهیم الحسینی متولی موقوفات آقایان درازگیسو امضاء و اجاره نمودم فی التاریخ . [جای مهر]

قرارنامه‌ی مورخ ۱۳۵۱ ه. ق.

آقایان متولیان و مالکان و اربابان و ذوی الحقوق قریه‌ی چوپلانی
 با مشهدی ابراهیم ساکن قریه‌ی مرزنکلاته برای ساختن يك باب
 آبدنگ و يك مجرای آب آن و يك باب آسیاب در قطعه زمین
 معروف به عباس آباد قرار بر مناصفه گذاشته‌اند.

غرض از تحریر این کلمات و عبارات صحیحة الدلالات آنستکه در ضمن عقد خارج
 لازم شرعی قرارداد و اجاره و امضاء شرعی نمودند حضرات آقایان متولیان و مالکین و
 اربابین و ذوی الحقوق قریه‌ی چوپلانی واقعه در استرآباد رستاق عالیحضرت پسندیده
 فطرت زبده الاماثل و الاقران آقا مشهدی محمد ابراهیم ... فرمانی خلف مرحوم
 محمد عمو ساکن قریه‌ی مرزنکلاته در آباد نمودن و حفر نمودن و ساختن و بناء نمودن
 یکباب و يك مجرای آبدانگ در قریه‌ی چوپلانی مزبور در قطعه زمین معروف به عباس-
 آباد از قرار مناصفه که مقدار سه دانگ مشاع از بابت حق التعمیری حق و مال و ملک
 آقا مشهدی محمد ابراهیم فرمانی مزبور و مقدار سه دانگ مشاع از کل شش دانگ
 حق و مال و ملک آقایان مالکین و اربابین و ذوی الحقوق قریه‌ی چوپلانی مزبور و مشروط
 بشروط مزبوره اولاً آنکه تمام مخارج تعمیر از بناء و ابقاء بر عهده جناب آقا مشهدی
 محمد ابراهیم فرمانی معمر مزبور بوده باشد و ثانیاً بعد از خربه شدن آبدانگ
 مزبور از ابتداء خربه شدن آبدانگ مزبور الی مدت هفت سال کامل قمری حق اولویت
 در تعمیر با شخص جناب مشهدی محمد ابراهیم فرمانی معمر است الی مدت پنج دوره
 یا قائم مقام شرعی معمر و ثالثاً حق استادی در صورت خراب شدن بعضی از آلات و

اسباب و ادوات در تمام مدت با شخص معمر و قائم مقام شرعی معمر است و رابعاً حق اجاره دادن و استجاره بصلاح و باطلاع و استحضار طرفین است یا قائم مقام شرعی طرفین و خامساً هرگاه اجاره و استجاره بغیر دادند و نمودند آنچه در پیش مستأجر سوخت نمود از مال الاجاره از طرفین محسوب باشد و آنچه از مال الاجاره عمل حق و مال طرفین است یعنی معمر و اربابین و ذوی الحقوق اربابین قریه مزبوره چوپلانی بوده باشد و سادساً حق و حقوق دولتی با طرفین است و صیغه صحیحه شرعیه بوکالت طرفین واقع و جاری گردیده.

و کان التاريخ هشتم شهر شعبان المعظم سنه

یکهزار و سیصد و پنجاه و یک هجری ۱۳۵۱.

[جای مهر]

[بر حاشیه سمت راست عبارات زیر نوشته شده است:]

هو

واضح بوده باشد آنکه اجازه و امضاء دادن و مسلط نمودند و دادند در ضمن عقد لازم آقایان مالکین و اربابین و متولیان و جمیع ذوالحقوق قریه چوپلانی مرقوم مزبور در متن ورقه آقا مشهدی محمد ابراهیم مزبور را که در قریه مرقومه احداث و بنا نماید یکباب آسیاب در مجری آبدنگ مزبور و غیره از همان قرار مناصفه که مقدار سه دانگ از بابت حق تعمیر حق و مال و ملک مشهدی محمد ابراهیم مزبور مرقوم بوده باشد و مقدار سه دانگ مشاع از آسیاب حق و مال آقایان مالکین ارض بوده باشد و مشروط بهمان شروط ششگانه مرقومه مزبوره در متن ورقه و صیغه شرعیه بوکالت طرفین واقع و جاری گردید و کان التاريخ یوم بیست هشتم شهر شوال المکرم سنه یکهزار و

سیصد پنجاه و یک هجری ۱۳۵۱. [جای مهر]^۱

[بر بالای این قرارنامه عبارت زیر نوشته شده است:]

هو

قدوق مارقم و اجریت الصیغه کمازیر فی ثامن شهر شعبان المعظم ۱۳۵۱:

[جای مهر]^۲

۲- مهری بیضی با سجع:

۱- مهری بیضی با سجع: «محمد باقر حسنون ۱۳۳۴».

«محمد باقر حسنون ۱۳۳۴».

بخش نهم

قبالة مناكحه

قبالة مناكحه مورخ ۱۲۰۸ هـ . ق .

از این قبالة معلوم می شود که سلیمان خان قوانلوی قاجار با صداق مبلغ سیصد تومان و سیصد مثقال طلای احمر بیستم جانی خانم صبیئه محمدخان دولوی قاجار را به عقد ازدواج دائم درآورده است.

هو المؤلف بينهما

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله الذي احل النكاح وندب اليه وحرم الزنا والسفاح

وتوعد عليه والصلوة وسلم على خير خلقه محمد وآله

مصاييح السدجى و سلم تسليماً كثيراً كثيراً اما بعد

زيباترين عروسی که مشاطگان بتماشاگاه فصاحت بر منصفه ظهور در آوردند حمد و ثنائی یگانه است که سر پرده رفعت و جلالش از وصمت زن و فرزند منزّه و مبراست و صفحه جمال با کمالش از نسبت خویش و پیوند مقدس و معراست تعالی جدر بنا ما اتخذ صاحبه و لاولدا و شایسته ترین عقدی که خاطبان بقال همایون کاسمال اللوء لوء المکنون و پیرایه گردن و گوش و زیور ساعد دوشیزگان پرده بلاغت سازند جوهر فردستایش

یکنای بیهمتای است که شادروان رفعت لایزالش از شرکت کفر و انباز وصلت همصحبیت راز پاک و بی نیاز است لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفو أحد مبدعی که از ماده ازدواج انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نوع انسان را بزور ظهور آراسته خلعت تعظیم و تکریم لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم پوشانید منعمی که در انجمن قدس عرایس نفایس بشری را بر سریر ثم عرضهم علی الملائكة بجلوه در آورده مسجود فاسجد و الادم گردانید الاله الخلق و الامر تبارك الله رب العالمین و خجسته ترین سرودی که مغنیان خوش ادا در محفل عالی قل بفضل الله و رحمته فبذلك فلیفرحوا بقول آن غزل سرایند درود عالی حضرت فرزانه است که تا پیکر آب و گل را بزور جان و دل محلی ساخته اند جنس انس را کسوت زیبای فصور کم پوشانید چون اوئی بر سریر عزت و جلال و مسند دولت و اقبال نشسته ای قباب قامت لولاک بر قد تو راست چون توسرو از جویبار قم فاندز برنخواست و بر آل و اولاد که هر یک بر بساط امامت فردند و بی زوج و آفتاب اند در غایت اوج صلوات الله علیهم اجمعین اما بعد سبب از تحریر این خطاب مستطاب که مشام جان از فوایح آن معطر بود آنستکه بنا بر آیه وافی هدایه فانکحو امسا طاب من النساء و مضمون بلاغت مشحون حدیث صحیح نبوی علیه افضل الصلوات النکاح سنتی بخواست و بحباله نکاح دائمی خود در آورد عالیجاه رفیع جایگاه عظمت و حشمت و شوکت و جلالت و شہامت و مناعت دستگاه امیر الامراء العظام نتیجه الخوانین و السلاطین مقرب الخاقان سلیمان خان قوانلوی قاجار دام عزه و مجده العالی علیا جناب فاطمه احترام بلقیس مکان قمر احتجاج عصمت و خدات پناه زبدة المخدرات ناموس العالمین بیگم جانی خانم صبیہ عالیجاه معلی جایگاه نتیجه الخوانین العظام محمد خان دولوی قاجار دام عزه را بصداق معین و مهر مبین مشخص مبلغ سیصد تومان رایج المعامله و سیصد مثقال طلای احمر و دو نفر غلام که یکنفر آن گرجیه و دیگر حبشیه و

دو نفر جاریه که یک نفر آن هم گرجیه و دیگری حبشیه بوده باشد مناکحه دائمه مبارکه صحیحه شرعیه ملیه اسلامیّه کما هو قانون فی الشریعه المطهره المقدسه در زمان مبارک میمون واقع گردیده صداق مزبور بر ذمه ورقبه عالیجاه معظم الیه استقرار یافت که عند المطالبه کار سازی عصمت و خدات پناه معظمه مکرمه مزبوره نمایند اللهم الف بینهما وطیب نسلهما بحرمة محمد وآله الطیبین الطاهرین المعصومین.

وكان ذلك في شهر رجب المرجب من شهور سنة ١٢٠٨ .

[بر بالای این قبالة مناکحه عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم الله خير الاسماء

وقع عقد النکاح الدائم المبارک المیمون کما هو قانون فی الشریعه المطهره المقدسه و كنت موجهاً من قبلهما نمقه الخاطی . [جای مهر]

۲

قبالة مناکحه مورخ ۱۲۷۳ هـ . ق .

در این قبالة استاد عبدالله زرگر با صداق یکصد تومان رایج سلطانی ناصرالدین شاه بیست و هشت نخودی کر بلائی سکینه صبیئه مرحوم حاجی محمد قلی را به عقد دائم در آورده است .

الحمد لله الذي احل النکاح و ندب الیه و حرم الزنا

و السفاح و توعده علیه و صلى الله علی محمد و آله

النکاح العاقل البالغ الرشید المنکوحه البالغة الباکرة الرشیده
استاد عبدالله زرگر گرجی عفت پناه کر بلائی سکینه صبیئه مرحوم

كهف الحاج حاجی محمدقلی

الصداق برضاء الطرفين مبلغ يكصد تومان رایج سلطانی ناصرالدین شاهی بیست هشت نخودی نصفه مقبوضا للزوج و نصفه الاخر علی ذمة الزوج بدین تفصیل است در نصف مقبوض خوانه مسكونه زوج كه واقع است در محله نعلبندان سه دانگ^۱ از كل شش دانگ مع جمیع مایتهای بها من الممر والمداخل و مما احاط علیها جدرانها و بیست پنج مثقال طلاء ساخته مقبوض بدین تفصیل است

بـا بـت	بـا بـت	بـا بـت	بـا بـت
گوشواره زوج	سارم	گل مرصع	طوی چتری
قیمت	قیمت	عدد قیمت	زوج قیمت
۶ تومان	۶ تومان	۳ تومان	۲ تومان
بـا بـت	بـا بـت	بـا بـت	بـا بـت
انگشتر شكوفه	سلیمانی زوج بادوزوج کی	انگشتر گل گلی مع چشم	
عدد قیمت	قیمت	چمن طلا گرفته	
يك تومان	۶ تومان	قیمت	
		يك تومان	

بـا بـت

بر ذمه زوج باقی

۵۰ تومان

وصیغه مناكحه میمونه جاری گردید و شرط در ضمن عقد لازم خارج فیما بین زوج و جناب شامخ الالقاب آخوند ملا زین العابدین برادر زوجه مسطوره چنین گردید كه

۱- بر بالای كلمه سه دانگ «قیمت ۲۰ تومان و پنج هزار دینار» به سیاق نوشته شده است.

هرگاه زوجه مسطوره زیاد از مقدار ده تومان صداق خود را انتقال نماید بر زوج مبلغ یکصد تومان بجناب شامخ الالقاب آخوند ملا زین العابدین حفظه الله و حرسه تسلیم نماید و بهیچ عذری خود را معذور ندارد.

وكان ذلك في ليلة ثامن شهر ربيع الاولی ۱۲۷۳.

[بر حاشیه بالا و سمت راست این قبالة عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم الله جل شأنه

قد وقع مافیه علی النحو المحررفی الورقة لدى نمقه . [جای مهر]^۱

بسم الله تعالى قد وقع ما رقم فيه لدى . [جای دومهر]^۲

قد وقع ما رقم فيه لدى . [جای مهر]^۳

اعترف بما رقم فيه لدى . [جای مهر]^۴

۴

قبالة مناکحه مورخ ۱۳۲۲ هـ . ق .

در این قبالة سکینه بیگم صبیئه میر محمد خان سر تیب به صداق مبلغ یکصد و پنجاه تومان سکئه مظفر الدین شاهسی که موازی پنجاه مثقال صیرفی است به هناکحه شرعیه و مزاجه ابدیه میر علی اکبر خان سر تیب در آمده است.

هو المؤلف بین قلوب عباده

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي شرع لعباده الاحكام وميز الحلال عن الحرام وجعل عقدة النكاح بينهم

۱- مهری چهار گوشه باسجع: «مهدی بن محمد اسمعیل» . ۲- دو مهر چهار

گوشه ناخوانا . ۳- مهری بیضی باسجع: « المتوکل علی الله عبده محمد حسن » .

۴- مهری بیضی باسجع: «محمد دیوسف» .

وسيلة الى الائتيم وتفضل تعالى شأنه على الانام ان اغنيهم بالحلال عن الحرام والصلوة والسلام على سيدنا محمد المبعوث على الخاص والعام سيد المرسلين وخاتم انبياء الكرام و
 على اخيه و وصيه الامام الهمام البحر القمقام وعلى آله وذريته ائمة الانام
 آرایش چهرهٔ عرایس ابرار معانی حمد و ثنائی حضرت ذوالجلال جمیلی است که
 طبقات سماوات گرد ... بدعش را شاهد هر هفت گردون است و بدر تابان در حجله -
 خانهٔ اختراعش در قمر طلعتی پرده دار است مشک بیزی [که] طرهٔ لیلای لیل از عنبر
 افشانی صفت بی مثال او است سرخابی شفق در هر صبح بسا سفیداب در عذار
 عذرای نهار از غالیه سازی حکمت لایزال او است مشاطهٔ صنعش در هر صبح
 عروس صبح الوجه نهار را مهره بر پشت افق می نشاند گوهر گران بهای تزویج را بر روی
 سیاهی شب سرمه بر چشم ثواهر ایام می کشاند گوهر گران بهای تزویج را بر روی
 بساط جوهر اول که عقل کل است چیده تا آبای علوی به سودای مزاجت امهات سفلی
 سرگرم گردیده و رشتهٔ توالد و تناسل موالد ثلاثه انظام یافته و عقد ازدواج اخلاط
 اربعه را با یکدیگر بسته تا بنای قصر وجود انسانی که عالم صغیر است استحکام
 پذیرد فسیحان الذی خلق الأزواج کلها مما ثبت الارض و من انفسهم و مما لا یعلمون و
 پیرایش جبههٔ نفایس افکار مبانی نعمت ذوالجمال ملیحی است که عروس بی وفای دنیا را
 هرگز به عقد دوام در نیاورده و عجزهٔ دهر فانی را از اول دهر سه طلاق بیزاری
 داده اعنی سید ولد آدم و انگشت نبوت را بهترین خاتم علیه من التحیات الزاکیه
 اسناها و من تحائف الصلوات السنیه انماها رسولی که گرمی محفل دعوت و رونق مجمع
 شریعتش از تزویج ازواج امت عالمیان را بسور و جهانیان را به شور و سرور
 افکنده تا هوا جس مفلدات نفسانی را از سفاح و فجور دور و سلسلهٔ تکاثر و تزايد بنی -
 نوع انسانی را که نخبهٔ دودمان عالمیان است از انقطاع و استیصال محفوظ و مستور
 نماید و مدایح مناقب آل اطهار و خلفاء اخیار او که دوشیزگان استار قرآنی را جز

انامل معجزات شوامل ایشان احدی نقاب حجاب از رخساره استار عصمت و عفت نگشاید علیهم سلام الله ماهبت الرياح اللواقح واهتزت الرواح الفوايح اما بعد غرض از تبیین صحیفه رنگین و تزیین صفیحه سیمین و صورت نگاری عرایس این سطور بر چهره سودای شواهد این زبور آن است که چون احدیت مختص ذات الله الصمد و فردانیت خاصه الذی لم یلد ولم یولد است هر فردی را زوجی و هر حسیضی را اوجی باید تا قطره باران نisan در صدف رحم نچکد تولید دری غلطان کجا صورت گیرد و کودک ناتوان از پستان رحمت شیر ننوشد کجا نشو و نما پذیرد فلهدا در اسعد ساعات و ازمان و اشرف اوقات و احیان اعنی شهر ذی قعدة الحرام بنابر امتثال فرمان واجب الاذعان و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنیهم الله من فضله و الله واسع علیم و اطاعت امر هدایت انتظام تناکحوا تناسلو افانی اباهی بکم الامم یوم القیمة ولو بالسقط و احتراز از مضمون توکید مقرون شرم و تاکم الغراب و اجتناب از مدلول نوید شمول النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی و مطاوعت کلام بلاغت انجام رکعتان یصلیهما متزوج خیر من سبعین رکعة یصلیها العزب مناکحه مبارکه صحیحه دائمه صریحه شرعیه و مز اوجه ابدیه میمونه دینیة اسلامیه واقع و سانش گردید فیما بین علیا جناب عفت و عصمت مآب خورشید احتجاب ناهید انتقاب خدات انتساب خلاصة المستورات و العفایف علویه جلیله نبیله رشیده مختاره سکینه بیگم صبیة مرضیه مقرب الخاقان و معتمد السلطان میر محمد خان سرتیب و مقرب الخاقان مؤتمن السلطان میر علی اکبر خان سرتیب و لد امیر الامراء العظام جناب جلالتمآب اجل امجد آقای میر سعد الله خان اکرم الملك ایل خانی کل یموت و فندرسک و کو کلان مدظله العالی بر صدق معین و مهر مبین قدرأ و وصفأ به مبلغ یک صد و پنجاه تومان که عبارت است از یک هزار و

پنج صد قران بیست چهار نخودی مسکوک به سکه خاقان العصر مظفرالدین شاهى و موازى پنجاه مثقال صيرفى طلاى خالص صراف پسند ثابت و لازم برعهده و رقبه ناکح معظم اليه که عندمطالبة المنکوحه المومى اليها ويسار الزوج الموصوف عايدو کارسازى نمايد وصيغه مناکحت ابدیه و مزاجت دائميہ بين وکيليهما ايجاباً و قبولاً^۱ فارسياً و عربياً على النهج المقرر فى الشريعة النبوية المصطفوية سمت جريان و وقوع پذيرفت.

وكان ذلك وقوعاً فى التاسع شهر ذى قعدة الحرام اثنا
عشرين ثلث مائة بعد الف من الهجرة النبوية ص ۴ ۱۳۲۲.

[بربالاى اين قبالة ازدواج مطالب زير نوشته شده است:]

بسم الله الرحمن الرحيم

لقد وقعت عقد المناکحة بينهما وكالة على الصداق المرقوم فى الورقة وهو خمسين و
مائة توماناً و خمسين مثقالاً ذهباً خالصاً فى التاريخ و انا الاحقر. [جای مهر]^۱
بسم الله الرحمن الرحيم قد وقع النکاح قبولاً منى و انا الاقل الحقير.

[جای مهر]^۲

۱- مهرى بیضى باسج: «العاصى الراجى عبد الله الحسينى». ۲- مهرى بیضى با
سج: «محمد الموسوى ۱۳۱۱هـ».

بخش دهم

نامه‌های رسمی و دوستانه

نامه ایست که از دربار فتحعلی شاه برای آقا سید احمد نوشته شده است
 که مبلغ پنجاه تومان حواله محمد صادق سلطان کرده اند که تسلیم او
 گردد که پس از دریافت به ارباب استحقاق استر اباد برسانند.

عالیجناب مقدس القاب حقایق و معارف اکتساب فضایل و کمالات انتساب عزت و
 سعادت مآب سلاله السادة العظام آقا سید احمد بتوفیقات سبحانی موفق باشد بعد
 مکشوف میدارد که درینوقت مبلغ پنجاه تومان وجه حلال حواله عالیجاه معالی
 جایگاه محمد صادق سلطان فرموده ایم که تسلیم آنعالیجناب نماید که بارباب استحقاق
 استر اباد رسانیده دعای خیر بجهة ذات اقدس و وجود مقدس حاصل سازد و میباید
 آنعالیجناب مبلغ مزبور را از مشارالیه بازیافت و فیما بین فقرا و محتاجین تقسیم و
 سویت نموده قبض آن را مهمسازی عالیجاه مشارالیه ساخته که ارسال دربار گیتی مدار
 سلطانی نماید و همواره مطالب و مدعیات خود را عرض و مقرون بانحاج داند.

باقی ایام عزت بکام باد

[امضایی ناخوانا]

نامه ایست که همراه سیصد تومان با محمدصادق سلطان و کیل برای
آقا میرزین العابدین و آقا سیداحمد از دربار فرستاده شده است تا
میان ارباب استحقاق از سید و غیر سید تقسیم نمایند.

بسم الله تعالى شأنه

عالیجنابان مقدس القابان حقایق و معارف اکتسابان فضایل و کمالات انتسابان عزت و
سعادت مآبان خلاصة السادات العظام و زبدة العلماء الکرام آقا میرزین العابدین و
آقا سیداحمد بسلامت بوده برمسند افاده متمکن باشد بعد از طی دعوات و افیات مکشوف
میدارد که درین وقت مبلغ سیصد تومان مصحوب عالیجاه معلی جایگاه اخلاص و
ارادت آگاه محمدصادق سلطان و کیل ارسال گردید که آنعالیجنابان در میان ارباب
استحقاق دارالمؤمنین استراباد از سید و غیر سید تقسیم نمایند میباید آنعالیجنابان بعد
از ورود مشارالیه و تحویل تنخواه مبلغ مزبور را بطریقی که مرقوم گردید بمتسحقین
برسانند تا سبب حصول ثواب بجهة ذات سعادت انتساب گردد و پیوسته مطالب و
مدعیاتی که بوده باشد تمنی دارند که بانجاح مقرون گردد.

باقی ایام افادت و سعادت بکام و مستدام باشد

[امضایی ناخوانا]

سواد نامه حاجی سید محمد باقر به یکی از خوانین که با آقا سید
فضل الله اختلاف ملکی داشته است و از او و آقا سید فضل الله یا
وکیلای ایشان خواسته است که در مجلس مرافعه حاضر گردند.

عالیجاه رفعت جایگاه عمدة الخوانین العظام موفق باطاعت خلاق انام جل شانه بوده
باشند از این زمان که بیست و چهارم شهر رجب است اقدام به تحریر این کلمات نموده
که در خصوص املاك كه محل اختلاف فیما بین شما و عالیجناب مقدس القاب محامد
صفات سلاله السادات العظام آقا سید فضل الله شده است چاره آن این است که شما
یا وکیل شما بمصاحبت جناب سید مکرم و وکیل ایشان طرفین حاضر شوید در مجلس
مرافعه عالیجاه هر کس که چندی قبل از این شرحی قلمی نموده بودند در خصوص
حقیقت شما چنین قلمی نموده بودند شصت و هفتاد خاطر دارم این املاك در تصرف
شما و آباء شما تصرف مالکانه در این می نموده اند و هکذا از کل آنها نوشته گرفته
بمضمون آنچه اعتقاد آنها است قلمی نموده این نوشتها را خودتان یا وکیل خودتان
با جناب سید مکرم یا وکیل ایشان در مجلس مرافعه حاضر شوید و آنچه شریعت
مطهره اقتضاء عمل خواهد شد علاوه بر این مجال ندارم.

والسلام علیکم ورحمته وبرکاته

[بر حاشیه بالا و سمت راست این نامه عبارات زیر نوشته شده است:]

نوشته و مهر جناب آقا حاجی سید محمد باقر سلمه الله تعالی مشاهده شد همین سواد
مطابق آن است بدون زیاده و نقصان و انا الاقل. [اثر مهر محو شده است]

مشاهده شد سواد مطابق اصل است بدون زیاده و نقصان بعد از شناختن خط و مهر
فخر العلماء سلاله السادات جناب مجتهد العصر والزمان جناب حاجی سید محمد باقر
سلمه الله تعالی میباید و انا الاقل. [جای مهر]^۱

نوشته و مهر جناب آقا حاجی سید محمد باقر سلمه الله تعالی مشاهده شد همین سواد
مطابق آن است و بدون زیاده و نقصان و انا الاقل. [اثر مهر محو شده است]

نوشته و مهر جناب حاجی سید محمد باقر سلمه الله تعالی مشاهده شد همین سواد مطابق
آن است و بدون زیاده و نقصان. [جای مهر]^۲

نوشته و مهر جناب سید سلمه الله تعالی مشاهده شد همین سواد مطابق آن است بدون
زیاده و نقصان. [جای مهر]^۳

نوشته و مهر مبارك جناب حجة الاسلام وفلا الانام الحاج سید محمد باقر سلمه الله تعالی
ملاحظه شد و سواد مزبور مطابق بآن است حرره الاقل. [جای مهر]^۴

نوشته و مهر جناب سید الانام و حجة الاسلام را زیارت نمودم و این سواد مطابق با
آن است و انا الجانی. [جای مهر]^۵

-
- ۱- مهری بیضی باسجع: «پیرودین نبی عبدالرحیم». ۲- مهری بیضی که کلمات
 - «از خدا توفیق میخاهد حسن» بر آن خوانده می شود. ۳- مهری چهار گوشه بزرگ
 - باسجع: «عبدہ الراجی احمد». ۴- مهری بیضی با سجع: «عبدہ میرزا محمد».
 - ۵- مهری چهار گوشه باسجع: «عبدہ الراجی محمد تقی».

۴

نامه عباس قاجار به دربار تا سلطان وقت حکم محکمی صادر کند که با آن جلودعوی باطل سید را نسبت به میرمحلّه بتوان گرفت و اگر با این احکام باز سید حرفی دارد در محضر حاکم شرع حاضر شود و مرافعه نماید.

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم چون این چاکر قدیمی و غلام

غلام جان‌نثار عباس قاجار

فدوی را لازم است که هر گونه مستدعیاتی که دارد در ذیل فدویانه بعرض اقدس شاهنشاه جمعیّه روحانفاده رساند لهذا جسارت مینماید که در سال سابق در باب میرمحلّه استرآباد که در اول این دولت جاوید عدت تا حال که موروثی و متصرفی این فدوی بود سید استرآبادی دعوی باطله کرده این غلام حسب الامر همایون اعلی ارواحانفاده آنچه احکام که از حکام شرع استرآباد و ساری و بارفروش و تمام مازندران داشت بنظر مبارک جهانمطاع رسانیده حکم فرمودند که سید را حقی و سخن حسابی نیست او هم ترك دعوی باطله نمود و حال سید باز در مقام بیحسابی برآمده مزاحم رعایای میرمحلّه مزبوره میشود بنابراین خیر الحاج حاجی میرزا خانجان کس خود را روانه دربار معدلت آثار اقدس شاهنشاهی روحانفاده و استدعا مینماید که در اینخصوص حکم محکم مرحمت فرمائید که سید از بیحسابی و تعدی دست برداشته هر گاه با آنهمه احکام که بنظر مبارک رسید باز حرف دارد در محضر حکام شرع حاضر شده مرافعه نماید و آنچه حکم شرع صادر شود عمل و الا ترك دعوی باطله نموده مزاحم اهالی میرمحلّه نشود و در ملک چندین ساله بیجهت دخل و تصرف ننماید چون این مراتب بارها بعرض سرکار همایون اعلی روحانفاده رسید عرض استدعای

خود را اختصاراً عرض کرد مستدعی است از قراریکه عرض شد حکم و مقرر فرمایند که باعث ازدیاد امیدواری فدوی شده باشد زیاده جسارت نمیرود همواره مترصد است که بخدمتی سرافراز شود و افتخار نماید.

الباقی امر الاشرف الاعلی مطاع مطاع مطاع .

۵

نامه ایست که از دربار فتحعلی شاه برای سید احمد نوشته اند که مبلغ پنجاه تومان تبریزی همراه ابوالحمد بیگ فرستاده شده تا مصروف تعزیه جناب سیدالشهدا گردد.

عالیجناب مقدس القاب فضایل و معارف اکتساب حقایق و دقایق انتساب جامع الفروع والاصول حاوی المعقول والمنقول خلاصة السادة العظام و اعلم علماء الاعلام آقا سید احمد پیوسته مؤید بتائیدات ربانی و موفق بتوفیقات سبحانی بوده زینت افزای وساده افادت و افاضت باد بعد مکشوف میدارد که چون مبلغ پنجاه تومان تبریزی رایج از وجه حلال که از درگاه آسمان جاه خسروانی که بجهة صرف تعزیه جناب سیدالشهدا علیه و علی آبائه آلا ف تحیه و ثناء ایفاد آمد مصحوب عالیشان رفیع مکان دیوان المحاسب ارسال داشتیم که در دار المؤمنین استرآباد مصروف اخراجات عزاداری گردد لهذا آنعالیجناب فضیلت انتساب تامه همت مصروف داشته تکیه بنام مبارک قبله عالم و عالمیان در کمال دقت بسته مبلغ مزبور را صرف عزای خامس آل عبا داشته در هر موارد که اهم و اولی بوده باشد باستصواب و اجازه آنعالیجناب قدس انتساب مصروف آید همواره الی زمان ادراک صحبت گزارش احوال و مهمات اتفاقیه را اعلان داشته که در انجام آن اهتمام معمول خواهد آمد در مظان استجابت دعوات یادآور باشد.

باقی ایام افادت مستدام باد.

نامه ایست که از استرآباد به مرکز نوشته شده است که قرار بود سید فضل الله و حاجی میرزاخانجان کارگزارد عباس خان در محضر آخوند ملا محمدعلی یا حاجی محمد تقی اقدام به مرافعه نمایند و هیچکدام در محکمه شرع حاضر نشده اند ملا محمد اسماعیل - وکیل فضل الله - نوشته ای در این باره گرفته که به نظر اقدس شهر یاری می رسد تاجه فرمان دهند .

قربان اسم مبارکت شوم

از امرای عظام دیوانخانه مبارکه رقم قضاشیم مطاعی عز صدور یافته بود که ملتزم شدند در نزد امراء و اولیای دولت قاهره جناب مستطاب آقا سید فضل الله و حاجی میرزا خانجان کارگذار عالیجاه عباس خان که در باب قریتین میر محله و چوپلانی وکیل طرفین در استرآباد بمحکمه شرع مطاع لازم الاتباع بمحضر جناب شریعتمدار آخوند ملا محمدعلی یا جناب عمده الحاج حاجی ملا محمد تقی اقدام بمرافعه نمایند تاحق ظهور یابد و ابراهیم بیگ غلام ترکمان را باین خدمت مأمور فرموده بودند مشارالیه حکم جهانمطاع و رقم دیوانخانه مبارکه را بعالیجاه عباس خان رسانید نه خودش و نه وکیلش بمرافعه حاضر نشدند و ملا محمد اسمعیل که از جانب جناب آقا سید فضل الله وکیل است نوشته در این باب از جناب شریعتمدار گرفته بنظر مبارک اقدس شهر یاری روحی فداه میرسد تارای جهان آرای قبله عالم هرچه اقتضا فرماید فرمان قدر توأمان عز صدور خواهد یافت چون واجب بود جسارت نمود.

امرالاعلی مطاع

۷

نامه ایست که یکی از مراجع شرع به حجة الاسلام وقت در باره وقفیت
پنجدانگ میر محله و شش دانگ چوپلانی نوشته است.

بسم الله وله الحمد

خداوند گارا امید گاهها ملأذا توفیق شریف که در فقره نزاع سادات و ورثه
بیگلربیگی بافتخار اقل تلامذه صادر شده بزیارت آن فائز حق مقام اینستکه در وقف
بودن پنجدانگ میر محله و شش دانگ چوپلانی اشتباهی نیست اگر ادراک حضور میسر
بودی هر آینه داعی شهادت جازمه باینمطلب دادمی در عصرهای گذشته فیما بین علماء
استرآباد اینمطلب از مسلمات بوده است و از اول دولت جاوید آیت قاجاریه تا کنون
بر وجه جزم و تعیین اجمالاتی که بندگان عالی در عدم نفوذ حکم بوقفیت داده اند صورت
تحقیق نیافته زیرا که این حضرات مردمانی بوده اند در کمال بسط ید و قرب سلطانی
داشته اند که هیچکس نداشت بلی فی الجملة ابتدالی در زمان مرحوم امیر برای ایشان
حاصل شد البته قباله جات حضرات بنظر مبارک رسیده و رودخانه میر محله خود به تنهایی
در هیچ زمانی نمیتواند شد که بکمتر از ده هزار تومان فروخته شود علاوه بر میر محله و
چوپلانی با اتساع کذائی چطور شد که همه این املاک را حضرات بزیاده از دو بیست تومان
یافی الجملة بیشتر نخریده اند و انگهی همه علماء استرآباد نوشته اند که مرحوم رضاخان
از ورثه میرزا محمدعلی هروی خریده است چنانکه قباله جات حضرات اشعار به
این مطلب دارد اگر ورثه میرزا محمدعلی صاحب ملك میشدند بیست هزار تومان
ملك را بدو بیست یا سیصد نمی فروخته اند غرض داعی اینستکه شما بر سیل اطلاق احتمال
تحقیق بیع و وقف بواسطه وجود مجوز با صدور حکم از حاکم اوثق بر خلاف حکم

بوقف از زمان مرحمت‌پناه حاجی ملا محمدرضای استرآبادی طاب‌ثراه تازمان ما ندهید بلکه از بدو این دولت تا بحال مستند داعیان معجوز نوشته مرحوم آقا محمد مهدی نبوده است تا با عدم جواز استناد بآن اثری بر قول و نوشته داعیان مترتب نشود و علم عادی بصدر حکم از مرحوم حاجی ملا محمدرضا داریم بلکه جمیع علماء آن عصر مثل مرحوم حاجی ملا آقابابا و حاجی ملا عباسعلی و آخوند ملا عیسی کندابی و دیگران اصراری در این باب داشته‌اند و حضرات مردمانی بودند با شأن تمکین نمیدادند چنانکه الآن مردمان ظاهر التشرع اگر حکمی بر ایشان صادر شود بالوجه بنان والبیان مشاهده میکنیم که بقدر امکان سعی میکنند که از اطاعت شرع خود را بیرون کنند چه جای امراء و حکام داعی در این اوقات در چهارباغ شاهکو بدعا - گوئی اشتغال دارد آقامیرزا محمدعلی تعلیقۀ که بجناب حاجی سیدصادق سلمه‌الله نوشته بودید زیارت شد و ظاهر شد که از داعی نیز نقاری بهمرسیده است آنقدر را بدانید که اگر حالت علماء دیگری نسبت بسر کار مثل حالت علام استرآباد بود هرآینه برکات آسمان و زمین بر خلق تو فیر میرساند حمد خدا را که بکوچکی و بندگی شما فخر میکنیم و شما را واسطه در فیوض میدانیم آثار ترقیات همه را از لطف سرکار میدانیم خدا شاهد است راضی هستیم که از عمر ما بر عمر شما افزوده شود چه جای آنکه بعضی از احتمالات و خیالات در بارۀ داعیان بدهید حالت داعی اینست باری سید خدمت شما میرسد هر چه بفرومائید مطاع است اگر با اینحال میخواهید حکم بفساد ادعای نادرست صادر کنید مختارید خدا شاهد است حاجی آقا علی که اکنون چوپلانی را خریداری کرده است یعنی مقداری از چوپلانی خریده است از اصحاب خاص داعی است مبلغ‌های کلی بواسطه او رعایت سادات و فقرا می‌نمایم و خدمتها بداعی میکند سادات کسانی هستند بقدر پوست‌پياز از ایشان کاری ساخته نمیشود با وجود

این داعی نمی‌تواند از حق بگذرد بعد از آنکه از سرکار امری برخلاف اعتقاد و نوشته داعیان صادر شود البته مطاع خواهد بود کی میتواند از فرمایش شما سرپیچ شود زیاده عرضی ندارد در کمال اختلال حواس عریضه نگار شده خواهید بخشید که حالتی نداشته‌ام.

والسلام علیکم

[بر حاشیه بالای نامه با خطی وارونه عبارت زیر نوشته شده است:]

بحضور مهر ظهور اعلم المجتهدین حجة الاسلام والمسلمین خداوندگار اعظم سلمه الله تعالی مشرف باد.

۸

سواد نامه ایست که از مرکز برای حاکم استر اباد نوشته شده است که مقدار شصت خروار شلتوک و وظیفه آقا سید فضل الله و سی خروار و وظیفه آقا سید مهدی و آقا سید علی و آقا سید ابراهیم را به ایشان نداده اند و در باره املاک چوپلانی و میر محله و قفی منافع املاک و قفی را گرفته به موقوف علیهم برسانند.

هو الله تعالی شأنه

مقرب الخاقانا فرزندا جناب فضایل مآب زبدة الفضلاء قدوة العلماء وحید العصری آقا سید فضل الله که همواره مورد الطاف غیر متناهی حضرت شاهنشاهی بوده و میباشند بر حسب فرمان جهان مطاع بمقدار شصت خروار شلتوک از بابت مالیات قریه اوزینه بصیغه وظیفه در حق ایشان برقرار است از قراریکه مسموع شد الی حال بعهده تعویق است و وظیفه جناب سابق القاب و همچنین مقدار سی خروار و وظیفه عالیجاهان فضایل- مآبان آقا سید مهدی و آقا سید محمد علی و آقا سید ابراهیم که از منسوبان جناب

سابق القاب میباشند در تعویق مانده نداده‌اند

_____ بابت	_____ بابت	_____ بابت
آقا سید مه‌دی	آقا سید محمدعلی	آقا سید ابراهیم
۱۰ خروار	۱۰ خروار	۱۰ خروار

اینمعی خلاف رأی معدلت آرای اقدس ظل‌اللهی است لهذا بجهت وصول وایصال وظایف جناب سابق القاب عالیجنابان مشارالیهما عالیشان... محصل روانه که بزودی بحیطه وصول درآورده تسلیم ایشان نماید درباب املاک وقفی که در تصرف جناب وحیدالعصری میباشد و اسامی آنها از قرار تفصیل است مسموع شد که منافع

_____ مزرعه	_____ قریه
جوپلان	میرمحله وقف

بهره ملکی آنجا را آنفرزند تصرف کرده بوده‌اند درمال غیر تصرف خلاف است بخصوص باوجود اطلاع آنفرزند البته قدغن نموده که هرچه از قریه و مزرعه مزبوره بوده‌اند گرفته و بجناب سابق القاب برسانند برعالیشان... محصل است که منافع املاک وقفی را گرفته بموقوف علیه عاید سازد.

[بر حاشیه سمت راست این نامه عبارات زیر است:]

مطاعاً

درباب وظیفه جناب سید و منسوبان جناب معزی‌الیه که در استرabad دارند و همواره بخرج دیوان آمده است مقرر فرمایند بدهند و معطل ندارند باری برای یوم‌لاینتفع مال ولابنون والد اطفال و نسوان ذخیره لازم است اینگونه امور ذخیره می‌شود غافل نشوید و رعایت این امور را هم بنمائید و وظیفه جناب معزی‌الیه را خوب و زود برسانید وظیفه خود و منسوبان را از حاکم استرabad باید بگیرید.

زیاده ندارم زحمتی والسلام

مقرب الخاقانا فرزند

البتة البتة از قراریکه قبله گاهی مستوفی الممالك نوشته اند معمول دارند جناب سید را
خشنود نمایند و معطل ندارید.

سواد مطابق اصل است. [جای مهر]^۱

سواد تعلیقه مطابق اصل است و اصل مهر سرکار آقائی حاجی دستخط شریف سرکار
مستوفی الممالك است. [جای مهر]^۲

سواد مطابق اصل است و اصل بمهر سرکار حاجی است و تحریر شریف مستوفی الممالك
میباشد. [جای مهر]^۳

۱- مهری بیضی باسجع: «عبدالرحیم الحسینی». ۲- مهری بیضی باسجع: «با

ابا عبدالله». ۳- مهری بیضی باسجع: «عبد محمد رحیم».

سواد نامه ایست که از مرکز برای حاکم استرآباد نوشته شده است که مقدار صد و پانزده خروار شلتوک مستمری آقا سید مهدی و آقا سید محمدعلی و آقا سید ابراهیم و آقا سید فضل الله بدیشان نرسیده است هر چه زودتر به ایشان برسانند.

مقرب الخاقانا فرزندا جناب فضائل مآب قدوة العلماء والمجاهدين آقا سید فضل الله استرآبادی که همواره مورد الطاف غیرمتناهی حضرت شاهنشاهی روحانفاده بوده و میباید از قرار فرمان جهانمطاع مقدار یکصد و پانزده خروار شلتوک بصیغه مستمری در

دروجه عالیجناب معزی الیه دروجه سایر وراث متوفی میر محمدرضا

۸۵ خروار و ۶ من فی ده خروار سی خروار

حق ایشان و عالیجنابان آقا سید مهدی و آقا سید محمدعلی و آقا سید ابراهیم برقرار است که در جزو وظایف استرآباد بخرج شما آمده است از قراریکه مسموع شد خان خانان حال دو سال است که نداده اند و بعهده تعویق گذارده اند ظهور اینگونه اعمال خلاف رأی معدلت آرای اقدس شهریاری است لهذا عالیشان غلام چاپار را برای وصول و ایصال مبلغ مزبور روانه داشت باید بعد از ورود مشارالیه بدون معطلی مقدار مزبور را کارسازی نموده که مقضی المرام معاودت کند و بایشان برساند و همچنین در باب بعضی از املاک وقفی نظر بساحکام علمای عصر و حکم همایون پادشاهی چند سال است که در تصرف معزی الیه می باشد نیز می باید کماکان در تصرف ایشان باشد این املاک که قریه چوپلانی و میرومحلّه است هرگاه احدی را حریف

حسابی باشد قدغن نموده در خدمت سرکار حاجی ملامحمد جعفر و یا یکی از اهالی
شرع مطاع طی گفتگو نمایند با وجود آن فرزند چرا بایست در امورات معزی الیه
اختلال رخ دهد بقراریکه اظهار رفت معمول دارند والسلام.

[درمیان سطر اول و دوم این نامه عبارات زیر بطور مورب نوشته شده است:]
از قرار تصدیق عالیجنابان حاجی میرزا مقیم که محاسب شما است مستمری جناب
سید بخرج شما و ایشان آمده است خیر دنیا و آخرت در این است که جناب سید
عالم فاضل مقدس را معطل نفرمائید.

[بر حاشیه بالا و سمت راست این نامه عبارات زیر نوشته شده است:]
السواد مطابق للاصل الاصل الممهور بخاتم جناب آقائی سلمه الله تعالى حرره العبد
الجانی. [جای مهر]^۱

سواد مطابق اصل است و خلافی ندارد تعلیق بمهر جناب جلالتمآب آقائی حاجی
سلمه الله است حقیر زیارت نمودم بهمین مضمون است بدون کم و زیاد حرفی.
[جای مهر]^۲

السواد مطابق للاصل والاصل ممهور بمهر جناب حاجی سلمه الله تعالى.

[جای مهر]^۳
السواد مطابق للاصل حرره ممهور بمهر جناب حاجی سلمه الله تعالى حرره اقل الطلبة.
[جای مهر]^۴

۱- مهری بیضی گل و بوته دار با سجع: «نصر الله الحسینی ۱۲۷۰». ۲- مهری چهار-
گوشه با سجع: «یامن ارفع کل رفیع». ۳- مهری بیضی گل و بوته دار با سجع: «یا محمد». ۴- مهری با سجع: «حسن ظنی بالله».

۱۰

نامه محمد شاه به پسرش که آقا سید محمد تقی ولد مرحوم آقا سید مفید که در عتبات عالیات مجاور و مشغول تحصیل بوده عازم استرآباد شده مبلغ پانزده تومان از قرار فرمان خاقان مغفور در حق والد ایشان برقرار بود به او مهمسازی شود و مقدار سی و چهار خروار شلتوک عمه مرحومه شاه شهید در کرمحله که وقف تعزیه داری است به او داده شود و کاری کنند که امر ایشان در کمال انضباط باشد.

هو الله تعالی شأنه

عالیجاها عزیزا نورچشما عالیجناب مقدس القاب فضائل و معارف اکتساب سلاله - السادة والاطیاب والورع آقا سید محمد تقی ولد مرحوم آقا سید مفید اعلى الله مقامه که در عتبات عالیات عرش درجات مجاور و مشغول تحصیل علوم و مبشر و دعاگوی دولت قاهره بوده عازم استرآباد شده مبلغ پانزده تومان از قرار فرمان خاقان مغفور مبرور نورالله مضجعه در جزو مستمریات آنجا در حق والد مرحوم ایشان برقرار بود که حال باید در وجه عالیجناب معزی الیه مهمسازی شود و مقدار سی و چهار خروار شلتوک از بابت حق ملک عمه مرحومه شاه شهید انا را الله برهانه که در کرمحله دارد و وقف تعزیه داری جناب ابا عبد الله الحسین علیه السلام نموده و تولیت مفوض بمرحوم سید بوده و بعد خود با اولادان او که در حال باید عالیجناب معزی الیه دریافت کند آن عزیز بعد از ورود جناب سید وجه مستمری هذه السنه رابع سی و چهار خروار شلتوک حق ملک عمه مرحومه را که در کرمحله باید دریافت کند جایجا نموده کارسازی دارد و لازمه مراقبت و مواظبت در امورات او نموده که در کمال عزت و احترام در آنجا

بگذرانند و سه ساله حق ملک عمه مرحومه که از حشوجمع آنجا موضوع است و حکام در آنجا مدخلیت دارند او را هم مذکور داشته که ضباط کرد محله نداده اند شرحی بمقرب الخاقان شاهرخ خان اظهار کرد شما هم لازمه اعانت نمائید که از ضباط وصول بجناب سید و امر ایشان در کمال انضباط بوده آسوده و مرفه الحال بدعاگوئی دولت قاهره مشغول باشد. والسلام

[بر حاشیه سمت راست این نامه عبارات زیر است:]

عالیجاها عزیزا چنانچه مستمری سه ساله جناب سید نرسیده باشد او را هم از بابت باقی محلی جابجا نموده و محصلی کرده که هم تنخواه مستمری او برسد و هم سایر کارهای او بقراریکه اظهار رفت منتظم شود البته کوتاهی ننماید.

۱۱

نامه ایست که محمد نصیر هزارجریبی در جواب نامه یکی از سادات نوشته و در آن نام کتب را گنجانده است و در آخر عرض اخلاص به آقا سید مفید و آقا سید هادی کرده است.

ز آسمان فیض چون سوی زمین آید خطاب

خاکیان را جز دعاگوئی چه یارای جواب

بذروه عرض مقدس عالی جنابان که در هنگامیکه مدارك حواس این سالک اقل الطلبة محمد نصیر هزارجریبی

مسالك طراط المستقیم عقیدت و اخلاص و ناهج مناهج مجمع اللطایف خلوصیت و اختصاص باستبصار لمعات مصابیح القلوب خلاصه الاذکار صحایف آن مؤسس اساس ملاطف و مرحمت و بانی قواعد شفقت و مؤالفت از مرصاد عیون نمکین و مقاصد این واقف مواقف اطوار مخالفت کیش و مطالب این عارف معارف شوقمندی

منحصر در مشاهده تلویحات جامع الاسرار طوایف عبارات رنگین و ملاحظه نوادر اشارات مشارق الانوار دلنشین میشود خلاصه الحقایق تعلیق حقیقت طراز و حقایق الدقایق رقیمة ملاطفت انباز که مخزن الاسرار مؤلف منشی و جامع الاذکار مصادقت اندیشی است قوة القلوب و نزهة الصدور مورخان گردیده که فی قلوب الناظرین قبول و منه غموم الحاضرین یزول با کمال موجزی در شفا بخشای امراض قلوب مهجوران قانونی است کامل الصنایع بحق مفتاح النجاتی بود در فتح ابواب التفات خرسندی و کشف رموزات خوشوقتی کافی و مصباح الهدایتی بود روشنی بخش عیون و از کدورات مصفی و صافی حیوة القلوبی بود امراض دوری و جمهوری راشافی مختصر آنکه از وصول بهجت موصولش بمقصد اقصى و غایة قصوى امانی رسیده روح الارواح جاودانی نمود روحی لديك مقيم فاسئل الخبر فقرته عینی و قبلته فمی فزاد به انسی و آنس وحشتی چون شرح مختصر از مرحله شوق و اشتیاق فیض صحبت مستلزم المسرت عالی با وجود انعکاس صور عقیدت و اخلاص بر مرآت الحقایق ضمیر منیر فیض مناص از قبیل تحصیل حاصل و ارتکاب فعل لاطائل بود زیاده بر این جسارت ننموده مستدعی میگردد که پیوسته این شیوة مرضیه را مرعی و مسلوك باصداغنی اللیب رقیمة جات معزه بر صرفات انفاضة خاطر مخالصة آیات را کرد مستغنی و از ملاحظه كنز اللغة مفاوضات ضمیر ارادت تخمیر را مستفیض فرموده مژده رسان ذات معلی صفات باشد فی حلیة المتقین ذات خجسته صفات قامت عرایس هدایت و ارشاد را پیرایه و درمکنون وجود میمنت نمود معرفت و رشاد را در گرانمایه بوده در مدارس عزت و تمکین صدرمکین و در عالی محکمة شرع مبین بالانشین باشند بالنبی و آله الطاهرین .

عرض اخلاصمندی بخدمت عالیجنابان مقدس القابان حقایق و معارف اکتسابان مخدومان مطاعان آقا سید مفید و آقا سیدهادی دام عزهما الولی رسانیده مجدد عریضه علیحده طلب نمایند.

نامه ایست که فتحعلی شاه برای سید احمد نوشته و در آن اشاره کرده است که ملاعباس را از دربار نزد فرزند خود محمدقلی میرزا به استرآباد فرستاده که مبلغ هزار و پانصد تومان از فرزند ارجمند بگیرد و به شما بسپارد تا به استصواب آقامحسن شیخ الاسلام به کسانی بدهند که استطاعت استرداد اسرای خود را نداشته باشند.

عالیجناب قدسی انتساب فضایل و فواضل اکتساب حقایق و معارف آداب دقایق و معانی نصاب عمدة الفضلاء العظام زبدة العلماء الفخام آقا سید احمد پیوسته از آفات گردون دون مصون و محفوظ و از نعم سابقه کاملة الهی بهره و رومحفوظ بوده مشهود رأی افادت پیرایش باد که چون درین وقت نظر بوفور مراحم کاملة پادشاهی و عواطف فاضله خاطر اقدس ظل اللهی بعالیجناب قدسی القاب سعادت و معرفت اکتساب خلاصه الاتقیاء والاطیاب ملاعباس را از دربار جهان مدار اشرف روانه نزد فروزان کوکب سپهر خلافت و تاجداری فرزند ارجمند کلمکار محمدقلی میرزا داشته و بساو امر فرموده ایم که مبلغ یک هزار و پانصد تومان وجه از قرار فرامین مطاعه علیحده از کار گزاران فرزند معزی الیه باز یافت دارد و باستصواب آنعالیجناب و عالیجناب علامی آقامحسن شیخ الاسلام تمام و کمال بصاحبان... که مؤونت و استطاعت استرداد اسرای خود نداشته باشند داده قبض حاصل و آورده بنظر اولیای دولت قاهره رساند لهذا بآنعالیجناب... مآب... میباید که بعد از ورود عالیجناب مشارالیه نهایت دقت و اهتمام درین باب نموده که وجه مزبور تمام و کمال بصاحبان اسرای بی بضاعت مستحق رسیده دعای خیر بجهة ذات اقدس پادشاهی حاصل شود همواره اوقات کیفیت

امورات و مجاری مهمات را رقمزد خامه اظهار و قرین عز حصول و اسعاف دانند.
باقی ایام افادت و افاضت مستدام باد

۱۴

نامه ایست که ملک آرا برای آقا سید مفید و آقا محمدهادی پسران
مرحوم سید احمد نوشته و جریان حرکت نعش پدرشان را ازساری
شرح داده و در این نامه تعزیت و تسلیت به ایشان گفته است.

عالیجنابان مقدس القابان فضایل و کمالات اکتسابان حقایق و معارف انتسابان اصالت و
سیادت مآبان سلالتی الاطیاب آقا سید مفید و آقا محمدهادی همواره موفق بتوفیقات
سبحانی و مؤید بتأییدات یزدانی باشند بعدها مشهود میدارد که در این اوقات نعش
مرحوم مبرور آقا سید احمد والد آنعالیجنابان را حامل نعش وارد شهرساری ساخته
نواب مابعد از مراسم استماع تأسف بسیار و تلهف بیشمار خورده کارگزاران سرکاری
حسب الامر نعش آن مرحوم را در روز حرکت بعزت و احترام تمام و بتفصیلی که
بعالیجناب مقدس القاب فضایل و کمالات اکتساب حقایق و معارف انتساب علامی
فهامی سلاله السادات العظام آقا محمد محسن شیخ الاسلام قلمی شد از شهرساری
روانه نمودند و آنعالیجنابان بمصدق کریمه کل نفس ذائقه الموت از این معنی مکدر نباشند و
بحکم تردیدوارید و مایکون الامایرید راضی و شاکر باشند ان شاء الله الرحمن جناب باری
ابواب رحمت و مغفرت را بروجوه ارواح اوباز نماید و بر عمر ایشان بقای طولانی [نی]
بخشاید چنانچه پدر ایشان داعی حق را لبیک اجابت گفته بر حمت ایزدی پیوست نواب
ماخود بر پدر ایشان و توجه و عطوفت والا متوجه و مراقب احوال سعادت-
اشتمال ایشان خواهد بود و باید صبر و شکیبایی را شعار و شکر و حمد الهی را شیمه و

دثار خود سازند و بعد از رسوم تعزیت متوجه امور خود باشند.

باقی ایام از عمر و عزت برخوردار باشند

[بر بالای این نامه مطالب زیر وارو نوشته شده است:]

عالیجنابان مقدس القابان فضائل و کمالات اکتسابان حقایق و معارف انتسابان سلالتی السادات و الاقطاب آقا سید مفید و آقا سید محمد هادی

۱۴

نامه فتحعلی شاه که در جواب نامه سید احمد نوشته و همراه آقا محسن روانه استرآباد کرده است.

عالیجناب مقدس القاب عزت و سعادت مآب فضایل و کمالات اکتساب حقایق و معارف انتساب سلالة السادة العظام وخلاصة العلماء الكرام جامع الفروع والاصول حاوی- المعقول والمنقول علامی فهمی آقا سید احمد همواره برو سادة افادت و افاضت متمکن بوده موفق بتوفیقات سبحانی باد بعد مکشوف میدارد که نوشته آنعالیجناب فضایل- مآب در زمانی سعد بنظر رسید و مضمون صداقت مشحون آن من البدایة الی النهایه مشهود ضمیر مهر تخمیر آمده موجب فزونی وثوق و اعتماد گردید درینوقت که عالیشان رفیع مکان عزت و سعادت نشان آقا محسن را از رکاب روانه مینمودیم مراتب شفقت مقتضی آن آمد که بترقیم و ترسیل رساله مستفسر حال سعادت منوال گردد طریقه انیقه دولتخواهی آنستکه همواره همین شیوه مرضیه را مرعی و مسلوك داشته هرروزه گذارش حالات و مهمات و مطالبات را در معرض اظهار در آورده که قرین انجام و اختتام خواهد بود و در مظان استجابت دعوات از خاطر محو ننمایند و ابود شوکت بهیه سلطانی را مدام مدعی و حامی باشند.

باقی ایام افادت و افاضت مستدام باد

نامه مورخ ۱۳۷۶ ه. ق .

نامه ایست که سادات درازگیسوی استرآباد در باب پنج دانگ میر محله و شش دانگ چوپلانی املاک وقفی خود به دربار نوشته و خواسته اند در باب معیشت ایشان و زنان و فرزندان شان ترتیبی بدهند.

عرض پس از سلام و اظهار مراتب دعاگوئی ذات محمدت صفات عالی آنکه سادات عالی درجات درازگیسوی استرآباد که از جمله اجلاء این دیار بودند و همیشه بزورصلاح و سداد آراسته بودند حال بعضی از آقایان ایشان که موصوف بصفة تقوی و از همگنان سبق بردیگران دارند عالیجنابان قدسی انتسابان سلاله السادات الاطیابان آقاسید ابوالقاسم و آقا سید محمدعلی و آقاسید احمد و آقاسید اسمعیل و آقا سید جواد که اعبدزمانند واقف موقفی بجهة تسهیل امر معیشت آنسلسله جلیله پنج دانگ از میر محله و شش دانگ چوپلانی را که حال مخروبه است وقف نموده و در باب وقفیه آن دو قریه از جناب مرحمت و غفران پناه حاجی ملارضا استرآبادی اعلی الله مقامه که در میان علماء اعلام علمی بلکه اعلم بوده و نیز از جناب مستطاب قدوة العلماء العالمین وزبدة الفقهاء والمجتهدین جناب آقا محمد مهدی کلباسی دام فضله العالی که جناب مرحمت پناه آقای حجة الاسلام آقا سید محمد باقر اعلی الله مقامه حکمی بر امضاء حکم آنجناب فرمودند در دست دارند تا بحال مرحمت مآب بیگلربیگی عباسخان مدعی ایشان بود امر ایشان در باب موقوفه بروجه انتظام منظم نبود حال مشارالیه هم وارد بر سر کار میشوند البته بمقتضای فتوت و مرحمت مرحمت خود را

از آن سادات رفیع درجات که حقیقهٔ «رعایه ایشان رعایه و حرمة اجداد طاهره ایشانست در یغ نخواهند فرمود قراری در خدمت اولیاء دولت ابد مدت بجهة امر معیشت ایشان خواهند داد اگر چه خاقان مغفور علین آشیان قراری بمقتضای فرمانیکه در دست ایشانست داده اند ولی مستدعی از مرحمت عالیم که افزوده بر آنقرار قراری بدهید زیرا که جمعی از رجال و نساء و کبار و صغار ایشان باید در پهلوی این موقوفه گذران کنند و بدعا گوئی ذات اقدس علیه حضرت شهر یاری روح [العالمین] فداه قیام و اقدام نمایند آنقدر از قرار وفا با مر معیشت ایشان نسینکند .

باقی ظلکم العالی عال علی الدانی والعالی فی الخیر

[بر حاشیه بالای این نامه عبارات زیر است:]

عرض دعا یگوئی جناب جلالتمآب دام عمره و امره اینکه اگر اهتمامی در این امر خیر محض و محض خیر محض رضای الهی و خوشنودی حضرت رسالت پناهی در صدور امضاء از مصدر حضرت اقدس شهر یاری دام اظلاله العالی بر طبق فرمان قضا جریان که چون برهان قاطع بر صدق مدعی در دست و نیز در انشاء فرمان دیگر مجدد قدر قدر بر تفویض جزئی مزرعهٔ مخروبهٔ چیلانی بفرمایند احیاء جمله از نفوس محترمه از سلسلهٔ علیه علویه فرموده اند و ان شاء الله تعالی اگر چه این نحواز تمشیات بزرگ فوق مقام و بضاعة داعی است و لکن چون لله الحمد رایت حضرت ظل الهی بزرگتر از همه است حل این مشکل خواهد شد زیاده جای جسارت نیست دام العمر و الامر ثم السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

فی ۱۹ جمادی الاولی ۱۲۷۶

نامه‌ایست دوستانه که نویسنده و مخاطب آن معلوم نیست.

هرچند مراتب اخلاص خود را چنانچه بخواهم بیان نمایم هزار يك آن در این رساله گنجایش ندارد لیکن بمضمون الحب و البغض یتوارثان اخلاص مخلص قدیمی است ضرور بعرض نیست و این روزها چندین مجلس خاص بخاکپای مبارک شهر یاری صحبت‌ها از آن مطاع و مخدومی آقا حسین شد بعضی عرض‌ها بخاکپای مبارک نموده‌ام که بسیار بسیار شوق ملاقات آن صاحب‌رانموده‌اند که فرموده‌اند خیلی دلم می‌خواهد ایشان هر دو را بینم و قباحتی دارد که آدم بفرستم ایشان را بطلبم بقسم خوشی آقایان اظهار می‌کردی که به‌اردو تشریف می‌آورند بسیار خوب بود عرض کرده‌ام که حال حرکت نزدیک شد آقایان تشریف نیاورند درست جمال مبارک شاه را نخواهند دید باری آنچه لازمه اخلاص کیشی است بعمل خواهم آورد و شیشه گلابی هم که ارسال فرموده بوده‌اند باعث خجالت مخلص شد خانه آبادان و در آنوقت جناب اخوی آقا سید محمد را فرستاده‌ام که آقارا زحمت بدمد دربان غلام عالیجناب آقا رحیم که بقسم خوشی لطف آنصاحب شامل شود بعد از... آقا سید محمد بهر قسمی که آقا سید محمد صلاح داند قسمت آن را تمام بفرمائید و چنانچه کم زیادی در تنخواه آقا سید محمد داشته باشد چهار پنج روزه ضمانت فرموده که بفرستم زیاده عرض شد والسلام.

نامه ایست دوستانه.

بعرض میرساند که چون نظر بطریقه مرادوت قدیم و عهد مصادقت قدیم همواره مکنون درون خاطر مخالفت تصمیم این و منظور نظر خلوصیت منظر چنین است که گاه و بیگاه بنگارش ذریعه جات و اظهار بقای حیات عاریت سمات مصدع اوقات خجسته آیات ملازمان مطاع ملاطفت صفات گردیده بآئین تقریب ازوصول مفاوضات و حصول بر مژده صحت و عافیت ذات بابرکات قرین امتنان و مسرات آید بناءً علیه درینوقت که حامل مرحله پیمای صوب خدمت ذیمسرت میبود اینمعنی را نعم الوسایل شمرده بتحریر عهد مصادقت قدیم پرداخت و درطی این زمان که از کلك ارادت نگار ساخت که چنانچه جویای مجاری احوال باشندلله الحمد حیات عاریت بقدر صرف دعای خیر آن مخدوم باقی والی غیرالنهایه شایق ادراک تلاقی و ملالی جز حرمان فیض حضور ظاهر و ملاقی نیست انشاءالله این دیده رمد رسیده علی اسرع الحال بغبار مقدم اکیلل توام منور و مجلی باد.

باقی ایام عزت و سعادت بکام باد برب العباد

نامه ایست دوستانه که کسی برای يك تن از مالکان چوپلانی نوشته و از او خواسته است که میرزا صمد را به چوپلانی بفرستند و قراری در تقسیم شالی و گندم و جو و ماش و سایر محصولات زراعی آنجا بدهد و نسبت به کربلائی قاسم و آقایان سادات خوش رفتاری کند.

جناب مکرم محترم سلمه [الله] تعالی را زحمت آنکه در باب موضوعات چوپلانی چون گمان اختلاف بود و شخص ثالث امینی باوقوف و صاحب سر رشته برای آسودگی و دفع تهمت و بدنامی لازم لازم آنکه جناب کرام ارجمند موتمن آقا میرزا صمد را زحمت دهم که امروز یا فردا آنجا بیاید تا بقاعده قرار موضوعات را از همه جهت بدهد و باقیمانده را از شالی و گندم و جو و کنجد و ماش و غیرها بعد از وضع موضوعات زراعتی و موضوعات دیگر بقاعده بی ملاحظه ای که بذل و بخشش و مخارج دیگر خوانین عظام داخل در موضوعات باشد قسمت نماید که هر که زیاد برده دست بدهد یعنی از قرار مثاله و چهار دانگ و دو دانگ و انشاء الله بعد از آمدن آن کرام از این قرار عمل نموده که غیر این جای ندارد و در باب حساب کربلائی قاسم و سلوک با عموم مردم آنجا نیز زحمت میدهم که منتها خوش رفتاری را در همه بابت با همه خصوصاً با کربلائی قاسم و احباء و اخلاص کیشان آقایان سادات منظور داشته که دلگرمی آن مردم و رفتار بطور دلخواه ایشان باعث آبادی آنجا و رغبت دیگران میشود و الا بزودی اگر پاره‌ای تکالیف بر ایشان داده‌اید خراب میشود.

زیاده زیاد است ۷ رجب المرجب ۱۲۰۸ و السلام

نتیجه الارکان و الارکان خان را عرض سلام میرسد و السلام.

نامه ایست دوستانه که کسی برای حاجی سید مفید نوشته است.

بعرض میرساند که در زمانی بخرمی مشحون و اوانی بسعادت مقرون بفیض مطالعه ملاطفة النفات نمونی که در مقام یادآوری و تفرس احوال مخلص مصادقت مرهون نگاشته کلک رأفت مسلک ملازمان مطاع عطوفت خصال و سمت ابلاغ و ارسال پذیرفته بود و فایض و مستسعد و بدستگیری قاید استحضار بر استقامت و اعتدال ذات سعادت آثار قرین مسرت و شادمانی لم تحصی و لاتعد گردیده موجب ازدیاد رسوم عقیدت فطری و ارادت قلبی آمد درینوقت که دافع راجع و مرحله پیمای مقصد الاقصای صوب حضور سعادت دستور بود ادای ارادتمندی تقاضا نمود که بنگارش این ذریعة المصادقه مصدع اوقات خجسته علامات گردد که اینکه در مقام پرسش احوال این مخالف خصال برآمده بودند الحمد لله المتعال نعمت حیات که اعظم آلاهی حضرت ذوالجلال است باقی و برقرار و ملالی جز مهاجرت و حرمان فیض صحبت ذی سعادت ظاهر و آشکار نیست متمنی از طریقه رأفت و النفات که مقتضای محاسن اخلاق و صفات ملازمان است چنان است که در مظان استجابت دعوات این مصادقت ایاب را از حاشیه خاطر عاطر خود محو نفرموده بدعای خیر یاد و همه اوقات برترقیم مفاوضات و ارجاع مرجوعات مسرور و شاد فرمایند.

باقی ایام افادت بردوام باد

[بر بالای نامه با خطی در جهت عکس خطوط متن است این عبارات نوشته شده است:]

یاخیر الحافظین ذریعة المصادقه خدمت عالیجناب مقدس القاب فضایل و کمالات اکتساب قدوة السادات الاطیاب مطاعی حاجی سید مفید زید مجده افتتاح پذیرد

نامه ایست دوستانه که در آن نویسنده سعی کرده است نام کتب را بیاورد.

همواره ابواب الجنان عزت و کامکاری بمفتاح الفلاح سعادت و رستگاری به چهره احوال فرخنده مآل عالیجناب مقدس القاب فضایل و خصایل مآب محامد و محاسن آداب خلاصة السادة الاطياب زید مجده مفتوح و مختصر عمر شریفش بر وجه مطول مشروح باد بعد از تألیف اوراق فصول مؤالات و پس از ترکیب مفردات تحفة المؤمنین خلّت و مصافات عنوان طراز روضة الصفای ضمیر منیر و دیباچه بود از حبیب السیر خاطر سعادت مظاهر خیریت تخمیر میگردد که تحفة الاحرار مرسوله و سبحة الابرار مؤالفت مدلوله در ساعتی مسعود نقاش شهود از چهره حسناى ورود گشود و از مطالعه مباحث و سطور مودت دستورش که حاکی حکایت صحت و عافیت وجود محمود بود ابواب مسرت و شادمانی رخنمود درینوقت که رافع راجع و روانه و راه و رسم مؤالفت معهود مقتضی بهانه بود لازم نمود که بر سبیل ایراد جواب صحیفة الاستجاب بر حاشیه قدیم دوستی قویم نکارد که اینکه در مقام تفرس مجاری احوال و امور برآمده بودند بحمد الله تعالی نعمت صحت و عافیت که عمده مواهب حضرت واهب العطايا است حاصل و مکروه و آلام جسمانی مرفوع و زایل و اوقات بروفق تقدیرات الهی مصروف است ان شاء الله بمقتضای عهدیگانگی و مؤالات همه اوقات طریقه دوستی و مصافات را منوی و منظور و حقایق سلامتی ذات محامد صفات را در طی مکاتبات مرسول فرموده و در مظان استجاب دعوات این مودت ایاب را از خاطر خیریت سرایر محو و منسی نداشته یادآوری خواهند نمود.

باقی ایام عزت و سعادت بردوام باد

نامه ایست دوستانه.

همواره ابواب الجنان عزت و کامکاری بمفتاح الفلاح سعادت و رستگاری برچهره امانی و آمال عالیجنابان مقدس القابان تقدس و ورع انتسابان فضایل و کمالات اکتسابان سلالتی الاطیابان زادالله تعالی توفیقانها مفتوح و مختصر احوال خیر مالشان بوجه مطول مشروح باد بعد از شرح رسوم دوستی و مصافقات بر حاشیه قدیم محبت و مؤالات مینگارد که مکاتبات مؤالفت ایاب مرسوله و مراسلات یگانگی نکات جودت مدلوله هریک در ساعتی سعادت موصوله مرغوله گشای عذار عذرای درود و از مطالعه اش که حاکی حکایت صحت و عافیت وجود مسعود و اعتدال احوال خیریت منوال آنعالیجنابان بود انحای مسرت و انبساط رخ نمود و برمواد مؤالفت باطنی افزود درینوقت که عالی شان عزت نشان میرزا اسماعیل در مقام مراجعت میبود طریقه دوستی و دوستداری مقتضی گردید که بنگارش این صحیفه الاستجاب بر رسم ایراد جواب مکاتبات یگانگی نکات ارتکاب و رزیده ضمناً اظهار سازد که چنانچه نظر بطریقه دوستی جوئیای مجاری حالات باشند بحمدالله سلامتی که اعظم نعمات الهی است باقی و برقرار و اوقات بخیر و عافیت مصروف و در گذار و ملالی ظاهر و آشکار نیست طریق دوستی مستلزم آنست که همین اوقات بنگارش مراسلات مختومه برحقایق حالات و ارجاع مهمات اتفاقیه فاتح ابواب مؤالات باشند .

باقی ایام بکام باد بررب العباد

[بر حاشیه سمت راست این نامه عبارات زیر نوشته شده است:]

مجدداً مرفوم کلک ابراز میشود که در خصوص عمل کرد ملک قریه یالو ایتیاعی از عالیجاه نوروز خان خواهش نموده بودند کیفیت آن بقراری است که بعالیجاه نظر علیخان و عالیشان عباسقلی بیگک القا شد و شرح مفصلی بشما نوشته اند که هنگام وصول مستحضر خواهند شد.

نامه‌ایست دوستانه .

حریق شعله فراق و غریق لجه اشتیاق کز درون سوزناک و چشم تر نیمه در آتشم نیمه در آب تجلی بارقات خیال جمال عذیم المثل را فروغ بخش طور دل دردمند ساخته بر لوحه عرض مینگارد که دیرگاهی است که لوح یادآوری مخلصان را بالمره بر طاق نسیان گذاشته ابواب نگارش رسائل را مسدود و به مؤدیه سانی حقایق حالات خیریت- آیات دوستدار را مسرور و خوشنود نداشته بودند و بمقتضای تشوق و مصافات دیرین همواره مکنون درون این بود که بواسطه عبور عازمین در مقام استعلام کماهی احوال سعادت مآل برآمده باشد بناءً علیه درینوقت که حامل روانه آنصوب میبود بتحریر این ذریعه مبادرت ورزیده ضمناً باظهار بقای حیات میپردازد که چنانچه مجاری حالات راجو یا باشند الحمد لله المتعال نعمت صحت که اعظم آلاهی حضرت ذوالجلال است بقدر صرف دعای خیر دوستان باقی والی غیر النهایه شایق ادراک تلاقی و ملالی جز حرمان لقای فرح فزا ظاهر و ملاقی نیست طریقه یگانگی و مؤالات مقتضی آنست که بعد از این را بخلاف قبل معمول و حقایق حالات را با حدثات اتفاقیه مرسل فرمایند.

باقی ایام عزت بکام باد

نامه مورخ ۱۲۸۵ ه. ق.

در این نامه که ظاهراً به شکل متحدالمآل و بخشنامه است از آقایان عظام و اشیاخ علماء خواسته‌اند تا به دوقریه موقوفه چوپلانی و مرزبانکلاته که در دست سادات عالیدرجاتند درازگیسو و شیرنگی است بیایندو سامان و حدود این دوقریه را تعیین کنند.

عرض میشود بخدمت آقایان عظام و اشیاخ از علمای فخام آنکه حدود دوقریه موقوفه چوپلانی و مرزبانکلاته درین زمان بواسطه تصرفات زارعین و مالکین آن‌دو قریه که دوطائفه جلیله از سادات عالیدرجاتند احوهما درازگیسو و دیگری شیرنگی اشتباهی در آنحدود و سامان راه یافته‌لهذا در مقام زحمت برآدمم که درس سامان و حدود آن دوقریه تشریف برده آقایان عظام شیرنگی را خواسته پس از تدقیق و تحقیق تام‌مالاکلام تشخیص سامان نمائید البته تمامیت اینمرحله موقوف است بر احضار نیکان و خوبان و میر... و معمرین از اصحاب سن که از ایشان تحقیق شود و تشخیص اینمرحله شود البته در اقبال شهود و حالات ایشان و علامت گذاشتن محال شهادت کمال اهتمام را خواهند فرمود و اسامی شهود را ثبت برداشته انشاءالله بعد از وقوف واستحضار داعی و معلومیت امر بر شما داعی شرحی در تحدید حدود بنویسد که بعدها از آنقرار معمول دارند از باب قریتین و کسبه و زارعین درینخصوص با هم جدال و بیحسابی ننمایند و از روی شریعت مستطاب حضرت رسالت‌مآب صلی‌الله علیه و آله معمول دارند.

فی ۱۳ شهر ذی‌حجه ۱۲۸۵.

نامه‌ایست که در آن تأکید شده که وظیفه آقا سید فضل الله و آقا سید مهدی و آقا سید محمد علی و آقا سید ابراهیم دو سال است که نرسیده اگر نزد خان خانان است بفرمائید تا از او مطالبه کنیم و املاک موقوفه ایشان را نیز کماکان در اختیار ایشان بگذارند.

عرض میشود که از قرار فرمان جهانمطاع همایون ... آقائی حاجی داممجده‌العالی مقدار یکصد و یازده خروار شلتوک در حق جناب فضائل مآب فواضل اکتساب استرآبادی و عالیجاهان آقا سید مهدی و آقا سید محمد علی و آقا سید ابراهیم از قرار تفصیل برقرار است که در جزو وظایف استرآباد بخرج مسطور شده و حال دو سال است که وظیفه مزبور نرسیده و بعده تعویق مانده از آنجاییکه جناب معزی‌الیه از دعاگویان خاص سرکار اقدس همایون شاهی روحنا فداه و از نجباء و اشراف دارالمؤمنین استرآباد است رعایت جانب او واجب و لازم است لهذا خواهش دارد که پس از ورود کسان جناب آقا سید فضل الله وظیفه هذه السنة ایشان را که است در وجه او تسلیم دارید که موجب رضای خواطر من است و آن دو ساله گذشته را هم غوررسی مینمائید چنانچه در محل یا در نزد مؤدی است گرفته تسلیم دارند و الا صریح بنویسند که در نزد خان خانان مانده تا در اینجا از ایشان مطالبه شود و هم چنین در باب بعضی از املاک وقفی نظر حکام علمای عصر و حکم سرکار اقدس همایون پادشاهی روحانفاده چند سال است که در تصرف جناب مشارالیه میباشد حال هم باید کماکان دو قریه چوپلانی و میر محله وقفی در تصرف ایشان باشد چنانچه احدی [را] در مقابل حرف شرعی باشد قدغن نمایند که در خدمت جناب مجتهد العصری حاجی ملا محمد جعفر استرآبادی یا حکام شرع

دیگر مرافعه کنند والا املاک مزبور باید در تصرف ایشان باشد جناب آقای حاجی دام مجده العالی همین تفصیل را به شاه نگارش داشته ام البته البته رفتار نمایند.

[برحواشی این نامه مطالب زیر است:]

السواد مطابق للاصل الممهور بمهر ایلخانی دام عزه حرره اقل الطلبة .

[جای مهر]^۱

السواد مطابق للاصل الاصل ممهور بمهر جناب جلالت مآبی ایلخانی العبد الجانی .

[جای مهر]^۲

سواد مطابق اصل است بدون زیاده و نقصان حرفی تعلیقہ نواب والا ایلخانی را حقیر ملاحظه نمودم کانه هو . [جای مهر]^۳

السواد مطابق للاصل الممهور بخاتم عالیجاه مقرب الخاقان ایلخانی دام عزه حرره العبد الجانی . [جای مهر]^۴

۱ - مهری بیضی و ناخوانا.

۲ - مهری بیضی باسجع «یا محمد» .

۳ - مهری چهار گوشه باسجمی ناخوانا .

۴ - مهری بیضی باسجع «نصر الله الحسینی» .

نامه ایست که یکی از مراجع شرع به آقا سید مفید نوشته است . از این نامه اختلاف نظر مراجع شرع و ضد و نقیض احکامی که صادر می کردند روشن می شود.

عرض میشود که پاره سخنان مسموع داعی گردیده که اگر مطابق واقع باشد بسیار بسیار مایه ملال است میفرمائید که فلان آقا را فلانی مجتهد نمیداند ماها مجتهد میدانیم یا مرده استراباد در استراباد میشوند این مضامین از جناب عالی یا جناب مستطاب آقای حاجی شیخ نصر الله نسبت بداعی در افواه والسن انداختند نه صلاح دنیا است و نه صلاح دین داعی علاوه بر جهة دوستی حقوق دیگری بشما دارم که اظهارش را مناسب نمیدانم و اگر داعی دلتنگ نشوم خداوند جهان و امام زمان راضی نمی شوند و میترسم در مقام عقوبت بر آیند زیرا که اگر حالتّم در هر جا و بهر کس مشتبه باشد شما که حالتّم را میدانید که قیدی بدنیا ندارم و از روی هوای نفس چیزی نخواهم نوشت در خصوص این واقعه و صدور حکم از مرحوم آقا محمد مهدی تفصیلاتی مطلع که آن حکم پیش داعی اعتباری ندارد اگر آن تفصیل را مطلع باشند البته حکم بوقفیت نخواهید کرد اگر از نوشته صورت حکم مرحوم خلد آشیان حاجی ملا رضا اعلی الله مقامه اطمینان حاصل کرده باشید با همان نوشته مرحوم خلد آشیان شریعت مدار یا آقای حاجی ملا محمد تقی و یا آقای رئیس نور الله مضجعهم حکم فرمودند بملکیت بی ریب و تردد چگونه با اینهمه اسناد میشود حکم بوقفیت کرد سوء ظن از مثل شما که از سرائر احوال تفصیلاً اطلاع دارید ظلمی است عظیم اینهمه مدانه که داعی در این مدت مراده حضرات کردم مراد حفظ احترام از شما و سایر آقایان بوده هیچ وقت زمام احترام را از دست ندادم چگونه میشود نسبت بموضوعی که اسم

وقف در میان باشد پای جماعتی از سادات در میان باشد آدمی بی احتیاطی کند اگر حضرات خوانین تمکین باصلاح تنصیفی میکردند هیچ درقید رضایت آقایان سادات نبودم و اجباراً صلح میکردم و رضای امام عصر عجل الله فرجه را در این میدانستم حال که حضرات از داعی مأیوس شدند البته باصلاح نصفی تمکین خواهند کرد البته شما خود اوقات صرف فرموده بهمین قرار نصف اصلاح بکنید چنانچه از شما نشنوند و بهمان حال خود باقی باشند لابد آنچه بینی و بین الله تکلیف دارم باید بنویسم با اینهمه نوشتجات قدیمه و جدیده و قتیکه اولاد مرحوم بیگلربیگی بدرخانه و دیوان رجوع نمایند البته نخواهند گذاشت بهمین احوال بماند بلکه محتمل است آقایان سادات محروم بمانند و مورث خلاف شان جمعی شود حتی الامکان باین قسمها راضی نیستم طالبم که کلیه امور بنحوی بگذرد که جمع بین الحقوق شده باشد و قتیکه دیگران اینمطلب را منظور نداشته باشند لابد هر چه آدمی میان خود و خدا میداند باید بنویسد ملاحظه دلتنگی احدی را در مقابل رضای الهی نمی کند .

زیاده تصدیع نمی رسانم ادام الله بقائکم

[بر حاشیه سمت راست این نامه عبارات زیر نوشته شده است:]

آقا جان این مراسله عین تقریر بنده است من بشما يك مطلب هم از باب لادیت عرض میکنم که مرا و کار مرا منحصر در قواعد ظواهر ندانید بخدا قسم وجود ضعیف مرا بسیار غنیمت بدانید و قلب مرا بسیار آزرده نسازید . والسلام

[بر بالای نامه با خطی که عکس جهت سطور متن است عبارت زیر نوشته

شده است:]

جناب مستطاب سیدالفقها الراشدین علام فہام مفیدی الاسترابادی ایدہ اللہ تعالی .

نامه‌ایست رسمی و دیوانی .

از این نامه بر می آید که آقا سید فضل الله توقع کرده است که وظیفه او را از بابت مالیات قریه اوزینه بدهند و فرمانی هم در دست داشته که مقدار هشتاد و پنج خروار همه ساله بر سبیل استمرار از قریه مزبور عاید او بشود ولی چیزی بد او نرسیده است نویسنده که از خیر اندیشان بوده تقاضا کرده است که این وظیفه را به او برسانند تا از این بعد در محافل و مجالس ذکر خیر نماید. تعلیقه‌ای بر حاشیه نامه نیز هست.

صاحباً مشفقاً

جناب فضایل مآب حقایق و دقایق انتساب شرایع و محامدا کتساب قدوة العلماء الاعلام زبدة الفضلاء العظام سلالة السادات الفخام مجتهد الزمانی آقا سید فضل الله استر ابادی در باب وظیفه خود اوقاتی که مورد تلفات و تفقدات و مراحم بیکران حضور شاهنشاه عالم پناه روحی فداه گردید توقع نمود که از بابت مالیات قریه اوزینه من بلوک استر اباد در ستاق بر قرار شود فرمان مهر لمعان شرف صدور یافت که مقدار هشتاد و پنج خروار همه ساله علی سبیل الاستمرار از بابت قریه مزبوره عاید ایشان شود فرمان مبارک را زیارت خواهد نمود از قراریکه مذکور افتاد جناب معظم الیه سواد فرمانرا فرستاده بود آدم او آورد جواب درستی نشنید و وظیفه در عهده تعویق و عاید ایشان نشده است با آنکه شمار نسبت به طبقه سادات عالی درجات کمال مهربانی و محبت است و معظم الیه از اجله ساداة آنولایت مقام حیرت است که چرا با این احوال و آن حکم مؤکد وظیفه ایشان را التفات نفرمودید توقع آنست که موافق حکم

همایون وظیفه ایشان را قدغن بلیغ بفرومائید بزودی از بابت قریه مزبوره عاید فرستاده ایشان نمایند که مخلص را کمال امتنان حاصل خواهد شد ضرری برای شما متصور نیست بلکه منفعت دعا گوئی بسیار است و جناب معظم الیه هم مخلص متعهد است که ازین بعد در مجالس و محافل ذکر خیر نماید خاصه در خدمت همایون شاهنشاهی روحی فداه و این اوقات هم مقتضی بسیاری دوستان است هنگام دل آزاری نیست چون مخلص از دوستان و مخلصان است برین تکلیف جزئی زحمت داده دیگر زیاده [از] حد زحمت ندهد مجاری حالات سعادت آیات و مرجوعات را مترصد اقدام است والسلام.

[بر حاشیه سمت راست این نامه تعلیقه زیر نوشته شده است:]

صاحبامشفقا

این ایام که مذکور شد مستمری جناب مطاعی در عهده تعویق است خواستند مجدداً عرض نمایند بنده نگذاشتم و تعهد کردم که انشاء الله سرکار بر سر مهربانی و محبت باشید و مستمری ایشان برسد انشاء الله مخلص را شرمسار در خدمت ایشان نخواهند گذاشت و انگهی پسر شما از ایشان در باره سرکار سخن که مشعر بر شکایت باشد در خدمت شاه و جناب حاجی متعهد شد و انشاء الله من بعد.... حفظ الغیب را هم در هر حال منظور میفرمائید باقی والسلام.

برادر مهربان از قراری که در فرمان همایون مرقوم و مقرر است از جمله هشتاد و پنج خروار که الباقی است از بابت قریه اوزینه بدهید که شرح دیوان مجری و میر محله دیگر دخل ندارد و از اوزینه بدهید چون از میر محله باز بدهید بخرج آنجا بیاورید و از اوزینه ندهید آنچه از مالیات است و بخرج مالیات همه ساله می آید آن مقدار را از بابت اوزینه بدهید آنچه دخل بمالیات ندارد و همه ساله که از محل بحساب سند داده می شد باز از محل بدهید و خلاف حکم همایون ننمائید.

۲۸

نامه ایست که ظاهر آیکی ازو کلاى سادات ملك چو پلانی نوشته است و
 اشاره به بی حسابیهای بیگلربیگی نسبت به برادر شریعتمدار در
 ساری و چوب زدن او و گرفتن هشتاد تومان از یکی از منسوبان
 شریعتمدار و ترس این وکیل از اظهار و کالت خود در محضر شرع و
 نکات دیگر شده است.

هو

جعلت فداك

بعد از ابلاغ دعا معروض میدارد که بعد از آنکه در باب جواز مرافعه در موقوفه
 بودن املاک استفتاء نوشتم و جناب آقای شریعتمدار جواب مسئله را بآن کیفیت که
 ملاحظه فرمودید نوشتند خبر بعالیجاه بیگلربیگی رسید که جناب شریعتمدار نوشته
 داده اند در اشرف برادر جناب شریعتمدار احضار فرمودند و مؤاخذه زیادی کردند
 که برادر تو ده هزار تومان بمن ضرر زده است مبلغ دو یست تومان او را جریمه نمودند
 در حضور خود او را بستند چون اهالی اشرف مطلع شدند خواستند که بهجوم عام
 بروند و برادر جناب شریعتمدار را بیاورند سه چهار تومانی که در جیب داشت گرفتند و
 او را رها کردند و در بلدة ساری از یکی از منسوبان جناب شریعتمدار بیهانه مبلغ
 هشتاد تومان محصل گماشته گرفتند و در دهم و دوازدهم شهر شعبان میرزا خانجان با
 دوسه نفر ملا از ساری با ستراباد آمدند که وکیل سرکار بیگلربیگی میباشیم که خدمت
 جناب حاجی ملا محمد تقی مرافعه نمائیم بنده چون دیدم که بدور گرفته است و شاهد
 تراشی میکنند و با آنکه حاجی بخط خود نوشته بودند که حکم بروقفیت ورد املاک را

به موقوف علیهم جناب مرحمت مآب حاجی ملا رضا نموده اند و لازم الاتباع است مع هذا آماده و مهیا شده اید و حال آنکه باتفاق کل علماء شیعه فوق حکم حاکم شرع در همان قضیه مرافعه نشاید بنده چون ملاحظه این اوضاع نمودم جرأت نمودم که اظهار و کالت از جانب شما نمایم از جهات چندی اولاً آنکه عرض شد که بر سر برادر و منسوب جناب شریعتمدار چه آوردند بنده هم درماز ندران وابسته هادارم علاوه آنکه بنده و بنده زادها گاه گاهی بماز ندران آمد و شد داریم بر ما هم همان می رود بر سر برادر جناب شریعتمدار و منسوب ایشان رفته و ثانیاً آنکه چنانکه استفتاء شده اعاده این مرافعه فوق حکم و امضای علماء حرام و غیر جایز است و ثالثاً آنکه اوضاع را چنان دیدم و فهمیدم حقیقت شما ضایع میشود و رابعاً آنکه شما نوشته بودید در دستور العمل در وکالت خود که عالیجاه بیگلربیگی در چهار مجلس چهار قسم نفی العلم بخورد اولاً آنکه کوی بیگلربیگی و ثانیاً آنکه کجا امتثال خواهد کرد در زمانی که در اردوی سیاه بالا بودند محصل شاهی با آقا میر ابو القاسم رفتند و بایشان گفتند که بیا خدمت شریعتمدار جواب بدرستی شنیدند خداوند عالم بندگان اقدس شهریار را روحانفاده را و جناب ملجاء الانام حاجی سلمه الله از عموم بلیات محافظت نماید که شمارا مطمئن میفرماید و حکم میکنند اثری نمیکند و در انجام انفاذ حکم و فرمان خودشان نیستند که مؤاخذه از کسی نمایند تا عبرت دیگران شود آخر این چه حکایت است که همچو عالم ربانی که دائماً مراقب دین و آئین شریعت و همیشه اوقات در فکر خیرخواهی دولت علیه میباشد که بر هیچیک از این حکامیکه در این ولایت آمده و رفته و هستند پوشیده نیست در باب جواب مسئله که بحق نوشته اند باین نوع هتک حرمت شود هیچکس در این باب در مقام مؤاخذه بر نیاید دیگر جرأت میشود که حق گوئی شود یا وکالت بر حق اقدام شود العاقل یکفیه الاشاره زیاده از این چه نویسم خداوند

عالم بسلامت بدارد سرکار امیر موسی خان را که بعقل و ادراک خود همه امور را رسیده و فهمیده‌اند و از رموز کار مطلع گشته‌اند هرگاه جناب ملجاء الانام از ایشان بپرسند و بنویسند حقایق امور را بایشان عرض خواهند کرد .

باقی ایام عزت مستدام باد

۲۹

نامه ایست دوستانه که در آن اشاره‌ای دارد به شورش والی زاده کردستان و پیوستن میرزا محمد حسین نام استرآبادی از استرآباد بدو و رفتن مادرش به کرمانشاهان بسراغ پسر و رفتن پسرش به آذربایجان بر اثر عقب نشینی .

بعرض مقدس میرساند که در زمانی که طایر خیال در فضای جناح حال و پرسش احوال آنصاحب بیهمال در طبران بوده رقیمة کریمه ملاطفت تمیمه که از فرط محبت و مهربانی بیادآوری این مهجور قلمی و ارسال داشته بودند واصل چون سلامتی وجود مسعود را حکایت داشت سرور غیر محصور حاصل و بخصوص میرزا محمد حسین نام استرآبادی که بآروش مرقوم فرموده که والده بیچاره اش بسراغ او الی دارالدوله کرمانشاهان آمده و از جانب مخلصان اهتمامی شده که او را پیدا نمودند بهمراهی والده روانه موطن نماید حسب الفرموده سعی مالا کلام بعمل آورده در زمان شورش والی زاده کردستان او من جمله آنها بوده است بعد از اتمام امر او میرزا محمد حسین مزبور خود را به آذربایجان کشانیده این روزها گویا در تبریز باشد هرگاه اینولا بود هرآینه مخلص او را بهر نهجی بوده است روانه میساختم از جانب مخلص اهمال و اغفالی واقع نشده است الی درین او ان عالیشان رفیع مکان حبیب الله بک غلام پیش خدمت خدمت هری باره خدمت میشد بتحریر ذریعه پرداخت متر صداست

که الی اوان دریافت... دیوانی مجاری احوال خیریت اشتمال را باهر گونه خدمات لایقه مسرت بخشای خاطر مخالصت نمای باشد.

ایام افاضت و اقبال بکام باد.

۳۰

نامه ای رسمی و دیوانی مورخ ۱۲۶۴ ه. ق.

این نامه از دیوان اعلی به ابراهیم بیگ تفنگدار نوشته شده که در باب قریه میرمحله و چوپلانی سید فضل الله و حاجی میرزا خانجان در محضر آقا محمد علی اشرفی حاضر شوند و بمرافعه امر را تمام کنند و اگر هر یک از طرفین به تعلل و تسامح برگزار کنند جریان امر به دیوان اعلی نوشته شود.

عالیشان معلی مکان ابراهیم بیگ تفنگدار را منهی میدارد که چندی قبل عالیجاه مقرب الخاقان عباس خان بیگلربیگی بعرضه بخا کپای مبارک اقدس همایون شهریاری و روحنا فداه عرض کرده بود که در باب قریه میرمحله و چوپلانی که عالیجناب سلاله السادات العظام آقا سید فضل الله و عالیجاه حاجی میرزا خانجان در دیوانخانه مبارکه التزام داده بودند که در محضر جناب عمدة الفضلاء العظام مجتهد الزمان ملا محمد علی اشرفی مرافعه تمام شود و کیل سید بمرافعه حاضر نشده امر را در عهده تعطیل گذاشته است و بناش باختلال و تضییع حق است و حسب الامر در حاشیه التزامی که عالیجناب سید بدیوانخانه منحصر بود نوشته شده بود که در صورت صدق ملک مزبور را مقرب الخاقان عباس خان متصرف شود و هر وقت که و کیل سید حاضر شود مرافعه را تمام نمایند و کردم عالیجاه بفرور نوشته مزبور را ناتمام برد و عالیجناب سید معزی الیه از کیفیت مطلع و در دیوانخانه مبارکه اظهار و خود شرفیاب حضور مبارک همایون و روحانده شده معروض داشت که مقرب الخاقان عباس خان خلاف عرض کرده است

من در اینخصوص مدت‌هاست از جناب عظمت و جلالت‌مآب اجل اعظم ملجأ‌الامم تعلیق‌ه صادر و ضمیمه حکم دیوانخانه که در التزام مه‌ور حاجی میرزا خانجان نوشته شده بوده کرده بودم و وکیل فرستادم که در خدمت جناب ملا محمدعلی مجتهد بمرافعه امر را تمام نمایند مقرب‌الخاقان بیگلربیگی تمکین بمرافعه نکرده جواب کردند سهل است بفرستاده هم اذیت نمودند و بر صدق اینمطلب استشهاد بمهر جمعی از علما و اعظام و اعیان آنحدود که از گزارش مطلع بودند در دست دارم و استشهاد را هم ابراز نموده حکم همایون بالمشافه‌ة‌العلیه شرف صدور یافت که آنعالیشان حکماً وکیل طرفی را خدمت جناب مجتهد الزمان آخوند ملا محمدعلی برده یکماهه مرافعه را باتمام رساند و اگر تعلل ورزد مورد سیاست شدید گردد لهذا با آنعالیشان بر حسب حکم محکم قلمی و تأکید میشود که بوصول نوشته با اطلاع حاکم ولایت حکماً وکیل جناب آقاسید فضل‌الله را با وکیل مقرب‌الخاقان عباس‌خان خدمت جناب معزی‌الیه برده که بترافع طی دعوی شده حکم شرعی بر حقیقت هریک از طرفین صادر گردد و از آنقرار معمول و حق را بمن‌له‌الحق موصول د[ر] و مقصود از حکمی که چندروز قبل در حاشیه التزام که بمهر جناب سید مه‌ور بود اقدام بمرافعه و اتمام امر بوده است و آنحکم منسوخ است حال که جناب سید عالیجنابان آخوند ملا اسمعیل و سید ابوالقاسم را از جانب خود وکیل کردند و در آنجا حاضر میباشند دیگر راه طفره مسدود است اگر اهماً و تغافل شود البته از تکاهل آنعالیشان است البته بطریقی که... شد وکیل هریک از طرفین که بخواهند ماطله و تعلل نموده بمرافعه حاضر نشوند نوشته از جناب مجتهد معظم‌الیه گرفته و خود عالیشان شرحی بنویسد که وکیل کدام طرف قدام کرد و کدام طرف تعلل کرد و روانه دربار معدلت‌مدار نموده که بخاکپای مبارک عرض و بدانچه حکم همایون شرف صدور یابد بعالیشان ابلاغ شود.

بتاریخ غرة شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۴ قلمی شد

نامه ایست که يك تن از طرفداران سادات به عباس خان حاکم استرabad که
املاک موقوفه ایشان را تصاحب کرده نوشته و در آن شرحی درباره
اهمیت سادات طبق احادیث نبوی قلمی کرده است .

انشاء الله تعالی عالیجاه رفعت جایگاه عزت و جلالت اکتناه عمدة الامثال والاشباه
زبدة الخوانین العظام مقرب الخاقان موفق باطاعت خالق جهان و مؤید باحسان بندگان
خداوند زمین و آسمان بوده تصاریف ایام و مرورا عوام بر آن عالیجاه مقرون بارتکاب
مرضیات الهیه باشد اولاً از محض خیرخواهی مرقوم می دارد که عمدة ثمرات حیوة
دنیا اینست که انسان مادام که جان در تن و روح در بدن دارد مرتکب اعمالی شود که
بواسطه آن اعمال فائز گردد بمثوبات اخرویه و منتعم شود بنعم باقیه ابدیه نه اینکه
العیاذ بالله صرف نماید عمر عزیز را در اموری که موجب طرد از ساحت رحمت الهیه
گردد و تکالیف عباد مختلف است و مراتب قدرت بر اقدام بامور مطلوبه محبوسه
مستحسنه متفاوت است مثلاً یکی را قدرت همین قدر است که خود را بنفسه بر امتثال
اوامر و اقدام بعبادات بدارد مطلوب در حق او همین قدر است و دیگری را علاوه بر این
قدرت این هست که دیگران را نیز هدایت نموده نحوی نماید که دیگران نیز سالک
مسلك اطاعت و عبودیت شوند مطلوب در حق او اقدام بر این امر است و همچنین
شخصی را قدرت احسان بیک نفر است مطلوب در حق او همان است و شخصی فرضاً
قادر بر احسان بر صد نفر یا هزار نفر یا خلق ولایتی مطلوب در حق او آن است پس آن
خداوندی که بقدرت کامله و مرحمت شامله خود شما را مسلط بر خلقی و حاکم
بر ولایتی گردانیده و قدرت اینمعنی دارید که احسان بر خلقی کثیر کرده
باشید مطلوب از شما همان است و هرگاه خلاف آن العیاذ بالله از شما صادر شود

ندامت و پشیمانی خواهید کشید و معلوم است مراتب اشخاص که احسان بآنها لازم است نیز مختلف و متفاوت است و مراتب احسان نیز باین واسطه متفاوت میشود مثلاً احسان بسادات عالیدرجات و اعانت ذریه طیبه فخر کاینات علیه و علی آله آلاف التحیات اعلی مراتب احسان و اقصى مدارج اعانت است خصوصاً هرگاه این سلسله علیه بمراتب فضل و تقوی بمدارج دیانت و هدی مزین و محلی بوده باشند چنانچه از حضرت امام المغارب و المشارق مولانا جعفر الصادق صلوات الله علیه مرویست که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار طایفه را من شفاعت میکنم اگرچه گناه هر يك بقدر گناهان اهل دنیا باشد کسی که گرامی دارد ذریه مرا و کسی که حاجت ایشان را بر آورد و کسی که سعی در حوایج ایشان نماید و کسی که ایشان را دوست دارد بدل و زبان و نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که آن حضرت فرمودند کسی که اعانت کند ذریه مرا در دنیا بقیراطی مکافات میدهم او را در آخرت بقنطاری مخفی نماند که بیست و دو قیراط یکمئقال است و یکی از تفاسیر قنطار اینست که پوست گاوی که مملو از زر بوده باشد پس خوشا بر احوال بنده که در احسان بذریه فخر کاینات ساعی و داعی بوده باشد و چنانچه احسان بذریه آنجناب احصای ثواب آن و ثمرات مترتبه بر آنرا نمیتوان نمود همچنین در مقابل در خصوص ایدای ذریه آن جناب العیاذ بالله عقوبات مترتب است که تعقل آن نمیتوان نمود چنانچه از مولای امم و هادی طریق یقین حضرت امیر المؤمنین علیه التحیه من رب العالمین مرویست که فرمودند حرام است بهشت بر کسی که ظلم کند اهل بیت مرا و اذیت کند مرا در اعقاب من و هر کس که بکند نیکوئی باحدی از اولاد عبدالمطلب و او جزان داده باشد او را بر آن نیکی پس من جزای او را میدهم فردای قیامت در هنگامی که ملاقات کند مرا و مرویست که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بخدا قسم شفاعت نمی کنم در

حق کسیکه آزار رسانیده باشد ذریهٔ مرا و نیز مرویست که دخترابی لهب از مکّه معظمه هجرت کرد و وارد مدینه طیبه شد روزی شخصی باو گفت که دفع نمی کند از تو هجرت تو عذاب و ننگ را تو دختر حطب الناری پس عرض کرد سخن آن شخص را بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله پس شدید شد غضب آنحضرت پس بر منبر برآمد و فرمود چه میرسد بخاطر جمعی که آزار می کنند مرا در آزار نمودن خویشان من آگاه باشید کسی که آزار کند خویشان مرا پس بتحقیق آزار کرده است مرا و کسی که آزار کند مرا آزار کرده است خدا را بعد از التفات بمراتب مر قومه بر صفحه خیر خواهی می نگارد که عالیجناب قدسی القاب فضایل و معارف اکتساب محامد و محاسن آداب زبده النجباء الاطیاب محبوب مکرم آقا سید فضل الله زید فضل و تقویه از جمله اخیار علما و اتقیا و صلحا و اجله سادات و منسوب بفخر کاینات علیه و علی آله آلاف التحیات میباشند و مدتی در اصفهان تشریف داشتند جز خیر و نیکی از ایشان و محاسن اخلاق مطلع نشدیم انصاف اینست که سیدی است جلیل القدر احترام ایشان از جهات عدیده لازم و سزاوار است اهل بلدی که ایشان از آن بلد در آن بلد بوده باشند فخر کنند بوجود مثل ایشان و از جان و دل خدمت بایشان کنند نه اینکه سلوک بایشان نحوی نمایند که موجب تألم و آزار ایشان العیاذ بالله بشود ملاحظه فرمائید در حدیث سابق الذکر که جناب رسالت مآب فرمودند هر که اذیت کند ذریهٔ مرا اذیت کرده باشد مرا و هر که اذیت کند مرا اذیت کرده باشد خدا را حیف نباشد از مثل بلدی که مثل عالیجاه عباس خان که باین خوبی و نجابت و همت و مکنّت و عزت و اخلاص بخاندان سیادت و فضیلت حاکم بوده باشد و امور مثل عالیجناب مومی الیه مختل و غیر منتظم بوده باشد مگر شما حکایت حاکم اهواز را که از شیعیان حضرت ابی عبدالله جعفر الصادق صلوات الله علیه بود نشنیده اید با آنکه از حیثیت عزت و دولت و اخلاص بخانواده رسالت کمتر

میباشید جماعتی از اصحاب مارضوان الله عليهم روایت نمود مردی از اهل دهاقین مسمی بود بنجاشی و آن شخص عامل اهواز بود و اهواز بنابر آنچه صاحب قاموس ذکر نموده چند قریه است مابین بصره و فارس پس شخصی از عمال آن عامل شرفیاب خدمت حضرت ابی عبدالله علیه السلام شد و عرض نمود که من بدیوان نجاشی خراجی باید بدهم و نجاشی از جمله شیعیان شما میباشد هرگاه مصلحت میدانید او را سرافراز [کنید] بتوقیع رفیع خود مبتنی بر سفارش من پس آنحضرت نوشتند بسوی او کتابی باین مضمون بسم الله الرحمن الرحیم سر آخاک یسرک الله مسرور گردان برادر دینی خود را مسرور می گرداند خداوند عالم تو را پس آن شخص فرمان حضرت را برد و وارد شد بر نجاشی در حالتی که در مجلس حکومت جالس بود بعد از آنکه خلوت شد نزدیک برد فرمان حضرت را و گفت که این کتاب مستطاب ابی عبدالله علیه السلام است پس بوسید آنرا و گذارد بر دو چشم خود و گفت چه چیز است حاجت تو آن شخص گفت بر من خراجی است در دیوان تو گفت چه قدر است گفت ده هزار درهم پس طلبید نویسنده خود را و امر کرد او را بادای آن و معادل همین مبلغ قرارداد که در سال آینده ایصال با و نمایند پس گفت آیا مسرور گردانیدم تو را پس گفت بلی پس امر کرد بده هزار درهم دیگر بجهة او پس گفت آیا مسرور کردم تو را پس گفت بلی فدای تو کردم پس امر کرد از برای او بمرکبی پس امر کرد از برای او بجاریه و غلامی و بقیچه لباسی در هر مرتبه می گفت آیا مسرور کردم تو را و اومی گفت بلی و او زیاده می کرد عطایا را تا آنکه فراغت حاصل شد بعد از آن گفت برچین فروش این خانه را که در آن مرا شرف کتاب ابی عبدالله علیه السلام مشرف ساختی و تصرف نماو بدون مسامله هر حاجتی که از برای تو باشد مرا بآن مطلع بساز تا بر آورم بعد از آن

آن شخص مسرور الخاطر بیرون آمد پس بخدمت حضرت ابی عبدالله مشرف شد بعد از آن پس عرض کرد واقعه را بخدمت آن حضرت بنحویکه وقوع یافته بود پس ملاحظه نمود بشاشت و بشارت در روی مبارک آن حضرت بجهة محاسنی که از آنشخص صدور یافته بود پس آن مرد خدمت حضرت عرض نمود یا بن رسول الله گویا این سلوک نجاشی بامن شما را مسرور نمود حضرت فرمودند آری قسم بخدا بتحقیق مسرور گردانید خدا را و رسول خدا را تأمل کنید در صورتیکه نجاشی بالنسبه بغیر ذریه حضرت رسالت این احسانرا نمود و احسان او موجب سرور امام زمان و موجب سرور پیغمبر جهانیان و موجب سرور خداوند جهان بوده باشد هر گاه چنین احسانی بالنسبه بذریه حضرت رسالت شود ثمرات آن چه خواهد بود و حال آنکه ارادت و اخلاص آن عالیه بایمان از نجاشی کمتر نباید بوده باشد و بالقطع استحقاق و قابلیت جناب سید زیاده از آن شخص است بناءً علیه باعث چه شده فرامین ایشانرا در خصوص تیول قری و مزارع و وظایف و مستمری جاری ننموده اید فرض می کنیم این احسانها از بندگان ظل الله بایشان نشده بود مطلوب و مستحسن در حق شما این بود که خود جمیع حوایج و مطالب ایشان را بانجاح مقرون نموده باشید که مطلقاً احدی بر آن غیر از خداوند جهان مطلع نشده باشد آخر شما تأمل کنید پیش خود هر گاه مسرت ایشان بتصرف در ملک یا قریه که بتصرف شما است حاصل میشود چه قابلیت دارد شخص ملک خراب دنیا را نگاه دارد و ندهد هزار مقابل آن از شهرهای معمور آبادان بهشت عنبر سرشت که نعم آن ابدی و لذت آن دائمی است بستاند البته در این معامله کوتاهی نفرمائید که هر گاه مسامحه کنید غبن عظیم و حسرت بسیار خواهید داشت مجملأً صلاح دین و دنیای شما اینست که در مقام تحصیل سرور جناب سید مکرم بر آمده نحوی نمائید که جمیع امور ایشان از وظایف و مستمری و تیول موافق خاطر خواه جناب سید شده باشد مشعوف القلب و مسرور الخاطر روانه عتبات عالیات

عرش درجات شده در آن‌جا مشغول دعاگوئی و نیابت زیارت بوده باشند.
والسلام علی من اتبع الهدی

۴۲

سواد نامه ایست که ظاهراً یکی از طرفداران سادات به دیوان اعلیٰ نوشته و پس از مقدمه‌ای طولانی در اهمیت سادات از دستگاه خواسته است که وظیفه و مقرری سادات را به ایشان برسانند و املاک وقفی ایشان که در تصرف و تیول عباس خان حاکم استرآباد است و راضی به اجرای فرامین و احکام نشده قسمی نمایند که این امر مطابق رضای الهی جاری و مستمر گردد.

هوالمعز

بعرض میرساند که چون مقصود از ترقیم این مکتوب ترغیب بر صله ارحام رسول انام و تشویق بر ابتاء اجر رسالت برگزیده ملک علام علیه و علی آله آلاف التحية والسلام است و منظور ایراد حکایت معتبری است مناسب این مقام لهذا اعراض از تعارفات رسمیه نموده باصل مقصد پرداخت و عرض میشود که علامه اعلیٰ الله مقامه در کشف الیقین از کتاب ابن جوزی و او از جدش ابی الفرج که باستاد خود رسانیده باین خصیب که گفت بودم نویسنده مادر متوکل خلیفه پس روزی خادم صغیری از مادر متوکل نزد من آمد باکیسه‌زری که هزار اشرفی در آن بود و گفت مادر خلیفه میگوید این مبلغ را بمستحقین بده که از حلال‌ترین مال من است و بنویس اسم جمعی را که بایشان میدهی تا آنکه هرگاه بعد ازین نزد من آیند چیزی بایشان بدهم ابن خصیب گفت بخانه رفتم و مردم خود را جمع کردم و از ایشان سؤال مستحقین را کردم جمعی را نشان دادند بایشان سیصد اشرفی دادم باقیش نزد من ماند تا نصف شب که

ناگاه شخصی درخانه را میزد پرسیدم کیستی گفت فلان مرد علویم و او همسایه من بود رخصت داخل شدن باو دادم و گفتم مقصود از آمدن در این وقت چیست گفت گرسنه‌ام پس یکعدد اشرفی ازوجه مذکور باو دادم پس نزد زوجه خود رفتم پرسید چه کس بود که تورا در این وقت میخواست گفتم شخصی از اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله و نبود نزد من چیزیکه باو اطعام کنم پس دادم باو يك اشرفی گرفت و دعا کرد و رفت زوجه من از خانه بیرون آمد گریه کنان و میگفت حیانداری که اولاد پیغمبر را يك اشرفی می‌دهی و حال آنکه استحقاق او را میدانی آنچه مانده است باو بده سخن او در دل من اثر کرد از عقب آن سید رفتم و کیسه اشرفی را باو دادم چون برگشتم بخانه خود پشیمان شدم و با خود گفتم این خبر بمتوکل میرسد و مرا میکشد چونکه با علویین دشمن است و زوجه من گفت مترس و توکل نما بر خدا و جد علویین در این سخن بودیم که درخانه را زدند و مشعلها در دست خادمان ظاهر شد و میگفتند تورا می‌طلبید مادر متوکل برخوایم بترس و اندیشه و اندک راهی که میرفتم رسولی متواتر میرسید در طلب من پس در پس پرده سیده خود ایستادم شنیدم که میگفت ای احمد و ظاهر این است که احمد اسم ابن خصیب بوده جزا دهد تو را خدا به خیر و نیکوئی و جزا دهد زوجه تو را که بودم در این ساعت خوابیده و در خواب من آمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و گفت جزا دهد تورا خدا خیر و جزا دهد زوجه ابن خصیب را خیر چیست معنی این کلام و چه نیکی از شما بفعل آمده پس حکایت را تمام باو گفتم و او گریه میکرد پس بیرون فرستاد اشرفی بسیار و جامه و گفت این از علوی و این از زوجه تو و این از تو و آنچه فرستاد مساوی صد هزار درهم بود پس آن مال را گرفتم و آمدم براه خانه علوی پس زدم در خانه او را از اندرون خانه گفت یا احمد بی‌زور آنچه با

تو هست و بیرون آمد و حال آنکه گریه میکرد سبب گریه را پرسیدم گفت چون داخل منزل خود شدم بمن گفت زوجه من چیست باتو باو گفتم واقعه را با من گفت برخیز تا آنکه نماز کنیم و دعا در حق مادر متوکل و احمد و زوجه او کنیم بعد از این خوابیدیم پس در خواب دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله را که میفرمود بتحقیق که شما شکر کردید بآنچه از احسان بتو کردند در این ساعت می آورند از برای تو چیزی قبول کن و نیز عرض میشود که قال رسول الله صلی الله علیه و آله اربعة انا شفیع لهم يوم القيمة ولو جاءو بذنوب اهل الدنيا المکرم لذریتی و القاضی لهم حوائجهم و المحب لهم بقلبه و لسانه و الساعی فی امورهم بعد از تمهید این مقدمه زحمت میدهد که عالیجناب قدسی القاب فضایل و معارف اکتساب زبدة العلماء الانجاب عمدة السادات الاطیاب محبوب مکرم معظم آقا سید فضل الله استرآبادی زید فضلہ از جمله اجله نجبای سادات عالی درجات و اعزّه طلاب علوم دینیہ و علما میباشند مطلع از احوال و اوضاع ایشان شده ایم بجهات عدیده واجب الرعاية و لازم الاحترام میباشند مطالبی چند دارند که هر گاه فی الجملة التفاتی بفرمائید امر ایشان منتظم خواهد شد بجهة آنکه احداث امر جدید و قرار تازه در نظر ندارند الا آنکه بندگان شاهنشاه اسلام پناه مد الله ظله علی الرؤس و الجباه از راه مرحمت فرامینی بایشان عنایت فرموده اند در خصوص حق الارض پنج دانگ قریه میرو محلّه و مزرعه چوپلانی که بایشان برسانند نظر بفرامین سلاطین سلف و خلف و حکم بعض علماء عصر که این خادم شریعت مطهره بر لزوم متابعت آن حکمی مرقوم داشته مفاد آنها و قیّت پنج دانگ قریه و مزرعه است و همچنین در خصوص بیست و پنج خروار شلتوک که بعنوان وظیفه و مستمری بمعزی الیه مرحمت فرموده اند و انضباط امر وظیفه و مستمری سابق ایشان چون قریه مزبوره از قراریکه مذکور شد در تصرف و تیول مقرب الخاقان عباس خان حاکم استرآباد است مومی الیه راضی باجرای فرامین و

احکام نشده لهذا قسمی فرمائید که این امر مطابق رضای الهی جاری و مستمر گردد و همچنین توقع دیگر آنکه مستدعی میباشد که بیست و پنج خروار شلتوک مستمری ایشان بازاء مالیات قریه فوجرد یادودانگک علویکلانه محسوب شود و از قریه مزبوره معادل آن تیول فرموده باشند البته ملتفت اینمعی میباشد که ضعیفه باضعف عقل و قصور فهم چگونه حسنه از او صدور یافت که در دنیا مستحق چه نحو عنایات شد علاوه بر آنچه مشوبات اخرویه بمقتضای حدیث نبوی بجهة آنها مهیا است هرگز راضی نخواهیم شد ما بادعای مردانگی و عقل و فهم و تمکن از آن نسوان کمتر باشیم و قسمی نمائیم که رسول خدا و باعث ایجاد ارض و سماء را از خود راضی نمائیم و فائز گردیم بمشوبات غیر متناهی زیاده زحمت نمی دهد و حاجت هم نیست و همین قدر هم کافیست. والسلام علیکم و رحمة الله

۴۴۳

نامه ایست که یکی از مراجع شرع به دیگری نوشته و جواب ایراداتی را که ظاهراً در نامه ای که بدو نوشته بوده، داده است. این نامه از نظر نافذ نبودن احکام در مقابل زور حکام و اختلاف نظر محاضر و محاکم قابل مطالعه است.

غرض آن که از اقل اذل که سخنان غیر مناسب صادر نشد الا اینکه گفتم که معاملات استرabad را علمای آن بلد بهتر و قوف دارند چون خطوط و امهار و احوالات علما و اخبار و امور واقعه و شواهد متضمنه و قرائن و افیه را چون اهل البیتنداری اند با اینکه شما نوشتجات بداعی در باب سرطاق نوشتید که هر که می شنید دماغش می سوخت در فقاقت و جمله مراتب شبهه گردید حتی اینکه داعی از شما هرگز گویا خواهش نکرده بودم عرض کرده بودم از روی وقفنامه و نوشته سابقه چیزی

مرقوم دارید که تولیت با اورع و اتقی است در جواب چیزی نوشتید که هیچ بکاری نمی‌خورد خلاصه اجابت نفرمودید سهل است مرقوم داشتید که فلانی سابق اجاره داده است تو مداخله مکن و حال اینکه عنوان اورع و اتقی بود نه مطلق حاکم اسبق لحوق ملاحظه شود تا اینکه همه آقایان به ارض اقدس در یوم سیم رئیس رفته بودیم بعد از سه چهار ماه با شاه و اعتضادالدوله به استرآباد آمدند در این مرحله گفتگوی ایشان شده بود ادعا نمودند در روزی که نعش مرحوم رئیس را آوردند ما اجاره دادیم در این سال داعی استحضار نداشت تصرفات کرده بود و حال اینکه محض اجاره علی‌الظاهر تصرف در موقوفه می‌شود خاصه با عدم ملاحظه غبطه چون اجاره ایشان در شصت خروار و اجاره داعی در هشتاد بود و اسم آفازاده در اجاره محض حرف بود و اجاره به دماوندیها نیز يك خلاف مصلحت وقف بوده چنانکه مرحوم رئیس ابدأ اجاره به ایشان نمی‌داد چنانکه حال از حکم سرکار تخلف و انحراف ورزیده از شاهزاده اجاره کردند این هم عمده دلیل براعتبار ایشان است با این همه دست برداشتم مؤمن هم نتوانست بگیرد آن شاهزاده شلتوك آنرا بدستیاری دماوندیها سوخت سیاه کرد گذشتم که دیگر چیزی خواهش از غیر امام (ع) نخواهم کرد اگر از خودکاری پیش بردم فبها المطلوب والا بجائی نمی‌نویسم و اما در واقعه سادات و خوانین در واقعه چوپلانی در سابق حسب التاریخ المزبور نوشتند داعی رسیدگی کرده بودم هنگامی که خوانین در استرآباد بودند نوشتجات ایشان را در آن وقت دیدم و حال حسب الفرمایش نوشتجات طرفین را نیز ملاحظه نمودم خلاصه آنچه من یافتم حق با سادات است قصه کونهم علی‌الحق آنکه در باب حکم مرحوم حاجی ملارضا اعلی الله مقامه بقدریست نفر... معمرین و غیرهم از اصل و فرع در محضر اقل تأیید کرده بودند بر اینکه حاجی اجبار بحکم نمود در آن واقعه و جمعی از علما و سادات نیز در اشتهاد اخبار بحکم را از حاجی مرحوم حکایت نموده

بود به اصل ضدو رد وداعی اخبار را در صورت بقاء دوام حکومت و منتقدان نافذ می‌دانم از آن جمله جناب ملا رضاعلی که سلمان زمان بود در این خصوص به خط خود نوشته بود و عبارت خود حاجی نیز دال بر این است به تصریح حکمی بر موضوع فتوائی چنانکه مرحوم حاجی ملا محمد تقی فهمیده و آخوند رئیس رحمة الله آنرا پسندیده و گفته که با قلت بضاعت این واقعه را خوب فهمیده و ایضاً در آن طبقه همه علماء حکایت وقف را نوشتند و اجلاء سادات نیز بر وقف شهادت نوشتن حاجی ملا آقا بابا... کندی آخوند ملا علی کندهابی که در آن زمان عالم موثق بودند در باب وقف نوشتن مرحوم حاجی ملا عباسعلی و مرحوم حاجی سید نصر الله استر ابادی که در طهران بود همه در مضمون وقف عریضه نوشته خلاصه طبقه قبل از شریعت مدار همه علماء بر - وقفیت نوشتن و مرحوم شریعت مدار نیز بر امضای احکام نوشتجات عدیده نوشت در اول نوشتجات عدیده حسب الآثار التصرف از مرحومان رضاخان و امامقلی خان در قلم آورد و بعد از ملاحظه احکام سادات امضای احکام ایشان نمود و بعدها بر همین مصر بود تا اینکه عباسخان بیگلربیگی با او بد افتاد بجهة همین در آخر حاجی حسنخان را در اشرف چوب زد و به اندک التفاتی معلوم می‌شود که این نوشتجات تاریخی مؤخرند با اینکه قباله و بنچاقات و استرشادات خوب بر وقفیت دارند و نوشتجات معتبره بسیار در این باب دارند و ایضاً امام جمعه طهران نوشته نظر بنوشته حاجی ملا رضا که مشروحاً قلمی داشته معلوم می‌شود که حاجی نوشته دیگر ابسطی نوشته بود که حال در بین نیست خلاصه شواهد و ضمائم و قرائن همه را نمی‌شود در تحریر آورد و اما توهین اینکه حکم مرحوم حاجی چرا عمل نشد واضح است با حکومت رضا خان و امامقلی خان و بودن ایشان مقرب الخاقان البته حکم پیش نمی‌رفت از سادات ضعیف چه کار ساخته می‌شد، و احتمال اینکه حاجی مرحوم مراجعه نمود و

یا حکم اوثق برخلاف صادر شده که حکم معمول نشده پس حال نمی‌شود به مقتضای آن حکم کرد بی‌وجه است زیرا که این مثمر است در صورت تجدید و تعدد آن یاد در صورت احتمال این و اما در صورتی که ید واحد باشد همان ید رضاخان وارث از او مستمر باشد پس در صورتی که حکم بر غصبیت صادر شده البته مستصحب است و احتمال مجوز بیع وقف نیز راه ندارد زیرا که قریه می‌رود و محله از زمان رضاخان تاحال معموره و از دهات معظمه استرآباد است مجوز بیع در دست نیست و انگهی اشیاع ایشان از طوایف دیگر شده و از زمان حکم مرحوم حاجی الی حال قطعاً مجوز بیع نباشد و اما نوشتجات قاجار و خوانین از قباله و بنچاق که مهر معروفی در آنها نیست منتهی اینکه سواد مطابق اصل است مهر بسیار دارد از معتبرین و غیرهم وافی دلیل نمی‌شود و انگهی کسی درست ملاحظه کند در آن قباله و خطوط اجاره ملکیت ایشان ظاهر می‌شود زیرا که اجاره می‌رود محله هزار خروار استرآبادی و آب آن قریه رودخانه عظیمه ترنگ است و حال مرحوم آن قریه را از فلان و فلان خریده به مبلغ کمی که هر دو قریه به يك صد و پنجاه تومان نمی‌رسد و علمای بعد از مرحوم حاجی ملارضا بعد از استحضار همه امضای حکم ایشان در نوشتن حتی مرحوم آخوند رئیس شهید و مرحوم حاجی ملا محمد تقی الا آنکه در آخر بجهة اینکه این حکم بر موضوع فتوایی است نه حاصل خصومت بحسب آثار تصرف چیزی نوشتن و انگهی در بسیار جاها دیدم که شما بر حکم بعض که لفظ قضیت و الزمیت نداشت و لفظ حکم محقق ارجاع نشده امضا نوشتید این نیز مثل آن وقایع است باری وثوق و اطمینان به اجبار مرحوم حاجی به صدور حکم کردم حال شما می‌خواهید قاجار را حسب آثار تصرف صورت حکم مرحمت کنید اختیار دارید و سادات بصلح راضی نمیشوند

۳۴

نامه مورخ ۱۲۶۰ ه. ق.

نامه ایست که به شاه رخ خان صاحب اختیار استر اباد در باره سید فضل الله
استر ابادی نوشته اند تا وظایف ایشان را تحویل دهند و قراء موقوفه
ایشان را به تصرف خود ایشان واگذارند.

هو

عرض می شود چون جناب قدوة العلماء آقا سید فضل الله استر ابادی از جمله
دعاگویان خاص اقدس همایون شاهی روحنا فداه و از اشراف علمای استر اباد است و
رعایت جانب ایشان را از هر جهة طالبم سابقاً از شما خواهم نمودم و نوشته هم
فرستادم و جناب آقائی حاجی دام مجده العالی هم شرحی درینخصوص مرقوم
فرمودند که مزرعه و قریه چوپلانی و میر محله و قفی هر [دو] در تصرف خود جناب
معزی الیه باشد و از جمیع علماء احکام شرعی در دست دارد و امضای حکم مرحوم
مغفور حجة الاسلام حاج سید محمد باقر اعلی الله مقامه را در دست دارد و شما هم
تعهد نمودید که با جناب سید کمال رفتار را کرده قراء مزبور را بتصرف ایشان واگذار
داشته و احدی را نگذارید که دخل و تصرف کند و مستمری جناب مشار الیه و کسان
او را که بخرج دستور العمل شما منظور شده است برسانید از قراریکه مذکور افتاد
با آن همه تعهدات رعایت جناب معظم الیه را منظور نداشته اید و بکسان ایشان محبت
نکرده اید و وظایف ایشان را با آنکه بخرج شما آمده است نداده اید جمیع ارباب
وظایف را از خود راضی نموده اید جز کسان او را که از خود دل شکسته داشته اید

باری مجدداً نگارش می‌شود و بخصوص از شما خواهش دارم که کمال محبت را نموده رعایت جناب سید را منظور داشته دهات مزبور را قدغن ننمائید که احدی مداخله نکند و بتصرف خود ایشان واگذار باشد و وظایف کسان ایشان را برسانید که کمال رضامندی را حاصل خواهم نموده و اینمعنی موجب رضامندی و خوشنودی من است البته البته ازین قرار رفتار کرده کوتاهی ننمائید.

تحریراً فی غرة شهر ذی الحجة الحرام سنة ۱۲۶۰

[بر بالای این نامه باخطی که خلاف جهت سطور متن نوشته شده عبارت

زیر است :]

نواب شاهرخ خان صاحب اختیار استرآباد مفتوح شده ۸۶۴۲.

۴۵

نامه ایست رسمی و دیوانی مورخ ۱۲۷۴ هـ . ق .

در این نامه پس از سفر قاری قلعه رضاییگ پیشخدمت خاصه را به استرآباد فرستاده اند تا مراحم خسروانه را به هریک از همراهان ابلاغ نماید و برای ایلخانی هم یک ثوب جبۀ ترمه کرمانی فرستاده اند.

عالیجاها مجدت و نجدت همراهان نورچشما اینمعنی اظهر من الشمس است و احتیاج به بیان ندارد که اهالی استرآباد خاصه آن عالیجاه از پدر و اجداد نسبت باین دولت ابد بنیاد از همه اهل ایران بقدمت خدمت و سبقت فدویت سمت برتری دارند و در حقیقت آنولایت ام‌البلدان و اهالی آنجا فطرتاً مولود بر خدمتگزاری و ارادت شعاری این دولت جاوید بنیان میباشد و اعلیحضرت قدر قدرت شاهشاهی روحفاده همواره بذل عنایات مخصوصه را در باره هریک از اهل آنولا منظور نظر مرحمت انتماء

دارند لهذا در این اوقات که زحمت سفر قاری قلعه و خدمت اهل آنولایت مسموع بار یافتگان حضور مهر ظهور گردید محض اظهار عنایت شاهانه عالیجاه اعزی محمدرضا بیگ پیشخدمت خودم از رکاب مستطاب مأمور آنولا شد که مراتب مراحم خسروی را بهر يك ابلاغ نموده بعواطف خاطر بیضا مظاهر امیدوارشان سازد و نظر بآنکه از خدمات آنعالیجاه مقرب الخاقان برادر مهربان ایلخانی بخصوصه اظهار رضامندی نموده بودند از جانب سنی الجوانب همایون يك ثوب جبۀ ترمۀ کرمانی برسم خلعت دربارۀ عالیجاه مرحمت گردید مصحوب مشارالیه ایفاد شد باید از ظهور اینگونه عنایت بر مراتب صداقت شعاری و خدمتگزاری افزوده یوماً فیوماً حس خدمت خود را ظاهر سازد و مورد مزید عنایات شاهانه آید یقین است که استر ابادی بغیرت خود نخواهد پسندند که ترکمان یموت باینطور جری شده بی اعتدالی نماید و انشاء الله تعالی بامقرب الخاقان برادر مهربان یکدل و یکزبان و همدست و همدستان شده بزودی تلافی آن خسارت طایفۀ ضالۀ مزبوره را بخوبی بکنید و مردانگی و جلالت خود را و قطعاً در اظهار خدمت و فدویت نسبت بدولت قوی شوکت خودداری نخواهند نمود و هرگونه مهمی که داشته باشد نیز قلمی و اظهار دارد که بانجام خواهد رسید زیاده ضرور تأکید نیست.

تحریرا فی شهر رمضان المبارک سنۀ ۱۲۷۴

نامه‌ای شکایت آمیز بامهر هفده تن از سکنه محله باغشاه استرآباد به شاهزاده امیرخان سردار که حمام شاه از ابنیه شاه عباس است که پس از خرابی، اهل گذر آن را آباد کرده‌اند و اجاره آن وقف بر فقرا و ضعفاست و کسانی که دستشان تنگ است مجاناً به حمام می‌روند اکنون آقا شیخعلی طمع در این حمام کرده و می‌خواهد صیغه بخواند و هر شب با برادر و پسرش چوب و چماق می‌کشد و قصد آن دارد، نوعی فرمایند که اسباب آسودگی ساکنان این محله فراهم آید.

فدای وجود مبارکت شویم عرض و استدعای اقل دعاگویان آقایان سادات و حضرات قاجاریه و سایر سکنه محله باغشاه بذروه آستان ملائک پاسبان حضرت مستطاب ارفع امجد والا شاهزاده امیرخان سردار روحفاده آنست که در خصوص حمام شاه که از ابنیه خلد آشیان علین مکان شاه عباس طاب ثراه می‌باشد سالهای قدیم خراب شده بود همین اهل گذر آباء و اجداد دعاگویان در مقام مرمت آن برآمدند و همواره وجه اجاره آن وقف بر فقرا و ضعفاست و فقره مجاناً بحمام میرفته‌اند و ملای این محله بصلاح و صواب دید اهل محله صیغه می‌خواند من جمله از آن ملاها یکی آقا شیخعلی است چون آقای مزبور شخصی است پر طمع و بی‌دیانت مقصود او این است که تمام وجه اجاره حمام را خودش بتنها بلع نماید و علاوه قصد تملیک هم دور نیست اگر پیشرفت کند داشته باشد و این علامت و آثاری که از آن پادشاه کامکار یادگار مانده که اسباب خدا بیامرزی است می‌خواهد از صفحه روزگار براندازد لهذا دعاگویان محض مراعات حال فقرا و ابقاء نام نیک از برای آن پادشاه راضی نیستیم که آقا شیخعلی حمام را صیغه بخواند و پای او دخیل باشد حسب فرمان حضرت والا جناب آقا شیخ عبدالکریم برضایت اهل گذر حمام را صیغه خوانده دادند به

محمد جعفر نام بمواظبت و رسیدگی برادرش استاد اسمعیل سالی مبلغ شصت پنج تومان که بیست پنج تومان قبض از برای فقرا از قرار تفصیل در خارج موضوع شد بیست تومان هم قرار شد که مرحوم حاجی محمد حسن يك جای نمازخانه در حمام بسازد و مابقی وجه اجاره نزد شخص معتبری باشد هر وقت خرابی به حمام وارد آمد در مصارف آن مصروف دارند و حال این محمد جعفر نام مستأجر شخصی است بی اعتبار و بی کفایت از عهده نگاهداری حمام بر نمی آید می خواهد استاد اسمعیل برود سر حمام شیخعلی بابرادر و پسرش هر شب چوب و چماق می کشند خیال افساد دارند می خواهند دعاگویان را متهم سازند و استاد اسمعیل بهمه جهت آراسته است از عهده نگاهداشتن حمام و پرداختن وجه اجاره بر می آید مستدعی آنکه مقرر فرمائید او سر حمام بنشیند بجلال قدر الهی و بولای حضرت رسالت پناهی و بسر مبارک حضرت والا قسم است که دعاگویان بجز احیای حمام و مراعات حال فقرا دیگر غرضی نداریم حمام مال شاه است و حضرت والا هم شاه وارث می باشند نوعی فرمائید که اسباب آسودگی از برای سادات ذریه رسول الله بشود از روی امیدواری بدعای دوام دولت قاهره و حضرت والا اشتغال داشته باشیم خداوند انشاء الله ظل مرحمت حضرت ظل الهی و سایه عنایت حضرت والا را از سر دعاگویان کم نفرماید .

بمحمد وآله امر کم العالی مطاع

نامه‌ای مورخ ۱۳۶۱ ه. ق.

در این نامه تأکید شده است که وظایف استمراری آقا سید فضل الله استرآبادی را به او برسانند و املاک موقوفه‌خاندان او را کما فی السابق به دست او بسپارند.

عرض می‌شود که چندی قبل هنگام رفتن به بروجرد شرحی بخصوص نظم کار و رسیدن وظیفه جناب قدوة العلماء آقا سید فضل الله استرآبادی اظهار شده بود که از قرار احکام مجتهدین و حکم مرحوم مغفور حاجی سید محمد باقر اعلى الله مقامه و حکم مرحوم مغفور حاجی محمد ابراهیم قریه میر محله و چوپلانی وقفی باید کما فی السابق در دست خود جناب معزی‌الیه باشد و وظایف استمراری خود معزی‌الیه و کسان او را برسانند از قراریکه معلوم شد در اوایل نوشته مرا مجری داشتند و پس از استماع خبر حرکت بروجرد کوتاه انداخته باز همراهی نکردید با آنکه می‌دانید که جناب سید مرد بزرگ نجیب محترمی است باری باز مجدداً خواهش میکنم که در قرار همان نوشته سابق بهمان قسمی که همراهی کرده بودید باز نهایت رعایت را منظور داشته معمول دارید عیبی ندارد يك کار هم بجهة آخرت بکنید و خواهش مرا معمول دارید و رضای خاطر مرا منظور دارید.

تحریرا فی ۱۲ شهر جمادی الاول سنة ۱۳۶۱

نامه‌ای به اعتضادالدوله.

این نامه در بارهٔ قریهٔ چوپلانی است که در هنگام خرابی، سادات سه‌دانگ آن را به میرزا محمد مستوفی که مأمور خدمت استرآباد بوده و اگذار کردند که آن قریه را آباد کند و او طبق قرارداد عمل کرد و سهم خود را تصرف نمود. از سال گذشته ورثهٔ عباس‌خان مدعی آنجا شده‌اند، از آن مخدوم می‌خواهیم که طرفین را به مرافعه بفرستند.

مخدوما اوقاتیکه مرحوم میرزا محمد مستوفی مأمور خدمت استرآباد شده بود سادات چوپلانی بواسطهٔ خرابی قریهٔ چوپلان سه‌دانگ از قریهٔ مزبوره را بمرحوم مشارالیه بانتهال شرعیه منتقل ساخته بودند که در مقام آبادی آنجا برآید و آن قریه را آبادان نماید و مرحوم میرزا محمد بشرط مقرر قیام کرده آنجا را آباد نمود و حق خود را متصرف شد و بر طبق قبالةٔ ممهور بمهر علماء فرمان جهان مطاع نیز در این باب صادر کرد و خود آن مرحوم حین الحیات و پس از او وارث و سادات هر کس بقدر الحصه آن قریه را تصرف داشتند و منافع آنجا را بر میداشتند تا آنکه در سنهٔ ماضیه از قرار مذکور ورثهٔ مرحوم عباس‌خان مدعی آنجا شده بودند و نوشته از مرحوم رئیس العلماء ملا محمد رضا گرفته و بآن وسیله قریهٔ مزبوره را بتصرف خود در آورده‌اند و اکنون سخن ساداة و مالکین براین است که این فقره در نزد مرحوم رئیس العلماء باشتباه گذشته بود و بجهت اغتشاش آن ولایت فرصت رفع شبهه نبود حال ورثهٔ

عباس‌خان خواه دربلده استرآباد یا دارالخلافة طهران هر جا که راضی باشند مرافعه میکنیم و رفع این اشتباه را در خدمت علماء می نمایم علی‌هذا در مقام زحمت برآمدم که آن مخدوم طرفین را احضار کرده هر جا را که خود آنها اختیار کنند و مرضی الطرفین باشد مدعی و مدعی‌علیه را بمرافعه بفرستند که قطع و فصل گفتگوی آنها بشود و احقاق حق بعمل آید ولی از بابت اینکه ساداة قدری ضعیف و پیریشان هستند وقوة مسافرت ولایات بعیده را ندارند هر گاه محلاً مرافعه در محضر علمای همان ولایت بشود البته اولی و اسهل است و الا بهر طور که مختار طرفین است انشاء مرافعه ... خود آنها معلوم است که در آن باب مهیا خواهد شد.

[در بالای نامه با خطی که وارونه و خلاف جهت متن است عبارت زیر است:]

جناب فخامت نصاب امیرالامراء العظام مخدومی اعتضادالدوله مفتوح نمایند.

۳۸

سوادنامه ریاست وزرا مورخ ۸ عقرب ۱۳۰۱ .

این نامه از ریاست وزرا به وزارت جلیله مالیّه نوشته شده که در باره مالیات قریه آزاد محله چون مبنی بر اعطای تخفیف است و سندیت دارد، لازم است قرائت صحیحی بگذارید.

شیر و خورشید

ریاست وزراء

سواد مرقومه صادره از مقام ریاست وزراء

مورخه ۸ عقرب ۱۳۰۱

به نمره ۹۳۶۹

وزارت جلیله مالیّه

سابقاً شرحی نمره ۸۷۱۴ در خصوص مالیات قریه آزاد محله زحمت داده بودم اگر چه تا کنون جواب آن نرسیده ولی از قرار مذکور دوسیه این کار در حریق تشخیص عایدات سوخته و سوابق موجود نیست تا معلوم شود مالک سابقه شکایت داشته و باید مشمول تصویب نامه راجع بخالصجات انتقالی واقع شود یا خیر مالک قریه مزبوره باستناد تلگراف وزارت مالیّه که در ۱۹ حمل (۱۳۲۹) صادر شد و سواد آن لفاً ارسال میگردد اظهار میدارد که از کسر عمل و گزافی مالیات قبل از صدور تصویب نامه شکایت کرده است قدغن فرمائید باندیکاتر آن سنه رجوع کرده سابقه را بدست بیاورند و بهر حال چون این تلگراف مبنی بر اعطای تخفیف و سندیت دارد لازم است مطابق

تصویب نامه قرار صحیحی بگذارید که رفع شکایت شده مالیات دولت بواسطه بی تکلیفی لا وصول نماند .

محل امضاء احمد ریاست وزراء

سواد مطابق اصل است [جای مهر ریاست کابینه وزرا] ۱۳۳۵

۳۹

سواد مرقومه ریاست وزراء به وزارت جلیله مالیه مورخ ۲۲ میزان ۱۳۰۱ .

این نامه درباره مالیات آزاد محله است که دستور داده شده نصف عایدات خالص را مطابق تصویب نامه دریافت نمایند .

شیروخورشید

ریاست وزراء

سواد مرقومه ریاست وزراء بوزارت مالیه

مورخه ۲۲ میزان ۱۳۰۱

به نمره ۸۷۱۴

وزارت جلیله مالیه

موضوع مالیات قریه آزاد محله که چندی است به مکاتبه میگذرد و بالاخره تصمیم قطعی برای رفع شکایت مالک آنجا اتخاذ نشده است موجب تکرار شکایت گردیده و اینک شرح مبسوطی از طرف آقای آقا میرزا محمد مهدی اظهار شده است که سواد آن برای ملاحظه و اطلاع آن وزارت جلیله ارسال گردید در صورتی که نسبت بزیادی مالیات قبل از صدور تصویب نامه راجع بخالصجات انتقالی سابقه شکایت

داشته‌اند هر نوع با سایر مالکین خالصجات انتقالی معامله شده‌است نسبت به آزاد محله هم معمول و نصف عایدات خالص را مطابق تصویب‌نامه دریافت نمائید.

محل امضاء احمد ریاست وزراء

سواد مطابق اصل است [جای مهر کابینه ریاست وزراء] ۱۳۳۵

اسنادی که در پاییز ۱۳۵۳

به دست آمد

فرمان - حکم

۱

فرمان شاه طهماسب دوم (۱۱۴۴ - ۱۱۳۵) مورخ ۱۱۳۶ ه. ق .

در این فرمان به میر محمد زمان کلانتر و کدخدایان چهار دانگه هزار جریب دستور داده شده است تا تفنگچیان قدر انداز خود را برای مقابله با قشون افغان به عراق روانه سازند.

بسم الله الرحمن الرحيم

[جای مهر شاه طهماسب دوم]^۱

حکم جهانمطاع شد آنکه سیادت و نجابت و رفعت و معالی پناه شمساً للسیادة میر محمد زمان کلانتر و کدخدایان چهار دانگه هزار جریب بشفقت شاهانه سرافراز گشته بدانند که در این وقت مقرر فرموده ایم که عالیجاه بیگلربیگی دار المؤمنین استرآباد و حاکم گرایلی و حاجیلر در موکب همایون ما بوده روانه عراق شوند و بمدافعه مخاذیل افغان قیام نمایند چون آن سیادت و نجابت پناه و کدخدایان بفرموده همیشه اباعن جد در جاریساق پادشاهی حاضر شده خدمات شایسته نموده اند میباید بعد از

۱- مهر چهار گوشه شاه طهماسب دوم باسجع: «بنده شاه ولایت طهماسب» و در کلاهک بالای آن «بسم الله».

اطلاع بر مضمون رقم مطاع تفنگچیان قدرانداز ازالکای خود فراهم آورده بزودی باتفاق سپاه منصور روانه عراق شوند و بمداغه معاندین دین و دولت ابدقرین قیام نمایند که ان شاء الله هریک فراخور حسن خدمت و جانفشانی مورد اشفاق بیکران خاقانی خواهند گردید و از فرموده تخلف نورزند و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر جمادی الثانیه سنه ۱۱۳۶.

۲

فرمان شاه طهماسب دوم (۱۱۴۴ - ۱۱۳۵) مورخ ۱۱۳۸ ه. ق.

در این فرمان شاه طهماسب مزرعه روشن آباد واقع در استرآباد را که از موقوفات مرحوم سید فضل الله - جد اعلای میر سید مفید موسوی استرآبادی - بوده مالاً منالاً از حشو خالصات دیوانی وضع و در وجه میر سید مفید و باقی اولاد ذکور واقف مقرر داشته است.

[جای مهر شاه طهماسب دوم]^۱

حکم جهانمطاع شد آنکه چون از روزی که مالک ملک و ملکوت و شهنشاه کشور عالم جبروت نواب مارا مالک رقبات انام و صاحب اختیار کافه خاص و عام نموده ما نیز بر ذمت همت والا لازم فرموده ایم که بشکرانه این عطیه عظمی هریک از سادات عالی نسب و دانشوران فرخنده حسب که ساحت خاطر اخلاص ذخایر را از فروغ انوار فضل و صلاح روشن و حدایق ضمیر مخالفت تخمیر را از آبیاری جویبار عقیدت این خانواده شوکت و عزت گلشن و ازینابیع ارشاد مفید مزارع دلهای طالبان بندگی این آستان امامت نشان را شاداب و دردار المؤمنین ایقان و دینداری عموم ناس را

۱ - مهری چهار گوشه باسجع : « بنده شاه ولایت طهماسب ۱۱۳۷ » و در کلاهک بالای

آن « بسم الله ». دودمهر و حاشیه بالا و سمت راست فرمان گل و بوته است.

از فواید افادات وافیه طریقه انیقه اخلاصمندی این درگاه خلافت مکان مستفید و
 فایده یاب میساخته باشند کشت زار تمنای ایشانرا از چشمه سار الطاف خسروی برومند و
 آن گروه دانش پژوه را باصطناعات خاقانی ممتاز و سربلند فرمائیم مصداق این
 مقال حال نیکو مال سیادت و فضیلت و افادت پناه افاضت و کمالات دستگاه سلاله
 السادات العظام نظاماً للسیادة والفضيلة والافادة والافاضة میرسید مفید موسوی استرآبادی
 است که همواره اجداد او وظیفه خوار خوان احسان و راتبه یاب اشفاق بی پایان عظام
 علین مقام نواب ما بوده در هنگام ورود موکب مسعود خواقین جنت مکین باین
 ارض میمنت قرین مورد عواطف خسروانه گردیده اند و در این اوان سعادت نشان که
 فضای این مرزوبوم از قدوم فرخنده رسوم اقدس رشک گلشن و دیده مرمود سکنه و
 اهالی این دیار از کحل الجواهر سلیمانی غبار تراب اقدام روشن گردیده سیادت و
 نجابت پناه مشارالیه بعرض اقدس رسانید که مزرعه روشن آباد واقعه در استرآباد از
 موقوفات مرحوم سید فضل الله جد اعلی مشارالیه و وقف اولاد ذکور واقف مزبور
 است و بر طبق مدعا و قننامه معتبره که علامی فهمی مجتهد العصر والزمانی آقا حسن علی
 خوانساری ملاحظه و تصدیق و قفیت آن نموده ابراز نمود ما نیز تأسی بسنت سنیة اسلاف
 کرام و اقتنا بشیم مرضیه آباء عظام رعایت حال سیادت پناه مشارالیه را که خاطر خطیر
 خسروانه معطوف بر آن میباشد منظور نظرا کسیر اثر و از ابتداء ششماهه ثیلان ثیل
 مزرعه مزبوره را مالاً مثلاً از حشو خالصجات دیوانی وضع و دروجه سید مشارالیه و
 باقی اولاد ذکور مرحوم مرحمت و عنایت و مقرر فرمودیم که بدستوری که قبل
 ازین بوقف مقرر بوده تصرف مالکانه در آن میکرده باشند عالیجاه بیگلربیگی و عمال
 دار المؤمنین مزبور حسب المسطور مقرر دانسته بهیچوجه من الوجوه بعلت مال و منال و
 چریک و بیگار و شکار و علفه و علوفه و طرح و دست انداز و قتلغا و آلام و الاغ و سایر
 عوارضات و صادرات دیوانی و مملکتی و اخراجات مسدوده الابواب حواله و اطلاقی

بمزرعه مزبوره ننموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و مزرعه مذکوره را از حشو
مداخل موضوع و مستثنی دانند مستوفیان عظام کرام رقم این عطیه را در دفاتر خلود
ثبت و از شائبه تغییر مصون و محروس شناسند و در عهده دانند.

تحریر فی شهر صفر المظفر ۱۱۳۸.

۴

فرمان کریم خان زند (۱۱۹۳ - ۱۱۶۳) مورخ ۱۱۸۳ ه. ق.

در این فرمان کریم خان زند منصب قضای دارالمؤمنین استرآباد را
به آقا کاظم قاضی و منصب ایالت و حکومت این شهر را به حاجی
سید فضل الله داده است.

فرمان عالی شد آنکه عالیحضرت رفیع منزلت حقایق مرتبت علامی آقا کاظم قاضی
دارالمؤمنین استرآباد بتوجهات خاطر خطیر اقدس والا امیدوار بوده بداند که در این
وقت بجهت تنظیم و تنسیق امور شرعی دارالمؤمنین مزبور منصب قضای آنجا را
کماکان بآن عالیحضرت تفویض و رجوع دادیم که چنانچه اسباب و طریقی که باید
در ترویج امور شرعی و دفع و رفع منہیات و فجره لوازم سعی بعمل آورده در هر باب
آثار دین داری و حق شناسی خود را بر پیشگاه ضمیر منیر والا ظاهر ساخته در حل و عقد و
قبض و بسط مهام انام بروفق شریعت حضرت خیر الانام عمل نموده از جاده شرع
مطاع انحراف نورزند و از آنجا که ترفیه حال عباد الله منظور نظر حق شناس است
عالیجاء سیادت و نجابت پناه حقایق و معارف آگاه حاجی سید فضل الله را بخدمت
ایالت و حکومت دارالمؤمنین مزبور سرافراز فرمودیم میباید که آن عالیحضرت
علامی عالیجاء مشارالیه را حاکم بالاستقلال خود دانسته از سخن و صلاح حسابی
او بیرون نروند و اعزاز و احترام او را از لوازم شمارند کدخدایان و اعزه و اعیان و

رعایا عالیحضرت مشارالیه را قاضی دارالمؤمنین مزبور دانسته خطومهر او را در نوشتجات وسجلات مناط دانسته تخلف جائز ندارند مستوفیان فرمان عالی را در [دفاترخلود] ثبت نمایند و در عهده شناسند.

تحریراً فی شهر صفرالمظفر ۱۱۸۳.

[جای مهر کریم خان زند]^۱

۴

حکم محمدقلی میرزا مورخ ۱۲۲۵ ه. ق.

در این حکم محمدقلی میرزا - حاکم استرآباد - تولیت نصفقریه توشن را که وقف برابن السبیل زوارامام هشتم بوده است به آقاسید رضا صدر استرآبادی مفوض و موکول کرده است.

هو الله تعالی شأنه

[جای مهر محمدقلی میرزا]^۲

حکم والاشد آنکه چون رونق و رواج امور موقوفات باعث ذخیره حسنات اخروی و موجب رفع درجات دنیوی بجهت فرماندهان و کشورخدایان روی زمین خواهد بود لهذا در ابتدای مستدرک هذه السنة یونتیل خیریت دلیل میمنت تحویل نظر بظهور مرحمت در باره عالیجناب مقدس القاب حقایق و معارف اکتساب فضایل و کمالات انتساب مخزن اسرار سعادت و مرکز دائره نجات سلاله السادات العظام آقای آقاسیدرضا صدر استرآبادی و ظهور دعاگوئی عالیجناب مشارالیه باین دولت ابدمبانی بطریقی که تولیت نصف قریه توشن من قراء بلوک استرآباد رستاق و غیرها

۱ - مهر کریم خان زند باسجج: «یامن هو بمن رجاء کریم». ۲ - مهر محمدقلی میرزا باسجج: «سرور سلاله علی اعلی محمدقلی خلف فتحعلی شاه».

واقف وقف ابن السبیل زوار جناب امام ثامن ضامن علی بن موسی الرضا علیه الف تحیه والثناء نموده بعالیجناب مشارالیه متعلق است نواب مستطاب مالک رقاب والاسیر کما کان تولیت املاک موقوفه مقررہ را بعالیجناب مشارالیه مفوض و موکول فرمودیم کہ بنوعی کہ صلاح وقف و صرفه موقوف علیہم دانستہ معمول داشتہ مداخل و منافع را سال بسال بعد از وضع حق التولیه بمصارف موقوف علیہم رساند مقرر آنکہ عالیجنابان کلانتران و مباشرین بلو کین مقررہ املاک موقوفہ را بعالیجناب مشارالیه دانستہ او را متولی بالاستقلال دانستہ دست بیحساب و شلتاق از آب و ملک آنجا کوتاہ داشتہ بدون استجارہ و استیذان از عالیجناب مشارالیه پیرامون تصرف آب و ملک آن نگردند و تجاوز و انحراف از حکم محکم رفیع منیع نواب مالک رقاب والارا مورد مؤاخذہ و بازخواست عظیم دانستہ بھیج وجہ تخلف نورزند و در عہدہ شناسند.

تحریرا فی شہر صفر المظفر سنہ ۱۲۲۵.

فرمان فتحعلی شاه (۱۲۵۰ - ۱۲۱۲) مورخ ۱۲۲۵ ه. ق.

در این فرمان فتحعلی شاه قرای لر خیل و دودانگه از اعمال استرآباد رستاق ملک موروثی آقا محمد محسن شیخ الاسلام استرآباد را از همه عوارضات و صادرات دیوانی و ولایتی معاف و مسلم و من جميع الجهات مرفوع القلم نموده است.

بسم الله تعالى شأنه العزيز

[جای مهر فتحعلی شاه]^۱

الملك لله تعالى حکم همایون شد آنکه چون قریه لر خیل و دودانگه من اعمال استرآباد رستاق ملک موروثی عالیجناب مقدس القاب عزت و سعادت مآب فضایل و کمالات اکتساب حقایق و معارف انتساب سلاله الاطیاب قدیمی دعاگوی شوکت قوی بنیاد آقا محمد محسن شیخ الاسلام دار المؤمنین استرآباد از قرار فرمان همیون مرحمت دستور که سابقاً شرف صدور یافته از عوارضات و صادرات تکالیف دیوانی معاف و مسلم بودند و درین زمان استدعای امضای فرمان مبارک نمود و بنا بر مرحمت و عنایت شاهانه در بساره عالیجناب مشارالیه قریه مزبوره را بطریق سنوات سابقه از همه عوارضات و صادرات دیوانی و ولایتی معاف و مسلم و من جميع الجهات مرفوع القلم

۱ - مهر چهار گوشه فتحعلی شاه باسجع:

« گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی قرار در کف شاه زمانه فتحعلی ،
و در کلاهک بالای آن « المزة لله » .

فرموده ایم که رعایا و اهالی و ساکنین آنجا با حصول فراغت و رفاهیت بتقدیم امورات عالیجناب مشارالیه قیام و اقدام نمایند مقرر آنکه فروزان اختر آسمان خلافت و شهر یاری و درخشان گوهر بحر سلطنت و تاجداری فرزند ارجمند نامدار محمدقلی میرزای صاحب اختیار دارالمؤمنین استرآباد و مازندران باید بعمال و مباشرین مهمات دیوانی استرآباد قدغن کرده که از قرار حکم قریه مذکوره را از حواله جات صوادر و عوارض معاف و مسلم و من جمیع الجهات مرفوع القلم دانسته بهیچوجه حواله و اطلاق از صوادر دیوانی و ولایتی ننمایند که مرفه الحال بدعای شوکت ابد اتصال و امور متعلقه عالیجناب مشارالیه اشتغال نمایند و در عهده شناسند .

تحریرا شهر ذی قعدة الحرام سنة ۱۲۲۵ .

حکم محمدقلی میرزا - پسر فتحعلی شاه - مورخ ۱۲۲۵ ه. ق.

در این حکم محمدقلی میرزا به محمدزمان خان قاجار نایب دارالمؤمنین استرآباد دستور داده است که دو تن از رعایای قریه دودانگه موروئی آقا سید محسن شیخ الاسلام به نامهای نظر و نوروزعلی پسران کربلائی یوسف که از این قریه فراری شده و به کنترل رفته اند بازگرداند و درمسکن مألوف سکنی دهد.

هو الله تعالی شأنه

[جای مهر محمدقلی میرزا]^۱ حکم والاشد آنکه عالیجاه رفیع جایگاه عزت و اقبال پناه شهامت و بسالت انتباه فخامت و مناعت اکتناه اخلاص و ارادت آگاه مخلص دولتحواه محمدزمان خان قاجار نایب دارالمؤمنین استرآباد بمزید توجهات فزون از حصرو عنایات نواب مستطاب گردون جناب والامستوثق ومستظهر بوده بداند که درین اوقات بتوسط کارگذاران سرکار معدلت مدار والابعرض رسید که دو نفر نظر نام و نوروزعلی نام ولدان کربلائی یوسفا از رعایای قریه دودانگه موروئی عالیجناب معلی القاب فضایل و معارف اکتساب حقایق و دقایق انتساب عزت و سعادت مآب خلاصه السادة العظام وزبدة العلماء الکرام نقاوة داعیان دیرین صداقت قرین آقا سید محسن شیخ الاسلام دارالمؤمنین در سال سابق از وطن اصلی فراری و رفته در کنترل متواری شده اند چون رعایت جانب عالیجناب مشارالیه منظور نظر مهراثر و مرکوز خاطر مرحمت گستر می باشد لهذا باید آنعالیجاه ارادت آگاه بعد از حصول اطلاع

۱ - مهر چهار گوشه بزرگ محمدقلی میرزا باجمع :

د خلف فتحعلی شاه محمدقلی است درجهان سرور از آن شد که غلام علی است.

بر مضمون رقم قدرشیم مطاع کس تعیین که رفته دونفر رعیت مقررہ را از کتول کوچانده آورده بدست کسان عالیجناب مشارالیه داده کہ برده در مسکن مألوف ساکن ساخته کہ بامر زراعت و کاسبی اشتغال ورزیده بانجام مهمات و مرجوعات عالیجناب مشارالیه قیام و اقدام نماید در اینخصوص قدغن بلیغ و تأکید اکید معمول داشته اشفاق مهر اشراق نواب مارا درباره خود بسرحد کمال و درجہ اقصی دانسته همواره مطالب و مدعیات خود را بنا نہایت امیدواری و استظهار بمعرض عرض در آورده بعزاجابت مقرون و موصول دانسته در عہدہ شناسند .

تحریر فی شہر ذی حجة الحرام سنہ ۱۲۲۵ .

۷

حکم محمدقلی میرزا مورخ ۱۲۳۷ ه . ق .

در این حکم محمدقلی میرزا - پسر فتحعلی شاه - طبق فرمان پدر خود از لوی ٹیل و مابعد آن مقدار بیست و ہشت خروار و ہیجده من بہ وزن بلدہ استرآباد در وجہ آقا ابو تراب و میرزا ہدایت اللہ - پسران آقا محمد محسن شیخ الاسلام - مستمر و برقرار و در عوض بیست و ہشت خروار و ہیجده من مذکور قریہ رستم کلاتہ من بلوک استرآباد رستاق را کہ جمع دیوانی آن ہمین مقدار است بہ تیول ابدی و سیورغال سرمندی ایشان مقرر داشته است .

ہو اللہ تعالی شأنہ

[جای مهر محمدقلی میرزا]۱ حکم والا شد کہ چون فرمان قضانشان شاہانہ و

۱ - مهر چہار گوشہ محمدقلی میرزا با سجع :

د خلف فتحعلی شاه محمد قلی است درجہان سرور از آن شد کہ غلام علی است .

منشور جلی الظهور خسروانه از مصدر سلطنت عظمی و ممکن خلافت کبری شرف
 اصدار پذیرفت که از آنجا که رعایت جانب هر یک از دعاگویان قدیم منظور نظر مهر
 ترسیم میباشد و عالیجنابان قدسی انتسابان سیادت و سعادت مآبان فضایل و کمالات
 اکتسابان سلالتی السادات والافاخم آقا ابوتراب و میرزا هدایت الله که اباعنجد از
 دعاگویان و دعاگوزادگان دولت ابد آیت و از خاندان سعادت و نجابت بمزید
 صداقت و کمال دولتیخواهی معروف و نهایت مرحمت و عنایت در باره ایشان منظور
 نظر معدلت موصوف است لهذا پرتوی از آفتاب جهانتاب توجهات والطف شاهانه
 ساحت افروز احوال مشارالیهما گردیده در معامله هذه السنة لوی ثیل خیریت دلیل و
 مابعدھا مقدار بیست و هشت خروار و هیجده من بوزن بلدة استرabad بدین موجب در
 وجه عالیجنابان مشارالیهما مستمر و برقرار و در عوض بیست و هشت خروار و هیجده
 من مذکور قریه رستم کلاته من بلوک استرabad رستاق را

بیست و هشت خروار و هژده من

بابت _____

برقراری هذه السنة لوی ثیل
 هشت خروار و هژده من

از بابت مستمری عالیجناب مستغنی الالقب
 عمدة العلماء آقا محمد محسن شیخ الاسلام
 والد ایشان

بیست خروار

که جمع دیوانی آن بیست و هشت خروار و هیجده من میباشد بتیول ابدی و سیورغال
 سرمدی ایشان مرحمت و مقرر داشتیم که متوجه معموری و آبادانی آنجا گردیده
 هر ساله مقدار مزبور را بامناف و مداخلی که از آن حاصل آید صرف اخراجات و
 معیشت خود سازند بنا بر امتثال امر قدر قدر شهریاری و امضای فرمان قضانشان حضرت
 جهاننداری مقرر میگردد که عالیجاهان رفیع جایگاهان فخامت و مناعت اکتناهان

مقربو الحضرة الوالا مستوفیان سرکاری از تاریخ صدور فرمان مبارک مطاع و مابعدھا مقدار مذکور را مستمر دانسته و در عوض آن قریه مزبوره بتیول و سیورغال ایشان برقرار دارند عالیشانان سعادت نشانان کتاب خیریت اکتساب دفترخانه مبارک سرکاری شرح فرمان همایون و رقم مبارک را در دفاتر خلود و ابود ضبط و مندرج سازند و از شوایت تغییر و تبدیل مصون و محروس دارند و در عهده شناسند.

تحریر فی شهر صفر المظفر سنة ۱۲۳۷.

۸

حکم محمدقلی میرزا - پسر فتحعلی شاه - مورخ ۱۲۳۸ ه. ق.

در این حکم محمدقلی میرزا بنابر دستور فتحعلی شاه سی خروار شلتوک قریه کلیکای بلوک جلال ازک مازندران رسد آقا محمد - محسن شیخ الاسلام را به تخفیف به او مرحمت کرده و محمدقلی میرزا نیز سه خر و اروده پیمانه تخفیف قریه مزبوره را در وجه مشارالیه مقرر داشته است که هر ساله مقدار مزبور به خرج قریه مذکور محسوب و مجری گردد.

بسم الله تعالی شأنه

[جای مهر محمدقلی میرزا] حکم والاشد که فرمان قضانشان شاهانه و منشور حلّی النور خسروانه از مصدر خلافت کبری شرف اصدار یافت که درین وقت بنابر رعایت جانب عالیجناب مقدس القاب عزت و سعادت انتساب فضایل و کمالات اکتساب علامی فهامی مقتدی الانامی سلالة السادة العظام آقا محمد محسن شیخ الاسلام

۱ - مهر چهار گوشه بزرگ محمدقلی میرزا با سجدی که در فرمان شماره ۶ آمده است.

دارالمؤمنین استرآباد و ظهور دعاگوئی او در معامله هذه السنة قوی ثیل خیریت دلیل و مابعدا مقدار سی خروار شلتوک بوقر مازندران از بابت قریه کلیکای بلوک جلال - از رک مازندران رسد عالیجناب مشارالیه را به تخفیف عالیجناب مرحمت و عنایت فرمودیم که در نهایت فراغت و آسودگی بدعاگوئی ذات خجسته صفات اقدس اعلی اشتغال ورزد و بکارکنان قدغن نماید که مطالبه مقدار مزبور شلتوک را از بابت قریه مذکوره موقوف داشته به تخفیف عالیجناب مشارالیه منظور دارند که هر ساله مقدار مزبور شلتوک بخرج ابوابجمعی محسوب و مجری خواهد شد امتثالا لامره اشرف والا نیز مقدار مزبور را بعلاوه سه خرواروده پیمانه بصیغه تخفیف قریه مزبوره دروجه عالیجناب مشارالیه ممضی و مقرر داشتیم که هر ساله مقدار مزبور را بخرج قریه مذکوره محسوب و مجری گردد مقرر آنکه عالیجاهان رفیع جایگاهان عزت و سعادت همراهان مقربو الحضرت الوالامستوفیان عظام مقدار مزبور را به تخفیف قریه مذکوره هر ساله محسوب و مجری دارند و شرح رقم قضاشیم را در دفاتر خلود ثبت و درج نموده از شایبه ریا و تغییر مصون و محروس دارند تخلف جایز نداشته و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر شعبان المعظم سنة ۱۲۳۸.

در این حکم حکمران استرآباد از قراقرمان فتحعلی شاه مبلغ یازده تومان و پنجهزار و ده رایجی تبریزی نقد و مقدارشان زاده خروار و پنجاه من به وزن تبریز جنس منال دیوانی مزرعه یونس آباد ولایت بسطام را وقفی مدرسه جدید البناي استرآباد به تخفیف مقرر داشته است که منافع آن را آقا محمد حسین شیخ الاسلام صرف و خرج مدرسه جدید البناي مذکور نماید .

بِسْمِ تَعَالٰی

[جای مهر حکمران] 'حکم والا شد آنکه چون از قرار فرمان قضا جریان سرکار خلافت مدار خسرو صاحبقرانی روحی و روحانفاده مبلغ یازده تومان پنجهزار وجه رایجی تبریزی و مقدار شانزده خروار و پنجاه من بوزن تبریز جنس منال دیوانی مزرعه یونس آباد وقتی مدرسه جدید البنای استرآباد بتخفیف مقرر است

نقـــــــــــــــه	جـــــــــــــد
یازده تومان و پنجهزار دینار	شانزده خروار و پنجاه من
مزرعه	مزرعه
یونس آب	شاه رود
نقـــــــــــــــه	جـــــــــــــد
سه تومان	سه خروار و پنجاه
من	پنجهزار دینار

۱ - مهر چهار گوشه بزرگ که مقداری از آن درست نکرفته و فقط کلمه « اسمعیل » بر آن خوانده می شود.

لهذا نواب ما امتثالا لامر الاشرف الاعلی از معامله هذه السنة لوی ثیل خیریت دلیل و ما بعدها مبلغ و مقدار مذکور را حسب فرمان مهر لمعان سرکار اقدس شهر یاری و حنا فداه بتخفیف ابدی مقرر داشتیم که کما فی السابق مباشرین و عمال ولایت بسطام معمول داشته مطالبه مالو جهات از ملک مزبور ننموده که همه ساله منافع و مداخل آنرا جناب مقدس القاب فضایل و کمالات اکتساب حقایق و معارف آداب افادت و افاضت مآب زبدة السادة العظام شیخ المشایخ الکرام آقا محمد حسین شیخ الاسلام که متولی مدرسه مزبور است صرف و خرج مدرسه جدید البناى مذکور سازد مقرر آنکه مباشرین و عمال ولایت بسطام نحوه مقرر مرتب و معمول داشته از این پس مطالبه مالیات از ملک مزبور ننموده بخرج ابواب جمعی خود مجری داند عالیجاهان مستوفیان شرح رقم مبارک را دفتری ساخته از شائبه تغییر مصون دانسته و در عهده شناسند.

تحریر ا فی شهر شعبان سنة ۱۲۳۸.

۱۰

حکم محمد ناصر خان مورخ ۱۲۵۷ ه. ق.

در این حکم محمد ناصر خان از ابتدای اود ثیل میر محمد علی خان را به منصب ضابطی میر محله نصب کرده است.

حکم عالی شد که بنا بر ظهور قابلیت و شایستگی عالیجاه رفیع جایگاه میر محمد علیخان در ابتدای معامله اود ثیل خجسته دلیل و ما بعدها او را بر تبه و منصب جلیل القدر ضابطی قریه میر محله سرافراز فرمودیم که از روی اطمینان و خاطر جمعی بلوازم سرپرستی و جمع آوری متفرقه آنجا نهایت اهتمام را بعمل آورده و در امر زراعت و فلاحیت کمال رسیده گی و دقت را بمرحله صداقت معمول داشته و بهیچوجه من الوجوه تعلل و تسامح جایز نداشته مقرر آنکه مباشرین و عموم اهالی قریه مذکور

حسب المقرر معمول داشته عالیجاه مشارالیه بااضابط بالاستقلال خود دانسته اوامر و نواهی او را مطیع و منقاد بوده از سخن و صلاح او تجاوز نکرده در عهده شناسند .
تحریرا فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۵۷ .
[جای مهر محمد ناصر خان]^۱

۱۱

تعلیقۀ شاهرخ بن ابراهیم بن مهدیقلی خان مورخ ۱۲۶۰ هـ . ق .

در این تعلیقۀ به ملک کاظم دستور داده شده است که باضابط بودن اسدالله بیگ در میر محله به میر محله رود و حاصل آنجا را انبار کند زیرا عباس خان بیگلربیگی نسبت به مزروعی این ملک سخنانی دارد.

حکم عالی شد آنکه عالیشان رفیع مکان اخلاص و ارادت بنیان ملک کاظم معزز و مباهی بوده بدانند که از قرار فرمان خسرو گیتی مدار روحنا فداه و تعلیقۀ جات جناب آقائی سلمه الله تعالی و نواب ایلخانی مقرر است و عالیشان عمدة الاعیان اسدالله بیگ محصل است که مزروعی میر محله را ضبط نماید و حاصل آنرا در وجه کسان عالیشان فضیلت مآب آقا سید فضل الله مهمسازی نماید چون برادر مهربان عباس خان بیگلربیگی حرفی در این خصوص دارد لهذا امر و مقرر می شود از تاریخ صدور تعلیقۀ تا مدت یکماه مهلت آنعالیشان باشد تا خبری برسد علی الحساب ضبط نموده و حاصل آنرا انبار کرده و عالیشان اسدالله بیگ در آنجا باشد تا در ثانی حکمی از سرکار صادر شود از قراریکه مقرر داشته ایم حسب المقرر معمول دارد در عهده شناسد.

تحریرا شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۶۰ .

[جای مهر]^۲

۱ - مهری چهار گوشه بزرگ که در مربع وسط آن «عبد محمد ناصر ۱۲۲۹» و در حاشیۀ دور «بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد ... الخ» .
۲ - مهری چهار گوشه با سجع: «والواقع بالله الغنی شاهرخ بن ابراهیم بن مهدیقلی» .

فرمان ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) مورخ ۱۲۶۷ ه. ق.

در این فرمان ناصرالدین شاه اهالی دو قریهٔ دودانگه و کلاجان از قرای استرآباد را از تکالیف و صادرات دیوانی معاف و مسلم کرده است.

بسم الله تعالی شأنه العزیز

[جای مهر ناصرالدین شاه]^۱

الملك الله تعالی حکم همیون شد که چون از قرار فرامین خاقان مغفور و شاهنشاه مبرور نور الله مضجعهما و ثبت سر رشتهٔ دفتر خانهٔ مبارکه اهالی قریتین دودانگه^۲ و کلاجان من قراء استرآباد از تکالیف و صادرات دیوانی معاف بوده دیوانیان عظام سوای نوکر دیوانی از آنجا چیزی مطالبه نمینموده لهذا محض امضای فرامین و شمول مرحمت شاهانه دربارهٔ رعایای قریتین مزبور تین از هذه السنة مسعودهٔ تنگوزیل فرخنده تحویل و مابعدا آنها را کما فی السابق از تحمیلات و تکالیف صادرهٔ دیوانی مسلم فرمودیم که در نهایت آسایش بدعا گوئی دولت روز افزون قیام نمایند مقرر آنکه حکام و عمال حال و استقبال استرآباد حسب المقرر مرتب داشته سوای نوکر دیوانی از اهالی آن دو قریه مطالبه ننمایند و از عموم صادرات و تکالیف معاف دانند المقرر کتاب خیریت اکتساب دفتر خانه شرح فرمان همیون را ثبت دفاتر خلود نموده از شوائب تبدیل مصون دارند و در عهده شناسند .

تحریر فی شهر جمیدی الثانیه ۱۲۶۷.

۱ - مهر چهار گوشهٔ ناصرالدین شاه باسجج :

« تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت صیت داد و معدلت از ماه تاماهی گرفت ، و در کلا هک آن الملك الله تعالی. » ۲ - جای صحنهٔ ناصرالدین شاه .

حکم ساعدالدوله برای حاجی حسین خان مورخ ۱۳۰۱ ه. ق .
 در این حکم به حاجی حسین خان دستور داده شده است که حق محمد-
 حسن- ولد مرحوم محمد کاظم- را از ملک محمد- عمویش- گرفته و
 بدو بدهند و اگر حرفی دارند در محضر یکی از آقایان مرضی الطرفین
 حاضر شده مرافعه نمایند.

عالیجاه حاجی حسین خان را مرقوم میشود از قراری که محمد حسن ولد مرحوم
 ملک کاظم مذکور نموده است بعد از فوت پدرش با ملک محمد عموی خود جمع-
 المال بود در مدت یازده سال با هم کاسبی کردند و شریک بودند حالا ملک محمد میخواهد
 که او را شریک و سهمیم قرار ندهد در صورت صدق خلاف است رسیدگی نموده البته
 این مطلب را اهالی آنجا مطلع هستند و میدانند بطوریکه حقانیت است انجام عمل
 داده هر قدر حق محمد حسن است گرفته بدهید هر گاه حرفی در مقابل دارد طرفین را
 در محضر یکی از آقایان مرضی الطرفین حاضر نموده مرافعه نمایند و از آن قرار حتم
 عمل شود.

غره شهر شعبان ۱۳۰۱.

[جای مهر ساعدالدوله]

حکم ساعدالدوله مورخ ۱۳۰۲ هـ . ق .

در این حکم به آقا میرزا حسین پیشکار دستور داده شده است تا در مورد ادعای آقا میر محمدعلی و شیخ عبدالرحیم در مورد ملك مامائی و بانعمان و انکار سیدحسین خالو و آقا سید قاسم طرفین را به محضر شرع مرضی الطرفین بمرند و مرافعه کنند و در باب آبدنگ احدائی علیخان آقا در ملك چالکی نیز رسیدگی کنند و قراری بدهند که موجب اسكات طرفین شود.

عالیجاه ارجمندی آقا میرزا حسین پیشکار را مرقوم میشود در خصوص ادعائی که جنابان آقا میر محمدعلی و شیخ عبدالرحیم و سایر مالکین بانعمان دارند و میگویند قدری از ملك مامائی را داخل در ملك بانعمان کرده اند جناب آقا سیدحسین خالو و عالیجناب آقا سید قاسم در مقابل انکار دارند و میگویند هرگاه کسی باماحرفی موافق شرع دارد بمرافعه حاضر شود لهذا مرقوم میدارد که طرفین را حاضر کنند و ارجاع امر بمرافعه نموده مرضی الطرفین بمرافعه بروند هر يك از طرفین برحقانیت خود حکم شرعی گرفته اند همان را اجراء دارید و نیز مذکور نمودند که مرحوم علیخان آقا در ملك چالکی آبدنگی احداث کرده و برضایت ماها مالکین نبوده است از بابت چهار دانگ چالکی که ادعای ملکیت دارند از بابت آبدنگ هم حرف و ادعا دارند در این فقره هم رسیدگی نموده هرگاه ورثه مرحوم علیخان آقا حرفی مقرون به حساب دارند حضرات را اسكات دهند والا لازم است قراری که موجب اسكات آنها شود بدهند و راضی نمایند.

حرر ششم شهر محرم الحرام سنه ۱۳۰۲.

[جای مهر ساعدالدوله]^۱

[بر حاشیه این حکم عبارات زیر نوشته شده است:]

محصول محل نزاع را بدست زارعین بسپارید نوشته بگیرید که بعد از مرافعه هریک از مالکین بانعمان یا مامائی ذی حق شوند بدهند بتاریخ المرقوم.

۱۵

حکم سهام الدوله مورخ ۱۳۰۴ ه. ق.

در این حکم بر حسب اسناد شرعیة علمای استرآباد، تولیت رقبات وقفی مذکور در متن به آقا سید احمد صدر واگذار شده است.

چون بر حسب اسناد شرعیة معتبره بمهر علمای استرآباد و جناب مستطاب سیدالسند و مقتدی المعتمد آقای حاجی حجة اسلام سلمه الله حمام کفش دوزان موقوفه بر دوازده خانواده سادات فقرا قریة توشن سهدانگ شهر آشوب شش دانگ قریة آلوکلانه یکدانگ ونیم قریة ولاشکی شش دانگ ملیار واقع در شهر استرآباد سهدانگ قریة بلاد نصری شش دانگ املاک مفصله فوق وقف بر زوار و ابن السبیل امام ثامن علیه آلاف التحية والثناءست و تولیت آن واگذار بجناب سلاله السادات آقا سید احمد صدر است و احکام عرفیه سید بر طبق احکام شرع در دست دارد و تا کنون متصرف بوده اند لهذا به احکام شرع و عرف املاک موقوفه کما فی السابق باید در تصرف جناب سلاله السادات آقا سید احمد صدر بوده که منافع آنرا دریافت و بمصارف مقرر و وقف برسانند لهذا بعموم مباشرین و مستأجرین املاک موقوفه مقرر میشود کما کان جناب آقا سید احمد صدر را متولی دانسته منافع ملک را با و کارسازی دارند.

تحریر فی شهر جمادی الاول ۱۳۰۴.

[جای مهر سهام الدوله]^۱

فرمان ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) مورخ ۱۳۰۷ ه. ق .

در این فرمان ناصرالدین شاه به نصر السلطنه - حکمران استرآباد - دستور داده است که محمد صالح خان - ولد ارشد حاجی محمد تقی خان - را متولی مستقل مدرسه وقفی پدرش بدانند و او را به سرپرستی موقوفات مدرسه مزبور بگمارند.

بسمه تعالی شأنه العزیز

[جای مهر ناصرالدین شاه قاجار]

امیرالامراء العظام نصر السلطنه حکمران استرآباد بمراحم والطف شاهنشاهی مفتخرو مباحی بوده بداند موافق وقفنامه معتبره شرعیه که ملحوظ افتاد مرحوم محمد تقی خان اوقات توقف سرحد استرآباد دودانگ کاروانسرای شهر ودومزرعه آب وقف بر مدرسه خود نموده وتولیت به اولاد ارشد واکذار نموده است و عالیجاه مجدت همراه مقرب - الحضرة العلیة محمد صالح خان که اولاد ارشد آن مرحوم است موافق قرارداد وقفنامه و احکام مشدده شرعیه در این مدت بسیار خوب و بقاعده از عهده برآمده بشرايط وقفنامه عمل نموده است لهذا بموجب صدور این ملفوفه قضامأوفه امر و مقرر میفرمائیم که مشارالیه در سر تولیت مزبور مستقل و برقرار دانسته و اگر کسی از جانب خود در سرپرستی موقوفه مزبوره بگمارد کمال همراهی در حق او مرعی دارید البته حسب المقرر معمول و مرتب داشته در عهده شناسد.

شهر ذی قعدة ۱۳۰۷.

۱ - مهر چهار گوشه بزرگ ناصرالدین شاه باسجع :

« تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت صیت داد و معدلت ازماء تا ماهی گرفت »
و در کلاهک آن « الملك الله تعالی ». ۲ - در پشت ورقه مهری بیضی بانام : « امین السلطان » است .

حکم ساعدالدوله مورخ ۱۳۱۰ هـ . ق .

در این حکم به محمد بیگ فراش دستور داده شده است که آب قریه و لاشکی را که سپرده به مشهدی محمد حسین فراش است و از رعایای قریه حیدرآباد دست تعدی و بیحسابی به آن دراز کرده اند از دست ایشان گرفته و به سید احمد صدر متولی و مشهدی محمد حسین نامبرده بسپارد .

عالیشان محمد بیگ فراش را قلمی و مرقوم میشود از قراریکه جناب مستطاب آقا سید احمد صدر اظهار داشت آب ملک و لاشکی موقوفه را که متولی آن جناب آقای معزی الیه میباشند و سپرده به مشهدی محمد حسین فراش است که زارع اهل قریه حیدرآباد بمزارع جناب آقا دست تعدی و بیحسابی را گذاشته لهذا بموجب این حکم مأموری در قریه حیدرآباد رفته از عالیشانان کدخدا و پیرمردان و رعایای آن قریه التزامی بگیرند هرگاه بخوانند بعد از این در باب آب ملک قریه و لاشکی موقوفه که تعلق بجناب مستطاب آقا سید احمد صدر دارد و سپرده به مشهدی محمد حسین فراش است گفتگوئی نکنند و یا در صدد اذیت او بر آیند مورد مؤاخذه خواهند بود البته از قراری که مرقوم شده هرچه در قریه مزبور التزامی سخت گرفته معاضدت نمائید و تخلف جائز ندانسته .

۱۸ شهر جمادی الثانی هزار و سیصد و ده .

[جای مهر ساعدالدوله]

۱۸

فرمان شاهی به والی مازندران و استرآباد در باره یکصد و پانزده
خر و ارشالی مستمری آقا سید فضل الله و آقا سید مهدی و آقا سید محمد
علی و آقا سید ابراهیم که مدت دو سال است به ایشان نرسیده است از
اینرو حاجی آقابیک یوزباشی فراشخانه مبارکه را برای وصول و
ایصال مقدار مزبور روانه داشته اند تا مقدار مزبور را به ایشان کارسازی
نمایند و در باره دوقریه موقوفه چوپلانی و میر و محله اگر کسی
حرفی حسایی دارد در محضریکی از اهالی شرع گفتگو نماید.

مقرب الخاقانا فرزندا جناب فضائل مآب قدوة العلماء والمجتهدین آقا سید فضل الله
استرآبادی که همواره مورد الطاف غیر متناهی حضرت شاهنشاهی روحانفاده بوده و
میباشد از قرار فرمان جهانمطاع مقدار یکصد و پانزده خر و ارشلتوک... مستمری در حق
ایشان و عالیجنابان آقا سید مهدی و آقا سید محمد علی و آقا سید ابراهیم نیز مخلد
است که

در وجه عالیجناب معززی الیه

.....

سی خروار

هشتاد و پنج خروار

در جزو وظایف استرآباد بجمع شما آمده است از قراریکه مسموع شد و مکرر
نوشته شد حال دو سال است که نداده اند و بعهده تعویق گذارده اند ظهور اینگونه
اعمال خلاف رأی معدلت آرای اقدس شهریاری است لهذا عالیشان حاجی آقابیک
یوزباشی فراشخانه مبارکه را برای وصول و ایصال مبلغ مزبور روانه داشت باید بعد
از ورود مشارالیه بدون معطلی مقدار مزبور را کارسازی نموده که مقضی المرام معاودت
کند و بایشان برساند و همچنین در باب بعضی از املاک وقفی نظر باحکام علمای
عصر و حکم همایون پادشاهی چند سالست که در تصرف جناب معززی الیه میباشد و نیز

میباید کماکان در تصرف ایشان باشد این املاک دوقریه چوپلانی و میرو محله است هرگاه احدی را حرف حسابی باشد قدغن نموده در خدمت سرکار حاجی ملا محمد تقی و یایکی از اهالی شرع مطاع طی گفتگو نمایند با وجود اطلاع آن فرزند چرا بایست در امورات معزی الیه اختلال رخ دهد البته بقرار اظهار رفت معمول دارد.

مقرب الخاقان فرزند سیلیمانخان حاکم استرآباد ۴۲
از قراری تصدیق عالیشان حاجی میرزا مقیم که محاسب شماس مستمری جناب سید بخرج شما آمده است خیر دنیا و آخرت شما این است که جناب سید عالم فاضل کامل را معطل نفرمائید.

۱۹

ظاهراً حکم علیقلی میرزا به فرزندش - بدیع الزمان میرزا - است.
در این حکم به بدیع الزمان میرزا دستور داده شده است که مالیه
رسدی قریه آهنگر محله را از بابت سنه ماضیه و سنه صدور حکم
که نزد جعفرقلی آقای دولو است از او بازیافت و تسلیم صاحبان
ملك نماید.

حکم والاشد که فرزند ارجمند نامدار قرة العین سعادت مند کامکار بدیع الزمان میرزا
بمزید الطافت خاطر خطیر مرحمت تخمیر نواب مستطاب والا سرافراز و مباهی بوده
بداند که در باب وجه مالیه قریه آهنگر محله که از صاحبان قریه مزبوره از بابت سنه
ماضیه و هذه السنه در نزد عالیجاه رفیع جایگاه جعفرقلی آقای دولو است احکام پی در
پی صادر گشت که مالیه رسدی ایشانرا از مشارالیه مهم سازی نماید و بآن فرزند مقرر
فرمودیم که اگر مشارالیه در دادن مالیه رسدی ایشان اهمال ورزد قدغن نموده که
کار سازی کرده باشد اکنون از قراری که بعرض اشرف رسید مشارالیه وجه مزبور را

مهمسازی نداشته است و ظهور این معنی منافی رأی معدلت آرای والاست لهذا مقرر میشود که احدی از کسان خود را مقرر که هر قرارداد مزبور از بابت سنه ماضیه و هذه السنه باقی است از مشارالیه حکماً دریافت و تسلیم صاحبان ملك نمایند و اگر این بار هم نیز تعلل ورزیده بجناب سعادت مآب زبدة السادات والاطیاب آقا محمد - محسن شرحی خواهم نوشت که رسیدی ایشانرا از جانب سرکار از ایشان اجاره نموده که رفع این گونه امورات بالکلیه شده باشد باید آن فرزند حکماً و حتماً نموده مالیه سابق را تمام و کمال دریافت و تسلیم نموده تخلف نوزد و در عهده شناسند...

۲۰

ظاهراً رقم علیقلی میرزا ملك آراست که در آن به فرزندش بدیع الزمان میرزا دستور داده است که به شکایت میرزا جعفر و میرزا مهدی - ورثه میرزا حسین هروی - از آقایان قاجار شرکای آهنگر محله رسیدگی کند و املاک رسدی ایشانرا به تصرف داده و منافع رسدی ایشان را عاید ایشان گرداند.

حکم والاشد که فرزند ارجمند کامکار و قره العین سعادت مند نامدار بدیع الزمان میرزا بتوجهات خاطر مرحمت اثر والا مفتخر و مباهی بوده بداند که موکب والا در جناح حرکت بصوب دار الخلافه بود که عالیشان اخلاص و ارادت پاسبان میرزا جعفر و میرزا مهدی ورثه میرزا حسین هروی وارد دربار گردیده مجدداً از سوء سلوک آقایان قاجار شرکای آهنگر محله شکایت کردند خواستیم که محصلی شدید و غلیظ تعیین کنیم تا یکباره حکم بضبط آهنگر محله نمائیم باستدعای بعضی از مقربان حضور موقوف و این بار نیز ایشانرا روانه نزد آن فرزند نمودیم و مقرر میفرمائیم که این فقره پُربطل

انجامیده و فرامین مطاعه از سرکار اقدس آورده اند و از سرکار والاینز احکام جاری و کرات گفتگوها در این باب شده و حکم قطعی صادر گردیده که املاک رسدی ایشانرا بتصرف داده و منافع رسدی ایشان عاید ایشان گردیده باشد دیگر زیاده از این ابرام ایشان در بی حسابی و ایذاء نسبت باین فقر را تحمل جایز نیست مقرر میشود که در ساعت ورود ایشان محصلی شدید روانه و بتأکید تمام قدغن داشته که حصه و رسدی ایشان را تاحیه آخر بحیطه وصول آورده تحویل کند و قبض رسیدگی حاصل کند و بهیچ وجه من الوجوه عذری از آنها مسموع ندارد که نواب عذری از آن فرزند مسموع نخواهیم داشت که از تاریخ صدور رقم و بعدها امر ایشان منتظم نشده باشد باید حسب المقرر عمل نموده بدون مراعات از حمایت از آقایان قاجار مال ایشانرا گرفته عاید سازد که این نحو اذیت کردن موجب بد دعائی ذات اقدس میباشد حسب المقرر عمل نموده در عهده شناسند.

جمادی الاخری ...

۲۱

دستور رئیس عدلیه استرآباد مورخ ۱۳۲۸ ه . ق .

در این سند به عبدالله بیگ فراش دستور داده شده است که آب انگران را از قرار معمول سنوات سابقه تقسیم نماید.

عالمجاه عبدالله بیگ فراش عدلیه را قلمی میشود شما مأمورید آب انگران را از قرار معمولی سنوات سابقه چهار تقسیم نموده و از حضرات سادات چغری و کربلائی شعبان	باب _____	باب _____	باب _____
میان دره	الوار	حقا	ه
دو قسمت	یک قسمت	یک قسمت	

التزام بگیریید که تخلف نمایند چنانچه برخلاف این قرارداد معمولی رفتار نمایند مورد مؤاخذه خواهند بود هرگاه ساداة چغری و کربلائی شعبان حرفی دارند بیايند در شهر گفتگو نمایند البته از قرار دستورالعمل رفتار نمائید.

نم ۵۸
۱۳۲۸

نم ۲۰۴
۲۰۷

۲۰ جمادی الاولی

[در حاشیه این سند عبارت زیر نوشته شده است :]

و بمسعود السلطان نوشته شد که اگر لازم باشد در اجرای این حکم از شما تقویت نماید.

[مهر ریاست عدلیه استرآباد ۱۳۲۸]

۴۲

فرمان احمد شاه قاجار (۱۳۴۲ - ۱۳۲۷) مورخ ۱۳۳۰ ه. ق.

در این فرمان احمد شاه قاجار نصف بلاکسر حقوق دیوانی علی خان یاور قزاق که مبلغ چهل و هشت تومان می شود از سال ۱۳۳۰ ه. ق. الی پانزده سال دیگر بر طبق قانون وظایف در حق وراث او برقرار داشته است.

[جای مهر احمد شاه قاجار]^۱

چون علی خان یاور قزاق این اوقات وفات یافته رعایت و آسایش بازماندگان آن

۱ - مهری چهار گوشه بزرگ باسجع :

«خواست تاینزدان شود آباد ملک ازعدل داد خاتم شاهی به سلطان احمد قاجار داده و در کلاهک بالای آن: «الملك لله تعالی».

از محل مازندان ضبط دولت میشود
چهل و هشت تومان

ابت _____

ابت _____

وظایف در حق وراثت آن مرحوم مرحمت و برقرار فرمودیم مقرر آنکه بعد از انقضاء مدت معین حقوق مزبور ضبط دیوان اعلی خواهد بود المقرر جنابان مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح فرمان مبارک راثبت وضبط نموده در عهدہ شناسند بتاریخ فوق .

مبلغ چهل و هشت تومان مستمری ورثه مرحوم علیخان یاورقزاق که از قرار این فرمان مبارک از محل آن مرحوم برقرار شده در دفتر وظایف تحت نمرة (۴۷۴۲۳/۴۷۴۲۴) ثبت است.

وقفنامه

۱

وقفنامه حاجی میرزا معزالدین محمد مورخ ۱۱۶۹ هـ . ق .

در این سند حاجی میرزا معزالدین محمد چهار دانگ و نیم از جمله
شش دانگ يك محوطه باغچه مشجره و شش دانگ ایوان جنوبی ارسى -
دار مع درون خانه غربی متصل به آن و شش دانگ درو خانه كوچك
شرقی متصل به ایوان مذکور و شش دانگ تالار حوض با بیوتات
آن و شش دانگ ایوان شمالی مع ایوان شرقی متصله به آن و دو
دانگ از کل شش دانگ ایوان و درون خانه میرزا حسابی و سه دانگ
بالا خانه كاغذ لوق در سردر خانه و سه دانگ از شش دانگ مطبخ
سمت جنوبی و يك دانگ و نیم انبار متصل به مطبخ را بر ولد صغیر
موجود خود - میر تقی الدین محمد - و بر سایر اولاد ذکور واقف
که بعداً به وجود آیند وقف کرده و شرایط انتفاع از منافع آن را
در متن آورده است .

هو الواقف على الضمائر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على السرائر والمطلع على الضمائر والصلوة والسلام على محمد المبعوث

من خیر العشائر المذخر شفاعته للصغائر والكبائر وآله المصطفین المكارم المفاخر واصحابه
المقتنین للاخبار والمآثر وبرواقفان مواقف عقل وهوش وعارفان معارف موعظت نبیوش
ظاهر و باهر که بآدمی بعد از انتقال از این سرای غرور بدار السرور آنچه از اعمال
زودتر باو ایصال مییابد صدقه جاریه و از آن جمله وقف او قافست که منافع آنها بر
مصارف جمعی حبس شود که ایشانرا انتفاعی از آن حاصل و ثواب مرتب بر آن
بواقف واصل شود بناءً علیه توفیق رفیق حال و کفیل آمال عالیحضرت معلی سریرت
نجیب فطرت مستغنی المنقبت سلاله السادات الکرام و زایر بیت الله الحرام حاجی
میرزا معز الدین محمد خلف غفران و رضوان مآبی میرزا حسابی الحسینی الاسترآبادی
گردید در حالت ثبات شعور و نفاذ تصرف او در امور و وقف مؤبد و حبس مخلد صحیح
صریح شرعی نمود همگی و تمامی حصص معینه مفصله از خانه محل سکناى خود را
مع متعلقات آن از بیوتات و غیره که موافق تفصیل ذیل است مع همگی و تمامی
چهار دانگ و نیم از جمله شش دانگ يك محوطه باغچه مشجره موصوفه محدوده
مذکوره بعد را شرقیاً متصل است بانار باغچه که به صبیّه کبری خود بی بی مریم
هبه نموده ام جنوبیاً بخانه سرای واقف معزی الیه اتصال دارد غربیاً بخانه سرای
ملا محمد خراسانی متصل است شمالیاً بمقبره مسلمانان اتصال دارد ایوان جنوبی
ارسی دار مع درون خانه غربی متصله بآن تمام شش دانگ درو خانه کوچک شرقی
متصل به ایوان مزبور کل شش دانگ تالار حوض با بیوتات آن قاطبه شش دانگ
ایوان شمالی مع ایوان شرقی متصله بآن که يك در آن به انار باغچه گشوده میشود و
دیگری بایوان مزبور مفتوح است جملگی شش دانگ ایوان و درون خانه میرزا
حسابی مع تحتانی و فوقانی آن که میرزا ابو محمد در آن سکنی دارد و مشاع است
فیما بین میرزا جمال و سید محمد سوای یک دانگی که به صبیّه کبری بی بی مریم هبه
نموده موازی دو دانگ از کل شش دانگ بالاخانه کاغذ لوق در سردخانه مع متعلقات

آن ۳ دانگ مطبخ که در سمت جنوبی واقعست و ساحة بیوتات بآن منتهی میشود نصف از کل که بعبارة آخری ۳ دانگ بوده باشد انبار متصله بمطبخ مزبور که تحت آن مطبخ علیحده است و حسب الارث مشاع است فیما بین میرزا سید محمد و میرزا جمال موازی یکدانگ و نیم بر یکنفر ولد صغیر موجود خود و هو جناب نتیجه السادات والنجا میر تقی الدین محمد طول الله عمره و بر آنچه از واقف معزی الیه ذکوراً موجود شود و بعد از او بر اولاد او ذکوراً کانوا ام اناثاً بر سبیل تسویه و بعد از ایشان بر اولاد ایشان نسلاً بعد نسل الاقرب فالاقرب کما ذکر و بعد از انقراض ایشان العیاذ بالله تعالی بر صبیبة کبری خود و هی علیاحضرت خدات و طهارت دستگاه بی بی مریم که حلیلة جلیلة عالیحضرت میرزا جمال الحسینی است وقف نموده و بعد از او بر ذکور نواده های موجود خود که از صبیبة کبری مسماة مذکوره و هما نتیجه النجبائی میرزا محمد جعفر و میرزا حسابی دارد و بر آنچه بعد از مخدرة مسطوره بهم رسد از ذکور اولاد او بطریق مساوات بعد از ایشان بر اولاد ذکور و اناث کما فرض الله تعالی للذکر مثل حظ الانثیین و بعد از استیصال اولاد ایشان خدا نخواسته وقف ساخت بر اولاد سایر صبا یای دیگری واقف معزی الیه بطریقه مذکوره یعنی للذکر مثل حظ الانثیین و بعد از انقطاع ایشان خدا نکرده وقف نموده بر مصارف تعزیه حضرت ابی عبدالله الحسین صلوات الله و سلامه علیه و تولیه اوقاف مزبوره را واقف معزی الیه حال حیات به نفس نفیس خود تفویض و نه عشر حاصل آنها در عوض حق التولیه بجهت خود مقرر ساخت و بعد از او متولی موقوفات مزبوره موقوف علیهم اند بر سبیل اشتراک در صورت عدم خلاف میان ایشان و در آن صورت اصلح و ارشد از ایشان متولی و حق التولیه در آن وقت عشر حاصل را قرار داد و در هنگامی که موقوفات تعلق بمصرف تعزیه مذکوره را بهم رساند اعلم و اصلح بلدة المؤمنین استرآباد صانها الله تعالی عن التفرقه و الفساد خواهد بود و صیغه وقف مزبوره بالعریبه و الفارسیه

از عالیحضرت واقف معزی الیه بقانون شریعة مطهره جاری شد و موقوفات مزبوره را بوقفیت در آنها معمول داشت و قفاً مؤبداً و حبساً مخلداً صحیحاً صریحاً شرعاً قطعاً بحیث لایباع ولایرهن ولایتصرف فیها مایناً فی الوقفه.

فی تاریخ رابع عشر شهر ذی القعدة الحرام
من شهور سنة ۱۱۶۹ من الهجرة النبوية
المصطفوية علی من هاجرها الف الثناء والتحية.

[بر حواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

هو

اعیان مسطورة متن را این خاکسار بر نهج مسطور بر طبقات مفصلة مذکوره ضمن وقف و حبس نموده و خود صیغه را جاری ساخته فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علیه حرره المذنب الجانی معز الدین محمد الموسوی الحسینی. [جای دومهر]^۱
جرى مارقم من المبدأ الى المقطع لدى نمقه. [جای مهر]^۲
بسم الله العلی الاعلی

در حضور اقل طلبه عالیحضرت معظم الیه تحجیس اعیان مسطورة متن نموده و بر نهج محرر صیغه وقف ازو بالاصالة والاحقر بالوكالة جاری گردیده و انا العبد .

[جای مهر]^۳

بسم الله وله الاسماء الحسنى عالیحضرت معظم الیه در حضور کمترین اعیان مفصله را وقف و صیغه را جاری ساخته اند. [جای مهر زین العابدین الموسوی الحسینی]^۴

۱- مهری بزرگ باسجع: «افوض امری الی الله الفنی عبده معز الدین الحسینی» و مهری

کوچک باسجع: «عبده معز الدین محمد الحسینی». ۲- مهری باسجع: «محمد الحسینی».

۳- مهری باسجع: «محب شهیدین محمد علی». ۴- مهری باسجع: «سیدالسادات

زین العابدین».

بسم الله خير الاسماء

اقرالواقف المعظم اليه كما رقم و زبر فيه لدى نمقه الجاني . [جای دومهر]^۱
هو اقرالواقف وفقه الله تعالى كما زبر فيه لدى العبد الاقل محمد صفی بیگ .

هو الله تعالى

قد اعترف عاليرتبه الواقف وفقه الله تعالى بما زبر و سطر فيه نمقه الجاني .

[جای مهر]^۲

قد اعترف الواقف المعظم اليه بحدافير ما زبر فيه لدى . [جای مهر]^۳

بسم الله الرحمن الرحيم

اعترف الواقف المزبور دام عزه بما زبر لدى . [جای مهری ناخوانا]

بسم الله خير الاسماء

غرض از ارتسام این سطور اینست که چون بالاخانه کاغذ لوق واقع در سردر خانه موقوفه که سه دانگ نظربوقف نامچه معتبره وقف اولاد واقف موفق مرحوم است از اینکه بالاخانه مزبوره مشرف بانهدام و موقوف علیهم از تعمیر و مرمت آن عاجز نظر بفتوای مجتهد العصر و الزمانی علامه الدورانی آقا سید علی دام ظلّه العالی موقوف علیهم با اطلاع سادات عظام و علمای کرام دار المؤمنین استر اباد و تعیین قیمت دو نفر مقوم صاحب وقوف سه دانگ بالاخانه مسطوره را بمبلغ چهار تومان و پنجهزار دینار رایج الوقف بعالی حضرت معلی مرتبت فضیلت منقبت ملا محمد زکی بمبايعه صحیحه شرعیه فروخته و عوض عین موقوفه مبیعه دودانگ از ایوان و درون خانه

۱ - مهری باسج : « اللهم صل علی محمد و آل محمد » و مهری دیگر باسج : « عبده

محمد کاظم الموسوی » . ۲ - مهری باسج : « عبده محمد رفیع الموسوی » .

۳ - مهری باسج : « قالانی عبدالله » .

مشرکه مرحومان میرزا جمال و میرزا سید محمد را با سایر متعلقات در حضور عدول مؤمنین بضوابطی که در وقفنامه مسطور است وقف مؤبد و حبس مخلد نمودند و صیغ مبیاعه و وقف کما قرر فی الشریعة المطهرة واقع و جاری گردید و کان ذلك نهم شهر شوال المکرم من شهور سنة ۱۲۱۲ . [جای شش مهر]

۲

وقفنامه آقامحمدخان قاجار (۱۲۱۱ - ۱۱۹۳) مورخ ۱۲۰۶ هـ . ق .

در این وقفنامه آقا محمدخان قاجار تمامی عمارات واقع در دارالمؤمنین استرآباد را با جمیع لواحق و مضافات و منضمات و شوارع وقف برائمه اثنی عشر کرده و تولیت آنها را به صادق سلطان کردمحلای و اصلاح و ارشد اولاد او نسلا بعد نسل مفوض داشته است .

هو الواقع

آقامحمدخان قاجار بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و ثنا شایسته ذات سلطان لامکانی است که عمارت دلگشای وسیع الفضای گردون را بنای قدرتش بی آب و گل بنانهاده و فلك قمر را مهتابی آن قرار داده آفتاب را شمس الطاق نموده و پرتو مهر و خطوط شعاعی را شادروان و طنابهای آن ایوان عالی رواق فرموده از ماء وطن منظر خوش منظر انسانی ساخته و قلوب مؤمنین را برای

۱ - مهری باسج: «یا خلیل الله» و مهر دیگری باسج: «عبده محمد رفیع الموسوی» و مهری دیگر باسج: «الراجی عبده محمد محسن الموسوی» و مهری دیگر باسج «عبده محمد هادی» و مهری دیگر باسج «عبده الراجی احمد الرضوی» و مهری دیگر باسج «زین - المابدين الموسوی».

خلوت خاص خویش از غیر پرداخته الحمد لله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام
 ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حیثاً و الشمس والقمر والنجوم مسخرات
 بامرہ الاله المخلق والامر تبارک الله رب العالمین و درود غیر محدود بر رسول محمودی
 باد که محرم خلوت سرای حضرت اله و بر جانشینش که مولد شریفش بیت الله است
 صلی الله علیه وسلم و بعد پوشیده نماند که چون در این عالم خاک و آب تا کسی برای
 خیر خشتی پای کار نیارد در قصور جنان منزل نگزیند و در اینجهان پرا انقلاب تا
 احدی بجهت تعمیر اساس نیکوکاری بر نخیزد در غرفات آمنین ننشیند هر که حلقه
 کوب در سعادت نشد ابواب ثمان هشت بهشت بر رویش مفتوح نگردید و آنکه
 زال گران مهر بی بهر دهر را طلاق نداد شاهد گشاده روی حور عین را تنگ در بر نکشید
 بناءً علیه خالصاً لوجه الله و طلباً لمرضاته وقف صحیح مؤبد و حبس صریح مغلد
 فرمود بانی بنای قربات و واضح اوضاع خیرات سریر آرای مسند عدالت گستری و
 زینت فزای دیوان داد دهی ورعیت پروری نوشیروان وشی که در بازار سنجیدگی
 میزان عدالتش صعوة سبک قدر با شاهین گران سنگ هم تراز و است و سپهکشی که در
 عهد مردانگی و شجاعتش زال ضعیف با رستم دستان قوی چنگ هم باز و از گلهای
 بوستان دولتش رایحه باغ ارم می آید و از رزم گاه صولتش بوی خون سیاوش و رستم
 بمشابهت شمشیر عالم گیرش ماه نوشهره هر شهر و انگشت نمای آفاق است و از رای
 عالم آرای وفاق اقتضایش آب و آتش چون تیغ تیزش بیک جا در مقام اجتماع و
 اتفاق کامکار نامدار جمشید قدر سکندر اعتبار صاعد مصاعد عزت و بزرگواری و عارج
 معارج شوکت و شهریاری متخلق باخلاق ربانی متحقق باوصاف اشراف انسانی
 مالک ممالك الاحسان والبسالة و سالک مسالك الايمان والعدالة سلطان السلاطین و
 رأس الخواقین المؤید بتأییدات الملك الغفار ابوالمظفر المؤید المنصور . قاجار
 ادام الله ظلال رأفته علی مفارق العباد و خلد الله دولته فی جمیع الامصار والبلاد تمامی

عمارات جنت بنیاد واقعه در دارالمؤمنین استراباد را با جمیع لواحق و مضافات و منضمات و شوارع را که بانی آنها بندگان ظل الهی و واضع آنها اعلیحضرت سلطنت پناهی اند برائمه اثنی عشر صلوات الله الملك الاکبر تائب و قفیت عاید روزگار فرخنده آثار نواب خاقانی و واصل ایام سعادت فرجام قآنی گردد و تولیت آنرا بعایشان معلی مکان سمو المنزلة والشان عمدة الاعظم والاعیان صادق سلطان کرد۔ محله و بعد باصلاح و ارشاد اولاد او بطناً بعد بطن و نسلأ بعد نسل مفوض فرمودند و خراب کننده و تغییر دهنده آن بلعت خدا و ائمه هدی گرفتار باد فمن بداه بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونہ.

وكان ذلك في سادس شهر جمادی-

الثانيه من شهور سنة ١٢٠٦ .

[برحاشیة بالای این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

قد وفق و وقف دامت ایام دولته العلیة العالیه جمیع مارقم فی الورقة كما رقم لدى.
[جای مهر]^۱

هو الواقف علی الضماير والسرائير

قد وفق الواقف الموفق المؤید بتأیید الله الملك المنان للائمه الاثنی عشر علیهم السلام جمیع مارقم فيه وفوض التولیه الی صادق سلطان لسی .

وکیل الداعی لا بودالدوله.

[جای مهر]^۲

۱ - مهری چهار گوشه باسج : « افوض امری الی الله عبده محمد حسین . »

۲ - مهری بیضی باسج : « وان الله حکیم کریم . »

وقفنامه مدرسه صالحیه در شهر استرآباد مورخ ۱۲۳۲ هـ . ق .

در این وقفنامه حاجی محمد صالح استرآبادی از مال و رجال خود مدرسه‌ای در شهر استرآباد ساخته و وقف بر طلاب کرده و شرایط استفاده طلاب را از این مدرسه یاد کرده است و تولیت آن را پس از خود به حاجی محمد جعفر و بعد به آقا محمد حسین و پس از او به ارشد اولاد ذکور تفویض نموده است. سپس همگی و تمامی نیم دانگ از کل شش دانگ قریه کردچمن و یازده باب دکان واقع در بازار کهنه و سه باب دکان واقع در بازار نو را وقف بر این مدرسه کرده و شرایط استفاده از منافع آنها را در متن وقفنامه آورده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على السرائر والمطلع على الضمائر والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله اشرف القبائل والعشائر بعد الحمد والصلوة برواقفان موافق توفيق که استقرای امور توفیق کرده اند مخفی نخواهد بود که بمضمون صدق مشحون کل شیء هالك الاوجه ازلیت وابدیت مختص جناب احدیت و دوام و استمرار مخصوص حضرت کردگار و ماسوای ذات مقدس تمامی در معرض فنا و زوال و محل هلاکت و بالند و بنی نوع آدم که اشرف طوایف عالم و منشأ خطاب و عتاب و مورد ثواب و عقابند بمصداق موتوا قبل ان تموتوا لازمست که پیش از آنکه جام ناگوار مرگ را نوش نمایند در سرزمین زندگانی در نشاندن درخت نیکوکاری و در زراعتگاه دنیا که مزرعه آخرت است در افشاندن تخم رستگاری ساعی بوده که از ثمر آن در یوم لا ینفع مال ولا بنون محظوظ گردند مصداق این مقال شامل حال فرخنده فال عالی حضرت

رفیع منزلت متعالی مرتبت نجابت منقبت سرحلقه اهل سداد و سردسته ارباب رشاد زین الحاج والعمار حاجی محمد صالح استرابادی زید توفیقاته گردیده که بجهت نشر شریعت غراومله بیضا از مال و رجال خود مدرسه در بلدة المؤمنین استراباد فیض-آباد جنات بنیاد بحلیه آبادی بر آورده و وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد اسلامی نموده واقف موفق دامت توفیقاته مدرسه مزبوره را بر طلبه علوم دینیة اثنی عشریه که در آنجا منزل نموده بتحصیل علوم دینیہ و معارف یقینیہ اشتغال نمایند و تخلیه ید نموده بتصرف موقوف علیهم مفوض نموده و شروط شایع ضمن العقد آنستکه مشغول باشند طلاب مدرسه مزبوره بقرائت کتب مدونه بلغت عرب یعنی ملای مکتبی خارج از موقوف علیهم است و اطفال فارسی خوان هم در مدرسه مزبوره منزل نداشته باشند مگر اولاد و احفاد عالیحضرت رفیع منزلت پسندیده فطرت کشف الحاج حاجی محمد جعفر همشیره زاده واقف که ایشان مرخصند در تعلیم قرآن و کتب مدونه بلغت عرب و غیر عرب و یک حجره از حجرات را اطفال و احفاد حاجی مزبور بجهت تعلیم کتب فارسی منزل نمایند و مرخص میباشند و شرط دیگر آنستکه معطل نکنند حجرات را طلاب از ید غیر شهر محرم الحرام و شهر صیام و اینکه منزل ندهند خارج را در شب از جهت بیتوته مگر مهمان متعلقین بطلاب تا سه شب و همچنین از شروط شائعه آنست که نگذارند در حجرات زغال و هیزم و چراغ نفت در حجرات روشن نکنند و هیمه نسوزانند و میخ در درو دیوار حجرات نزنند و اهل حرفه از قبیل کفن-نویس و صحاف و کاتب در مدرسه منزل نکنند مگر کاتبی که عرفاً در زمره طلبه بوده باشد و مشغول نباشند احدی از ایشان و غیره بموافقت و قرار داد منزل معین را واقف موفق مدرسه از برای مدرس هر گاه بوده باشد مدرس و زیاده از سه نفر در حجرات منزل نکنند مگر بمصلحت متولی و کسانیکه مفسد و مخرب مدرسه باشند اخراج نمایند و مرخصند جمیع شیعه اثنی عشریه نماز در آن مکان را و نشستن بجهت

تعزیه حضرت سیدالشهدا و سایر شهدای دیگر من صار شهیداً فی نصرتهم و شرب و تطهیر از آب آن نمایند و خارج مدرسه آنرا بیرون نبرند مگر به ندرت و تولیت مدرسه را واقف معظم الیه مادام الحیات بنفس نفیس خود قرار داده و بعد بعالی حضرت پسندیده فطرت نجابت منقبت کهف الحاج و العمار حاجی محمد جعفر و بعد بعالی حضرت رفیع منزلت آقا محمد حسین ولد مشار الیه و بعده باصلح و ارشد اولاد ذکور او و بعد از انقراض اولاد ذکور آقا محمد حسین اولاد ذکور اناث آقا محمد حسین كذلك و بعد از انقراض اولاد ذکور اناث آقا محمد حسین مفوض نمود تولیت را به اولاد ذکور خیر الحاج حاج محمد جعفر كذلك و بعد از انقراض اولاد ذکور حاجی محمد جعفر اولاد ذکور اناث حاجی محمد جعفر و بعد انقراضهم العیاذ بالله تولیت به اعلم و اتقی اهل مدرسه بوده باشد و صیغه وقف علی نهج المرقوم کماورد فی الشریعة المقدسه من الواقف الموفق دام توفیقاته بالعریة و الفارسیه جاری گردید و عمل بوقفیت مدرسه نمود و بعد ذلك موفق بتوفیقات حضرت باری گردید واقف معظم الیه بضمون اینکه

برگ عیشی بگور خویش فرست کس نیارد زپس تو پیش فرست
و بمصداق حدیث صحیح نبوی صلی الله علیه و آله اذامات ابن آدم انقطع علیه الاعن ثلاث و لد صالح یدعوله و علم یتنفع به و صدقه جاریه عمل بهترین صدقه جاریه وقف املاک است بر طلبه علوم دینی که ایشان مروج شریعت غرای مصطفویه اند در حال حیات و صحت نفس و ثبات عقل وقف مؤبد شرعی و حبس مخلص اسلامی نمود محضاً لله و خالصاً لوجه الله همگی و تمامی نیم دانگ از کل شش دانگ از قریه کردچمن مشهور بمیاندره واقع در بلوک سدن رستاق من اعمال دار المؤمنین استرآباد که از غایت شهرت و نفرد اسم مستغنی از تعریف و توصیف است با جمیع متعلقات از حسن آباد و کلامو

منظمات آن از حقایق رودخانه و اراضی عامره و غامره و آوشت و شیوارات و تلال و جبال و ملیارستان و توستان عن آنچه ملکیت را سزد و شاید و انتفاع در آن متصور شود من القلیل و الکثیر مما ذکر ام لم یذکر و سمي ام لم یسم بر مدرسه مزبوره که از بناهای معمار همت واقف معظم الیه میباشد و همچنین واقف دام توفیقاته وقف مؤبد و حبس مخلد نموده یازده باب دکانین واقعه در بازار کهنه که از جمله دکانین مزبوره دو باب عصارى و صابون پزی است که محدود بحدود اربعه ظهر و سه باب دکانین واقعات در بازار نو بلدة المؤمنین استر اباد که محدود است بحدود اربعه ظهر برابر مدرسه مزبوره بشروط سالقه که بعد از اخراجات ملکى اولاً تعمیر و مرمت مدرسه مزبوره نموده مداخل آنرا متولى على رأیه و على تفاوت مراتب فهم الطلاب میانه موقوف علیهم تقسیم نماید و از مداخل موقوفه چراغی در سر ضروری روشن نماید و تولیت اعیان موقوفه بنهجی است که در فوق قلمی شد و حق التولیه مادام الحیوة ثلث آن تعلق بواقف مشار الیه دارد و بعد از وفات واقف سدس مداخل اعیان موقوفه تعلق بمتولی داشته و سبع مداخل موقوفه متعلق بمدرس مزبوره باشد و بعد از انهدام مدرسه مزبوره اعیان موقوفه وقف است بر تعزیه جناب سید الشهداء علیه السلام و یک عدد غلیان نقره با سرش وقف نموده بر مدرس مدرسه مزبوره که مدرس و طلابی که در پیش مدرس درس میخوانند بکشند اعیان موقوفه را واقف معظم الیه دام توفیقاته ازید تصرف خود تخلیه نمود و بتصرف موقوف علیهم داده بطریق مرقوم متولى مسطور مداخل اعیان موقوفه را فیما بین موقوف علیهم تقسیم نمود و صیغه وقف کما هو فی قانون الشریعة المقدسه من الواقف الموفق دام توفیقاته بالعربیه و الفارسیه جاری گردید فمن بدله بعد ماسمعه فانما ائمه على الذين یدلونہ وفقاً صحیحاً شرعاً اسلامياً تغییر دهنده بسخط الهی و نفرین حضرت رسالت پناهی گرفتار گردد.

وكان ذلك في ثامن عشر شهر ذیحجة الحرام من شهر
سنة اثني وثلاثين ومائتان بعد الالف من الهجرة النبوية
المصطفوية هـ زارو دو یستوسی و دو ۱۲۳۲ .

[بر حواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم الله تعالى شأنه

قد اقر واقف الموفق بجميع مارقم فيه لدى وانا العبد الآثم . [جای مهر]^۱

قد صرح و وضع ما فيه لدى الجانی . [جای مهر]^۲

قد صرح و وضع ما فيه لدى الجانی . [جای مهر]^۳

قد وقف الواقف الموفق جميع مارقم فيه على ماسطر انا عبد الاقل . [جای مهر]^۴

قد وقع الوقف على النهج المسطور لدى نمقه الآثم . [جای دو مهر]^۵

بسم الله جل شأنه

قد اقر و وضع جميع مارقم فيه لدى نمقه الجانی . [جای مهر]^۶

بسم الله تعالى جل شأنه

وقع و وضع بما زبر ورقم لدى الجانی . [جای مهر]^۷

بسم الله تعالى وقع جميع من اوله الى آخره لدى محمدرضا الحسيني .

[جای مهر]^۸

۱- مهری باسجع: «محمد کاظم». ۲- مهری باسجع: «عبد محمد حسن».

۳- مهری باسجع: «عبد محمد حسین». ۴- مهری باسجع: «اسمیل بن ابوالقاسم».

۵- مهری باسجع: «عبد الراجی حیدر علی» و مهری باسجع: «المتوکل علی الله محمد باقر».

۶- مهری باسجع: «عبد محمد هادی الموسوی». ۷- مهری باسجع: «لا اله الا الله».

۸- مهری باسجع: «لا اله الا الله الملك الحق المبين محمدرضا الحسيني».

وقع فيه ماوقع والخير فيماوقع وكتب الفاني الجاني. [جای مهر]^۱

هو الله تعالى شأنه العزيز

قد اقر الواقف الموفق دام توفيقاته بمارقم فيه لىدى نمقه الآثم الجانى .

[جای مهر]^۲

قد وقع الوقف حسبما زبر فيه لىدى نمقه الجاني. [جای دو مهر]^۳

بسم الله خير الاسماء

قد اقر الواقف الموفق دام توفيقاته بجميع مارقم فيه لىدى نمقه العبد الخاطى الجاني

الفاني. [جای دو مهر]^۴

۱- مهرى باسجى: «عبد مفيد الموسوى». ۲- مهرى باسجى: «المتوكل على الله

محمد حسين الاستر ابادى». ۳- مهرى باسجى: «عبده الراجى» محمد حسين، و

مهرى ناخوانا. ۴- مهرى باسجى: «محمد شفيح الموسوى» و مهرى ديكر باسجى:

«عبد الراجى رحيم الموسوى».

سواد وقفنامه حاجی رحیم دولوی قاجار مورخ ۱۲۴۵ ه. ق.

در این وقفنامه حاجی رحیم پنج سهم از بیست سهم از يك دانگ
قریه آهنگر محله و يك دانگ از دو دانگ از سه دانگ از کل
شش دانگ قریه نرس آباد علیا و دو دانگ از چهار دانگ از کل شش
دانگ از يك رشته قنات واقع در نرس آباد سفلی و کل شش دانگ از
يك بابخانه مسکونه واقف واقع در گذر شیر کش از مضافات محله
نعلبندان شهر استر آباد را بر تعه زیه داری جناب سیدالشهدا وقف
کرده و شرایط وقف را در متن آورده است.

بسم الله تعالى شأنه

الحمد لله الواقف على الضمائر والمطلع على السرائر والصلوة والسلام على اشرف خلقه
محمد وآله خير القبائل والعشائر شکر و سپاس فزون از قیاس وقف مزرعه نعماء و
آلای جناب رب الاربابی است که دهکده عالم جبروت را بلامشارکت غیر مالک و
شهرستان ملک ملکوتش منزله از سهم و مشارک کره خاک از اراضی شوکتش قطعه زمینی
است که از جویار بهار مشروب گردیده و چرخ پیر در مزرعه فیضش دهقانست که باداس
هلال قامتش بخوشه چینی خمیده الحمد لله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام
ثم استوی على العرش یغشی الليل النهار و یطلبه حیثاً والشمس والقمر والنجوم مسخرات
بأمره تبارک الله رب العالمین مراورارسد کبریا و منی که ملکش قدیم است و ذاتش غنی
و درود نامعدود بر رسول محمودی باد که مقصد اصلی از بنای مزرعه جهان حصول
ذات پاک او و علت غائی از احیاء اراضی موات عدم نمو دانه یکتا گوهر وجود تابناک

او و صلوات طیبات بر آل و اصحاب او که ملت بیضای احمدی را بهین سالار و حدیقه دین مصطفوی را نازل منزله ابر بهارند و بعد برواققان مواقف توفیق ظاهر و روشن و برپیشگاه باطن اهل تحقیق ثابت و مبرهن است که این دنیای ناپایدار غدار جای اقامت و محل استقامت نیست و انتقال از دارغور دنیا بمقام سرور عقبی لابد و ضروریست انما الدنیا فناء لیس للدنیا ثبوت انما الدنیا کبیت نسجة العنکبوت و بمفاد الدنیا مزرعة الآخرة و بمضمون برگ عیشی بگور خویش فرست کس نیارد ز پس تو پیش فرست کما قال الله تبارک و تعالی و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عند الله در سرزمین زندگی نشانیدن درخت نیکو کاری مثمرا ثمار برخورداری از املها است و در زراعتگاه دنیا افشاندن تخم راستکاری سبب ادراک ریح رستگاری در وقت حصاد عملهاست کما قال عز من قائل ارض القيمة نار ما خلا ظل المؤمن فانه فی ظل صدقاته يوم القيامة بناءً علی هذا وقف صحیح مؤبد و حبس صریح مخلد فرمودند بانی بنای قربات و واضح اوضاع خیرات عالیجاه رفیع جایگاه نتیجه الامراء و الخوانین العظام علیهمحمد آقا دام ظلّه ابن مرحمت و غفران پناه خلد آرامگاه محمود خان ابن مرحمت پناه جنت۔ تکیه گاه حاجی رحیم خان دولوی قاجار طاب ثراهما قرية الى الله و طلباً لمرضاة همگی و تمامی املاک مفصله که بعضی بالابتیاع و بعضی بالارث منتقل بایشان شده بر تعزیه داری جناب اباعبدالله الحسین علیه التحیه و الثناء پنج سهم از بیست سهم از یکدانگ از کل ششدانگ از قرية مشهورة موسومه بآهنگر محله که ششدانگ منسهم میشود بیکصد و بیست سهم بعبارة اخرى ملك موقوفه یکرربع از یکدانگ است باجمیع توابع آن یکدانگ از دو دانگ از سه دانگ از کل ششدانگ از قرية نرس آباد علیامع جمیع توابع و لواحق از آنچه منتفع توان شد و دو دانگ از چهار دانگ از کل ششدانگ از یکرشته قنات واقعه در ارض قرية نرس آباد سفلی و کل ششدانگ از یکباب خانه مسکونه

واقف که واقع در گذر شیر کش میباشد که از مضافات محله نعلبندان است من محلات دار المؤمنین استرabad که محدود بحدود اربعه که منافع املاك وقتان موقوفه را بعد از تعمیر ولاروب عین موقوفه صرف تعزیت داری جناب سید الشهدا از آش و طعام و آب و اخراجات روضه خوان و شمع و چراغ و روغن چراغ و اسباب و آلات طبخ و اکل نمایند و باید که در دهه عاشورا در خانه موقوفه مسطوره آثار و علامات تعزیت داری برپا نموده واقف موفق را بدعای خیر و طلب مغفرت ایشان و والدین ایشان را یاد نمایند و تولیت اعیان موقوفه را مادام الحیوة بنفس نفیس خود واگذاشتند و بعد از ارتحال خود از دار غرور دنیا بمقام سرور عقبی با کبر اولاد ذکور خود نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن هکذا ماتوا و الدوا و تناسلوا الی یوم ینفخ فی الصور مفوض داشتند و هرگاه العیاذ بالله اولاد ذکور منقرض شوند با کبر اولاد ذکور از اولاد اناث و الابه کبرای اولاد اناث و هرگاه بالکلیه منقرض شوند تولیت با علم عادل نافذ الحکم بوده باشد و هرگاه متولی متابعت شیطان و نفس اماره نموده در استیفای منافع و صرف در مصارف آن خیانت نماید حاکم شرع او را از تولیت عزل نموده و با اولاد دیگر که شایسته باشد واگذارد و حق التولیه را عشر از منافع املاك موقوفه قرار دادند که اول عشر خود را برداشته و بعد از آن هرگاه اعیان موقوفه محتاج به تعمیر بوده باشد نموده آنچه باقی بماند صرف تعزیت داری در خانه موقوفه معینه نمایند و صیغه صحیحه و وقفیت بنهج مسطور جاری ساخته و تخلیه ید از ملکیت نموده علی حسب الوقف عمل بوقفیت نمودند و قفاً صحیحاً شرعاً اسلامياً فمن بدله بعد ماسمعه فانما ثمه علی الذین یدلونّه.

تحریراً فی غرة شهر ربیع الثانی من شهر سنة ۱۲۴۵.

[بر حواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

لایخنی آنکه بخصوص تعزیت‌داری که در متن مسطور شده که در ایام دههٔ عاشورا شود بعد از جریان صیغهٔ وقف در زمان ایام عاشورا عمل نشد بلکه در شهر صفر المظفر عمل بتعزیت‌داری شد لهذا ایام تعزیت‌داری موقوف بر آری متولی شرعی میباشد که در هر شهری از اشهر که خواسته باشد ده روزه تعزیه‌داری نماید مختار میباشد و دیگر آنکه بر خانهٔ موقوفهٔ مسطوره خانهٔ دیگر ایتباع فرموده اند که وقف نشده است و اضافه و ملحق بخانهٔ موقوفه شده است که در خارج متعین میباشد و خانهٔ موقوفهٔ مفروضه و مملوکه که از عالیشان مخمد زمان ایتباع شده است نیز مفروضه میباشد و تحریر شد تا دانسته شود تحریر آفی شهر محرم الحرام سنة ۱۲۵۱ .

حدود خانهٔ مملوکهٔ ایتباعی از محمد زمان آقا باین نهج است شرقیاً متصل است بخانهٔ مرحوم آقا سید حسن عطار غربیاً متصل است بکوچه که شارع عام است شمالیاً متصل بدرون خانهٔ موقوفه جنوبیاً متصل است بخانهٔ عالیشان قاسم خان که جرز درون خانهٔ موقوفه ممتد است بسمت انبار موقوفه .

[مهر امامقلی ولد آقا رحیم ارباب شهری استرآبادی و جای چهار مهر]^۱

اعترف الواقف الموفق کما رقم فيه لدى نمقه الجانيان الخاطيان .

[جای سه مهر]^۲

اعترف الواقف الموفق کما رقم فيه لدى ذامع اصله سيان . [جای مهر]^۳

- ۱- مهری باسجج: «افوض امری الی الله عبده عبدالله» و مهر دیگری باسجج: «عبده الراجی محمد اسمعیل» و مهری دیگر باسجج: «عبده الراجی محمد هادی» و مهری دیگر باسجج: «عبده محمد مؤمن الحسینی» و مهری دیگر باسجج: «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده امامقلی».
- ۲- مهری باسجج: «عبده آقا بابا بن محمد طاهر» و مهری دیگر باسجج: «عبده الراجی یوسف علی» و مهری دیگر باسجج: «عبده میرزا علی».
- ۳- مهری باسجج: «عبده الراجی محمد اسمعیل».

اعترف الواقف الموفق كمارقم فيه لى ذامع اصله سيان . [جای مهر]^۱
 این سند معتمد و در نهایت اعتبار است فليزم العمل به و صرح مافيه لى حررته ۲۸
 جمادى الاولى ۱۳۲۱ . [جای دو مهر]^۲

قد قوبل مع اصله الصحيح المعتبر وهما سيان . [جای مهر]^۳

بسم الله تعالى شأنه

اعترف الواقف الموفق كمارقم فى المتن والهامش لى ذامع اصله سيان.
 [جای مهر]^۴

قد وقع مازير وذامع اصله سيان. [جای مهر]^۵

-
- ۱ - مهرى با سجع : «عبدہ محمد تقى الحسينى» . ۲ - مهرى با سجع : «جمال -
 الدين محمد صادق العقيلى» و مهرى ديكر با سجع : «يعقوب الحسينى» . ۳ -
 مهرى با سجع : «عبدہ محمد مؤمن الحسينى» . ۴ - مهرى با سجع : «المتوكل على الله عبدہ
 محمد باقر» . ۵ - مهرى با سجع : «افوس امرى الى الله عبد الله» .

سواد وقفنامه محمدقلی میرزا ملک آرا مورخ ۱۲۴۹ ه. ق .

در این وقفنامه ملک آرا يك دانگ و نیم از کل شدانگ قریه سلطان آباد بلوك استرabad رستاق را وقف بر اطعام فقرا و مؤمنین مسجد جامع در ایام صیام و تعزیه داری جناب سیدالشهدا نموده و شرایط و طرز تقسیم محصول و منافع را در متن یاد کرده است .

هو الله الواقف علی السرائر

بسم الله الواقف علی خبا یاد الانام والمطلع علی ضمائر الخاص والعام الذی دعا لعباده الی دار الاقامة والسلام وجعل الطاعات من اسباب القرب الیه فجعل منها الوقوف والصدقات الجاریه فی الدهور والایام حمد و سپاس فزون از قیاس وقف مزرعه نعماء و آلاء منعمی است بدیع البدایع عزاسمه که ساحت فسیح الفضای عالم جبروت را بی مشارکت غیر مالک است و فضای وسیع البناء ملک ملکوتش منزّه از اشتراک سهم و مشارک مزرعه عرصه غیر از ابر بهاری حکمت بالغه او بآبیاری کهن دهقان روزگار همواره مخضر دامان است در هر فصلی از فصول اربعه حاصد چرخ پیر پس از درودن زرهای گوناگون اوسالهای سال داس هلال بدامان صانعی که قالب خاکی انسانی را بشکر جان شیرین آراسته فراش قضا بامرنافذش خیام نیلگون سپهر را بسی ستون افراشته سطح زمین را از ترشح سحاب مراحم بی پایان رشک فرمای روضه جنان ساخته بفرش زمرد قام سبزه پیراسته بمقاد آیه وافی هدایه و لقد مکنّا کم فی الارض و جعلنا لکم فیها معایش قلیلاً ماتشکرون روزی خواران مجموعه احسان خویش را

در مجمع وسیع جهان و محفل فسیح عالم امکان مجتمع فرموده و مشعل ماه را برافراخت که همه شب تا روز انجمن افروز است و مهر روشن چهر را از بام تا شام به خدمتکاری عاکفان مساجد اکرام و معتکفان تکایای انعامش گماشته خوان زمین را برای ترتیب کافه عبادمشحون از هر ماحضر بر صفحه روزگار گشوده زمام اختیارا کل و شرب انواع مأکول و اقسام مشروب را بقدر مقدر بر کف با کفایت ایشان گذاشته مقسمی که از طعام گوناگون و ادام از حد فزونی قسمت هریک بنوعی مقرر است که همدوربان سفره انعامش را یارای آن نه که ماش از آش یکدیگر ربایند و قدرت آن نی که از روی هوی و هوس بقدر نیم عدس بر کاسه دیگر دست درازی نمایند الرزق مقسوم قد قسمه عادل بینکم مکر می که میزبان مرحمت انعامش دقیقه از دقایق مهمانداری را در حق غنی و فقیر و بر ناوپیر فرو نگذاشت اگر شربت دار کارخانه روزگار در عالی محفل مکرمتش بیگانه را از آشنا جدا کند و قاشق بالای افشرد نهی فی الحال خواند سالار عدالتش از کفگیر قدرت کف مغزیش دهد و یاطباخ مطبخ دنیا خواهد بر خلاف تقدیر گوشتی از حصه محتاجی کم نماید در دم ناظر معدلتش باگزاک قسمت پوست از سرش بر کند و چنانچه یکی از مجلسیان کرامتش خواهد که باستیلای حرص دو روزه امروز دهن بطعمه آن دیگر گشاید فردا مرغ دلش به آتش حسرت و ندامت کباب آید و هو السلطان لا شریک له فی ملکه و احسانه و لاراد لقضائه و سائله صلوات نامعدود و درود غیر محدود بر صدر گزین محفل اصطفی و مربع نشین تکیه قاب قوسین او ادنی عارج منبر ثم دنی فتدلی مخاطب خطاب لولاک مهین فرزند مادر خاک درج رسالت را گوهر پاک و برج نبوت را اختر تابناک تشریف فرمای ساخت عالم بسالا شرافت افزای ساکنان ملا اعلی قائم محراب مسجد اقصی علت غائی عالم و شرف اولاد آدم آنک نبوت را شریفترین خاتم سندا لاصفیاء و سید الانبیاء محمد که ازل تا ابد هر چه هست به آرایش نام او نقش بست و بر آل اطهار و خلفای نامدارش اولهم علی و

آخر هم مهدی که راهنمایان طریق هدایت و شفیعان روز جزا شمع جمع ولایتند و چراغ انجمن هدایت هر که در شهرستان دنیا جز تخم تولای ایشان در سلطان آباد سینه کاشت غیر خسران ابدی بر نداشت اللهم العن اول ظالم ظلم بحق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلك فبعد چون طریقه رضیه پیروان شریعت نبوی و رویه مرضیه محبان خاندان مرتضوی آنست که بمقتضای صداقت اقتضاء فقد استمسك بالعروة الوثقی دست توسل بر عروة الوثقی محبت اولیای کرام علیهم صلوات الله الملك العلام محکم و پایدار و بمصداق سعادت انتمای فاعتصموا بحبل الله چنگ توکل به حبل المتین شفاعت اوصیاء عظام علیهم آلاف التحیه والسلام استوار نموده تا بمضمون کلام معجز نظام حضرت خیر الانام مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من ركب فیہانجی ومن تخلف عنها غرق خود را از غرقاب هلاک بساحل نجات رسانند لهذا در عهد دولت شهریار جم اقتدار پادشاه اقلیل کلاه خسر و فیروز بخت آسمان تخت فریدون فرسکندر در کاووس کوس کیخسرو و فرشه نشاه عادل باذل اعدل السلاطین الاکرم افخر الخواقین الاعظم مالک الرقاب العرب والعجم ملک الملوک العالم السلطان ابن السلطان والخاصان ابن الخاصان فتحعلی شاه قاجار اعلی الله لوای معدلته علی مفارق الامم فرزند رشید و سلیل سعید سنای سیناء خلافت کبری و ضیای صفای سلطنت عظمی مهر تابان آسمان دولت و گوهر رخشان جهان شوکت حضرت سپهر منزلت اشرف والا الملقب به ملک آرا محمد قلی میرزا دامت ایام شوکت نوباوه ریاض شاهی و تازه گل گلزار پادشاهی نور حدقه شاهنشاهی و نور حدیقه اعلی حضرت ظل الهی صاحب اختیار ولایت استرآباد جنت بنیاد و سرحدات دشت قبیحاق نواب کامیاب سپهر جناب هلال رکاب... ادام الله تعالی عمره و دولته وقف مؤبد نمود همگی و تمامی یکدنگ و نیم از کل شش دانگ قریه سلطان آباد من بلوک استرآباد رستاق را که بر حسب آبادانی و ابتیاع بسرکار شوکت مدار انتقال پذیرفت از اراضی رطبه و یابسه و میاه و مجری میاه و

اصطلاح الامر دولته و حمام ابتغاء لوجه الله و طلباً لمرضاته و اكتساباً لمزيد الوثقى
لديه و يريد الافتناء مثوباته به تشديد تسديد عنايت ازلى و تأييد تأييد مرحمت لم يزل
كه همواره شامل حال و كافل احوال اعالي و ادانى كافه عباد است بر اطعام فقرا و
مؤمنين مسجد جامع عادلانوا ام لافى ايام الصيام افطاراً و مسحوراً و تعزیه جناب
شهادت مآب انتسابی که

ترسم جزای قاتل او چون رقم زنند یکباره بر جریده رحمت قلم زنند
و هو ثمر شجر نبوت و ولایت و شجر ثمر خلافت و امامت پیشوای راه هدی و
ذبیح کوی وفا گوشوار عرش خدا المقتول بسیوف الاعداء والمدفون بارض كربلا
خامس آل عبا المجاهد فی سبیل الله والغازی لدین الله سید الشهداء اباعبدالله علیه وعلی
آبائه واولاده آلاف التحیه والثناء و خلاصه ناس و قتل سپاه حق ناشناس حضرت
عباس ۴ که محصول و منافع املاك مسطوره بعد از وضع حق التولیه که ثلث از کل
منافع است به روشی که در ذیل تفصیل یافت مصروف آید تا نقد ثواب آن در روز
بازار قیامت عاید روزگار فرخنده آثار سرکار شود يك ثلث از محصول و منافع
یکدانگ و نیم املاك رطبه و یابسه را بعد از استیفاء کامله کما هو حق و وضع حق-
التولیه که در فوق مسطور است در شبهای ماه مبارک رمضان فی اوله الی آخره در مسجد
جامع قدیم محله نعلبندان من محلات دار المؤمنین استر اباد جنت بنیاد بر فقرا و ارباب
استحقاق افطاراً اطعام و انفاق نمایند و در لیالی قدر در قید و بند تفرقه فقیر و غنی نبوده
کسانیکه در مسجد اعتکاف و رزیده بعبادت و تلاوت و نماز و دعا و اوراد مشغولند و
شب بروز میرسانند بی نصیب نگذارند و اغنیاء معتکفین را از افطار و مسحور محظوظ
دارند يك ثلث از کل محصول و منافع املاك موقوفه را در ایام عاشورا در سقاخانه
جدید البناء محله نعلبندان که از ابنیه سرکار شوکت مدار واقف و فقه الله تعالی است
صرف شربت و طعام و ادام نمایند و اگر بناء مذکور محتاج به تعمیر یا العیاذ بالله

بمرو دهور از تصاریف ایام روبه انهدام نهد تعمیر از او اولی شمارند و اگر منافع و
 مداخل یکساله يك ثلث مزبور کفایت نکند منافع دوسال یا بیشتر آنرا متولی نگاه
 داشته به تعمیر پردازند و پس از عمارت آن سال به سال صرف طعام و غیره نمایند و
 در هر حالی مرمت را اولی دانند و مصارف ضروریة جزئیة را نیز از قبیل نفط و
 شمع و غیره کارسازی کرده مضایقه نکنند و تولیت آنرا به جناب مقدس القاب حقایق و
 معارف اکتساب دقایق و عوارف انتساب افاضل و افادت مآب اعلم العلماء العظام
 افضل الفضلاء الکرام زبدة المجتهدين ملا عبدالله زیدایام فضل و پس از او به اولاد
 او نسلاً بعد نسل که بزبور صلاح آراسته و قامت استعداد و قابلیت ایشان بخلاف
 عدالت و فقاہت و امامت پیراسته باشد مفوض داشتند تا بشرايط وقف معمول دارند و
 اگر العیاذ بالله از جناب معزی الیه نسلی باقی نماند افقہ و اعلم و اعدل ائمة مسجد ثم بلد
 مختارند و اگر آن نیز ممکن نشود یکی از مؤمنین صلاحیت پیشه عدالت اندیشه
 ولایت مزبور بنهیج مسطور معمول داشته شرايط وقف و ضوابط مسوقوفه را مهمل
 نگذارند و هرگاه آنجا از اشخاص متصف بصفات مذکورہ خالی ماند مجتهد عادل
 مسلمی که در بلاد بعیدہ او قریبہ باشد از قبل خود نایب و امین تعیین کند تا مشروط
 بعمل آید اگر چه سرکار واقف سلمه الله تعالی در زمان دارائی و فرمانروائی بمصدق
 الملك یقی مع الکفر ولا یقی مع الظلم بشیوة ستودة عدل و شیمه حمیده انصاف
 می برداختند ولیکن از آنجائیکہ در عنفوان شباب و جوانی بمرزبانی و حکمرانی
 مشغول بودند و اوقات خجسته صرف تنظیم مهمات ملکی و دولت مینمودند و لوازم
 امور فرمانروائی اشتغال بمظالم است حضرت سپهر منزلت شاهزاده آزاده نامدار
 بفحوای حاسبوا قبل ان تحاسبوا متاع اعمال خود را بمیزان خرد خرده بین سنجیده
 ذمه سرکار خویش را مشغول بمظالم و اشتغال بعبادت جناب پروردگار دانسته حبس
 مغلد شرعی فرمودند تمامی نیم دانگ از کل چهار دانگ و نیم غریکدانگ و نیم

موقوفه از شش دانگ قریه مسطوره را ونایب و وصی خود قرار دادند جناب متولی مذکور و پس از او هر کس بمراسم تولیت قیام مینماید که مدت حیات سرکار منافع و محصول آنرا بر سبیل رد مظالم بارباب استحقاق رسانند و بعد از انقضای ایام حیات که جناب رب الارباب طولانی فرماید از زمان دخول به تکلیف تا خروج از آن هر قدر از عمر شریف گذشت مشخص کنند و از مداخل نیم دانگ محبوسه برداشته به صوم و صلوة پنجگانه و نماز آیات و سایر نمازهای واجبی داده باشند و پس از آن مادامی که از قریه مذکوره نام است و مداخل اگر کم و اگر زیاده حاصل میشود منافع نیم دانگ بعنوان رد مظالم بفقراء و مساکین داده احدی از آحاد ناس راحتی۔ الورثه در املاک محبوسه تسلط شرعی در تصرف نیست و اگر ملک یا قنواة اصطلاح را تعمیری بهم رسد اول از کل محصول دو دانگ موقوفه و محبوسه که در تصرف متولی است از عهده اخراجات تعمیر املاک و تنقیه انهار و قنوات بقدر الحصر بر آیند و سایر مخارجی که رو دهد متکفل شوند و مقر مسجد هم مثل مقر حمام و دولخانه از وقف و حبس بیرون است وقفاً صحیحاً شرعاً قطعاً ملماً دائماً بحیث لایباع و لایوهب و لایرهن فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونہ ان الله سمیع علیم۔ و کان ذلک فی عشر اوسط شهر رمضان المبارک من شهر سنة تسع و اربعین و ما تبین بعد الف من الهجرة النبویة علیه و علی آله الاف الصلوات و التحیه مطابق سال فرخنده مآل ٹیلان ٹیل خیریت دلیل ۱۲۴۹ .

[بر حواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

سمعت اقرار الواقف مدظله بمارقم فیہ لدی . [جای مهر]^۱

قد جرت الصیغة کما زبردی و تصرف المتولی دامظله . [جای دومهر]^۲

۱۔ مهری باسجع: «المتوکل علی الله عبده نصر الله الحسینی». ۲۔ مهری باسجع:

«المتوکل علی الله عبده محمد صالح»، و مهری دیگر باسجع: «المتوکل علی الله عبده محمد باقر».

قد وقع مافيه لدى نمقه الجاني. [جای مهر]^۱
 ليس لوقعتها كاذبه. [جای مهری ناخوانا]
 وقع لدى بلاشبهة وشك. [جای مهر]^۲
 از اول كلمه هو الله الى كلمة اكبر مطابق با اصل اصیل معتمد مطاع واجب الاتباع
 آن که موشح است بمهر علماء عظام سلف استرabad و غیرهم قدس اسرارهم وانا
 الاحقر ...
 سواد مطابق با اصل است الاثم حسن امامی ۱۳۳۷ . [جای مهر]^۳
 سواد مطابق با اصل معتمد است وانا الاقل عبدالرحيم ذبيحی.

۱- مهری باسجج: «عبدہ نصرالله».

۲- مهری باسجج: «عبدہ الراجی علی اکبر».

۳- مهری باسجج: «محمد اسمعیل».

وقفنامه محمد تقی خان هزار جریبی مورخ ۱۲۵۶ ه. ق.

در این وقفنامه محمد تقی خان همگی و تمامی دودانگ از چهار دانگ از اعیانی کاروانسرای را که خود بنا کرده است وقف بر قاری قرآن و بر طلاب و علمای ساکن در مدرسه ای که خود ساخته است کرده و تولیت آن را پس از خود به اکبر و ارشد او لاد ذکور نسلاً بعد نسل داده و شرایط وقف را در متن ذکر کرده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على الضمائر والمطلع على السرائر والصلوة على اشرف الانبياء محمد وآله الامجاد خير القبائل والعشائر زيب وزينت انجمن بلاغت گستری وحلی وحلل دوشیزه فصاحت پروری وقف چهره زیبای شاهد حمد و ثنای شاهنشاه جهان سرائیست که منظر رفیع نه فلک پست ترین غرفه از ایوان ابداع او است و کشور هفت اقلیم کمترین ده که از چهار سوق اختراع او واقف السرائری که گوهر مکنون رازی در درج سینه هیچ آفریده مخزون نگشته که بمهر خازن حکمت لم یزلیش نرسیده و عالم الضماری که ریشه نخل اندیشه در قمر ضمیر هیچ مخلوقی ندویده که مهر جهان تاب علم ازلیش بر آن نتابیده تعالی ذاته ان یبلغ بکنه العارفون وان یحفظ بوصفه الواصفون وله الملك وله الحمد والیه ترجعون وزین و زیور پری چهرگان مجلس نکته پردازی و گلگونه سراستان معنی طرازی نامزد چهره و دوش زیبا جمیله نعت عالم آرائیست که بجز از بلبل دستان سرای وحی کسی را یارای آن نه که بر شاخسار مدیحش سراید و بغیر از

طوطی شکر خای الهام دیگری را حد آن نیست که به شرح و توصیفش کام و زبان بیاراید فاتحه دیوان شفاعت و خاتمه رساله رسالت و هدایت و سیله فتوح مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح قدرت نامتناهی الهی در کارخانه مشیت خویش قبای عصمت بجهت قامت دلارای او و آل بی همالش مهیا ساخته و بدست اراده خود ردای طهارت بردوش فلک۔ سای او و اهل بیت کسرامش انداخته و تا قیام قیامت سرابستان امامت وقف اوصیای اطهار او است و شهرستان ولایت ملک موروثی عترت اخیارا و علیه صلوات الله الملك الرؤف مدامت السور مختمه بالوقوف و الآیات منقطعة بالحروف اما بعد کامل۔ نصایبان گنجینه بینش و دانش و سرمایه داران متاع دکانین بازار آفرینش که برهنموننی هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم به نیک و بد معاملات دارین پی برده اند و بنفع و ضرر تجارت نشئین و قوف تمام پیدا کرده اند و چندانکه به کاروانسرای بندر وجود برآمده اند و طواف چهارسوق کشور هستی نموده اند برهیچگونه تجارتی ظفر نیافته اند و سر رشته هیچ معامله بدست نیاورده اند که در بازار رستخیز که محل ظهور ربیع و خسران معاملات و هنگام پدید آمدن فایده و نقصان تجارت است به نص فماربحت تجارتهم و ما کانوا مهتدین مقرون و بغین ذلك هو الخسران المبین مغبون نگردند بغیر از اینکه دکانین اتفاق در چهارسوق خیرات و قیصریه میرات باز نمایند و بقسطاس مستقیم عدالت و صفای طویت بسنجند تا بوقت سنجیدن بمیزان یوم نشور و موسم وزیدن صرصر نفعه صور که هنگام وزن اعمال و محل برداشتن ربیع امانی و آمال است با منافع بوده باشند بنابراین فقرات وقف مؤبد شرعی و حبس مخلد ملی اسلامی نمود عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت دستگاه مقرب الخاقان عالیشاه محمد تقی خان هزارجریبی بالارستاقی قربة الی الله و طلباً لمرضاته همگی و تمامی دودانگ از چهار دانگ از اعیانی کاروانسرای مبنیه خود را که از غایت اشتها و تفرد اسم مستغنی از تحدید و توصیف است الا چهار در ارسی و اعیانی چهار اطاق که در

مقابل یکدیگرند دواطاق روبجنوب ودواطاق روبشمال که در دالان وسطی در پشت دکان جناب خیرالحاج حاجی سیدمفیدالموسوی واقع شده‌اند با جمیع توابع و لواحق شرعیۀ آن من حق المفرد والممر والمدخل که سابق بروقف حق و ملک واقف بوده برقاری قرآن و برطلاب و علمای ساکنین در مدرسه مبنیه واقف واقعه دردار المؤمنین استر اباد صانها الله تعالی عن التفرقة والفساد طریقه وقفیت آنست که وجه موقوفه بعد از صرف تعمیر عین موقوفه هرگاه محتاج به تعمیر باشد تقسیط بچهار قسط نموده هر يك از قسط اول و دویم و سیم و چهارم را بقدر حاجت طلاب که زمان قسط در مدرسه مرقومه میباشند روغن چراغ خریده و صرف روشنائی نمایند و علاوه بر قیمت روغن چراغ را ناظر با متولی فیما بین موقوف علیهم قسمت نمایند و طریقه قسمت در زیاد و کمی موقوف به نظر ناظر و یا متولی است و تولیت آن به نفس نفیس واقف موفق و بعد با کبر و ارشد اولاد ذکور و اولاد ذکور از اولاد ذکور واقف و هکذا و در صورت انقراض اولاد العیاذ بالله متولی مجتهد اعلم عادل است که در بلد مزبور ساکن باشد و نظارت موقوفه مسطور به جناب فضایل مآب آخوند ملا محسن سعد آبادی است و حق التولیت و حق النظارت هر يك مقدار عشر از منافع موقوفه میباشد که حسب [نظر] ناظر و یا متولی میباید اعیان موقوفه را اجاره داده وجه اجاره را قسطاً قسطاً باز یافت نموده اولاً وجه قرائت قاری را که هر قسطی مبلغ پنجهزار دینار که ربع دو تومان میشود باز یافت نموده بقاری کلام الله بدهند که هر ماهی يك ختم قرآن در مسجدی که واقف در مدرسه بنا نموده اند بنماید و ثواب تلاوت و ختم قرآن را مفوض بسر کار سعادت آثار واقف نمایند و مادامیکه این بنای موقوفه و منافع موقوفه موجود و مستمر هست هر سالی دوازده ختم قرآن در مسجد مدرسه تلاوت نموده شود و مفوض بسر کار واقف موفق نماید و بعد از اخراج وجه قرائت مابقی را بخرج سوخت و تقسیم بین طلاب مصروف دارند فصار وفقاً صحیحاً شرعياً ملئاً اسلامياً فمن بدله بعد

ماسمعه فانما ائمه علی الذین یدلونه.

تحریراً فی شهر ربیع الثانی من شهور سنة ست وخمسين و
مأتین بعد الالف من الهجرة النبوية المصطفوية علی من
هاجرها آلاف الثنا و التحية نمقه اسمعيل ابن ابی القاسم
الاسترابادی بعد وقوع الوقف والعمل به فی سنة ۱۲۵۶.

[بر حواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

اقر الواقف علی مازبر ورقم فيه لدى. [جای مهر]^۱

بسم الله تعالى شأنه العزيز

صیغة وقف مزبور با سائر شرائط بو کالت ثانیه از واقف موفق روماً للاحتیاط در
محضر احقر واقع و جاری گردیده و عین مسطورة وقف بر نهج مسطور است و انا قل
الطلبه و خادم الشریعه. [جای مهر]^۲

الامر کما رقم و سطر فيه جداً و انا الآثم. [جای مهر]^۳

وضح و صح ما فيه لدى. [جای چهار مهر]^۴

ذلك الكتاب لا ريب فيه لدى. [جای مهر]^۵

-
- ۱- مهری باسجع: «محمد ابراهیم بن محمد تقی». ۲- مهری باسجع: «المتوکل
علی الله محمد علی». ۳- مهری باسجع: «محمد رضا». ۴- مهری باسجع: «عبد
محمد تقی الحسینی» و مهری دیگر باسجع: «عبد محمد مهدی الحسینی» و مهری دیگر باسجع:
«المتوکل علی الله حسین الحسینی» و مهری دیگر باسجع: «عبد الراجی محمد اسمعیل». ۵-
مهری باسجع: «اللهم صل علی محمد و آل محمد».

سواد وقفنامه محمدقلی میرزا ملقب به ملک آرا مورخ ۱۲۶۱ ه. ق.

در این وقفنامه ملک آرا همگی و تمامی املاک و قراء و حمام و داکین واقع در بلدة ساری از بلاد دارالمرز مازندران و استرآباد را که وقف بر مدرسه خسرویه و مدرسه والدۀ ملک آرا به تفصیل متن بوده است وقف مجدد نموده زیرا وقفنامه سابق که سی سال پیش از این تاریخ نوشته شده بوده از میان رفته است.

بسم الله رب الارض والسماء

الحمد لله مالك الاملاك ورافع الافلاك الذى بيده من السمك الى السماء وصل على محمد وآل محمد بعد الحمد والصلوة برسالك مسالك بندگی مخفی نماناد که خلاصۀ مفاد این کتاب صواب و خطاب مستطاب که مرقوم صدق رقم و مسطور مداد خامۀ بلاغت شیم میگردد آنست که سرکار نواب مستطاب کامیاب اشرف ارفع والا شاهزادۀ باعز و جاه الملقب به ملک آرا نواب محمدقلی میرزا طول الله عمره و ادام الله بقائه وقف صحیح شرعی ملی نمودند همگی و تمامی املاک و قراء و حمام و داکین که واقعه اند در بلدة ساری من بلاد دارالمرز مازندران و استرآباد و حومه آن و از آنچه متعلق است بهریک از املاک مفصلۀ ذیل الکتاب من الاراضی والصحارى والبرارى والمرايع والمزارع والمجرى المياه والمرو المدخل والابنيه والابواب والاشجار والاشخاب والآلات مع کل منضماتها الشرعیه وملحقاتها الاسلامیه قديماً جديداً شرعياً او اصطلاحياً ذکرا لم يذكر وصف ام لم يوصف سمى ام لم يسم بدون وضع و اخراج واستثناء چیزی از هریک بنحو مرقوم

وصیغه مبارکه وقف مشتمله علی الشرائط والارکان خالیة عن المفساد والبطلان عن قبل الواقف الاعظم المعظم وعلی قانون الشرع المکرم سمت وقوع یافته و تسولیت املاک موقوفه مذکوره مادام الحیوة به خود سرکار ذوالاقتدار واقف ادام الله تعالی بقائه می باشد و بعد از عمر طبعی نواب واقف تولیت مفوض است به اکبر اولاد ذکور واقف و بعده الی اولاده طبقاً عن طبق السی قائم آل محمد علیهم الاف تحیه شرط اینکه آنچه بعد از وضع اخراجات و تعمیرات لازمه به هریک از آنچه صرف تعزیه جناب سیدالشهداء علیه السلام و متعلقان آن جناب باید بشود و عشر آن موضوع و باقی بنحو مرقوم صرف بشود و باقی املاک موقوفه دو مدرسه و غیرهما از قرار فوق اولاً دو عشر از هریک موضوع نموده منافع و اجارات باقیه بنحو مزبور صرف هر یک نموده باشند و آنچه کتب احادیث و فقه و اصول و تفاسیر ابتیاع میشود تمام آنرا متولی موقوفات وقف بدو مدرسه و غیرها نموده که طلاب علوم دینی از آنها بهره مند شده که ثواب آن فی یوم لاینتفع مال ولا بنون عاید روزگار سرکار والا گردد و تمام مراحل مزبوره بنحو شرعی واقع شده توضیح این مقال آنکه چون املاک موقوفه فوق رانواب واقف تقریباً سی سال متجاوز است که بنحو مسطور وقف شرعی نموده بودند و عمل وقف و تصرفات و فقیه در هریک شده بود و وقف نامچه شرعی مرقوم داشته وقف نامچه مفقود گردد بناءً علی هذا بتاریخ شهر جمادی الاولی سنه هزار و دو یست و شصت و یک هجری تحریر کردند بشرط ان لایباع ولا یوهب ولا یرهن فمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه علی الذین یدلون به علی الله علی من ختم به الرساله و علی عترته الطاهرین .

و کان ذلک فی شهر مزبور من شهر سنه ۱۲۶۱ .

ملک آراء

[بر حواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است:]

بنده فدوی از سرکار والا ملک آرا بنحو مسطور وقفیت و تولیت را شنیدم.

[جای مهر]^۱

بسم الله الرحمن الرحيم اذا وقعت الواقعة ليس لوقعتها كاذبه حرره العبد الجاني.

[جای مهر]^۲

ذلك كذلك وانا شاهد بذلك الاقرار عن الواقف ذلك فضل الله. [جای مهر]^۳

انا شاهد بذلك العبد. [جای پانزده مهر]^۴

انامن الشاهدين الاحقر. [جای مهر]^۵

اقروا اعترف الواقف المعظم مازیر فی المتن عندی اقل العباد میرزا محمدنوری ساکن

رشت. [جای مهر]^۶

محل تمبر پنج قران معارف. بتاريخ ۱۷ ثور او دئیل ۱۳۳۱ در تحت شماره ۱۸ در

دفتر شرعیات اداره جلیله کل اوقاف ثبت شد و مقابله شد.

قد صدق المسطور فی المتن. [جای شش مهر]^۷

قد اقر الواقف الموفق المعظم بتمام ماسطور ورقم فيه بخطی حرره. [جای مهر]^۸

۱- مهری باسجج: «افوض امری الی الله عبده محمد». ۲- مهری باسجج: «افوض

امر الی الله عبده علی اصغر». ۳- مهری باسجج: «نصیر الملك». ۴- مهری با

سجج: «مصطفی» و مهری کوچك ناخوانا و مهرهای دیگر که دارای سججهای زیر اند: «کیومرث»،

«مظفر»، «المتوکل علی الله عبده تیمور»، «نایب الایاله»، «مهری ناخوانا»، «سلطان حسین»، «داراب»،

«اختر برج شهی نصر الله»، «دومهر ناخوانا»، «... ملک آرا»، «مهری ناخوانا»، «زیور الدهر بنت ملک

آرا». ۵- مهری باسجج: «محمد هادی». ۶- مهری باسجج: «فخر همه انبیا محمد».

۷- مهری باسجج: «یاموسی لاتخف» و مهری باسجج: «محمد رضا» و مهری باسجج: «لاله

الاله الملك الحق المبین عبده احمد» و مهری باسجج: «عبدالله» و مهری باسجج: «کیومرث» و

مهری باسجج: «عبداله الراجی قنبر علی». ۸- مهری باسجج: «عبد محمد صادق».

قد صح مارقم فیه لدی. [جای دومهر]^۱

الیس الله بکاف. [جای هفت مهر]^۲

الامر كما رقم فیه و تقبل الله منه دام عمره العالی. [جای مهر]^۳

امروز که دوازدهم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۶۲ است و قفیت اشیاء مذکوره در متن مشهود و مستفیض باستفاضه قطعیه میباشد بلکه اکثر از آنها چند سال قبل هم باستفاضه

قطعیه محکوم بوقف بودند حرره العبد. [جای سه مهر]^۴

قد وقع مازبر ورقم فیه العبد الجانی. [جای مهر]^۵

وضح و صح تمام مارقم فیه لدی. [جای مهر]^۶

قد صح ما فیه لدی حرره. [جای مهر]^۷

مذکوره ای را که سرکار ملک آرا وقف کرده اند بوقفیت عمل میکنند.

[جای مهر]^۸

قد وضح و صح المسطور لدی الفانی. [جای مهر]^۹

قد وضح و صح مارقم فیه بتمامه و کماله و ثبت بالاستفاضه القطعیه من الوقفیه والتولیة و

۱- مهری باسجع: «عبدہ الراجی ابوتراب» و مهر دیگری باسجع: «لا اله الا الله الملك

الحق المبین عبده محمد». ۲- مهری باسجع: «عبدہ محمد حسین» و مهرهای دیگر با

سجدهای: «عبدہ الراجی آقا بابا» و «عبدہ الراجی میرزا آقا» و «فخر میکند بنو کبری حسین

عباس» و «محمد مقیم» و «عبدہ الراجی مسیح الحسینی» و «عبدہ محمد جعفر بن عبدالکریم».

۳- مهری باسجع: «عبدہ محمد حسین». ۴- مهری باسجع: «افوض امری الی الله عبده

عبدالله» و مهری باسجع: «العبد صمد الموسوی» و مهر دیگری باسجع: «عبدہ الراجی محمد-

حسین». ۵- مهری باسجع: «هو الصمد». ۶- مهری باسجع: «عبدہ ابوالقاسم

محسن الحسنی الحسینی». ۷- مهری باسجع: «عبدہ الراجی محمد حسین».

۸- مهری باسجع: «یا رسول الله». ۹- مهری باسجع: «عبدہ الراجی میرزا محمد».

سایر مافیهالدى الاقل الاحقر. [جای مهر]^۱

بسمه تعالى طوبق السوادالحاکی عن الوقفة الاملاک المسطوره فی المتن مع اصله المحفوف . . . الكثيره . حرره الجانی الطهرانی المدنی فی السادس من شهر ذی- حجة الحرام ۱۳۴۷. [جای مهر]^۲

مخفی نماند که در حضور سرکار عظمت مدار شاهزاده اعظم افخم ملک آرادو دانگ قریه سرتاق را احقر بو کالت معظم الیه وقف برسوخت حرم محترم حضرت عباس ۴ نمودم و تولیت را ماسدام نفسه الشریف بایشان و بعد عمر الطیبی به ارشد اولاد ثم الارشد و هکذا مع بقاء هم و الافلاولاد الاولاد متعاقبوا و بعد انقراضهم جمیعاً به اعلم علمای استرآباد مقرر نمودم و عشر منافع راحق متولی قرار دادم و کان تاریخ وقوع ذلك فی ربیع سنه ۱۲۵۰. [جای مهر]^۳

ماگواه بروقف بکیفیت مسطوره میباشیم و نوشته در کمال اعتبار است .

[جای مهر سرکار شاهزاده اردشیر میرزا سلمه الله]

براین نوشته و اعتبارش احتیاج به نوشتن نیست و اکثرهاها اطلاع داریم از اصل این وقفیت و عمل کردن به آن. [جای مهر]^۴

بسم الله تعالى شأنه

حکمه برد مضجعه بحسب العمل به و لایجوزرده حرره و حکمه بخطه و خاتمه و انا الجانی. [جای مهر جناب آقا شیخ علی پیشنماز]^۵

این نوشته مزین شده است بمهر مرحوم جنت مکان حاجی محمد علی اعلی الله مقامه و

۱- مهری باسجع: «عبدہ الراجی محمد تقی». ۲- مهری باسجع: «افوض امری الی الله

عبدہ محمد علی». ۳- مهری باسجع: «عبدہ الراجی محمد علی». ۴- مهری باسجع:

«افوض امری الی الله عبدہ عبدالله». ۵- مهری باسجع: «الحق مع علی و علی مع الحق».

حکمه نافذ فالعمل به واجب و لازم حرره الاقل. [جای مهر]^۱
 قد وقع مازبر فیه لدی و کتب. [جای مهر]^۲
 این نوشته بخط و مهر محمدعلی طاب ثراه می باشد و درغایت اعتبار است حرره
 الاقل. [جای مهری ناخوانا]
 از قراین داخله و خارجه و تصدیق آقای شیخ الاسلام وقوع وقف بنهج مسطور در
 ورقه دیوان ختم (۴) از مرحوم مغفور حاجی محمدعلی سلمه الله بی اشکال است پس
 بنابراین عمل به مضمون آن لازم میباشد.
 [مهرجناب حاج میرزا محمد پیشنماز سلمه الله تعالی]

۱- مهری باسجع: «عبدہ الراجی ابوتراب» کنار مهر نوشته اند: جناب ملا ابوتراب

پیشنماز ساری. ۲- مهری باسجع: «هوالمعد».

۸

سواد وقفنامه سلیمان خان ملقب به خان خانان مورخ ۱۲۶۳ ه. ق .
 در این وقفنامه اراضی باثربه مخروبه غیر معموره سمت جنوب حرم -
 سرای عمارات شاهی را که سلیمان خان آباد کرده ، از اشجار مثمره و
 غیر مثمره و بناها ، وقف بر تعزیه داری سیدالشهد کرده است که
 منافع آنجا را به سه تقسیم در سه تکیه محله شهر استرآباد صرف
 نمایند. و تولیت آنجا را به آقابابای کلانتر استرآبادی و بعد از
 او به ارشد و اصلح اولاد او نسلاً بعد نسل داده است.

الحمد لله الواقف علی السرائر والمطلع علی الضمائر والصلوة

والسلام علی خیر خلقه محمد وآله خیر القبائل والعشائر

و بعد زواهر جواهر حمد و سپاس فزون از قیاس وقف بارگاه خلایق پناه رب -
 الاربابیست که طائر تیز پرواز عقل و خیال هر چند به پروبال تفکر اوج گیرد جز بهشت
 ایوان ازل نشان صفات جمال و هفت شادروان ابد تو آمان صفات جلالش بسر منزلی
 ننشیند و اشهب تیز تك ادراك هر چند در بیدای بلانتهای معرفت ذاتش در مرور سنین و
 مشهور اسرع از پرتو نور در چهار باغ عناصر تکاپو نماید جز بمقام ماعرفناك حق
 معرفتك راهی نبیند مبدعی که از حسن ابداعش در آن واحد عقل کل را نخست بخلعت
 خلقت پیراسته و بزیب تأثیر از کارخانه تقدیر پروردگار قدیر حسب التجرد والتکثیر
 آراسته مجملی که جمال جمیل خلعت بی عدیل انسان را به تشریف و لقد کرمنا بنی آدم
 نواخته محسنیکه به احسان ایجاد صورت زیبای بشر را به غازه فتبارك الله احسن الخالقین
 مزین خواسته و در چهار خیابان گلستان و بوستان تولید گلهای رنگارنگ و مرکبات
 باشد و شرننگ قرین خرمی ساخته رازقی که شمس نفوس قدوس از انوار عالم

جبروت به گلزار ملکوت در مطبح بیسط الرزق لمن یشاء و یقدر مرزوق و سرافراز و
 انبیاء و مرسلین و سلاطین صاحب تمکین را بشرف علودرجات اخرویه و نمودظفرات
 دنیویه از بین ممکنات مخلوق ممتاز خواسته و رقبات عموم عباد را در رقبات
 انقیاد و احکام ایشان در آورده تا شجره طیبه بندگی و اطاعت در بوستان سینه ایشان
 کاشته و بذر سعادت در گلزار ضمیرشان انباشته باشد
 هست منت کردگاری را که جان آرد پدید

نور خورشید هر سحر از آسمان آرد پدید
 زامهات پیرو از آباء و تسدویر اثر
 هم ز قدرت این موالد جوان آرد پدید
 نقش بند قدرتش در صفحه روی زمین
 از قلم تصویر نقش انس و جان آرد پدید
 ابر نیسان گر کند تنکیس از تقطیر آن
 گوهر رخشنده در فصل خزان آرد پدید
 از برای نظم عالم پس رواج نقد دین
 از وجود شاه در نظم جهان آرد پدید
 از برای دفع یا جوج فتن سدی متین
 از موالد سکندر حشمتان آرد پدید

جل جلاله و عم نواله و عظم شان و کثرت الائه و درود نامعدود غیر محدود بر رسول
 محمودی باد که اصل آفرینش بوستان این جهان را سبب و ارتقاء مدارج گلستان آن
 جهان را مسبب و رحمت ربوبیت رامهیب و انوار ابرار را مصب و به آداب رسالت
 مؤدب و به اسراء قضا و قدر موظب و به اکتساب سعادات بلانهایات بشریت مکتسب و
 بختام ختم نبوت مزین و منتسب محمد مصطفی اشرف انبیا علیه الاف التحیه و الثناء

نخستین وجودی که موجود گشت

بدآن نور احمد که محمود گشت

جهان آفرین چون جهان آفرید

جهان را از آن نور جان آفرید

که جان جهان نور احمد بود

سبب ز آفرینش محمد بود

جهان را اگر او نبود سبب

نشان کس ندادی ز ایجاد رب

بر برادر و پسرعم و دامادش اعنی مطلع انوار هدایت عظمی و سرچشمه جویبار

امامت کبری شاه اولیا و سید اوصیا که داعیان معابد قدس را مرآت ضمیر منیرشان به

صیقل اطاعتش روشن و دانش معالم انس را حدیث ایمان به ترجمه محبتش مبین

تا که شده کنیت او بسو تراب

نه فلک از جوی زمین خورده آب

راه حق و هادی هر گمراهست

در ظلمات همه نور الله است

آنکه گذشت از وی و غیری گزید

نور بداد ابله و ظلمت خرید

نفس نفیس پیغمبر حیدر صفدر علی عالی اعلی صلوات الله و سلامه علیه و بر اولاد

کرام و احفاد عظام ذوی العزة والاحترامش که هر يك قافله سالار هادیان و راهنمایان

گم گشتگان بوادی ظلمت خیز جهل و عصیان میباشند و بعد برواقفان موافق توفیق

مخفی و مستور و پوشیده و منمور نماناد که در عهد دولت جاوید مدت اعلیحضرت

شاهنشاه دین پناه زمان و خدیو سکندرشان دوران زبنده اورنگ حضرت سلیمان المسمی باسم خاتم پیغمبران مؤید بتأید حضرت پروردگار محمدشاه قاجار خلدالله ملکه نواب مستطاب فلك جناب سپهر ركب امير الامراء العظام زبده احفاد و اولاد خوانین و الامقام سلیمان خان الملقب به خان خانان حفظه الله الملك المنان در دار المؤمنین استرabad و جرجان بحکومت و فرمانفرمائی حکمران گردیدند از مال و رجال خود اراضی باثرة مخروبه غیر معموره سمت جنوب حرم سرای عمارات شاهی را بحلیه تعمیر و آبادی در آوردند و اشجار مثمره از مرکبات و غیره در آن غرس فرمودند و بگللهای رنگارنگ و خیابان از آجر و سنگ و به بناهای خوش و بعمارات دلکش آن اراضی را نزهتگاه ارباب عزت نمودند پس از آن محضاً الله و طلباً لمرضاته ذخیره لیوم النشور و سبباً لدخول بدار السرور وقف مؤید شرعی و حبس مخلص ملی فرمودند همگی و تمامی ابنیه و اشجار و احجار و حیاض و انهار و غیرها ذکر ام لم یذکر را بر تعزیه جناب سید الشهداء خامس آل عبا خورشید آسمان و زمین نور مشرقین پرورده کنار رسول خدا حسین و سایر شهدای دشت کربلا علیهم التحیه و الثناء که همه ساله الی ان یرث الله الارض وجه منافع آن را متولی استیفاء و بازیافت نموده در دهه عاشورا در سه محله شهر استرabad سه تقسیم و هر قسمتی در تکایای آن محله قسمت نماید که صرف تعزیه داری از آب و آتش و سوخت و روشنائی و غیرها نمایند تا ثواب آن بروزگار فرخنده آثار نواب مستطاب واقف و والدین ایشان عاید گردد و واقف موفق را بذکر دعای خیر یاد و شاد نمایند و تولیت را مفوض فرمودند به نقاوه دودمان عزت و رفعت غلام حلقه بگوش حیدر صفدر عالیجاه معلی جایگاه آقا بابای کلانتر استرabadی میدانی دام عزته و بعد از او بارشد و اصلح اولاد ذکورش و اولاد ذکور از اولاد ذکور ماتوا الدوا و تناسلوا صیغه و فیه جاری و عین موقوفه را واقف موفق اجاره

نمودند فصار وفقاً صحيحاً شرعياً فمن بدله بعد ماسمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه.
وكان ذلك في عشرين شهر جمادى الاولى سنة ۱۲۶۳.

[جای مهر]^۱

[بر حواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

بسم الله تعالى

قد وقع الوقف الصحيح الشرعی من الواقف الموفق ادام الله عمره ودولته وشوخته .
[جای دو مهر]^۲

بسم الله تعالى شأنه العزيز

قد وقع ما فيه من الوقف والتولية على الوجه المزبور والقبض كما ورد في شرع الرسول ص
الى يوم النشور اقل الطلبة وخادم الشريعة المطهرة. [جای مهر]^۳
سواد مطابق با اصل است. [اسد الله اسفندیاری]

۱- مهری باسج: «من سليمان». ۲- مهری باسج: «عبدہ الراجی عباسعلی»، و
مهر دیگری باسج: «عبدہ الراجی محمد اسمعیل». ۳- مهری باسج: «المتوکل
علی الله محمد علی».

وقفنامه سلیمان خان قوآنلوی قاجار ملقب به خان خانان مورخ ۱۲۶۴ ه. ق.

در این وقفنامه سلیمان خان شش دانگ باغ معموره خود را در خارج سوربست شهر استرآباد که نزدیک دروازه بسطام است وقف بر تعزیه داری حضرت عباس بن ابی طالب علیه السلام نموده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف علی الضمائر المطلع علی السرائر والسلام

علی اشرف الانبیاء محمد و آله خیر القبائل و العشائر

زیب و زینت انجمن بسلاغت گستری وحلی و حلل دوشیزه فصاحت پروری وقف
چهره زیبای شاهد حمد و ثنای شاهنشاه جهان پیرائست که منظره نه فلک رفیع البنیان
پست ترین غرفه ای از ایوان ابداع او است و کشور هفت اقلیم زمین کمترین باغچه
از چهارخیابان اختراع او واقف السرائری که گوهر مکنون رازی در درج سینه هیچ
آفریده ای مخزون نگشته که بمهر خازن حکمت لم یزلیش نرسیده عالم الضمائر که
ریشه نخل اندیشه در قعر ضمیر هیچ مخلوقی ندویده که مهر جهانتاب علم ازلیش بر
آن نتاییده تعالی ذاته ان یبلغ بکنه العارفون وان یحفظ وصفه الواصفون وله الملك
وله الحمد والیه ترجعون وزین و زیور پری چهرگان مجلس نکته پردازی و گلگونه
سرابستان معنی طرازی نامزدچهره و دوش زیبا جمیله نعت عالم آرائی است که بجز
از بلبل دستانسرای وحی کسی را یارای آن نه که برشاخسار مدیحش سراید و بغیر از
طوطی شکرخای الهام دیگری را حد آن نیست که بشکر توصیفش کام و زبان بیاراید

فاتحه دیوان شفاعت و خاتمه رساله رسالت و هدایت و سیله فتوح مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح قدرت نامتناهی الهی در کارخانه مشیت خویش قباى عصمت بجهت قامت دلارای او و آل بیهمتایش مهیا ساخته و بدست اراده خود ردای طهارت بسر دوش فلک سای او و اهل بیت کرامش انداخته تا قیام قیامت سرابستان امامت وقف اوصیای اطهار اوست و چهار باغ شهرستان ولایت ملک موروثی عترت اخیار او علیه صلوات الله الملك الرؤف مادامت السور مختمه بالوقوف و آیات منقطعة بالحروف اما بعد کامل نصابان گنجینه بینش و دانش و سرمایه داران متاع باغ و بوستان آفرینش که برهنمونى هل ادلكم على تجارة تنجيكم من عذاب اليم به نيك و بد معاملات تجارت و زراعت پی برده اند و به نفع و ضرر مزارع و قوف تمام پیدا کرده اند و چندانکه در چهار باغ وجود راه پیموده و طواف مزرعه هستی نموده اند برهیچگونه کشت و زرعى ظفر نیافته اند که مفید افتد فماربحت تجارتهم و ما كانوا مهتدين ذلك هو الخسران المبين بغیر از آنکه در چهار باغ خیرات و مزرعه مبرات تخم گلهای راستکاری که سبب ریع و رستگاریست افشانند تا زمان رسیدن بعرصه نشور و موسم وزیدن صرصر نفخه صور که هنگام تصرف نخل اعمال و تصادم ارباب امانی و آمال است با منافع بوده باشند بناءً على هذا وقف مؤبد شرعى و حبس مخلصه ملی اسلامی نمودند قربة الى الله تعالى و طلباً لمرضاته خلاصه دودمان عزت و ابهت و سلاله خاندان شوکت و عظمت و شمسه ایوان جلالت و رفعت و مهر سپهر آسمان سلطنت زمان و ماه برج فتوت دوران نواب مستطاب خان خانان و الامنزلت سلیمان خان حافد مرحمت مآب سلیمان خان قوانلوی قاجار حفظه الله الملك الجبار همگی و تمامی شش دانگ باغ مملو که معموره خود را در خارج سوربست شهر استراباد دارالمؤمنین استراباد و قریب بدر و اژه بسطام است و اراضی آنرا بمبايعه صحیحه شرعیه از ملاک آن ابتیاع و تعمیر فرموده اند با جمیع توابع و لواحق آن از اشجار و احجار و معرو مدخل بر سر کار فیض آثار حضرت

عباس بن ابیطالب امیر المؤمنین و امام المتقین علیهما افضل الصلوات المترادفات المتواصلات الی یوم الدین که منافع آنرا عاماً و فاعماً الی ان یرث الله الارض متولی شرعی اخذ واستیفاء نموده همه ساله مصروف بخرج تعزیه آن حضرت علیه السلام و زوار ایشان و در سخاخانه موقوفه بر آن حضرت و سایر اخراجاتی که در روضه مقدسه ایشان از موم و شمع و غیرها که تعلق به آن حضرت دارد نماید و صرف آن موقوف بر رأی متولی است و تولیت آنرا مفوض فرمودند بجناب مستطاب فضایل و کمالات اکتساب قدوة المحققین و زبدة الفقهاء العالمین مجتهد العصر و الزمان آخوند ملا رضای استر ابادی حفظه الله الملك الهادی و بعده بمن کان متصفاً بصفاته من العلم و الورع و التقوی و التقوی من علماء المقیمین فی البلد و حق التولیت من المنافع عشر معین شده قد جرت صیغة الوقف و عمل به بالاقباض فصار وقفاً صحیحاً شرعياً فمن بدله بعدما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ.

كان ذلك في عشر ثالث من الشهر السادس من السنة الرابعة في
عشر السابع من المائتين الثالثة في الف الثاني من الهجرة النبوية
المصطفوية على من هاجر فيها آلاف الثناء والتحية سنة ١٢٦٤.

وقفنامه ملا حسین بن محمدصادق کلانتر مشهور به قرابای رامیانی
مورخ ۱۲۹۴ ه. ق.

در این سند ملاحسین یک دانگ و یک ربع از چهار ربع از یک دانگ
از کل شش دانگ قریه پای قلعه و یک دانگ و یک ربع از چهار ربع
از یک دانگ از کل شش دانگ قریه پل روم و سه ربع از سه دانگ از
کل شش دانگ قریه سیدکلانه و شش دانگ مزرعه ساطوو و سه دانگ
از کل شش دانگ از قنات ابتیاعی خود را در ملک تازیکه قریه
سرخون کلانه و کل شش دانگ قریه حسین آباد معروف به قوری-
چای و شش دانگ مزرعه جامه شوران را وقف بر اولاد ذکور خود
نسلاً بعدنسل کرده است و پس از انقراض ایشان وقف بر تعزیه داری
حضرت ابا عبد الله الحسین نموده و شرایط وقف را در آخر وقفنامه
آورده است .

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف علی الضمائر والمطلع علی السرائر ستایش فزون از وهم و قیاس
وقف مزرعه آلائی جناب رب الاربابی است که دهکده عالم جبروت را نلامساهمت غیری
مالک است و ملک ملکوتش منزه از اشتراک سهم و مشارکت است و کونین برای راهروان
طریق اطاعت او... توشه کره خاک از اراضی شوکتش قطعه زمینی است از جوی بار...
مشروب گردید است و رقبات انام از خاص و عام درید ملکیت و اقتدار اوست و املاک
شش دانگ جهات سته عالم امکان در تحت تصرف و اختیار اوست و احداث قنوات
علوم بی پایان در اراضی صدور انبیاء و اولیاء و هادیان سبیل فرموده مراورار سد کبریاء

ومنی که ملکش قدیم است وذاتش غنی ودرودی که خوشه چین ناطقه بامرصد قلم از کشت زار بنان دروده باشد لایق شأن خواجه کائنات و خلاصه موجودات اعنی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که مقصد اصلی از بنای مزرعه جهان حصول ذات پاک اوست و صلوات ز اکیات بر آل و اصحاب او باد و بعد برواقفان موافق توفیق مخفی نماند که در سرزمین زندگی نشانیدن درخت نیکوکاری مثرائمار بر خورداری از املهاست و زراعتگاه دنیا که مزرعه آخرت است افشاندن تخم رستگاری سبب ادراک زیادتی در وقف حصا عملهاست بناء علی هذا وقف مؤبد و حبس مغلد نمود عالیجناب مقدس۔

القاب ملاحسین خلف الصدق مرحمت و غفران پناه آقا محمدصادق کلانترالشهیر به قرابای رامیانی تمامت املاک مفصله خود را قریه پای قلعه یک دانگ بعلاوه یک ربع از چهار ربع از یک دانگ از کل شش دانگ که مشترک است با عالیجاه عمده الخوانین میرزا فتح الله خان و میرزا امین الله خان و برادرزادگان واقف معزی الیه با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیه آن از اراضی مزروعی رطبه و یابسه و آنچه ملکیت را سزد و شاید من غیر استثناء شیء منها و محدود است بحدود اربعه مفصله ذیل قریه پل روم یک دانگ بعلاوه یک ربع از چهار ربع از یک دانگ از کل شش دانگ با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیه آن من غیر استثناء شیء منها که اشتراک دارد با شرکاء مذکورین و محدود است بحدود اربعه ذیل قریه سید کلاته سه ربع از سه دانگ از کل شش دانگ با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیه آن من غیر استثناء شیء منها که مشترک است نیز با شرکاء مذکورین و محدود است به حدود اربعه ذیل مزرعه سالطو کل شش دانگ با جمیع توابع و لواحق شرعیه و عرفیه آن که محدود است بحدود اربعه ذیل قنات ابتیاعی واقف معزی الیه که واقع است در ملک تازیکه قریه سرخو نکلاته سه دانگ از کل شش دانگ که شراکت دارد با خیر الزاثرین کربلائی محمد حسین بیگ مقصودلو با

جميع توابع ولو احق شرعيه و عرفيه آن محدود است بحدود اربعه ذيل قرية حسين آباد که معروف است به قوری چای کل شش دانگ با جميع توابع و لواحق شرعيه و عرفيه آن من غير استثناء شيىء منها که محدود است بحدود اربعه ذيل مزرعه جامه شوران کل شش دانگ با جميع توابع و لواحق شرعيه و عرفيه آن که محدود است بحدود اربعه ذيل که واقع هستند اين قراء و اين مزارع در دهنه قرية راميان بر اولاد ذکور موجودين خود و من سيوجد از بطن زوجه دائمه خود که مسماة است به عليا۔ جاه سعادت و نجابت پناه زهرا بيگم بنت مرحمت و غفران اياي سلاله السادات العظام آقا سيد مير عبد الله ساکن قرية سرخونکلاته من قراء دار المؤمنين استرabad صانها الله عن التفرقه والفساد بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل على التريبت فى كل طبقة من طبقاتهم على سبيل التشريك و در صورت فوت احد موقوف عليهم حصه و رسدى او على سبيل الارث فيما بين اولاد ذکور او منسهم گردد هكذا ما تعاقبو او تناسلوا و بعد انقراضهم العياذ بالله وقف است بر تعزیه داری گلگون قباي صحراي كربلا و يكه تاز عرصه نينوا نور چشم رسول خدا و على مرتضى و سرور سينه فاطمه زهرا مولانا و مولى الكونين حضرت ابى عبد الله الحسين روحنا و روح العالمين له الفداء که متولى شرعى آن همه ساله منافع اعيان موقوفه را استيفاء نموده بعد از وضع مخارج لازمه ملكى در مصارف موقوف عليهم صرف نمايد يعنى تسليم موقوف عليهم نمايد و صورت اخيره که وقف بر تعزیه داری است متولى شرعى آن بايد منافع آنرا در ماه محرم و صفر در هر سالى صرف تعزیه داری بنحو متعارف نمايد و در مكان تعزیه داری و كيفيت آن مختار است از روضه خوان و اطعام و چای و سوخت و شمع و ابتیاع ظروف و فروش لازمه و سائر اسباب و آلات و ادوات که در زمان تعزیه داری متعارف است و قرارداد تولیت آنرا مادام الحیوة بانفس نفیس خود و بعد به اصلح و اتقى از اولاد ذکور و ذکور

اولاد ذکور خود الاصلح فالاصلح والانتقى فالانتقى منهم ماتعاقبوا وتناسلوا و
 بعد الانقراض اولاد ذکور واستقرار وقف در مصرف تعزیه داری تولیت آن مقرر است
 به اولاد ذکور اناث واقف و اولاد ذکور اولاد اناث الاصلح فالاصلح والانتقى فالانتقى
 منهم و بعد الانقراض تولیت اعیان موقوفه مفوض است به چهار نفر از طایفه بای که
 در رامیان میباشد که واقف مزبور از آن طایفه میباشد و در صورت استقرار تولیت
 باطایفه بای تولیت قنات سرخونکلاته محدوده مفصله مسطوره مفوض است به اصلح و
 ارشد و اتقى از اهالی قریه سرخونکلاته که در مصرف تعزیه داری در قریه سرخونکلاته
 صرف و خرج نمایند بنهج مزبور و حق التولیه در جمیع طبقات عشر از منافع موقوفه
 مزبوره از وضع مخارج لازمه ملکی میباشد وصیغه وقف عقداً و ایقاعاً ایجاباً و قبولاً
 علی ماورث فی الشریعة الغراء جاری گردید و قبض و اقباض بعمل آمد فکان وفقاً صحیحاً
 شرعياً فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونه واللّه سمیع علیم حدود اربعه
 قریه پاقله
 شریه
 متصل است بسامان پل روم
 متصل است بسامان جامه شوران
 شمشیه
 پیوسته است بسامان سید کلاته و سالطو
 پیوسته است بسامان قریه ابر
 قریه پل روم
 شمشیه
 پیوسته است به رودخانه کر
 پیوسته است بسامان پای قلعه
 شمشیه
 پیوسته است بسامان محمد آباد
 متصل است بسامان سالطو
 قریه سید کلاته

قنّه _____ اة واقعه در تازیکه سرخو نکلاته

ش _____ رقیه _____ ا غ _____ ریه _____ ا

متصل است بقناة مرحوم حق و بردی بیگ متصل است به رویه و قنّه والقج

جن _____ ویه _____ ا ش _____ الیه _____ ا

پیوسته است بسامان قریه دو دانگه پیوسته است به رویه قنات کربلائی

آقا بابا تازیکه والقج و حق و بردی -

بیگ و نهر چشمه تازیکه .

و كان ذلك بتاريخ دوازدهم شهر صفر -

المظفر سنة هزار و دوست و نود و چهار .

[جای مهر]

[بر حواشی این سند عبارات زیر نوشته شده است :

هوالمستعان

قد صبح ما فيه من الوقف والعمل به لازم فليعمل به حرره الاقل . [جای مهر]^۲

اقر الواقف المزبور المسطور لدى في السادس والعشرون من ربيع الاول ۱۲۹۸ .

[جای دو مهر]^۳

لا شك في وقوعه حرره الاقل في ۱۵ جمادى الاولى ۱۳۲۸ . [جای مهر]^۴

بسم الله العزيز

دریوم دوشنبه ۲۴ شهر ذیعهده ۱۲۹۶ واقف موفق مزبور اقرار و اعتراف بمراتب

۱- مهری باسج : «یا امام حسین» . ۲- مهری باسج : «عبد محمد حسن

۱۳۲۸ . ۳- مهری باسج : «اللهم اغفر لصفی الله» و مهری دیگر باسج : «عبد

فتح الله الموسوی» . ۴- مهری باسج : «حمزه» .

مسطوره من البداية الى النهاية نزيد احقر انام نموده حررته في التاريخ المزبور وانا الاقل.

[جای مهر]^١

هو المستعان

لاشك في وقوعه وصحته فانه وقع عمل له وانا الاقل الجاني الفاني. [جای مهر]^٢

قد جرت صيغة الوقف مني الاقل. [جای مهر]^٣

بسم الله تعالى شأنه

حضر الواقف الحسين واعترف اعترافاً لاريب فيه ولارين بتمامها فيما بين الطرفين

في اول الربيعين في السنة ١٢٩٨ لدى الاقل حافظ الشريعة الطاهره. [جای مهر]^٤

قد اعترف الواقف الموفق المزبور والقبض من البداء الى المقطع لدى حرره الاقل

في ذي قعدة ١٢٩٦. [جای مهر]^٥

هو المستعان

اقر الواقف المزبور بالمستور لدى في السادس والعشرين من ربيع المولد ١٢٩٨.

[جای مهر]^٦

قد اعترف الواقف بوقف والقبض لدى حررته سبعة ايام بقين من ذيقعدة ١٢٩٦.

[جای مهر]^٧

قد جرت الوقف من وكيل الواقف الموفق

ما سطر في هذا الوقفنا مع و.... الوقف ولزم بالقبض والعمل به تحريراً في ثالث عشر

ذيقعدة الحرام ١٢٩٦. [جای دو مهر]^٨

١- مهري باسجج: «محمد طاهر الحسيني». ٢- مهري باسجج: «غلام حسين».

٣- مهري باسجج: «لاتخف يا موسى». ٤- مهري باسجج: «عبد محمد مصطفى

العقيلي». ٥- مهري باسجج: «يا امام محمد تقى». ٦- مهري باسجج: «محمد على

ابن موسى». ٧- مهري باسجج: «محمد هادي». ٨- مهري باسجج: «يا صالح

المؤمنين، و مهر ديگرى باسجج: «عبد الراجى كريم».

سواد وقفنامه مدرسه آقامحسن واقع در محله میدان استرآباد مورخ
۱۲۹۶ هـ . ق .

در این وقفنامه آقا محسن پس از ساختن مدرسه‌ای برای طالبان
علوم دینی و محصلان معارف یقینیه مقداری از ضیاع و عقار و
املاك و مستغلات خود را بر طلاب و محصلین ساکن در این مدرسه و
تعزیه‌داری جناب سیدالشهدا و اولاد خود وقف نموده و شرایط و
طرز تقسیم آنها را در متن ذکر کرده است.

باعث برترقیم این ارقام صدق ارتسام آنست که چون سلسله ازلیت و بقاء مربوط به
ذات مقدس بی‌همتا ورشته ابدیت منوط به وجود اقدس واجب الوجود خالق ارض و
سماء و باقی کائنات در شرف فنا و زوالند لهذا این بنده عاصی و غریق معاصی محمد
محسن الموسوی الاسترآبادی بجهت تخفیف خطیات و تقلیل سیآت بمفاد الغریق
تیشبت بکل حشیش قریه^۱ الی الله و طلباً لمرضاته از اخص مال و مباحترین اموال خود
احداث مدرسه نمود که طالبان علوم دینی و محصلان معارف یقینیه در آن متمکن
گردیده بتحصیل اشتغال نمایند و همچنین نظر به احادیث مأثوره صدقه بر اولاد و
اعقاب از اقرب قربات و احسن ثوبات است بناءً علی هذا وقف صحیح شرعی مؤبد و
حبس صریح اسلامی مخلد نمودم شرمه‌ای از ضیاع و عقار و املاك و مستغلات
خود را که عمر عزیزا صرف تحصیل آنها کرده و در مدت زندگانی بنهج شرعی و
طریقه اسلامی بتصرف و تملك در آورده بر طلاب و محصلین ساکنین مدرسه مزبوره و
تعزیه جناب سیدالشهدا و اولاد موجودی و سیوجد خود بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل
که از جمله آنها فرزندی علی محمد ولد مرحوم مبرور فرزند مسعودم ابوتراب
مقی الله ثراه و جعل الجنة مثواه است چون بعضی از موقوفات مختص بفرزند مذکور

مشارالیه و بعضی مشترك بين فرزندی وسایر اولاد و برخی مختص به طلاب و تعزیه و بعضی مشترك بين اولاد و طلاب و تعزیه و بعضی مختص بتعزیه و در ضمن عقد وقف مدرسه قیودات و شروطات چندی بوده است که اظهار آنها لازم مینمود از این جهت به جهت هریک از موقوفات تفصیلی علیحده مرقوم و حقیقت هریک را مفصلاً مسطور نمودم که هنگام رجوع بسهولت استفاده نمایند و تولیت اعیان موقوفه که در این چند صباح خود بقید حیات است با اقل عباد است و حق التولیه را بمقتضای رأی خود مقرر داشته و بعد از وفات با فرزندی علی محمد و اولاد ذکوری اگر خدا خواهد از این موجود بوجود آید سدس از منافع موقوفات کلاً و طراً از مدرسه و غیره حق التولیه خواهد بود و بعد از انقراض العیاذ بالله اولاد ذکوری که از اولاد اناث حاصل شود و در زمان فقد ذکور حسب التجاء واضطرار بعاریت اناث مباشر خواهند بود و بعد از مشارالیه بر اولاد ذکور ایشان و با تعدد ذکور اکبر و ارشد و اصلح متولی خواهد بود و در مرتبه تولیت ذکور اولاد اناث اگر ذکور مذکور از برادر باشد اولی و احق خواهد بود و هریک از موقوف علیهم که در قیدی از قیود یا در حکمی از احکام تغییر و تحریف نمایند از جناب رب الارباب مستدعی چنانم که از عمر و مال و مرحمت خدای متعال برخوردار نبایند و موقوفات مسطوره بر پنج قسم به نهجی است که اینجا اجمالاً ایمائی شده و مفصل آنرا انشاء الله تعالی مشروح خواهد داشت یکی از اقسام خمس موقوفاتی است که مختص بفرزندی علی محمد و اولاد ذکوری که احیاناً از این موجود بوجود آید و بر اولاد ایشان نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن و بعد از انقراض العیاذ بالله بر طلاب مدرسه مزبوره و آن خانه و اطاق و طویله و مایهات و مایهات بهم است از اینکه در حیات فرزند مرحوم مسعودم ابو تراب طاب الله ثراه در ظاهر و باطن و پنهان و آشکارا میگفتم که هبه باو نموده ام و در واقع بعقدی از عقود شرعی منتقل نموده بودم اما مقصود اختصاص بمرحوم مزبور بود آن سعادت مند فرزند که از همه

لذات دنیوی محروم و در غربت به اجل محتوم طومار عمرش مختوم شد نخواستم که بعد از وفات جز او مدخلیتی در آن بهم رسانند لهذا وقف نمودم خانه و اطاق مسکونه خود را با طولیله و سایر ملحقات و منضمات آنها بر فرزند مرحوم میرور علی محمد طول الله تعالی عمره و بر اولاد ذکوری که احیاناً از این روسیاه بعد از این از تفضلات سبحانی بوجود آید و بر اولاد اولاد ایشان ماتعاقبو و تناسلو باطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل الی ان یرث الله الارض و من علیها و پس از انقراض العیاذ بالله بر طلاب و محصلین مدرسه مزبوره که بطریق سایر موقوفات مدرسه خرج و صرف نمایند مخفی نماناد که خانه آقائی علاقه بند که خارج از خانه مزبوره بوده اقل عباد از ورثه آقائی خریده و داخل خانه نموده و از خانه موروثی خمس رسد همشیره هاست که انتقال بوالده فرزند مرحوم گردیده که باخانه موروثی بارفروش با همشیره ها بیع و شری کرده اعیانی عمارات سوای عمارت سردر تمامی را اقل عباد از مال و رجال خود ساخته تا واضح بوده باشد یکی از اقسام خمس موقوفاتی است که مختص به طلاب مدرسه و تعزیه جناب سید الشهداء و جزئیات دیگر که قرائت و کتابت باشد دارد از آن جمله یازده باب دکانی است که بشراکت نواب مستطاب سپهر جناب گردون آفتاب شاهزاده اعظم محمد قلی میرزا ادام الله تعالی بقائه از قرار چهار دانگ دو دانگ ساخته ام به این معنی که چهار دانگ با کمترین و دو دانگ با سر کار ایشان در چشمه علی بنواب معظم الیه عرض و استدعا شد بجهت وقفیت د کاکین مزبوره به طیب نفس قبول فرمودند که وقف نمایم کمترین شش دانگ را تمام و کمال وقف نمودم و متولی فرزندی علی- محمد و بعد از او اولادش ذکور اکان ام اناثاً و بعد از انقراض العیاذ بالله بر اولاد ذکوری که از اولاد اناث حاصل شود و سدس از منافع حق التولیه است و د کاکین مزبوره دکانهایی است که اول ساخته شده روی به مغرب مقابل تیمچه و دکانهای تیمچه است و منتهی میشود به دکانهای موقوفه مرحوم مغفور جدی المبرور طاب ثراه و جعل الجنة

مثنواہ ایضاً از اقسام خمسہ موقوفاتی است کہ مختص بطلاب مدرسہ و تعزیه جناب سیدالشہدا و کتابت و قرائت باشد از آن جملہ دہ باب دکان سمت شرقی کہ متصل است بدکاکین مزبورہ فوق کہ مختص بہ اقل عباد است چون با مالکان حمام کاسہ۔ گران مصالحہ شرعیہ کردہ بودم کہ مجرای منجلاب حمام مزبورہ تعمیر نمودہ در فوق آن دکان بنا نمایم از قراری کہ چہاردانگ بہ اقل عباد و دودانگہ با مالکان چون بعد از ساختن منجلاب و تعمیر مجرای آن کہ مبلغای کلی اخراجات کردہ بودم و طورہا دیدم و حرفہا شنیدم کہ با آنها و عدم احتیاج زمین فوق مجرای منجلاب مزبور قطع نظر از آن نمودہ منتظر بودم کہ احدی از مالکان کاسہ گران طمعش بحرکت آید بروفق شریعت او را مجاب نماید و دکاکین خود را در شارع متسعہ قرار دادم و زمین مزبور را از مجتہدین کربلای معلی اجارہ شرعیہ نمودہ ام دکاکین مزبور تمام و کمال متعلق بہ اقل عباد کہ ہمہ را بشروط مفصلہ فوق وقف مدرسہ نمودم کہ سایرورثہ راحقی نیست تا واضح بودہ باشد ایضاً از جملہ اقسام خمسہ مختص بمدرسہ چہارباب دکاکینی است کہ در جنب خلای مدرسہ احداث کردہ کہ هنوز بانجام نرسیدہ و اکثری از آلات و اسباب آن سرانجام و بعضی تعمیر نیافتہ لکن انشاء اللہ در شرف تعمیر است کہ در جوف ہریک چاہی قرار دادہ کہ بجهت خلای مدرسہ حفر شود تا واضح باشد چون در ضمن عقد وقف مدرسہ بعضی قیودات و شروطات شدہ بود لازم مینمود کہ ایمائی بآنها نمودہ شود لہذا بعضی از آنها را اجمالاً بمعرض شرح و بیان درمیآورد اولاً اینکہ سوای طلبہ کہ شغل و شیوہ او منحصر بہ تحصیل باشد تمکن او در مدرسہ ممنوع است و بطالین چندی را کہ کتاب زیر بغل آلت کار و واسطہ خوش گذرانی قرار دادہ اند آنها را در آنجا راہی نیست و از آن طلبہ موصوف ہر حجرہ سہ نفر منزل نمایند زیادہ را مختار طلبہ خواهند بود نہ متولی و طلابی کہ بیتوتہ می نمایند روغن۔ چراغ و پیہ آنرا متولی از موقوفات باید کارسازی نماید و فقرای طلبہ کہ طلاب و

مدرس تصدیق بر فقرش کنند مساوی سهم دو نفر بیک نفر متولی کارسازی نماید و طلبه درس خوان مادامی که شرح جامی را شروع نکرده و ماتحت را نگذرانیده مستحق اخذ وظیفه نخواهد بود و سایر طلاب جز آن کسانی که فقیرند از اشارات خوان و شرح جامی خوان در اخذ وظیفه مساوی میباشند تفاوتی به جهت ایشان لازم نیست و محصول منافع موقوفات را متولی اولاً اخراجات تعمیر ضروریۀ عمارت مدرسه نموده هرگاه خدا نخواسته اخراجات کلیه باشد سال بسال جمع کرده خرابی محل را به عمارت آورده بطریق اول عمارت نماید و مادام که خرابی تمام نشود و بوجهی از وجوه مداخل موقوفه را بمصرف دیگر نرسانند تا انشاء الله تعالی بسر حد آبادی اول برسد و سایر موقوفات را نیز مرمت نماید و املاک موقوفه را اگر اخراجاتانی حادث شود نموده باشد چون هر مدرسه را لازم است از خادمی بر متولی است که خادم متین خوبی تحصیل نموده قرار بدهد که هر روزه مدرسه را از درون و بیرون و راهروهای مدرسه را جاروب کرده خاک روبۀ آنرا خارج نماید و هر روز سه مرتبه صبح و ظهر و شب نهر مدرسه را که از سامان خانۀ آقا حاجی شله جاری است پاک نموده کثافات آنرا بیرون نماید و حضرات طلاب بجهت طبخ و غیره در حجرات مدرسه هیزم نسوزانند و بجهت طبخ در مطبخ متعلق بمدرسه رفته طبخ نمایند و طلاب حجرات را زیاده از یکماه و چهل روز بیشتر معطل نکنند اگر زیاده باشد متولی را میرسد که تغییر داده باشد قاری که بصفت تقوی و ورع موصوف باشد و قرائتش صحیح باشد اجیر نموده قرار بدهند که روز سه جزو درسه وقت صبح و ظهر و شب در سر قبر این غریق بحر عصیان تلاوت نموده و در شبهای جمعه سورۀ مبارکۀ یس و الرحمن و سورۀ جمعه را بعد از تعشی در هر جا که منزل و مکان اوست زیاده بر سه جزو تلاوت نموده روح حقیر را بفاتحه یاد و شاد نماید و هر شب از اول مغرب تا دو ساعت بعد از آن روشنائی در مزار مزبور استمراراً برقرار باید بوده باشد و قاری مذکور بازاء شغل مسطور یک

تومان بجهت روغن چراغ روشنائی و چهار تومان رایج که چهل ریال يك مثقال ونیم صاحبقرانی جدیدی فتحعلی شاهی [باشد] از متولی از مداخل موقوفات باز یافت نماید و متولی باید اول وجهی که بوصول برساند و بمصرف اخراجات مقرر برساند باید این وجه را بداند و قاری را معطل نکند که خلاف آن ظلمی است که به این روسیاه کرده خواهد بود چون در فوق ایمائی شده بود که بجهت هر يك از موقوفات و مصارف منافع آنها تفصیلی که دستور العمل بوده باشد مرقوم شود بناءً علی هذا اهم مطالب با متولی امر مدرسه و طلاب است چون امر تولیت مفوض بفرزند علی محمد و بر اولاد اولاد او بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل و پس از انقراض العیاذ بالله بر اولاد ذکوری که از اناث حاصل شود به طریقی که در فوق نگارش شده است و بعد انقراضهم نعوذ بالله تولیت با اولاد اخوی محمد حسین بسوده باشد و بعد انقراضهم العیاذ بالله تولیت با اولاد همشیره اقل عباد بوده و بعد انقراضهم العیاذ بالله با علم مدرسه مزبوره بوده بطریق مسطور عمل نماید و سدس منافع موقوفات از بابت حق التولیه متعلق بمتولی میباشد چون در این جزء از زمان فرزند علی محمد در صغر سن بوده امر تولیت مفوض باخوی محمد حسین میباشد که حق التولیه را بفرزند علی محمد بالاشتراك بمصرف خودشان برسانند و بعد عمر الطبیعی انشاء الله تعالی بعلی محمد بالاخصاص بوده بطریقی که مرقوم شده معمول گردد و واقف موفق دام توفیقاته بعد از اخذ وجه تعزیه و حق قاری و حق التولیه عشر منافع حق التدریس بوده که اگر مدرس متعدد بوده باشد بالمساوات فیما بین خود تقسیم نمایند اگر یک نفر هم بوده باشد عشر تعلق بهمان یک نفر دارد و از سهم طلاب مدرس را سهمی نیست و صیغ وقف کما قرر فی الشریعة المقدسة بالعریة و الفارسیه سمت وقوع و جریان پذیرفت بندگان خدا یگان آقائی اخویم در کمال سدادرای و شعور املاک را بطریق مسطور وقف عمل نموده و وقف نامچه در دو صفحه ونیم اول بخط مبارک نوشته انواع اقسام اسقام بجناب واقف

معظم‌الیه روی داده که از نوشتن آن عاجز مقرر فرمودند به اقل خلیفه و راقم‌نمیقه که در اتمام آن پرداخته به تفصیل املاک موقوفه نگارش نمایم تفصیل بموجب تفصیل است تفصیل املاک موقوفات مشترکه فیما بین اولاد و اعقاب واقف معظم‌الیه باطلاب مدرسه است از آن جمله قریه کلاجان قاضی هفده سهم از بیست سهم از نود سهم از کل شش‌دانگ مفروز شده و در خارج مشخص و معین است با انضمام یکباب آبدنگ و ملیارستان و توتستان عن آنچه ملکیت را سزد و شاید بامجرى المیاء متعلقه بآن که از رودخانه شصت کلاته منشعب میشود و همگی و تمامی پنج‌دانگ کامل حق الحفری بکرشته قنات موسومة بفیض آباد که واقع است در قریه مزبوره که خود واقف معظم حفر و تعمیر نموده با انضمام هفده سهم از نود سهم از یک‌دانگ حق الارض قنات کیاب واقع در قریه کلاجان قاضی که یک‌دانگ از آقا رحیم ارباب از بابت حق حفر واقف معظم‌الیه دام توفیقاته اتباع نموده بود با انضمام نیم‌دانگ حق الحفر که از مهر علیخان دولو واقف معزى‌الیه مدظله اتباع نموده بود بموافق قبالة نامچه معتبره که در دست است کلاً و طراً يك دانگ و نیم از حق الحفر است و هفده سهم از نود سهم از دودانگ حق الارض قنات سنگ کاریز که از ملك مختص بخود حفر کرده واقع است در مزرعه سنگ ديك کلاجان جدید شش دانگ بالتمام و همچنین هفده سهم از نود سهم از دو مزرعه و نیم آب شصت کلاته که حقايق قریه کلاجان است که در فوق هم اشاره شده بود ایضاً قنات افرابن که سه دانگ آنرا از آخوند ملا کاظم و يك دانگ آنرا از صبیة مرحوم آقا عبدالله قاضی خریده‌ام و حق الارض تعلق بحقیر داشته مجدداً تعمیر و حفر نموده‌ام با تمام قنات مشهور بقنات عوضعلی که واقع است در قریه سر کلاته که بمبايعه شرعیه خریده‌ام و باراقم حروف محمد حسین و آقا رحیم شریک میباشند که قنات مزبور مشتمل است بر شعب و پیشان چندیکه مجرای آنها یکی و در معنی بکرشته می‌شمارند دو دانگ و نیم از شش دانگ که مبالغ کلی خریده‌ام و

اخراجات کلی نموده ام قنات واقع در بانعمان که از میرزا محمد رضا و حاجی مهر احمد خریدم بمبلغ يك صد تومان می باید در قریه مزبوره زرع شده ربع محصول از بابت حق الارض را حضرات انصاری که موقوف علیهم میباشند بطریقی که حال معمول و متعارف است بگیرند یا اینکه يك دانگ و نیم حق الارض را به چهار خروار و بیست من شالی بوزن بلده که اجاره به حقیر داده اند بدهند که در قریه لرخیل برده زراعت نمایند چون که رعایای لرخیل از قدیم الایام اکاره ما و پدران ما بوده اند و قنات لرخیل کلاً که حق الحفر آنها متعلق به ایشان بوده رعایای مزبور زراعت می نمودند در این ایام بالمره خراب شده رعایای مزبور معطل مانده بودند قنات مزبور را حقیر بجهت آنها خریداری کرده ام که زراعت نمایند چهار دانگ و نیم از شش دانگ حق الحفر قنات چشمه واقع در بهلول آباد که وقف مدرسه در بنو است که نیم دانگ حصه مرحومه والده واقف معظم الیه است دو خمس از نیم دانگ و يك دانگ که از اولاد مرحوم آقا رضا واقف معظم الیه خریدم است هفت سهم تقسیم میشد پنج سهم تعلق بواقف معظم الیه دارد که از جمله موقوفات مشترک است و دو سهم مال والده مرحوم جنت آرامگاه ابوتراب میباشد که خارج از وقف تعلق بمشار الیها دارد و قنات پای چنار و میان ده ایضاً واقع در بهلول آباد که حسب الارث از والد مرحوم منتقل شده دو خمس از دو دانگ از چهار دانگ حق الحفر است مزرعه علی کرد با قنات مخروبه آن که دو سهم از پنج سهم از سه دانگ از کل شش دانگ تعلق بواقف معظم الیه دارد و از قنات مخروبه دو سهم از پنج سهم از دو دانگ متعلق بواقف معظم الیه میباشد بطریق سایر موقوفات مشترک است از جمله موقوفات مشترک بین اولاد و طلاب و تعزیه کرپان قاضی واقع در نواحی دو خمس از يك دانگ و سه ربع از دو دانگ از کل شش دانگ که از والده مرحومه انتقال شرعی بواقف معظم الیه یافته باحقابه رودخانه قدمگاه خضر علیه السلام با مزرعه متعلق به آن که در خارج مشخص است بطریق

سایر موقوفات بین اولاد و طلاب و تعزیه مشترك است كرهان سادات واقعه در نواحی يك خمس از يك خمس ونیم از كل شش دانگ بعد از وضع ثمن كه از والد مرحوم انتقال شرعی بواقف معظم الیه یافته بانضمام حصه مرحومه والده اش كه آن نیز يك سهم از ده سهم از يك خمس از كل شش دانگ است قریه تاریکی باحقابه رودخانه خمس از يك دانگ از كل شش دانگ با جمیع ملحقات و منضمات مزرعه باكر محله كه ثلث از يك دانگ از كل شش دانگ و يك سهم از ده سهم از يك دانگ از كل شش دانگ كه از مرحومه والده واقف معظم الیه منتقل شده بود خمس آن بطریق مزبور وقف است و همچنین يك سهم از ده سهم از دودانگ مزرعه باكر محله كه از نورچشمی ابوطالب موافق قبالة خریده است بطریق سایر موقوفات بین طلاب و تعزیه و اولاد مشترك است قریه دودانگه واقع در استراباد رستاق دو خمس از سه دانگ و يك ربع از كل شش دانگ قریه مزبوره بانضمام حقابه رودخانه و مجرى المیاه آن با جمیع متعلقات و منضمات قریه مزبوره ذكر ارام لم یدكرسمى ام لم یسم بطریق سایر موقوفات است قریه تیمور محله دو خمس از دو دانگ از سه دانگ از كل بانضمام حقابه قریه مزبوره كه از قدیم الایام در دودانگه زرع میشود با جمیع متعلقات و منضمات آن نیز مثل سایر موقوفات بین اولاد و طلاب و تعزیه بالاشراك است و همچنین چهار دانگ از كل شش دانگ قریه معروفه به كلنگان واقعه در بلوك جلال ازرك مازندران با جمیع ملحقات و منضمات از اراضی عامره و غامره و شیوارات و اصطلخ و حقابه رودخانه عن آنچه ملكیت را سزد و شاید وانتفاع در آن متصور شود مثل سایر موقوفات بین اولاد و طلاب و تعزیه بالاشراك است و همچنین قریه یونس آباد واقعه در ولایت بسطام كه واقف بموجب يك طغرا قبالة معتبره بمبلغ يك هزار و پنجاه تومان وجه رایج سلطانی خریداری نموده بود بانضمام سه شبانه روز از بیست شبانه روز از حقابه قریه مزبوره قنات یونس آباد بامزارع آن كه در قبالة نوشته شده است كه عبارت

از هشتاد خروار بذرافشان زمین است این نیز مثل سایر موقوفات بین اولاد و طلاب و تعزیه بالاشترک است و ایضاً دوازده بز ن آب از رودخانه جلالی و عین الحسنی بامجرى المياه متعلقه بآن که در ید تملك و تصرف واقف معظم الیه بوده بطریق مزبور وقف بر اولاد و طلاب و تعزیه بالاشترک است و ضیغ وقف کما قر فی الشریعة المقدسه من الواقف الموفق دام توفیقاته بالعربیة و الفارسیة سمت وقوع و جریان پذیرفت.

وكان ذلك فی شهر رجب المرجب من شهر سنة ۱۲۴۲ .

[بر حواشی این سواد عبارات زیر نوشته شده است:]

و ایضاً واقف موفق دام توفیقاته مجموع کتب عربیة خود را که در ید تملك و تصرف از نحو و صرف و منطق و کلام و حدیث و فقه و اصول و هیئت و حساب را محضاً الله و خالصاً لوجه الله بر طلاب علوم دینیة اثنی عشریة مدرسه خود که از بنای معمار همت اوست و تولیت را مفوض نمود به نور چشمی علی محمد طول الله عمره و بعده العیاذ بالله امر تولیت بطریق مسطور در فوق است و کتب فارسی کلاً و طراً واقف موفق دام توفیقاته به هبة معوضه و عطیة منجزه منتقل بفرزندزاده خود علی محمد طول الله عمره ساخته و ولایة از جانب فرزندزاده تصرف می نماید و ضیغتان وقف و هبة کما قر فی الشریعة المقدسه سمت وقوع و جریان پذیرفت تحریراً فی دوازدهم شهر رجب المرجب من شهر سنة ۱۲۴۲ .

ایضاً از جمله اقسام خمسة مختص بطلاب مدرسه و ورثه و تعزیه است همگی و تمامی مجرى المياه يك مزرعة لثری از هفت مزرعه و نیم از حقایقه بالوتوابع که منشعب است از نود و پنج مزرعه از رود شصت کلاته با انضمام آنچه از ملکیه بالوتوابع که تعلق شرعی باین يك مزرعه دارد با تمامی توابع و لواحق شرعی و عرفیه من دون استثناء شیء منها که متولی شرعی املاک موقوفه مصلحة للوقف والموقوف علیهم و غبطة لهم بعد تصدیق جماعت کثیره من علماء البلد بل جلهم و جسم غفیر من البصيرة و الخبره قبول

نقل شرعی آن نموده بجهت موقوف علیهم از عموم ورثه مرحوم یعقوبعلی خان بعوض ملك موقوفه قریه یونس آباد و قنوات موقوفه آن بعد از مباحیه و مصالحه آن مصلحه و غبطه للوقف وروماً للاحتیاط بوكالت صهیحه صریحه جناب آقای متولی معظم الیه اجراء صیغه وقف آن بر طبق وقف سایر املاك موقوفه مشترک گردید و كان ذلك فی ۲۰ رجب ۱۲۹۶. [محل خاتم مرحوم مغفور جنت مکان آقای آقامیرزا حسین مجتهد طاب ثراه]^۱ و [محل خاتم شریف مرحوم مبرور فردوس آرامگاه آقا آقا میرعلینقی بنی کریمی مجتهد طاب ثراه]^۲ و [محل خاتم شریف مرحوم مبرور مغفور جنت مکان آقا آقا حاجی سید محمد طاهر طاب ثراه]^۳

مخفی نماند که يك خمس از خانه مسکونه جناب آقا علی محمد که منتقل بجدّه ایشان شده بود و از مرحومه مبروره جده حسب ارث انتقال بآن جناب یافته نیز ایشان وقت نمودند و به نهجی که چهار خمس دیگر وقف و تفصیل در متن میباشد و صیغه وقف و شرایط لزوم بعمل آمد بناء علیه تمام شش دانگ خانه مزبوره و متعلقات آن وقف میباشد فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونہ و كان ذلك فی بیست و دوم شهر شعبان سنه ۱۲۹۸. [محل مهر مرحوم حاجی آقا محمد حسن مفیدی الموسوی]^۴ و [محل مهر مرحوم مبرور آقا سید محمد نور المفیدی الموسوی]^۵ و [محل مهر جنت مکان مرحوم حاجی سید محمد طاهر]^۶

این چند سطر باید در ورقه بعد نوشته شود اشتباهاً اینجا نوشته شد آنچه در ذیل نوشته میشود راجع بقبل دوازده سطر است. [محل خاتم شریف مرحوم ملا

۱ - مهری با سجع : « اللهم ارزقنی شفاعۃ الحسین ». ۲ - مهری با سجع :

« العبد المذنب علینقی الحسینی ». ۳ - مهری با سجع : « محمد طاهر الحسینی ».

۴ - مهری با سجع : « عبده الراجی حسن الموسوی ». ۵ - مهری با سجع : « عبده الراجی

سید محمد الموسوی ». ۶ - مهری با سجع : « محمد طاهر الحسینی ».

محمد مهدی جزى اعلى الله مقامه^۱

قد وقع جميع مازبر ورقم فيه لدى الجانى. [محل خاتم شريف مرحوم ملاعباسعلى
كلانتر]^۲

قد وقع الوقف على نهج مازبر ورقم فيه لدى نمقه

هو الله تعالى شأنه

قد وقع الوقف من الواقف الموفق دام توفيقاته كما رقم فيه لدى الجانى. [محل
خاتم شريف مرحوم آقا حسين اخوى واقف]^۳

قد وقع الوقف من الواقف الموفق زيد عمره حسب مافيه لدى الخاطى. [محل
مهر مرحوم حاج شيخ حسين واعظ]^۴

هو الله تعالى شأنه العزيز

قد وقع الوقف من الوقف المعظم اليه جميع مارقم فيه على طريق الكتاب المستطاب
لاشك فيه ولا ارياب لدى. [محل خاتم مرحوم ملا آقا بابا]^۵ و [محل خاتم مرحوم
آقا محمد قجر]^۶

قد صدر الوقف عن الواقف الموفق على نهج المسطور لدى الجانى الخاطى [محل
مهر مرحوم آقا سيد رضا]^۷

قد وقع الواقف من الواقف الموفق بتوفيق ربانى رحمه الله تعالى لدى نمقه الجانى.
[محل مهر آقا سيد محمد صادق المفيدى الموسوى]^۸

قد وقع الوقف من الواقف كما زبر ورقم فيه لدى نمقه الجانى. [محل مهر آقا مير

۱- مهرى باسجع : « عبده محمد مهدى » . ۲- مهرى باسجع : « عبده الراجى

عباسعلى » . ۳- مهرى باسجع : « عبده الراجى حسين الموسوى » . ۴- مهرى با

سجع : « عبده الراجى حسين » . ۵- مهرى باسجع : « المتوكل على الله عبده آقا باباى » .

۶- مهرى باسجع : « اللهم صل على محمد وآل محمد » . ۷- مهرى باسجع : « المتوكل

على الله عبده رضا الحسينى » . ۸- مهرى باسجع : « عبده محمد صادق الموسوى » .

عیسی المفیدی^۱

قد وقع الوقف من حضرة الواقف على النهج المسطور لدى العبد الجاني الآثم. [محل مهر خاتم شریف مرحوم مبرور آقا ملا محمد اسمعیل اعلى الله مقامه]^۲

قد وقع الوقف من حضرت الواقف على النهج المسطور لدى العبد الجاني. [محل مهر شریف مرحوم آقا ابراهیم تویی]^۳ و [محل مهر الله ویردی داروغه]^۴
قد وقع الوقف حسبما زبرورقم فيه لدى الاقل. [محل خاتم مرحوم آقا ملا محمد باقر ستون]^۵

تبت مارقم فيه لدى العبد الجاني. [محل مهر مرحوم آقا بابا کلانتر]^۶

وقع جميع مارقم وزبر لدى. [محل مهر مرحوم آقا سید رضا الحسینی]^۷
وقعت الواقعة ليس لوقعتها كاذبه. [جای مهر]^۸

قد وقع الوقف من الواقف المعظم اليه في المتن كما في المتن. [جای مهری ناخوانا]
بسم الله تعالى شأنه

قد وقع الوقف من الواقف المعظم زيد عمره حسبما فيه لدى وكتب العبد.

[جای مهری ناخوانا]

سواد مطابق اصل است. [جای مهر]^۹

سواد مطابق با اصل است. [جای مهر اداره معارف استرabad ۱۲۹۶ ریحیمی]

۱- مهری با سجع : عبده عیسی الموسوی. ۲- مهری با سجع : « عبده الراجی

محمد اسمعیل. ۳- مهری با سجع : « سلام علی ابراهیم » ۴- مهری با سجع : « عبده الراجی

الله ویردی. ۵- مهری با سجع : « یا امام محمد باقر ». ۶- مهری با سجع :

« عبده آقا بابا. ۷- مهری با سجع : « عبده رضا الحسینی ». ۸- مهری با سجع :

« ورفنائه مکاناً علیاً ». ۹- مهری با سجع : « رحیم الحسینی ».

وقفنامه امیرخان سردار مورخ ۱۳۱۴ ه. ق.

در این وقفنامه امیرخان سردار نصف مشاع کامل از قریه اوجابین واقع در شمال شهر استارباد را با ملحقات و منضمات آن و یک باب کاروانسرای جدید البناى خود را در راسته خیابان و یک باب یخچال واقع در چهارباغ متعلقه به شاهکوه و قطعه زمین متصل و متعلق به آن را با کاروانسرا و اطاقهای واقع در قزلق و ایوان آن را وقف بر مدرسه خود کرده و شرایط و طرز تقسیم منافع املاک مذکور را در متن یاد کرده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

هو الواقف

الحمد لله المتنفذ من الحيرة والضلالة والصلوة والسلام

على محمد المخصوص بالرسالة وآله المعصومين بالعدالة

و بعد غرض از تحریر و تنسیق و تسطیر این کلمات صداقت آیات آنست که وقف عام مؤبد و حبس مالا کلام مخلص فرمودند بندگان ذی شان کثیر الانعام والاحسان جزیل الافضال والامتنان سرور خوانین زمان و امیر اکابر دوران مؤسس قوانین نصفت و معدلت و مؤکد قواعد رأفت و مرحمت و مشید مراسم ملت و دین و مروج شریعت ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین الی یوم الدین ملجاء فقراء و ملاذ اغنیاء عظمت و حشمت و جلالت دستگاه ابهت و شهامت و بسالت انتباه دولت و سعادت اقبال عظیم القدر والمنزله والشأن والجلال، المنظور بانظار الطاف رحمن الموفق بتوفیق السبحان المؤید بتأیید الملك المنان حضرت مستطاب کامکار ذوالمجد والعز والاقتدار اشرف امجد

ارفع اکرم اسعد مفخم نواب والا امیرخان سردار لازالت رایات دولته مرفوعه و رایات اعدائه مقمومه همگی و تمامت نصف مشاع کامل از قریه مدعوه به اوجابن واقع در صوب شمال شهر استرآباد مینو بنیاد و خالی از خلل و قصور و فساد از بلوک سدن رستاق معروفه مع کل ملحقات شرعیه و منضلمات عرفیه آن از صحاری و براری و مزارع و مراتع و آوش رویه و تلال و جبال و وهاد و جناگل و ملیارستان و توتستان و جر و خانقاه و شیوارات و مجری المیاه و قنوات دائره و باثره و آسیا و آبدنگ آباده و خرابه از آنچه نفع توان برد و انتفاع حاصل میشود دون استثناء شیء منها القلیل والكثیر والنقیر والقطمیر مما ذکر ام لم یدکر و سمی ام لم یسم من جمیع الجهات كافة بانضمام یکباب کاروانسرای جدید البناء که اتصال دارد بصوب مغرب و راسته خیابان بحذافیرها و شرایشیرها که تمامت منافع موقوفه مزبوره منقسم بده قسمت شده یک عشر را حضرت متولی اخذ فرمایند یک عشر را جناب ناظر دریافت سازد و یک نیم عشر را مدرس مطالبه نماید و یک نیم عشر را امام جماعت متصرف شود و یک عشر حق مصارف ماه مبارک رمضان و لیالی مبرکه قدر مقرر است که افطار و سحور دهند و یک عشر را در ایام دهه اول محرم مصروف سازند و بقیه که زائد از چهار عشر و دو نیم عشر معین است بعد از مصارف سوخت سه چراغ و بوریا و خادم آقایان مدرسه که جنابان ناظر و مدرس است بین آقایان طلاب بدون اختلاف بنظر ناظر و مدرس تقسیم نمایند تدریس مدرس از سطح و خارج الی دو درس معین است و زیاده مختار است امام جماعت همانقدر که عرفاً پیش نماز صدق کند و صادق آید و میهمان لیالی ماه مبارک رمضان و دهه عاشورا بنظر مبارک ناظر و مدرس میباشد خادم و حق آن بنظر خیر منظر ناظر منوط است حق حضرت متولی معظم و جناب ناظر معزی الیه و جناب مدرس و امام جماعت و مخدومی خادم مقدم

بر مصارف لازمه املاك موقوفه مدرسه و نفوس مدرسه مزبوره خواهد بود در صورت احتياج املاك موقوفه مزبوره و مدرسه مسطوره معاً به تعمير تعميرات املاك موقوفه مقدم بر تعمير مدرسه ميباشد سكونت آقايان طلاب در حجرات موقوف است به اذن ناظر تقسيم حقوق آقايان طلاب فيما بين عربى خوان مو كول است به نظر ناظر و مدرس كه اگر بخواهند طلبه مبتدى را بمقدار حق منتهى بدهند و علاوه مختار بوده باشند تعمير اعيان موقوفه بايد باطلاع واستحضار چهار نفر از رؤساي آقايان طلاب باشد مدرس هر گاه در غير مسجد و سردر مدرسه بخواهد تدريس كند مختار است تعيين مدرس و امام جماعت با ناظر بوده باشد طلابى كه در نصف ماه باشند حق دارند و چنانچه كمتر از نصف ماه باشند ولو به نصف روز حقى ندارند سوخت حجرات بايد به طلاب داده شود بورىاي حجرات و پيش حجره و مسجد و بالاخانه بايد كرده شود و از پنج سهم بقيه بايد موضوع گردد سه چراغ يكي در مسجد و يكي در دالان و يكي در مبال جناب ناظر منظور نمايد هر گاه بخواهند احدى حفر قنات در قريه موقوفه مزبوره نمايد بايد به اذن ناظر باشد و توليت واگذار و مفوض است به نفيس و شخص شريف واقف موفق دام ظلّه العالى و بعد به اولاد ذكور و ذكور ذكور ما تو الدوا و تناسلوا با شرط اكبريت متوالى و بعد از انقراض العياد بالله با مجتهد جامع الشرايط عادل استرabad بوده باشد و مقرر فرمودند نظارت را به جناب مستطاب فضائل و كمالات انتساب قدوة العلماء و افتخار الفقهاء انسان العين اشرف - الحاج حاجى آقا شيخ حسين مد ظلّه و بعد از ارتحال ايشان بدارالسرور تعيين ناظر خير اثر با حضرت متولى دام ظلّه العالى ميباشد و حقوقاتى كه مندرج و معين شده است غير از دو عشر رمضان المبارك و عاشوراي محرم بايد ماه بماه تقسيم فرموده برسانند بصاحبان حقوق بقدر سهامهم و همچنين وقف صحيح صريح و شرعى

فرمودند حضرت مستطاب واقف موفق مؤید دام ظلّه العالی یک باب یخچال واقعه در چهار باغ متعلقه بشاهکوه و قطعه زمین متصله متعلقه به آنرا با کل ملحقات شرعیه و عرفیه آنرا با کاروانسرا و اطاقهای واقعه در قزلق و ایوان آنرا کائنه ماکنت من دون استثناء شیئی که منافع آن بعد تعمیرات لازمه عین آنهادر مصرف مدرسه هم به تفصیلی که در متن نموده شده است مصروف دارند قبض و اقباض که شرط وقف است بعمل آمد فمن بدله ما سمعه و انما ائمه علی الذین یدلونّه صیغه وقف علی النهج الشرع ایجاباً و قبولاً بالفارسیة والعربیة تمامها واقع و جاری شد .

وكان ذلك بتاريخ ۵ شهر شوال المکرم سنه ۱۳۱۴ هجری قمری

[جای مهر]^۱

[بر حواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته است:]

هو

قد وقع جميل ما رقم و زبر فيه من البداية الى النهاية مع القبض والاقباض لدى چنانچه اصل وقفنامه متناً و هامشاً از املاء خط حقیر الفقیر الحاج ملا حسن روضه خوان استر ابادی. [جای مهر]^۲

هو قد وقع الوقف من السردار كمثل ما فيه لدى الاخيار وانا المعتد الآئيم .

[جای مهر]^۳

قد اقر الواقف المعظم زيد اجلاله العالی بما فيه من الوقف علی الكيفية المرقومة بما فی الورقه لدى اقل الطلبة فی خامس شهر شوال المکرم ۱۳۱۴ . [جای مهر]^۴

بسم الله تعالى شأنه

قد اجريت صيغة الوقف كما هو المعهود غير نقصانها بالوكالة الشقاھیه عن الواقف

۱- مهری با سجع : « امیر بن سلطان احمد » . ۲- مهری با سجع : « حسن بن

نصرالله » . ۳- مهری با سجع : « عبده الراجی کریم » . ۴- مهری با سجع :

« عبده الراجی کریم » . ۵- مهری با سجع : « اللهم ارزقنی شفاعه الحسين » .

الموفق بمحضر حضور جمع من الاعيان العلماء العظام ادامهم الله الحياة حسبما سطور
فصل فی الورقه وتحقق القبض والاقباض عنه دام اقباله ختم الوقف عن حضرة السردار
المعظم ولزم فی التاريخ التحرير فی الذیل حرره صالح المؤمنین.

هو المستعان

قد وقع مافیه من البداية الى النهاية و بجمع مافیه رقم و سطر لدی حررته بیدی الاحقر
فی شهر شوال ۱۳۱۴ . [جای مهر]

۱۳

وقفنامه آب رودخانه سرخ محله مورخ ۱۳۳۰ ه . ق .

دراين وقفنامه شيخ محمدرضا مشهور به سلطان العلماء قاجار قوانلو
چهار سنگ از بیست سنگ آب رودخانه سرخ محله را در بلوك كتول
وفندرسك بر اولاد ذكور خود و بر طبقه اولی از اناث كه بلا واسطه
از صلب واقف مزبورند به این نحو كه اناث و ذكور در حظ يكسان
باشند ، وقف کرده است .

بسم الله الرحمن الرحيم

هو الواقف على السرائر والمطلع على الضمائر والصلوة والسلام على

اشرف الانبياء محمد و آله واصحابه الذينهم خير القبائل والعشائر

اما بعد توفيق الهی شامل حال فرخنده مآل جناب مستطاب قدسی انتساب فضایل -
مآب عمدة العلماء العظام آقا شيخ محمدرضا الشهير بسلطان العلماء قاجار قوانلو -
گردید كه وقف مؤبد وحبس مخلد نموده قربة الى الله و طلباً لمرضاته همگی و تمامت
مقدار چهار حجر از بیست حجر بعبارة اخرى يك خمس از مجرى و مياه آن را كه
واقع است در حدود بلوك كتول و معروف است به رودخانه سرخ محله كه در خارج

۱- مهری با سجع: « عبده عباسعلی العقلی ».

معین و معلوم است بعبارة اخرى يك خمس از رود مزبور بعد از اینکه تقسیم شده باشد میاه مزبور بین بلوك كتول و فندرسك و جدا شده باشد حصه بلوك فندرسك بالاخره وقف نموده واقف مزبور يك خمس از مجری و میاه رودخانه سرخ محله را بر اولاد ذکور خود نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن و نیز وقف نمود بر طبقه اولی از اناث که بلا واسطه از صلب واقف مزبورند باین نحو که طبقه اولی از اناث با ذکور مساوی در حظ و بهره یکسان بوده باشند و سایر اناث را مطلقاً و ذکور متولد از اناث را حظ و بهره نخواهد بود و نیز همه طبقات از ذکور در استحقاق باهم شریك و یکسان خواهند بود مثلاً طبقه اولی و اطفال آنها باهم شریك و یکسانند و هکذا و علی فرض انقراض ذکور و طبقه اولی از اناث عیاداً بالله وقف است بر تعزیه داری و اطعام در تکیه سرپیر در دهه عاشورا و بر تقدیر زیادتی کردن منافع عین موقوفه بهمان نحو اطعام را مستمر دارند تا اینکه منافع موقوفه مستوفی او مستوعب گردد و قرارداد تولیت عین موقوفه را مادام الحیوة با نفس خود و بعد الممات با ارشد و اتقی از موقوف علیهم و علی فرص انقراض موقوف علیهم با پیرمردان تکیه سرپیر و مراد از تکیه مزبوره بنحویست که شامل است سقاخانه و فوقانی آن و دو گوشواره را که کلاً شرکت دارند ولیکن خود تکیه دو حصه و سایر اماکن هر يك يك حصه بجهت مخارج برداشت نمایند و حق تولیت مادامی که با خود واقف یا با اولاد او هست يك خمس است و مادامی که به پیرمردان تکیه مزبوره تعلق گرفت يك عشر خواهد بود و این عشر که حق تولیت است فیما بین دو پیرمرد از تکیه و چهار پیرمرد از سایر غرفات تقسیم کرده خواهد شد چنانچه در اقدامات و استیفاء منافع متفقاً اقدام و تولیت دارند و صیغه وقف عقداً و ایقاعاً جاری گردید و قبض و عمل که از شرایط وقف اند بعمل آمد فصار وقفاً صحیحاً شرعاً فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونہ واضح باشد که تصرفات جناب واقف من بعد ذلك الیوم بعنوان

تولیت است نه بعنوان مالکیت نوشته شد تا واضح بوده باشد .

وكان وقوع ذلك في يوم الثاني من جمادى-

الاولى سنة هزار و سیصد و سی هجری ۱۳۳۰.

[جای دو مهر]^۱

[بر حواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

غب الحمد والصلوة قد اعترف الواقف المسطور ما في الورقه من الوقف والقبض

لدى خادم فقهاء آل عدنان في بیستم شهر جمادى الاولى هزار و سیصد و سی هجری

نبوی صلی الله علیه وآله . [جای مهر آقا شیخ هادی سرپیری]^۲

قد اقر الواقف بما فيه لدى في يوم الاحد والعشرين من شهر جمادى الاولى في سنة

۱۳۳۰ حرره الاقل محمد قاسم كتولى . [جای مهر]^۳

جناب آقای واقف سلمه الله اقرار مراتب مسطورة در ورقه وقفنامه نمودند وفقه الله

ان شاء الله في ۲۳ جمادى الاولى ۱۳۳۰ . [جای مهر]^۴

قد اعترف الواقف الموفق بالوقف والقبض بما فيه لدى الاحقر على النحو المحرر .

[جای مهر آقا سید ابراهیم شریعت]^۵

قد اعترف الواقف الموفق بالوقف والقبض ما فيه كما فيه على النحو المسطور لدى .

[جای مهر]^۶

قد اعترف الواقف الموفق بالوقف والقبض والعمل ما فيه كما فيه لدى الاحقر في

التاريخ . [جای مهر]^۷

۱- مهری باسجج: «سلطان العلماء و مهری دیگر باسجج: «محمد رضا». ۲- مهری

باسجج: «یا هادی المضلین». ۳- مهری باسجج: «عبد محمد قاسم». ۴- مهری

باسجج: «نجم الدین محمد الحسینی». ۵- مهری باسجج: «سلام علی ابراهیم». ۶-

مهری باسجج: «علی بن محمد». ۷- مهری باسجج: «عبدالله المفید الموسوی».

قد اقر و اعترف الواقف الموفق المکرم زید توفیقاته بتمام مارقم و زبر فیہ من الوقف والقبض والعمل لدى اقل السادات محمد هاشم المفیدی الموسوی فی چهاردهم جمادی الاولی ۱۳۳۰ . [جای مهر]^۱

اعترف الواقف الموفق بالوقف والعمل واعانة على ذلك حررته فی التاريخ من ۲۱ اولی الجمادین من شهور ۱۳۳۰ . [جای مهر]^۲

قد اقر واعترف الواقف الموفق المؤید المعظم المحترم المکرم زاد الله تعالى شأنه العزیز بما رقم و زبر و سطر و حرر فیہ کما فیہ بما فیہ مع ما فیہ فلیحذر المؤمنین عن سخط الله تعالى شأنه عن المخالفة عما فیہ فی شهر جمادی الاولی من شهور سنة ۱۳۳۰ . [جای مهر]^۳

قد اقر واعترف الواقف الموفق بالوقف کما زبر فیہ لدى الاحقر فی نهم جمادی الاولی ۱۳۳۰ . [جای مهر]^۴

قد اعترف الواقف الموفق والعمل به حسب ما فیہ و من فیہ لدى الاحقر الجانی فی التاريخ . [جای سه مهر]^۵

بسم الله الرحمن الرحيم

قد اقر واعترف الجنا ب المستطاب الواقف الموفق بما فیہ کما فیہ کبیره علیهم بمارقم (؟) اخافهم الله تعالى عن المخالفة والوقوع فیما یخالف مقتضاة وانا الاقل الجانی الفانی . [جای مهر]^۶

۱- مهری باسجج: «محمد هاشم الموسوی». ۲- مهری باسجج: «محمد کریم العقیلی».

۳- مهری باسجج: «محمد باقر ستون». ۴- مهری باسجج: «عبدہ محمد بن غلامعلی».

۵- مهری باسجج: «ابوالحسن العقیلی» و مهری دیگر باسجج: «سرا الله العقیلی» و مهری

دیگر باسجج: «یعقوب الحسینی». ۶- مهری باسجج: «غلامحسین».

بسم الله الرحمن الرحيم

وقع الوقف كما فيه على مافيه و من فيه فليحذر عما بنا فيه و انا الاقل خادم اهل العلم والعمل فى التاريخ . [جاى دو مهر]^۱

قد وقع الوقف والقبض بحذافير الورقه بالوكالة الحضوريه عن جناب الواقف المعظم دامت توفيقاته لدى الاحقر فى ثانى اولى الجماديين من شهور ۱۳۳۰ .

[جاى مهر آقا سيد ابوتراب]^۲

اعترف الواقف الموفق بتمام مافيه لدى الاحقر حررته بيمينى القاصره فى جمادى- الاول من ۱۳۳۰ . [جاى مهر امام جمعه]^۳

اقر بمافيه لدى فى ثالث جمادى الاولى ۱۳۳۰ حرره محمد حسن . [جاى مهر آقا شيخ حسن جزى مجتهد] [جاى مهر آقا شيخ صفى الله]

قد اقر بما رقم فيه لدى فى التاريخ . [جاى مهر آقا سيد جمال عقيلى مجتهد] .

۱- مهرى باسجج: «الراجى محمد هادى» ومهرى ديكر باسجج: «محمد طاهر بن

محمد». ۲- مهرى باسجج: «عبدالراجى ابوتراب العقيلى». ۳- مهرى باسجج

«عباس على العقيلى».

وقفنامه محمدقلی خان مصباح نظام مورخ ۱۳۳۸ ه. ق.

در این وقفنامه محمدقلی خان همگی و تمامی نیم مزرعه لطری از نود و پنج مزرعه از آب رودخانه شصت کلاه واقع در بلوک سدن- رستاق را بردار الشفاء رضوی وقف کرده است که عین جنس را پس وضع مخارج حمل از محل الی مشهد مقدس به دارالشفاء برسانند و تولیت این امر را به عهده حسینقلی خان - اخوی زاده خود - و بعد به اولاد ذکور او داده است .

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على الضمائر والمطلع على السرائر والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين اما بعد جناب جلالتمآب اجل عالی آقای محمد- قلیخان مصباح نظام خلف مرحمت و غفران مآب حاجی نجفقلی خان هزارجریبی طلباً لمرضات الله وقف مؤبد شرعی و حبس مخلص ملی فرمودند همگی و تمامی نیم مزرعه لطری از نود و پنج مزرعه از آب رودخانه معروف به شصت کلاه واقعه در بلوک سدن رستاق استرآباد که فی محلها مستغنی از تحدید و توصیف است بردار الشفاء مبارکه رضوی علیه الصلوة والسلام که منافع آنرا همه ساله پس از منظور نمودن مخارج حمل از محل آن الی شهر مقدس عین جنس بدارالشفاء مبارکه حمل نمایند بعبارة اخری برنج خود آن نیم مزرعه عیناً فرستاده شود بدارالشفاء مبارکه و تولیت آنرا واگذار فرمودند بجناب حسینقلی خان اخوی زاده خود و بعد به اولاد ذکور او نسلاً بعد نسل و در صورت عدم وجود اولاد ذکور با ذکور از اناث و هکذا و در صورت عدم اولاد با اکبر و ارشد اولاد جناب مستطاب اجل آقای علیقلی خان مسعودالملک

اخوی واقف معظم و در صورت فقدان اولاد با اورع و اتقی از علمای دارالمؤمنین استرabad و نظارت آن باتولیت آستانه مبارکه رضوی ع است وصیغه وقف در تاریخ یازدهم شهر شوال المکرم سنه ۱۳۳۸ جاری گردید و واقف مزبور خلع ید از نیم مزرعه مزبوره نموده بتصرف متولی آن دادند و قبض و اقباض شرعی بعمل آمد فصار وفقاً صحیحاً شرعياً بحیث لایباع ولایوهب ولایرهن.

وكان ذلك تحريراً فی یازدهم شهر شوال المکرم سنه هزارو سیصدوسی و هشت هجری ۱۳۳۸.

[جای مهر]^۱

[بر حواشی این وقفنامه عبارات زیر نوشته شده است :]

توضیح آنکه عین برنج که همه ساله بدار الشفاء مبارکه فرستاده شود باید در آشپزخانه مبارکه دار الشفاء بمصرف برسد فی التاریخ. [جای مهر]^۲
آقای مصباح نظام اقرار تحریر ثبت مسطورۀ متن نموده است. [جای مهر]^۳

بسم الله الرحمن الرحيم

اعترف بما رقم فيه من الوقف والقبض والتولية والمصرف حسبما فصل عندی فی السابع عشر من شهر شوال ۱۳۳۸ جواد الحسنی الحسینی. [جای مهر]^۴
هو الله تعالى شأنه العزیز

اجريت صیغة الوقف بالوكالة الشفاهیه عن الواقف المعظم دام توفیقه کما رقم و سطر فی هذه الورقة متناً و هامشاً فی احدی عشر خلون من شهر شوال المکرم سنه ثمانية وثلاثین و ثلثمائه بعدالالف من الهجرة و کتبت بیدی القاصر و ثلثة نسخات الاقل خادم اهل العلم والعمل شیخ آقا استرabadی. [جای مهر]^۵

۱ و ۲ - مهری با سجع : « محمدقلی ». ۳ - مهری با سجع : « علیقلی ».

۴ - مهری با سجع : « جواد بن زین العابدین الحسنی الحسینی ». ۵ - مهری با سجع :

« شیخ آقا ».

مبايعه نامچه

۱

سند مبايعه مورخ ۱۲۰۰ هـ . ق .

در این سند سیده بیگم تمامی يك ثلث از يك دانگ كامل از كل شش دانگ مزرعه معروف باكر محله از مزارع نواحی استرآباد را به مبلغ شش تومان و هفت هزار دینار رایج معامله جدیداً ضرب بلدة استرآباد به بی بی كلثوم بنت آقا محمد رفیع موسوی به بیع قطع فروخته است.

هوالمالك بالاستحقاق

الحمد لله الذي احل البيع والشري و حرم الغصب والربوا والصلوة
والسلم على خير خلقه محمد وآله مصاييح الدجى وسلم تسليماً كثيراً كثيراً
بفروخت بمبايعه صحيحه شرعيه قطعيه مليه اسلاميه لازمه جازمه بالطوع والرغبه
لابلأجبار والاكراه در حين صحت نفس و ثبات عقل وجواز تصرف عصمت و خدات
دستگاه سیده عفيفه بیگمی صبیة مرحوم سید محمد الحسینی الاسترآبادی که همشیره

مرحوم میرزین العابدین بوده باشد بعلیا جناب عصمت و عفت و خدارت دستگاه بی بی کلثوم صبیة مرحمت و غفران پناه رضوان جایگاه آقا محمدرفع الموسوی همگی و تمامی يك ثلث از یکدانگ کامل از کل شش دانگ از مزرعة معروفه مشهوره با کر محله من مزارع نواحی دارالمؤمنین استراباد را که از غایت شهرت و تفرد اسم مستغنی از توصیف و بیان بوده و میباشد مع جمیع ملحقات و منضمات مزرعة مزبوره از حقایق و رودخانه و نهر و ممر و مدخل و اراضی عامره و غامره و آوش رویه و مراعی و مواشی و تلال و جبال و صحاری عن آنچه ملکیت را شاید وسزد من القلیل والکثیر والنقییر و القطمیر مما ذکر فیہ اولم ین ذکر وسطرفیہ اولم یسطر بمبلغ معین و بضمن مشخص یوم البیع مبلغ شش تومان و هفت هزار دینار رایج المعامله جدید الضرب بلدة طيبة استراباد نصفه بیاناً له مبلغ سه تومان و سه هزار و پانصد دینار موصوف و بعد ذلك دعوی غبن و غبن مبیعة موصوفه را با یعة مشار الیها دانسته و فهمیده و لو کان فاحشاً بل افحش ابر و اسقاط نموده و بنیها قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم در بدلین مزبورین واقع گردیده با یعة مشار الیها مبیعة موصوفه را از ملکیت خود تخلیه نمود بتصرف مشتریه مشار الیها و گذاشته اورا هست انحاء التصرف کتصرف الملاك فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقهم و ضمان الدرك علی البایعه عند خروجها مستحقاً للغير خواهد بود و صیغه مبايعه قطعیه اسلامیه کما هو قانون فی الشریعة المطهره بالعربی و الفارسی جاری گردید.

و کان ذلك فی بیست و پنجم شهر

شوال المکرم من شهر سنه ۱۲۰۰.

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است:]

هر قداقرت بجمیعما زبر فیله لدی الراجی. [جای مهر]

۱- مهری بیضی بزرگ با جمع: «قالانی عبدالله».

بسم الله خير الاسما

قد وقع البيع منها معروفه وقبض الثمن كلاً واسقاط الخيارات وضمان الدرك كما زبرو
 سطرفيه بمحضرى وانا العبد الحقير. [جای دو مهر]^۱
 قد اقرت بجميع ما زبر فيه لى. [جای مهر]^۲
 وقعت المبايعه القطعية وقبض الثمن كلاً واسقاط الخيارات وضمان الدرك كما زبر فيه
 لى نمقه الجانى العبد الراجى عبد الله. [جای مهر]^۳

هو

قد اقرت البايعة بالمبايعه القطعية وقبض الثمن واسقاط الخيارات وضمان الدرك كما
 زبر وسطرفيه لى وانا العبد الحقير آقا جانى.

۱- مهری چهار گوشه باسجج: «عبد زین العابدین الموسوی»، ومهری بیضی باسجج:
 «عبد احمد موسوی». ۲- مهری چهار گوشه که کلمات «افوض امری الى الله»، بر آن
 خوانده می شود. ۳- مهری چهار گوشه باسجج: «قال انی عبد الله».

مبايعه نامچه مورخ ۱۲۴۱ هـ . ق .

در اين سند مهر علي آقا ولد حاجي رضاخان دولوی قاجار تمامی دوسهم از بیست و چهار سهم ازسه دانگ و يك ربع حق الحفر قنات مشهور به کباب واقع در قریه کلاجان قاضی با يك سهم از بیست و چهار سهم حصه بی بی نسا خانم همشیره ای خود را به مبلغ ده تومان وجه رایج به آقا محمد محسن شیخ الاسلام فروخته است .

هوالمالك بالاستحقاق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا لم نوفدوا و اخرجنا من

ظلمة الضلالة الى النور ومن لم يجعل الله له نورا

فماله من نور وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين الى يوم النشور

اما بعد

غرض از ارتسام این ارقام شرعیة الانتظام آنستکه بفروخت بمبايعه صحیحه شرعیة قطعیه جزمیه طوعاً و رغبة عالیشان معلی مکان جلیل الشأن مهر علی آقا خلف مرحمت و غفران پناه خیر الحاج و العمار حاجی رضاخان دولوی قاجار بعالیجناب مقدس القاب فضائل و کمالات انتساب عمدة العلماء الاعلام و زبدة الفضلاء الکرام اطیب السادات العظام بندگان خداوند گاری آقائی آقا محمد محسن شیخ الاسلام زید عمره همگی و تمامی دوسهم از بیست و چهار سهم ازسه دانگ و یک ربع حق الحفر قنات مشهور بکیاب واقع در قریه کلاجان قاضی را که حسب الارث منتقل بمشار الیه گردیده بانضمام يك سهم از بیست و چهار سهم حصه عفت و عصمت پناه بی بی نسا خانم همشیره

ابی خود را که بمبايعه صحيحه شرعيه موافق يكطرف اقبالنامه على حده منتقل بمشار-
 اليه گرديد، باجمع ملحقات ومنضمات از پشت و پيشان و خشكام و آبكام و تحويلات
 شرعيه كه نزد انهدام (؟) بايد تحويل داده شود بمبلغ معين و ثمن المشخص المبين ده
 تومان وجه رايج سلطاني و بايع طابع بعد از اخذ و ايفاء ثمن عين مبيعه مسطوره را از يد
 تملك و تصرف خود تخليه و بتصرف مالكانه مشتري معظم اليه داد و مشتري مكرم اليه
 نيز متصرف و بسائر املاك خود ملحق گردانيد و بايع طابع اسقاط جميع خيارات مبيعه
 سيما خيار الغبن و غبن الغبن الغبن ولو كان فاحشاً بل افحش نمود و ضامن درك عين
 مبيعه مسطوره نيز گرديد هر گاه عينا ام منفعة كلاً او بعضاً مستحقه للغير بر آيد از عهده
 آن بر آيد و صيغه مبايعه مزبوره و اسقاط الغبن و ضمان الدرك موافق شرع مستطاب
 جاري گرديد .

وكان تحرير ذلك في غرة شهر
 شوال المكرم من شهر ۱۲۴۱.

[بر حاشيه بالا و سمت راست اين سند عبارات زير است:]

قد وقع جميعاً رقم فيه لدى نمقه العبد الجاني. [جای مهر]^۱

قد اعترف البايع بما فيه لدى. [جای مهر]^۲

وقع بما فيه لدى نمقه الجاني. [جای مهر]^۳

اقر بما فيه لدى نمقه الجاني. [جای مهر]^۴

اقر البايع بما فيه طرأ لدى. [جای مهر]^۵

- ۱- مهري بيضی بزرگ باسجج: «الراجی عبده محمد باقر بن محمد رضا». ۲- مهري
 چهار گوشه باسجج: «حسين منى وانا من حسين». ۳- مهري بيضی بزرگ باسجج :
 «عبده الراجی محمد الحسيني». ۴- مهري بيضی بزرگ باسجج : «عبده الراجی
 رحيم الحسيني». ۵- مهري چهار گوشه بزرگ که کلمات «سرور همه انبيا بعد محمد نبی
 علی است» بر آن خوانده می شود .

هو الله تعالى شأنه

اقرا البایع الطایع بالمبایعة والاسقاط والضمان الدرك واخذ الثمن بما رقم فيه لدى.
[جای دو مهر]^۱

اقرا البایع الطایع بجميع مازیر ورقم فيه لدى. [جای دو مهر]^۲
ذلك كذلك انا شاهد بذلك. [جای مهر]^۳
قد وقع جميع ما رقم فيه لدى الخاسر. [جای مهر]^۴

- ۱ - مهری بیضی با سجع : « المتوكل على الله محمد بن محمد » و مهری چهار گوشه با سجع : « اللهم صل على محمد وآل محمد » .
۲ - مهری بیضی کوچک با سجع : « عبده على ۱۲۱۲ » و مهری بیضی با سجع : « یا حسین » .
۳ - مهری بیضی با سجع : « عبده على محمد ۱۲۴۰ » .
۴ - مهری بیضی بزرگ با سجع : « پیرو دین نبی اروجلی » .

مصالحه نامه

۱

مصالحه نامه مورخ ۱۲۵۳ ه. ق.

در این سند ملا محمد علی همگی و تمامی خمس منافع مجرای دوازده
بزن از یکصد و هشتاد بزن از چشمه سار جلالی و خمس منافع مجرای
سه شبانه روز از بیست شبانه روز از قنات یونس آباد و خمس منافع
قریه یونس آباد که عبارت از هشتاد خر و ار است بحسب بذرافشان را
به مال المصالحه مبلغ سی و هشت تومان و چه فاضی محمد شاهی به آقا
علیمحمد موسوی مصالحه کرده است.

مصالحه صحیحه شرعیه اسلامیة نمود جناب شامخ الالقاب فضایل و کمالات انتساب
مجتهد العصری فرید الدهری ملا محمد علی^۱ دام عمره بعالی جناب مقدس القاب سلالة
السادات العظام آقا علیمحمد الموسوی دام عمره العالی همگی و تمامی خمس منافع
اعیان مفصله موقوفه که مشروحاً در مصالحه نامه مصالح معظم الیه مندرج است.

۱ - زیر نام محمد علی مهری بیضی بزرگ باسجع : «الموکل علی الله محمد علی ،

زده شده است.

باب_____ت	باب_____ت	باب_____ت
خمس منافع مجرای	خمس منافع مجرای سه	خمس منافع مزارع متعلقه
دوازده بزن از یکصد و	شبانه روز از بیست	بقریه مزبوره که عبارت
هشتاد بزن از چشمه سار	شبانه روز از قنات واقع	از هشتاد خروار است
جلالی	در یونس آباد	بحسب بذرافشان

بمال المصالحه مبلغ سی و هشت تومان وجه رایج قضی محمدشاهی ده عدد یکتومان در مدت ده عام تام کامل الشهور والایام بتفصیل مسطور که در سنه اولی مبلغ دو تومان وجه موصوف وجه مصالحه مهمسازی نماید و در بقیه مدت هر سالی مبلغ چهار تومان وجه موصوف شرط در ضمن عقد آنستکه مخارجی که در باب قنات حادث شود بقدر خمس چهار تومان در سه سال اولی با مصالح له معزی الیه است و در بقیه مدت خمس از چهارده تومان با مصالح له معزی الیه است و آنچه اخراجات دیوانی و غیره که در گذراندن فرمان معافی بخصوص منال دیوانی شود خمس آن با مصالح له است و صیغه مصالحه کما هو مقر فی الشریعة المقدسه بالعریة والفارسیه سمت جریان پذیرفت .

تحریر افی بیست یکم شهر محرم الحرام من شهور سنه ۱۲۵۳ .

[بر حاشیه بالا و سمت راست این سند عبارات زیر است:]

قد وقع ماز بر فیه لدی نمقه الجانی. [جای مهر]^۱

قد وقع جمیع ماز بر ورقم فیه لدی. [جای مهر]^۲

قد وقع جمیع مارقم فیه لدی نمقه الجانی. [جای مهر]^۳

قد وقع جمیع ماز بر فیه لدی کربلائی عباس. [جای مهر]^۴

۱- مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبدہ الراجی علینقی ۱۲۲۴». ۲- مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبدہ الراجی محمد مهدی الحسینی». ۳- مهری بیضی بزرگ باسجع: «المتوکل علی الله عبدہ اسد الله الموسوی». ۴- مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبدہ الراجی عباسعلی».

مصالحه نامچه مورخ ۱۲۵۳ ه . ق .

در این سند ملا محمد حسن حاجی آبادی تمامی منافع مجرای دوازده بز آب موقوفه از یکصد و هشتاد بز از چشمه سار جلالی و عین - الحسینی و منافع مجرای سه شبانه روز از بیست شبانه روز از قنات واقع در یونس آباد با مزارع آن که عبارت از هشتاد خروار بذر - افشان است به مال المصالحه مبلغ یکصد تومان وجه رایج فسی ده عدد یکتومان ریال محمد شاهی با ملا محمد علی مصالحه کرده است .

قبول مصالحه شرعیة اسلامیة نمود جناب شامخ الالقاب فضایل و کمالات انتساب قدوة المحققین جامع المنقول والمعقول مجتهد العصری وحید الدهری ملا محمد علی^۱ دام اقباله العالی از عالی حضرت مقدس القاب حقایق و معارف اکتساب علامی ملا محمد حسن حاجی آبادی دام عمره العالی قیومته^۲ عن عالی جناب مقدس القاب سلاله السادات العظام آقا علی محمد الموسوی دام عمره العالی همگی و تمامی منافع مجرای دوازده بز آب موقوفه از یکصد و هشتاد بز از چشمه سار جلالی و عین الحسینی و منافع مجرای سه شبانه روز از بیست شبانه روز از قنات واقع در قریه یونس آباد با مزارع آن که عبارت از هشتاد خروار بذر افشان است که در قبالة و وقف نامچه معتبره مندرج است که اعیان مفصله وقف بر متولی مذکور و اولاد و طلاب مدرسه محسنیه و تعزیه جناب حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام از قراریکه در وقف نامچه مندرج میباشد در مدت ده عام کامل الشهور والایام بمال المصالحه مبلغ یکصد نود تومان

۱ - زیر نام محمد علی مهری بیضی بزرگ با سجع : « المتوکل علی الله محمد علی »

زده شده است .

وجه رایج فضی ده عدد یکتومان ریال محمد شاهی بتفصیل مسطور که در سنه اولی مبلغ ده تومان وجه موصوف را وجه مصالحه مهمسازی نمایند و در باقی مدت هر سالی مبلغ بیست تومان وجه موصوف و شرط در ضمن عقد مصالحه آنستکه مخارجی که حادث شود در باب قنوات در سه سال اول بقدر چهار تومان با جناب شامخ الالقاب مصالحه است و در بقیه مدت بقدر چهارده تومان با مصالحه معظم الیه است و زیاده بر آن با موقوف علیهم است و شرط دیگر آنستکه آنچه عوارضات و تحمیلات دیوانی که حواله و اطلاق شود با مصالحه معظم الیه است و موقوف علیهم را در این خصوص رجوعی نخواهد بود و شرط دیگر اینکه هر گاه تأخیری در وجه مصالحه شود اختیار فسخ با متولی میباشد و ضیغه مصالحه کما هو مقرر فی الشریعة بالعریة و الفارسیه سمت جریان پذیرفت.

كان ذلك بتاريخ بیست یکم شهر محرم الحرام سنة ۱۲۵۳ .

[بر بالا و سمت راست این سند عبارات زیر نوشته شده است :]

قد اعترف المعظم الیه دام ظلّه بمارقم فیہ لدی نمقه الجانی . [جای مهر]^۱

قد وضع جمیع مارقم فیہ لدی . [جای مهر]^۲

قد وقعت المصالحة کما زبر ورقم فیہ لدی . [جای مهر]^۳

قد وقع جمیع مازبر فیہ لدی . [جای مهر]^۴

قد اعترف دام ظلّه العالی مفصلاً بمافیہ لدی . [جای مهر]^۵

قد وقع جمیع مارقم فیہ لدی نمقه الجانی . [جای مهر]^۶

۱- مهری بیضی بزرگ باسجج: « افوض امری الی الله عبده سید محمد الموسوی ».

۲- مهری بیضی بزرگ باسجج: « عبده الراجی عباس الموسوی » . ۳- مهری بیضی

بزرگ باسجج: « عبده الراجی محمد مهدی الموسوی » . ۴- مهری بیضی بزرگ باسجج

« عبده الراجی علینقی » . ۵- مهری باسجج: « عبده الراجی اسحق » . ۶- مهری بیضی

بزرگ باسجج: « المتوکل علی الله عبده اسد الله الموسوی ».

قد وقع كما زبر و رقم فيه لـدى . كـربلائی عباس . [جای مهر]

۴

مصالحه نامچه مورخ ۱۲۸۷ هـ . ق .

در این سند آقا سید حسن - متولی شرعی املاك موقوفه حاجی شیخعلی بهرام - همگی و تمامی منافع هفتاد سهم از جمله نود سهم مفروز و مشاع قریه کلاجان قاضی واقع در بلوک سدن رستاق را با دومزرعه و نیم حقایقه از رودخانه شصت کلاته و یکدانگه و دودانگه قنوات واقع در قریه مزبور را به مال المصالحه موازی دو یست و ده خروار شالی که شصت خروار آن شالی عنبر بو و یکصد و پنجاه خروار آن شالی گرده باشد با حاجی محمد باقر خلف آقا محمد جعفر قاضی استرآبادی مصالحه کرده است.

صلح صحیح شرعی نمودند جناب فضایل و فواضل اکتساب حقایق و معارف آداب زبده العلماء و المتکلمین آقای آقا سید حسن سلمه الله خلف مرحمت و غفران پناه رضوان جایگاه حاجی سید نصرالله طاب ثراه که متولی شرعی املاك موقوفه مرحوم حاجی شیخعلی بهرام میباشد با عالیحضرت نیکو طوبیت اشرف الحاج حاجی محمد باقر خلف مرحوم آقا محمد جعفر قاضی استرآبادی بر همگی و تمامی منافع هفتاد سهم از جمله نود سهم از مفروزی و مشاعی قریه کلاجان قاضی واقع در بلوک سدن رستاق استرآباد صینت عن التفرقة و الفساد بانضمام كافة محلقات و منضمات آن از مجرى المیاه از حقایقه رودخانه شصت کلاته که متعلق است بقریه مزبوره که دو مزرعه و نیم حقایقه مذکوره است بقدرها و نیز از یکدانگه و دودانگه قنوات واقع

در ملك مفروزی و مشاعی قریه مزبوره و آوش رویه و خشكه كاری و مراتع از پشت
خیابان و زیر خیابان از آنچه ملكیت را سزد و شاید در مدت سه سال شمسی تمام
ابتداء از اول عقرب هذه السنه یونت ثیل بمال المصالحه موازی دویست و دو خروار
شالی خوب بوزن بلده مزبوره که شصت خروار از آن شالی عنبربو و یکصد و پنجاه
خروار گرده سوده باشد مقرر و مشروط آنکه مال المصالحه را در مدت مسطوره اثلاً
در هر سالی موازی بیست خروار عنبربو و پنجاه خروار شالی گرده در آخر آن سال
که آخر میزان باشد الی اول حوت که چهار ماه میشود در این مدت تسلیم جناب مصالح
یا قائم مقام شرعی ایشان یا موقوف علیهم هر یک بقدر حصصهم در همان قریه کلاجان
نماید و بعدری از اعذار موقوف و معطل ندارد و صیغه مصالحه منافع بارعایت قواعد
شرعیه جاری گردید و در ضمن عقد خارج لازم شرط شرعی شد بر مصالح له که با
نرسانیدن مال المصالحه در مدت مقرر لاجل قبض مال المصالحه در هر یک از سنوات
مرقومه بتفصیل مرقوم اختیار فسخ اصل مصالحه در بقیه سه سال که مدت مصالحه
مذبوره است با جناب مصالح باشد.

حرره فی شهر رجب سنة ۱۲۸۷.

[جای مهر]^۱

[بر حاشیه بالای این سند عبارات زیر است:]

اعترف جنابه المستطاب ادیم عزه بوقوع المصالحة و الشرط حسبما رقم فیها .

[جای مهر]^۲

بسم الله تعالى شأنه

فی غرة شعبان المعظم جناب السيد المصالح سلمه الله تعالى [اعترف] بالمصالحة

۱- مهری بیضی بزرگ و ناخوانا. ۲- مهری چهار گوشه با سجع: «سلام علی ابراهیم».

المسطوره والشرط فيها حرره العبد الخاطی. [جای مهر]^۱
 اعترف المصالح زيد فضله بمارقم فيه لدى حرره. [جای مهر]^۲
 اعترف سلمه الله تعالى بما زبر فيه لدى حرره الأثم. [جای مهر]^۳
 لقد اعترف جناب السيد السند المصالح سلمه [الله] بالمصالحة المسطوره والشرط المزبور
 لدى حرره. [جای مهر]^۴
 اعترف بمارقم فيه لدى. [جای مهر]^۵

- ۱- مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبد محمد صالح بن حسن الموسوی». ۲- مهری
 بیضی بزرگ باسجع: «محمد تقی بن محمد رضی». ۳- مهری بیضی بزرگ باسجع: «عبد
 علی الحسینی». ۴- مهری بیضی باسجع: «عبد الوهاب». ۵- مهری بیضی بزرگ
 باسجع: «حسین ابن نصر الله الحسینی».

مصالحه نامچه و متار که نامچه مورخ ۱۳۰۷ ه. ق.

از این مصالحه و متار که نامچه معلوم می شود که اختلافی میان ورثه حاجی محمد تقی خان و طلاب مدرسه ای که نامبرده ساخته بر سر استفاده از موقوفات پیدا شده است و قرار بر این شده است که يك دانگ و نیم از سه دانگ ملك كچزی وقف بر طلاب و يك دانگ و نیم دیگر وقف بر اولاد باشد و همچنین دو مزرعه حقا به كچزی يك ثلث وقف اولاد و حق متولی و دو ثلث وقف بر طلاب و تعزیه و حق كل وال بهارك نصف وقف بر تعزیه و نصف وقف بر ورثه باشد.

چون درین ایام خجسته فرجام بین ورثه مرحمت مآب خلد نصاب حاجی محمد تقی خان طاب ثراه بین طلاب مدرسه مرحمت مآب مزبور که فعلاً موقوف علیهمند در باب سه دانگ خشکه ملك كچزی و دو مزرعه بلای آب حقا به از رود دهنه شصت کلاته و حق كل وال بهارك فی الجملة قول و غائله بوقوع پیوست که بسط و شرح آن باعث طول و بلا ثمر است و چون اشرف الخوانین العظام مقرب الخاقان معتمد السلطان سرکار خان سرتیپ نجفقلی خان دام اقباله العالی یکی از ورثه و متولی موقوفه مدرسه و اولاد مرحمت مآب مزبور بوده اند رجوع امر بر کار ایشان و جواب سؤال بایشان تحقق یافت بالاخره از جهت حسن اصلاح و مصالح منظوره از جهات عدیده و رعایت مصالحه و متار که بین طرفین بوکالت حضوری از سرکار خان سرتیپ دام مجده العالی و عموم طلاب واقع گردید که حاصل و نتیجه صلح واقع آنست که گردید حسب

الصلح تمامی یکدانگ و نیم از سه دانگ ملك كچزی مال موقوفه که یکدانگ وقف بر طلاب مدرسه و نیم دانگ وقف بر تعزیه حضرت ابی عبدالله و سایر ائمه هدی علیهم السلام و یکدانگ و نیم وقف بر اولاد مرحمت مآب حاجی محمد تقی خان المزبور طاب رmse و حق متولی بطوریکه در وقفنامه چة علیحده مندرج است و نیز گردید دو مزرعه حقابه كچزی يك ثلث وقف بر اولاد مرحمت مآب مزبور و حق متولی و دو ثلث وقف بر طلاب مدرسه و تعزیه که ازین دو ثلث وقف بر طلاب و يك ثلث وقف بر تعزیه است و گردید حق کل وال بهارک نصف وقف بر تعزیه حضرت خامس آل عبا و سایر معصومین و ائمه هدی علیهم الف الف التحیه و الثناء و نصف ملك و مال ورثه مرحمت مآب طاب ثراه بر عهده سرکار خان سرتیپ دام اجلاله العالی بوده باشد از حال الی یکصد سال قمری که در صورت عدم اسکات یا عدم قبول ورثه کلاً و بعضاً خیار فسخ از برای طلاب و فقهم الیه تعالی ثابت است و نیز مخارج دیوانی در حق کل وال بهارک در صورتیکه رخ دهد باید از تمام محصول طرفین موضوع فیه داده شود و نیز مقرر شرعی آنکه منافع آب و ملك مزبور و حق وال بهارک بعد از رفع محصول و حصول منافع بقبض و برات و حواله سرکار خان سرتیپ دام مجده که متولی شرعی است با اطلاع جناب مستطاب اشرف الانجاب قدوة الاطیاب آقای آقا سید احمد روضه خوان سلمه الله و نظارت جناب مستطاب آخوند ملا اسماعیل ناظر در مصرف آقایان طلاب مدرسه و تعزیه صرف شود و حقوق ورثه مرحمت مآب مزبور را سرکار خان سرتیپ دام مجده بایشان هر يك بقدر سهم برسانند تمامی مراتب مسطوره و قرارات شرعیه بقانون شرع مطابق موازین و قواعد شرعیه وقوع یافت این چند کلمه بر سبیل مصالحه و متارکه نامه چة قلمی گردید که لدى الحاجة مفید و مستند بوده باشد.

فی یوم خامس عشرین من شهر ربیع الثانی سنة ۱۳۰۷.

[بر حواشی این متار که نامچه عبارات زیر نوشته شده است:]

الامر کمارقم و زبر فيه حررته فی التاريخ المزبور فيه . [جای دومهر]^۱
مراتب مرقومه را من البدایة الى النهایه با رعایت کمال غبطه و صیغه واقعه و جاریه
ساختم حررته فی خامس و عشرين شهر ربیع الثانی ۱۳۰۷ . [جای مهر]^۲
قد وقع مارقم فيه لدى الآثم . [جای مهر]^۳
قد وقع مارقم فيه لدى الاحقر . [جای مهر]^۴
قد وقع مارقم فيه لدى وانا خادم اهل بیت الطاهرین . [جای مهر]^۵

- ۱- مهری بیضی باسجع: «محمد طاهر الحسینی»، و مهری دیگر باسجع: «عبدہ احمد الحسینی».
۲- مهری باسجع: «محمد طاهر الحسینی». ۳- مهری باسجع: «محمد حسین ابن عباس علی». ۴- مهری باسجع: «محمد ابن تقی الحسینی». ۵- مهری باسجع: «عبدہ محمد حسن الحسینی».

استشهادنامه

۱

استشهادنامه مورخ ۱۳۰۳ ه . ق .

در این ورقه از علما و سادات و مؤمنان خواسته اند تا علم و اطلاع خود را در باره باغچه واقع در کوچه حاجی ملا میرزا محمد قاضی در شهر استرآباد که از جمله موقوفه ملانبی پیشنماز مصلی برای سوخت همین مصلی بوده است بنویسند .

استشهاد میرود از علمای اعلام و سادات ذوی العزّة و الاحترام و مؤمنین خیر اندیش و ریش سفیدان عافیت کیش بر اینکه هر که علیم و خبیر و سمیع و بصیر بوده باشد اینکه یکباب باغچه واقع در کوچه جناب شرایع و محامد آداب قاضی القضاة العظام و اشرف الحاج و المعتمرین الکرام حاجی ملا میرزا محمد قاضی سلمه الله تعالی می باشد که باغچه مزبوره من جمله موقوفه جناب مرحمت مآب علین آراگاه ملانبی پیشنماز مصلای واقع در بلده دار المؤمنین استرآباد می باشد که تولیت آن با اولاد ذکور واقف مشارالیه بوده که آنچه مشاھر و عمل بوقفیت می شد تولیت باغچه موقوفه مزبوره بامر حرم جنت مکان حاجی ملا زکی که از اولاد ذکور مرحوم واقف

مزبور بوده بعد از آن با مرحومان آقا محمدرضا و ملا محمدهادی ولدان مرحوم حاجی ملا زکی بوده‌اند و بعد از آن حسب التولیت درید مرحوم ملا محمدباقر برادرزاده مرحوم حاجی مشارالیه بوده که از بابت تولیت هریک از مشارالیه‌هم باغچه موصوفه موقوفه مزبوره را به اجاره میدادند و حق تولیت آنرا که عشر بوده اخذ می نمودند و مابقی را بسوخت مصلاهی مزبور می دادند چونکه باغچه مزبوره وقف سوخت مصلاهی مزبور میباشد تا زمان حیات مرحمت‌آبان علین آرمگاهان حاجی ملا رضا و شریعتمداران حاجی ملا آقا بابا و ملا محمدعلی سروی و حاجی ملا محمدجعفر استرابادی و ملا محمدعلی اشرفی بطریق مزبور عمل میشد هر که این داستان صدق نشان را مطلع باشد بخط و بمهر خود این ورقه صدق ترجمه را مزین و محلی فرمایند تا در نزد امنای شرع‌انور و عرف معدلت گستر معتبر باشد والسلام علی من اتبع الهدی.

[برحواشی این استشهادنامه عبارت زیر نوشته شده است:]

صحیح و معتبر است بموجب این سند تولیت باغچه مرقومه با اولاد ذکور مرحمت‌آب واقف موفق حاجی ملا محمد نبی رحمة الله است و جهت دیگری مصرف در اجاره و جهات دیگران جایز نیست حررته فی رجب ۱۳۰۳ [جای مهر]

بسم الله جل شانه

بلی واضح بوده باشد بر صافی طینتان پاکیزه سرشت که آنچه مستشهد مذکور در این ورقه نگارش نموده در خصوص اصل وقف... مذکور و قرار متولی و غیرهما بحذاقیرها نزد این احقر عباد خادم شریعة مطهره معلوم و واضح است شرعاً و لهذا حکم شرعی بر صحت مراتب مرقومه و لزوم عمل بآن و عدم جواز مخالفت از این احقر جاری شد و کس دیگر را نمیرسد که تصرف در آن نماید شرعاً بدون اذن متولی که اولاد

واقف باشد والمخالف عاص حرره العبد الجانی. [جای مهر]^۱

بسم الله خير الاسماء

بلی از زمان علین آرامگاهان شریعت مداران حاجی ملا محمدجعفر و حاجی ملارضا و حاجی ملا آقا بابا و ملا محمدعلی و حاجی ملا محمدتقی اعلی الله مقامهم که احقر عباد ملاحظه و استماع در مجالس اجاره و استجاره بوده و می نموده تولیت باغچه موقوفه مزبوره با اولاد ذکور جنت مکان ملانی که مرحمت مآب حاجی ملا زکی بوده باشد و بعد از او با مرحومان آقا محمد رضا و ملا محمد هادی خلفان مرحمت مآب حاجی ملا زکی مشارالیه بوده که اجاره و استجاره از مشارالیهم واقع میشد و عشر آنرا متولیان مزبور تان اخذ می نمودند و مابقی از مال الاجاره را جهت سوخت مصلی مزبور میدادند که احقر ملاحظه روشنائی چراغ آنرا مینمود اکنون نیز متولی باغچه مزبوره را اولاد ذکور مرحوم ملانی مزبور میدانم که من جمله از اولاد ذکور مرحوم مزبور اولاد ذکور مرحمت مآب حاجی ملا زکی است و ما شهدنا الایما علمنا حرره الاقل. [جای مهر]^۲

بسم الله العالم

وقف بودن باغچه مزبوره شایع بلامعارض است و اثبات قضیه بشیاع با مشاهدۀ عمل از اشخاص که تصرف دارند بلاریب است و اما ثبوت تولیت خاصه از برای احفاد واقف با ملاحظه خطوط و امهار اختیار موجب ظن قوی و اطمینان است حرره الاقل الدماوندی ۱۳۰۳. [جای پنج مهر]^۳

۱- مهری باسج: «محمد مهدی بن اسمعیل». ۲- مهری باسج: «الوائق»

القاضی عبده محمد بن الصمد». ۳- مهری باسج: «عبده محمد حسن» و مهری

باسج: «عبده الراجی امام وردی» و مهری باسج: «عبده حاجی بابا» و مهری دیگر باسج:

«عبده میرزا بابا الحسینی» و مهر دیگری باسج: «عبده الراجی زین العابدین».

بلی آنچه شنیدیم و دیدیم باغچه موقوفه مزبوره را اولاد ذکور جنت مکان ملانبی که حاجی ملا زکی مرحمت مآب بوده باشد از بابت متولی بودن تصرف مینمود بعد از ملا محمد زکی مرحمت مآبان ملا محمد هادی و آقا محمد رضا تصرف میکردند و مال الاجاره را در سوخت مصلی صرف مینمودند و بعد از ایشان باید ذکور اولاد ملانبی دخل و تصرف نموده در اجاره و استجاره و مال الاجاره را ایشان هم کماکان باید صرف و خرج در مصلی نموده مسامحه نمایند والسلام عن من اتبع الهدی حرره الاقل. [جای مهر]^۱

بلی آنچه بنده دیدم باغچه موقوفه در نزدیکی خانه حاجی نجار مرحوم آخوند ملا محمد هادی خلف مرحوم حاجی ملا زکی اجاره میداد چونکه او متولی بود. [جای مهر]^۲

این سند صحیح و متبع و لازم العمل است در کمال اتقان و احکام و اعتبار است و باید حسب الشرع از اولاد و احفاد مرحوم مبرور حاجی ملا محمد زکی ایجار و استیجار شود و المخالف عاص و ... فلیتق الله فیها حررته بیدی البالیه فی رجب ۱۳۰۳.

[جای مهر]^۳

۱- مهری باسجج: «عبدہ علی اکبر بن محزون». ۲- مهری باسجج: «یا هادی المضلین». ۳- مهری باسجج: «عبدہ الراجی عبدالرزاق».

عریضه

۱

عریضه محمدرضا قاجار قوانلو به ولیعهد که ملک او را در قریه
ولفرا از بلوک انزان از دست غاصبین درآورده و بدو سپارند با
دستخط ولیعهد در بالای آن مورخ ۱۲۶۲ ه. ق.

تصدقت شوم این کمترین محمدرضای قاجار قوانلو ملکی در قریه ولفراء انزان من
بلوک استرabad دارم دستخط قبله عالم وعالمیان روحی و روح العالمین فداهم درباب
گرفتن همین ملک شرف صدور یافته و سرکار والا هم فرمایش فرموده اند که ملک تو
خواهد گرفته شد لهذا عرض میشود که چون این روزها خان خانان اراده رفتن باسترabad
دارد محض التفات حکمی شود که مراقبت شود که ملک این جان نثار از بد غاصبین
درآورده شود و بیش از این مردم درصدد اذیت این جانب بر نیایند که با سودگی خاطر
مشغول خدمت باشم در هر باب صاحب مروتند لکن این از انصاف سرکاروالادور
است که من در سر خدمت وجان نثاری باشم مردم مال مرا بدون حق و حساب ببرند و
بخورند دیگر اختیار با سرکار والا است یک فقره عرض است.

[جای مهر و لیعهد]^۱

خان خانان کاغذی بمباشرین خودت بنویس که ملک محمدرضا خان را بگیرند بدهند البته بنویس نگذارند بملک و حاصل او دست بزنند و آزارش بکنند که نوکر خوب من است فی شهر ذالقمدة الحرام سنة ۱۲۶۲.

۲

عریضه عباس خان قاجار به دربار شاهیه در باب قریه میر محله استرآباد که سید استرآبادی با دعوی باطل ملک موروثی و متصرفی او را ضبط کرده و با ارائه احکام شرع استرآباد و ساری و بارفروش ترك دعوی کرده اما باز در مقام بیحسابی است دستور دهید اگر سید حرفی دارد در محضر حکام شرع حاضر شده مرافعه نماید و الا حکم محکم مرحمت کنند که سید از بیحسابی و تعدی دست بردارد.

قربان خاکپای جوهر آسای مبارکت شوم چون این چاکر قدیمی و غلام
غلام جان نثار عباس قاجار

فدوی را لازم است که هرگونه مدعیانی که دارد در ذریعه فدویانه بعرض اقدس شاهنشاه جمجاه روحنا فداه رساند لهذا جسارت مینماید که در سال سابق در باب میر محله استرآباد که در اول این دولت جاوید عدت تاحال که موروثی و متصرفی این فدوی بود سید استرآبادی دعوی باطله کرده این غلام حسب الامرهایون اعلیٰ روحنا فداه آنچه احکام از حکام شرع استرآباد و ساری و بارفروش و تمام مازندران داشت بنظر مبارک جهانمطالع رسانیده حکم فرمودند که سید را حق و سخن حسابی نیست او هم ترك دعوی باطله نمود حال سید باز در مقام بیحسابی برآمده مزاحم رعایای میر محله مزبوره میشود بنابراین خیر الحاج حاجی میرزا خانجان کس خود را روانه

دربار معدلت آثار اقدس شاهنشاهی روحنا فداه واستدعا مینماید که درینخصوص حکم محکم مرحمت فرمایند که سید از بیحسابی و تعدی دست برداشته هرگاه با آنهمه احکام که بنظر مبارك رسید بازحرف دارد در محضر حکام شرع حاضر شده مرافعه نماید و آنچه حکم شرع صادر شود عمل والا ترك دعوی باطله نموده مزاحم اهالی میرمحله نشود و در ملك چندین ساله بی جهت دخل و تصرف ننماید چون این مراتب بارها بعرض سرکارهایون اعلی روحنا فداه رسید عرض استدعای خود را اختصاراً عرض کرد مستدعی است از قراری که عرض شد حکم و مقرر فرمایند که باعث ازدیاد امیدواری فدوی شده باشد زیاده جسارت نمیرود همواره مترصد است که بخدمتی سرافراز شود و افتخار نماید.

الباقی امر الاشرف الاعلی مطاع مطاع مطاع

تعلیقات - تصحیحات - اضافات

- ۴/۶ - فخرالدین احمد دراز گیسو الحسینی صحیح است. نگاه کنید به ص ۵/۶.
- ۵/۵ - ظاهراً «هبة الله» صحیح است.
- ۶/۱۷ - ثمان و ثلثین و تسعمایه صحیح است.
- ۱۰/۱۳ - ظاهراً : مع آب سنبیان که زراعت می شود.
- ۱۳/۱۸ - ظاهراً : میرو محله.
- ۱۵/۱۶ - آب حصه و بوم حصه صحیح است.
- ۱۸/۱۷ - سه تومان صحیح است نه سی تومان . تومان به ترکی به معنی عدد ده - هزار است . (قاموس عدن) و تومان زر معادل ده هزار عدد مسكوك طلا موسوم به دینار بوده است. در تسلیة الاخوان ورق ۲۲۴ گوید : « و به هنگام خلوت و فرصت غیبت به موقف عرض رسانیده که فرزند مرحوم [بهاءالدین ابن شمس الدین جوینی] ششصد تومان زر که شش هزار هزار دینار باشد از اعمال عراق در مدتی که متصرف آن بوده است به زیادت از واجب استخراج کرده» (حاشیة «مد» ج ۱ جهانگشای جوینی).
- ۲۱/۱۲ - ظاهراً «بند جنگل» صحیح است. نگاه کنید به ص ۲۲/۲۲ و ص ۲۳/۲۰.

- ۲۰/۲۱ - انهار آوش با واو صحیح است.
- ۶/۲۴ - ظاهرأ مزرعة پایین فندرسك صحیح است. نگاه کنید به سطر ۲۰ همین صفحه.
- ۹/۲۸ - پشت و پیشان و آوش با واو صحیح است.
- ۱۸/۳۳ - قلعه چهامی (؟)
- ۱۷/۳۵ - آوشات با واو صحیح است.
- ۱۰/۴۰ - آقا حسن شهری پدر حاجی محمدجعفر فروشنده است. خریدار در این معامله، محمدتقی خان بالارستاقی هزارجریبی است.
- ۵/۴۱ - آوشات با واو صحیح است.
- ۱۱/۴۳ - مقل تمش و میرزائی و میرزینل (؟)
- ۹/۴۹ - الانقیاء صحیح است.
- ۱۱/۶۵ - ظاهرأ «پشتاهنگ» صحیح است. نگاه کنید به ص ۲۱/۸.
- ۱۲/۶۵ - جلالی ظاهرأ همان قرية جلابی ص ۲۲/۸ است که درست خوانده نشده است.
- ۲/۷۵ - ظاهرأ به جای نسقچی باشی، قرقچی باشی صحیح است.
- ۱۰/۷۵ - مزبور با زاء منقوط صحیح است.
- ۱۱/۷۵ - در متن مزبور با ذال است و شکل صحیح آن با زاء منقوط است.
- ۷۷/ - سطر چهارزیرنویس - سجع صحیح است.
- ۷/۷۹ - ظاهرأ «تبه میرزا اشرف» صحیح است.
- ۱۳/۷۹ - اشکار کلاته صحیح است.
- ۹/۸۲ - بابا بیگ مقانی صحیح است. نگاه کنید به ص ۳/۷۴.
- ۷/۸۹ - آوش رویه با واو صحیح است.
- ۴/۹۰ - تیره چاه صحیح است.

- ۱۷/۹۱ - ظاهرأ : ریال ناصرالدین شاهی ۲۸ نخودی که عدد ۲۸ از متن افتاده است.
- ۱۷/۹۱ - المجلس صحیح است. لام در چاپ افتاده است.
- ۵/۱۱۸ - مورخ ۱۲۸۶ صحیح است.
- ۱۷/۱۲۶ - مهدی قلی صحیح است. یاء در چاپ افتاده است.
- ۱۴/۴/۱۳۲ - تیرکار ظاهرأ سیرکار است. نگاه کنید به ص ۱۹/۴۰ .
- ۱۳/۱۵۰ - آوش رویه با واو صحیح است.
- ۱۹/۱۵۷ - که از ردی (؟)
- ۷/۱۶۳ - ظاهرأ: حسینقلی صحیح است. نگاه کنید به ص ۸/۱۷۱ و ص ۲/۱۷۳.
- ۱۹/۱۷۸ - دارالمؤمنین صحیح است.
- ۴ / ۲۰۳ - والالزم الصلح و سقط الخیار صحیح است.
- ۱۱/۲۲۸ - امیر کمالالدین محمود صحیح است و الف زائد است.
- ۲۲/۲۳۱ - سوخته سرا صحیح است.
- ۲۰/۲۳۴ - تقسیم صحیح است. حرف قاف وارو چاپ شده است.
- ۱۷/۲۴۶ - «بر کمترین واضح است» صحیح است. مقداری از حروف ریخته است.
- ۲۰/۲۴۹ - چپا کندی با حرف چ سه نقطه و حرف پ سه نقطه صحیح است.
- ۵/۲۵۳ - قریه مذکور غلط و قریه مرز نکلاته صحیح است.
- ۲/۲۶۹ - ظاهرأ مرزبان کلاته و ابراهیم آباد صحیح است.
- ۱۵/۲۷۰ - حاجی عباس صحیح است.
- ۲۷۵/ عدد سر صفحه به اشتباه ۳۷۵ چاپ شده است.
- ۱۲/۲۷۸ - ظاهرأ «علی جان گیل» صحیح است. نگاه کنید به ص ۱۶/۳۲۰ .
- ۱۳/۲۷۹ - ظاهرأ میرحاج صحیح است.
- ۱۵/۲۹۰ - از دار کله صحیح است.

- ۱۲/۳۱۸ - کامل الصفات با فاء صحیح است.
- ۶/۳۳۰ - ذرع با ذال معجمه است.
- ۱۹/۳۳۶ - آوش رویه با واو صحیح است.
- ۸/۳۳۷ - «تا مدت پنج سال اولی به تعمیر قنات» صحیح است.
- ۸/۳۴۳ - «بیاید» صحیح است.
- ۷/۳۴۴ - نائب مناب شرعی صحیح است.
- ۱۴/۳۴۵ - «تاپل آدینه علی» درست است.
- ۱۱/۳۴۷ - حامشاً در متن با حاء حطی است و ظاهراً با هاء هوز صحیح است.
- ۱۸/۳۴۹ - آوش رویه با واو صحیح است.
- ۶/۳۵۱ - «از آنجائیکه اجرای میاه» صحیح است.
- ۴/۳۵۵ - ذرع شود با زاء منقوط صحیح است.
- ۱۰/۳۵۸ - هر رویه پنج قسمت است و قسمت بیش از يك هكتار است چه هر قسمت معادل است با زمینی که درازا و پهنای آن بیست نی است و هر نی مساوی با پنج ذرع شاه است.
- ۸/۳۶۰ - مقنی با قاف صحیح است.
- ۹/۳۶۱ - این سند تنها تقسیم نامچه نیست در آخر آن آقا کوچك بن آقا علی اصغر مفیدی موسوی سهم خود را به خالوی خود آقا فتح الله بن آقا میرا بر اهیم الحسینی مصالحه کرده است.
- ۸/۳۶۸ - «عباس کردی» صحیح است.
- ۷/۳۶۹ - رویه مقدار زمینی است که از يك نهر یا آب قناتی کاشته شود. این کلمه به شکل «رویچه» ص ۱۷/۳۴۸ نیز به کار رفته است.
- ۸/۳۶۹ - هر نی مساوی با پنج ذرع شاه است.
- ۱۰/۳۶۹ - بست نسق صحیح است. نگاه کنید به صفحات ۷/۳۵۵ و ۱۳/۳۵۸ و ۱۰/۳۷۴ و اصطلاحاً «نسق بندی» گویند.

- ۱۲/۳۷۲ - «وانا المعتقد الاثیم» صحیح است.
- ۱۷/۳۷۲ - علامت سؤال زائد است.
- ۱۹/۳۷۳ - «فی ۵ ثلث الاول» صحیح است.
- ۶/۳۷۴ - مالیه کاری درست است.
- ۱۴/۳۷۶ - مختارند بالمآثره او بالشریک (؟)
- ۱۵/۳۷۶ - والافمع الغیر (؟)
- ۴/۳۷۹ - «عمل کرد» صحیح است.
- ۹/۳۸۹ - انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء بغنیهم الله من فضله و الله واسع علیم (سورة النور ۲۴، آیه ۳۲).
- ۱۲/۳۸۹ - شرموتاکم العذاب، بدترین مرده‌های شما مردان بدون زنند.
- ۱۵/۴۰۹ - معزه بر صرفات انفاضه خاطر مخالصت آیات را کرد (؟)
- ۲۱/۴۳۱ - پیشخدمت شرفیات خدمت میشد.
- ۱۲/۴۳۵ - مثقال معادل ۲۲ قیراط است.
- ۲۰/۴۴۲ - ظاهرأ «کردید» به جای «گردید».
- ۱۹/۴۴۴ - «واضح است» صحیح است.
- ۸/۴۶۴ - استجازه با زاء منقوط صحیح است.
- ۱۳/۴۷۶ - «ختم» صحیح است.
- ۸/۴۸۲ - «از قرار تصدیق» صحیح است.
- ۶/۵۰۱ - ظاهرأ «نرسی آباد» صحیح است.
- ۲/۵۰۱ - حاجی رحیم جد علیم‌حد آقا است که واقف رقبات مذکور در متن است.
- ۹/۵۰۶ - خبایاء الانام صحیح است. به جای دال همزه باید باشد.
- ۴/۵۷۱ - ظاهرأ «عین الحسنی» صحیح است.
- ۸/۵۷۱ - «آقا علی محمد موسوی» درست است.

سند مبیاعہ مورخ ۹۳۸ھ . ق . ص ۴ - ۷

عبد الحميد بن محمد

مع الشيخ المكي محمد صالح
في مدرستنا العلمية
بمكة المكرمة

والله اعلم
بما فيه
المراد

[illegible][illegible]

و بعد از آن که در این محفل حاضر گردیدند و در آن محفل حاضر گردیدند و در آن محفل حاضر گردیدند

و عنون و فرائد و هی که در او افاضه ای توکلان مستعدان و در کتب و

[illegible][illegible][illegible]

This block contains a vertical strip of a document page. It features several stamps and handwritten text in Arabic script. The stamps include a circular postmark, a rectangular postmark, and a rectangular stamp with the word "RECEIVED". The handwritten text is in Arabic script.

سند خانم نیر

بسم الله الرحمن الرحيم

سند خانم نیر

سند خانم نیر

سند خانم نیر

سند خانم نیر

سند خانم نیر

سند خانم نیر

الحمد لله الذي حَلَّ البَيْعَ وَالشَّرِيَّ وَحَرَّمَ الْغَصْبَ وَأَقْبَلُوا
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْوَدِيِّ وَعَلَى آلِهِ وَآلِهِ
مَصَابِيحِ الدُّجَى وَبِهِمْ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَغُضُّوا رِجْلَيْهِمْ فِي سَبِيْلِ اللَّهِ
سَيِّدِ الْمَرْبُورَانِ بِفَرْغِ شَيْخٍ صَاحِبِ مَرْجٍ مُتَعَبٍ لَارِئِمِ نَمِشْ مُرْمُودِ نَفْسِ
لَا مُحَمَّدٌ مِيرُوكُلِ كَرَامَتِهَا بِمَعْرِفَةِ الْعِبَادَةِ كَالْكَاتِبِ كَلْبِيَّةٍ تَقَرَّرَ فِيهِ
فَمَارِ الْوَلَدِ الْأَحْمَدِ وَفَضْلُهَا وَحَارَتِ زُلُفُهَا وَبِحَرَمِ الْأَدَابِ عَلَى الْبَيْتِ غَرِيبِ الْإِلَهِاتِ الْفَاتِحِ
بِكَمَالِهَا وَبِغَضَبِهَا بِمَعْنِيَةِ طَلْقِهَا وَبِزُكْرِهَا سَيِّدِ الْأُمَمِ وَبِزُكْرِهَا بِأَنْ يَكُونَ
أَقْبَلُ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ حَامِ سَائِلِ الْبَنِ كَمَا جِئَ فِيهِ شَرْعِيٌّ حَرَمٌ بِزُكْرِهَا بِشَيْخِ
مِيرُوكُلِهَا وَبِزُكْرِهَا بِمَعْنِيَةِ طَلْقِهَا وَبِزُكْرِهَا سَيِّدِ الْأُمَمِ وَبِزُكْرِهَا بِأَنْ يَكُونَ
مَعْنِيَةِ طَلْقِهَا وَبِزُكْرِهَا سَيِّدِ الْأُمَمِ وَبِزُكْرِهَا بِأَنْ يَكُونَ
مَعْنِيَةِ طَلْقِهَا وَبِزُكْرِهَا سَيِّدِ الْأُمَمِ وَبِزُكْرِهَا بِأَنْ يَكُونَ

عمر الشیخ بطریق و غیره

تأخر سالیع ما یورثه

کتاب الفرائض

المساویان فی اکثر الفرائض

عنه ان فصد وکذا راسی سالیع راسی الفطام

عنه ان فصد وکذا راسی سالیع راسی الفطام

عنه ان فصد وکذا راسی سالیع راسی الفطام

عنه ان فصد وکذا راسی سالیع راسی الفطام

الشیطان

عنه ان فصد وکذا راسی سالیع راسی الفطام

عنه ان فصد وکذا راسی سالیع راسی الفطام

عنه ان فصد وکذا راسی سالیع راسی الفطام

عنه ان فصد وکذا راسی سالیع راسی الفطام

در ضمن عقد شرع وقوع انجا مید که هر که باع معظم الیه بعد از انقضای مدت در ظرف لام خیار در ضمن

بهر شریک باع معظم الیه باید در بوجوب باشد بر فسخ میباید و باع لازم و خیار ساقط و باع بر وجه

سخا به و بعد از آن قبول اجا صحیح شرعی است و باع از شریک میباید و باع از شریک میباید

در مدت زوره بمال الاجان میبند و باع از شریک میباید و باع از شریک میباید

بعد از انقضای مدت مقرر و باع از شریک میباید و باع از شریک میباید

کان ذلک فی غره شهر رجب المرجب سنه ۱۲۳۸

بسم الله الرحمن الرحيم
 في هذا اليوم المبارك
 على انفسنا
 على انفسنا
 على انفسنا



بسم الله الرحمن الرحيم
 في هذا اليوم المبارك
 على انفسنا
 على انفسنا
 على انفسنا

بسم الله الرحمن الرحيم
 في هذا اليوم المبارك
 على انفسنا
 على انفسنا
 على انفسنا

بسم الله الرحمن الرحيم
 في هذا اليوم المبارك
 على انفسنا
 على انفسنا
 على انفسنا

بسم الله الرحمن الرحيم
 في هذا اليوم المبارك
 على انفسنا
 على انفسنا
 على انفسنا

[Faint handwritten Persian script]

[illegible][illegible]

قد اعترف بكل من العلم اليقيني
مع انهما المصنفان لولا انهما

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم اليقيني
مفتاحا لدرجات الجنة
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم اليقيني
مفتاحا لدرجات الجنة
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم اليقيني
مفتاحا لدرجات الجنة
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم اليقيني
مفتاحا لدرجات الجنة
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم اليقيني
مفتاحا لدرجات الجنة
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل العلم اليقيني
مفتاحا لدرجات الجنة
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار
والعلم النقلي مفتاحا لدرجات النار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

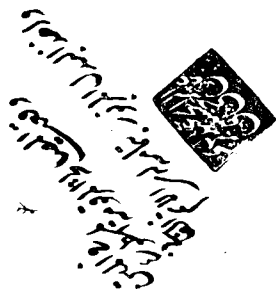
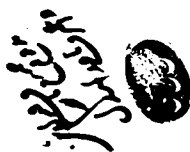


مجلس شورای اسلامی در این روز که...

و بسیار خوشتر از آنکه...
نمونه و این که...
از این جهت...
با این که...
شروطی که...
فرایند...
باشد...
از این...
و...
علاوه...
از...
شود...
شرط...
۱۲۸

نحمد الله تعالى ونصلي على الرسول

در حرف و از کتاب و در کتب
فیه در و از کتاب و در کتب



مجلس شورای اسلامی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مصالحه مریوده و افشانه
و بدل هم و اصله در السان

این دود را
در کوزه ای
بپزاید
و بخورد

لاخبر
که چنانکه در پیشین
الکبر باذن بفرزادان

عظام مالکین قریب بیکدیگر قات در ملک آنقریه غرض عظم بود اذن و ضلک
لایان دیگر از مالکین بقا و کف و هم بقدر غرض جعفر عظم بود که در این
لایان که در غرض خود و مقام اجمار بر منوع و محبت بلین است رالیه لایان
در آن قات بر آمدند و چون اجماع دست و لایان عده لغز و جمع
عنه غرض محبت در عزت و اراده جوع کند به لایان که اذن او
عز و رسیده بود و نظیر بر زمین و مقام مصلح بر آمدند لایان العز و رسیده
مصالحه نمود که بپزاید و در است محقق و دعا در محقق و محقق و محقق و محقق
غرض قات محفزه به لایان عظام و ساد و اجماع لایان لایان
و لایان محفزه و لایان سید و خیر و اجماع محفزه و لایان محفزه و لایان محفزه
هم بقدر غرض راجع که شرفان لایان سید و خیر و اجماع محفزه و لایان محفزه
واقض و قض نام مال مصلح صورت وقوع گرفت و دعوی عزت
بر لایان و رسیده لایان محفزه و لایان محفزه و لایان محفزه و لایان محفزه

مصالحه نامچه مورد ۱۲۸۸ هـ ق ۵
ص ۱۲۰ و ۱۲۱

تغییر

۱۲۸۸



سب

از این نام غریب نام مستحق جمعیت

از این نام غریب نام مستحق جمعیت

از این نام غریب نام مستحق جمعیت

از این نام غریب نام مستحق جمعیت

از این نام غریب نام مستحق جمعیت

از این نام غریب نام مستحق جمعیت

از این نام غریب نام مستحق جمعیت

از این نام غریب نام مستحق جمعیت



ص ۱۳۴ و ۱۳۵

عفت عجب و شگفت جان فغانم ز فغان دانه و با بصر تو بزدن خف و موم بر آید

[illegible][illegible]

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

تقدیر و غرض الهی است بایست خندان

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

مجلس شورای اسلامی
تاسیس ۱۳۰۲
شماره ثبت ۱۳۰۲/۱۳۰۲

۱۶۵ و ۱۶۶

برای تزیین، حق خراج و حق
و سایر کتب که در این
۱۳۱۲



کتابخانه
موزه
تاریخ
۱۳۱۲

کتابخانه
موزه
تاریخ
۱۳۱۲

کتابخانه
موزه
تاریخ
۱۳۱۲

کتابخانه
موزه
تاریخ
۱۳۱۲

کتابخانه
موزه
تاریخ
۱۳۱۲

در این کتاب که در این کتابخانه است
مکتوب است که در این کتابخانه است
کتابخانه
موزه
تاریخ
۱۳۱۲

Handwritten text in the upper right corner, likely a continuation from the previous page or a separate note.

Handwritten text in the upper left corner, including a circled number 1 and some illegible script.

Handwritten text in the middle section, starting with a circled number 1 and continuing with several lines of script.

Handwritten text in the lower section, including a signature and some illegible script.

Handwritten text in the lower right corner, including a signature and some illegible script.

مجلس شورای ملی
تاریخ ۱۳۰۲
شماره ۱۰۰

در این نظر من است که این
کتاب را در کتابخانه
مجلس شورای ملی
نگه دارند

این کتاب را در کتابخانه
مجلس شورای ملی
نگه دارند

این کتاب را در کتابخانه
مجلس شورای ملی
نگه دارند

استشهاد و استخبار میرود از علما و اعاظم و کنندار المؤمنین متراجم بر اینکه علم و خیر و

و مزارع چوبلانی جمع کثیری در یوم خط قره چوبلانی از فضلا و بزرگان و عالیشانان و

ملک محمد حسین فکک کاظم و کتبا لایان و ملاهای میر و محله و چوبلانی و جوی از ذاریان میر

بودند و شهادت دادند که یک حد چوبلانی بدو چنان و خود کشتن خلد اخل چوبلانی است و ابدا در

تو خانی که در سر همان آب و مرا نشاء همه بلا شک و در بی شهادت دادند که ملک چوبلانی

و در تصرف ذاریان چوبلانی بود بلا نزاع هر که بود در آن مکان و علم دارد و با خود و

اسامی سالی و امتهار کرامی خود را متون سازند کسینک پند بهر دست که یک

این کتاب را در کتابخانه
مجلس شورای ملی
نگه دارند

این کتاب را در کتابخانه
مجلس شورای ملی
نگه دارند

این کتاب را در کتابخانه
مجلس شورای ملی
نگه دارند

تاریخ منجم که در میان این نسخه‌ها نیز هست حضرات مفسرین در این
 روزه در سر سال از او مکمل غنیه داشته‌اند اما این نسخه در مکمل
 را از خود در این سال حاضر نموده اند و این نسخه که قاتل شهر
 محترم که در جمیع دینی که سر از سر داده در مورد مکمل غنیه سود در این
 دهم داشته‌اند که مکمل آنرا هم بود آب قاتل در مکمل داشته‌اند که در مکمل
 و این تقرقات را از عیسی که در از او مکمل زرع می‌کردند از آنست که در این
 و در یکم بود از او مکمل داده‌اند که در زرع و یکم کرس و این نسخه
 اسرار عیسی و در محو ال در این نسخه

منتهی غنیه که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است
 که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است

این نسخه در سر سال بود

منتهی غنیه که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است
 که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است

منتهی غنیه که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است
 که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است

منتهی غنیه که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است
 که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است

منتهی غنیه که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است
 که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است

منتهی غنیه که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است
 که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است

منتهی غنیه که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است
 که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است

منتهی غنیه که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است
 که در این نسخه است که در این نسخه است که در این نسخه است

کتابخانه کلاسیک

این کتاب در دسترس است و در صورت لزوم می تواند به شما ارائه شود.

این کتاب در دسترس است و در صورت لزوم می تواند به شما ارائه شود.

این کتاب در دسترس است و در صورت لزوم می تواند به شما ارائه شود.

این کتاب در دسترس است و در صورت لزوم می تواند به شما ارائه شود.

این کتاب در دسترس است و در صورت لزوم می تواند به شما ارائه شود.

این کتاب در دسترس است و در صورت لزوم می تواند به شما ارائه شود.

این کتاب در دسترس است و در صورت لزوم می تواند به شما ارائه شود.

این کتاب در دسترس است و در صورت لزوم می تواند به شما ارائه شود.

این کتاب در دسترس است و در صورت لزوم می تواند به شما ارائه شود.

این کتاب در دسترس است و در صورت لزوم می تواند به شما ارائه شود.

سید محمد علی

محمد هم از محمد زاده هم محمد بن قباد زاده

در کتب معتبره است که در هر یک از این اقسام

[illegible]

الاسم

...

—

5

1

1. **مقدمة**

مشت ردت م این تمام بحسب قیام و احوال خود بخواند که در هر صبح یک مرتبه ازین ذکر در آخر نماز یا بعد از آن مستحب است

[illegible]

کند مع شوق و مسخوفه در خفا از این که از حق تعالی غرض می نمود که یک شبه در هر دو عالم بجا آید

سخن گفته اند و نه از دست بیرون اگر کسی بداند بهشت را در آنجا که می باشد و آن محبوب را بداند و آنچه خود می تواند و هر کس که دوست دارد این سخن را بگوید

تأست از اصلاح آن و تحلیف و عقد بر خود لازم دارد و در دست نشانی و قیام و دفعه ششم خزانوار بخندید که فرمود هر یک از این که موجب حکم حقیر باشد

والله اعلم بالصواب

نیز در این باره تعارضی بین دو نوشته نگار فرموده است و نگار دیگر در همان مختصات همان بار را در این باره نوشته و نگار دیگر

[illegible][illegible]

قرادنامهء مورخ ۱۳۱۲ هـ . ق . ص ۳۶۶ - ۳۶۸

موقع بندرستان در این مجمع الملایه جزء
الکریه صحرای است

عوض له بحر

کند درین عقدی از عقد دیگران باذن و اذن نموده از بابان قرینه چنانچه قطعه درم

کند در این عقد

ایم الح سید سلطانیه ایام المکرمه در طرف الهات آمو به و له و عمر از جنبه آقا سید ابراهیم در این

قالت این منور و میان قات خود به بار و واقعه در قرینه چنانچه در این عقد است یک نشانه طرف شرق

و یک نشانه طرف غرب امام زاده پیش نش رو حافه دم در دراز و قرینه چنانچه هر جا که قاعده غیر با غیر

و هر قرینه ج بقدر و کمتر باشد تمیز دهند در طرف بین یاب و یکجا هر کاد و در بره حق و کمتر شود

در حق و غیره با لیا شد او را بشناسد مع لاکین همانکن و اذ دفع غیر در است شست سال الله

از پشته ریش آن خفر نایب و در باز و الی آخر مان خمر باشند و یکجا حق و اولویت تعمیر بودی

حافان و در حکمها و در طرف شست سه در بر یک علف مال شود و لود و بر به تاج است سال در

بشت سال و اگر شست سال که شست و اتمام کرده برای از باب حق فسخ است و در در در خرفان

بار و در بر و هکله برده حال هم حافان سلط باشند از هر یک از طرف و صلیع باشند در خفا

قرار دهند و غیره اگر اکتاف به قالی حق ج بر و نشانه شده و نشانه نایب و بعد از در شدن قات

را ح بر از باب و سه دانک راجع با دین و در یکم خایم بعد و از برای قات بر و در سه و در تعمیر شد

از قیمت و دوات به قالی به قیمت و در یک سه مط به بوم از دین نشود و اگر حق ج نایب شود

و از شش دانک مرضع نمایند و در رباط حق و اولویت زرع با دین است و حق کمتر شود

خار و صیغه و کالت طرین عاری و دوات حکیم در چهار اول بر سه و در یک و در طرین

این سند در این تاریخ در این مکان در این شهر در این روز

مهر و امضاء

[Handwritten signature]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

سید احمد علی شاہ

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the letter or a separate note, written in a cursive style.

مسافر است، فرما

[illegible][illegible]

طیفہ درجی اس وقت کہ قریب مجموع اٹھارہ سو بیس و پچاس سال کی عمر میں

خفیه لایق این برهان میسر شده و چون آن را رسم هر دو جانب می آید شیب در تصویر برآید

[illegible][illegible]

سبحان من لا یلهی عنہ احد من خلقہ و لا یغیثہ احد من خلقہ و لا یغیثہ احد من خلقہ

[illegible]

وہی ہے جو کہ ان کے لئے ہے اور ان کے لئے ہے

میں نے اس کے لئے جو میٹھون دادا اسے ہاتھ سے تھام لیا

عاشقہ العاشقہ نمونہ کہ در مقام بلال و بر و تفرس و احوال مخلص

محمد رفیع مسک علی بن مسیح مطوف خلیفہ مسیح اربعہ دربارہ فرستادہ

فایض و سنده در تباری فایده اش را بر ستونهای دوازده ای از اوقات سال را
قرین مبرر نشان داد که هر قدر که در روزهای این ماه فایض و سنده
باشد

در روز شنبه سحر و در جمعه با منصرف از هر چه بود در این روز
تغذیه نمود که به نرسیدن در این روز و اما در جمعه در این محبت

و مولی ای می لرخصی سر آمد بهانه ای که الهام می فرماید که عظم الله قدره و جلاله
تا به در قرآن و حدیث و فقه و کلام و فرائض و احکام و سایر علوم دینی و دنیوی

و بعد از وقت بر خیزم و گفت در این جمیع مروجیست که در آنجا می بینم و آنرا
را در وقت گفت که معتقد به حسن و عقیدت و صفات غلطی است که در آنجا
راست است و در وقت که در آنجا می بینم و آنرا که در آنجا می بینم و آنرا
و بعد از وقت بر خیزم و گفت در این جمیع مروجیست که در آنجا می بینم و آنرا

عربی

نجم اہل علم و ادب

زاد محسن

۱۸۰۰ مروجہ مؤلفہ جو ملازمت و خزانہ دریں سال

دکتر
درارو

و اما کسی که حرفه جلیل را در راه عالم می رسد

عزیزم

شیرین شبنم در کعبه خود را راه بقیه لهر در مقام

شتر

کہ دربار میں وہ مولانا جو تیرے رفیقِ بردار ہیں

٧١

را حواستہ پس از میں و خمس نام، کلام حصص نام، یاد آید

لاری

آبرجہ بودت رچھریاں دجھاں وکھاں
کرتی کھنڈی بھوٹے پھلے

ہم راجا۔

عامۂ مورخ ۱۲۸۵ ھ . ق . ص ۴۲۲

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

五

جانبین علی و تحت یوم و قریب انما شب سراج و در بحر حلالی و در بحر الفیض و علام بحر و بحر العظمی و بحر السلام و بحر الوداد

الغلام محمّد بن افاضت فضل الله بهاء الدين طيفه قدوة في امر منصف وعلية

یکسان حضور مراد از شریعت و احکام و حدود و ذلک و قبح و حرمت و استیلاست

از بارش برقرار شود و این مهر را حضرت سید مرتضی و مستقر اعمار و مجاوران

از بیت فریدراره عیار آید خاک مسک را و از رخساره نقد از قرار در روزگار

فردا به بولولم ادرار در آب در نشیند و طبعه در حوضه نمیشود و در آن نشیند

فببطيئة وراه على كل هذا حربته وبعظم الله (وكله) وادواته

این احوال آن حکم مومنه در طبعه زوالت نفوذ و رفع است و در این حکم ما اطلاع داریم

عنه زهره لب در برده عارضه نماند که منقش است و از آن حضرت را
که منقش و از این جهت منقش است و از آن حضرت را

در هر یک از این اوقات که در این شهر است
 و در هر یک از این اوقات که در این شهر است
 و در هر یک از این اوقات که در این شهر است

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

عوض می کند
چون بنیاد قریه ها است هفتاد و نه سال از وجود آن کسان می گذشت

علم بر آن است در این قریه که در آنجا حاکم بنیاد آنجا است و هفتاد و نه سال از وجود آن کسان می گذشت

در این قریه که در آنجا حاکم بنیاد آنجا است و هفتاد و نه سال از وجود آن کسان می گذشت

در این قریه که در آنجا حاکم بنیاد آنجا است و هفتاد و نه سال از وجود آن کسان می گذشت

در این قریه که در آنجا حاکم بنیاد آنجا است و هفتاد و نه سال از وجود آن کسان می گذشت

در این قریه که در آنجا حاکم بنیاد آنجا است و هفتاد و نه سال از وجود آن کسان می گذشت

در این قریه که در آنجا حاکم بنیاد آنجا است و هفتاد و نه سال از وجود آن کسان می گذشت



ریاست وزراء عام

سواد ۱۰۰۰۰۰ در ادوار است

مورخ ۲۲ / ۱ / ۱۳۰۱

نمبره ۸۷۱۴

وزارت معیه

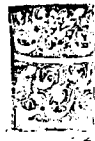
موضوع مایات قریه آزاد مکه که حضرت به مکاتبه مگذرد
دبانه فیه تقسیم قطعی بر ارفی شایسته ملک آنجا داشته است
موجب مدارشیت گردیده و اینک شرح مبوطی از فطرس
آئین را محمد مهدی افشار شده است که راد آن برابر خط
و طلوع آن وزارت معیه ارسال گردید در صورتی که
نسبت بزیاد مایات قریه از صد و تصویب نامه
راجع بحاجات انتظامی سبب شایسته داشته اند
همینج و باینکه حاجات انتظامی معلوم شده است
نسبت باز دو مکه ام معمول و نصف مایه است فایده

مطابق تصویب نامه دریافت نامه مهر

احمد باب در این موضوع



[illegible]



لہذا ان شخصیات کو نہ مٹاؤ نہ جو حرم و دار میں رہ رہ کر خدمتِ کربلا فرماتے ہیں۔

ۛ
محکم دلائل
افا محرم

حرف هفت بنابر این است که فی الحقیقت هر که شب بخوابد و در آن شب خواب نکند و در آن شب بخوابد و در آن شب بخوابد

در الامور استرابط و ظهور و کون او در عالم بهر سه قوی است حرکت و دلیل و با خبر و مقدر از خود و از اول بود و از ان که در حق او مطلق
مالک است از عجب و شایع و کفیف و عجب و عیب و قیوم که در ذات و عرش و ملک و کون و در حق و صفات و در عین

و در نزد بندگان قهر و غلبه بر طایفه مقهوران را میسر است و لذت و برتری را موقوف به شرف و محقق ساختن آنست که منظر دلالت بر آنست که

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم آية في الدنيا والآخرة

ممنوع و غیر از این هم هر چه مقدار از این شخص خدایه نکرده محسوب و مجبر که معذور اند ما ان فرستیم ان عذر و عالت را با مقبوله حضرت ابوالفضل

عظم مقدار من نور را بچوشت قریب از آنکه در غایت خوب و مجرب در دالالت و شرح رسم شما بنماید در دفعه اولی ثبت و در معنای دیگر به یاد

میرزا محمد علی دانه صفی به از آنکه خود بدو بنامه
نقد خان الموم ۱۲۴۸





چون علی خانی و فرات و اینان

باز ماندگان آن محوم منظور افشا - اثر قدیمی آن طبع کاغذ است

مبارک نصف بلا کسر متعوق یونانی آرام رجوم را که بجهت چهل و نه روز از بهار تا آخر تابستان در میان آب و سرسبز و فیاض از بهار
حق و دارا روم دن و در آن روزها در آن روزها در آن روزها

در آن روزها در آن روزها در آن روزها

نارزد سال دیگر که پال اخراں بارسین ۱۳۳۱ میسار طبق قانون خلیف در حق راث ان

مفتی محمد رفیع الدین صاحب دیوبند

[illegible]

ВАН

مردم، زود در آن

ص ۵۶۹ و ۵۷۰



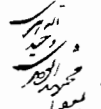
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

قد وضع جميع مملكتها

قد وضع جميع مملكتها



قد وضع جميع مملكتها



قد وضع جميع مملكتها



قد وضع جميع مملكتها

قد وضع جميع مملكتها

قد وضع جميع مملكتها

قد وضع جميع مملكتها

قد وضع جميع مملكتها

مصالحة نامچه مودخ ۱۲۵۳ هـ ق. ۵۷۱ - ۵۷۳

قد وضع جميع مملكتها

اعرف باسمه

Handwritten signature and date: 1970-1-1

عمر المختار

المركز
موقع الصالحون

حرف سے الٹا امارت

انہیں

مجلس مکرّم

خلف جرجی و خدیو لبنان رضوانه علیهما جرجی رضی الله عنه ط

[illegible]

همانکه از غلبه نفس و سرور مشغول بودی بنام او در ملک مملکت و بیرون

عن احمد بن محمد بن عيسى عن فضالة بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ان من اكل خبثا لم ياكل من ثمر الجنة

لم يزل يرحله ويحمله في كوره القديس ويزار له لانه هو الذي جعله قديس واولئك القديسين

والمؤمنين من آل بيته

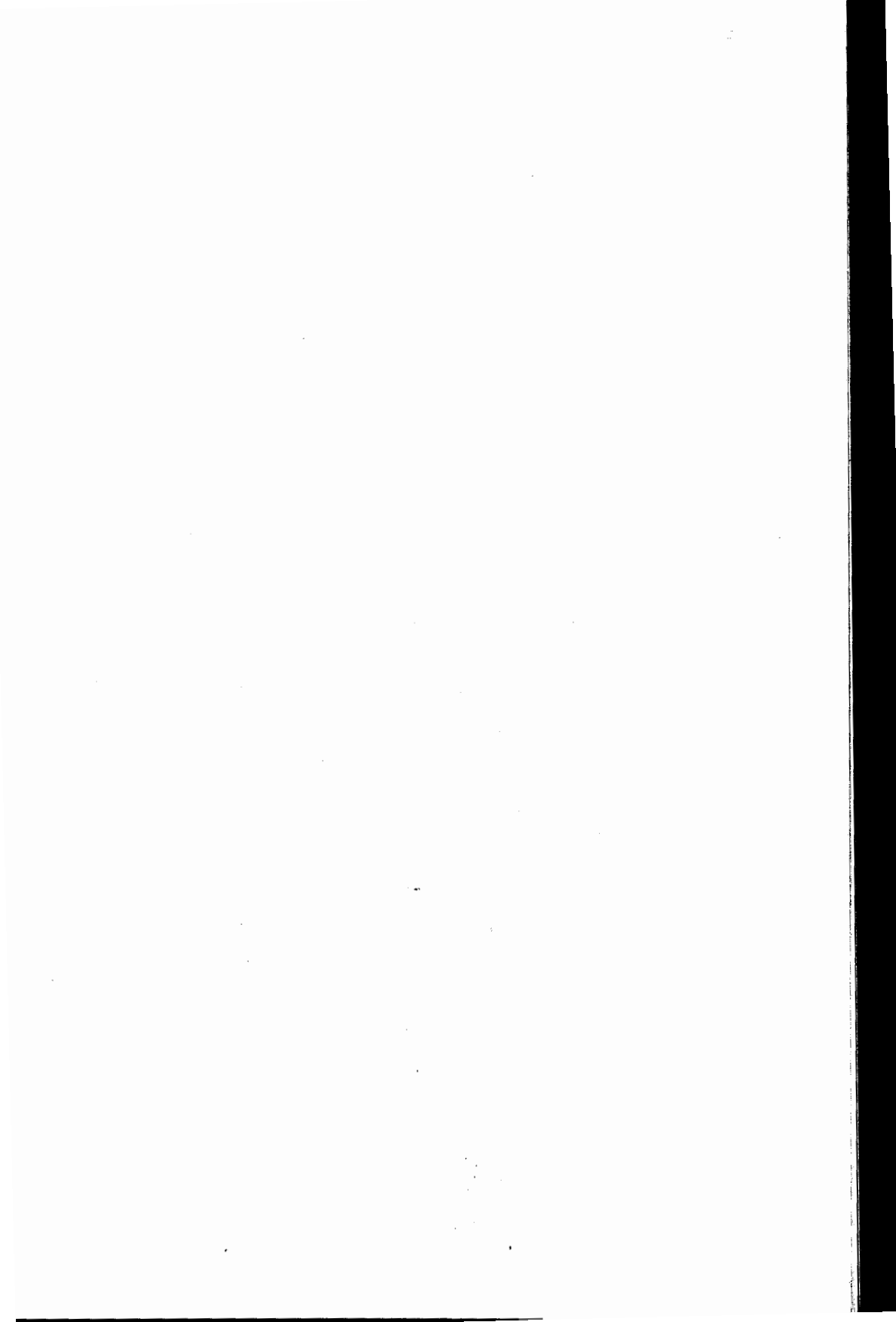
مردودا که در صف خود از آن شاه اعظم بود و یکصد و سی و هفت هزار کس بود با مقر مرطی لیل الش

در هر یک از این موارد در صورتی که در هر یک از این موارد در هر یک از این موارد

۱۱ اندر جو کہ تھارا پتو در اس پر کتب میں لکھا گیا ہے کہ اس کا نام محمد بن علی بن ابی طالب ہے

منه في ركنه و قد غفر له الله ذنوبه و قد غفر له الله ذنوبه و قد غفر له الله ذنوبه

مرفوعہ کتب صحاح میں لکھنے والے حضرات کی تفصیل
مرفوعہ کتب صحاح میں لکھنے والے حضرات کی تفصیل
مرفوعہ کتب صحاح میں لکھنے والے حضرات کی تفصیل



فهرست عمومی

- | | |
|---|---|
| <p>آذربایجان - ۴۳۱.</p> <p>آزاد محله (از دهکده های سدن رستاق) -
 ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶.</p> <p>آستانه مبارکه رضویه - ۵۶۲.</p> <p>آسیای پای چنار - ۱۵۷.</p> <p>آصف جهان بکلو - ۲۳۲.</p> <p>آقا بابا [حاجی میرزا ...] - ۲۵۱، ۲۶۴، ۴۰۱، ۴۴۴، ۵۵۰، ۵۸۰، ۵۸۱.</p> <p>آقابابا کلانتر استرآبادی (متولی موقوفات سلیمان خانی) - ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۵۱.</p> <p>آقا بابا [کربلائی ...] - ۱۰۶.</p> <p>آقا بزرگ (شوهر ملک جهان خانم بنت نصیر خان) - ۱۳۴.</p> <p>آقا بزرگ [کربلائی ...] = محمد تقی بن حاجی سید مفید استرآبادی - ۱۵۸، ۱۷۸، ۱۹۲، ۲۰۰.</p> <p>آقا بزرگ بن سید احمد حسینی شیرنگی - ۱۰۵، ۱۴۶.</p> <p>آقا بزرگ رضوی [حاجی ...] - ۳۷۲.</p> | <p style="text-align: center;">آ</p> <p>آب انکران - ۴۸۴.</p> <p>آب انبار درب مسجد جامع - ۵۱۸.</p> <p>آب چشمه چگل = رودخانه چگل - ۱۲۶.</p> <p>آب داروبار - ۷۲.</p> <p>آب داریکاب - ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸.</p> <p>آبدنگ پای چنار - ۱۵۷.</p> <p>آبدنگ علی خان آقا - ۴۷۷.</p> <p>آب دیوان = وال دیوان - ۱۷، ۲۸۵، ۲۸۶، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۴۰.</p> <p>آب سنبیان - ۱۰.</p> <p>آب شاه - ۲۸۷.</p> <p>آب قوچانی - ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۸.</p> <p>آب کله - ۲۴.</p> <p>آب مرزنکلاته - ۳۴۸.</p> <p>آب معصوم زاده نورالدین - ۱۲۶.</p> <p>آبندان دره انکرم - ۶۷، ۶۸.</p> <p>آخوند رئیس - ۴۲۵، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵.</p> <p>آخوند ملا کاظم - ۵۴۵.</p> <p>آدینه علی [آخوند ملا ...] - ۳۴۰، ۳۴۱.</p> |
|---|---|

- آقا بیگ یوزباشی فراشخانه [حاجی ...] - ۴۸۱
- آقا جانی - ۵۶۵
- آقا حاجی شهری - ۳۱۳
- آقا حسن - ۱۶۳
- آقا حسین - ۱۶۳
- آقاسی [حاجی میرزا ...] - ۳۴۴
- آقاعلی [حاجی ...]، (از سادات دراز گیسو) - ۴۰۱، ۱۲۳، ۱۲۰
- آقا علی جان [کربلائی ...] - ۱۳۳، ۱۳۲
- آقا علی محمد - ۵۴۹
- آقا غفور (از موقوف علیهم مرزنکلاته) - ۱۷۰
- آقا کوچک بن آقا علی اصغر مفیدی موسوی - ۳۶۴، ۳۶۳، ۳۶۲
- آقا لم وردی شالی - ۷۵
- آقا محمد [کربلائی ...] - ۳۱۶
- آقا محمد بن آقا سید محمد شیرنگی - ۱۴۶
- آقا محمد بن آقا هدایت الله - ۱۵۸
- آقا محمد خان قاجار - ۴۹۲
- آقا محمد شاه محمد [حاجی ...] - ۱۵۶، ۱۵۷
- آقا میر بن آقا سید جواد (از سادات دراز - گیسو و از موقوف علیهم چوپلانی) - ۳۶۷
- آقا میرزا (از موقوف علیهم مرزنکلاته) - ۱۷۰
- آقا یحیی بن آقا سید علی موسوی مفیدی - ۱۴۸
- آقایان دراز گیسو - ۳۷۷
- آقایان سپانلو - ۳۰۰
- آقایان قاجار - ۴۸۳
- آقایان مفیدیه = سادات مفیدی - ۲۷۲
- آقایان هروها = طایفه هروها - ۳۰۶
- آلو کلاته - ۴۷۸
- آمنه خاتون بنت کربلائی سلطان - ۱۲۴
- آوش سوخته سرا - ۲۲۱
- آوش کلو - ۵۸
- آهنگر محله = امیر آباد - ۳۱۰، ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۷۵، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۱۱
- الف**
- ابر (از دهکده های بسطام) - ۵۳۵
- ابراهیم - ۱۲۶
- ابراهیم [آقا ...] - ۳۳۳
- ابراهیم [آقا سید ...]، (از احفاد آقا محمد زکی) - ۶۷
- ابراهیم [ملا ...] - ۲۷۹
- ابراهیم آباد - ۳۴۱، ۳۴۰، ۲۶۹
- ابراهیم بقال ساکن شهر [ملا ...] - ۳۲۰
- ابراهیم بن حاجی آقا محمد حسن [آقا سید ...]، (از موقوف علیهم یساقی) - ۳۵۵، ۳۵۴
- ۳۶۸
- ابراهیم بیگ تفنگدار - ۴۳۲
- ابراهیم بیگ غلام ترکمان - ۳۹۹
- ابراهیم توئی - [آقا ...] - ۵۵۱
- ابراهیم الحسینی [آقا میر ...] - ۳۶۲، ۳۷۷
- ابراهیم خادم [میر ...] - ۳۳۹
- ابراهیم دراز گیسو [سید ...]، (متولی سادات دراز گیسو در قریه میر محله) - ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۵، ۲۲۵، ۴۰۲
- ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۲۳
- ابراهیم رغدی - ۱۵
- ابراهیم شریعت [آقا سید ...] - ۵۵۸
- ابراهیم صاغردوز [کربلائی ...] - ۲۵۸
- ابراهیم عماد ساکن مرزنکلاته [ملا ...] - ۲۲۴

- ابراهیم کرباسی اصفهانی [حاجی...] = محمد
 ابراهیم کلباسی - ۳۴۴
 ابراهیم میان بلوکی [میر...] - ۲۳۳
 ابن خصیب - ۴۳۹
 ابو تراب بن آقا محمد محسن شیخ الاسلام -
 ۴۶۸
 ابو تراب موسوی استرآبادی - ۵۴۰ ، ۵۴۶
 ابو جعفر الموسوی [آقا...] - ۲۶۷ ، ۳۱۲
 ابوالحسن - ۲۷۲
 ابوالحسن مازندرانی لارجانی - [حاج ملا...] -
 ۱۸۳
 ابوالحمد بیگ - ۳۹۸
 ابوذکر [حاجی...] - ۳۱۲
 ابورضا حسن بن علی - ۷
 ابوطالب [میرزا...] - ۳۳۹
 ابوطالت بن آقا محسن - ۵۴۷
 ابوطالب موسوی فندرسکی [میر...] - ۲۰ ،
 ۲۴
 ابوعلی [ملا...] - ۲۴۴
 ابوالفرج - ۴۳۹
 ابوالقاسم [آخوند ملا...] - ۱۳۲
 ابوالقاسم بن آقا میر محمد تقی (از سادات
 درازگیسو) - ۹۸ ، ۱۰۵ ، ۱۰۶ ، ۱۲۰ ،
 ۳۳۶ ، ۳۵۷ ، ۴۱۳ ، ۴۳۰ ، ۴۳۳
 ابوالقاسم رضوی استرآبادی - ۳۴۷
 ابولهب - ۴۳۶
 ابو محمد [میرزا...] - ۴۸۸
 اترآچال (از دهکده های استرآباد رستاق در
 استرآباد) - ۱۲۸ ، ۱۵۲ ، ۱۷۶ ، ۱۸۴ ،
 ۱۸۵ ، ۲۰۲ ، ۳۱۴ ، ۳۱۵ ، ۳۱۶
 اترک چال - ۱۴۳
 اجلو [سامان...] - ۲۱
- احمد = ابن خصیب - ۴۴۰
 احمد [ملا...] - ۲۵۰
 احمد الحسینی [حاجی سید...] - ۶۷ ، ۲۶۸
 ۲۷۲ ، ۲۸۹ ، ۲۹۳ ، ۳۹۴ ، ۳۹۸
 ۴۱۰ ، ۴۱۱ ، ۴۱۲ ، ۴۱۳
 احمد خالو [سید...] - ۱۳۶ ، ۱۴۰
 احمدخان شامبیاتی قاجار - ۸۸
 احمد رئیس الوزرا - ۴۵۵ ، ۴۵۶
 احمد روضه خوان [آقا سید...] - ۵۷۷
 احمد شاه قاجار - ۴۸۵
 احمد صدرمتولی [آقا سید...] - ۴۷۸ ، ۴۸۰
 احمد فندرسکی [میر...] - ۳۴
 احمد قاضی [آقا...] - ۳۱۶
 احمد ملا علی اکبر (از مالکان جهان نما) -
 ۳۶۵
 احمد الموسوی [آقا...] - ۲۶۵
 اراضی موات توران (در فندرسک) - ۵۸
 اردشیر میرزا - ۵۲۲
 اردوی سیاه بالا - ۴۳۰
 اروج قلی قانچی - ۲۲۰
 اروس کلاته - ۵
 ازبرکی = بندکلوکن - ۷۲
 ازدارکله - ۲۹۰ ، ۲۹۲
 اسبومحله [قریه...] - ۳۰۳
 اسپه دارمرز - ۲۸۵ - ۲۸۶
 استرآباد [بلده...] - ۵ ، ۸۴ ، ۸۶ ، ۱۵۲
 ۱۶۷ ، ۱۷۴ ، ۱۷۶ ، ۱۷۸ ، ۱۸۹ ، ۱۹۳
 ۲۳۹ ، ۲۴۵ ، ۲۵۳ ، ۲۵۵ ، ۲۷۱
 ۲۸۲ ، ۳۰۶ ، ۳۰۸ ، ۳۱۰ ، ۳۱۳ ، ۳۱۴
 ۳۳۸ ، ۳۴۶ ، ۳۹۸ ، ۳۹۹ ، ۴۱۰ ، ۴۱۲
 ۴۱۳ ، ۴۲۵ ، ۴۴۲ ، ۴۴۷ ، ۴۵۳ ، ۴۶۸
 ۴۶۹ ، ۴۷۲ ، ۴۸۹ ، ۴۹۲ ، ۴۹۴ ، ۴۹۵

- اسماعیل خان پسر مهدیقلی خان قوآنلو - ۵۱.
 اسماعیل خان سپانلو - ۶۷.
 اسماعیل خان لشکر نویس [میرزا...] - ۲۹۹.
 اسماعیل سیدی بن مولانا الله دار باغبانی - ۸.
 اسماعیل شهری [آقا...] - ۳۱.
 اشارات خوان - ۵۴۳.
 اشتامهین = تقی آباد - ۱۲۰، ۲۲۲، ۲۲۴.
 ۲۷۷، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۴۰، ۳۴۵.
 اشرف (بهشهر امروزی) - ۲۵۵، ۲۵۶، ۴۲۹.
 ۴۴۴.
 اشکار کلاته - ۷۸، ۷۹.
 اصفهان - ۲۵۵، ۲۵۶، ۴۳۶.
 اطاقهای قزاق - ۵۵۲.
 اعتضادالدوله - ۴۴۲، ۴۵۲.
 افغان [قشون...] - ۴۵۹.
 اکبر [حاجی...]، (سازنده آبدنک) - ۳۷۵.
 اکبر بلوچ [حاجی...] - ۵۷.
 الم دیکه (حدغربی مزرعه میرزاهاشمی) - ۷۲.
 الله داد باغبانی [مولانا...] - ۸.
 الله داد جانی [کربلائی...] - ۲۷۵، ۲۸۳.
 الله قلی [حاجی...]، (از مالکان جهان نما) - ۳۶۴.
 ۳۶۵.
 الله قلی آقا سپانلو - ۶۷.
 الله قلی بن حاجی نورعلی سمدآبادی
 [حاجی...] - ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۶۶.
 الله ویردی بن صفی خان (از رعایای سمدالله
 خان) - ۳۵۲.
 الله ویردی داروغه - ۵۵۱.
 امام جمعه طهران - ۴۴۴.
 امامقلی ابدالو - ۲۳۱.
 امامقلی خان - ۸۵، ۳۱۲، ۳۱۳، ۴۴۴.
 ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۰۹، ۵۵۲.
 ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۷۹، ۵۸۴.
 استرآباد [ولایت...] - ۸، ۱۳، ۱۸، ۳۵.
 ۴۱، ۶۵، ۷۲، ۹۰، ۹۴، ۹۵، ۱۱۰.
 ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۹۷، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۲۲.
 ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۶.
 ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۷۱، ۲۸۲، ۳۰۸، ۳۱۳.
 ۳۱۷، ۳۴۴، ۳۷۱، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۷.
 ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۲۳.
 ۴۳۱، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۵۲، ۴۶۰.
 ۴۶۱، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۵، ۴۷۹.
 ۴۸۱، ۴۹۱، ۴۹۷، ۵۰۸، ۵۱۷، ۵۲۷.
 ۵۸۳.
 استرآباد رستاق - ۳، ۸، ۲۹، ۶۳، ۱۲۸، ۶۵.
 ۱۷۶، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۷۰.
 ۲۷۱، ۲۸۲، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۴۲، ۳۷۸.
 ۴۲۷، ۴۶۵، ۴۶۸، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۴۷.
 استرآبادی - ۴۴۸.
 اسحق [ملا...] - ۲۵۱.
 اسدالله اسفندیاری - ۵۲۸.
 اسدالله بیگ (ضابط میرمحله) - ۴۷۴.
 اسدالله موسوی [آقا سید...] - ۸۵، ۸۶.
 اسماعیل [استاد...] - ۴۵۰.
 اسماعیل [کربلائی...] - ۲۸۸.
 اسماعیل [ملا...] - ۲۹۱، ۴۳۳.
 اسماعیل [میرزا...] - ۴۲۰.
 اسماعیل الله یار - ۱۲۶.
 اسماعیل بن آقا میر تقی حسینی (از سادات
 چوپلانی) - ۱۰۵، ۱۲۰، ۱۴۶، ۱۷۰.
 ۳۳۶، ۳۴۱، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۷.
 ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۷، ۴۱۳.
 اسماعیل بن ابی القاسم استرآبادی - ۵۱۶.
 اسماعیل خان - ۱۳۳.

- امامقلی ولد آقا رحیم ارباب شهری استرآبادی
۵، ۴
امام ویردی ترکمن حاجیلر - ۲۳۳
امام ویردی خان پسر مهدی قلی خان قوآنلو -
۵۳، ۵۱
املاک حجام - ۶
املاک حسن بامنی - ۶
املاک شیخ علی عرب - ۵
املاک قمر بی بی - ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴
املاک مرتضی قلی آقائی - ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴
ام لیلی دختر کر بلائی محمد زمان - ۱۹۷،
۱۹۸
امیر - ۱۲۶
امیر آباد = آهنگر محله - ۳۴، ۳۳۰
امیر بیگ - ۳۵۳
امیر تلوعزی - ۲۸۰
امیر تومان انتظام الدوله (حکمران مملکت
استرآباد و مازندران) - ۳۷۱
امیر خان سردار [شاهزاده...] - ۲۹۸، ۴۴۹
امیرده - ۳۱۹
امیر رستم قانچی - ۲۲۰
امیر زاهد کشته ای - ۳۲۲
امیر موسی خان - ۲۵۶
امین الله خان [میرزا...] - ۵۳۳
انبارتپه - ۲۸۷
انزان (از بلوک استرآباد) - ۵۸۳
انگرم آقا جعفری (دودانگ از دهکده انگرم
از دهکده های سدن رستاق) - ۴۰، ۳۵
۴۱، ۶۷، ۱۳۲، ۱۳۴، ۲۱۰
انگرم محمد زکی (دودانگ از دهکده انگرم
از دهکده های سدن رستاق) - ۴۰، ۴۱
۶۷، ۱۳۲، ۱۳۴، ۲۱۰
انگرم میر جعفری (دودانگ از دهکده انگرم
از دهکده های سدن رستاق) - ۴۰، ۴۱
۶۷، ۱۳۲، ۱۳۴، ۲۱۰
اوجابن [قریه...] - ۵۵۳، ۵۵۲
اوزینه (از دهکده های استرآباد رستاق) - ۴۰۲
۴۲۷، ۴۲۸
اهواز - ۴۳۶، ۴۳۷
ایلخانی - ۴۲۴، ۴۴۷، ۴۴۸
ایوزخان رامیانی - ۱۹
ب
بابا آقا - ۱۰۱
بابا بیک مقامی (آقا...) - ۷۴
بابا خان - ۲۸۵
بابا خان آقا قوآنلو - ۲۳۹، ۲۴۳
بابا خان قاجار [حاجی...] - ۱۵۷
بابا ساوری [میرزا...] - ۱۶۳
بابا نوروز بظامی - ۳۲۰
بارفروش (بابل امروزی) - ۳۹۷، ۵۴۱
۵۸۴
باروی شهر استرآباد - ۱۱۲
بازار کهنه استرآباد - ۱۱۲، ۴۹۵، ۴۹۸
بازار نو استرآباد - ۷۰، ۴۹۵، ۴۹۸
باغچه بذرك - ۷۵
باغچه سرکار = کاروانسرای حاجی محمد تقی
خان هزارجریبی - ۸۷
باغچه محمد خان آقائی - ۱۱۹
باغچه محمد مهدی بن کر بلائی محمد حسین
[حاجی...] - ۱۳۷، ۱۴۰
باغو - ۱۵۹، ۱۶۰
باقر [میرزا...]، (از سادات رضوی) - ۲۲۹
باقر بن کر بلائی محمد شیروانی الاصل [حاجی
...] - ۴۵

- باقرخان پسر مهدی قلی خان قوانلو - ۵۱، ۵۳.
باکر محله - ۱۵۸، ۱۵۴۷، ۵۶۳، ۵۶۴.
باکروال [مجرای...] - ۵.
بالاخانه کاغذ لوق - ۴۸۷، ۴۸۸.
بالارستاق هزار جریب - ۳۵.
بانعمان [قریه...]، ۳۳۸، ۴۷۷، ۴۷۸.
بدره نسا خانم (از وارثان حاجی مرتضی قلسی آقا زیادلو) - ۱۱۸.
بدیع الزمان بن میرزا محمد فندرسکی - ۲۴.
بدیع الزمان حسینی شیرنگی [میرزا...] - ۱۳، ۱۵.
بدیع الزمان میرزا بن علی قلی میرزا ملک - آرا - ۴۸۲، ۴۸۳.
برزمهین [قریه...] - ۷۸.
بروجرد - ۴۵۱.
بسطام [ولایت...] - ۴۷۲، ۴۷۳، ۵۴۷.
بصره - ۴۳۷.
بلاذ نسی - ۴۷۸.
بنداب ترنگ - ۲۷۷.
بند آبدنگ مقصود بیگ = بند جنگل - ۲۱.
بند آب میر و محله - ۲۷۷.
بند بالا سر تپه قوچانی - ۲۶۹، ۲۷۰.
بند پای تپه قوچانی - ۲۶۸، ۲۶۹.
بند جنگل = بند آبدنگ مقصود بیگ - ۲۱، ۲۲، ۲۳.
بند حلوال - ۷۹.
بند کلوکن = از برکی - ۷۲.
بند کی نو - ۷۲.
بند میر دوست - ۷۹.
بند وال - ۷۹.
- بهرام مازندانی (ساکن مرزنکلاته) - ۳۲۰.
بهلول آباد - ۵۴۶.
بی بی آقاچه (دختر خواجه محمد مظفر بنگچی) - ۶۵.
بی بی خوانگار (دختر خواجه محمد مظفر بنگچی) - ۶۵.
بی بی زینب (دختر محمد ابراهیم بن کر بلائی نصیر) - ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲.
بی بی زینب (دختر محمد ابراهیم و زوجه آقا علی کاشی) - ۵۳، ۵۶.
بی بی شهربانو (دختر محمد ابراهیم کر بلائی نصیر) - ۱۴۱.
بی بی فاطمه (زوجه استاد محمد رضا) - ۷۰.
بی بی ام کلثوم بنت آقا محمد رفیع موسوی - ۵۶۳، ۵۶۴.
بی بی نسا خانم (همشیره ابی مهر علی آقا) - ۵۶۶.
بیجه شرف (دختر میرعماد از اولاد میر روح الله و همسر میرزا محمد علی هروی) - ۵۶۵.
بیرام آقا شامبیاتی (راهدار شارع خرمارود) - ۱۱.
بیگلربیگی = عباس خان - ۳۴۲، ۴۰۰، ۴۲۶، ۴۲۹، ۳۸۴.
بیگم جانی خانم (دختر محمدخان دولوی قاجار) - ۳۸۴، ۳۸۳.
بیوک خان بن مهدی قلی خان قوانلو - ۵۱، ۵۳.
بیوک خان بن یوسف علی سپانلو - ۱۹۷.
- پ
پای قلعه [قریه...] - ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۵.
پرسمیان [اراضی...] - ۲۲۱.
پشانهنگ [قریه...] - ۸، ۶۵.

- پشت دروازه - ۳۷۵
 پشت کوه - ۵۹
 پشت دلگشا - ۵
 پل آدینه علی - ۳۴۵
 پل روم [قریه ...] - ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۵
 ۵۳۶
 پیر اشکار کلاته - ۳۵۱
 پیر بالا = مقبره پیر - ۲۳۰
 پی کله - ۲۹، ۲۹۲
 ت
 تاجر آب - ۳۸
 تاریکی [قریه ...] - ۵۴۷
 تبرک خانم (دختر میرضیاء الدین محمد حسینی شیرنگی) - ۱۳
 تبریز - ۴۳۱
 تپه رستم وال - ۳۴۰
 تپه قبران - ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۷
 تپه قوجانی - ۳۴۵
 تپه میرزا اشرف - ۷۹
 تخت داروغه (در محله میدان استرآباد) - ۸۷
 ترکمان یموت - ۴۴۸
 ترنگ (از دهکده های استرآباد رستاق) - ۶۳، ۲۷۷، ۳۱۷
 تفنگچیان قدردان از چهار دانگه - ۴۵۹، ۴۶۰
 تقی آباد = اشتامهین - ۳۴۰، ۳۴۵
 تقی آبادی - ۳۴۲
 تقی بن آقا حسین خالواکبر [آقا ...] - ۵۵
 تقی بن صادق بن سید محمد طاهر الحسینی [میرزا ...] - ۱۹۹، ۲۰۰، ۳۶۰
 تقی الدین محمد [آقا میر ...] - ۳۲۹
 تقی الدین محمد بن معز الدین محمد - ۴۸۷، ۴۸۹
 تقی زرگر ساکن شهر - ۳۲۰
 تقی میر کریمی [آقا سید ...] - ۲۵۰
 تکیه سرپیر - ۵۵۷
 تلو کلاته - ۱۵، ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۳۰
 تنگه طالب - ۱۰
 توشن [قریه ...] - ۴۷۸
 تیمور محله [قریه ...] - ۵۴۷
 ج
 جاده قریه ترنگ - ۱۳
 جامی خوان - ۵۴۳
 جانعلی سنگدوینی - ۲۳
 جبار بن ربیع - ۶۶
 جرجان - ۵۲۷
 جعفر [آقا سید ...]، (از موقوف علیهم قریه میر و محله درسال ۱۳۴۰ قمری) - ۲۰۵، ۲۰۸
 جعفر [مشهدی ...]، (از پیر مردان قلندر محله) - ۲۹۱
 جعفر [میرزا ...] - ۲۰۴
 جعفر بن آقا رمضانعلی وکیل التجار استرآباد (آقا میرزا ...] - ۲۰۵، ۲۰۶
 جعفر بن آقا سید صادق [آقا سید ...] - ۲۱۴
 جعفر بن علی العاملی - ۶۴
 جعفر الحسینی [آقا سید ...] - ۲۴۹
 جعفر شهری الاصل [آقا ...] - ۳۵
 جعفر الصادق [امام ...] - ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷
 ۴۳۸
 جعفر قلی آقا (واقف نیم دانگ آهنگر محله) - ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶
 جعفر قلیخان قاجار - ۱۳۰
 جلال [حاجی سید ...] - ۲۳۵
 جلال ازرك مازندران - ۴۷۰، ۴۷۱، ۵۴۷

- جماعت اکراد - ۲۱۹.
- جماعت حاجیلر - ۲۱۹.
- جماعت میان بلوکی - ۲۱۹.
- جمال [آقا...]، (مالک یساقی) - ۳۵۴.
- جمال [آقامیرزا...]، (از پیر مردان مرزنکلاته) - ۲۸۵.
- جمال [آقا میرزا ...] ، (از موقوف علیهم مرزنکلاته) - ۳۲۸، ۱۷۰.
- جمال الدین حسن بن کمال الدین حسین بهرام - ۲۲۹، ۲۲۶.
- جمال الدین محمد حسین شیرنگی - ۲۸۰، ۲۹.
- جمال الدین محمد ولد میرزا صدرالدین محمد تیرکا [میرزا...] - ۳۲۱.
- جمال الدین محمود آزادی - ۷.
- جمال عقیلی مجتهد [آقاسید...] - ۵۶۰.
- جمال قانچی [میرزا...] - ۲۲۰.
- جمال گلشنی - ۶۶.
- جمشید (از رعایای سعدالله خان) - ۳۵۲.
- جمشیدخان - ۳۲۱.
- جمشید وطنی - ۲۱۹.
- جنگل سفیددار - ۳۳۷، ۳۴۵.
- جنگل قوچانی - ۳۲۷.
- جواد [آقا سید...]، (از سادات دراز کیسو) - ۴۱۳، ۳۶۷، ۳۵۷، ۳۳۶، ۱۷۰، ۱۴۶.
- جواد فندرسکی - ۷۷، ۸۲.
- جهان خانم (دختر مهدی قلی خان قوانلو) - ۵۱.
- جهانسوز میرزا امیر تومان [شاهزاده...] - ۱۴۸.
- جهان نما - ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳.
- ۱۹۲، ۱۹۵، ۲۰۰، ۳۶۴.
- چ
- چالکی - ۴۷۷.
- چاله باغ [موضع...] - ۵.
- چپلانی = چوپالانی = چوپلانی - ۴۱۴، ۱۲۲.
- چشمه سار جلالی - ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱.
- چشمه سار قوچانی - ۱۰۵.
- چشمه سیاه پوست (از دهکده های سدن رستاق) - ۳۵.
- چشمه علی دامغان - ۵۴۱.
- چشمه متال کرد - ۵۸.
- چلابی [قریه...] = جلالی - ۸.
- چوپالانی [قریه...] = چوپلانی - ۲۲۵، ۱۳.
- ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۰، ۳۰۸.
- چوپلان = چوپلانی (نویسنده یاء را نسبت دانسته است) - ۴۵۲.
- چوپلانی = چوپالانی (از دهکده های استراباد رستاق) - ۱۴۶، ۱۲۲، ۱۲۰، ۱۰۵، ۹۸.
- ۱۷۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴.
- ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۵.
- ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۶۲.
- ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱.
- ۲۷۵، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۳۰۹.
- ۳۱۰، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۶، ۳۴۰.
- ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶.
- ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰.
- ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۹۹.
- ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۱۳، ۴۱۷.
- ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۳۲، ۴۴۱، ۴۴۳.
- ۴۴۶، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۸۱، ۳۸۲.
- چهار باغ شاهکوه - ۴۰۱.
- چهاردا نکه هزار جریب - ۴۵۹.
- چهار دره کوه نشا - ۱۰.
- چهل خاک - ۳۳۰.

ح

- حاجی آقا بن حاجی آقا محمد حسن (از مالکان
یساقی) - ۳۵۴، ۳۵۵.
حاجی بابا [ملا] - ۸۵.
حاجی بابای زرگر [استاد] - ۷۰، ۷۱.
حاجی بابا عرب بسطامی - ۷۴.
حاجی خان ساکن قریه کشته - ۳۲۰.
حاجیلر [حاکم] - ۴۵۹.
حاجیلر [محال] - ۲۳۰.
حاجی محمد [کربلائی] - ۲۵۸.
حاجیه خانم (دختر کربلائی علی خان آقای
قاجار سپانلو) - ۱۶۷.
حافظ باغ نوی - ۷.
حافظ محمد معرف - ۲۲۹.
حبیب الله [حاج سید] - ۳۶۸.
حبیب الله بك غلام پیشخدمت - ۴۳۱.
حبیب الله بن میرزا محمد فندرسکی [میرزا] -
۲۴.
حرمسرای عمارات شاهی در شهر استرآباد -
۵۲۴، ۵۲۷.
حسن - ۱۲۶.
حسن [آقا] - ۱۲۸.
حسن [آقا سید ...]، (متولی شرعی املاک
موقوفه حاجی شیخعلی بهرام) - ۵۷۳.
حسن [آقا شیخ] - ۳۰۶، ۳۷۲.
حسن [کربلائی] - ۱۸۷.
حسن آباد [قریه] - ۱۱۴، ۴۹۷.
حسن اوقدی تلو کلائی (شاید روغدی) - ۲۲۳.
حسن بن حسن کلائی - ۲۲۱.
حسن بن قاسم قانچی - ۲۲۰.
حسن بن محمد صادق [کربلائی] - ۱۷۶.
حسن بن ملاجعفر شبیه خوان نوچمنی - ۱۶۵.

- حسن الحسینی بن آقا سید احمد [میرزا] -
۳۳۱.
حسن الحسینی الفندرسکی [آمیرزا] - ۷.
۸.
حسن خان (برادر ملا محمد علی اشرفی امام -
حمعه استرآباد) - ۲۵۵، ۴۴۴.
حسن خان بن مرتضی قلی خان قاجار [آقا] -
۱۷۴.
حسن خان بن مهدی قلی خان قوانلو [حاجی] -
۵۱، ۵۳.
حسن دراز گیسو [آقا]، (از موقوف علیهم
قریه میرمحل در سال ۱۳۴۰ قمری) -
۲۰۵.
حسن زواره [آقا سید] - ۷۷.
حسن سلطان الذاکرین [آقا] - ۲۸۸، ۲۸۹.
حسن شهری استرآبادی [آقا] - ۴۰.
حسن عطار [سید] - ۴، ۵.
حسنعلی خوانساری [آقا] - ۴۶۱.
حسنعلی شانه بند سمرقندی - ۲۲۳.
حسنعلی موسوی - ۱۵۰.
حسین [آقا] - ۲۸.
حسین [آقا] - ۴۱۵.
حسین [آقا]، (اخوی آقا محسن) - ۵۵۰.
حسین [آقا]، (پسر ملک کاظم) - ۳۴۰، ۳۴۱.
۳۴۲، ۳۴۳.
حسین [آقا سید] - ۲۴۷.
حسین [حاجی سید] - ۲۴۲، ۳۱۶.
حسین [کربلائی]، (از پیر مردان ورسن) -
۲۹۱.
حسین [کربلائی سید] - ۲۵۸.
حسین [مشهدی]، (از پیر مردان مرزنکلاته) -
۲۸۵.

- حسین [ملا...]- ۳۱۶
 حسین [میرزا...]- ۹۳
 حسین [میرزا...]- ۲۶۷
 حسین آباد = شوکت آباد - ۹۴، ۹۶
 حسین آباد [معروف به قوری چای] - ۵۳۲، ۵۳۴
 حسین آقا بن قاسم خان آقا دباغ - ۱۹۳
 حسین استرآبادی ولد مولانا علی کلانی - ۸
 حسین امین الضرب [حاجی...]- ۲۰۸
 حسین بن سید احمد خالو [آقا سید...]- ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۶
 حسین بن صالح - ۲۷
 حسین بن عبدالله شیرسوار - ۴
 حسین بن علی علیه السلام - ۴۹۸، ۴۹۷، ۴۸۹، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۶، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۳۲
 حسین پسر زن امیر خان (از رعایای سعدالله خان) - ۳۵۲
 حسین توکل [حاجی ملا...]- ۲۵۸
 حسین تیر تراش ساکن امیرده - ۳۱۹
 حسین جاینی - ۲۷۵، ۲۸۳
 حسین حاجی ملارضا [ملا...]- ۲۵۸
 حسین حاجی هادی - [آقا...]- ۲۳۵
 حسین الحسینی [سید...]- ۲۶۶، ۲۶۷
 حسین خالواکبر [سید...]- ۵۶، ۴۷۷
 حسین خان [حاجی...]= میرزا حسین پیشکار - ۴۷۶، ۴۷۷
 حسین خان آقا بن مرتضی قلی آقا قاجار - ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۳
 حسین نواره ای [آقا سید...]- ۸۱
 حسین شمس آبادی [میر...]- ۲۸۵
 حسین طباطبائی [آقا سید...]- ۷۳
 حسینعلی - ۱۲۶
 حسینعلی مرزبان کلانه ای - ۳۲۰
 حسینعلی موسوی - ۵۶، ۵۷
 حسینعلی میان بلوکی - ۲۲۱
 حسینقلی خان (متولی موقوفات محمدقلی خان مصباح نظام) - ۵۶۱
 حسینقلی ساوری [آقا...]- ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳
 حسین لمسکی - ۲۸۸
 حسین مجتهد [آقا میرزا...]- ۵۴۹
 حسین میر شاهی [خواجه میرزا...]- ۱۲
 حسین ناتلی - ۲۲۰
 حسین هروی [میرزا...]- ۴۸۳
 حضرات انصاری - ۳۳۸، ۵۴۶
 حقایق کخبی - ۵۷۷
 حقایق یالو (از دهکده های توابع) - ۱۵۴، ۵۴۸
 حق الارض قنوات دانگلان - ۳۶۱
 حق ویردی حاجیلر - ۲۳۲
 حلیمه خاتون بنت ابوطالب فندرسکی - ۲۴
 حمام بزرگ محله کاسه گران استرآباد - ۱۵۷
 حمام چشمه = حمام محله سرچشمه استرآباد - ۸۳
 حمام شاه در استرآباد (از ابنیه شاه عباس است) - ۴۴۹
 حمام کاسه گران در شهر استرآباد - ۱۱۲، ۱۱۳، ۵۴۲
 حمام کنش دوزان (موقوفه دوازده خانواده سادات فقرا) - ۴۷۸
 حمام کوچک محله کاسه گران استرآباد - ۱۵۷

خانۀ جعفرقلی خان درمیان قاپی گذر سر پیر
استرآباد - ۱۹۳.
خانۀ حاجی کر بلائی علیخان واقع در بلدۀ
استرآباد - ۱۶۷.
خانۀ حاجی محمد مهدی بن کر بلائی محمد -
حسین - ۱۳۶، ۱۴۰.
خانۀ حاجی میر موسوی بن ابو جعفر موسوی
عفیدی - ۱۳۷، ۱۴۰.
خانۀ حاجی نجار - ۵۸۲.
خانۀ سرای ملا محمد خراسانی - ۴۸۸.
خانۀ سید هندی - ۷۵.
خانۀ شفیع غلام - ۱۱۹.
خانۀ کر بلائی غلامرضا بن کر بلائی علی محمد -
۱۰۸.
خانۀ محمد خان در محله نعلبندان - ۱۱۸.
خانۀ مشهدی عباس زیارتی - ۱۱۹.
خانۀ ملا محمد یوسف سر کلاته ای - ۱۴۰.
خانۀ میرزا حسابی - ۴۸۷، ۴۸۸.
خانۀ نورعلی آقا - ۱۱۹.
خانۀ واقع در گذر میر کریمی محله میدان
استرآباد - ۱۸۹.
خانۀ واقع در میان قاپی گذر سر پیر - ۱۸۴،
۱۹۳.
خدا بخش ساکن قریۀ تلو کلاته - ۳۲۱.
خداداد - ۲۹، ۲۴۷، ۲۴۸.
خداقلی قانچی - ۲۲۰.
خدیدجه - ۲۱۵.
خدیدجه خانم (همشیرۀ محمد تقی خان قوانلو) -
۵۰.
خسروآباد - ۲۴، ۲۵.
خشک رود - ۴.
خلف جهان بگلو [ملا...] - ۲۳۱.

حمام محله سرچشمۀ استرآباد = چشمه - ۴۹،
۸۳.
حوا خانم (از وراث احمدخان شامبیاتا) -
۸۸.
حیدرآباد - ۴۸۰.
حیدر بك [قریۀ...] = نفتخواجه - ۳۳۳،
۳۳۵.
حیدر بن مولانا عالم شیخ استرآبادی [مولانا...] -
۳.
حیدرقلی آقا بن حاجی کلبعلی آقاسپانلو قاجار
[ملا...] - ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴.
۳۰۶، ۳۰۷.

خ

خالو باقر - ۲۴۲.
خان بذرك - ۷۵.
خانجان [حاجی میرزا...]، (کار گزار عباس
خان بیگلربیگی) - ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۹.
۴۳۲، ۴۳۳، ۵۸۴.
خان خانان - ۲۵۶، ۳۴۴، ۴۰۵، ۴۲۳،
۵۸۳، ۵۸۴.
خانعلی [مشهدی...] - ۲۶۹.
خاقلی حاجیلر - ۱۹.
خان محمد (از رعایای سعدالله خان) - ۳۵۱،
۳۵۲.
خان محمد بیگ پنجاه باشی - ۳۴۱.
خانم ننه (دختر میرزا مستقیم لشکر نویس) -
۱۸۱.
خانۀ آقا اسدالله موسوی عفیدی - ۱۳۷، ۱۴۰.
خانۀ آقا محمد کوشیر - ۳۱۹.
خانۀ آقا حاجی شله - ۵۴۳.
خانۀ آقائی علاقہ بند - ۵۴۱.
خانۀ ابراهیم کر بلائی نصیر - ۱۳۶.

- ۱۱۳
 دکان کربلائی موسی در بازار کهنه - ۱۱۳، ۱۱۲
 دکان محمد کریم آقا قاجار در بازار کهنه -
 ۱۱۳، ۱۱۲
 دکان مسکونه زین العابدین - ۱۵۶
 دکان مسکونه کربلائی مهدی - ۱۵۷
 دکان واقع در گذر سوخته چنار بازارنو - ۷۰
 دماوندی - ۵۸۱
 دماوندیها - ۴۴۳
 دنگلان میرزائی - ۱۵۰
 دنگلان میرزینل - ۱۴۳، ۱۵۰، ۲۱۰، ۳۶۱
 دوچنار (سامان میر و محله و چوپلانی) - ۲۴۵
 ۲۴۶، ۲۴۷
 دودانکه (از دهکده های استرآباد رستاق) -
 ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۷۵، ۵۴۷
 دودانکه [مزرعه ...] - ۳۳۰
 دودانکه (در دهنه رامیان) - ۵۳۷
 دودانکه اترآجال - ۲۰۲
 دوست محمد عاملی - ۲۳۳
 دهنه شصت کلاته - ۲۹۵، ۲۹۶
 دهنه قریه رامیان - ۵۳۴
 ر
 راسته بازار کهنه استرآباد در محله میدان -
 ۸۶، ۸۷، ۱۲۴، ۱۵۶
 راضیه بیگم (همشیره محمد ابراهیم) - ۴۳
 راضیه خانم (دختر میرزا حسین آقا) - ۱۴۸
 رامیان - ۲۳۰، ۵۳۵، ۵۳۶
 ربابه خانم (از اخلاف حاجی محمد حسن آقا
 یاغچی قاجار) - ۱۵۲
 ربابه خانم دختر عبدالله بن کربلائی نصیر -
 ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲
 ربابه خانم دختر میرزا مقیم لشکری نویس -
 باشی - ۳۷۱
 خلیل خان پسر مهدی قلی خان قوئلو - ۵۱
 خلیل خان یان سری - ۱۴۳، ۱۴۴
 خندق آب دیوان - ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۴۰
 خواجه رنگوز کشته ای - ۳۲۰
 خیابان سنگ چین برسیج - ۳۳۰
 خیابان شمس آباد - ۱۷۰، ۳۴۵
 خیابان ولاشاد - ۳۴۵
 ۵
 دارالشفای رضوی - ۵۶۱، ۵۶۲
 داریکاب = داریکه آب (مرزشرقی چوپلانی) -
 ۱۴۷، ۱۷۰، ۳۳۰
 دالانسر [اراضی ...] - ۳۳۰
 دالانه سرچنار - ۳۳۰
 درب قانچیان - ۵
 درخت اوجا (رامان) - ۲۸۷
 درزی کلاته - ۵، ۶
 دروازه بسطام (از دروازه های استرآباد) -
 ۱۵۷، ۱۸۴، ۵۲۹، ۵۳۱
 دروازه چهل دختران (از دروازه های استرآباد) -
 ۱۱۲، ۱۵۷، ۱۵۸
 دروازه مازندران - ۱۰۳
 درویش بابو کشته ای - ۳۲۰
 درویش عرب آمیردهی - ۳۲۰
 درویش علی پلا سری - ۶۶
 دره آقا یورت - ۱۰
 دره سیاوستان - ۳۴
 دکان حاجی احمد - ۳۱
 دکان رحیم قنصول (در گذر کاسه گران استرآباد) -
 ۱۱۳
 دکان سید لطیف - ۱۰۸
 دکان صابون پزی آقا اسماعیل شهری - ۳۱
 دکان کربلائی محمد کاظم در بازار کهنه - ۱۱۲

- رباطو - ۳۳۰.
- ربیع فندرسکی [میرزا...] - ۸۲، ۷۷.
- رجب آهنگر بن عباسعلی [مشهدی...] - ۱۸۴، ۱۸۷.
- رجبعلی (از پیرمردان مرزکلاته) - ۲۸۵.
- رحیم [آقا...] - ۴۱۵.
- رحیم [آقا...] - ۳۱۶.
- رحیم [آقا...]، (از سادات بنی مفید) - ۳۸، ۲۷۴، ۲۷۲.
- رحیم ارباب [آقا...] - ۵۴۵.
- رحیم بن کر بلائی محمد حاجی حسین [آقا...] - ۲۵۸.
- رحیم خان بن جعفر قلی خان قاجار [کر بلائی...] - ۱۵۲، ۱۳۰.
- رحیم خان بن مهدیقلی خان قوائلو - ۵۱.
- رحیم خان قاجار قراپانلو [کر بلائی...] - ۱۸۶.
- رحیم دولوی قاجار [حاجی...] - ۵۰۲.
- رحیم ماهرودی [حاجی...] - ۷۳.
- رحیم موسوی [آقا...] - ۲۶۳.
- رستم - ۱۲.
- رستم کلاته (از دهکده‌های استرآباد رستاق) - ۴۶۹، ۴۶۸، ۶۵، ۸، ۳.
- رستم وال - ۳۴۰.
- رستم وطنی [ملا...] - ۲۳۲.
- رضا [آقا...] - ۵۴۶.
- رضا [آقا سید...]، (از سادات بنی مفید) - ۵۵۱، ۵۵۰، ۲۷۴، ۲۷۲، ۲۱۵.
- رضا [حاج ملا...] - ۳۵۳، ۳۱۶، ۳۱۵.
- رضا - ۵۷۱، ۴۴۵، ۴۳۰.
- رضابن آقا میرروح‌الله استرآبادی [آقا سید...] - ۲۶۲، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۳۵، ۳۰.
- ۲۶۶، ۲۶۳.
- رضا جعفری [آقا میرزا...] - ۲۵۹.
- رضا الحسینی [آقا...] - ۲۶۶، ۲۱۳.
- رضا خان دولوی قاجار [حاجی...] - ۵۶۶.
- رضا خان قوائلو (حاکم استرآباد) - ۳۱۱، ۳۱۰.
- ۳۱۲، ۳۱۳، ۴۰۰، ۴۴۴، ۴۴۵.
- رضاعلی چپاکندی استرآبادی مشهور به مقدس [لا...] - ۴۴۴، ۴۴۳، ۲۶۷، ۲۵۰، ۲۴۹.
- رضاقلی آقا زیادللو - ۱۰۱.
- رضا قلی خان - ۱۲۹، ۱۲۸.
- رضای کارکنه‌ای [آقا شیخ...] - ۲۸۹، ۲۸۸.
- رضوان [کر بلائی...]، (از پیرمردان قلندر - محله) - ۲۹۱، ۲۸۷.
- رفیع [آقا...] - ۳۲۲.
- رفیع خان - ۸۰.
- رفیع‌الدین محمد خادم حسینی - ۱۴.
- رفیع‌الملک [میرزا...] - ۳۳.
- رفیع موسوی بن سید مفید - ۲۳۵.
- رقیه بانو دختر نجف آقا بن مرتضی قلی آقا قاجار قراموسلو - ۱۹۳.
- رقیه بیگم [سیده...] - ۸، ۷.
- رقیه خانم (از اخلاف حاجی محمدحسن آقا یاغچی قاجار) - ۱۵۲.
- رقیه خانم زوجه محمد ولی میرزا - ۸۰، ۷۶.
- رکن‌الدین محمد الحسینی - ۲۲۹، ۱۳، ۵.
- رمضان [مشهدی...]، (از پیرمردان قلندر محله) - ۲۹۱، ۲۸۷.
- رمضانعلی وکیل‌التجار استرآباد [آقا...] - ۲۰۸، ۲۰۵.
- روح‌الله الحسینی استرآبادی [میر...]، (از سادات دراز گیسو) - ۲۲۷، ۲۰۸، ۲۰۵.
- ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۲، ۳۶۸.

- رود تلو کلاته = رود ترنگ - ۳۱۹، ۳۱۸.
 رودخانه انگرم - ۲۱۱.
 رودخانه بز دومان - ۷۹.
 رودخانه تاریکی - ۵۴۶.
 رودخانه ترنگ = رودخانه مکو کلاته - ۱۳، ۶۳، ۳۱۸، ۴۴۵.
 رودخانه تلو کلاته - ۳۱۹، ۳۱۷، ۲۷۷.
 رودخانه تول چشمه - ۱۰۳.
 رودخانه جلالی - ۵۴۸.
 رودخانه چکل = آب چشمه چکل - ۱۲۶.
 رودخانه خرمارود - ۱۰.
 رودخانه خوشاب - ۷۲.
 رودخانه دهنه شست کلاته - ۱۹۷، ۱۹۸، ۵۴۵، ۵۴۸.
 رودخانه دهنه نردبان - ۲۲.
 رودخانه سرخ محله - ۵۵۶.
 رودخانه سیاه جو [ب] - ۲۱، ۷۸، ۷۹، ۸۰.
 رودخانه شست کلاته = رودخانه دهنه شست - ۵۷۳، ۵۶۱، کلاته.
 رودخانه قدمگاه خضر - ۵۴۶.
 رودخانه قراتکین - ۲۱.
 رودخانه قوچانی - ۱۰۵.
 رودخانه کر - ۵۳۶، ۵۳۵.
 رودخانه کشته - ۳۱۹، ۳۱۷، ۲۷۷.
 رودخانه میان دره - ۶۸.
 رودخانه میرمحله - ۴۰۰.
 رود دهنه شست کلاته = رودخانه شست - ۱۵۴، کلاته.
 رود سرخ محله = رودخانه سرخ محله - ۷۲.
 روستاق [قریه...] - ۶۵.
 روستایی محله - ۸.
 روشن آباد (از دهکده‌های سدن رستاق) - ۸۹.
- ۹۰، ۴۶۰، ۴۶۱.
 ریاست وزرا - ۴۵۴.
 ز
 زال - ۲۳.
 زال تپه - ۲۹۲، ۲۹۰.
 زرین کول - ۵۳۶.
 زمان [کربلائی...] - ۲۸۷.
 زمین آقا صدرالدین - ۱۵۷.
 زمین حاجی محمدصادق - ۱۵۷.
 زمین عباس آباد - ۳۷۸.
 غمین محمدحسین سنجدی - ۳۴۱، ۳۴۰.
 زهرا بیگم بنت آقا سید میر عبدالله - ۵۳۴.
 زینب خانم - ۵۰.
 زینب‌نسا بیگم - ۳۳.
 زین العابدین [آخوند ملا...] - ۳۸۶.
 زین العابدین بن محمدباقر کتابدار - ۳۳۴.
 زین العابدین بن میر عبدالنفار [میر...] - ۲۹.
 زین العابدین الحسینی [آقا میر...] - ۶۴.
 ۲۶۴، ۲۶۶، ۳۹۴، ۵۶۴.
 زین العابدین سمیع عطار - ۱۰۷.
 زین العابدین موسوی حسینی [حاج میر...] - ۴۹۰، ۲۶۳، ۲۴۲.
 زینل مزرعه کنیزک - ۸۰.
 س
 سادات چغری - ۴۸۵، ۴۸۴.
 سادات چوپلانی - ۴۵۲، ۲۷۰.
 سادات حسینی = سادات درازگیسو - ۱۲۲.
 سادات درازگیسو - ۱۰۵، ۱۴۶، ۲۰۴، ۲۰۸.
 ۲۸۴، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۱۳، ۴۲۲.
 سادات شیرنگی - ۱۰۵، ۱۰۶، ۴۲۲.
 سادات مرزاکلاته - ۲۷۰.

- سادات مفیدیها - ۲۷۱.
- سازا خانم دختر آقا محمدعلی - ۲۱۴.
- ساره خانم دختر میرزا حسین آقا - ۱۴۸.
- ساری - ۱۲۲، ۱۲۳، ۳۵۷، ۳۹۷، ۴۱۱، ۴۲۹، ۵۱۷، ۵۸۴.
- ساعداالدوله - ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۸۰.
- سامان قریهٔ مرزبانکلته - ۳۶۹.
- سبزعلی ساکن قریهٔ رباطو - ۳۲۱.
- ستوه ولندان - ۷۹.
- سدن [قریه...]- ۳۰۳.
- سدن رستاق [بلوک...]- ۳۵، ۴۱، ۶۷، ۸۹، ۹۰، ۱۱۰، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۹۷، ۳۰۲.
- ۳۰۴، ۵۵۳، ۵۶۱، ۵۷۳.
- سراب مرزنکلته - ۳۳۱.
- سراجایگاه شمس الدین زنگی - ۶.
- سراشعقلی استرآبادی کردمحلی [سید...]- ۳۷۶.
- سرپند بدران - ۲۱.
- سرچشمهٔ سفیدروی = برزاجرد - ۷۹.
- سرحدات دشت قبیچاق - ۵۰۸.
- سرخنکلته خالصه (= سرخانکلته) - ۲۸۴، ۲۸۵.
- سرخونکلته = سرخنکلته = سرخانکلته (از دهکده‌های دارالمؤمنین استرآباد) - ۵۳۴، ۵۳۵.
- سردار بیگ رسکتی - ۲۸۱.
- سرتاق (از دهکده‌های انزان استرآباد) - ۴۴۲، ۵۱۸، ۵۲۲.
- سرکلته [قریه...]- ۵۴۵.
- سعادت بیگم دختر محمدشریف مفیدی - ۱۷۸، ۱۸۰.
- سعدالله خان بن علی نقی خان سرتیب موسوی فندرسکی - ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۳.
- سعدالله خان بن میرزا علی قلی خان - ۳۵۱.
- سعدالله الموسوی [سید...]- ۲۶، ۲۷، ۵۸، ۶۰.
- سمید سهام استرآبادی [آقا...]- ۳۳۳.
- سقاخانهٔ محلهٔ نعلبندان (از بناهای محمد قلی میرزا ملک آراست) - ۵۰۹.
- سکینه دختر حاجی محمدقلی [کربلایی...]- ۳۸۵.
- سکینه بیگم دختر میرمحمدخان سرتیب - ۳۸۷، ۳۸۵.
- سکینه خانم بنت حاجی محمدقلی - ۱۱۶.
- سلطان آباد (از دهکده‌های استرآباد رستاق) - ۵۰۶، ۵۰۸.
- سلطانعلی تات - ۲۲۳.
- سلطانعلی بن محمدباقر بن محمدرضا هزار - جریبی - ۱۵۹.
- سلطان کربلایی تلو کلائی - ۲۲۳.
- سلطان محله - ۳۱۸.
- سلطان محمد - ۶۵.
- سلطانمحمدالحسینی [ملا...]- ۲۲۹، ۲۷۹.
- سلیمان خان قوانلوی قاجار (پدر سلیمان خان خان خانان) - ۳۸۳، ۳۸۴، ۵۳۰.
- سلیمان خان ملقب به خان خانان (حاکم استرآباد) - ۴۸۲، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۲۹، ۵۳۰.
- سلیمه بیگم بنت حاجی آقا کوچک موسوی - ۸۵.
- سنگدوین [قریه...]- ۲۰، ۲۱، ۲۲.
- سنگستان (از مزارع برزمهین) - ۷۸.
- سوته ده - ۱۶۷، ۱۶۸، ۳۰۰.
- سوته کلته = قلعهٔ محمودآقا - ۳۸.

- سوخته سرای کبود جامه - ۹، ۱۰، ۱۸، ۲۱۹،
 ۲۲۱، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳.
 سوردست شهر استراباد - ۵۲۹.
 سهام الدوله - ۴۷۸.
 سهم حاجی کلبعلی خانی (از سوت ده و کلفرا) -
 ۳۰۰.
 سیاه آب (طرف شرقی آزاد محله) - ۲۹۰، ۲۹۲.
 سیاه رودبار - ۵۳۶.
 سید دامغانی [آقا...] - ۳۳۹.
 سید کلاته [قریه...] - ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۵،
 ۵۳۶.
 سید کلاه = سید کلاته - ۵۳۶.
 سید میران [قریه...] - ۳۷۳، ۳۷۴.
 سیده بیگم - ۵۶۳.
 سیف الدین کمانگر استرابادی [خواجه...] -
 ۵.
 ش
 شاه بیگ کشته‌ای - ۳۲۲.
 شاهرخ - ۵۰.
 شاهرخ بن ابراهیم بن مهدی قلی خان - ۴۷۴.
 شاهرخ خان صاحب اختیار استراباد - ۴۰۸،
 ۴۴۶.
 شاهرود [مزرعه...] - ۴۷۲.
 شاهزاده محسن = معصوم‌زاده چهارشنبه (از
 معصوم‌زادگان استراباد) - ۱۰۸.
 شاهسوار بن خواجه میرزا حسین میرشاهی -
 ۱۲.
 شاه عباس صفوی - ۴۴۹.
 شاه علی - ۲۲۷.
 شاه محمد [کربلایی...] - ۲۴۳، ۲۴۴.
 شاه محمد دباغ گیوآبادی - ۲۳۸.
 شاه محمد کربلایی - ۲۲۳.
 شاه محمد کیقبادی - ۲۷۸.
 شاه محمد میان بلوکی [کربلایی...] -
 ۲۳۳.
 شاهمیر محمد شفیع مرزبان کلاته‌ای - ۳۲۲.
 شرح جامی - ۵۴۳.
 شرف باغ - ۱۴۳.
 شرف الدین محله [قریه...] - ۵۱۸.
 شرف نسا خانم بنت مصطفی قلی خان قاجار -
 ۱۴۳، ۱۴۴.
 شریف بیگ یساقی - ۱۰۷.
 شریف کمانگر محله‌ای [کربلایی...] - ۲۷۷،
 ۳۲۰.
 شعبان [کربلایی...] - ۴۸۴، ۴۸۵.
 شفیع [آقا...] (از اسادات دراز گیسو) - ۳۶۸.
 شفیع [کربلایی...] - ۲۸۵.
 شفیع آباد - ۵۳۶.
 شفیع غلام [کربلایی] - ۲۴۴.
 شکرالله خان اصفهانی الاصل - ۸۲.
 شمس آباد (از دهکده‌های اطراف چوپلانی) -
 ۲۸۴.
 شمس الدین بهرام استرابادی [مولانا...] - ۳.
 شمس الدین زنکی - ۶.
 شمس الدین علی بن درویش علی پلاسی - ۶۶.
 شمس الدین محمد بن خواجه سیف الدین کمانگر
 استرابادی - ۵.
 شمس الدین محمد سوکندی - ۵.
 شمس علی درخدی [کربلایی...] - ۳۲۱.
 شمس کمانگر کشته‌ای - ۳۲۰.
 شوار دباغ = قنات سرواز - ۲۳۷.
 شوار سنجدگله - ۷۹.
 شوار کنار جنگل سفیددار - ۲۳۸.
 شوکت آباد = حسین آباد - ۹۴.

صادق سلطان کردمجله ای (متولی موقوفه آقا محمد خان قاجار) - ۴۹۲، ۴۹۴.

صالح [آقا شیخ...] - ۳۷۲.

صالح الدین تمسکینی - ۳۰۹.

صالح سراج کشته ای - ۳۲۲.

صالح مازندرانی ساکن کشته [ملا...] - ۳۲۲.

صحاف - ۴۹۶.

صحرای کر بلا - ۵۳۴.

صدرالدین [آقا...]، (ازمالکان یساقی) - ۳۵۴.

صدرالدین محمد بن محمد باقر الحسینی - ۲۲۶.

سفارالله ویردی (ازرعایای سعدالله خان) - ۳۵۲.

سفار رجب (ازرعایای سعدالله خان) - ۳۵۲.

سفار میرزا فتح الله خان - ۳۷۱.

سفرا خانم دختر آقا محمد علی - ۲۱۴.

صفر - ۱۲۶.

صفر (ازرعایای سعدالله خان) - ۳۵۲.

صفر جاییی [ملا...] - ۲۷۵، ۲۸۲.

صفر علی - ۲۸۵.

صفر علی بن کر بلائی شاه محمد [ملا...] - ۲۴۴.

سفی [آقا...] - ۳۲۲.

صفی خان (ازرعایای سعدالله خان) - ۳۵۲.

صفی خان [کر بلائی...]، (ازپیرمردان قلندر

مجله) - ۲۹۱.

صمد [میرزا...] - ۴۱۷.

ض

ضیاء الدین محمد حسینی شیرنکی، ۱۳.

ط

طاحونه ملک ذوالفقار - ۷۲.

طاووس [آقا سید...] - ۲۸۸.

طاووس خانم بنت آقا علی کاشی - ۱۴۱.

طاووس خانم زوجه کر بلائی آقا علی جان - ۱۳۲.

شهاب الدین علی بن خواجه حاجی محمد زرگر استرآبادی - ۵، ۴.

شهر آشوب [قریه...] - ۴۷۸.

شهربانو خانم (ازوراث احمد خان شامبیاتی) -

۸۸.

شهربانو دختر مهدی قلی خان قوانلو - ۵۱.

شهربانو دختر میرزا مقیم لشکر نویسبازی -

۳۷۱.

شیخ آقا استرآبادی - ۵۶۲.

شیخملی [آقا...] - ۴۴۹.

شیخملی بهرام [حاجی...] - ۵۷۳.

شیخملی پیشنماز [آقا...] - ۵۲۲.

شیخملی تخرشی محلی - ۲۹۷، ۲۹۸.

شیر خان بیگ - ۳۴۰.

شیر خان جهان بگلو [کر بلائی...] - ۲۳۲.

شیر خان شمس آبادی بن محمد علی بیگ شمس -

آبادی [کر بلائی...] - ۱۲۰، ۱۲۹،

۲۷۵، ۲۸۲، ۲۸۳، ۳۴۹، ۳۵۰.

شیرین خانم (از وراث احمد خان شامبیاتی) -

۸۸.

شیوار باریک آب - ۴۴۹.

شیوار عباس کردی (در چو بلانی) - ۳۶۸.

ص

صادق [آقا...]، (ازسادات شیرنکی) - ۱۰۵.

صادق [آقا سید...]، (ازسادات درازگیسو) - ۱۷۰،

۲۱۴، ۳۳۱، ۳۴۸، ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۰۱.

صادق بن زین العابدین سمیع عطار [کر بلائی...] -

۱۰۷.

صادق بن سید محمد طاهر الحسینی [آقا...] -

۱۹۹، ۲۰۰.

صادق بن میر بابای چمنی [آقا سید...] - ۱۶۵.

۱۶۶.

طاهر [حاجی آقا سید...]- ۲۸۹.
طاهر آسیاوان [کر بلائی...]- ۲۶۷.
طایفه بای ساکن رامیان - ۵۳۵.
طایفه هروی ها = آقایان هرویها - ۳۰۵.
طلاخانم (اولاد زاده میرزا مقیم لشکر نویسباشی)
- ۱۸۱.

طوبی خانم (عیال علی خان یاور قزاق) - ۴۸۶.
طهران - ۷۲، ۷۸، ۸۱، ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۵۵.
۴۴۴، ۴۵۳.

طهرانی - ۵۲۲.
طهماسب آقا بن نجف آقا - ۱۷۴.
طهماسب دوم [شاه] - ۴۵۹، ۴۶۰.
طیب - ۲۸۸.

ظ
ظهور بن علی طلبه - ۶۴.

ع
عابدین [آقا میر...]- ۲۸۵.
عابدین شبیه ساز [میرزا...]- ۱۵۶.
عاشور جایی [کر بلائی...]- ۲۸۳، ۲۷۶.
عاشور چلبنی [کر بلائی...]- ۲۷۰.
عاشور علی اسماعیل حاجلو - ۲۳۲.
عالمشیر استرابادی [مولانا...]- ۳.

عباس [حاجی...]- (از ریش سفیدان استراباد-
رستاق) - ۲۶۹، ۲۷۰.
عباس [کر بلائی...]- ۵۷۳، ۵۷۰.
عباس [ملا...]- ۴۱۰.

عباس بن علی علیه السلام - ۵۰۹، ۵۱۸، ۵۲۲.
۵۳۱، ۵۲۹.
عباس جعفر آقا - ۲۸۵.

عباس خان بیگلربیگی = بیگلربیگی (حکمران
استراباد) - ۱۲۲، ۲۰۴، ۲۴۸، ۲۴۹.
۲۵۰، ۲۵۵، ۲۵۶، ۳۰۶، ۳۴۶، ۳۹۷.

عباسعلی [حاجی ملا...]- ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۶۵.
۳۱۲، ۴۰۱، ۴۴۴.
عباسعلی [کر بلائی...]- ۴۷.
عباسعلی بن آخوند ملا علی اکبر ملقب به جناب
[آخوند ملا...]- ۱۱۶.

عباسقلی بیگ - ۴۲۰.
عباسقلی خان سرهنگ - ۱۶۷، ۱۶۸.
عباسقلی خان عزالدینلوی قاجار - ۶۷.
عبدالله - ۵۶۵.

عبدالله [حاجی...]- ۲۳۶.
عبدالله [مشهدی...]- (از پیر مردان قلندر محله)-
۲۹۱.

عبدالله بن سید محمد طاهر الحسینی [آقامیرزا...]-
۱۹۹، ۲۰۰.

عبدالله بن کمال الدین حسین الحسینی - ۲۲۶.
عبدالله بن محمود کفشگر - ۲۲۸.
عبدالله بیگ فراش - ۴۸۴.
عبدالله خان حکمران مازندران [آقامیرزا...]-
۱۸۱.

عبدالله خان قراموسی لو - ۳۱۴، ۳۱۵.
عبدالله الحسینی بن میر محمد حاتم [میر...]- ۲۹.
عبدالله زرگر گرجی [استاد...]- ۳۸۵.
عبدالله سردار امجد - ۱۸۳.

عبدالله قاضی [آقا...]- ۵۴۵.
عبدالله کمانگر محله ای [میر...]- ۲۸۰.
عبدالله میرزا [شاهزاده نظام الملک...]- ۱۲۲،
۱۲۳، ۲۹۵، ۳۳۶، ۳۵۷.

عبدالحمید بن میرزا محمد قندرسکی - ۲۴.
عبدالرحمن [آقا...]- (از موقوف علیهم یساقی)-
۳۵۴، ۳۶۷، ۳۶۸.

- عبدالرحیم [آقا...]، (از موقوف علیهم یساقی) - ۳۵۴
- عبدالرحیم [آخوند ملا...] - ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۸۸، ۲۹۲، ۲۹۹
- عبدالرحیم [شیخ...]، (از مالکان دهکده بانعمان) - ۴۷۷
- عبدالرحیم بن خواجه شیخ محمد [خواجه...] - ۴
- عبدالرحیم بن سید محمد - ۷
- عبدالرحیم لمسکی [امیر سید...] - ۵
- عبدالرزاق [آقا...]، (از موقوف علیهم یساقی) - ۳۵۴
- عبدالصمد خان - ۲۸۸
- عبدالصمد میرزا - ۲۹۸
- عبدالمعلی بن نصرالدین - ۴
- عبدالفار [میر...] - ۲۹
- عبدالکریم [آقا...] - ۳۳۳
- عبدالکریم [آقا شیخ...] - ۴۴۹، ۳۷۲
- عبدالکریم [میر...] - ۲۸
- عبدالکریم بن محمد شاه - ۲۲۳
- عبدالکریم تاجر قندهاری - ۸۲
- عبدالمؤمن چالکیانی بن محمد مقیم - ۳۰۹
- عبدالمطلب (عموی پیغمبر) - ۴۳۵
- عبدالمطلب [آقا...]، (از احفاد آقامحمد زکی) - ۶۷
- عبدالمطلب بن قلندریگ ناتلی - ۱۸
- عبد الوهاب دیلمی استرآبادی [آقا میرزا] - ۱۱۴
- عنبات عالیات - ۴۰۷
- عراق (منظور عراق عجم است) - ۴۵۹، ۴۶۰
- عروس خانم (زوجه ملا محمد صالح سید میرانی) - ۱۷۲، ۱۷۳
- عزالدین حسین بهرام - ۲۲۷
- عزالدین علی بن محمد جلیل - ۷
- عزالدین محمد انصاری - ۲۲۶
- عزیر استیکی [ملا...] - ۲۸۰
- عزیز الله کر بلائی رجیبلی - ۲۵۸
- عزیز تلو عزی - ۲۸۰
- عزیز شهبازی [میر...] - ۱۲
- علاءالدین - ۶۶
- علاءالدین بن ابراهیم الشریف الحسینی - ۹
- علاءالدین بن محمد المقلبی - ۲۲۶
- علامه - ۴۳۹
- علمای استرآباد - ۵۲۲
- علوی کلاته (از دهکده ای استرآباد رستاق) - ۰۳، ۰۸، ۰۶۵، ۰۲۲۵، ۰۴۴۲
- علی [آقا سید...]، (از مالکان چوپلانی) - ۱۷۰، ۳۳۶، ۳۶۶، ۴۹۱
- علی [حاجی...] - ۶۶
- علی [کر بلائی...] - ۲۸۷، ۲۸۵
- علی آقا استرآبادی [حاجی...] - ۱۲۲
- علیار بیگ - ۲۲۵
- علیار کشته ای - ۳۲۰
- علی استرآبادی [کر بلائی...] - ۲۷۹
- علی استرآبادی الاصل ساری المسکن [آقا...] - ۳۵۷
- علی اصغر بن آخوند ملا مهر علی [آخوند ملا...] - ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۳۳
- علی اصغر خان بن علیرضا خان قاجار [کر بلائی...] - ۲۰۲
- علی اصغر مفیدی موسوی [آقا...] - ۳۶۱
- علی اکبر [آقا...] - ۴۷
- علی اکبر [ملا...] - ۲۵۲، ۲۶۱
- علی اکبر جناب [آخوند ملا...] - ۹۳، ۹۴، ۱۱۶

- علی اکبر پیازی - ۸۲، ۷۸.
 علی اکبر زیادلو (از ورثه حاجی مرتضی قلی زیادلو) - ۱۱۸.
 علی اکبر خان سرتیب [میر...] - ۳۸۷.
 علی اکبر سعدآبادی [آقا ملا...] - ۱۹۲.
 علی الینکانی [سید...] - ۲۰.
 علی بن ابی طالب علیه السلام - ۴۳۵، ۵۲۶.
 ۵۳۴.
 علی بن حسین - ۲۲۴.
 علی بن عبدالله الحسینی - ۴.
 علی بن غلامعلی [کر بلائی...] - ۳۳۶.
 علی بن موسی الرضا ثامن الائمه - ۴۶۴، ۴۷۸.
 علی بن میر مرتضی تلو کلائی [میر...] - ۲۲۳.
 علی جان گیل ساکن میر و محله - ۲۷۸، ۳۲۰.
 علی الحسینی - ۵۸.
 علی خان [کر بلائی...] ، (برادر ملا حیدر قلی آقا) - ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۰۷.
 علی خان [کر بلائی...] ، (از مالکان سوته ده و کلغرا) - ۳۰۱، ۳۰۰.
 علی خان آقا قاجار دولو - ۱۱۶.
 علی خان آقا قاجار سپانلو [کر بلائی...] - ۱۶۷، ۱۶۸.
 علی خان یاور قزاق - ۴۸۵، ۴۸۶.
 علی دراز گیسو [آقا...] ، (از موقوف علیهم قرية میر و محله در سال ۱۳۴۰ قمری) - ۲۰۵، ۲۰۸.
 علیرضا بن جمال الدین محمود آبادی - ۷.
 علیرضا خان بن علی نقی خان سرتیب موسوی فندرسکی - ۱۲۶، ۱۲۷.
 علیرضا علی آبادی - ۲۳.
 علی ساکن قانچی [میرزا...] - ۲۲۱.
 علیشاه [آقا...] - ۲۸۸، ۲۹۱.
 علی شمس آبادی بن غلام علی [حاجی...] - ۳۵۷، ۳۵۹.
 علی عرب [میرزا...] - ۲۴۳.
 علی عطابن کر بلائی محمد علی [کر بلائی...] - ۲۵۸.
 علیقلی میرزا ملک آرا - ۴۸۲، ۴۸۳.
 علیقلی خان [میرزا...] ، (پدر سعد الله خان) - ۳۵۱.
 علیقلی خان مسعود الملك پسر محمد قلی خان مصباح نظام - ۵۶۱.
 علی کاشی [آقا...] - ۵۳.
 علی کلائی [مولانا...] - ۸.
 علی متولی [آقا سید...] - ۳۶۸.
 علی کیقبادی [حاجی میرزا...] - ۲۸۰.
 علی محمد [استاد...] - ۱۰۱.
 علی محمد [حاج آقا...] ، (از موقوف علیهم یساقی) - ۳۵۴.
 علی محمد آقا (از پیر مردان ورسن) - ۲۹۱.
 علی محمد آقا بن محمود خان بن حاجی رحیم خان دولو - ۵۰۲.
 علی محمد بن آقا حسینعلی ساوری [آقا...] - ۱۶۳، ۱۷۱.
 علی محمد بن محمود بن آقا محسن شیخ الاسلام [آقا...] - ۸۶.
 علی محمد بن ابوتراب موسوی استرابادی - ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۴، ۵۴۸.
 علی محمد نیابن کر بلائی رستم [استاد...] - ۲۵۸.
 علی محمد موسوی - ۵۶۹.
 علی الموسوی [سید...] - ۲۵۹.
 علی نقی آقا قاجار - ۱۵۲.
 علی نقی بنی کریمی [میر...] - ۵۴۹.
 علی نقی خان پسر مهدقلی قوانلو - ۵۲، ۵۳.
 علی نقی خان سرتیب موسوی فندرسکی - ۱۲۶.

- علی نقی قانچی - ۲۲۰۔
 علی نقی موسوی - ۳۵۲۔
 عماد بن میر روح الحسینی استرآبادی [آقامیر...] ۳۰، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۶۸۔
 عماد الدین محمد الحسینی فندرسکی [امیر...] - ۸۔
 عماد الدین محمود - ۷۔
 عماد الدین مسعود بن امیر سید نظام الدین احمد استرآبادی - ۶۴، ۶۵۔
 عمارت سردر - ۵۴۱۔
 عمہ شاہ شہید - ۴۰۷، ۴۰۸۔
 عنایت اللہ ہزارگریبی - ۳۰۱۔
 عوض علی - ۲۷۹۔
 عیسیٰ [آقا...]، (از موقوف علیہم یساقی) - ۳۵۴۔
 عیسیٰ الحسینی - ۱۵۔
 عیسیٰ کندابی [ملا...] - ۲۴۲، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۶۴، ۴۰۱۔
 عیسیٰ مفیدی [آقا میر...] - ۵۵۱۔
 عین الحسنی = عین الحسینی = قنات عین - الحسینی - ۵۴۸، ۵۷۱۔
 غ
 غلام - ۱۲۶۔
 غلام چاپار - ۴۰۵۔
 غلام محسین - ۱۲۶۔
 غلام حسین [حاجی...] - ۱۷۲۔
 غلام حسین [مشہدی...] - ۲۸۶۔
 غلام حسین خان بن کر بلائی محمد رحیم خان قاجار سپانلو - ۱۸۶۔
 غلام حسین خان قاجار قراماسانلو - ۲۰۲۔
 غلام حسین خان ولد علی خان یاورقزاق - ۴۸۶۔
 غلام رضا - ۱۲۶۔
 غلام رضا [کر بلائی میرزا...] - ۱۲۶، ۱۲۷۔
 غلام رضا بن استاد علی محمد - ۱۰۱، ۱۰۲۔
 غلام رضا خان ولد علی خان یاورقزاق - ۴۸۶۔
 غلام ملی خان ولد علی خان یاورقزاق - ۴۸۶۔
 غلام علی شمس آبادی - ۳۵۷، ۳۶۰۔
 غلام ولد امیر خان (از رعایای سعد اللہ خان) - ۳۵۲۔
 غیاث الدین علی بن کمال الدین حسین بہرام - ۶، ۶۴، ۲۲۶۔
 غیاث الدین محمد بن میر کمال الدین محمد - ۱۵، ۱۶، ۲۲۷۔
 غیاث الدین محمد نیاز الحسینی - ۲۲۹۔
 ف
 فارس - ۴۳۷۔
 فاضل [آقامیر...]، (از مالکان جہان نما) - ۳۶۴۔
 فاضلاب - ۲۵۷، ۲۶۱۔
 فاضلاب نہر گرجی - ۲۲۔
 فاطمہ بنت حاجی حیدر ہمسر محمد ابراہیم - ۵۳۔
 فاطمہ بی بی خانم دختر علی نقی آقای قاجار - ۱۵۲۔
 فاطمہ خانم خواہر محمد تقی خان قوادلو - ۵۰۔
 فاطمہ خانم دختر حاجی حیدر - ۱۴۱، ۱۴۲۔
 فاطمہ زہرا سلام اللہ علیہا - ۵۳۴۔
 فتح اللہ [میرزا...]، (مشرک الملک پای قلعہ) - ۵۳۳۔
 فتح اللہ بن آقا ابراہیم الحسینی [آقا...]، (خالوی آقا کوچک مفیدی موسوی) - ۳۶۲۔
 فتح اللہ خان [میرزا...]، (از فرزندان میرزا مقیم لشکر نویس باشی) - ۲۹۴۔
 فتح اللہ خان بن علی نقی خان سرتیب فندرسکی - ۱۲۶، ۱۲۷۔

- فتح الله كفشگری - ۲۸۰.
- فتحعلی شاه - ۳۹۳، ۳۹۸، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۶۸.
- قاسم [کر بلائی...] - ۴۱۷.
- قاسم آباد = گرجی محله سیر کار - ۱۳۲.
- قاسم [آقا سید...] - ۴۷۷.
- قاسم [حاجی میر...] - ۳۴۰، ۳۴۱.
- قاسم حاجیلر - ۲۸۶.
- قاسم الحسینی - ۶۶.
- قاسم خان - ۵۰۴.
- قاسم خان عزالدینلو - ۲۳۴، ۲۳۵.
- قاسم علی ولد ملک محمد حسین فیروز شاه - ۱۳.
- ۱۴.
- قاضی ابوالفضل - ۳۲۳.
- قاضی باغ - ۹۱، ۱۵۸.
- قاضی مسیح - ۳۲۷، ۳۱۸.
- قبرستان استرآباد - ۱۱۹.
- قربان - ۲۳۱.
- قربان [کر بلائی...] - ۵۸، ۵۹.
- قربان [کر بلائی...]، (از پیر مردان قلندر محله) - ۲۹۱.
- قرانعلی آقا (از مالکین لهدوین) - ۲۹۰.
- ۲۹۲.
- قربانعلی بن ابراهیم رغدی - ۱۵.
- قرقچی باشی - ۷۴، ۷۵.
- قریه ملک سلیمان - ۵۳۶.
- قلعه - ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲.
- ۳۱۳.
- قلعه چهامی (?) - ۳۳.
- قلعه قدیم - ۷۵.
- قلعه محمود آقا = سوته کلاته - ۳۸.
- قلندر بیگ ناتلی - ۱۸.
- قلندر محله - ۲۸۷، ۲۹۰.
- قلندر محلی - ۲۸۹.
- قلی [کر بلائی...]، (از پیر مردان قلندر محله) -
- فخرالدین احمد دراز گیسو الحسینی - ۴، ۶۴.
- ۷۶۵.
- فخرالدین محمد ظهیر متولی الحسینی - ۱۲.
- فخر عمادی [بلوک...] - ۹۵، ۳۱۷.
- فرج آقا - ۱۶۳.
- فرج الله خان عرب - ۷۴.
- فرخ خانم (از وراث احمد خان شیبانی) - ۸۸.
- فریجمن - ۳۳۰.
- فضل الله [آقا...] - ۳۲۳.
- فضل الله [سید...] - ۴۲۳.
- فضل الله حسینی استرآبادی بن آقامیر موسی [حاجی سید...] - ۲۵۵، ۷۵، ۳۴۰، ۳۴۱.
- ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۹۵، ۳۹۹، ۴۰۲.
- ۴۲۳، ۴۲۷، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۶، ۴۴۱.
- ۴۴۶، ۴۵۱، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۷۴، ۴۸۱.
- فضل الله بن حاجی شیخ الاسلام - ۴.
- فضلعلی خان - ۵۰، ۵۲.
- فندرسک - ۲۲، ۵۸.
- فندرسک [بلوک...] - ۷۱، ۷۲، ۷۶، ۳۸۹، ۵۵۶.
- ۵۵۷.
- فوجرد - ۸، ۶۵، ۴۴۳.
- فولادجگنی [کر بلائی...] - ۱۰۶.
- ق
- قاجاریه - ۴۴۹.
- قاریشوق (رودخانه قرانیکن) - ۲۱.
- قاری قلعه - ۴۴۷، ۴۴۸.
- قاسم - ۱۲۶.

- قنات سپردوزان - ۲۵.
- قنات سنگ کاریز - ۵۴۵.
- قنات سنگ کرمز - ۲۹۵.
- قنات سرواز = شواردباغ (در سمت شرقی قریه چوپلانی) - ۲۳۷.
- قنات صادق آقای قاجار = قنات انگرم آقا جعفری - ۱۱۰.
- قنات عباس کردی - ۲۱۵، ۲۱۴.
- قیات علیرضا خان - ۱۲۸.
- قنات عوضلی (در قریه سرکلایه) - ۵۴۵.
- قنات عین الحسنی = عین الحسین (واقع در شاهرود) - ۱۴۸.
- قنات فیض آباد (در قریه کلاجان قاضی) - ۵۴۵.
- قنات قریه بالا چهارگاه - ۸۰.
- قنات قریه بیلاق = قنات دلیره - ۸۰.
- قنات قزلایاغ (در ملک یساقی) - ۳۵۴.
- قنات قزلایاق (در روشن آباد) - ۸۸، ۸۹، ۹۰.
- قنات کافر دوین - ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۰.
- قنات کربلائی آقا بابا - ۵۳۷.
- قنات کیاب (در کلاجان قاضی) - ۵۴۵، ۵۶۶.
- قنات گلخند - ۱۹۷، ۱۹۸.
- قنات لیاس - ۷۹.
- قنات مؤمن آباد - ۲۱۳.
- قنات مازوستان - ۲۴.
- قنات مخروبه مزرعه کردعلی - ۵۴۶.
- قنات میان ده (در بهلول آباد) - ۵۴۶.
- قنات تاجر ها - ۷۹.
- قنات والقیج - ۵۳۷.
- قنات یوسف - ۳۳۰.
- قنات یونس آباد (در دهکده یونس آباد بسطام) - ۵۴۷، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱.
- ۲۸۷، ۲۹۱.
- قلی آقا (از مالکان لهدوین) - ۲۹۰، ۲۹۲.
- قلی خان یوزباشی - ۳۴۴، ۳۴۵.
- قنات آخوند ملا محمد کافر دوینی - ۳۳۶.
- قنات آقا احمد - ۹۱.
- قنات ابراهیم رغدی - ۱۵.
- قنات اتر اچال - ۳۳۰.
- قنات استاد محمدی (محمودلی خان سردار کنده است) - ۲۸۷.
- قنات افرابن - ۵۴۵.
- قنات انگرم آقا جعفری = قنات صادق آقای قاجار (در سدن رستاق) - ۱۱۰.
- قنات بارو - ۳۷۶.
- قنات بانعمان - ۵۴۶.
- قنات برزمهین - ۷۹.
- قنات پاتوت (در قریه چوپلانی) - ۲۱۴، ۲۱۵، ۳۶۸.
- قنات پای چنار (در بهلول آباد) - ۵۴۶.
- قنات تازی که سرخونکلایه - ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۷.
- قنات جدید کربلائی علی = قنات مؤمن آباد - ۲۱۳.
- قنات جلالی (واقع در شاهرود) - ۱۴۸.
- قنات چشمه (در بهلول آباد) - ۵۴۶.
- قنات چوپلانی - ۲۸.
- قنات حاجی حسن (در دودانکه اتر اچال) - ۲۰۲.
- قنات حاجی قاسم - ۲۴، ۲۵.
- قنات حق ویردی بیگه - ۵۳۷.
- قنات دلیره = قنات قریه بیلاق - ۸۰.
- قنات ده (واقع در شاهرود) - ۱۴۸.
- قنات زمان کش (در قریه انگلان) - ۱۴۳.

- قنبر [آخوند ملا...] - ۵۹، ۵۸ -
 قنبر [مشهدی ...] ، (از پیر مردان مرزبان -
 کلاته) - ۲۸۵.
 قنوات قریه کلاجان - ۵۷۳.
 قوجانی - ۲۴۶، ۲۴۷.
 قوری چای = حسین آباد - ۵۳۲.
 ک
 کارکنده - ۱۵۹، ۱۶۰.
 کاروانسرای حاجی محمد تقی خان هزار جریبی
 = باغچه سرکار - ۵۱۴، ۸۷.
 کاروانسرای راسته خیابان - ۵۵۳، ۵۵۲.
 کاروانسرای شهر استارباد - ۴۷۹.
 کاروانسرای قرلق - ۵۵۵، ۵۵۲.
 کاریز بالاسر - ۳۴۰.
 کاظم آقا [کربلایی...] - ۱۰۲.
 کاظم بن صادق بن سید محمد طاهر الحسینی
 [میرزا...] - ۱۹۹، ۲۰۰، ۳۶۸.
 کاظم خان پسر مهدی قلی خان قوانلو - ۵۲.
 کاظم درازگیسو [آقامیر...]، (از موقوف علیهم
 قریه میرمحله در سال ۱۳۴۰ قمری) -
 ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۰۹.
 کاظم موسوی [آقا...] - ۲۶۳.
 کافردوین [قریه...] - ۲۱.
 کالکی - ۷۲.
 کالورا [قریه...] - ۱۶۷، ۱۶۸.
 کبودجامه [محال...] - ۲۳۰.
 کتاب ابن جوزی - ۴۳۹.
 کتول - ۴۶۷، ۴۶۸، ۵۵۶، ۵۵۷.
 کچزی [ملک...] - ۱۹۷، ۱۹۸، ۵۷۶، ۵۷۷.
 کدخدایان قانچی - ۲۲۰.
 کرپان - ۱۵۸.
 کرپان سادات (واقع در خارج دروازه مازندران)
 - ۵۴۷، ۲۰۳، ۱۰۲ -
 کرپان فاضل (در خارج دروازه مازندران) -
 ۱۰۳، ۱۰۲.
 کرپان قاضی (واقع در نواحی) - ۵۴۶.
 کرد چمن معروف به میان دره (از دهکده های
 سدن رستاق) - ۴۹۵.
 کردستان - ۴۳۱.
 کرم محله - ۴۰۷، ۴۰۸.
 کرمانشاهان - ۴۳۱.
 کرمعلی [مولانا...] - ۲۷.
 کرمعلی جایی [حاج...] - ۲۷۶.
 کرمعلی دودانگی [حاج...] - ۲۶۹، ۲۷۰.
 کزنند [قریه...] - ۷۲.
 کریم کشته ای [شیخ...] - ۳۲۲.
 کریم مسگر - ۲۴۲.
 کشته [قریه...] - ۳۱۷.
 کشف الیقین - ۴۳۹.
 کفن نویس - ۴۹۶.
 کلا آجان = کلاجان - ۳۰۳.
 کلاجان (از دهکده های سدن رستاق) - ۱۹۷.
 ۱۹۸، ۴۷۵.
 کلاجان قاجار [قریه...] - ۱۶۷، ۳۰۰.
 کلاجان قاضی - ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۷۳، ۵۷۴.
 کلا سنگیان (از دهکده های سدن رستاق) -
 ۱۶۷، ۱۶۸، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۷۳.
 ۳۷۴.
 کلامو [قریه...] - ۱۱۴، ۴۹۷.
 کلبعلی [آقا...] [از احفاد آقا محمد زکی] - ۶۷.
 کلبعلی خان سپانلوی قاجار - ۳۸.
 کلثوم (والده میرزا حسین) - ۹۳.
 کلثوم بیگم (زوجه آقا هدایت الله موسوی

گذردوچناران(واقع درمحلۀ میدان استراباد)-

۱۴۴.

گذر سرپیر - ۱۹۳.

گذر سوخته چنار بازارنو(در استراباد)- ۷۰.

گذر شیرکش (از مضافات محلۀ نعلبندان

استراباد)- ۵۰۳، ۵۰۱.

گذرکاسه گران - ۱۱۲.

گذر مقبره - ۱۵۷.

گذر میخچه گران - ۱۱۶.

گذر مسیر کریمی (در محلۀ میدان استراباد)-

۱۸۹.

گرایلی [حاکم] - ۴۵۹.

گرجی محلۀ استراباد - ۴۳.

گرجی محلۀ سادات - ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۷۸.

گرجی محلۀ سیرکار = قاسم آباد - ۱۳۲، ۴۰.

۲۱۰.

گرجی محلۀ میرزائی - ۴۷، ۲۱۰، ۲۱۱.

۳۶۱.

گرجی محلۀ میرزینلی - ۲۱۰، ۲۱۱، ۳۶۱.

گرجگان = جرجان - ۲۵۵.

گرکین - ۲۳.

گرمین [قریۀ...] - ۷۶، ۷۸.

گنجعلی جهانبگلو - ۲۲۱.

گوکلان - ۳۸۹.

گوهر تاج خانم (زوجه میرزا مقیم لشکر نویس-

باشی) - ۱۸۱.

گوهر شاد بنت عبدالرحمن الموسوی - ۱۱۲، ۸۵.

گینامهر [قریۀ...] - ۶۳.

ل

لرخیل (از دهکده های استراباد رستاق) - ۴۶۵.

۵۴۶.

لشکر نویس = میرزا مقیم - ۲۹۴.

مفیدی) - ۱۵۶.

کلعلی (از رعایای سعدالله خان) - ۳۵۱، ۳۵۲.

کلفرا (از دهکده های انزان) - ۳۰۰.

کلنگان (در جلال ازرك مازندران) - ۵۴۷.

کلیکا (از دهکده های جلال ازرك مازندران) -

۴۷۰، ۴۷۱.

کمال [میر...]، (از موقوف علیهم چوپلانی و

میر و محله) - ۳۰۹.

کمال الدین - ۲۲۴.

کمال الدین ابراهیم الحسینی الاسترابادی ولد

امیر سید نظام الدین استرابادی [امیر

سید...] - ۸۰۷.

کمال الدین بن عبدالرحیم الحسینی - ۲۲۵.

کمال الدین بهرام بن مولانا شمس الدین بهرام

استرابادی [شیخ...] - ۳.

کمال الدین حسین - ۶۶.

کمال الدین محمد [میر...] - ۱۵.

کمال الدین محمود [امیر...] - ۲۲۸، ۲۲۷، ۶۳.

۲۲۹، ۲۳۰، ۳۲۸.

کناره ای - ۳۴۲.

کنیزک = مستکیان [قریۀ...] - ۷۹.

کمشی خل (جزء چوپلانی است) - ۲۴۵، ۲۴۶.

کوچک رودبار - ۱۰۵.

کوچک موسوی [حاجی آقا...] - ۸۵، ۸۷.

کوچۀ حاجی ملا میرزا محمد قاضی (در شهر

استراباد) - ۵۷۹.

کوکب خانم دختر محمد باقر بن محمد رضا -

هزار جریبی - ۱۵۹.

کیابسر [قریۀ...] - ۲۴.

ق

گدا علی ترنگ - ۲۲۳.

گذر چهارشنبه - ۱۰۷.

- لطفعلی خان سرهنگ یانسی هزار جریبی - ۱۳۴، ۱۳۲
 الله پیشانی - ۲۹۲، ۲۹۰
 الله دوین - ۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۲، ۲۹۰
 لمسک - ۲۹۰، ۲۸۷
 م
 مازندران - ۲۰۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۳۷۱، ۳۹۷، ۴۳۰، ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۸۱، ۵۱۷، ۵۸۴
 مؤمن (از پیر مردان قلندر محله) - ۲۹۱
 مؤمن آباد - ۲۱۳
 مامائی (قریه...) - ۴۷۸، ۴۷۷
 ماه جبین خانم - ۵۰
 متوکل خلیفه - ۴۴۰، ۴۳۹
 مجرای آب دیوان (حد غربی اراضی چوپلانی) - ۱۴۷
 محسن [آقا...] - ۴۱۲
 محسن شیخ الاسلام [آقا...] = محمد محسن شیخ - الاسلام (از سادات بنی مفید) - ۲۷۲، ۲۲۹
 ۲۷۳، ۴۱۰، ۴۱۱
 محسن موسوی مفیدی [آقا...] - ۱۵۴
 محله باغشاه استراباد - ۴۴۹
 محله پاسرو (در استراباد) - ۲۳۹
 محله سرپیر استراباد = گذر سرپیر - ۱۳۰، ۱۷۴
 محله سرچشمه استراباد - ۸۴، ۸۳، ۴۹
 محله میدان استراباد - ۸۷، ۸۶، ۵۶، ۵۳
 ۱۱۲، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۸۹
 ۵۳۹
 محله نعلبندان - ۵۰۳، ۵۰۱، ۳۸۶، ۱۱۸
 ۵۰۹
 محله وجود (۵) - ۵
- محمد - ۶۶
 محمد [آقا حاجی...] - ۳۳۹
 محمد [آقاسید...]، (از مالکان یساقی) - ۴۱۵، ۳۵۴
 محمد [حاج سید...] - ۳۱۶
 محمد [حاج میر...] - ۹۰
 محمد [حاجی...]، (حافرقنات بانعمان) - ۳۳۸
 محمد [خواجه شیخ...] - ۴، ۶
 محمد [سید...]، (از شرکاه چوپلانی) - ۳۴۱
 محمد [کربلائی...] - ۲۸۸
 محمد [میر...] - ۳۴۱، ۳۴۰
 محمد [میرزا...] - ۱۷
 محمد [میرزا...] - ۲۳۸
 محمد [میرزا سید...] - ۴۹۲، ۴۸۹، ۴۸۸
 محمد آباد - ۵۳۵، ۱۰۷
 محمد آقا بن ملاحسینقلی [میرزا...] - ۱۱۸
 محمد آقا بن هاشم آقا - ۱۱۶
 محمد آقا میر اسماعیل [آقا سید...] - ۲۵۹
 محمد ابراهیم - ۲۷
 محمد ابراهیم استرابادی [کربلائی...] - ۹۵
 محمد ابراهیم کربلائی نصیر - ۵۵، ۵۳
 ۵۶
 محمد ابراهیم بن محمد - ۲۷۲
 محمد ابراهیم بن محمد عمو [مشهدی...]، (ساکن قریه مرزنکلاته) - ۳۷۹، ۳۷۸
 محمد ابراهیم بن میر ابوطالب موسوی فندرسکی [میرزا...] - ۴۰
 محمد ابراهیم بیگ - ۲۸۵
 محمد ابراهیم خان [حاجی...] - ۴۳، ۳۹، ۳۸
 محمد ابراهیم کلپاسی (کرباسی)، [آقا حاجی...] = ابراهیم کرباسی اصفهانی - ۲۵۵، ۲۰۴
 ۴۵۱
 محمد ابراهیم موسوی [حاجی...] - ۲۶۳

- محمد اسماعیل (از پیر مردان مرزنکلاته) - ۲۸۵.
 محمد اسماعیل - ۸۵، ۸۶.
 محمد اسماعیل - ۸۵، ۸۶.
 محمد اسماعیل [ملا...]، (وکیل سید فضل الله) - ۳۹۹.
 محمد اسماعیل انصاری - ۲۶.
 محمد اسماعیل انصاری - ۲۶.
 محمد اسماعیل بن کر بلائی بابا خان - ۴۷.
 محمد اسماعیل خان بن محمد صالح خان کبای
 کردی محله‌ای - ۱۱۴.
 محمد الوستانی - ۲۴۷.
 محمد امین الحسینی السماکی - ۲۲۹.
 محمد باقر (از رعایای سعد الله خان) - ۳۵۱،
 ۳۵۲.
 محمد باقر [حاجی...]، (پسر آقا محمد جعفر
 قاضی استرآبادی) - ۵۷۳.
 محمد باقر [حاجی سید...] - ۳۹۵، ۳۹۶.
 محمد باقر آقا بن حاجی محمد حسن آقا قاجار -
 ۱۲۸، ۱۵۲.
 محمد باقر اصفهانی [آقا حاجی سید...] - ۲۰۴.
 ۲۵۵، ۳۴۴، ۴۱۳، ۴۵۱.
 محمد باقر بن آقا سید محمد مفیدی موسوی
 = کر بلائی آقا بزرگ - ۱۷۸.
 محمد باقر بن سید احمد الحسینی = محمد باقر
 الحسینی (از سادات مفیدی) - ۲۲۶، ۲۷۴،
 ۳۳۲.
 محمد باقر بن آقا محمد رضا کشی هزار جریبی -
 ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱.
 محمد باقر جانی - ۲۷۶.
 محمد باقر خواجه بن ملا حاجی بابا [ملا...] -
 ۸۵، ۸۷.
 محمد باقر ستون [آخوند ملا...] - ۱۰۱، ۵۵۱.
 محمد باقر قانچی - ۲۲۰.
 محمد باقر کمانگر سر خانکلائی - ۲۳۸.
 محمد باقر کیقبادی [میر...] - ۲۲۴.
 محمد بن آقا سید رضا حسینی (از شرکای قریه
 مرزنکلاته) - ۲۵۳، ۲۵۴.
 محمد بن آقا سید محمد طاهر [آقا...] - ۱۹۵.
 محمد بن ابوالحسن نور - ۲۲۶.
 محمد بن حسن جلیل - ۷.
 محمد بن رضا - ۶۴.
 محمد بن صادق الموسوی - ۳۳۲.
 محمد بن عباسعلی آقا - ۳۳۹.
 محمد بن کر بلائی غلام - ۲۶۹.
 محمد بن محمد تقی بیگ - ۷۸.
 محمد بن محمد حسن آقا قاجار - ۱۸۴، ۱۸۶.
 محمد بن مولانا علی [مولانا شیخ...] - ۷.
 محمد بن میر محمد جعفر [میر...] - ۲۲۴.
 محمد بیگ - ۲۶۹، ۲۷۰.
 محمد بیگ [حاجی...] - ۳۰۸.
 محمد بیگ بن محمد کاظم خان - ۲۰.
 محمد بیگ فراش - ۴۸۰.
 محمد تاجر بن حاجی قاسم استرآبادی [حاجی
 آقا...] - ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷.
 محمد تجری ساکن تلو کلاته [میرزا...] - ۲۲۳،
 ۳۲۰.
 محمد تقی [آقا...] - ۴۳.
 محمد تقی [آقامیر...]، (از موقوف علیهم
 چوپلانی) - ۹۸.
 محمد تقی [حاجی ملا...] - ۲۶۴، ۳۹۹، ۴۲۵.
 ۴۲۹، ۴۴۴، ۴۴۵، ۵۸۱.
 محمد تقی بن حاجی مطلب [آقا...] - ۸۸، ۸۹،
 ۹۰، ۹۳.
 محمد تقی بیگ نایب ایشیک آقاسی باشی بن
 مهدی بیگ بسطامی - ۷۲، ۷۶، ۷۸.

محمدتقی بن حاجی سید مفید استرابادی [آقا
سید...] - ۴۹، ۸۳، ۸۵، ۱۱۲، ۱۲۴،
۱۵۸، ۱۹۲، ۲۰۴، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴،
۲۴۸، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶،
۴۰۷.
محمدتقی خان بن کربلائی محمدقلی بالا -
رستاقی هزارجریبی - ۳۵، ۴۰، ۶۷،
۶۸، ۲۱۰، ۴۷۹، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۷۶،
۵۷۷.
محمدتقی خان قوانلو - ۵۰.
محمدتقی درودی [کربلائی میر...] - ۲۲۱.
محمدتقی زرگر - ۲۷۹.
محمدتقی صباغ - ۲۷۰.
محمدتقی کیقبادی [میر...] - ۲۷۸.
محمدتقی میرحاج - ۲۷۹.
محمد تیر تراش ساکن امیرده - ۳۱۹.
محمد تلو کلائی [میرزا...] - ۲۳۸.
محمد جعفر - ۴۵۰.
محمدجعفر [حاجی...] - ۲۴۳.
محمدجعفر [حاجی...]، (متولی مدرسه صالحیه)
۴۹۷، ۴۹۵.
محمدجعفر [حاجی ملا...] - ۱۱۶، ۴۰۶،
۴۲۳.
محمدجعفر [میر...]، (از مالکان میر و محله) -
۲۸، ۳۲۱.
محمدجعفر [میرزا...] - ۴۸۹.
محمدجعفر ارباب کلا سنگیان - ۳۷۳.
محمدجعفر بن آقا حسن شهری استرابادی
[حاجی...] - ۴۰.
محمدجعفر بن حیدرقلی آقا [آقا...] - ۱۶۷.
محمدجعفر خادم استرابادی [آخوند ملا...] - ۴۳.
محمد جواد بن میرزا محمدحسین موسوی

فندرسکی - ۷۱، ۷۲.
محمدجی بوک - ۲۷۸.
محمد حافظ [میرزا...] - ۳۲۰.
محمدحسن - ۵۶۰.
محمدحسن [حاجی آقا...]، (از موقوف علیهم
یساقی) - ۱۵۸، ۳۵۴.
محمدحسن [حاجی...] - ۴۵۰.
محمدحسن [کربلائی...]، (از پیرمردان
ورسن) - ۲۹۱.
محمدحسن آقا قاجار - ۱۵۲، ۱۸۴، ۱۸۶.
محمدحسن بن محمد کریم [آقا...] - ۱۴۸.
محمدحسن حاجی آبادی [ملا...] - ۵۷۱.
محمدحسن مفیدی موسوی بن آقا محمدتقی
مفیدی - ۹۱، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۴،
۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۸، ۲۱۰، ۵۴۹.
محمدحسن ولد محمد کاظم - ۴۷۶.
محمدحسین (اخوی آقا محمدحسن) - ۵۴۴، ۵۴۵.
محمدحسین [آقا...]، (برادر بزرگ آقا
محمد مؤمن) - ۳۳۴.
محمدحسین [آقا...]، (متولی مدرسه صالحیه) -
۴۹۷، ۴۹۵.
محمدحسین [ملا...] - ۳۱۶.
محمدحسین [میر...]، (اجاره دار چوپلانی) -
۲۲۳.
محمدحسین آقا میرهاشم [آقا سید...] - ۲۶۰.
محمدحسین آقای زیادلو - ۱۰۱.
محمدحسین استرابادی [میرزا...] - ۴۳۱.
محمدحسین بن باقر - ۲۵۸.
محمدحسین بن شریف بیگ یساقی - ۱۰۷،
۱۰۸.
محمدحسین بیگ مقصودلو [کربلائی...]، (از
شرکای قنات تازی که سرخونکلاته) - ۵۳۳.

- محمد حسین جاینی [حاجی...] - ۲۸۳، ۲۷۶
 محمد حسین شیخ الاسلام - ۱۰۳
 محمد الحسینی [حاجی سید...] - ۳۳۱، ۳۱۶
 محمد حسین لمسکی [کر بلائی...]، (از پیر مردان
 لمسک) - ۲۸۹، ۲۹۱
 محمد حسین موسوی فندرسکی - ۷۲، ۲۷
 محمد حسین بتکچی [خواجه...] - ۱۰، ۹
 محمد حسین الاسترابادی [حاجی سید...] - ۲۴۲،
 ۲۶۶، ۲۷۷
 محمد حسین خادم - ۲۷
 محمد حسین فراش [مشهدی...] - ۴۸۰
 محمد حسین استرابادی [سید...] - ۵۶۳
 محمد خالو [حاجی میر...] - ۸۸، ۸۹
 محمد خان [میرزا...]، (اولاد زاده میرزا مقیم
 لشکر نویس) - ۱۸۱
 محمد خان آقا بن گل آقا بن حاجی محمد زکی -
 ۲۶۰
 محمد خان آقا سپانلو - ۶۷
 محمد خان آقا قراموسی لو قاجار - ۳۱۴، ۳۱۵،
 ۳۱۶
 محمد خان جاینی [کر بلائی...] - ۲۷۶
 محمد خان دولوی قاجار - ۳۸۳
 محمد خان سرتیب بن میر علی اکبر خان بن میر
 سعاد الله اکرم الملك - ۳۸۹
 محمد خان قانچی - ۲۲۰
 محمد ربیع بن میر زار فیع الملك [میرزا...] - ۳۳
 محمد ربیع بن میرزا محمد حسین موسوی
 فندرسکی - ۷۱، ۷۲
 محمد رحیم بن کر بلائی محمد کریم بن صفر علی
 [ملا...] - ۱۸۹، ۱۹۱
 محمد رحیم خان (صاحب نیم دانگ آهنگر محله) -
 ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶
 محمد رحیم الموسوی [آقا...] - ۲۴۲
 محمد رسول خدا - ۴۸۷، ۴۹۵، ۵۰۷، ۵۲۵
 ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۶۱، ۵۶۳
 محمد رضا - ۳۵۲
 محمد رضا [آقا...] - ۲۱۳
 محمد رضا [آخوند ملا...] - ۸۸، ۹۳
 محمد رضا [حاجی...]، (حافز قنات چوپالانی) -
 ۳۶۶
 محمد رضا [شیخ...]، (معروف به سلطان العلماء
 قاجار خوانلو) - ۵۵۶
 محمد رضا [میرزا...] - ۵۴۶
 محمد رضا [میرزا...]، (حافز قنات بانعمان) - ۳۳۸
 محمد رضا استرابادی [حاجی ملا...] = حاجی
 ملا رضا، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱
 ۲۵۲، ۲۶۴، ۲۶۷، ۲۶۸، ۳۳۸، ۴۰۱
 ۴۱۳، ۴۲۵، ۴۵۲
 محمد رضا بن آقا محمد تقی [حاجی...] - ۳۶۷
 محمد رضا بیگ پیشخدمت - ۴۴۷، ۴۴۷
 محمد رضا تاجر [حاجی...] - ۳۶۸
 محمد رضا الحسینی - ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۶۴، ۴۹۹
 محمد رضا الحسینی کشته ای [میر...] - ۲۸۱
 محمد رضا خان - ۷۴، ۷۵
 محمد رضا خان خوانلو = رضا خان - ۲۳۹، ۲۴۳
 ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۶۸، ۵۸۳، ۵۸۴
 محمد رضا صباغ [استاد...] - ۷۰
 محمد رضا قانچی - ۲۲۰
 محمد رضا کشته ای [کر بلائی میر...] - ۲۳۸
 محمد رضا موسوی - ۶۷، ۲۲۹
 محمد رضا ولد حاجی ملا زکی - ۵۸۰، ۵۸۲
 محمد ربیع کفشگری - ۲۸۱
 محمد ربیع موسوی [آقا...] - ۳۱، ۵۶۳، ۵۶۴
 محمد زر کر استرابادی [خواجه حاجی...] -
 ۵، ۴

- محمد زکی بن آقا محمد رضا موسوی [آقا...]-
 ۱۲۴، ۶۷
 محمد زمان [آقا...]- (از موقوف علیهم بساقي)-
 ۳۵۴، ۲۸۹، ۲۸۸
 محمد زمان [کر بلائی...]- ۱۹۸، ۱۹۷
 محمد زمان آقا- ۵۰۴
 محمد زمان ابدالو [کر بلائی...]- ۲۳۲
 محمد زمان بن ملا محمد مهدی [ملا...]- ۳۱
 محمد زمان خان برادر محمد تقی خان قوئلو- ۵۰
 محمد زمان خان قاجار (نایب استر اباد)- ۴۶۷
 محمد زمان کلانتر [میر...]- ۴۵۹
 محمد ساکن دودانگه- ۲۳۸
 محمد ساوری بن آقا حسینعلی ساوری [آقا...]-
 ۱۶۳
 محمد سعید- ۲۷
 محمد سنگدوینی [ملا...]- ۲۳
 محمد شاه قاجار- ۵۲۷، ۴۰۷، ۲۵۵
 محمد شریف الحسینی- ۲۲۹
 محمد شریف خان قوئلو- ۵۱
 محمد شریف کیقبادی- ۳۲۰، ۲۷۷
 محمد شریف مفیدی موسوی [آقا سید...]- ۱۷۸
 ۱۷۹
 محمد شفیع [ملا...]- ۲۲۱
 محمد شفیع بن آقا محمد رضا موسوی [آقا...]-
 ۲۶۱، ۶۷
 محمد شفیع تلو کلاته ای [میر...]- ۲۸۰
 محمد شیروانی الاصل استر ابادی [کر بلائی...]-
 ۴۵
 محمد صادق [آخوند ملا...]- ۲۹۷، ۲۹۲، ۲۹۰
 ۲۹۸
 محمد صادق آقا (از وراث احمد خان شامبیانی)-
 ۹۱، ۸۸
 محمد صادق سلطان وکیل- ۳۹۴، ۳۹۳
 محمد صادق فندرسکی- ۳۴
 محمد صادق موسوی [آقا میر...]- ۲۶۴، ۲۴۲
 ۵۵۰، ۲۶۶
 محمد صالح- ۱۵
 محمد صالح- ۶۴، ۶۳
 محمد صالح [آقا...]- ۳۳۳
 محمد صالح [مشهدی...]- ۲۸۹
 محمد صالح [میر...]- ۲۵۰
 محمد صالح استر ابادی- ۴۹۶، ۴۹۵
 محمد صالح بن آقا جعفر شهری الاصل [حاجی...]-
 ۳۵-
 محمد صالح الحسینی- ۳۲۹
 محمد صالح خان کیای کرده مجله ای- ۱۱۴
 محمد صالح خان ولد ارشد حاجی محمد تقی خان
 ۴۷۹-
 محمد صالح ساکن کشته [ملا...]- ۲۷۸
 محمد صالح سراج- ۲۷۹
 محمد صالح سید میرانی [ملا...]- ۱۷۳، ۱۷۲
 محمد صالح کرم دار- ۲۲۳
 محمد صالح معلم- ۲۲۸
 محمد صالح موسوی بن آقا محمد حسین شیخ الاسلام-
 ۱۰۳، ۱۰۲
 محمد صفی بیگ- ۴۹۱
 محمد صفی کفشگری- ۲۸۱
 محمد طاهر [آقا سید...]- (مالک جهان نما)-
 ۳۶۵، ۳۶۴
 محمد طاهر [حاجی سید...]- ۵۴۹
 محمد طاهر [کر بلائی...]- ۲۴۴
 محمد طاهر الحسینی استر ابادی [آقا سید...]-
 ۱۷۱، ۱۶۵، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۵۵، ۱۳۶

- ۴۷۳ .
محمدعلی خیاط [میرزا...] - ۲۳۹ ، ۲۴۱ .
۲۴۳ ، ۲۴۴ .
محمدعلی سوخته سرائی - ۲۲۱ .
محمدعلی شامبیاتی - ۱۹ .
محمدعلی قانچی - ۲۲۰ .
محمدعلی کبای کردمجله ای - ۲۷۸ .
محمدعلی هروی [میرزا...] - ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۴۲ .
۲۴۳ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳ ، ۲۶۵ ، ۲۶۶ ، ۲۶۸ .
۴۰۰ .
محمدعلی یزدی الاصل - ۸۲ .
محمدعلی فندرسکی [میرزا...] - ۲۴ .
محمدفیروز کوهی [ملا...] - ۳۱۲ .
محمد قاسم - ۱۷ .
محمد قاسم - ۲۸۰ .
محمد قاسم استرآبادی [حاجی...] - ۹۵ ، ۹۶ .
محمد قاسم بن حسین الحسینی - ۲۸۱ .
محمد قاسم بن عیسی الحسینی - ۲۳۸ ، ۳۰۹ .
محمد قاسم تلو کلاته ای [میر...] - ۳۲۱ .
محمد قاسم تسکنی - ۲۸۴ .
محمد قاسم حسینی کشته ای [میر...] - ۲۸۱ .
محمد قاسم کنولی - ۵۵۸ .
محمد قاسم هزارجریبی - ۳۲۷ .
محمد قانچی - ۲۱۹ .
محمد قجر [آقا...] - ۵۵۰ .
محمدقلی [حاجی...] - ۱۱۶ .
محمدقلی فردوسی - ۲۳ .
محمدقلی آقا قایخلو (= قیاخلو) - ۲۳۶ .
محمدقلی باطنی - ۲۲۱ .
محمدقلی بالارستاقی هزارجریبی [کر بلائی...] -
محمدقلی خان مصباح نظام - ۵۶۱ ، ۵۶۲ .
محمدقلی درزی (اصل: زردی) - ۲۲۱ .
- ۲۹۷ ، ۱۹۹ ، ۱۹۲ ، ۱۸۲ .
محمد طاهر [سید...] - ۵۶ ، ۵۷ .
محمدعلی - ۲۸۱ .
محمدعلی [آخوند ملا...] - ۳۳۹ ، ۳۹۹ .
محمدعلی [آقا میر...] ، (از سادات دراز گیسو) -
۱۰۵ ، ۱۲۰ ، ۱۴۶ ، ۲۹۱ ، ۳۳۳ ، ۳۳۶ ،
۳۵۰ ، ۴۰۱ ، ۴۰۲ ، ۴۰۳ ، ۴۰۵ ، ۴۱۳ .
۴۲۳ ، ۴۸۱ .
محمدعلی [حاج آقا میر...] ، (مالک جهان نما) -
۳۶۴ ، ۳۶۵ .
محمدعلی [مشهدی...] - ۲۸۹ .
محمدعلی [مشهدی...] ، (از رعایای سعد الله
خان) - ۳۵۱ ، ۳۵۲ .
محمدعلی [ملا...] - ۵۶۹ .
محمدعلی [میر...] ، (از مالکان بانعمان) - ۴۷۷ .
محمدعلی [میرزا...] ، (از مالکان چوپلانی) -
۲۳۶ ، ۳۵۷ .
محمدعلی آقا سپانلو - ۶۷ .
محمدعلی ابدالو - ۲۳۱ .
محمدعلی اشرفی [ملا...] ، (امام جمعه و متصدی
مرافعات استرآباد) = شریعتمدار ، ۲۵۱ ،
۲۵۵ ، ۲۵۶ ، ۳۴۶ ، ۳۴۷ ، ۴۲۹ ، ۴۳۰ ،
۴۳۲ ، ۴۳۳ ، ۴۴۴ ، ۵۸۰ ، ۵۸۱ .
محمدعلی بالاجادی [حاجی آقا...] - ۲۱۵ .
محمدعلی بسطامی - ۳۲۰ .
محمدعلی بن کر بلائی ابراهیم [ملا...] - ۲۵۸ .
محمدعلی بن محمد یوسف - ۳۰۹ .
محمدعلی بن میر حسین جهان نما - ۱۱ .
محمدعلی بیگ شمس آبادی - ۳۴۹ .
محمدعلی جانی - ۲۸۳ .
محمدعلی حافظ [ملا...] - ۲۳۵ .
محمد علی خان [میر...] ، (ضابط میرمجله) -

محمد مهدی بن ثقة الاسلام [آقا] - ۳۴۴
محمد مهدی بن سید محمد طاهر الحسینی [آقا]
میرزا... - ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱.

محمد مهدی بن فخرالدین محمد ظهیر متولی
الحسینی - ۱۲ .

محمد مہدی بن کربلائی محمد کریم بن صفر علی
(برادر ملا محمد رحیم) - ۱۸۹، ۱۹۱۔

محمد مهدی کار کندی [آقا...]-۱۵۹.

محمد میر کریم، [آقا سید...]-۲۵۰، ۲۹۱.

محمد ناصح خان (حاکم استر آباد)۔ ۲۵۵۔

۴۷۳- خان

۲۳۱

محمد لاظمی - ۱۱۱۰

محمد اصیر [الف...]، (پدر محمد مومن) - ۱۱۱۱

• PPPP

محمد نصیر بن افارضا موسوی [افا...]-۶۷.

محمد نصیر ہزارو جریبی - ۴۰۸ .

محمد نور مفیدی موسوی [آقا سید...]-۵۴۹.

محمدنوری ساکن رشت [میرزا...]- ۵۲۰.

محمد وزیر استرا با د [میرزا ...] - ۹۸.

محمد وطنی - ۲۲۱.

محمد ولی خان۔ ۱۲۸۰۔

محمد دولہ خان (مادر محمد تقی خان قواںلو)۔

Δ.

۲۸۷ - محمد علی خان بهار

۱۸۷ = ۷۴

محمدولی میرزا - ۱۷۶ - ۸۰

محمد هادی [الف...]- ۲۲۲ .

محمد هادی بن در بلائی محمد ابراهیم

[کربلائی ...] - ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷.

محمد هادی بن محمد طاهر الحسینی [میرزا...]-

. ۲۶۵ ، ۱۹۲

محمدہادی بن حاجی سید مفید بن محمد باقر

[آفا...]، (از سادات بنی مفید) - ۲۷۴، ۴۱۱

مرتضی قلی آقای زیادلوی قاجار [حاجی...]

۱۱۸۰

مرتضی قلی آقا قاجار قراموسی لو - ۱۹۳۰

مرتضی قلی خان قاجار - ۱۷۴۰

مرزبان کلاته (قریه وقفی سادات دراز کیسو) -

۱۵، ۱۴۶، ۲۳۵، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۴،

۲۸۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۴۲۲۰

مرز سفیددار - ۱۴۶، ۱۷۰۰

مرزنکلاته = مرزبان کلاته - ۲۵۳، ۲۶۹،

۳۲۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۵، ۳۷۸۰

مرشد قلی رامیانی [خواجه...] - ۱۱۰

مریم بیگم دختر آقا محمد محسن شیخ الاسلام -

۱۵۶۰

مریم خانم (ازورثه حاجی مرتضی قلی آقا زیادلو) -

۱۱۸۰

مزرعه بالو - ۴۳۰

مزرعه پایین فندرسک - ۲۴۰

مزرعه تنارو [د] - ۷۸، ۸۰۰

مزرعه تیموری - ۳۳۰

مزرعه جامه توران - ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶۰

مزرعه زرین کل - ۷۸، ۷۹، ۸۰۰

مزرعه ساطو - ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۵، ۵۳۶۰

مزرعه سمیان - ۲۳۰، ۲۳۲۰

مزرعه سنگ دیگ کلاجان - ۵۴۵۰

مزرعه شیرین آباد - ۷۸، ۸۰۰

مزرعه طالب آباد - ۲۴، ۲۵۰

مزرعه عراقی - ۲۵۷، ۲۶۱۰

مزرعه کرد علی - ۵۴۶۰

مزرعه میرزا هاشمی واقع در نامتالو - ۷۱۰

۷۲۰

مزرعه واکانو - ۷۸، ۷۹، ۸۰۰

مستکیان [قریه...] = کنیزک - ۷۸، ۷۹۰

محمد هادی بن میرزا رفیع الملك [میرزا...]

۳۳۰

محمد هادی قانچی [حاجی...] - ۲۲۰۰

محمد هادی ولد حاجی ملازکی - ۵۸۰، ۵۸۲۰

محمد هاشم مفیدی موسوی - ۵۵۹۰

محمد یار فیروزی - ۲۳۷۰

محمد یوسف [حاجی...] - ۲۲۹۰

محمد یوسف غلام - ۲۰۰

محمد یوسف مازندرانی ساکن کشته - ۳۲۲۰

محمد [آقا...]، (از موقوف علیهم یساقی) - ۳۵۴۰

محمود آقا بن محمد حسین آقای زیادلو - ۱۰۱۰

محمود خان - ۳۴۸۰

محمود خان بن حاجی رحیم خان دولوی قاجار -

۵۰۲۰

محمود خان ده پیازی - ۷۴، ۷۵، ۸۲۰

مدرسه آقا محسن (در محله میدان استرآباد) -

۵۳۹۰

مدرسه امیر خان سردار - ۵۵۲۰

مدرسه حاجی محمد تقی خان - ۱۶۷، ۴۷۹۰

مدرسه خسرویه - ۵۱۷، ۵۱۸۰

مدرسه درب نو - ۵۴۶۰

مدرسه شفاغیه = مدرسه دار الشفاء - ۲۵۷، ۲۵۸۰

۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۳۱۲۰

مدرسه صالحیه - ۴۹۵۰

مدرسه محسنیه - ۵۷۱۰

مدرسه مفیدی استرآباد (در راسته بازار کهنه) -

۳۱، ۱۲۴، ۲۷۱۰

مدرسه والدۀ ملک آرا - ۵۱۷، ۵۱۸۰

مدینه طیبه - ۴۳۶۰

مرادقلی [کربلایی...]، (از پیر مردان قلندر -

محله) - ۲۸۷، ۲۹۱۰

مرتضی تبر تراش ساکن امیرده - ۳۱۹۰

- مستوفی الممالك - ۴۰۴.
مستی ناور - ۷۹.
مسجد جامع استرآباد - ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹.
۲۶۰، ۲۶۱، ۳۱۵، ۵۰۶، ۵۰۹.
مسعود السلطان - ۴۸۵.
مشهد مقدس - ۵۶۱.
مصطفی - ۸۲.
مصطفی خان - ۸۰.
مصطفی خان کیای کرد محله ای [حاجی...] - ۳۱۴، ۱۴۳، ۱۲۸.
مصطفی قلی آقا بن محرم آقا - ۳۸.
مصطفی قلی خان قاجار - ۱۴۳، ۱۴۴.
مظفر انصاری [مولانا] - ۲۲۷.
میرالدین محمد موسوی حسینی [حاجی میرزا...] - ۲۹، ۳۳۳، ۳۳۵، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۰.
معصوم زاده چهارشنبه = شاهزاده محسن - ۱۰۸.
معصوم خانم (از وراث احمد خان شامبیاتی) - ۸۸.
معین الدین محمد الحسنی - ۲۲۷.
مفید بن سید احمد موسوی [آقا سید...] - ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۸، ۴۲۵، ۵۱۵.
مفید بن میرزارفیع المملك [میرزا سید...] - ۳۳، ۳۸.
مفید بن محمد باقر [حاجی سید...] - ۲۷۴.
مفید موسوی استرآبادی [حاجی سید...] - ۴۵، ۴۷، ۸۳، ۱۵۸، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۴.
۴۶۰، ۴۶۱.
مقبره پیر بالا - ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳.
مقیم [حاجی میرزا...]، [محاسب سلیمان خان] - ۴۸۲.
مکه - ۴۳۶.
مکس کرس - ۲۸۷.
ملا اسماعیل [آخوند...]، [ناظر موقوفات مدرسه
محمد تقی خان بالارستانی] - ۵۷۷.
ملاحسن روضه خوان استرآبادی - ۵۵۵.
ملاحسین - ۱۲۶.
محمد حسین بن محمد صادق کلانتر مشهور به
قربابی رامیانی - ۵۳۲، ۵۳۳.
محمد حسین گاو [شیخ...] - ۲۵۹.
ملارضا [حاجی...] - ۵۸۰.
ملارضای استرآبادی [آخوند...]، [متولی موقوفه
سلیمان خانی] - ۵۳۱.
ملازکی [حاجی...] - ۵۷۹، ۵۸۱، ۵۸۲.
ملا عباسعلی کلانتر - ۵۵۰.
ملا عبدالله (متولی موقوفات محمد قلی میرزا
ملك آرا) - ۵۱۰.
ملاعلی جانی - ۲۷۶.
ملاعلی کندایی - ۴۴۴.
ملاحسن سعدآبادی (ناظر موقوفات محمد تقی
خان هزارجریبی) - ۵۱۵.
ملاحمد اسماعیل [آقا...] - ۵۵۱.
ملاحمد تقی [حاجی...] - ۴۸۲.
ملاحمد جعفر استرآبادی - ۵۸۰، ۵۸۱.
ملاحمد زکی - ۴۹۱.
ملاحمد علی - ۵۲۳.
ملاحمد علی سروی - ۵۸۰.
ملك آرا = محمد قلی میرزا صاحب اختیار
استرآباد و مازندران - ۴۱۱، ۵۱۹، ۵۲۰.
۵۲۱، ۵۲۲.
ملك آقا بیگ کناری، ۲۷۹.
ملك آقا حسین - ۱۰۵.
ملك آقا محمد - ۲۷۸.
ملك احمد - ۳۴۰.
ملك اسماعیل - ۱۲۶.

- ملك اسماعيل (از پير مردان لمسك) - ۲۹۱ .
 ملك اماموردی - ۳۲۲ .
 ملك باقر سرخانكلائی - ۲۳۷ .
 ملك جعفر قلی (از پير مردان قلندر محله) - ۲۹۱ ، ۲۸۷ .
 ملك جمال الدين - ۲۸ .
 ملك جمال الدين - ۲۳۷ .
 ملك جمشید ساكن اميرده - ۳۱۹ .
 ملك جهان خانم بنت نصير خان - ۱۳۴ .
 ملك حاجی كمانگر كشته ای - ۳۲۰ .
 ملك حاجی محمد كمانگر كشته ای - ۲۸۰ .
 ملك حسن بن ملك علی بیگ ناتلی - ۱۰ ، ۹ .
 ملك حسن ركابداری ساكن كشته - ۳۲۰ .
 ملك حسنعلی سرخانكلائی - ۲۳۸ .
 ملك حسین بن عماد - ۲۷۹ .
 ملك حسین كمانگر كشته ای - ۲۷۸ .
 ملك رستم شعبان ساكن ترنگ - ۲۲۴ .
 ملك زاده قلیچ ناتلی - ۱۸ .
 ملك سردار تلوعزی - ۳۲۱ .
 ملك سلطان محمد ساكن كشته - ۳۲۰ .
 ملك سلطان ناتلی - ۱۰ ، ۹ .
 ملك شاه بیگ ناتلی - ۱۰ ، ۹ .
 ملك شاه حسین سنگدوینی - ۲۳ .
 ملك شاه محمد کیقبادی - ۳۲۰ .
 ملك شیرعلی مرزا نكلائی - ۲۳۸ .
 ملك عباس - ۱۰۵ .
 ملك عباس بن ملك محمدعلی - ۹۸ ، ۹۶ ، ۹۹ .
 ملك عزیز تلوعزی - ۳۲۱ .
 ملك علی بیگ ناتلی - ۱۰ ، ۹ .
 ملك علی بیگ جابینی - ۲۷۶ .
 ملك علیرضا میرده ای - ۲۷۸ .
 ملك علی زاق امیردهی - ۳۲۰ .
 ملك علی كلجوئی - ۳۲۱ .
 ملك غره جنگل - ۵۸ .
 ملك قلی - ۲۸۸ .
 ملك كاظم - ۲۴۵ .
 ملك كاظم (ساكن چوبلانی) - ۳۴۰ ، ۳۴۱ .
 ملك كاظم ، ۳۴۲ ، ۳۴۳ .
 ملك كاظم (مأمورشاهرخ درمیر محله) - ۴۷۴ .
 ملك محمد - ۳۲۲ .
 ملك محمد (عموی محمد حسن) - ۴۷۶ .
 ملك محمد تقی کیقبادی - ۳۲۰ .
 ملك محمد حسین - ۲۴۵ ، ۳۴۰ .
 ملك محمد حسین سید میرانی - ۱۵۴ .
 ملك محمد حسین فیروز شاه - ۱۳ .
 ملك محمد علی جابینی - ۲۷۶ .
 ملك محمد علی چگنی - ۱۰۶ .
 ملك محمد علی كمانگر - ۳۲۰ .
 ملك محمد مرزبان كلاته ای - ۳۲۰ .
 ملك محمد میر حاج - ۲۲۴ .
 ملك مراد امیردهی - ۲۷۸ .
 ملك مراد مرزبان كلاته ای - ۳۲۰ .
 ملك مراد مقری ساكن رباطو - ۳۲۰ .
 ملك مرتضی زاق امیردهی - ۳۲۰ .
 ملك مصطفی كشته ای - ۳۲۱ .
 ملك مقیم كمانگر محله ای - ۳۲۰ .
 ملك میرزا محمد بن ملك سلطان - ۱۰ ، ۹ .
 ملك نارین - ۳۲۰ .
 ملك ولی بوالحسن - ۳۲۰ .
 ملك ولی بیگ بن ملك شاه بیگ ناتلی - ۱۰ ، ۹ .
 ملك یوسف - ۲۸۹ .
 ملیار جنت گذر مقبره - ۱۵۷ .
 ملیار واقع در شهر استرآباد - ۴۷۸ .

- موسی [آقامیر...]، (از موقوف علیهم چوپلانی) -
 ۰۹۸، ۱۱۲
 موسی [مشهدی...] - ۲۸۹
 موسی [میر...] - ۳۲۰
 موسی بن آقامحمد کریم موسوی [آقامیر...] - ۱۱۲
 موسی الحسینی [میر...]، (از موقوف علیهم خانه
 محله پاسرو) - ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲
 ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵
 ۲۶۶، ۲۶۸
 موسی خان [امیر...] - ۴۳۱
 موسی خان پسر مهدی قلی خان قاجار قوآنلو -
 ۵۲، ۸۳، ۸۴
 موسی دراز گیسو [آقا...]، (از موقوف علیهم قریه
 میر محله در سال ۱۳۴۰ قمری) - ۲۰۴
 ۲۰۵، ۲۰۸
 موسی یورت - ۳۳۰
 مهدی حسینی استرابادی [آقاسید...] - ۲۸۷
 ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۸۱
 مهدی [مشهدی...]، (از رعایای سعدالله خان) -
 ۳۵۱، ۳۵۲
 مهدی [مشهدی...]، (از پسر مردان قلندر محله) -
 ۲۸۸، ۲۹۱
 مهدی [میرزا...]، (از ورثه میرزا حسین هروی) -
 ۴۸۳
 مهدی آقا بن حاجی محمد حسن آقا - ۱۵۲
 مهدی بن ملا اسماعیل پیشنماز [ملا...] - ۲۶۷
 مهدی بن ملا کاظم [ملا...] - ۲۵۸
 مهدی بیگ بظامی - ۷۶
 مهدی قلی خان قاجار قوآنلو - ۴۹، ۸۳
 مهر احمد [حاجی...] - ۵۴۶
 مهر علی [آخوند ملا...] - ۱۰۳
 مهر علی آقا ولد حاجی رضا خان دولوی قاجار -
 ۵۴۵، ۵۶۶
 مهر علی خان - ۵۰
 میان آباد (از دهکده های فخر عمادی) - ۹۴
 ۹۵، ۹۶، ۹۷
 میان بلوک - ۲۳۰
 میان دره = کردچمن - ۴۹۵، ۱۱۴
 میان دورود - ۷۸
 میان قاپی در گذر پیر استراباد - ۱۸۴، ۱۹۳
 میان وال - ۲۹۰، ۲۹۲
 میدان مرزنکلاته - ۳۳۰
 میر آب دیوان سدن - ۲۹۳
 میرابول ولد حاجی میر قاسم کناره ای - ۳۲۱
 میر اشرف میان بلوکی [کر بلائی...] - ۲۳۳
 میر بابای نوچمنی - ۱۶۵
 میرزا بابای پرناک - ۲۶۰
 میرزا بیگ بن خواجه محمد مؤمن کیودجامه -
 ۹، ۱۰، ۱۱
 میرزا بیگ غلام - ۱۷
 میرزا حسایی حسینی استرابادی [پدر...] - ۴۸۸
 میرزا حسایی حسینی استرابادی [پسر...] - ۴۸۹
 میرزا زرگر ساکن کیقباد - ۳۲۰
 میرزا علی (از رعایای کل علی خان) - ۳۵۱
 ۳۵۲
 میرزا علی استرابادی [ملا...] - ۳۲۱
 میرزا مقیم وزیر لشکر استراباد - ۱۸۱، ۲۹۲
 ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۷۱، ۳۷۲، ۴۰۶
 میرزای موسوی - ۳۴
 میر شاه محمد مرزبان کلاته ای - ۳۲۰
 میر علیار - ۳۲۲
 میر عیسی استرابادی [حاجی...] - ۲۹
 میرک سلطان - ۱۹
 میر محله = میر و محله - ۹۸، ۱۲۲، ۲۰۴

- نجفقلی خان سرتیب (از اولاد محمد تقی خان هزارجریبی) - ۲۱۰، ۵۶۱، ۵۷۶.
- ندرسلطان عباس - ۱۲۶.
- نرسی آباد سفلی - ۵۰۱، ۵۰۲.
- نرسی آباد علیا - ۵۰۲.
- نسقچی باشی - ۷۴، ۷۵.
- نصراالله [آقا ملا...] - ۱۷۶.
- نصراالله [حاجی شیخ...] - ۹۹، ۲۶۸، ۳۲۵.
- نصراالله خان بن مهدیقلی خان قوآنلو - ۵۳.
- نصراالله خان سرتیب طهرانی الاصل استرآباد مسکن - ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳.
- نصراالله معروف به اجتهاد [حاجی سید...] - ۲۴۹، ۴۴۴، ۲۵۰.
- نصراالله میر کریمی [سید...] - ۲۶۰.
- نصرت خانم (عمه آقا میرزا محمد خان) - ۱۸۲.
- نصر السلطنه (حکمران استرآباد) - ۴۷۹.
- نصیر [کر بلائی...] - ۱۳۶.
- نصیر خان کر دمحلای - ۱۱۰.
- نصیرالدین محمد بن خواجه شیخ محمد - ۶.
- نظام الدین [آقا...]، (از موقوف علیهم یساقی) - ۳۵۴.
- نظام الدین احمد [امیر سید...] - ۸، ۶۵.
- نظام الدین علی المفضل الحسینی - ۳۱۰.
- نظر خان (اجاره دار آزاد محله) - ۲۹۳، ۲۹۶.
- نظر پسر کر بلائی یوسف (از رعایای دودانگه) - ۴۶۷.
- نظر علی خان - ۴۲۰.
- نظر علی خان بن مصطفی خان کیای کر دمحلای - ۱۲۸، ۱۲۹.
- نفتخواجه = حیدربک - ۳۳۲، ۳۳۵.
- نقدعلی بیگه غلام ترکمان - ۳۴۷.
- ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۴۸، ۲۰۸.
- ۳۴۱، ۳۴۰، ۲۸۴، ۲۶۸، ۲۶۶، ۴۶۴.
- ۳۹۷، ۳۴۶، ۳۴۵، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۲.
- ۴۲۳، ۴۱۳، ۴۰۳، ۴۰۲، ۴۰۰، ۳۹۹.
- ۴۷۴، ۴۷۳، ۴۵۱، ۴۴۶، ۴۳۲، ۴۲۸.
- ۵۸۵، ۵۸۴، ۴۸۲، ۴۸۱.
- میر محمد رضا کشته ای - ۳۲۲.
- میر موسی [آقا...]، (پدر حاجی سید فضل الله استرآبادی) - ۷۵.
- میرولی قلیچی - ۱۹.
- میر و محله = میر محله - ۱۳، ۲۹، ۶۳، ۲۴۵.
- ۳۱۷، ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۸، ۲۸۱، ۲۷۷.
- ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۱، ۳۲۰، ۳۱۹، ۳۱۸.
- ۴۴۵، ۴۴۱، ۴۰۵، ۳۴۵.
- میلیک [قریه...] - ۵۱۸.
- میند بیج لو [قریه...] - ۵۱۸.
- ن
- نادر شاه افشار - ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱.
- ناصر الدین [آقا...]، (از مالکان یساقی) - ۳۵۴.
- ناصر الدین شاه قاجار - ۴۷۵، ۴۷۹.
- ناصر الدین محمد شطابادی - ۷.
- نامتالو (از بلوک فندرسک) - ۷۱.
- ناور توت جنگل - ۲۰، ۲۱.
- ناور قرا بیان (در قریه سنگدوین) - ۲۰، ۲۱.
- ناور زیر پهناب - ۳۴۰.
- ناور قورچی - ۵۸.
- ناورهای قریه مستکیان - ۷۹.
- نبی پیش نماز [ملا...] - ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱.
- نجاشی، ۴۳۷، ۴۳۸.
- نجف آقا بن مرتضی قلی آقا قاجار قراموسی لو - ۱۹۳.
- نجفقلی آقا بن کر بلائی محمد زمان - ۱۹۷، ۱۹۸.

- نواحی - ۵۶۳ .
نودهی - ۳۴۲ .
نورعلی سعدآبادی [حاجی...] - ۱۶۵، ۱۶۲،
۱۹۶، ۱۹۵ .
نوروز امیردهی - ۳۲۲ .
نوروزخان (خریدار قریه یالو) - ۴۲۰ .
نوروز علی پسر کسربلانی یوسف (از رعایای
دودانکه) - ۴۶۷ .
نوش آفرین خانم دختر محمد بن محمدحسن
آقای قاجار - ۱۸۴، ۱۸۶ .
نهر برزاجرد - ۷۹ .
نهر چشمه تازیکه - ۵۳۷ .
نهر فرهاد بند - ۶۳ .
نهر گرچی - ۳۳ .
نهر گرچی وال - ۲۱ .
نیازعلی خان - ۳۸ .
نیازقلی قانچی - ۲۲۰ .
و
وال بهارک - ۵۷۶، ۵۷۷ .
وال چالپل - ۳۵۱ .
وال حسن کریمه - ۳۵۱ .
والده آقاباسی بنت محمدرضا موسوی - ۶۷ .
وال دیوان = آب دیوان - ۳۵۷، ۳۵۸،
۳۶۰ .
وال کله باغ - ۳۵۱ .
وال متصل به تپه قبران - ۲۹۷، ۲۹۸ .
ورثه آقا علی اصغر مفیدی - ۳۶۱ .
ورسن - ۲۹۰ .
وطن [قریه...] - ۵۳۶ .
وکیل التجار - ۲۰۵، ۲۰۹ .
ولاش باغ - ۳۳۰ .
ولاشکی [قریه...] - ۴۷۸، ۴۸۰ .
ولدان حاجی کله - ۳۱۰، ۳۱۲ .
ولدان کربلانی صالح - ۳۱۰، ۳۱۲ .
ولد حاجی رضا - ۳۱۶ .
ولدطالب - ۳۱۰، ۳۱۲ .
ولد قربانعلی - ۳۱۶ .
ولد کلبعلی - ۳۱۰، ۳۱۲ .
ولد مهدی (از رعایای سعدالله خان) - ۳۵۲ .
ولغرا (از دهکده های انزان) - ۵۸۳ .
ولندان [قریه...] - ۷۹، ۸۰ .
ولی الله دراز گیسو بن آقا سید ابراهیم [آقا...] -
۲۱۳، ۲۱۴، ۳۷۶ .
ولی بك - ۲۷۰ .
ولی جان آقا شامیاتی (راهدار شارع خرمارود) -
۱۱ .
ولی دودانگی (کربلانی...) - ۲۶۹، ۲۷۰ .
ولی غازی ساکن چغن - ۳۲۰ .
ولیعلی حاجلو - ۲۳۲ .
ویرو [قریه...] - ۵۳۶ .
ه
هاجر (همشیره صلی محمد ابراهیم) - ۴۴، ۴۳ .
هادی [سید...] - ۴۰۸ .
هادی [میرزا...] - ۲۹۱ .
هادی آقا (از اخلاف حاجی محمدحسن آقا
یانچی قاجار) - ۱۵۲ .
هادی بن سید محمد طاهر الحسینی [آقا میرزا
...] - ۱۹۹، ۲۰۰ .
هادی خان [میرزا...]، (سررشته دار عموم طایفه
هروی) - ۳۰۴، ۳۰۵ .
هادی سرپیری [آقا شیخ...] - ۵۵۸ .
هاشم [میرزا...] - ۲۸۸ .
هاشم آباد - ۲۸۷، ۲۸۹ .
هاشم بن آقا میرزا عبد الوهاب دیلمی استرآبادی
[حاجی میرزا...] - ۱۱۴ .

- هبة الله الخطيب بن امير سيد فخر الدين احمد
 دراز گیسو - ۵ .
 هدايت الله [آقا...]، (ازموقوف عليهم يساقى) -
 ۳۵۴ .
 هدايت الله بن آقا محمد محسن شيخ الاسلام
 [ميرزا...] - ۴۶۸ .
 هدايت الله موسوى [آقا...] - ۱۵۶ ، ۴۶۹ .
 ی
 يادگار محمد بن خواجه محمد حسين بنكچى -
 ۱۰۰۹ .
 يالو [قرية...] - ۱۵۴ ، ۴۲۰ .
 يحيى [آقا...]، (ازموقوف عليهم يساقى) - ۳۵۴ .
 يحيى الخادم بن محمد حسين - ۲۶ .
 يحيى مفيدى بن آقا سيد اسماعيل - ۳۷۲ .
 يخچال چهار باغ متعلق به شاهكوه - ۵۵۲ ،
 ۵۵۵ .
- يدالله [ميرزا...] - ۸۰ .
 يساقى [قرية...] - ۳۵۴ ، ۳۵۵ .
 يعقوب على خان - ۵۴۹ .
 يموت - ۳۸۹ .
 يورت دولت شاهی - ۷۹ .
 يورد عباس آباد - ۳۴۹ .
 يوسف - ۱۲۶ .
 يوسف [كر بلائى . . .] - ۴۶۷ .
 يوسف بن ميرزا آقاى مستوفى - ۲۹۶ .
 يوسف حكيم باشى [آقا ميرزا . . .] - ۲۸۸ ،
 ۳۷۲ .
 يوسف على [آقا...]، (از پير مردان مرزبانكلا ته)
 - ۲۸۵ .
 يونس آباد (مزرعه اى در ولايت بسطام) - ۴۷۲ ،
 ۵۴۷ ، ۵۶۹ .

فهرست انتشارات انجمن آثار ملی

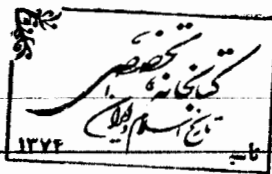
شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱ -	فهرست مختصری از آثار و ابنیه تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲ -	آثار ملی ایران (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	مهر ماه ۱۳۰۴
۳ -	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴ -	کشف دولوح تاریخی در همدان (تحقیق پرفسور هرتسفلد - ترجمه آقای مجتبی مینوی)	اسفند ماه ۱۳۰۵
۵ -	سه خطابه درباره آثار ملی و تاریخی ایران (از محمد علی فروغی و هرتسفلد و هانی بال)	مهر ماه ۱۳۰۶
۶ -	کشف الواح تاریخی تخت جمشید (پرفسور هرتسفلد)	بهمن ماه ۱۳۱۲
۷ -	کنفرانس محمد علی فروغی راجع به فردوسی	بهمن ماه ۱۳۱۳
۸ -	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (به قلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹ -	تجلیل ابوعلی سینا در پنجمین دوره اجلاس یونسکو در فلورانس	اسفند ماه ۱۳۲۹
۱۰ -	رساله جودیه ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر محمود نجم آبادی)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۱ -	رساله نبض ابن سینا (به تصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)	اسفند ماه ۱۳۳۰
۱۲ -	منطق دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح آقایان سید محمد مشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳ -	طبیعیات دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح آقای سید محمد مشکوة)	۱۳۳۱
۱۴ -	ریاضیات دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح آقای مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵ -	الهیات دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر محمد معین)	۱۳۳۱
۱۶ -	رساله نفس ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷ -	رساله ای در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات (به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸ -	ترجمه رساله سرگذشت ابن سینا (از آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	-
۱۹ -	معراج نامه ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	-
۲۰ -	رساله تشریح اعضاء ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	-
۲۱ -	رساله قراضه طبیعیات منسوب به ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	-

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۲۲-	ظفر نامه منسوب به ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	۱۳۴۸
۲۳-	رساله کنوز المعزمین ابن سینا (به تصحیح آقای جلال الدین همائی)	۱۳۳۱
۲۴-	رساله معیار العقول - جر ثقیل - ابن سینا (به تصحیح آقای جلال الدین همائی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵-	رساله حی بن یقظان ابن سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن سینا (به تصحیح آقای هانری کربن)	۱۳۳۱
۲۶-	جشن نامه ابن سینا (مجلد اول - سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷-	ترجمه مجلد اول جشن نامه به فرانسه (به وسیله آقای سعید نفیسی)	۱۳۳۱
۲۸-	ترجمه اشارات و تنبیهات (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر)	۱۳۳۲
۲۹-	پنج رساله فارسی و عربی از ابن سینا (به تصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰-	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمین ماه ۱۳۳۳
۳۱-	جشن نامه ابن سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگره ابن سینا)	۱۳۳۴
۳۲-	جشن نامه ابن سینا مجلد سوم (کتاب المهر جان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگره ابن سینا	۱۳۳۵
۳۳-	جشن نامه ابن سینا مجلد چهارم (شامل خطابه های اعضای کنگره ابن سینا به زبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴-	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سر لشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵-	جبر و مقابله خیام (به تصحیح و تحشیه آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹
۳۶-	شاهنامه نادری تألیف مولانا محمد علی فردوسی ثانی (به تصحیح و تحشیه آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷-	اشتر نامه شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و تحشیه آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸-	حکیم عمر خیام بنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹-	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازاده شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰-	درة نادره تألیف میرزا مهدی خان (با تصحیح و تحشیه آقای دکتر سید جعفر شهیدی)	۱۳۴۰

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۴۱-	شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲-	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳-	نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمه آقای دکتر علی اصغر حریری (به اهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴-	دیوان غزلیات و قصائد عطار (به اهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی)	۱۳۴۱
۴۵-	جهانکشی نادری تألیف میرزا مهدی خان استرآبادی (با تصحیح و تعلیق آقای سید عبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶-	طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری) تألیف یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمه و تصحیح و تحشیه آقای جلال الدین همائی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷-	نادره ایام، حکیم عمر خیام و رباعیات او به قلم آقای اسماعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸-	اقلیم پارس (آثار باستانی و ابنیه تاریخی فارس). تألیف سید محمد تقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹-	سفارش نامه انجمن آثار ملی	اردی بهشت ۱۳۴۴
۵۰-	یادنامه شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱-	ذخیره خوارزمشاهی، تألیف زین الدین ابوالبراهیم اسماعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری (به اهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر محمد حسین اعتمادی- دکتر محمد شهراد- دکتر جلال مصطفوی (کتاب نخستین) ۲۵ شهریور ۱۳۴۴	۱۳۴۴
۵۲-	دیوان صائب، با حواشی و تصحیح به خط خود استاد- مقدمه و شرح حال به خط و خامه استاد امیری فیروزکوهی	۱۳۴۵
۵۳-	عرائس الجواهر و نقایس الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی به سال ۷۰۰ هجری با مقدمه و کوشش آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴-	ری باستان (مجلد اول) مباحث جغرافیائی شهرری به عهد آبادی تألیف دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵-	خیامی نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال الدین همائی	آبان ماه ۱۳۴۶

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۵۶-	فردوسی وشعرا و تألیف آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ماه ۱۳۴۶
۵۷-	خردنامه تألیف و نگارش ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی به کوشش	
۵۸-	آقای عبدالملی ادیب برومند فرهنگ و اژه‌های فارسی در زبان عربی تألیف آقای سید محمدعلی	فروردین ۱۳۴۷
۵۹-	امام شوشتری کتابشناسی فردوسی، فهرست آثار و تحقیقات در باره فردوسی و	تیرماه ۱۳۴۷
۶۰-	شاهنامه، تدوین آقای ایرج افشار	مرداد ۱۳۴۷
۶۱-	روزبهان نامه به کوشش آقای محمدتقی دانش‌پژوه	اسفند ۱۳۴۷
۶۲-	کشف الابیات فردوسی (جلد اول) به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۳-	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش دکتر محمدعلی	
۶۴-	اسلامی ندوشن	خرداد ۱۳۴۸
۶۵-	آثار باستانی کاشان و نطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر ۱۳۴۸
۶۶-	بزرگان شیراز تألیف آقای رحمت‌الله مهر از	آبان ۱۳۴۸
۶۷-	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان	
۶۸-	تألیف آقای احمد اقتداری	آذر ۱۳۴۸
۶۹-	تاریخ بناکتی به کوشش دکتر جعفر شعار	دی ۱۳۴۸
۷۰-	عهد اردشیر بر گرداننده به فارسی سید محمدعلی امام شوشتری	دی ۱۳۴۸
۷۱-	یادگارهای یزد (جلد اول) تألیف آقای ایرج افشار	بهمن ۱۳۴۸
۷۲-	ری باستان (مجلد دوم) تألیف آقای دکتر حسین کریمان	خرداد ۱۳۴۹
۷۳-	از آستارا تا استاراباد (جلد اول بخش اول)، آثار و بناهای تاریخی	
۷۴-	گیلان بیه‌پس، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیر ۱۳۴۹
۷۵-	یادنامه فردوسی حاوی مقالات و چکامه‌ها به مناسبت تجدید آرامگاه	
۷۶-	حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان ۱۳۴۹
۷۷-	فردوسی و شاهنامه او به اهتمام آقای حبیب یغمائی	آذر ۱۳۴۹
۷۸-	فیلسوف ری، محمد بن زکریای رازی تألیف آقای دکتر مهدی محقق	آذر ۱۳۴۹
۷۹-	سرزمین قزوین تألیف آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر ۱۳۴۹
۸۰-	یادنامه شادروان سید حسن تقی‌زاده به اهتمام حبیب یغمائی	بهمن ۱۳۴۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۷۶-	ذخیره: خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابوالبراهیم اسماعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی - (کتاب دوم) بهمن ۱۳۴۹	۱۳۴۹
۷۷-	نظری اجمالی به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن	۱۳۴۹
۷۸-	تألیف آقای دکتر محمد حواد مشکور	بهمن ۱۳۴۹
۷۸-	تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان	فروردین ۱۳۵۰
۷۹-	نوشتۀ آقای یحیی ذکاء	فروردین ۱۳۵۰
۷۹-	کشف الایات شاهنامه فردوسی - جلد دوم - به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی خرداد ۱۳۵۰	۱۳۵۰
۸۰-	آثار باستانی و تاریخی لرستان - جلد نخست - تألیف آقای حمید ایزدپناه تیر ۱۳۵۰	۱۳۵۰
۸۱-	دردر بار شاهنشاه ایران، تألیف ا. کمپفر آلمانی - ترجمۀ آقای کیکاووس	۱۳۵۰
۸۱-	جهانداری	مرداد ۱۳۵۰
۸۲-	نگاهی به شاهنامه، تألیف آقای پروفیسور فضل الله رضا	شهریور ۱۳۵۰
۸۳-	مونس الاحرار فی دقایق الاشعار (جلد ۲) تألیف محمد بن بدر جاجرمی	شهریور ۱۳۵۰
۸۳-	به سال ۷۴۱ هجری با تحشیه و تفسیر آقای میر صالح طبیبی	شهریور ۱۳۵۰
۸۴-	مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر	شهریور ۱۳۵۰
۸۴-	قائم مقامی	شهریور ۱۳۵۰
۸۵-	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضا زاده شفق	مهر ۱۳۵۰
۸۶-	دانش و خرد فردوسی فراهم آورده دکتر محمود شفیعی	مهر ۱۳۵۰
۸۷-	وقفنامه ربع رشیدی (چاپ عکسی) از روی نسخه مورخ ۷۰۹	اسفند ۱۳۵۰
۸۸-	قمری زیر نظر آقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار	اسفند ۱۳۵۰
۸۸-	ذیل جامع التواریخ رشیدی تألیف حافظ ابرو مورخ دوران تیموری	اسفند ۱۳۵۰
۸۹-	با مقدمه و تعلیقات آقای دکتر خانبا با بیانی	اسفند ۱۳۵۰
۸۹-	از استادان آذربایجان (مجلد دوم) آثار و بناهای تاریخی گیلان	خرداد ۱۳۵۱
۹۰-	بیه پیش تألیف دکتر منوچهر ستوده	خرداد ۱۳۵۱
۹۰-	نصیحة الملوك تألیف امام محمد غزالی با مقدمه و تصحیح و تحشیه استاد جلال الدین همائی	آذرماه ۱۳۵۱
۹۱-	آثار باستانی آذربایجان (جلد اول - شهرستان تبریز) تألیف	آذرماه ۱۳۵۱
۹۲-	آقای عبدالملی کارنگ	دیماه ۱۳۵۱
۹۲-	مجموعه انتشارات قدیم انجمن	دیماه ۱۳۵۱



شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۹۳-	مجموعه مقالات فروغی درباره شاهنامه و فردوسی با اهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن ماه ۱۳۵۱
۹۴-	داستان داستانها - رستم و اسفندیار - تنظیم متن و شرح و توضیح	اسفندماه ۱۳۵۱
۹۵-	به گوش دکترو محمدعلی اسلامی ندوشن	اسفندماه ۱۳۵۱
۹۵-	فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاءالملک حسینی شوشتری	خردادماه ۱۳۵۲
۹۶-	(قرن ۱۱ هجری) با مقدمه و تصحیح و تعلیق آقای جلال محدث	خردادماه ۱۳۵۲
۹۶-	تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری تألیف دکتر محمدجواد مشکور	تیرماه ۱۳۵۲
۹۷-	ذخیره خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابوابراهیم اسمعیل جرجانی	۱۳۵۲
۹۷-	سنه ۵۰۴ هجری باهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی جلد سوم	شهریور ۱۳۵۲
۹۸-	ترجمه يك فصل از آثار الباقیه ابوریحان بیرونی بخامه علیقلی میرزا	۱۳۵۲
۹۸-	اعتضاد السلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر	۱۳۵۲
۹۸-	دانا سرشت با مقدمه والحقاتی از ایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹-	مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران تألیف	۱۳۵۲
۹۹-	آقای جلیل ضیاءپور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰-	سیر فرهنگ ایران در بریتانیا یا تاریخ دوست ساله مطالعات ایرانی	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰-	تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۱-	آثار ملی اصفهان تألیف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۲-	سیراف (بند طاهری) تألیف آقای غلامرضا معصومی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۳-	فرهنگ فارسی به پهلوی تألیف آقای دکتر بهرام فره‌وشی استاد	۱۳۵۲
۱۰۳-	دانشگاه تهران	فروردین ۱۳۵۳
۱۰۴-	کتابشناسی کتابهای خطی تألیف شادروان دکتر مهدی بیانی استاد	۱۳۵۳
۱۰۴-	فقید دانشگاه به کوشش آقای حسین محبوبی اردکانی	خرداد ۱۳۵۳
۱۰۵-	تاریخ بافت قدیمی شیراز تألیف آقای کرامت‌الله افسر	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۶-	فرار از مدرسه در باره زندگی و اندیشه ابو حامد غزالی	۱۳۵۳
۱۰۶-	تألیف آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۷-	بیرونی نامه - پژوهش و نگارش آقای ابوالقاسم قربانی	مهرماه ۱۳۵۳
۱۰۸-	جامع جعفری - تاریخ یزد در دوران نادری و زندیه و عصر	۱۳۵۳
۱۰۸-	سلطنت فتحعلی شاه - تألیف محمدجعفر بن محمدحسین	۱۳۵۳
۱۰۸-	نائبینی متخلص به «طرب» به کوشش آقای ایرج افشار	آبان ۱۳۵۳

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱۰۹-	کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم ، تألیف ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی ، با تجدید نظر و تعلیقات و مقدمه تازه به خامه استاد جلال الدین همائی	دی ماه ۱۳۵۳
۱۱۰-	(دیار شهریاران) آثار و بناهای تاریخی خوزستان جلد نخستین بخش اول - تألیف آقای احمد اقتداری	خرداد ۱۳۵۴
۱۱۱-	(دیار شهریاران) آثار و بناهای تاریخی خوزستان جلد نخستین بخش دوم - تألیف آقای احمد اقتداری	خرداد ۱۳۵۴
۱۱۲-	احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی بضمیمه (منتخب نورالعلوم) تألیف آن استاد بزرگوار باهتمام استاد مجتبی مینوی	تیر ماه ۱۳۵۴
۱۱۳-	شرح احوال و آثار دو بیتهای باباطاهر عریان به انضمام شرح و ترجمه کلمات قصار وی منسوب بعین القضاة همدانی (۴) با اصل و ترجمه کتاب (الفتوحات الربانیة فی مزج الاشارات الهمدانیة) بشرح و تفسیر محمد بن ابراهیم مشهور به خطیب وزیر بکوشش دکتر جواد مقصود	تیر ماه ۱۳۵۴
۱۱۴-	کتاب « الفارات » ، تألیف ابواسحق ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی کوهی اصفهانی باهتمام و تصحیح استاد میر جلال الدین محدث (بخش نخست)	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۵-	کتاب « الفارات » ، به شرح مذکور در شماره ۱۱۴ (بخش دوم)	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۶-	یادگارهای یزد (جلد دوم - شهر یزد) تألیف آقای ایرج افشار	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۷-	تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس از دوران فرمانروائی مفولان تا پایان عهد قاجاریه جلد اول تألیف دکتر ابوالقاسم طاهری	مهر ماه ۱۳۵۴
۱۱۸-	از آستارا تا استارباد «مجلد ششم» شامل اسناد تاریخی گریان بکوشش آقایان مسیح ذبیحی و دکتر منوچهر ستوده (بخش نخست)	مهر ماه ۱۳۵۴